

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجموعه قوانین افغانستان

۵

سوداگري قوانین قوانین تجارتي

جلد اول



مجموعه قوانین افغانستان – ۵

نام:	قوانین تجارتي - جلد اول
ناشر:	وزارت عدليه جمهوري اسلامي افغانستان
تهيه و ترتيب:	رياست نشرات
مدیرپروژه:	حیدر محقق رئیس نشرات
تدارکات و اداری:	سید محمد هاشمی رئیس امور مالی و اداری و احمد خالد عزیزى معاون واحد پروژه بانک جهانی در وزارت عدلیه
صفحه آرا:	امان الله صداقت، عباس رسولی و حسین امینی
مصححین:	نورعلم خان، حلیم سرورش، محمد رفیع عمری، احسان الله نیکزاد
مشاورین:	اسماعیل حکیمی، یماء قاسمیار
تاریخ نشر:	۱۳۸۸
تیراژ:	۵۰۰۰
چاپ:	اول
قیمت:	۲۸۰ افغانی
مطبعه:	مطبعه صنعتی احمد - کابل
تلفن ریاست:	۰۷۰۰۰۸۱۲۸
وب سایت:	www.moj.gov.af

کلیه حقوق چاپ برای وزارت عدلیه محفوظ است.

مجموعه قوانین تجاری – جلد اول

۱. اصولنامه تجارت مؤرخ ۱۳۳۶
۲. قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت..جریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۳. قانون شرکت های تضامنی.....جریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۴. قانون میانجیگری (مصالحه) تجاریجریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۵. قانون حکمیت تجاریجریده رسمی ۹۱۳، مؤرخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۰
۶. قانون سرمایه گذاری خصوصیجریده رسمی ۸۶۹، مؤرخ ۱۳۸۴/۹/۳۰
۷. قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف.....جریده رسمی ۹۵۶، مؤرخ ۱۳۸۷/۵/۵

فهرست

مقدمه ناشر ۳۱

قانون تجارت

باب اول

احکام عمومی

فصل اول: مقدمه	۳۵
فصل دوم: تجارت و اهلیت تجارتي	۳۷
فصل سوم: معاملات تجارتي	۴۰
فصل چهارم: ثبت تجارت	۴۵
فصل پنجم: عنوان تجارتي	۵۳
فصل ششم: رقابت غير قانونی	۶۱
فصل هفتم: دفاتر تجارتي	۶۴
فصل هشتم: نمایندگان تجار	۷۴
فصل نهم: نمایندگان سیار تجارتي	۷۸
فصل دهم: مامورین فروش	۷۹
فصل یازدهم: دلالی	۸۰

باب دوم

شرکتهای تجارتي

فصل اول: احکام عمومی	۸۷
فصل دوم: شرکت های تضامنی	۹۵
حصه اول:	۹۵
حصه دوم: مناسبات بین شرکاء	۹۹

۱۰۷	حصه سوم: مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث
۱۱۱	حصه چهارم: راجع به انحلال، تجزیه، اخراج شرکاء و الحاق بشرکت دیگر
۱۲۶	حصه پنجم: تصفیه شرکتهای تضامنی
۱۴۰	فصل سوم: شرکت تضامنی مختلط
۱۴۰	حصه اول: ماهیت و طرز تشکیل شرکت تضامنی مختلط
۱۴۲	حصه دوم: مناسبات شرکاء با یکدیگر
۱۴۵	حصه سوم: مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث
۱۴۹	فصل چهارم: شرکت سهامی (انونیم)
۱۴۹	حصه اول: ماهیت و صورت تشکیل شرکتهای سهامی (انونیم)
۱۶۵	حصه دوم: هیئت مدیره
۱۸۲	حصه سوم: هیئت نظار
۱۸۸	حصه چهارم: مجمع عمومی
۲۰۵	حصه پنجم: اسناد سهم
۲۱۳	حصه ششم: اسناد قرض
۲۱۸	حصه هفتم: ضیاع اسناد سهم و اسناد قرض
۲۲۱	حصه هشتم: انحلال و تصفیه شرکت های سهامی (انونیم)
۲۲۹	حصه نهم: حساب نفع و ضرر
۲۳۲	فصل پنجم: شرکتهای تضامنی مختلط سهامی
۲۳۶	فصل ششم: شرکتهای محدود المسئولیت

باب سوم اسناد تجاری

۲۴۱	فصل اول: برات
۲۴۱	حصه اول: تحریر و شکل برات
۲۴۵	حصه دوم: ظهنویسی
۲۵۰	حصه سوم: قبولی
۲۵۴	حصه چهارم: ضمانت
۲۵۶	حصه پنجم: موعد

۲۵۸	حصه ششم: تأديه
۲۶۱	حصه هفتم: حق رجوع در حال عدم قبول و عدم تأديه
۲۷۳	حصه هشتم: توسط
۲۷۷	حصه نهم: تعداد نسخه های برات
۲۷۹	حصه دهم: جعل كاری - تحريفات
۲۸۰	حصه يازدهم: مرور زمان
۲۸۱	حصه دوازدهم: احكام عموميه
۲۸۳	فصل دوم: حجت
۲۸۶	فصل سوم:
۲۸۶	حصه اول: چك
۲۹۰	حصه دوم: ظهرنويسی
۲۹۱	حصه سوم: ضمانت
۲۹۲	حصه چهارم: ارائه و تاديه
۲۹۵	حصه پنجم: چك های مخطوط (كراس) و چك های قابل انتقال به حساب
۲۹۷	حصه ششم: مراجعه بنا بر عدم تاديه
۳۰۰	حصه هفتم: تعدد نسخه های چك
۳۰۱	حصه هشتم: ساخته كاری و تحريفات
۳۰۱	حصه نهم: مرور زمان
۳۰۲	فصل چهارم: ضياع اسناد تجارتي

باب چهارم تعهدات تجارتي

۳۰۵	فصل اول: احكام عمومي
۳۱۵	فصل دوم: عقود تجارتي
۳۱۵	حصه اول: صورت انعقاد
۳۲۰	حصه دوم: تفسير عقود تجارتي
۳۲۲	حصه سوم: وسائل ثبوت عقود تجارتي
۳۲۳	فصل سوم: بيع تجارتي

۳۲۳	حصهٔ اول: احکام عمومی
۳۴۳	حصهٔ دوم: بعضی از انواع خصوصی بیع تجارتی فروش سیف
۳۵۶	فصل چهارم: قرض تجارتی
۳۵۸	فصل پنجم: رهن تجارتی
۳۶۵	فصل ششم: حواله طلبات
۳۶۹	فصل هفتم: حساب جاری
۳۷۴	فصل هشتم: تودیعات به گدام های عمومی
۳۸۳	فصل نهم: وکالت تجارتی
۳۹۳	فصل دهم: کمیشن کاری
۴۰۴	فصل یازدهم: کمیشن کاری نقلیات
۴۰۸	فصل دوازدهم: نقلیات
۴۰۸	حصهٔ اول: احکام عمومی
۴۰۹	حصهٔ دوم: نقل اموال
۴۲۹	حصهٔ سوم: ترانسپورت اشخاص
۴۳۵	فصل سیزدهم: بیمه
۴۳۵	حصهٔ اول: احکام عمومی بیمه
۴۳۶	حصهٔ دوم: بیمهٔ اموال
۴۵۶	حصهٔ سوم: بیمهٔ حریق
۴۶۰	حصهٔ چهارم: بیمهٔ ترانسپورت
۴۶۲	حصهٔ پنجم: بیمهٔ حیات
۴۶۸	حصهٔ ششم: بیمهٔ حوادث
۴۷۱	حصهٔ هفتم: بیمهٔ زراعتی
۴۷۲	حصهٔ هشتم: بیمهٔ سرقت
۴۷۳	حصهٔ نهم: مرور زمان
۴۷۵	تعدیلات

قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت

۴۸۶	فصل اول: احکام عمومی
۴۸۶	هدف
۴۸۶	داشتن جواز
۴۸۶	قابلیت تطبیق
۴۸۷	اصطلاحات
۴۹۳	فصل دوم: شرایط ثبت شرکت سهامی
۴۹۳	ثبت اسناد
۴۹۴	ترتیب سند
۴۹۴	ترتیب رایور سالانه
۴۹۵	تصدیق مهر و امضاء
۴۹۵	ترتیب فورمه مخصوص
۴۹۵	تادیه فیس
۴۹۵	ثبت الکترونیکی
۴۹۶	تصحیح اساسنامه
۴۹۷	فصل سوم: صدور تصدیق ثبت
۴۹۷	صدور تصدیق
۴۹۷	تصدیق موجودیت
۴۹۸	شرایط موجودیت شرکت سهامی
۴۹۹	فصل چهارم: پرداخت فیس
۴۹۹	جمع آوری فیس
۵۰۰	تاریخ اعتبار تصدیق
۵۰۱	فصل پنجم: طرز ایجاد شرکت سهامی
۵۰۱	ایجاد شرکت سهامی
۵۰۱	فعالیت شرکت سهامی
۵۰۲	عضویت شرکت سهامی
۵۰۲	اساسنامه شرکت سهامی
۵۰۳	امضاء اساسنامه

۵۰۴	فعالیت قبل از ایجاد شرکت
۵۰۴	فعالیت هیئت مدیره
۵۰۵	فصل ششم: قواعد داخلی
۵۰۵	وضع قواعد داخلی
۵۰۵	عنوان شرکت
۵۰۶	عدم انتخاب عنوان شرکت
۵۰۶	داشتن دفاتر تجاری
۵۰۷	مکلفیت نماینده
۵۰۸	فصل هفتم: صدور سهام
۵۰۸	صدور سهام در بدل عوض
۵۰۸	حصول عوض در بدل سهام
۵۰۹	عرضه سهام
۵۰۹	فصل هشتم: هیئت مدیره
۵۰۹	هیئت مدیره شرکت
۵۱۰	شرایط انتخاب عضو هیئت مدیره
۵۱۰	تعیین اعضای هیئت مدیره
۵۱۱	دوره تصدی هیئت مدیره
۵۱۲	استعفای عضو هیئت مدیره
۵۱۲	برکناری عضو هیئت مدیره
۵۱۳	انتخاب رئیس هیئت مدیره
۵۱۳	کرسی خالی هیئت مدیره
۵۱۴	صلاحیت هیئت مدیره
۵۱۴	تدویر جلسات
۵۱۵	اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه
۵۱۵	اطلاع تدویر جلسات
۵۱۷	نصاب و تصمیم جلسات
۵۱۷	کمیته ها
۵۱۸	مسئولیت هیئت مدیره
۵۱۹	ادعای استثنایی

۵۲۱	توزیع غیر قانونی دارایی شرکت
۵۲۲	برخورد منافع در معاملات
۵۲۳	رسیدگی قضایی
۵۲۵	تصویب توسط اعضای هیئت مدیره
۵۲۶	تصویب سهامداران
۵۲۷	تهیه و تسلیمی صورت حساب مالی
۵۲۸	حقوق و امتیازات
۵۲۸	نگهداری سوابق شرکت
۵۲۹	استخدام مامورین
۵۳۰	معافیت از پرداخت مصارف دعوی
۵۳۳	فصل نهم: هیئت نظار
۵۳۳	انتخاب هیئت نظار
۵۳۴	برطرفی (عزل)
۵۳۴	کرسی خالی هیئت نظار
۵۳۵	کمیته ها
۵۳۵	عدم انتخاب اقارب بحیث اعضای هیئت نظار
۵۳۶	وظایف هیئت نظار
۵۳۷	عدم محدودیت صلاحیت هیئت نظار
۵۳۷	انجام وظایف هیئت نظار با حسن نیت
۵۳۸	شکایت علیه هیئت مدیره
۵۳۸	اشتراک هیئت نظار در جلسات هیئت مدیره
۵۳۸	فصل دهم: مجمع سهامداران
۵۳۸	جلسات مجمع عمومی
۵۳۹	تأمین ارتباطات از فاصله دور
۵۴۰	جلسه فوق العاده
۵۴۲	تدویر جلسات به اساس حکم محکمه
۵۴۳	اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه
۵۴۵	دعوت تدویر جلسه
۵۴۷	طریق دعوت

۵۴۹ دعوت دارنده آدرس مشترک
۵۴۹ انصراف از دعوت
۵۵۰ سهامداران واجد حق دریافت اطلاعیه
۵۵۰ ریاست جلسه
۵۵۱ ترتیب فهرست سهامداران
۵۵۲ حق رأی سهامداران
۵۵۳ اشتراک در رأی گیری
۵۵۶ اعتبار اسناد
۵۵۸ نصاب جلسه
۵۶۰ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۵۶۲ تعیین مفتش
۵۶۲ حفاظت اسناد
۵۶۴ تولیت آرا
۵۶۵ موافقتنامه رأی دهی
۵۶۵ عقد موافقتنامه اداره امور و تجارت
۵۶۸ فصل یازدهم: توزیع مفاد سهام سهامداران
۵۶۸ اعلان سرمایه
۵۶۹ توزیع مفاد سهام
۵۷۰ سرمایه احتیاطی
۵۷۱ پرداخت مفاد
۵۷۱ فصل دوازدهم: تغییرات اساسی در ساختار شرکت سهامی
۵۷۱ تعدیل اساسنامه
۵۷۲ افزایش در سرمایه شرکت سهامی
۵۷۳ حق تقدم (شفع)
۵۷۳ فصل سیزدهم: اسناد سهم
۵۷۳ اسناد سهم
۵۷۴ انتقال سهام
۵۷۴ ثبت سهام و اعتبار آن
۵۷۵ عدم تادیق کامل سهام

۵۷۵ فرسودگی اسناد سهم
۵۷۶ فصل چهاردهم: انحلال و تصفیه شرکت های سهامی
۵۷۶ انحلال شرکت
۵۷۷ ثبت سند انحلال
۵۷۸ عدم صدور سهام و مطالبه انحلال آن
۵۷۸ فسخ انحلال
۵۷۹ انحلال از طرف محکمه
۵۸۱ انتخاب مدیران جهت انحلال و تصفیه
۵۸۳ قرار انحلال
۵۸۴ فصل پانزدهم: احکام متفرقه
۵۸۴ شرکتهای ایجاد شده قبل از انفاذ این قانون
۵۸۴ وضع مقررہ ها و قواعد داخلی
۵۸۵ ادای وجایب مالیاتی
۵۸۵ ثبت اسناد جعلی
۵۸۵ تاریخ انفاذ
۵۸۷ تعدیل ماده یکصد و دهم

قانون شرکت های تضامنی

۶۰۰ فصل اول: احکام عمومی
۶۰۰ مبنی
۶۰۰ تعریف شرکت
۶۰۰ انواع شرکت ها
۶۰۱ عقد شراکت
۶۰۱ عقد مقاولات
۶۰۱ دارائی شرکت
۶۰۲ پرداخت سرمایه
۶۰۳ پرداخت سرمایه و تأخیر در آن
۶۰۳ تعیین قیمت دارائی

۶۰۴	انتقال ملکیت.....
۶۰۴	مراقبت از امور شرکت.....
۶۰۴	غفلت در وظیفه.....
۶۰۵	مطالبه اجرت شرکاء.....
۶۰۵	اجرت به حیث فیصدی از مفاد.....
۶۰۵	نفع و ضرر هر شریک.....
۶۰۶	تقسیم نفع و ضرر.....
۶۰۶	پرداخت نفع مقید به عقد.....
۶۰۷	مرجح دانستن شرط.....
۶۰۷	فصل دوم: انواع شرکت ها
۶۰۷	دوام فعالیت.....
۶۰۸	تکمیل شخصیت حکمی.....
۶۰۸	شرکت تضامنی عام.....
۶۰۹	شرکت تضامنی خاص.....
۶۰۹	شرکت تضامنی کار.....
۶۱۰	شرکت به اعتبار.....
۶۱۰	شرایط عقد شراکت.....
۶۱۲	مدت دوام شرکت تضامنی.....
۶۱۲	ثبیت.....
۶۱۲	محکمه.....
۶۱۳	فصل سوم: موضوعات اساسی مربوط به شراکت
۶۱۳	حدود تطبیق احکام این قانون.....
۶۱۳	اتلاف مال.....
۶۱۴	عدم تادیقه سهم.....
۶۱۴	پرداخت معادل.....
۶۱۴	تعهد عمل در عقد.....
۶۱۵	سهم شریک به شکل دین.....
۶۱۵	توزیع مفاد.....
۶۱۵	توزیع مفاد معین ناشده.....

۶۱۶	تعیین مفاد و خساره در عقد.....
۶۱۷	سهمیه شریک منحصر به کار و عمل.....
۶۱۷	خرید مال طور نسیه.....
۶۱۸	اداره شرکت.....
۶۱۸	ادامه فعالیت.....
۶۱۹	تصاویب شرکاء.....
۶۱۹	موافقت اکثریت شرکاء در تصاویب.....
۶۲۰	سهمگیری شرکاء در اداره شرکت.....
۶۲۰	عدم رقابت و سوء استفاده از مال شرکت.....
۶۲۱	اخذ پول یا تصرف مال توسط شریک و مساعدت اضافی.....
۶۲۲	پرداخت دیون.....
۶۲۲	عدم متضامن بودن شرکاء در برابر همدیگر.....
۶۲۳	حصول دین شخصی.....
۶۲۴	حالات انحلال شرکت.....
۶۲۵	فعالیت شرکت بعد از وفات.....
۶۲۶	تمدید فعالیت شرکت.....
۶۲۷	حکم محکمه مبنی بر انحلال شرکت.....
۶۲۷	درخواست اخراج از شرکت.....
۶۲۸	تصفیه و تقسیم دارایی شرکت.....
۶۲۸	ادامه فعالیت شرکت الی تصفیه آن.....
۶۲۹	تعیین اشخاص جهت تصفیه شرکت.....
۶۲۹	فعالیت شرکت و فروش دارائی آن توسط تصفیه کنندگان.....
۶۳۰	تقسیم دارایی شرکت.....
۶۳۱	تطبیق احکام مندرج قانون مدنی درباره مال مشاع.....
۶۳۲	فصل چهارم: شرکت تضامنی عام.....
۶۳۲	تأسیس شرکت.....
۶۳۲	تأسیس شعبه جدید.....
۶۳۲	تغییرات در شرکت.....
۶۳۳	عدم استعمال خصوصیات.....

- انجام معاملات به نام شرکت ۶۳۴
- مناسبات بین شرکاء ۶۳۵
- تفویض اداره امور شرکت ۶۳۵
- سبکدوشی مدیر ۶۳۵
- اتخاذ تصمیم در مورد امور یومیة اداره شرکت و مسایل عمده و مهم ۶۳۶
- پرداخت استقراض شریک ۶۳۷
- انتقال سهم ۶۳۸
- عدم پذیرش شخص دیگر بحیث شریک ۶۳۸
- مفاد تکتانه ۶۳۹
- دسترسی شریک یا مدیر شرکت به معلومات ۶۳۹
- تصامیم در مورد امور یومیة شرکت ۶۴۰
- ترتیب صورت نفع و ضرر شرکت ۶۴۰
- عدم وادار نمودن شریک در تادیة جبران خساره ۶۴۱
- اجرای معاملات مشابه تجارتي شریک و شمولیت آن به حیث عضو دیگر ۶۴۱
- موجودیت شرکت ۶۴۲
- مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث ۶۴۳
- انجام معاملات توسط نماینده ۶۴۳
- مسئولیت شرکاء ۶۴۴
- طرز اقامه دعوی ۶۴۴
- تطبیق فیصله محاکم ۶۴۵
- تادیه حقوق به دائنین ۶۴۵
- حکم محکمه به طلبات دائنین شرکت ۶۴۵
- عدم استفاده شرکاء از سرمایه مربوط ۶۴۶
- عدم مجرائی طلب دین ۶۴۶
- مدت دوام شرکت ۶۴۷
- انحلال شرکت ۶۴۷
- عقد شراکت مدار اعتبار ۶۴۸
- مطلع ساختن دائنین از انحلال شرکت ۶۴۸
- مطلع ساختن شرکاء از انحلال شرکت ۶۴۹

- ۶۴۹ حالات انحلال شرکت مبنی بر حکم محکمه.
- ۶۵۰ دوام شرکت.
- ۶۵۱ انحلال شرکت منوط به وفات، افلاس یا محجوریت یکی از شرکاء.
- ۶۵۲ ادامهٔ فعالیت شرکت بعد از وفات یا خروج داوطلبانهٔ شریک.
- ۶۵۳ محجوریت شریک.
- ۶۵۳ افلاس شرکاء.
- ۶۵۳ اخراج شریک به اساس حکم محکمه.
- ۶۵۴ درخواست انحلال شرکت یا رد آن.
- ۶۵۴ درخواست انحلال شرکت توسط یکی از شرکاء.
- ۶۵۵ واگذاری دارایی و دیون.
- ۶۵۵ ادامهٔ اداره و امور معاملات بعد از انحلال.
- ۶۵۶ تادیبهٔ مفاد شریکی که از شرکت خارج می شود.
- ۶۵۶ سهم شریک اخراج شده و عدم مداخله در تصمیم شرکت.
- ۶۵۷ ادای دین شخصی.
- ۶۵۸ عدم حصول دین.
- ۶۵۸ الحاق شرکت ها.
- ۶۵۹ توافق شرکاء مبنی بر الحاق شرکت.
- ۶۵۹ ترتیب بیلانس شرکتهای ملحقه.
- ۶۶۰ مطلع ساختن دائنین از الحاق شرکت.
- ۶۶۱ مدت اعتراض مبنی بر الحاق.
- ۶۶۱ تصفیهٔ معاملات.
- ۶۶۲ تصفیهٔ شرکت.
- ۶۶۲ مامورین تصفیهٔ شرکت.
- ۶۶۳ تعیین مامورین تصفیه.
- ۶۶۳ اقدام به تصفیه.
- ۶۶۴ توظیف اعضای شرکت به تصفیه.
- ۶۶۴ معاملات شرکت تضامنی در حال تصفیه.
- ۶۶۵ حق رجحان.
- ۶۶۵ عدم تکافوی دارائی شرکت حین انحلال آن برای تسویهٔ دیون.

۶۶۶	عزل مامور تصفیه بموجب عقد.....
۶۶۶	عزل مامور تصفیه از طرف محکمه.....
۶۶۶	تقاضای همکاری در امور تصفیه.....
۶۶۷	محافظت دارایی شرکت.....
۶۶۸	مکلفیت مامور تصفیه.....
۶۶۸	مامور تصفیه به حیث ممثل شخصیت حکمی شرکت.....
۶۶۹	عدم انجام معامله که مربوط به تصفیه شرکت نباشد.....
۶۶۹	حل و فصل معاملات شرکت.....
۶۶۹	فروش اموال شرکت.....
۶۷۰	انجام معامله که مربوط به تصفیه شرکت نباشد.....
۶۷۰	پرداخت دیون مؤجله.....
۶۷۱	پرداخت دیون.....
۶۷۱	عدم فروش اموال شرکت.....
۶۷۱	افزایش و تحدید صلاحیت ها.....
۶۷۲	تصفیه معاملات شرکت مقید به تصمیم شرکایا محکمه.....
۶۷۲	تعیین و عزل و کیل.....
۶۷۳	نگهداری برخی دارائی شرکت جهت ادای دیون.....
۶۷۳	مکلفیت های مامور تصفیه.....
۶۷۴	ثبت و اعلانات تصامیم اتخاذ شده.....
۶۷۵	مکلفیت مامورین تصفیه بعد از ختم آن.....
۶۷۶	تقسیم دارایی خالص بین شرکاء.....
۶۷۶	مسئولیت مامورین تصفیه.....
۶۷۶	اجرت مامورین تصفیه.....
۶۷۷	امانت گذاشتن اوراق در محل مطمئن.....
۶۷۸	فصل پنجم: شرکت تضامنی خاص.....
۶۷۸	تطبیق احکام فصل چهارم.....
۶۷۸	ثبت اسمای شرکاء و اندازه سرمایه تأدیه شده آنها.....
۶۷۹	استثنای برخی اشیا بحیث سرمایه.....
۶۷۹	مناسبات حقوقی شرکای عام.....

۶۷۹ موضوعات مندرج اساسنامه
۶۸۰ عقد شراکت در ترکیب اساسنامه
۶۸۰ عزل مدیر شرکت تضامنی خاص
۶۸۱ اشتغال شریک عام در عین فعالیت
۶۸۱ تعیین هیئت نظار
۶۸۲ نمایندگی هیئت نظار از شرکای خاص
۶۸۲ مناسبات شرکاء
۶۸۲ عدم مداخله شرکای خاص در امور اداری
۶۸۳ تدقیق و بررسی دفتر دارایی، بیلانس شیت و اسناد شرکت
۶۸۳ تأسیس شرکت که موضوع آن معاملات شرکت تضامنی خاص را احتوا کند
۶۸۴ مسئولیت به تناسب سرمایه
۶۸۴ دریافت مفاد و تکتانه توسط شریک خاص
۶۸۵ عدم اعاده مفاد سهم
۶۸۵ وکیل قانونی
۶۸۵ واگذاری کلی یا قسمی سهم شریک خاص به شخص دیگر
۶۸۶ مسئولیت شریک خاص
۶۸۶ توظیف شریک خاص جهت انجام معاملات شرکت
۶۸۷ رایۀ مشوره، صلاحیت تدقیق و کنترل امور شرکت
۶۸۷ مسئولیت شرکای خاص در مقابل دائنین شرکت
۶۸۸ ترجیح طلبات دائنین شرکت
۶۸۸ تساوی حقوق دائنین شرکت با دائنین شخصی
۶۸۹ مطالبۀ سرمایه تعهد شده
۶۸۹ انحلال و تصفیۀ شرکت های تضامنی خاص
۶۸۹ دائنین شرکت
۶۹۰ فصل ششم: شرکت تضامنی کار
۶۹۰ مطالبۀ انجام کار و پرداخت اجرت از شرکاء
۶۹۰ محول نمودن کار به سایر اشخاص
۶۹۱ توزیع مفاد کار انجام شده
۶۹۱ تضمین اجرای کار

۶۹۱	پرداخت جبران خساره مرتب به کار
۶۹۲	تهیه محل کار و وسایل
۶۹۳	فصل هفتم: احکام متفرقه
۶۹۳	ادامه فعالیت
۶۹۳	ادای وجایب مالیاتی
۶۹۴	وضع مقرر هه، طرز العملها و لوايح
۶۹۴	تاریخ انفاذ

قانون میانجیگری (مصالحه) تجاری

۷۰۰	فصل اول: احکام عمومی
۷۰۰	هدف
۷۰۰	اصطلاحات
۷۰۱	عدم تحمیل راه حل منازعه
۷۰۱	انصراف از تطبیق
۷۰۱	ساحه تطبیق
۷۰۲	حالات عدم تطبیق
۷۰۲	فصل دوم: طرز میانجیگری
۷۰۲	آغاز میانجیگری
۷۰۲	رد دعوت
۷۰۳	اجرای میانجیگری
۷۰۳	ملاقات میانجی
۷۰۴	ارایه طرح
۷۰۴	برخورد منصفانه
۷۰۴	عدم جمع آوری مدارک
۷۰۵	عدم افشای حکم
۷۰۶	پذیرش مدارک
۷۰۶	ختم عملیه میانجیگری
۷۰۷	فصل سوم: احکام متفرقه

۷۰۷ نقش میانجی به حیث حکم
۷۰۷ مدت تعلیق
۷۰۸ معرفی میانجی
۷۰۸ افشای معلومات
۷۰۹ محرمت معلومات
۷۰۹ توافق به روند حکمیت یا رسیدگی قضایی
۷۱۰ تطبیق موافقتنامه
۷۱۰ وضع مقررہ و طرز العمل ها
۷۱۰ تاریخ انفاذ

قانون حکمیت تجارتی

۷۱۶ فصل اول: احکام عمومی
۷۱۶ هدف
۷۱۶ اصطلاحات
۷۱۸ طرز حکمیت
۷۱۸ ساحة تطبیق
۷۱۹ مذاکره مستقیم
۷۱۹ دریافت مراسلات کتبی
۷۲۰ رسیدگی به حکمیت
۹۲۰ عدم مداخله در امور حکمیت
۷۲۱ توحید قرارهای حکمیت
۷۲۱ حفظ قرارهای حکمیت
۷۲۲ بازرسی
۷۲۲ طرز فعالیت
۷۲۴ فصل دوم: موافقتنامه حکمیت
۷۲۴ موافقه حکم ها
۷۲۵ درج حکمیت در قرارداد
۷۲۵ رسیدگی محکمہ به موضوع حکمیت

۷۲۶	احالهٔ منازعه به حکمیت تجارتي
۷۲۷	فصل سوم: بورد حکمیت
۷۲۷	ترکیب بورد حکمیت
۷۲۷	مانع تابعیت در روند حکمیت
۷۲۷	طرز تعیین حکم
۷۳۰	معرفی حکم
۷۳۰	رد حکم
۷۳۱	تصمیم بورد حکمیت در مورد رد حکم
۷۳۲	تصمیم محکمه در مورد رد حکم
۷۳۲	ختم ماموریت حکم
۷۳۴	فصل چهارم: صلاحیت های بورد حکمیت
۷۳۴	صلاحیت های بورد حکمیت
۷۳۵	ادعای رد صلاحیت بورد حکمیت
۷۳۵	تصمیم بورد حکمیت
۷۳۶	صدور قرار محکمه
۷۳۶	اتخاذ تدابیر احتیاطی
۷۳۷	فصل پنجم: اجرای رسیدگی حکمیت
۷۳۷	برخورد منصفانه
۷۳۸	اجراءات طبق طرزالعمل
۷۳۸	تعیین دفتر حکمیت
۷۳۹	تعیین محل حکمیت
۷۴۰	آغاز رسیدگی به حکمیت
۷۴۰	استفاده از زبان ها در روند حکمیت
۷۴۱	ارایهٔ دلایل ادعا و دفاعیه
۷۴۲	اصلاح و تکمیل دفاعیه
۷۴۲	اطلاعیه تدویر جلسات
۷۴۳	جمع آوری معلومات
۷۴۳	ادامه به حکمیت
۷۴۴	تعیین متخصص

۷۴۵	درخواست اسناد
۷۴۶	فصل ششم: صدور قرار حکمیت و خاتمه رسیدگی
۷۴۶	قانون قابل تطبیق
۷۴۶	عدم تعیین حکم منحصیث میانجی
۷۴۷	طرز اتخاذ تصمیم
۷۴۷	قرار حکمیت
۷۴۸	مندرجات قرار حکمیت
۷۴۹	ختم روند رسیدگی حکمیت
۷۵۰	اصلاح اشتباهات
۷۵۱	صدور قرار تکمیلی
۷۵۱	تمدید میعاد
۷۵۲	رعایت ماده چهل و هشتم
۷۵۲	فصل هفتم: اعتراض به قرار
۷۵۲	فسخ قرار حکمیت
۷۵۴	میعاد درخواست فسخ
۷۵۵	رسیدگی مجدد بورد
۷۵۵	فصل هشتم: تطبیق قرار حکمیت
۷۵۵	تطبیق و رد قرار حکمیت
۷۵۸	ارایه اصل سند
۷۵۸	ارایه تضمین
۷۵۹	فصل نهم: احکام نهائی
۷۵۹	وضع مقرر و طرز العمل ها
۷۵۹	تاریخ انفاذ

قانون سرمایه گذاری خصوصی

۷۶۵	فصل اول: احکام عمومی
۷۶۵	مینی
۷۶۵	هدف قانون

اصطلاحات	۷۶۶
سرمایه گذاری مجاز	۷۷۰
عرصه های ممنوع، محدود یا تابع شرایط خاص سرمایه گذاری	۷۷۱
فصل دوم: اداره و نظارت	۷۷۳
تشکیل	۷۷۳
ترکیب کمیسیون	۷۷۴
وظایف و صلاحیت های کمیسیون	۷۷۵
وظایف دفتر	۷۷۷
فصل سوم: تشبثات منظور شده	۷۷۸
ثبت	۷۷۸
درخواست غرض ثبت	۷۷۹
طرز ثبت تشبث و رد آن	۷۸۰
ارایه گزارش	۷۸۲
لغو امتیاز تشبث منظور شده	۷۸۲
فصل چهارم: حقوق و واجبات تشبثات منظور شده	۷۸۴
رعایت قوانین نافذه	۷۸۴
حق مصونیت از اعمال تبعیضی حکومت	۷۸۴
امتیازات مالیاتی تشبثات منظور شده	۷۸۵
معافیت گمرکی تشبثات منظور شده	۷۸۵
دسترسی به تسهیلات بانکی	۷۸۶
کار و استخدام	۷۸۷
اجاره زمین	۷۸۸
فصل پنجم: انتقال سرمایه و مفاد مربوط به سرمایه گذاریهای خارجی	۷۸۸
انتقال سرمایه سرمایه گذار خارجی	۷۸۸
انتقال مفاد سرمایه مرتبط با سرمایه گذاری خارجی	۷۸۹
انتقال اصل قرضه خارجی و سایر پرداخت های آن	۷۹۰
فصل ششم: فروش تشبث منظور شده و انتقال ماحصل آن	۷۹۰

۷۹۰	فروش تشبیحات منظور شده
۷۹۱	انتقال عواید حاصله از فروش تشبیحات منظور شده
۷۹۲	فصل هفتم: سلب مالکیت
۷۹۲	سلب مالکیت
۷۹۲	جبران خساره
۷۹۳	انتقال وجه جبران خساره و حق مراجعه به محکمه
۷۹۴	فصل هشتم: رسیدگی به اختلافات
۷۹۴	حل اختلافات
۷۹۸	فصل نهم: احکام متفرقه
۷۹۸	ارجحیت
۷۹۸	احکام انتقالی
۷۹۹	تاریخ انفاذ
۸۰۱	تعدیلات

قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف

۸۱۱	فصل اول: احکام عمومی
۸۱۱	مبنی
۸۱۱	اهداف
۸۱۲	اصطلاحات
۸۱۳	حق انحصاری
۸۱۳	تطبيق کننده قانون
۸۱۴	فصل دوم: ثبت اختراعات و اکتشافات
۸۱۴	شرایط ثبت
۸۱۴	عدم ثبت
۸۱۵	درخواست ثبت
۸۱۶	ضمایم درخواست ثبت

۸۱۶ بررسی درخواست
۸۱۸ ثبت اختراع یا اکتشاف
۸۱۹ فورمهٔ اختراع یا اکتشاف ثبت شده
۸۲۰ میعاد اعتبار فورمه
۸۲۱ نشر اختراع یا اکتشاف
۸۲۲ حق ادعا علیه ثبت اختراع یا اکتشاف
۸۲۲ اختراع یا اکتشاف جدید
۸۲۲ انتقال حق اختراع یا اکتشاف
۸۲۴ تسلیمی اجازه نامهٔ استفاده از اختراع یا اکتشاف
۸۲۴ استفادهٔ اختراع یا اکتشاف تکمیلی به عوض اختراع یا اکتشاف اصلی
۸۲۵ انتقال به اشخاص ثالث
۸۲۵ مراجعه به اسناد ثبت
۸۲۵ ثبت تغییر در اختراع یا اکتشاف
۸۲۶ موضوع اصلی اختراع یا اکتشاف
۸۲۷ تشریح اختراع یا اکتشاف
۸۲۸ فصل سوم: تغییر یا تکمیل در اختراع یا اکتشاف
۸۲۸ تغییر یا تکمیل
۸۲۹ تقاضای فورمهٔ اصلی به عوض فورمهٔ تکمیلی
۸۳۰ اسناد انتقال و ضمایم آن
۸۳۰ رد درخواست و ضمایم آن
۸۳۱ فصل چهارم: ثبت اختراع یا اکتشاف اشخاص خارجی
۸۳۱ شرایط ثبت
۸۳۲ آدرس
۸۳۲ ثبت حق انتقال یا واگذاری
۸۳۳ بررسی حق انحصاری اختراع یا اکتشاف
۸۳۴ تصدیق حق انحصاری اختراع یا اکتشاف
۸۳۵ آغاز و استمرار حقوق

۸۳۶	شرایط کاری
۸۳۷	ضمیمه درخواست
۸۳۸	نشر درخواست
۸۳۸	فصل پنجم: تصامیم قضائی
۸۳۸	اعتراض
۸۳۸	رسیدگی به اعتراض
۸۳۹	اعتراض قبل از ثبت
۸۴۰	اعتراض بعد از ثبت
۸۴۱	ابلاغ اعتراض
۸۴۱	جواب رد
۸۴۲	انقضای مدت
۸۴۳	مهلت
۸۴۴	رجوع به محکمه
۸۴۵	تدابیر احتیاطی
۸۴۶	فصل ششم: احکام نهائی
۸۴۶	اندازه حق الثبت
۸۴۶	وضع مقرره ها و طرز العمل ها
۸۴۶	تاریخ انفاذ

مقدمه

براساس اصل تفکیک قوا، قانون محور اصلی پیدایش قوای سه گانه و تقسیم وظایف و صلاحیتها و تنظیم روابط فیما بین آنها می باشد زیرا قوه مقننه به وضع و تصویب قانون می پردازد و قضائیه آن را تفسیر و مجریه آن را اجرا می نماید. از سوی دیگر قانون مبنای تعیین و تبیین حقوق، وجایب و آزادی های عمومی مردم و عامل مهم تأمین نظم، امنیت، عدالت و انصاف و جلوگیری از تجاوز، اجحاف و فساد است. قانون گام اول برای ایجاد هر نوع تعبیر و تحول مثبت و بنیادین و اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه می باشد.

اما بدون شک نشر قانون و آگاهی نهادهای دولتی و غیر دولتی و عامه مردم از احکام آن، نقش اساسی و مؤثر در درک و فهم عمیق تر و تطبیق بهتر و کامل تر آن دارد. کشور ما با این که در عرصه قانونگذاری، سابقه ممتد و طولانی داشته و در سال های اخیر موفقیت های بیشتر و پیشرفت های چشمگیری نیز کسب نموده است اما متأسفانه درباره تنظیم و دسته بندی، چاپ و نشر، شرح و تفسیر، آموزش های تخصصی و آگاهی های عمومی در مورد قوانین، هنوز هم با چالشها و خلأهای زیادی مواجه هستیم.

وزارت عدلیه در کنار سایر فعالیت های خود در مورد قوانین، رسالت خود می داند که در عرصه تنظیم قوانین نافذ و چاپ و نشر آنها از هیچ کوششی دریغ نورزیده و هر نوع اقدام لازم و مقتضی را به عمل آورد و به امید رسیدن به این مأمول، اکنون سلسله جدیدی را بنام "مجموعه قوانین افغانستان" با شیوه تنظیم موضوعی در ساحات مدنی، جزائی، اجراءات عدلی و قضائی، تجارتی، مالی و گمرکی، بانکی، علمی و فرهنگی، صحت و محیط زیست، کار و خدمات ملکی، معادن و منابع طبیعی و... در اختیار نهادهای دولتی، مراکز آکادمیک، قضات، حقوقدانان، اساتید، پژوهشگران، نویسندگان و عامه مردم قرار می دهد.

من وظیفه خود می دانم که از همکاران عزیز و پرتلاش خود در ریاستهای تقنین، نشرات و امور مالی و اداری و همه کسانی که در انجام و فرجام این پروژه سهم داشته اند، صمیمانه ابراز سپاس و امتنان نمایم.

قانونپوه سرور دانش

وزیر عدلیه

سال ۱۳۸۸

قانون تجارت

د تجارت اصولنامه

قانون تجارت

لومړی باب
عمومي احکام
لومړی فصل
مقدمه

باب اول
احکام عمومي
فصل اول
مقدمه

۱ ماده:

د تجارتي اصولنامو احکام د ټولو تجاري معاملاتو په خصوص کښې جاري دي.

ماده ۱:

احکام قوانین تجارتي درباره تمام معاملات تجارتيه جاريست.

۲ ماده:

تجارتي مسئلي د اصولي معتبرو مقاوله نامو په ذريعه، او په دی صورت چه داسي مقاوله موجوده نه وي، نو د تجارتي اصولنامو د صراحت او يا دلالت په موجب حل او فصل کيږي. او که په دی ترتيب سره ئي حل او فصل ونشي کيدلي، نو د تجارتي عرف او عاداتو له مخې کيږي. محلي او خصوصي عرف او عاداتو ته په عمومي عرف او عاداتو باندی ترجيح ورکول کيږي. د عرف او عاداتو د نشتوالي په صورت کښې د نورو هغو اصولنامو احکام چه په هغو استناد کيږي تطبيقيږي.

ماده ۲:

مسائل تجارتي ذريعه مقاوله نامه های معتبره قانونی، و در صورتیکه چنین مقاوله موجود نباشد، به موجب صراحت و يا دلالت قوانین تجارتي حل و فصل میگردد اگر به این ترتیب حل و فصل شده نتواند، عرف و عادات تجارتي تطبیق میگردد. عرف و عادات محلی و خصوصي بر عرف و عادات عمومي ترجیح داده میشود در صورت نبودن عرف و عادات، احکام قوانین دیگری که به آن استناد میشود تطبیق می گردد.

تبصره:

په عمومي عرف او عاداتو باندی خصوصي او محلي عرف او عاداتو ته ترجیح ورکول عبارت له دی څخه دی چه د هر محل تجارتي عرف او عادات د خپلې محلي حوزي د تعاملاتو تابع وي نه د بلي منطقي د تعاملاتو. که هغه عرف او عادات چه د تجارتي معاملاتو په حل او فصل کښې مؤثر واقع کيدای شي په يوه محلي حوزه کښې موجود نه وي، نو د يوه نږدی محل په عرف او عاداتو باندی استناد کيدای شي.

۳ ماده:

که په دی اصولنامه کښې بل صراحت موجود نه وي نو د (۲) مادی د مندرجاتو د ترتيب رعایت مجبوري ده.

تبصره:

ترجیح عرف و عادات خصوصي و محلي بر عرف و عادات عمومي عبارت است ازینکه عرف و عادات تجارتي هر محل تابع تعاملات حوزة محلی خودش می باشد، نه تابع تعاملات مناطق دیگر هرگاه عرف و عاداتیکه در حل و فصل معاملات تجارتي مؤثر واقع شده بتواند در یک حوزة محلی موجود نباشد به عرف و عادات نزدیک ترین محل استناد شده می تواند.

ماده ۳:

اگر در این قانون صراحت دیگری موجود نباشد، رعایت ترتیب مندرجات ماده (۲) مجبوریست.

دوهم فصل تجارت او تجارتي اهليت

۴ ماده:

هر يو تن چه اتلس کلن او د شخصيت او تجارت د ډول له حيثه دده د حقوقي تصرفاتو دپاره کوم موانع موجود نه وي نو کولای شي چه تجارت وکړي.

۵ ماده:

که تجارت خانه يوه صغير ته پاتي شي پدی صورت چه تجارتي مربوطه محکمه دده د وصي يا ولي لخواه تجارت ته په ادامه ورکولو کښې گټه وويني نوکولای شي چه ولي يا وصي ته دهغه په اوږدولو اجازه ورکړي. که ولي يا وصي د تجارت د اجراء د پاره قانوني اهليت ونلري او يا د تجارت له اجراء څخه منع شوی وي، هغه ته اجازه نه ورکوله کيږي تر څو چه د تجارت دپاره يو بل صالح ولي يا وصی وټاکل شي.

۶ ماده:

د (۵) مادې حکم د نورو هغو خلکو په باره کښې چه حقوقي اهليت نه لری هم د اجراء وړ دی.

فصل دوم تجارت و اهليت تجارتي

ماده ۴:

هر فرد که سن هجده را تکميل و برای تصرفات حقوقي اش از حيث شخصيت و نوع تجارت موانع قانونی موجود نباشد می تواند تجارت نماید.

ماده ۵:

اگر تجارت خانه به یک صغير انتقال یابد، در صورتی که محکمه مربوطه تجارتي در ادامه تجارت از طرف ولی و یا وصی او فایده تصور کند، می تواند ولی و یا وصی را به ادامه آن اجازه بدهد. اگر ولی و یا وصی دارای اهليت قانونی برای اجرای تجارت نباشد و یا از اجرای تجارت منع شده باشد، به او اجازه داده نمی شود تا اینکه وصی یا ولی دیگری که برای تجارت صالح باشد تعیین شود.

ماده ۶:

حکم ماده (۵) درباره دیگر فاقدين اهليت حقوقي هم مرعی است.

ماده ۷:

تمام اشخاصی که بموجب اصولنامه ترفیع و تقاعد مامورین، مامور مؤظف دولت شمرده می‌شوند از تجارت مستقیم ممنوع می‌باشند.

ماده ۸:

هر شخص اعم از افراد و شرکت‌ها که حایز اهلیت تجارتی بوده بنام خود به یک و یا چند معامله تجارتی اشتغال ورزیده و این شغل را پیشه معتاد قرار بدهد، تاجر شمرده می‌شود.

ماده ۹:

شخصی که برای اشتغال به معاملات تجارتی محلی را انتخاب و اقناع نموده ذریعۀ متحد المال و جراید و امثال آن به اهالی اعلان نماید، اگر تجارت را برای خود پیشه معتاد هم اتخاذ نکند، تاجر شمرده می‌شود.

ماده ۱۰:

شخصی که تصادفاً یک معامله تجارتی را اجراء نماید، دارای صفت تاجر شده نمی‌تواند. لیکن معامله ایکه اجراء شده تابع

تول هغه کسان چه د مامورینو د ترفیع او تقاعد د اصولنامی له مخې د دولت وظیفه لرونکی مامور بلل کیږي، له مستقیم تجارت څخه منع دی.

هر څوک که افراد وی که شرکتونه چه تجارتی اهلیت ولری، په خپل نامه په یوه یا څو تجارتی معاملو بخت شي او دا کسب ځانته غوره کړی، تاجر بلل کیږي.

هغه څوک چه په تجارتی معاملو باندی د بختیدو دپاره یو ټاکلی ځای پرانیزی او د متحد المال او اخبار او نورو په ذریعه خلکو ته خبر ورکړی، نو که تجارت خپل ځانته عادی کسب هم ونه گرځوی، تاجر بلل کیږي.

که کوم شخص تصادفاً یوه تجارتی معامله اجراء کړی، د تاجر صفت نشي موندلای لیکن هغه معامله چه اجراء شوی ده د

تجارتي قانون د احكامو تابع ده.

احكام قانون تجارت است.

۱۱ ماده:

دولت او بناروالی کولای شي چه تجارت وکړې مگر د تاجر صفت نشي موندلای خو د دوي تجارتي معاملي ددی اصولنامی د احكامو تابع دی.

ماده ۱۱:

دولت و بلديه ها می توانند تجارت کنند. لیکن دارای صفت تاجر شده نمی توانند مگر معاملات تجارتي ایشان تابع احكام این قانون است.

۱۲ ماده:

هغه کسان چه د دوی تجارت نظر نقدی پانگې ته د دوی په بدني کوبښونو ډیر مستند دی او یا د دوی د کار او کسب حاصل دومره لږ وي چه یواځې د دوی د ژوندانه وسایل برابر کړی، نو که سیار یا په یوه دکان او یا د بازار په یوه ټاکلي ځای کښې ناست وی، کوچني تاجر بلل کیږي.

ماده ۱۲:

اشخاصی که تجارت ایشان از سرمایه نقدی زیادتر مستند به مساعی بدنیه بوده و یا حاصل کار و کسب شان آنقدر جزئی باشد که تنها مکفی معیشت گردد، چه سیار و چه در یک دکان و یا در یک محل معین بازار ثابت باشند، تاجر کوچک شمرده می شوند.

۱۳ ماده:

هغه کوچني تاجران چه د عنوان په اخیستلو او د تجارتي دفترونو په لرلو او په هغو موضوعاتو چه نظر د تجارت قانون ته د هغو ثبت لازم دی مجبور ندی او همدا ډول د افلاس تر اصولو لاندی هم نه راځي.

ماده ۱۳:

تاجر های کوچک به اتخاذ عنوان و داشتن دفاتر تجارتي و موضوعاتی که نظر به قانون تجارت ثبت آن لازم است مجبور نبوده و همچنان تحت قاعده افلاس نمی آیند.

تبصره:

کوچنی تجار هغه کسان بلل کیږي چه په اصنافي طبقو کښې شامل وي او صنفی جوازنامه ولری.

تبصره:

تجار کوچک کسانى شناخته ميشوند که در طبقات اصنافی شامل بوده و جوازنامه صنفی را داشته باشند.

**درېيم فصل
تجارتی معاملي****۱۴ ماده:**

تاجر يا غير تاجر کسان چه منقول مالونه د پلورلو يا بل چاته د په اجاره ورکولو په غرض پيري او هغه منقول مالونه په اصلي حالت يا په بل شکل واروی او وئى پلوري او يائي په اجاره ورکړی، دا پلورل او په اجاره ورکول له تجارتي معاملو څخه گڼل کیږي.

ماده ۱۴:

اشخاص تاجر يا غير تاجر که اموال منقول را به مقصد فروش و يا اجاره دادن به ديگری خریداری می نمایند و آن اموال منقول را بحالت اصلی آن و يا بشکل ديگری تبديل نموده بفروشند و يا اجاره بدهند، اين فروش و اجاره از معاملات تجارت محسوب می شود.

۱۵ ماده:

تاجر يا غير تاجر کسان چه منقول مالونه د په اجاره ورکولو په نيت له چانه په اجاره واخلي، ددی ډول منقول مالو په اجاره ورکول له تجارتي معاملو څخه گڼل کیږي.

ماده ۱۵:

اشخاص تاجر و غير تاجر که اموال منقوله را به نيت اجاره دادن از کسی اجاره بگيرند، اجاره دادن چنین اموال منقوله از معاملات تجارتي محسوب می شود.

۱۶ ماده:

تاجر یا غیر تاجر کسان چه بل ته د اجاری ورکولو دپاره مستخدم نیسی، د مستخدمی دغه د عمل او کار په اجاره ورکول چه پدی نیت نیولی شوی وی له تجارتی معاملو څخه گنبل کیږي.

ماده ۱۶:

اشخاص تاجر و یا غیر تاجر که برای اجاره دادن به شخص دیگری مستخدم میگیرند، اجاره دادن عمل و کار مستخدمیکه به این نیت گرفته شده باشد، از معاملات تجارتی محسوب می شود.

۱۷ ماده:

که د مخکې خاوند یا بزگر د خپلې مخکې محصولات او یا مالدار د خپلو حیواناتو محصولات وپلوري، دا له عادی معاملاتو څخه دی او همدا ډول که یو بزگر د خپلې بزگری له صنعت سره سم دخپلو مخکنیو محصولاتو شکل دیوی دستگاه پوسیله تبدیل کړی او یا دکار یو صنعت دی پخپله یا د مزدورانو د استخدام یا د ماشین د استعمال په ذریعه خپل صنعتی آثار وباسی او وئی پلوري او یا یو مؤلف خپل تالیف شوی اثر خپور کړی او وئی پلوري، دا ټول له عادی کارو څخه بلل کیږي. مگر که څوک د خپلو زراعتی او حیوانی محصولاتو دپورلو یائی د شکل د تبدیلولو په نیت یوه داسی

ماده ۱۷:

اگر صاحب زمین و یا دهقان محصولات ارضیه خود را و یا مالدار محصولات حیوانیه خود را بفروشد، از معاملات عادیه است و همچنین اگر یک دهقان بر طبق صنعت زراعیه خود شکل محصولات ارضیه خود را بوسیله یک دستگاه تبدیل کند و با یک صنعتکار خودش و یا توسط استخدام عمله و یا استعمال ماشین آثار صنعتی خود را تولید نموده و بفروشد و یا یک مؤلف اثر تالیف شده خود را نشر نماید و بفروشد، همه اینها از امور عادیه محسوب می شوند. لیکن اگر کسی بمقصد فروش و یا تبدیل شکل محصولات زراعیه و حیوانیه خود مؤسسه ای را

بطور دایم باز کند که دارای اوصاف یک مؤسسه صنعتی تجارتی باشد، معاملات این مؤسسه از معاملات تجارتی محسوب می شود.

ماده ۱۸:

معاملات ذیل از معاملات تجارتی است:

- ۱- تعهد تهیه هر نوع اموال منقوله و به ذمه گرفتن و قبول هر نوع اعمال و انشاءات.
- ۲- تأسیس فابریکه، تدویر دستگاه مطبعه، عکاسی، نشریات و فروش کتب.
- ۳- افتتاح تیاتر، سینما، تماشاگاه ها و کشودن مقامات عمومی مانند هتل و سرای ها و طعام خانه ها و امثال آنها و دفاتر تهیه کارگران و لیلام خانه ها.
- ۴- نقلیات مسافری و حیوانات و اشیاء در خشکه، انهار و هوا.
- ۵- توزیع آب، گیس، برق و تأسیس مخابرات تیلیفونی.

ماده ۱۹:

معاملات ذیل بدون رعایت

مؤسسه په دایم ډول سره پرانیزی چه د یوی تجارتی صنعتی مؤسسی صفتونه ولری، نو ددی مؤسسی معاملي له تجارتی معاملو څخه گنلي کیري.

ماده ۱۸:

دا لاندني معاملي تجارتی دی:

- ۱- د هر ډول منقولو مالو د تهیه کولو تعهد او د هر ډول اعمالو او انشاءاتو په ذمه اخیستل او قبول.
- ۲- د فابریکی تأسیس، د مطبعی دستگاه دائرول، عکاسی، نشرات او د کتابو پلورل.
- ۳- د تیاتر، سینما، د نندارتونونو افتتاح او د عمومی مقاماتو پرانستل لکه هتل، سرایونه، د خوړو خونې او ددی په شان نور او د کارکونکو د تهیه کولو دپاره دفترونه او د لیلام ځایونه.
- ۴- په وچه، سیندونو او هوا کنبې د مسافرینو حیواناتو او شیانو وړل.
- ۵- د اوبو، گیس او بریښنا ویشل او د تیلیفونی مخابراتو تأسیس.

ماده ۱۹:

دا لاندني معاملي بی د دواړو

نیت طرفین، معاملہ تجارتی محسوب می شود:

- ۱- کمیشن کاری.
- ۲- دلالی.
- ۳- معاملات برات و حجت (اعم از محرر بنام و محرر به حامل) و چک.
- ۴- معاملات صرافی.
- ۵- معاملات بانکهای خصوصی و عمومی.
- ۶- معاملات حساب جاری و مقاولات مربوط به آن.
- ۷- معاملات راجع به سندات گروی و رسیدات که در مقابل اموال موضوعه در گدامهای عمومیہ تجارتی موجود شده باشد.
- ۸- تشکیل شرکت های تجارتی و خرید و فروش اسهام.
- ۹- عقد هر نوع بیمه در مقابل، مخاطرات خواه به اجرت عقد شود و خواه با شرایط متقابلہ.

ماده ۲۰:

تمام معاملات یک تاجر تجارتی محسوب می شود مگر اینکه ثابت شود که معاملہ عادی است.

طرفو د نیت له رعایتہ خخہ تجارتی معاملی گنہلی کیږي:

- ۱- په کمیشن کار کول.
- ۲- دلالی.
- ۳- د برات او حجت معاملی (دی چه په نوم محرر او محرر په حامل) او چک.
- ۴- د صرافی معاملی.
- ۵- د خصوصی او د عمومی بانکونو معاملی.
- ۶- د جاری حساب معاملی او په هغو پورې مربوطی مقاولی.
- ۷- د گروی سندونو او رسیدونو په باره کښې چه د موضوعه مالو په مقابل د تجارتی په عمومی گدامو کښې موجود شوی وي.
- ۸- د تجارتی شرکتونو تشکیل او د سهمونو پیرودل او پلورل.
- ۹- د مخاطراتو په مقابل کښې د هر ډول بیمی ترڼه، که په اجرت سره وترل شي او که په متقابلہ شرطونو سره.

ماده ۲۰:

دیوه تاجر ټولې معاملی تجارتی گنہلی کیږي مگر دا چه ثابت شي چه دا معاملہ عادی ده.

ماده ۲۱:

که یو عقد یواځې له یوې خوا تجارتی وي او په تجارتی قانون دهغه په خلاف کوم صراحت موجود نه وي نو د هغو تکالیفو په باره کښې چه له دی عقد څخه ټولو عاقدینو ته پېښ شوی وي، د تجارت د اصولنامې احکام تطبیقېږي.

ماده ۲۱:

اگر عقدی تنها برای یکی از طرفین تجارتی باشد و در قانون تجارتی بر خلاف آن صراحتی موجود نباشد، در باره تکالیفی که از عقد مذکور برای تمام عاقدین تولید شده باشد احکام قانون تجارت تطبیق می گردد.

ماده ۲۲:

د تاجرو او غیر تاجرو کسانو تکالیف چه له نورو معاملاتو څخه پیدا کېږي او یا ددی فصل ذکر شوی معاملات ماهیتاً د قیاس وړ وي، د تجارت د اصولنامې د احکامو تابع دی.

ماده ۲۲:

تکالیف اشخاص تاجر و غیر تاجریکه از معاملات دیگر متولد و یا معاملات متذکره این فصل ماهیتاً قابل قیاس باشد، تابع احکام قانون تجارت است.

ماده ۲۳:

ټول هغه معاملات چه ددی فصل په ذکر شویو معاملاتو پورې اړه لري، له تجارتی معاملاتو څخه گڼل کېږي.

ماده ۲۳:

تمام معاملاتیکه مرتبط به معاملات مذکوره این فصل باشد، از معاملات تجارتی محسوب است.

فصل د تجارت ثبت

۲۴ ماده:

یوه دائره د تجارت د ثبت په نامه دهغو محکمو تر نظارت لاندی چه د تجارتي دعوو په حل او فصل باندی مکلفي وي، موجوده ده.

۲۵ ماده:

د تجارتي ثبت دائره د مربوطه محکمي د رئیس تر کتنی لاندی یوه مسئول او مکلف مامور ته سپارله کیږي.

۲۶ ماده:

که په یوه خای کښې تجارتي محکمي زیاتي وي نو د تجارتي ثبت دائره دواک لرونکی مقام په امر له نوموړو محکمو څخه په یوه محکمه پورې تړل کیږي.

۲۷ ماده:

هغه موضوعات او معاملات چه د تجارت د اصولنامي او د نورو اصولنامو له مخې باید هر ورو په ثبت ورسیرې نوراساً یا د مربوطه مقاماتو د ابلاغ په اثر یا د نورو علاقه لرونکو په غوښتنه او مراجعت ثبت او قیدیری. هر

فصل چهارم ثبت تجارت

ماده ۲۴:

یک دایره بنام ثبت تجارت تحت نظارت محاکمی که مکلف بر حل و فصل دعاوی تجارتي می باشند، موجود است.

ماده ۲۵:

دایره ثبت تجارتي تحت نظارت رئیس محکمه مربوطه به یک مامور مسئول و مکلف محول می شود.

ماده ۲۶:

در صورت تعدد محاکم تجارتي در یک موضوع، دایره ثبت تجارتي به امر مقام ذیصلاحیت به یکی از محاکم مذکور مربوط می گردد.

ماده ۲۷:

موضوعات و معاملاتیکه نظر به قانون تجارت و سایر قوانین لازم است به ثبت برسند، راساً یا به اثر ابلاغ مقامات مربوطه و یا خواهش و مراجعت علاقمندان دیگر ثبت و قید میگردد. هرگونه

تغییراتی که در مسایل مذکور واقع شود، مطابق اصول، ثبت و قید می شود.

ماده ۲۸:

مطالبی که تجار و شرکت های تجارتی به ثبت آن مکلف اند، قرار ذیل است:

الف- اسم (شخص یا شرکت).

ب- ولدیت.

ج- محل تولد و تاریخ آن.

د- تابعیت شخص یا شرکت.

ه- عنوان تجارت.

و- موضوع تجارت.

ز- نوع شرکت و تاریخ تأسیس آن و همچنین مرکز اصلی شرکت.

ح- سرمایه شرکت (تجار انفرادی ازین فقره مستثنی است).

ط- اشخاصی که در امور تجارت خانه یا شرکت دارای صلاحیت امضاء اند.

ی- سایر خصوصیات که ثبت آن (اصولاً) اجباری قرار داده شده باشد.

ماده ۲۹:

طوری که اشخاص علاقمند، خواهش ثبت و قید را می کنند،

دول تغییرات چه په دی مسایلو کنبی پینین شی، د اصول له مخی ثبتیری.

ماده ۲۸:

هغه مطالب چه تجار او تجارتي شرکتونو د هغو په ثبت باندي مکلف دي، په لاندی ډول دی:

الف- د (شخص یا د شرکت) نوم.

ب- د پلار نوم.

ج- د هغه د زېږېدنې ځای او نېټه.

د- د شخص یا شرکت تابعیت.

ه- د تجارت عنوان.

و- د تجارت موضوع.

ز- د شرکت ډول او د هغه د تأسیس نېټه او همدا ډول د شرکت اصلي مرکز.

ح- د شرکت پانگه (انفرادی تجار له دی فقري څخه مستثني دي).

ط- هغه کسان چه د تجارت خانسی یا شرکت په چارو کنبی دلاس لیک واک لري.

ی- نور هغه خصوصیات چه د هغو ثبت (اصولاً) اجباري کړی شوی وی.

ماده ۲۹:

لکه څنگه چه علاقه لرونکی کسان د قید او ثبت غوښتنه

به خواهش ورثه یا قایم مقام قانونی ایشان نیز ثبت بعمل می آید.

در صورتی که صلاحیت خواهش قید و ثبت به اشخاص متعدد تعلق داشته باشد، اگر مطابق خواهش یکی از آنها معامله ثبت و قید اجراء شود، چنان محسوب می شود که از طرف همه خواهش شده است.

ماده ۳۰:

طوری که معاملات قید و ثبت به اثر مراجعه شخصی علاقمندان و یا به اثر مراجعه وکیل قانونی شان اجراء می شود، به همان صورت به اثر ارسال اوراق و اسناد رسمیه که رسماً ترتیب شده و حاوی مطالبه ثبت باشد هم اجراء می گردد.

ماده ۳۱:

خواهش قید و ثبت باید در مدتی که قانون مقرر نموده است، بعمل آید. اگر در قانون یک مدت برای آن تصریح نشده باشد، در ظرف یکماه بعد از تکمیل وثایق، اجراء آن لازم است. نسبت کسانیکه

کوی، نو دوی د ورثی او قانونی قایم مقام په غوښتنه هم ثبت کیږي.

په دی صورت کښې چه د قید او ثبت غوښتنه په متعددو کسانو پورې اړه ولري نو که له دوي څخه دیوه له غوښتنې سره سم د قید او ثبت معامله اجراء شي، نو داسي گڼل کیږي لکه چه د ټولو له خوا غوښتنه شویده.

۳۰ ماده:

لکه چه پخپله د علاقه لرونکو او یا د دوی د قانونی وکیلانو د مراجعې په اثر د قید او ثبت معاملي اجراء کیږي، په همدی ډول د هغو پانېو او د سهم د اسنادو د لیرلو په اثر چه رسماً ترتیب شوی او د ثبت غوښتنه پکښې شوی وي هم اجراء کیږي.

۳۱ ماده:

د قید او ثبت غوښتنه باید په هغه موده کښې وی چه قانون مقرره کړی ده. که په قانون کښې د هغې د پاره یوه موده تصریح شوی نه وی نو وروسته د وثیقو د تکمیل څخه په یوه میاشتي کښې دننه د هغو اجراء لازمه ده. د

مکلف به ثبت بوده و خارج از محل ثبت اقامت دارند نظر به بعد مسافه برای هر ۱۲ میل یک روز علاوه می‌شود.

ماده ۳۲:

ثبتيکه قابل اعلان میباشد تا زمانیکه کدام جریده مخصوصه برای اعلانات قانونیه تأسیس گردد، در جراید رسمی یا خصوصی که در آن محل موجود باشد نشر می‌گردد و اگر در آن محل جریده رسمی یا غیر رسمی موجود نباشد، در جریده که در نزدیک ترین محل نشر میشود اعلان می‌گردد. به استثنای خصوصیات که اعلان آنها قانوناً بطور مختصر مجاز است، مراتب ثبت کلمه به کلمه درج و نشر می‌شود.

اگر تمام مندرجات اعلانات در یک روز اکمال نگردد، آخرین تاریخ نشر تاریخ تکمیل اعلان شمرده می‌شود. بر تمام درخواست ها و بیان نامه ها که وثیقه ثبت را تشکیل می‌دهند و جرایدیکه اعلان در

هغو کسانو په خصوص کښې چه په ثبت مکلف دی او د ثبت له خای خحه دباندي اوسپړی، نظر د لاري اوږدوالي ته د هرو ۱۲ ميلو د پاره يو ورځ زیاتپړی.

ماده ۳۲:

هغه ثبت چه د اعلان وړ وی نو تر هغه وخته پورې چه د قانوني اعلاناتو دپاره کومه مخصوصه جریده تأسیس شي، په رسمي یا خصوصي جريدو کښې چه په هغه محل کښې موجودی وی نشرپړی او که په هغه محل کښې رسمي یا غیر رسمي جریده موجوده نه وي، نو په هغي جريدی کښې چه دغه خای ته نژدی خپړپړی اعلانپړی. پرته له هغو خصوصياتو چه اصولاً د هغو اعلانول په لنډ ډول سره مجازوي، د ثبت مراتب کلمه په کلمه درج او نشرپړی.

که د اعلاناتو ټول مندرجات په يوه ورځ پوره نشي، نو د نشر وروستي نېټه د اعلان د پوره کيدو نېټه بلله کيږي.

په ټولو غوښتنپاڼو او بيان نامو باندی چه د ثبت وثيقه جوړوی او هغو جريدو باندی چه اعلان پکښې

نشر یری، مثبت دفتر لمبر او
نہتہ لیکلہ کیبری او ساتلی کیبری.

۳۳ ماده:

هغه موضوعات چه حل ئی په یوه
محکمہ پورې اړه ولری او یا مثبت
مامورین د هغو د قطعی مثبت په
خصوص کښې متردد وي، نو د
علاقه لرونکو د غوښتنې له مخې
په مؤقتي ډول مثبت په دفتر کښې
قید پری دا ډول موضوعات چه په
مؤقتي ډول ثبت پری نوکه په شپږو
میاشتو کښې د علاقہ لرونکو د
مراجعی په اثر د هغو قطعیت په
اثبات ونه شی رسیدلای نو د
مؤقتي قید له دفتر څخه ایسته
کیبری او که قطعیت ئی اثبات شی
نو د مثبت د اصول له قراره په قطعی
صورت قید یری.

۳۴ ماده:

که هغه موضوعات چه د مثبت
په دفتر کښې قید شوی وي
ټول یا یوه برخه ئی له منځه لاړ
او ورک شی، نو قید شوی مطالب
د علاقہ لرونکو د تحریری مراجعی
په اثر چه په لازمو وثیقو مستند
وي نظر ایجاب ته ټول یا یوه
برخه ئی له دفتر څخه ایسته کیبری.

آنها نشر گردیده، نمره و تاریخ
دفتر ثبت تحریر و حفظ می شود.

ماده ۳۳:

موضوعاتی که حل آن به
حکم یک محکمہ مربوط باشد
یا مامورین ثبت راجع به
ثبت قطعی آن متردد باشند،
قرار خواهش علاقمندان،
بصورت مؤقتی به دفتر
ثبت قید می گردد. چنین
موضوعات که بصورت
مؤقتی ثبت میشود، اگر
در ظرف شش ماه قطعیت آن
به اثر مراجعه علاقمندان به اثبات
رسیده نتواند، قید مؤقتی از
دفتر حذف می شود. اگر قطعیت
آن اثبات شود، قرار اصل اصول
ثبت بصورت قطعی قید می شود.

ماده ۳۴:

اگر موضوعاتی که در دفتر
ثبت قید شده باشد، تماماً یا
قسمتاً از بین برود و رفع
شود، مطالب قید شده در اثر
مراجعه تحریری علاقمندان آن که
مستند به وثایق لازمه باشد
نظر به ایجاب تماماً و یا
قسمتاً از دفتر حذف می گردد.

مطالبی که ثبت و قید آن قابل اعلان است حذف و ابطال آن نیز اعلان می‌شود.

ماده ۳۵:

راجع به اجرای ثبت و قید و تعدیل یا حذف ثبت از طرف علاقه مندان به محکمه مربوطه دایره ثبت بر علیه اجرائاتی که مامورین ثبت می‌نمایند، اعتراض شده می‌تواند. این اعتراض از طرف محکمه مورد غور واقع و فیصله درباره آن داده می‌شود. و اگر اجرائات مامور ثبت بر حقوق شخص ثالث مؤثر باشد، محکمه اعتراض را بحضور معترض و شخص ثالث بشکل یک دعوی اصولی تدقیق و در آن باره حکم صادر می‌کند.

ماده ۳۶:

هر شخص می‌تواند مندرجات ثبت تجارت و تمام اوراق محفوظ متعلق به ثبت و قید را مطالعه و تدقیق و صورت مصدق آنها را طلب و اخذ

هغه مطالب چه ثبت او قیدئی د اعلان وړ وي، ایسته کیږي او باطلول ئی هم اعلانېږی.

ماده ۳۵:

د علاقه لرونکو له خوا د ثبت او قید او تعدیل او یا د ثبت د ایسته کیدو په خصوص کښې د ثبت د دائري په مربوطه محکمه پر هغو اجرائاتو چه د ثبت مامورین ئی کوي، اعتراض کیدای شي دا اعتراض د محکمي له خوا تر غور لاندی نیول کیږي او د هغو په باره کښې فیصله ورکوله کیږي. او که د ثبت د مامورینو اجرائات د دریم سری پر حقوقو موثر وي، نو محکمه هغه اعتراض د اعتراض کونکي او دریم سری په حضور د یوي اصولي دعوي په څیر تر ژوري کتنې لاندی نیسي او په هغه باره کښې حکم صادروي.

ماده ۳۶:

هر سړی کولای شي چه د تجارت د ثبت مندرجات او ټول هغه محفوظ اوراق چه په ثبت او قید پورې اړه لري ولولي او ژوره کتنه پکښې وکړي او د هغو مصدق صورت وغواړی او

وائی خلی.

کند.

تبصره:

په دی ډول مواردو کښې د تصدیق حق په لاندی صورت اخیستل کیږي:

تبصره:

حق التصدیق در همچو موارد قرار ذیل اخذ می گردد:

الف- د هر ځلې کتنی د پاره (یوه) افغانی.

الف- برای هر دفعه مطالعه (یک افغانی).

ب- د غیر مصدق سواد اخیستل (پنځه) افغانی.

ب- برای گرفتن سواد غیر مصدق (پنج) افغانی.

ج- د تصدیق لرونکی سواد اخیستل (شل) افغانی.

ج- برای گرفتن سواد با تصدیق (بیست) افغانی.

۳۷ ماده:

هغه کسان چه د یوي موضوع په ثبت باندی مکلف دی او په خپله ټاکلي موده کښې خپل مکلفیت اجراء نکړی نو د هغي خساري او ضرر ضامن دی چه له دی لاري څخه بل شخص ته اووښتی وی.

کسانی که مکلف به ثبت یک موضوع باشند و مکلفیت خود را در ظرف مدت معینه آن ایفاء نکنند، ضامن جبران خساره و ضرری می باشند که ازین رهگذر به شخص دیگری وارد شود. علاوه به اثر

برسیره پردی، د ثبت د مامور د پیشنهاد او د هغي محکمي د حکم په اثر چه د ثبت دائره په هغي پورې اړه لري هم په نقدی جزا مجازات کیږي. دا ډول کسان کولای شي چه د محکمي له فیصلي څخه مرافعي او تمیز ته مراجعه وکړی او د مرافعي او تمیز د غوښتنې د قبلیدو د پاره دا شرط دی چه

پیشنهاد مامور ثبت و حکم محکمه که دایره ثبت به آن ربط دارد، به جزای نقدی نیز مجازات می شوند. چنین اشخاص می توانند از فیصله محکمه به مرافعه و تمیز مراجعه نمایند و برای قبول مرافعه و تمیز خواهی شرط است که مبلغ محکوم به را

ماده ۳۷:

محکوم به مبلغ یا د محکمی صندوق ته و سپاری او یا په دی خصوص کښې ضمانت ورکړی.

۳۸ ماده:

هغه موضوعات چه د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او قید شوی دی، د دریمو کسانو په مقابل کښې مؤثر دی. مگر هغه موضوعات چه ثبت ئی د اصولو له مخې ضروري دی نوکه ثبت شوی نه وي، که څه هم په خصوصي صورت اعلان شوی وي، د دریمو کسانو په مقابل کښې مؤثر ندی. مگر دومره ده چه د هغو موضوعاتو په خصوص کښې چه ثبت شوی نه وي، مکلف کولای شي د نورو کسانو په مقابل کښې د ثبت وړ موضوعاتو کښې د هغوي خبرتیا وغواړي او ثبوت ته ئی ورسوي.

۳۹ ماده:

هغه کسان چه موضوعات د بد نیت له مخې د حقیقت په خلاف ثبتوي، په نقدی جزا یا د حبس په جزاء محکومېږی او یا دواړه جزاوي یوځای ورباندی تطبیقېږی، او تر یوي مودی پورې د صنعتي او تجارتي اطاقونو په غړیتوب د

یا د صندوق محکمه تودیع کند و یا در آن باره ضمانت بدهد.

ماده ۳۸:

موضوعاتی که در دایره ثبت تجارت ثبت و قید گردیده باشد، در مقابل اشخاص ثالث مؤثر است. لیکن موضوعاتی که ثبت آن قانوناً مقتضی است، اگر ثبت نشده باشد ولو بصورت خصوصی اعلان هم گردیده باشد، در مقابل اشخاص ثالث مؤثر نمی باشد. مگر اینقدر است که راجع به موضوعاتی که ثبت نگردیده باشد، مکلف می تواند در مقابل اشخاص دیگر در موضوع های قابل ثبت مطلع بودن آنها را ادعا و به ثبوت برساند.

ماده ۳۹:

اشخاصی که موضوعات را با سوء نیت خلاف حقیقت ثبت بنمایند، به جزای نقدی و یا جزای حبس محکوم می گردند و یا هر دو جزا درباره ایشان یکجا تطبیق می شود و برای مدتی از حق انتخاب بعضویت اطاقهای

تجارتي و صنعتي و معاملات در بورسها محروم می گردند. حق طلب جبران خساره و ضرر اشخاصی که به نسبت جرم مذکور متضرر گردیده اند محفوظ می باشد و عندالمراجعة متضرر محکمه می تواند رسیدگی بنماید.

تاکلوه حق او په بورسو کښې له معاملاتو څخه محرومېږي او د هغو کسانو د خساري او زیان جبران چه ددی جرم په نسبت ورته پښې شوی دی محفوظ دی او د ضرر لیدونکو د مراجعي په موقع کښې محکمه رسیده گی کولای شي.

فصل پنجم عنوان تجارتي

ماده ۴۰:

هر تاجر مجبور است تا اوراق و معاملات متعلقه تجارت خود را تحت یک اسم معین که عنوان تجارت تعبیر می شود، اجراء و امضاء نماید.

ماده ۴۱:

هر تاجر چه منفرداً و چه با شریک خصوصی که اجرای تجارت می نماید و همچنان تمام شرکتهای تجارتي مجبورند که عنوان تجارت خود را در محلی که اجرای تجارت می نمایند و یا مرکز آنها واقع است، به دایره ثبت تجارت، ثبت و اعلان نماید.

فصل پنجم تجارتي عنوان

ماده ۴۰:

هر تاجر مجبور دی چه تر خود خپل تجارت مربوطی پانې او معاملي تريو تاکلي نوم لاندی چه د تجارت عنوان بلل کيږي، اجراء او لاس ليک کړي.

ماده ۴۱:

هر تاجر که یواځې او که له خصوصي شریک سره وي چه تجارت کوي او همدا ډول، ټول تجارتي شرکتونه مجبور دی چه د خپل تجارت عنوان په هغه محل کښې چه تجارت په کښې کوي او یا د هغو په مرکز کې وي د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او اعلان کړي.

ماده ۴۲:

د تجارت عنوان باید پخپله د تاجر او دده د کورنۍ نوم ولري او شرط دی چه له هغو عنوانونو څخه چه پخوا ثبت شویدی په واضح ډول متمایز وي. یو تاجر کولای شي چه د خپل تجارت په عنوان کښې داسي تزئیدات وکړی چه وئی غواړی مگر هومره تزئیدات نشي کولای چه پخپله دده د هویت یا ددغه تاجر د مالي وضعیت د اهمیت او پراختیا په خصوص کښې او یا د یوه شریک د موجودیت په باره کښې د نورو کسانو په زړونو کښې یو غلط او له حقیقت څخه چپ فکر پیدا کړی.

ماده ۴۳:

د (تضامني) شرکت عنوان عبارت دی د ټولو شریکانو له نومونو یا لږ تر لږه د یوه شریک نوم څخه د تضامني کلمې لری. د کوماندیت (گډو تضامني شرکتو) عنوان که عادی وي او که پانگه ئی په برخو ویشلي شوی وي په هغه ترتیب چه په (۴۲) ماده کښې ذکر شویدی لږ تر لږه د یوه داسي شریک له نامه څخه چه

ماده ۴۲:

عنوان تجارت بایست از اسم شخص تاجر و اسم فامیلی او مرکب بوده و شرط است از عناوینی که قبلاً ثبت گردیده است، واضحاً متمایز باشد. یک تاجر می‌تواند بعنوان تجارت خود تزئیداتی را که خواسته باشد بنماید، ولی نمی‌تواند چنان تزئیداتی بکند که راجع به هویت شخص او یا در مورد وسعت، اهمیت و یا وضعیت مالی تجارت تاجر مذکور و یا درباره موجودیت یک شریک نزد اشخاص ثالث یک فکر غلط و مغایر حقیقت را تولید نماید.

ماده ۴۳:

عنوان شرکت (تضامنی) عبارت است از اسمای تمام شرکاء و یا اقلأ از اسم یکی از شرکاء با کلمه تضامنی. عنوان شرکت های تضامنی مختلف (کوماندیت) خواه عادی و خواه سرمایه آن منقسم با سهام باشد، به ترتیبی که در ماده (۴۲) ذکر گردیده، اقلأ از اسم یکی از شرکائی که مسئولیت او غیر

محدود باشد با کلمه تضامنی مختلط تشکیل می‌یابد.

عنوان شرکت های سهامی عبارت است از موضوع شرکت به اضافه کلمه سهامی. در شرکت های سهامی اسمی شرکاء و یا اشخاص دیگر بعنوان شرکت داخل شده نمی‌تواند.

ماده ۴۴:

در صورتی که یک تاجر عنوان تجارت خود را اصولاً در یک محل ثبت کرده باشد، تاجر دیگر ولو دارای اسمی باشد که همین عنوان را تشکیل میدهد، تا وقتی که تزئیداتی به منظور تغییر این اسم از عنوان ثبت شده ما قبل نکند، در همان محل نمی‌تواند که همان اسم را بحیث عنوان تجارت اتخاذ و یا جهت اجرای یک مقصد تجارتي استعمال نماید. همچنان اگر یک تاجر و یا شرکت تجارتي بخواهد غیر از محلی که عنوان تجارت خود را در آن ثبت کرده در کدام محل دیگر یک شعبه افتتاح نماید، در صورتی که کدام تاجر و یا شرکت تجارتي تحت همان عنوان در همان

دیر مسئولیت لری د تضامنی له کلمی سره گډ جوړپړی.

د سهامی شرکتونو عنوان عبارت د شرکت له موضوع د سهامی کلمی له زیاتوالی سره دی. په سهامی شرکتونو کښې د شریکانو یا نورو کسانو نومونه د شرکت په عنوان نشي داخلیدای.

۴۴ ماده:

که یوه تاجر د خپل تجارت عنوان د اصولو له مخې په یوه محل کښې ثبت کړی وي او بل تاجر که څه هم داسې نوم ولري چه همدغه عنوان جوړ کړی، تر هغه وخته پورې چه د هغه پخواني ثبت شوی عنوان له نامه څخه د تغییر په نیت زیاتوالی ونکړی، په هغه محل کښې نشي کولای چه په همدی نامه د تجارت عنوان جوړ کړی او یائي دیوه تجارتي مقصد د اجراء لپاره استعمال کړی. همدا ډول که یو تاجر یا تجارتي شرکت وغواړي چه پرته له هغه محل څخه چه خپل تجارتي عنوان ئي پکښې ثبت کړیدی په بل کوم محل کښې یوه څانگه پرانیزی نو که په هغه محل کښې تر هغه عنوان لا ندی کوم

محل ثبت شده باشد، مؤسس شعبه جدید مجبور است در عنوان تجارت شعبه خود چنان تزئید بنماید که از عنوان ثبت شده ماقبل همان محل واضحاً تفریق شود.

ماده ۴۵:

طوریکه تملیک عنوان تجارت با تفکیک آن از تجارت خانه جایز نیست، همچنان در تملیک یک تجارت خانه اگر عنوان تجارت صراحتاً و یا ضمناً داخل نشود، عنوان تجارت تملیک نمی‌گردد.

ماده ۴۶:

شخصی که عنوان را با یک تجارت خانه یکجا تملیک می‌کند، طوریکه از تعهدات شخص تملیک دهنده که در تحت همان عنوان اجراء کرده مسئول است.

همچنان بر تمام حقوقیکه از تجارت آن وارد می‌شود مالک می‌گردد. مقاولاتی که خلاف این اساس می‌باشد بشرط اینکه به دایره ثبت تجارت ثبت

تاجر یا تجارتي شرکت ثبت شوی وي، د نوي خانگي مؤسس مجبور دی چه د خپلي خانگي د تجارت په عنوان کښې داسي زیاتوالی وکړې چه د هغه محل له پخواني ثبت شوی عنوان څخه په واضح ډول توپیر وکړې.

ماده ۴۵:

لکه چه د تجارتي عنوان تملیک د هغه تفکیک له تجارت خاني څخه جائز نه وي، په همدی ډول دیوي تجارت خاني په تملیک کښې د تجارت عنوان په ښکاره ډول یا ضمناً داخل نشي د تجارت عنوان نه تملیک کیږي.

ماده ۴۶:

هغه څوک چه عنوان له تجارت خاني سره یوځای تملیک کړی، لکه څرنګه چه پخپله تملیک کوونکي له تعهداتو څخه چه تر هغه عنوان لاندی ئي اجراء کړی مسئول دی.

په همدی ډول پر ټولو هغو حقوقو چه د هغه له تجارت څخه پېښیږی مالک کیږي. هغه مقاولی چه ددی اساسنامي په خلاف وي پدی شرط چه د تجارت د ثبت په دائره کښې

گردد و يا رسماً به علاقه مندان اطلاع داده شود، معتبر است.

مسئولیت متذکره این ماده بعد از پنج سال سر از تاریخ تمليک ساقط می‌شود.

ماده ۴۷:

شخصی که یک تجارت خانه را بدون عنوان تجارت تمليک می‌کند اگر در حین تمليک به اساس عقد مقاوله مسئولیت تعهدات تمليک کننده را به ذمه نگرفته و آنرا به ثبت نرسانیده باشد، از تعهدات شخص تمليک دهنده مسئول نیست.

ماده ۴۸:

شخصی که یک عنوان تجارت را بر طبق ماده (۴۶) تملك می‌کند، مجبور است به آن عنوان عبارتاً را که مشعر بر صفت خلفیت باشد ضم کند. اگر بر خلاف این حکم رفتار شود، شخص تمليک دهنده که به استعمال عنوان تجارت از طرف شخص تملك کننده

ثبت شي او يا رسماً علاقه لرونکو ته اطلاع ورکړه شي، د اعتبار وړ دی.

په دی ماده کښې ذکر شوی مسئولیت وروسته له پنځو کالو څخه د تمليک د نېټې له سره ساقطیږي.

ماده ۴۷:

هغه څوک چه يوه تجارتخانه پرته د تجارت له عنوان څخه تمليک کوي نو که د تمليک په وخت کي ئي د مقاولی د عقد په اساس د تمليک کوونکي د تعهداتو مسئولیت په غاړه نه وي اخیستی او هغه يي نه وي ثبت کړی، د تمليک کوونکي د تعهداتو څخه مسئول نه دی.

ماده ۴۸:

هغه څوک چه د تجارت يو عنوان له (۴۶) مادې سره سم تمليک کوي، مجبور دی چه له هغه عنوان سره داسي عبارت چه د خلفیت معني ورکړي يوځای کړي او که ددی حکم په خلاف رفتار وشي نو تمليک ورکوونکي شخص چه د تملك کوونکي شخص له خوا د تجارت د عنوان په استعمال يي

موافقت کړی وي له هغو تعهداتو څخه چه تمليک کوونکي يې تر هغه عنوان لاندی اجراء کوي مسئول دی، پدی شرط چه د تملک کوونکي شخص د تعهداتو په نسبت د پورورو د مراجعي په اساس د (محکمي د اجرائی) دائري له خوا طلبات نه وي تحصیل شوی.

۴۹ ماده:

د یوه شریک د مړیني په صورت چه نوم ئی د شرکت په عنوان کښې داخل وي که وارثان یا د دوی قایم مقام شرکت ته ادامه ورکول قبول کړی نو د عنوان تغییر لازم نه دی. او که په شرکت کښې ورته شامل نه وي خو د دوی تحریري موافقه حاصله شي، هم د شرکت عنوان په خپل حال پاتي کیږي. او همدا ډول که یو شریک له شرکت څخه ووزي، که له هغه څخه تحریري موافقه وانه خيستله شي نو د شرکت په عنوان کښې د هغه د نوم پاتي کیدل جائز نه دی.

۵۰ ماده:

په دی صورت چه د تجارت عنوان تبدیل شي، د (۴۱)

موافقت نموده باشد، از تعهداتی که تملک کننده در تحت همان عنوان اجراء می کند مسئول است، مشروط به اینکه به اساس مراجعه دائنین به نسبت تعهدات شخص تملک کننده از طرف دایره (اجرائیه محکمه) تحصیل طلبات بعمل نیامده باشد.

ماده ۴۹:

در صورت وفات یک شریک که اسم او در عنوان شرکت داخل باشد اگر وارثین قایم مقام ادامه شرکت را قبول کنند، تغییر عنوان شرکت لازم نمی شود. در صورت عدم شمول ورثه در شرکت نیز بشرط اینکه موافقه تحریری ایشان حاصل شود، عین عنوان شرکت حفظ می گردد. و همچنان در صورت خروج یک شریک از شرکت اگر تحریراً از او موافقه گرفته نشود، ابقای اسم او در عنوان شرکت جائز نیست.

ماده ۵۰:

در صورتی که عنوان تجارت تبدیل شود، احکام ماده (۴۱)

مادی احکام تطبیقیری.

تطبیق می‌شود.

۵۱ ماده:

هغه کسان چه پر تجارتي مالونو، شيانو، دوسيو، پاکټو، ليکونو، رسالو او تجاري پايو تجارتي سیتو او بارونو باندي غير حق بل تجارتي عنوان کښيږدي يا هغه مال چه په هغه باندي دبل چا د تجارت عنوان ايښي شوی وي پوهيږي او پلوري ئي او يا د پلورني دپاره يي وړاندي کوي په دی شرط چه د (۵۴) مادی په حکم کښي خلل پيښ نشي نو په نقدي جزاء يا په حبس او يا په دواړو مجازات مومي.

ماده ۵۱:

کسانی که قصداً بر امتعه، اشیاء، دوسیه ها، پاکت ها، مکاتیب، رسایل اوراق تجاریه، بسته های تجارتي و بارهای تجارتي بغير حق عنوان تجارتي دیگری را وضع و یا امتعه را که عنوان تجارت غير بر آن وضع شده باشد، دانسته می‌فروشند و یا برای فروش عرضه می‌کنند بشرطیکه در حکم ماده (۵۴) خللی وارد نشود، به جزای نقدي یا به حبس و یا به هر دو مجازات می‌گردند.

ددی مادی د ذکر شویو جرایمو تعقیب د شخص په دعوي پورې اړه لري. وروسته د دعوي له دائريدونه، مدعي کولای شي چه له دعوي څخه ابراء وکړي. د شخص له دعوي څخه ابراء د عمومي حقوقو دعوی هم ساقطوي.

تعقیب جرایم متذکره این ماده به دعوی شخصی مربوط می‌باشد. بعد از اقامه دعوا، مدعی می‌تواند از دعوا ابراء نماید. ابراء از دعوی شخصی، دعوی حقوق عمومی را هم ساقط می‌کند.

۵۲ ماده:

د (۴۰-۴۱ او ۴۲) مادو او د (۴۳) مادی د وروستي فقري او د (۴۵) مادی د احکامو له متخلفينو څخه نقدي جزاء اخیستل کيږي.

ماده ۵۲:

از متخلفین مواد (۴۰-۴۱-۴۲) و فقره اخیر ماده (۴۳) و احکام ماده (۴۵) جزای نقدي گرفته می‌شود.

ماده ۵۳:

تولیدی محکمی، د تجارت د اطاقو او صنایعو مامورین او د ثبت او نورو علاقه لرونکی مقاماتو مامورین که د وظیفی په منح کښې وپوهیږي چه د تجارت یو عنوان نه دی ثبت شوی او استعمال یې له (۴۰-۴۱-۴۲) او (۴۳) مادی څخه مخالف واقع شوی دی، مجبور دی چه مربوطه مقاماتو ته خبر ورکړي.

ماده ۵۳:

تمام محاکم، مامورین اطاقهای تجارت و صنایع و مامورین دائره ثبت و مقامات ذی علاقه دیگر اگر در اثنای وظیفه آگاه شوند که یک عنوان تجارت ثبت نه شده و استعمال آن مخالف مواد (۴۰-۴۱-۴۲ و ۴۳) واقع شده است، مجبورند کیفیت را به مقامات مربوطه اخبار نمایند.

ماده ۵۴:

په هر صورت چه یو د تجارت عنوان ددی فصل د داخلو احکامو څخه چپ استعمال شوی وي نو علاقه لرونکی کولای شي چه استعمال یې منع کړي او که ثبت شوی وي نو د ابطال تقاضایي وکړي. برسیره پردی، له دی استعمال څخه، که په قصد سره وي او که په سهو سره، ضرر لیدونکي کسان کولای شي چه د خپلې خساري تاوان وغواړي او محکمه کولای شي چي په لژمه موقع کښې وروسته له هغه چه له پوهانو څخه مشوره وغواړي د پښې احوال او کیفیت تر ژوري

ماده ۵۴:

به هر صورتی که یک عنوان تجارت برخلاف احکام مندرجۀ این فصل استعمال شده باشد، علاقه مندان می توانند منع استعمال و در صورتی که ثبت شده باشد، ابطال آنرا تقاضا کنند. علاوه بر این از استعمال مذکور، خواه عمدی و خواه در اثر سهو باشد، اشخاص متضرر می توانند جبران خساره خود را دعوی کنند. محکمه می تواند عند الاقتضاء بعد از استشاره از اهل خبره احوال و کیفیات حادثه را تدقیق نموده درباره وجود و مقدار

خساره نظر به قناعت خود
حکمی صادر کند علاوه
بر این، در صورتی که شخص
متضرر خواهش کند و متحمل
مصارف آن نیز شود، به نشر
حکم نیز قرار داده
می تواند.

فصل ششم رقابت غیر قانونی

ماده ۵۵:

اگر در علائم و اسمائیکه یک
تاجر استعمال کند با علائم و
اسمائیکه تاجر دیگر بطور
مستحق استعمال می نماید اشتباه
واقع شود، استعمال چنین اسم و
علامت برای تاجر اول الذکر
ممنوع است. شخصی که مخالف
این حکم عمل می کند، ولو
هیچگونه قصور نداشته باشد،
باز هم محکمه می تواند بر
حسب درخواست شخص
علاقمند امر رفع التباس را
صادر کند.

ماده ۵۶:

هرگونه حيله و دسيسه در امور
تجارتی ممنوع می باشد.

کتنی لاندی ونیسی او د خساری د
وجود او اندازی په خصوص کبني
له خپل قناعت سره سم حکم صادر
کړی. برسیره پردی، که ضرر
لیدونکي شخص وغواړي او
لگښت يي هم په غاړه واخلي نو
حکم هم نشرولاي شي.

شپږم فصل غیر قانونی رقابت

ماده ۵۵:

که په هغه نومونو او علائقو کبني
چه يو تجارتي استعمال کړی له
داسي نومونو او علامو سره چه بل
تاجر ئی په استحقاقي ډول
استعمالوي اشتباه پېښه شي، نو
ددی ډول نوم او علامو استعمالول
هغه تاجر ته چه لمړی ذکر شو منع
دی، هغه څوک چه له دی حکم
څخه مخالف کار کوي که څه هم په
هیڅ ډول قصور ونلري، خو بيا هم
محکمه کولای شي چه د علاقوي
لرونکی له غوښتنې سره سم د
التباس د رفع کیدو امر صادرکړی.

ماده ۵۶:

په تجارتي چارو کبني هر ډول حيله
او دسيسه منع دی.

ماده ۵۷:

یو تاجر د رقابت له مخې نشي کولای چه په داسي له حقیقت لري خپرونو لاس پورې کړی چه د بل گټې یا تجارت ته زیان پېښ کړی.

ماده ۵۸:

یک تاجر به قصد اجرای رقابت نمیتواند به چنان نشریات مخالف حقیقت بپردازد که به منفعت یا تجارت دیگری ضرر وارد کند.

ماده ۵۸:

یو تاجر د مال د منشأ او صفتونو په خصوص کښې او د بل تاجر د پیروندونکو د جلبولو په غرض چه یو جنس مال ورسره پلوري د خپل تجارت د اهمیت په باره کښې له حقیقته چپي خپروني نشي کولای او همدا ډول په همدغه مقصد د حیلو او دسیسو جوړولو او د هغي تصدیق نامي او مکافاتو له اعلانولو څخه چه اخیستي يي نه وي، منع دی.

ماده ۵۸:

یک تاجر از اشاعات مغایر حقیقت راجع به منشأ و یا اوصاف امتعه و یا اهمیت تجارت خود به مقصود جلب مشتریان تاجر دیگری که امتعه هم جنس را می فروشد و همچنان از اعلان تصدیق نامه و مکافاتی که حایز آن نبوده باشد و از استعمال حیل و دسایس به مقصد مذکور ممنوع است.

ماده ۵۹:

هیڅ یو تاجر نشي کولای چه د بل تاجر یا فابریکي مامورینو یا مستخدمینو ته خپل ځان ته د خبرولو او جلبولو په مقصد طمع ورکړی.

ماده ۵۹:

هیچ تاجر نمی تواند مامورین و مستخدمین تاجر و یا فابریکه دیگری را به مقصد اطلاع از مشتریان و جلب آنها بخود تطمیع نماید.

ماده ۶۰:

تاجر نشي کولای چه د بل تاجر د اغفال په غرض یو شخص ته، په

ماده ۶۰:

تاجر نمی تواند به هیچ شخصی خلاف حقیقت

شهادتنامه یا تصدیق حسن خدمت بمنظور اغفال تاجر دیگر بدهد.

ماده ۶۱:

تاجریکه مخالف احکام مواد فوق رفتار کند، به جبران خساره اشخاص متضرر مجبور است.

ماده ۶۲:

یک نماینده اطلاعاتی تجارتی که قصداً و یا در نتیجه یک غفلت سنگینی درباره اخلاق یا اقتدار مالی یک تاجر معلومات خلاف حقیقت بدهد، مسئول جبران خساره مادی و معنوی می است که ازین رهگذر به تاجر مذکور عاید شود. اظهار نماینده مذکور در تصحیح آن معلومات مستلزم براءت او شده نمی تواند. محکمه می تواند در عین زمان با فیصله که درباره جبران خساره می نماید امر کند که مسئله مذکور به مصارف خود نماینده در یک جریده یا جراید متعدد نشر هم شود.

هر صورت چه وی، له حقیقت نه خلاف شهادتنامه یا دنبه خدمت تصدیق ورکری.

ماده ۶۱:

هغه تاجر چه د پورتنی موادو له احکامو خخه چپ تگ وکړې نو د خساري موندونکو کسانو تاوان به ضامن ورکوی.

ماده ۶۲:

یو تجارتي اطلاعاتي نماینده که قصداً یا د درانده غفلت له مخې د یوه تاجر د اخلاقو او یا مالي اقتدار په خصوص کښې له حقیقته خخه چپ معلومات ورکړی، نو د مادی او معنوي خساري هغه تاوان به ورکوي چه له دی لاري هغه تاجر ته ورسېږی. د هغو معلوماتو په تصحیح کښې د هغه نماینده اظهارات د هغه د براءت موجب نشي کیدای. محکمه کولای شي چه په عین زمان کښې له هغې فیصلي سره چه د خساري د جبران په خصوص کښې یی کوي امر ورکړی چه دا مسئله پخپله د نماینده په لگښت په یوه جریده یا خو جریدو کښې نشر هم شي.

ماده ۶۳:

هغه تاجر چه ددی فصل د ذکر شویو افعالو مرتکب کیږي که له بدنیتي څخه یې کړی وي، برسیره پردی چه د خساري د تاوان په ورکولو باندی محکومیږی، په نقدی جزأ او حبس هم مجازات کیږي.

ماده ۶۳:

تاجریکه مرتکب افعال مندرجه این فصل می شود، اگر با سوء نیت حرکت کرده باشد، علاوه براینکه به جبران خساره محکوم می گردد، به جزای نقدی و حبس نیز مجازات می شود.

ماده ۶۴:

هغه څوک چه په جزاء یا د خساري په تاوان محکومیږی نوکه هغه فعل یې چه د جزاء یا د خساري او تاوان موجب شویدی بیا له لاسه وخت، نو جزائي یو په دوه کیږي. د جزاء دعوي یواځې د هغه ځای د تجارت د اطاق او یا د علاقه لرونکی شخص د شکایت په وسیله اقامه کیږي. دعوی څخه د شخصي مدعي ابراء د عمومي حقوق ساقطوی.

ماده ۶۴:

شخصی که به جزاء یا جبران خساره محکوم می شود، اگر فعلی را که موجب جزاء یا جبران خساره شده است مکرراً مرتکب شود، جزای او دو چند شده می تواند. دعوای جزاء تنها بوسیله شکایت شخص ذی علاقه با اطاق تجارت محل اقامه می شود. ابراء مدعی شخصی از دعوی، حقوق عمومی را ساقط می سازد.

اووم فصل**تجارتی دفترونه****ماده ۶۵:**

هر تاجر مجبور دی چه درې دفترونه یعنی د شتو دفتر، کل دفتر او ورځني دفتر ولري. برسیره

ماده ۶۵:

هر تاجر مجبور است سه دفتر یعنی دفتر دارائی، دفتر کل و دفتر یومیه داشته باشد. علاوه

**فصل هفتم
دفاتر تجارتي**

برين مجبور است مينوت تمام مكاتيب و تلگرامات صادره و اصل تمام تلگرامات و مكاتيب وارده را بسا اوراق تاديات بصورت منظم حفظ نمايد.

ماده ۶۶:

هر تاجر بر حسب لزوم و احتياج معاملات تجاريه خود مي تواند علاوه بر دفاتر متذکره فوق، دفاتر ديگري هم ترتيب کند. ليکن اين دفاتر تابع شرايطي که در مواد آتیه مذکور است، نمی باشد.

ماده ۶۷:

تاجر مکلف نيست خودش دفاتر تجاريه خود را ترتيب کند، او مي تواند براي اينکار اشخاص ديگري را استخدام نمايد. ليکن قيود مطالبی که از طرف مستخدم مذکور درين دفاتر درج و تحرير می شود، در حکم قيود و مطالبی است که خود تاجر شخصاً آنرا درج و تحرير نموده باشد.

پردی، مجبور دی چه د تولو صادر شوویو لیکونو او تلگرامونو مینوتونه او د راغلیو تلگرامونو او لیکونو تپول اصلونه د ورکرو له پانو سره یوخیای په منظم ډول وساتي.

ماده ۶۶:

هر تاجر د خپلو تجاري معاملاتو د احتياج او لزوم له مخې کولای شي چه برسېره پردی دفترونو، نور دفترونه هم ترتيب کړي. مگر دا دفترونه د هغو شرايطو په راتلونکو موادو کښې ذکر شويدي، تابع نه دي.

ماده ۶۷:

تاجر مکلف نه دی چه خپل تجارتي دفترونه په خپله ترتيب کړي، هغه کولای شي چه ددی کار دپاره نور اشخاص استخدام کړي. مگر د هغو مطالبو قیدونه چه په دی دفترونو کښې د مستخدم له خوا درج او لیکل کيږي، د هغو قيودو او مطالبو په حکم کښې دی چه پخپله تاجر شخصاً هغه درج او لیکلي وي.

ماده ۶۸:

هغه دفترونه چه ترتیب ئی له (۶۵) مادی سره سم لازم وي نو بنائې چه پخوا له استعمال څخه په مجلد ډول پخپله د مالک له خوا یا د چا په واسطه د ثبت هغې دائرې ته چه د هغې تجارت خانې په محل کښې واقع ده د مهر او نشان دپاره وړاندې شي. د ثبت دائره د دفترونو په هر مخ په تازه رنگ پرله پسي لمبر وهي او په رسمي مهر يې مهروي او د کتاب په اول او آخر کښې د پاڼو شمير قيدوي او وروسته د نېټې له ليکلو د لمړې او وروستۍ پاڼې د مهرونو په خوا کښې تصدیقاً لاس ليکونه هم کوي.

ماده ۶۸:

دفاتريکه بر طبق ماده (۶۵) ترتیب آن لازمی است، باید قبل از استعمال به صورت مجلد از طرف مالکین آن شخصاً و یا بالواسطه به دایره ثبت که در محل همان تجارت خانه واقع است برای مهر و نشان تقدیم گردد. دایره ثبت در هر صفحه دفاتر به رنگ ثابت نمره مسلسل را وضع و به مهر رسمی مهور و در اول و آخر کتاب تعداد اوراق را قید نموده، بعد از نوشتن تاریخ در پهلوی مهر های صفحه اول و آخر تصدیقاً امضاء نیز می کند.

ماده ۶۹:

د شتو په دفتر کښې د لاندې چاري داخليږي:
۱- هغه نقد مال چه تاجر يې د شروع په ورځ د هر ډول منقولو او غير منقولو مالونو له اټکلي قيمتو سره خپل تجارت دپاره تخصيص کړې او د پور د اسنادو او د سهمونو قيمتونه چه دی يې نشروي د هغو د جاريه قيمت په

ماده ۶۹:

در دفتر دارائی امور ذیل درج می شود:
۱- نقودیکه تاجر در روز آغاز با قیمت های تخیمنی هر نوع اموال منقول و غیر منقول که به تجارت خود تخصیص می دهد و قیمت های اسهام و اسناد قرضه که نشر می دارد به اعتبار قیمت جاریه آنها که

در تاریخ مذکور خرید و فروش می‌شود و تمام طلباتی که قابل تحویل شمرده می‌شود، خواه از روی اسناد باشد و یا غیر آن.

۲- تمام دیونیکه از تعهدات و ذرایع دیگر بدست می‌آید.
 ۳- پس از تعیین دارائی خالص که عبارت از مقدار دارائی بعد از وضع دیون می‌باشد، تاجر مجبور است در آخر هر سال حسابی یک بیلانس را که حاوی مقدار دیون و دارائی مخصوص تجارت او باشد ترتیب و درین دفتر درج نماید. بیلانس اقلأ در سال یکبار باید ترتیب شود.

ماده ۷۰:

در آغاز تجارت بعد از اینکه سرمایه اصلی تاجر که بموجب ماده (۶۹) تعیین می‌یابد، در دفتر یومیه قید گردید، تمام معاملات کلی و جزئی دایر به داد و ستد، چه متعلق به معاملات تجاریه باشد و چه به معاملات عادیه، جدا جدا روزمره

اعتبار به هغی نبتی کنبی پیرودل او پلورل کیرپی او ٲول هغه طلبات چه د تحویل وٲ بلل کیرپی که د اسناد و له مخی وٲ او که ٲرته له هغو ٲخه.

۲- ٲول هغه ٲورونه چه له تعهداتو او نورو ذریعو ٲخه ٲه لاس راٲی.
 ۳- وروسته د خالصو شتوله ٲاکلو چه وروسته دٲورونو له وضع کٲدو ٲخه دیوٲی اندازی شتو ٲخه عبارت دی، تاجر مجبور دی چه د هر حسابی کال ٲه ٲای یو داسی بیلانس چه دده د تجارت یوه اندازه مخصوص شته او ٲورونه ٲکنبی وٲی ترتیب او ٲدی دفتر کنبی ٲی داخل کری. بیلانس باید لٲ ترلٲه ٲه کال کنبی یو ٲل ترتیب شی.

ماده ۷۰:

د تجارت ٲه شروع کنبی وروسته له هغه چه د تاجر اصله ٲانگه چه د (۶۹) مادی له مخی ٲاکلی کیرپی ٲه ورٲنی دفتر کنبی قید شوه، د ورکری راکری ٲول کلی او جزئی معاملات که ٲه تجاریه ٲارو ٲورپی اره لری او که ٲه عادی کارو ٲورپی، جلا جلا، ورٲ ٲه ورٲ د معاملی د

نبتی په ترتیب او همدارنگه د هغو شخصیه مصارف قید او داخلیری.

۷۱ ماده:

ټولې تجارتي صادري شوی مراسلي به اصل او مینوت لري او ټول صادر شوی او وارد شوی لیکونه او تلگرامونه به د اندیکاتور په اصولو په اجمالی ډول ثبت او قید شي.

۷۲ ماده:

د شرکتونو تصویبونه د هغه تصویبونو په کتاب کښې چه د عمومي مجمع او د مدیره هیئت له خوا د خبرو اترو په اثر کیري سره د هغو د اعضاوو له نومونو چه په خبرو اترو کښې حاضر وو او د ټولني د نبتی او نورو معلوماتو چه د خبرواترو د جریان او د آراوو د اخیستلو د پوره اطلاع موجب وگرزیداي شي، قید او درجیری او ددی تصویبونو په پای کښې هغه کسان چه د شرکت په نامه د لاس لیک اجازه ورته شوی وي، لاس لیک کوي.

به ترتیب تاریخ معامله و همچنان مصارف شخصیه او قید و درج می شود.

ماده ۷۱:

تمام مراسلات صادره تجاریه دارای اصل و مینوت خواهد بود و همه مکاتیب و تلگرامهای صادره و وارده به اصول اندیکاتور اجمالاً قید و ثبت خواهد شد.

ماده ۷۲:

تصویبات شرکتها در کتاب تصویباتیکه از طرف مجمع عمومی و هیئت مدیره در اثر مذاکره اتخاذ می شود، با اسمای اعضائیکه در مذاکره حاضر بوده اند و تاریخ اجتماع و معلومات دیگریکه موجب اطلاع کامل از جریان مذاکره و اخذ آراء شده به تواند قید و درج گردیده و در ذیل این تصویبات اشخاصی که بنام شرکت مأذون به امضاء می باشند، امضاء می کند.

ماده ۷۳:

تجاریا د دوی اخلاف چه د دوی تجاری چارو ته ادامه ورکوي مجبور دی چه هغه دفترونه چه د هغو په لرلو مکلف گرځولی شویدی (د وروستي قید د نېټې له سره چه پدی دفترونو کښې کیږي) او تلگرامونه او لیکونه د هغو له خپلو نېټو څخه تر پنځلسو کا لو پوري وساتي.

ماده ۷۳:

تجاریا اخلاف ایشان که معاملات تجاریه ایشان را ادامه می دهند مجبور اند دفاتری را که به داشتن آن مکلف قرار داده شده اند (سراز تاریخ آخرین قید که در دفاتر مذکور می شود) و تلگرامات و مکاتیب را از تاریخ خود آنها تا مدت پانزده سال محافظه نمایند.

ماده ۷۴:

د وراثت - شرکت او یا د افلاس په مسئلو پوري مربوط تجارتي دفترونه او لیکونه د تسلیم په حال کښې څه د محکمي له خوا او څه د علاقه لرونکو له خوا د هغوي گرد طرفونه او ډولونه تدقیق کیدای شي.

ماده ۷۴:

دفاتر و مکاتیب تجاریه در مسایل مربوطه به وراثت- شرکت یا افلاس در حال تسلیم چه از جانب محکمه و چه از جانب علاقه مندان تمام جهات و اقسام آن تدقیق شده می تواند.

ماده ۷۵:

په جگړه ناکو مواردو کښې ددعوو د جریان په منځ کښې محکمه کولای شي چه دخپل تشخیص یا د یو طرف د غوښتنې له قراره د تجاري پانېو او دفترونو په ښکاره کولو امر وکړي.

ماده ۷۵:

در اثنای جریان دعاوی در موارد متنازع فیها، محکمه می تواند بر حسب تشخیص خود یا برحسب خواهش یکی از طرفین به ارائه دفاتر و اوراق تجاریه امر بدهد.

ماده ۷۶:

که د هغو تجاربه لیکونو او دفترونو نقل او بنکاره کول چه د بنکاره کولو حکم یې ورکړی شوی وي په دی علت په هغه پانې او دفترونه پرته له دی محکمي چه دعوي پکښې دائره ده د بلي حوزی په محکمه کښې وی کم مشکلات ولري، نو دا محکمه کولای شي چه دلازمو برخو مصدقه سواد رسماً له مربوطی محکمی خخه راوغواری.

ماده ۷۷:

هغه مسؤلیتونه چه د تجارتي ضروري دفترونو له نه لرلو او د هغو د قانون له مخې له نه ترتیبولو خخه پېښېږی په خپله د تجارتي خاني په خاوند پورې اړه لری او تاجر نشي کولای چه خپل قصور د بل په غاړه واچوي او خپل ځان له مسؤلیته و باسي.

ماده ۷۸:

که تجارتي ضروري دفترونه دداسي پېښو په اثر لکه اور لگیدل او نور آفتونه په هغي مودی کښې چه د هغو ساتنه ضروري ده ضایع شي، نولازمه ده چه د ضایع کیدو

ماده ۷۶:

اگر در نقل و ارایه دفاتر و مکاتیب تجاریه که حکم ارایه آن داده شده باشد بعلت بودن آن در حوزه قضاء محکمه دیگر غیر از محکمه که دعوی در آن دائر است مشکلاتی باشد، محکمه اول الذکر رسماً سواد مصدقه قسمت های لازم را از محکمه مربوطه خواسته می تواند.

ماده ۷۷:

مسئولیتی که از عدم دارائی دفاتر ضروریه تجاریه و عدم ترتیب قانونی آن تولید می شود، رسماً به خود صاحب تجارت خانه عائد است و تاجر نمی تواند این قصور را بدوش دیگری افکنده، خود را از مسؤلیت بری سازد.

ماده ۷۸:

اگر دفاتر ضروریه تجاریه در اثر واقعاتی مانند حریق و آفات دیگری در ظرف مدتیکه محافظت آن مجبوری است ضایع شود، لازم است کیفیت ضیاع در

ظرف یکماه از طرف تاجر و یا وکیل او به محکمه مربوطه اخبار گردد. اگر محکمه درباره صحت ضیاع بعد از تحقیق قناعت حاصل کند، به شخص مراجعت کننده تصدیق لازم را اعطاء خواهد نمود.

ماده ۷۹:

در اختلافاتی که بین تجار راجع به معامله تجارتي پیدا می شود، دفاتر قانونی تجارتي را میتوان در دایره شرایطیکه در مواد (۸۰ و ۸۴) تعیین شده است، به حیث وسایل ثبوت قبول نمود.

ماده ۸۰:

مندرجات دفاتر قانونی تجارتي، خواه به احکام قانون مطابق باشد خواه نباشد، علیه صاحب آن و یا خلف آن و یا خلف اخیر الذکر دلیل شده می تواند. مندرجاتیکه بر له تاجر باشد، در صورتی که دفاتر تجاریه مطابق قانون ترتیب شده باشد، معتبر می باشد.

د کیفیت جزئی د یوی میاشتی په موده کښې د تاجر یا دده د وکیل له خوا مربوطی محکمی ته خبر ورکړشي. که وروسته له تحقیق څخه د هغو په ضیاع باندی یقین راغي، نو مراجعت کوونکي شخص ته به لارم تصدیق ورکوی.

ماده ۷۹:

په هغو اختلافاتو کښې چه د تجارتي معاملو په خصوص کښې د تجارو په منځ کښې پیدا کيږي، کولای شي چه تجارتي قانوني دفترونه د هغو شرایطو په دائره کښې چه په (۸۰-۸۴) مادو کښې ټاکل شويدي، د ثبوتو د وسایلو په حیث قبول کړی.

ماده ۸۰:

د تجارتي قانوني دفترونو مندرجات که د قانون له احکامو سره مطابق وي او که نه وي د هغه په خاوند یا یې په خلف یا یې په وروستني خلف دلیل کيدای شي. هغه مندرجات چه د تاجر په گټه وي، پدی صورت چه تجارتي دفترونه له قانون سره سم ترتیب شوی وي، معتبر دی.

۸۱ ماده:

که دیو تاجرد دفتر مندرجات له اصول سره سم وي او د بل تاجرد دفتر د مندرجاتو او سندونو څخه مخالف وي او د هغو د هر یوه حقیقي توب په معتبرو وثیقو او دلایلو په اثبات ورسپړی نو د دفتر اثباتیه قوه او اسناد ساقطیږی.

ماده ۸۱:

اگر مندرجات دفتر تاجری مطابق اصول بوده مخالف مندرجات دفتر یا اسناد تاجر دیگری باشد و غیر حقیقی بودن هر یکی از آن به وثایق و دلایل معتبره به اثبات برسد، قوه اثباتیه دفتر و اسناد ساقط می گردد.

۸۲ ماده:

که دیوه طرف دفتر د قانون له مخې منظم وي او د مقابل طرف دفتر په اصول برابر نه وي او یا هیڅ دفتر ونلري او یا ونه غواړی چه خپل دفتر بنکاره کړی، نو د لومړني تاجرد دفتر مندرجات په مقابل جانب باندی دلیل کیدای شي. مگر که مقابل طرف د هغو مندرجاتو ضد چه پر ده باندي ئي اسناد شوی وي په معتبرو وثیقو اثبات کړای شي نو مستند شوی مندرجات خپله اثباتیه قوه له لاسه ورکوي.

ماده ۸۲:

اگر دفتر یکی از طرفین قانوناً منظم بوده و دفتر طرف مقابل به اصول موافق نباشد و یا هیچ دفتر نداشته باشد و یا نخواهد دفتر خود را ارائه دهد، مندرجات دفتر تاجر اول الذکر علیه طرف مقابل دلیل شده می تواند. لیکن اگر طرف مقابل ضد مندرجاتی را که بر علیه او اسناد شده با وثایق معتبره اثبات نموده بتواند، مندرجات مستندة قوه اثباتیه خود را می بازد.

۸۳ ماده:

که له طرفینو څخه یو تن د

ماده ۸۳:

اگر یکی از طرفین

مندرجات دفاتر تجاریه
 خصم را در حضور محکمه
 قبول کند در صورتی که
 خصم از ارائه دفتر تجاریه خود
 امتناع ورزد، محکمه
 می تواند در حق طرفیکه
 طالب ارائه است به قناعت خود
 فیصله بدهد.

ماده ۸۴:

زمانی که محکمه مندرجات
 دفتر تجاریه را موافق
 اصول دیده بر له صاحب آن
 دلیل بگیرد، می تواند به جهت
 اکمال قناعت وجدانی راجع به
 صحت مندرجات مذکوره و
 واجب الاداء بودن حق مدعی بر
 ذمه مدعی علیه یک تحقیقات
 ضمنی مزید را اجراء و بعد از
 حصول قناعت فیصله لایزمه را
 بدهد. تحقیقات ضمنی محکمه
 به هیچ وجه نباید بیش از (۱۵)
 روز طول بکشد.

محکمی د و راندی د خپل مدعی د
 تجارتی دفتر مندرجات و منی، نو
 په دی صورت کښې چه دده مقابل
 د خپل تجارتی دفتر دښکاره کولو
 څخه انکار وکړې، محکمه کولی
 شي چه دهغه چا په خوا چه ددفتر
 دښکاره کولو غوښتنه کوي د خپل
 قناعت سره سمه فیصله وکړې.

ماده ۸۴:

که یو طرف د مدعی د تجارتی
 دفترنو مندرجات له اصول سره
 سم وویني د هغه د خاوند په طرف
 دلیل ونیسي، کولای شي چه د هغو
 مندرجاتو د صحت په خصوص
 کښې د وجدانی قناعت د اکمال او
 د مدعی علیه پر ذمه باندي د
 مدعی د حق د اثبات دپاره یوڅه
 زیات ضمنی تحقیقات اجرا کړي
 او وروسته د قناعت له حصول څخه
 لایزمه فیصله ورکړي. د محکمی
 ضمنی تحقیقات باید له (۱۵)
 ورځو څخه زیات نه شي.

اتم فصل د تجارو نمایندگان

۸۵ ماده:

هغه څوک چه د يو تاجر د تجارت کولو په ځای کښې او يا په بل ځای کښې د هغه تجار له خوا د هغه د تجارت په مربوطو چارو بوخت وي، د تاجر نماینده بلل کيږي.

۸۶ ماده:

تاجر يواځې د خپلې اجازې په حدودو کښې چه خپل نماینده ته يې کړې ده د خپلې نماینده له معاملاتو او د مقاولو مسئول دی. او که نوموړي نماینده څو تنو تجارو استخدام کړي وي نو هر يو ځانته په خپل وار مسئول دی او که کوم نماینده د تجارتي شرکت له خوا په کار اچولي شوی وي نو د شريکانو مسئوليت نظر د شرکت نوعيت ته ټاکل کيږي.

۸۷ ماده:

د نمایندگي حق چه يوه نماینده ته ورکول کيږي يا صريح وي او يا ضمني. هغه پاڼه چه صريح نمایندگي پکښې وي د هغه ځای د ثبت په دائره کښې چه په هغه ځای

فصل هشتم نمایندگان تجار

ماده ۸۵:

کسیکه در محل اجرای تجارت یک تاجر و یا در یک محل دیگر مربوط به امور تجاری او از طرف تاجر به کار تجارت مکلف باشد، نماینده تاجر گفته می شود.

ماده ۸۶:

تاجر تنها در حدود دایره اجازه که به نماینده خود داده باشد، از معاملات و عقد مقاولات نماینده خویش مسئول می باشد و اگر نماینده مذکور را تجار متعدد استخدام نموده باشند، هر یک به نوبه خود مسئول می باشند و اگر نماینده از جانب شرکت تجاریه گماشته شده باشد، مسئولیت شرکاء نظر به نوعیت شرکت تعیین می شود.

ماده ۸۷:

حق نمایندگی ایکه به یک نماینده داده می شود یا صریح می باشد و یا ضمنی. ورقه که متضمن نمایندگی صریح باشد، در دایره ثبت محلی که در آنجا نماینده

اجرای تجارت می‌نماید، ثبت و اعلان می‌شود و در صورت عدم اجرای این مراسم، احکام ماده (۸۸) تطبیق می‌گردد.

ماده ۸۸:

حق نمایندگی که به یک نماینده ضمناً داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث غیر محدود دانسته می‌شود و به نسبت هر نوع تجارتی که داده شده باشد، تمام معاملاتی را که در ضمن آن تجارت اجرا می‌شود دربر می‌گیرد. اگر نماینده با اشخاص ثالث اجرای معاملات نموده باشد و تاجر اثبات نموده نتواند که اشخاص ثالث از محدودیت حق نمایندگی او در زمان اجرای معامله اطلاع داشتند، ادعای تاجر در باب محدودیت نمایندگی نماینده مذکور به مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست.

ماده ۸۹:

اگر نماینده دائماً بنام امر خود یعنی صاحب تجارتخانه اجرای معامله می‌کند باید در اثنای امضاء نمودن در پهلوی اسم و

کنبی نماینده تجارت کوی ثبت او اعلانی‌ری او د دی مراسمو دنه اجرا په صورت کنبی د (۸۸) مادی احکام تطبیق‌ری.

ماده ۸۸:

د نمایندگي حق چه يوه نماینده ته ضمناً ورکړی شوی وي د دريو کسانو په مقابل کنبی غیر محدود بلل کيږي او د هر ډول تجارت په نسبت چه ورکړی شوی وي په ټولو هغو معاملاتو چه د هغه تجارت په ضمن کنبی اجراء کيږي مشتمل وي. که نماینده له نورو کسانوسره معاملي اجراء کړي وي او تاجر ثابته نشي کړای چه دريم کسان دده د نمایندگي د حق له محدودیت څخه د معاملي د اجراء په وخت کنبی خبروو، د تاجر ادعا د دريو کسانو په مقابل کنبی د هغه نماینده د نمایندگي د محدودیت په باب کي د اعتبار وړ نه ده.

ماده ۸۹:

که نماینده تل د خپل امر یعنی د تجارتخاني د خاوند په نامه معامله اجراء کوي، باید دلاس لیک کولو په وخت کنبی د خپل نوم او

شهرت په څنگ کې د تاجر نوم او شهرت او یا د شرکت عنوان ولیکي او د (وکالتاً) کلمه یا د هغې معادله بله کلمه ورسره زیاته کړی. په داسې حال کې چې ددی فقري احکام په ځای نکړي، نماینده د هغو معاملاتو چه اجراء کړی ئی دی، پخپله مسئول کيږي. مگر که نور کسان د هغه په خصوص کېنې چه ده ته ورسپارلی شويدي معامله وکړې نو کولای شي چه په موقع کېنې په امر باندي هم دعوي وکړي.

۹۰ ماده:

هغه څوک چه بی د نمایندگی د حق له لرلو نه د یو تاجر د نمایندې په نامه یوه معامله اجراء کړی او تاجر د هغه معامله تصدیق نه کړی، د هغه تاوان په ورکولو باندي مجبور دی چه له دی لاري څخه دریم بي غرضه سپری ته ورسپړی.

۹۱ ماده:

نماینده بي خپل امر له صریح موافقي څخه نشي کولای چه په خپل یا د بل په حساب شخصاً یا په اشتراک کومه تجاري معامله

شهرت خود اسم تاجر و شهرت او یا عنوان شرکت را بنویسد و کلمه (وکالتاً) و یا معادل آن، کلمه دیگری را علاوه کند. در حالیکه احکام این فقره را ایفاء نکنند، نماینده از معاملاتیکه اجراء نموده شخصاً مسئول می شود ولیکن اگر اشخاص دیگر راجع به تجارتي که به او سپرده شده است معامله بکنند، می توانند عندالموقع بر علیه امر نیز دعوی نمایند.

ماده ۹۰:

شخصی که بدون داشتن حق نمایندگی به صفت نماینده یک تاجر اجرای معامله کند و تاجر معامله او را تصدیق ننماید، مجبور به جبران خساره میباشد که ازین رهگذر به شخص ثالث صاحب حسن نیت وارد شود.

ماده ۹۱:

نماینده بدون موافقه صریح امر خود نمی تواند به حساب خود یا دیگر شخصاً و یا بالاشتراک هیچ یک معامله تجاریه را اجراء کند.

نماینده که مخالف این حکم رفتار می کند اگر ضرری از معاملات او تولید شود، مجبور به جبران خساره می باشد و در صورت منفعت تاجر می تواند منافع معاملات او را تملک کند.

ماده ۹۲:

سلب و یا تجدید حق نمایندگی صریح تابع ثبت و اعلان است.

ماده ۹۳:

نماینده راجع به معاملات تجاریه که به او مفوض می باشد، مانند قروض و غیره، می تواند بنام امر خود در محکمه اقامه دعوی کند و همچنان اقامه دعوی بر علیه نماینده نیز جائز است.

ماده ۹۴:

احکام این فصل بر نمایندگان تجارتخانه ها و شرکتهای خارجی که در داخل مملکت افغانستان بنام و حساب آنها اجرای معامله کنند نیز قابل تطبیق است.

اجراء کری. هغه نماینده چه له دی حکم څخه چپ تگ کوي که دده له معاملي څخه ضرر پیدا شي، دی به تاوان ورکولو ته مجبور وي او د گتې په صورت تاجر کولای شي چه دده د معاملاتو گتې خپل کری.

ماده ۹۲:

د صریحی نمایندگی د حق سلب او یا تجدید د ثبت او اعلان تابع دی.

ماده ۹۳:

نماینده د هغو تجارتي معاملاتو په خصوص کي چه ده ته سپارلی شویدی، لکه پورونه او نور، کولای شي چه د خپل امر په نامه په محکمه کښې دعوي دایره کری او په همدی شان په نماینده باندی د دعوي دائرول هم جائز دی.

ماده ۹۴:

ددی فصل احکام د بانډنیو شرکتونو او تجارتخانه پر هغو نمایندگانو باندی چه په افغانستان کښې د هغو په نامه او حساب معامله اجراء کری هم د تطبیق وړ دی.

فصل نهم تجارتی گرځند نمایندگان

۹۵ ماده:

هغه مستخدم ته چه یوه تاجر د تجارتي معاملاتو د اجراء د پاره د لیک یا اعلان یا متحد المال یا ددی په شان د نورو وثیقو په ذریعه اجازه ورکړی شي او بل ځای ته لیږل کیږي، گرځند نمایندگان بلل کیږي او د دوی آمرین د هغو نتایجو چه د دوی د ماذونیت په دائره کښې له تجارتي معاملاتو څخه پیدا کیږي، مسئول دی.

۹۶ ماده:

د (۸۹) مادې احکام په تجارتي گرځنده نمایندگانو هم تطبیقېږي مگر څه وخت چه دا نمایندگان هغه معاملات چه اجراء کړي یې دی وغواړي لاس لیک کړي، دا نشي کولای چه (وکالتاً) یا د هغې په شان بله کلمه استعمال کړي بلکه مجبور دی چه فقط د خپلو آمرینو نومونه درج کړي.

۹۷ ماده:

تجارتی گرځند نمایندگان لکه

فصل نهم نمایندگان سیار تجارتي

۹۵ ماده:

مستخدومي که برای اجرای معاملات تجارتي یک تاجر به توسط مکتوب یا اعلان یا متحد المال یا وثایق دیگری مثل آن از طرف تاجر مجاز گردیده به محل دیگر اعزام می گردند، نمایندگان سیار تجارتي گفته می شوند و آمرین شان از نتایجی که در دایره ماذونیت ایشان از معاملات تجاریه متولد می شود، مسئول می باشند.

۹۶ ماده:

احکام ماده (۸۹) بر نمایندگان سیار تجارتي نیز تطبیق میشود، لیکن زمانی که این نمایندگان معاملات را که اجرا کرده اند بخواهند امضاء کنند، نمی توانند کلمه وکالتاً یا معادل آنرا استعمال نمایند بلکه مجبور اند فقط اسمای آمرین خود را درج کنند.

۹۷ ماده:

نمایندگان سیار تجارتي طوری که

اجازه ندارند بدل اموالی را که شخصاً تسلیم نه نموده اند قبض کنند، همچنان نمی توانند قیمت را تأجیل و یا مبلغ آنرا تنزیل بدهند ولی می تواند پیشنهاداتی را که بنام آمرین شان واقع شده باشد، بنام ایشان قبول و تدابیری را که برای حفظ منافع آمرین شان باشد اتخاذ کنند.

فصل دهم مامورین فروش

ماده ۹۸:

اشخاصی که در تجارتخانه ها مجاز به فروش اموال عمده و پرچون باشند، مامورین فروش نامیده می شوند. مامورین فروش حق دارند قیمت اموالی را که در داخل شعبه فروش می فروشند مطالبه و اخذ نمایند در صورتی که صلاحیت اخذ قیمت به (کسه) داده نشده باشد مامورین فروش تا تصدیقنامه و اجازه رسمی به امضای آمرین و صاحبان تجارتخانه نداشته باشند نمی توانند در

خرنگه چه اجازه نه لری چه د هغو مالونو پخپله یی نه دی تسلیم کړی بدل واخلی، نو په همدی شان نشي کولای چه قیمت ځنډ او یا د هغو مبلغ ته تنزیل ورکړی. مگر دا کولای شي هغه پیشنهادات چه د دوی د آمرینو په نامه شوی وي، د هغو په نامه قبول کړی او داسی تدبیرونه چه د دوی د آمرینو د گټی دساتنی دپاره وي ونیسی.

لسم فصل پلورلو مامورین

ماده ۹۸:

هغه کسان چه د عمده او پرچون مالونو دپلورلو اجازه ورته ورکړی شوی وي دپلورلو مامورین بلل کیږي. دپلورلو مامورین حق لري چه د هغو مالونو قیمت چه د ننه په خانگه کبې ئې پلوري وغواړي او وائی خلی او په دی صورت چه (کیسی) ته د قیمت اخیستلو واک نه وي ورکړی شوی د پلورلو مامورین ترڅو چه رسمی تصدیقنامه د آمرینو او د تجارتخانی د خاوندانو په لاس لیک ونه لری، نشي کولای چه

خارج تجارتخانه مطالبه و
یا اخذ قیمت اموال را
بنمایند.

له تجارتخانی خخه دباندی د
مالونو قیمت واخلي او یا یی و
غواړی.

فصل یازدهم دلای

ماده ۹۹:

اشخاصی که بالمقاوله اجیر
خاص هیچ یک از طرفین
نبوده و در عقد مقاولات
مروجه تجارتی فقط
بالمقابل اجرت بین عاقدین
وساطت و به این صورت،
تسهیل عقد معاملات
تجاریه را برای خود
پیشہ اتخاذ نمایند، دلال
نامیده می شود. دلالها دارای
حقوق مندرجه این
فصل و تکالیف آن می باشند.

ماده ۱۰۰:

بجز در صورتی که عاقدین از
ترتیب سته صرف نظر کنند و یا
نظربه جنس امتعه بنا بر عرف
محلّ لزوم ترتیب آن محسوس
نشود، دلال مجبور است که
بعد از اجرای معامله بدون
معطلی سته های سند را که

یوولسم فصل دلای

ماده ۹۹:

هغه کسان چه د مقاولی له مخې د
هیڅ یوه له طرفینو خخه خاص
اجیر نه وي خو د تجارتي مقاولانو
په گوټه کولو کښې یواځې د اجرت
په مقابل کښې د عاقدینو په منځ
کښې منځگړیتوب کوي او پدی
صورت د تجارتي معاملاتو په عقد
کښې آسانتیا راوستل ځانته کسب
وگرځوي، دلال بلل کیږی او دلالان
په دی فصل کی د لیکل شویو
حقوقو خاوندان او په تکلیفاتو یې
مکلف دی.

ماده ۱۰۰:

بي له دی صورته چه له ستي سندنه
ترتیبولو خخه عاقدین تیرشي او یا
نظر د مال جنس ته د محلي عرف
له مخې د هغي ترتیب ته څه
ضرورت و نه لیدل شي دلال
مجبور دی چه د معاملي له اجراء
خخه وروسته بي له ټال ورکولو

حاوی اسامی و شهرت کامله عاقدین، موضوع و شرایط مقاوله، نوع و مقدار قیمت و زمان تسلیم امتعه موضوع مقاوله باشد را به امضاء خود به طرفین اعطا کند.

ماده ۱۰۱:

در باره معاملاتیکه اجرای آن فوراً مشروط نباشد، باید سته به امضاء طرفین عاقدین رسانیده شده و سته امضاء شده یکی از طرفین به طرف مقابل اعطاء شود. در حالیکه یکی از طرفین از قبول و یا امضای سته استنکاف ورزد، دلال فوراً به طرف مقابل واقعه را ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۱۰۲:

دلال در باره صحت امضای طرفین که در اوراق معامله که توسط او واقع شده و همچنان از صحت امضای ظهر نویس اخیر که در هر نوع سندات محرر به امر باشد، مسئول است.

داسی سستی (سندونه) چه عاقدینو نومونه او کامل شهرت د مقاولی موضوع او شرطونه د قید ډول او اندازه د مال د تسلیم نپته او د مقاولی موضوع پکښې وي په خپل لاس لیک طرفینوته ورکړی.

۱۰۱ ماده:

د هغو معاملاتو په خصوص کښې چه اجراء يې سمدستي ضرورت نلري، باید سند د طرفینو عاقدینو په لاس لیک ورسپړی او له طرفینو څخه د یوې خوا لاس لیک شوی سند بل جانب ته ورکړه شي او که یو له طرفینو څخه د (سستی) سند له قبولولو یا لاس لیک څخه منع راوړي نو دلال په سمدستي پښنه مقابل طرف ته ابلاغ کړی.

۱۰۲ ماده:

دلال د طرفینو د لاس لیکونو د صحت په خصوص کښې چه دده په ذریعه د معاملي په پانډو شویدی او همدا ډول د وروستني ظهر نویس د لاس لیک له صحت څخه چه په هر ډول سندونو کښې د لیکونکي په امر وي، مسئول دی.

ماده ۱۰۳:

هغه دلال چه معامله دده په ذریعه اجراء کیري که سند دا ډول ترتیب کړي چه د یو طرف معرفي مقابل طرف ته په راتلونکی وخت پورې موقوفه پاتي شوی وي او پدی صورت که مقابل طرف سند قبول کړي وي نو په واقعي عقد پابند کیږي. هغه موده چه د نامعلوم طرف د معلومیدو دپاره لازمه ده، د محلي عرف له مخې او که دا ډول عرف وجود ونه لري نو له حال سره سم ټاکل کیږي.

که نامعلوم طرف په ټاکلي موده کښې معلوم نشي یا معلوم شي خو په هغه باندی اعتراضات وشي نو هغه طرف چه سند یې قبول کړیدی حق لري چه معامله له شخص دلال څخه وغواړي او په هغه باندی دعوي وکړي. سره له دی که د دلال د مراجعي په اثر د معاملي په اجراء کښې سمدستي له دی حق څخه گټه وانخلي نو وروسته له هغه دده دعوي نه اوریدله کیږي. او که دلال

ماده ۱۰۳:

دلالی که معامله بواسطه او اجراء می شود اگر سته را طوری ترتیب کند که معرفی یکطرف به طرف مقابل به آتیه موقوف گذاشته شده باشد، درین صورت اگر طرف مقابل سته را قبول کند و بعداً طرف معلوم گردید و اعتراضات جدید هم واقع نشده، باشد طرفی که سته را قبول نموده است به عقد واقعی پابند می گردد. مدتی که برای معلوم شدن طرف مجهول لازم است از روی عرف محلی، و اگر چنین عرف وجود نداشته باشد، مطابق ایجاب حال تعیین می گردد.

اگر طرف مجهول در مدت معینه معلوم نشود و یا معلوم شود بر علیه او اعتراضات جدید بعمل آید طرفی که سته را قبول نموده است حق دارد اجرای معامله را از شخص دلال طلب و بر علیه او دعوی کند. معهذا اگر در اثر مراجعه دلال فوراً از حق مذکور در اجرای معامله استفاده نمی کند، بعد از آن دعوی او مسموع

نیست. در صورتی که دلال آن معامله را بالذات خودش ایفاء نموده باشد، حقوقیکه از رهگذر عقد معامله عاید بطرف دیگر است، بخودش منتقل می‌شود.

ماده ۱۰۴:

دلال مجبور است نمونه هر یک از امتعه را که مطابق نمونه ذریعه او فروخته می‌شود تا وقتی نزد خود محافظه نماید که معامله ختم گردد.

اگر طرفین از محافظت نمونه صراحتاً صرف نظر کنند و یا نظر به جنس امتعه بنا بر عرف محلی لزوم حس نشود، دلال می‌تواند از محافظت نمونه مودوعه صرف نظر کند.

دلال برای اینکه بالاخره اتمام حجت نموده بتواند، باید نمونه مورد معامله را نشانی نماید.

ماده ۱۰۵:

دلال برای قبول قیمت و یا جنسیکه در مقاوله تصریح شده

هغه معامله په خپله بالذات په خای کړې وي نو هغه حقوق چه د معاملې د عقد له لاري بلي خوا ته وریه برخه شویدی، په خپله هغه ته ور منتقل کیږي.

۱۰۴ ماده:

دلال مجبور دی چه د هر هغه مال نمونه چه د نموني له مخې دده په ذریعه پلورل کیږي تر هغه وخته پورې له خان سره وساتي چه ترخو معامله پای ته ورسیري.

که دواړه طرفه د نموني له ساتني څخه صراحتاً صرف نظر وکړي او یا نظر د مال جنس ته د محلي عرف له مخې لزوم ونلري نو دلال کولای شي چه د سپارلی شوی نموني له ساتني څخه صرف نظر وکړي.

دلال لپاره ددی چه په پای کښې دلیل ونیوي شي باید هغه نمونه چه معامله ورباندی شوی وي، نڅښه کړي.

۱۰۵ ماده:

دلال د جنس یا د قیمت د قبولولو د پاره چه په مقاوله کښې ذکر شوی

دی، صلاحیت نه لري.

است صلاحیت ندارد.

۱۰۶ ماده:

دلال مکلف دی لکه تاجر غوندی د مدبرخاوند وي او په صداقت کار وکړی نو ځکه د هغو زیانونو په نسبت چه د ده له غفلت څخه پیدا شي، هر یوه له طرفینوته مسئول دی.

دلال مکلف است مانند یک تاجر مدبر و راستکار حرکت نماید نسبت به خساراتیکه از غفلت او نشأت کند، نزد هر یکی از طرفین مسئول می باشد.

۱۰۷ ماده:

که دلال د یوي خوا داسي طرفداري وکړی چه د بیطرفی-مخله شي او یا د بد نیت له مخې نظر یوه جانب ته گټه تمام شي نو د دلالي اجرت او د مصارفو حق یې ساقطیږی.

طرفداری دلال از یک جانب به اندازه که مخل بی طرفی شود و یا انتفاع از جانب دیگر با سوء نیت حق مطالبه اجرت و مصارف دلالي را ساقط می سازد.

۱۰۸ ماده:

دلال د معاملي له انعقاد څخه وروسته او یا که عقد په کوم شرط پوري مقیده وي او د شرط د تحقق نه وروسته یې سند اخیستی وي نو د خپل اجرت د غوښتنې حق لري او دده دا حق د معاملي د عقد له ورځې څخه تر یوکال پوري اعتبار لري. او که معامله منعقده نشي او یا معلقه شرط په ځای نه کړی، دلال نشي کولای چه له هغو

دلال متعاقب انعقاد معامله و یا اگر عقد مقید بر کدام شرط بوده و متعاقب تحقق شرط سته آن معامله را تسلیم نموده باشد، حق طلب اجرت خود را دارد. این حق او از روز عقد معامله تا یکسال اعتبار دارد. اگر معامله منعقد نشود و یا شرط معلقه تحقق نیامد، دلال نمی تواند از

۱۰۶ ماده:

۱۰۷ ماده:

۱۰۸ ماده:

تشبثاتو په مقابل کښې چه په دی
باره کي يي کړېدی اجرت وغواړی.

۱۰۹ ماده:

د دلالي د اجرت اندازه د مقرراتو
او مقاولي له مخې او که هغه نه
وي نو نظر محلي عرف ته ټاکل
کيږي.

۱۱۰ ماده:

که د معقولو مصارفو ورکړه د
دلالي له خوا د معاملي په نتیجه
پورې مشروط نه وي دلال د هغو
د غوښتنې حق لري.

۱۱۱ ماده:

که د اجرت په خصوص کښې دواړو
خواوو څه خبري نه وي کړی او د
مقرراتو له مخې هم ټاکلي
شوی نه وي چه اجرت کوم یو په
غاړه واخلي نو د محلي عرف له
مخې فيصله کيږي او که دا ډول
عرف نه وو نو لارمه ده چه نيمې يوه
خوا او نيمې يې بله خوا اداء کړی.

۱۱۲ ماده:

دلال مجبور دی چه هغه معاملي
چه دده په منځگړيتوب اجراء کيږي
هره ورځ د نېټې په ترتيب او د
(۱۰۰) مادي په بنسونه په

تشبثاتيکه در آن باره نموده
است اجرت طلب کند.

ماده ۱۰۹:

اندازه اجرت دلالي از روی
مقاولات و مقررات و در صورت
عدم آن نظر به عرف محلي تعيين
می گردد.

ماده ۱۱۰:

اگر تادیه مصارف معقول از
طرف دلال مشروط به نتیجه
معامله نباشد دلال حق
مطالبه آنرا دارد.

ماده ۱۱۱:

اگر طرفین راجع به اجرت
مقاوله ننموده باشند و بر
طرفین مقررات هم معین
نباشد که اجرت را کدام یک
متحمل شود، از روی عرف
محلی فیصله می شود. در صورت
فقدان چنین عرف لازم است
طرفین بطور منصفه بپردازند.

ماده ۱۱۲:

دلال مجبور است معاملاتى را
که بوساطت او اجراء می شود
هر روزه به ترتیب تاریخ و
هدایت ماده (۱۰۰) درج

روزنامهچه کنبې داخلي کړې. هره معامله چه داخليږي، هره ورځ د دلال له خوا لاس ليک کيږي.

روزنامهچه کنبې داخلي کړې. هره معامله چه داخليږي، هره ورځ د دلال له خوا لاس ليک کيږي.

د هغو موادو احکام چه په تجاري روزنامهچي کنبې دداخلولو او د هغي دساتلو په خصوص کنبې دي، د دلال د روزنامهچي په باره کنبې هم جاري دي.

د هغو موادو احکام چه په تجاري روزنامهچي کنبې دداخلولو او د هغي دساتلو په خصوص کنبې دي، د دلال د روزنامهچي په باره کنبې هم جاري دي.

د هغي معاملي په خصوص کنبې چه دلال په هغي کنبې منځگړيتوب کړي وي، مجبور دي هر وخت چه طرفين تقاضا وکړي د خپلې روزنامهچي نقل چه دا معامله پکنبې وي، پخپل لاس ليک سره هغو ته ورکړي.

د هغي معاملي په خصوص کنبې چه دلال په هغي کنبې منځگړيتوب کړي وي، مجبور دي هر وخت چه طرفين تقاضا وکړي د خپلې روزنامهچي نقل چه دا معامله پکنبې وي، پخپل لاس ليک سره هغو ته ورکړي.

ماده ۱۱۳:

محکمه ددعوي د خصوصيات اثبات د پاره کولای شي چه د ستي او نورو مثبتو پاڼو او د دلال د روزنامهچي اصل يا نقل راوغواړي.

ماده ۱۱۳:

محکمه ددعوي د خصوصياتو د اثبات د پاره کولای شي چه د ستي او نورو مثبتو پاڼو او د دلال د روزنامهچي اصل يا نقل راوغواړي.

ماده ۱۱۴:

دلايکه راجع به طرز درج و محافظه روزنامهچه خود مخالف احکام قانون حرکت کند، به جزای نقدی محکوم می شود.

ماده ۱۱۴:

هغه دلال چه د درج او د خپلې روزنامهچي د ساتني په خصوص کنبې د قانون له احکامو څخه مخالف تگ وکړي، په نقدی جزأ محکوميږي.

۱۱۵ ماده:

د هغو کسانو په باره کښې چه د کوچنيو تجارو په منح کښې دلالي کوي د سند روزنامچي په خصوص کښې چه په دی فصل کښې ذکر دی، نه تطبیقیري.

ماده ۱۱۵:

درباره اشخاصی که بین تجار کوچک دلالی می کنند احکام عاید بسته و روزنامهچه که درین فصل مذکور است تطبیق نمی شود.

دویم باب- تجارتي شرکتونه
لومړی فصل
عمومیه احکام

باب دوم- شرکت های تجارتي
فصل اول
احکام عمومیه

۱۱۶ ماده:

تجارتي شرکتونه عبارت د خو کسانو له اشتراک څخه دی چه په یوه یا متعددو موضوع کښې د تجارتي معاملاتو د اجراء په مقصد پیدا کیري.

ماده ۱۱۶:

شرکت های تجارتي عبارت از اشتراک اشخاص است که به مقصد اجرای معاملات تجاریه در موضوع واحد یا متعدد به وجود می آید.

۱۱۷ ماده:

تجارتي شرکتونه په لاندی ډول دی:
الف- تضامني (کولکتيف) شرکت.
ب- مختلط تضامني (کومانديت) شرکت.
ج- محدود المسئوليت (ليمتد) شرکت.
د- سهامی (انونيم) شرکت.
ه- تعاوني (کوپراتيف) شرکت.

ماده ۱۱۷:

شرکت های تجارتي به انواع ذیل است:
الف- شرکت تضامنی (کولکتيف).
ب- شرکت تضامنی مختلط (کومانديت).
ج- شرکت محدود المسئوليت (لميتد).
د- شرکت سهامی (انونيم).
ه- شرکت تعاونی (کوپراتيف).

۱۱۸ ماده:

تجارتی شرکتونه حقوقیه شخصیت لری نوخکه کولای شی چه تر خپلو عنوانو لاندی مقاولی عقد او معاملي اجرا کړی، او د دائن او مدیون صفت ومومي او په دی صفت دا هم کولای شی چه په محاکمو کښې خپل وجود ثابت کړی او منقول او غیر منقول مالونه تصرف کړی.

ماده ۱۱۸:

شرکت‌های تجارتي دارای شخصیت حقوقیه می‌باشند. بنابراین می‌توانند در تحت عناوین خود به عقد مقاولات و اجرای معاملات پرداخته صفت داین و مدیون را اکتساب نمایند و نیز می‌توانند به این صفت در محاکم اثبات وجود کنند و اموال منقول و غیر منقول را تصرف نمایند.

۱۱۹ ماده:

هغه مواد چه په تجارتي شرکتو کښې پانگه بلل کيږي، په لاندی ډول دی:
الف- مادی منقول مالونه، لکه نقدی، شیان او حیوانات.
ب- غیر مادی منقول مالونه، لکه امتیاز، د اختراع حق (تجارتی- صنعتی)، د مارکو اجازه نامی.

ماده ۱۱۹:

موادیکه در شرکت‌های تجارتي سرمایه شناخته می‌شود، قرار ذیل است:
الف- اموال منقول مادی مانند نقود، اشیاء و حیوانات.
ب- اموال منقول غیر مادی از قبیل امتیاز، حق اختراع، اجازه نامه‌های مارک (تجارتی- صنعتی).

ج- هر ډول غیر منقول مالونه.
د- د منقول او غیر منقول مالونو گټې او د استعمال حق.
ه- سعی او عمل.
د- تجارتي اعتبار.
ز- تجارت خانه.

ج- هرگونه اموال غیر منقول.
د- منافع و حق استعمال اموال غیر منقول و منقول.
ه- سعی و عمل.
و- اعتبار تجارتي.
ز- تجارتخانه.

۱۲۰ ماده:

د باري د حق تأسيسات، نوم او عنوان، د اختراع حق، تجارتي مارک او نور لکه رسم او هغه موډلونه چه د تجارتي صنعت د اجراء د پاره خدمت کوي، د تجارتي له عناصرو څخه گڼل کيږي.

ماده ۱۲۰:

تأسيسات حق کرایه، اسم و عنوان حق اختراع، مارک تجارتي وغيره از قبيل رسم و موډل هائیکه برای اجرای صنعت تجارتي خدمت می کند، از عناصر تجارت خانه محسوب است.

۱۲۱ ماده:

هر شریک د هغه تعهد له مخې چه شرکت سره یې د پانگې ورکولو په خصوص کښې کړیدی، د شرکت په مقابل کښې مديون او مسئول دی.

ماده ۱۲۱:

هر شریک به موجب تعهدیکه راجع به تادیة سرمایه به شرکت نموده در مقابل شرکت مديون و مسئول است.

۱۲۲ ماده:

ځکه هر هغه شریک چه خپله په غاړه اخیستی پانگه په ټاکلي موده کښې شرکت ته ورنکړی نو د هغه زیان او تاوان د جبران مسئول دی چي لدی لاري شرکت ته اوړی.

ماده ۱۲۲:

لذا شریکی که سرمایه متعهده خود را به شرکت در موعد معینه نه پردازد، مسئول جبران ضرر و جبران خساره ایست که ازین رهگذر به شرکت عاید می گردد.

۱۲۳ ماده:

هغه پانگه چه په ورکولو کښې یې ځنډ پښی شوی وي که د نقدی پانگې له ډوله وي نو برسیره د هغې پښې شوی خساري له جبران څخه چه په (۱۲۱) ماده کښې ذکر شویدی، د هغه د ورکړی د لزوم له

ماده ۱۲۳:

سرمایه که در ادای آن تأخیر واقع شده اگر از قبیل سرمایه نقدی باشد بر علاوه جبران خساره عایده که در ماده (۱۲۱) ذکر شده، از روز لازم التادیة

ورځې څخه تاجر په قانوني ټکټ پولی ورکولو باندی هم مجبور دی.

۱۲۳ ماده:

که کوم شریک د هغی پانگې په عوض چه شرکت ته یې په غاړه اخیستی ده داسی پورونه چه په خلکو یې لري، شرکت ته ورحواله کړی، تر څو چه دپورونو تحصیل شرکت لخوا ونشي، هغه بري الذمه نه کیږی، که دا پورونه په وعده وي، په داسی حال کښې چه د هغو په خلاف مقاوله موجوده نه وي نو وروسته د وعدی له پوره کیدو او که سمدستی وي د شرکت د تاسیس له نېټې څخه تر یوی میاشتی پورې باید تحصیل شي او که په یوه میاشت کښې نه تحصیلېږی، هر څومره ورځې چه زیاتي ورڅخه تیرېږی، د ټکټ پولی په ورکړه مجبور دی.

او که یوه برخه پورونه تحصیل شوی وي، د پاتي برخي په خصوص کښې همدغه حکم د اعتبار وړ دی.

۱۲۴ ماده:

د هغو شیانو قیمت چه دپانگې په

بودن آن تاجر به تادیه ټکټ پولی قانونی مجبور است.

ماده ۱۲۳:

اگر شریکی عوض سرمایه که به شرکت تعهد کرده است طلباتی را که بالای اشخاص دارد به شرکت حواله نماید، تا تحصیل طلبات از طرف شرکت بری الذمه شده نمی تواند. اگر طلبات مذکور مؤجل باشد، در حالیکه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد پس از بسر رسیدن موعد و اگر معجل باشد، از تاریخ تاسیس شرکت الی مدت یکماه باید تحصیل شود. اگر در ظرف یکماه تحصیل نمی گردد، هر قدر روزیکه اضافه از آن بگذرد، مجبور به تادیه ټکټ پولی است.

اگر یک قسمت طلبات تحصیل شده باشد، راجع به قسمت متباقی همین حکم مدار اعتبار است.

ماده ۱۲۴:

قیمت اشیائیکه به صورت سرمایه

آوردہ می‌شود، در مقابلہ باید تعیین شود. اگر تعیین نشده باشد، قیمتی که در روز دادن اشیاء در بازار یا بورس جاریست، معتبر خواهد بود و در صورتی که اشیاء در بورس و بازار قیمت جاریه نداشته باشد، قیمتی که از طرف اهل خبره تعیین می‌گردد، نزد جانبین معتبر شمرده می‌شود.

مادہ ۱۲۵:

ملکیت اموالی که به صورت سرمایه آورده می‌شود اگر خلاف آن در مقابلہ حکمی موجود نباشد، عاید به شرکت است.

مادہ ۱۲۶:

راجع به ادعای جبران ضرر و خسارۀ تکت پولی که در مواد (۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳) بیان شده اطلاع قبلی بجانب مقابل ضروری نیست. این مدعیات مانع حق فسخ شرکاء که در مادہ (۱۷۵) مقرر شده نمی‌باشد.

صورت راوړل کيږي، باید په مقابلہ کښې وټاکلي شي. او که ټاکلي شوی نه وي نو هغه قیمت به چه د شيانو د ورکړې په ورځ په بازار یا (بورس) کښې جاري وي، د اعتبار وړ وي. او که شيان په بورس یا بازار کښې جاري قیمت ونلري نو هغه قیمت چه د پوهو کسانو له خوا ټاکل کيږي، د دواړو خواوو په نزد د اعتبار وړ گڼل کيږي.

۱۲۵ ماده:

د هغو مالونو ملکیت چه د پانگې په صورت راوړل کيږي که د هغو په خلاف په مقابلہ کښې کوم حکم موجود نه وي، په شرکت پورې اړه لري.

۱۲۶ ماده:

د ټکت پولی د ضرر او زیان د جبران په خصوص کښې چه په (۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳) مادو کې بیان شویدی مقابل جانب ته وړاندی خبر ورکول ضرور نه دی. دا مدعیات د شریکانو د فسخ د هغه حق چه په (۱۷۵) ماده کښې مقرر شویدی، نشي مانع کیدلي.

ماده ۱۲۷:

هر شریک مؤظف دی چه د شرکت د چارو د اجراء کولو په ترڅ کښې داسې په ښه نیت او اخلاص او بیداري سره رفتار وکړی لکه چه د خپلو شخصي چارو په اجراء کښې یې کوي.

ماده ۱۲۷:

هر شریک مؤظف است که در اثنای رسیدگی به امور شرکت مثل امور شخصی خود با نهایت حسن نیت و دقت و بصیرت رفتار نماید.

ماده ۱۲۸:

هیڅ یو شریک د خپل کار په نسبت له شرکت څخه د اجرت غوښتلو حق نلري. مگر که په مقاله کښې د اجرت اخیستل مقرر شوی وي نو مانع به ونه لری چه اجرت و اخلي.

ماده ۱۲۸:

هیچ یکی از شرکاء به نسبت کار خود از شرکت حق طلب اجرت را ندارد. ولی اگر در مقاله اخذ اجرت مقرر شده باشد مانعی نخواهد داشت که اجرت بگیرد.

ماده ۱۲۹:

هر شریک د هغه زیان مسئول او ضامن دی چه په حيله، چل، له اختیاراتو څخه د تجاوز او یا په وظیفه کښې د بي پروائي له ليارو څخه یې شرکت ته پښې کړی وي او نشي کولای چه دا زیان په هغو گټو کښې چه دی شریک په نورو چارو کښې شرکت ته اړولی وي مجرا کړی.

ماده ۱۲۹:

هر شریک مسئول و ضامن ضرریست که به حيله، خدعه و تجاوز از صلاحیت و یا اهمال وظيفه خویش به شرکت وارد نموده باشد و این ضرر را نمی توان با منافعیکه شریک مذکور در امور دیگر به شرکت تأمین نموده باشد مجرا نمود.

ماده ۱۳۰:

هغه اجرت چه د شرکت مامورینو او مستخدمینو ته د

ماده ۱۳۰:

اجرتیکه به مامورین و مستخدمین شرکت در مقابل

خدمت ایشان پرداخته می‌شود اگر تادیب آن قسماً و یا تماماً بصورت اشتراک در نفع مقرر شده باشد، این وضعیت به ایشان صفت شریک را نمی‌بخشد.

ماده ۱۳۱:

اگر صورت تقسیم نفع و ضرر در مقاوله شرکت تصریح نگردیده باشد، نفع و ضرر هر شریک به تناسب حصه سرمایه تقسیم می‌شود.

ماده ۱۳۲:

اگر در مقاوله تنها صورت تقسیم نفع تعیین و از طرز تقسیم ضرر بحث نشده باشد، ضرر هم مانند نفع تقسیم می‌شود.

اگر از تقسیم ضرر بحث شده، صورت تقسیم نفع مسکوت عنه گذاشته شده باشد، نفع هم مانند ضرر تقسیم می‌شود.

ماده ۱۳۳:

اگر در مقاوله شرکت نفع شرکت تنها به یکی و یا چندی از شرکاء

دوی د خدمت په مقابل کښې ورکاوه کیږي که ددغه اجرت یوه برخه یا ټول په گټه کښې د اشتراک په صورت مقرر شوی وي نو دا وضعیت دوي ته د شریک صفت نه ورکوی.

ماده ۱۳۱:

که د شرکت په مقاوله کښې د گټې او زیان صورت نه وي څرگنده شوی نو د هر شریک گټه او زیان د پانگې د برخې په تناسب سره ویشل کیږي.

ماده ۱۳۲:

که په مقاوله کښې یواځې د گټې د ویشلو صورت ټاکلي شوی وي او د زیان د ویشلو په ډول کوم بحث نه وي شوی نو زیان هم لکه گټه غوندې ویشل کیږي.

او که د ضرر په ویشلو باندې څیرنه شوی وي او د گټې ویشلو صورت تر څیرنې لاندې نه وي راغلي، په دې صورت گټه هم لکه زیان غوندې ویشله کیږي.

ماده ۱۳۳:

که د شرکت په مقاوله کښې د شرکت گټه په یوه یا څو شریکانو

حصرو یا عدم اشتراک یکی و یا بعضی از شرکاء در ضرر شرکت درج باشد، شرط مذکور کان لم یکن است. درین حال، صورت تقسیم مجهول شمرده شده نفع و ضرر بموجب ماده (۱۳۱) در بین شرکاء تقسیم می گردد.

تنها راجع به شریکی که مساعی خود را بحیث سرمایه به شرکت آورده و عدم اشتراک آن بضرر شرکت در مقاوله شرکت مشروط باشد، این شرط معتبر است.

ماده ۱۳۴:

اگر یک شرکت از اختتام موعد معینه خود زیادتیر دوام کند، چنان اعتبار داده می شود که دوام آن برای یک مدت غیر معین تمدید شده است.

پورې حصره وي او يا د شرکت په ضرر کښې د يوه يا څو تنو شريکانو نه شريکيدل درج وي، دا شرط اعتبار نه لري. په دی حال کښې ويشنه مجهوله بلله کيږي گټه او زيان د (۱۳۱) مادې په حکم د شريکانو په منځ کښې ويشله کيږي.

یواځې د هغه شریک په خصوص کښې چه خپل زیار او مساعی یې د پانگې په حیث شرکت ته راوړي وي او د شرکت په ضرر کښې د ده نه گډول په مقاوله کښې مشروط وي نو دا شرط معتبر دی.

ماده ۱۳۴:

که کوم شرکت د خپلې ټاکلي مودې له پای ته رسیدلو څخه زیات دوام وکړی، داسې اعتبار ورکاوه کيږي چه د هغه دوام تر یوې ټاکلي مودې پورې اوږد شوی وی.

دوهم فصل تضامني شركتونه لومړۍ برخه

۱۳۵ ماده:

تضامني شركت هغه شركت دی چه تر ټاكلې عنوان لاندې د تجارو د پاره د دوو يا څو تنو په منځ كښې په تضامني مسؤليت سره جوړېږي. كه د شركت ټول شته د ټولو پورونو د پاره كافي نه وي نو د شركت د ټولو پورونو وركولو مسؤل هر يو شريك دی.

۱۳۶ ماده:

تضامني شركتونه بايد تحريري قرارداد ولري.

۱۳۷ ماده:

د تضامني شركتونو په قرارداد كښې دا لاندې فقري درج كيږي:

- ۱- د قرارداد نېټه.
- ۲- د شريكانو نوم، شهرت، د استوگنې ځای او د پيژندگلوي صفتونه او كه پدې شركت كښې بل شركت داخل شوی وي نو د هغه شركت پخواني عنوان.
- ۳- د شركت د تجارت مركز.
- ۴- د شركت تضامني والي.

فصل دوم شركت های تضامني حصه اول

ماده ۱۳۵:

شركت تضامني شركتي است كه در تحت عنوان معين برای امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسؤليت تضامني تشكيل مي شود. اگر دارائي شركت برای تاديه تمام قروض كافي نباشد، هر يك از شركاء مسؤل پرداخت تمام قروض شركت است.

ماده ۱۳۶:

شركت های تضامني بايد دارای قرارداد تحريري باشند.

ماده ۱۳۷:

در قرارداد شركت های تضامني فقرات ذيل درج می شود:

- ۱- تاريخ قرارداد.
- ۲- اسم، شهرت، اقامتگاه و ديگر اوصاف ممیزه شركاء و اگر شركت ديگري به شركت داخل شده باشد، عنوان شركت مذکور.
- ۳- مركز تجارت شركت.
- ۴- تضامني بودن شركت.

- ۵- عنوان شرکت.
- ۶- د هغو شریکانو نومونه چه د شرکت په نامه د لاسلیک واک لري، په دی ډول چه دا خبره پکښې ښکاره شوی وي چه دوي په منفرد او یا په مشترک ډول دلانس لیک صلاحیت لری.
- ۷- د شرکت موضوع.
- ۸- د پانگې برخه چه هر شریک په غاړه اخیستی ده او د غیر نقدی پانگې اټکلی قیمت د هغې د قیمت د ټاکلو د صورت سره.
- ۹- د هر شریک د اشتراک برخه په گټه او زیان کښې.
- ۱۰- د شرکت د تاسیس او ختم نېټه برسیره پدی شریکان کولای شي چه نوري داسي فقري چه گټوري یې وبولي هم په قرارداد کښې درج کړی.
- ۵- عنوان شرکت.
- ۶- اسامی شرکائیکه بنام شرکت حایز صلاحیت امضاء می باشند با تصریح این که منفرداً و یا مشترکاً صلاحیت امضاء را دارند.
- ۷- موضوع شرکت.
- ۸- حصه سرمایه را که هر شریک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی با صورت تعیین قیمت آن.
- ۹- حصه اشتراک هر شریک در نفع و ضرر.
- ۱۰- تاریخ تأسیس و ختم شرکت، علاوه ازین شرکاء می توانند فقرات دیگری را که مفید بدانند هم در قرارداد درج کنند.

۱۳۸ ماده:

هغه کسان چه تضامنی شرکت جوړوی مجبور دی چه د شرکت د قرارداد یو نقل د شرکت د تشکیل له ورځې څخه تر یوې میاشتنې پورې په داسي ځای کښې چه د شرکت مرکز گرزیدلي دی د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او

ماده ۱۳۸:

اشخاصی که شرکت تضامنی را تشکیل می دهند مجبور اند که یک نقل قرارداد شرکت را از روز تشکیل شرکت تا یکماه در محلیکه مرکز شرکت واقع است به دایره ثبت تجارت، ثبت و اعلان

اعلان کری.

کنند.

۱۳۹ ماده:

ماده ۱۳۹:

که تضامنی شرکت د خپل تجارت د ثبت د محکمې له حوزې څخه دباندی کومه څانگه تأسیس کری نو بنایې چه د خپل قرارداد خصوصیات ددغې څانگې د تأسیس د ځای د ثبت په دائره کښې هم په ثبت ورسوي.

شرکت تضامنی اگر خارج از حوزه محکمه ثبت تجارت خود شعبه تأسیس کند، باید خصوصیات قرارداد خود را در دایره ثبت محل تأسیس شعبه نیز به ثبت برساند.

۱۴۰ ماده:

ماده ۱۴۰:

که په یوه تضامنی شرکت کښې وروسته له ثبت او اعلان څخه په عنوان او د استوگنې په ځای کښې او یا په موضوع کښې کوم تبدلات پېښ شي او یا هغه شریکان چه د لاس لیک واک لري بدل شي یا ځینی شریکان له شرکت څخه ووزی یا ځینی نور شریکان داخل شي یا د شرکت پانگه زیاته یا لږه شي او یا پخوا د ټاکلي مودی له تیریدو څخه د شرکت قرارداد منحل شي او یا د مودی له تیریدو څخه وروسته اوږد شي یا په بل شرکت پورې وتړلي شي، ددی خصوصیاتو په باره کښې د شرکت له خوا یوه بیان نامه چه د ټولو شریکانو په لاس لیک رسیدلي وي

اگر در یک شرکت تضامنی بعد از ثبت و اعلان، تبدلاتی در عنوان و اقامتگاه و یا موضوع تولید شود و یا شرکائیکه صلاحیت امضاء دارند تغییر نمایند و یا بعضی از شرکاء از شرکت خارج یا بعض شرکای دیگری داخل شوند و یا سرمایه شرکت تزئید و یا تنقیص شود و یا قبل از انقضای مدت معینه، قرارداد شرکت منحل و یا بعد از انقضای مدت، تمدید گردد و یا با شرکت دیگری ملحق شود، راجع به این خصوصیات از طرف شرکت یک بیان نامه که به امضای تمام شرکاء رسیده باشد ترتیب و

با اسنادیکه مثبت این تعدیلات است بعد از تصدیق محکمه مربوطه، ثبت و اعلان می‌شود.

ماده ۱۴۱:

خصوصیات که به موجب مواد (۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۰) ثبت و اعلان آنها مقتضی است اگر از طرف شرکاء ثبت و اعلان نشده باشد، این خصوصیات را نمیتوان بر علیه اشخاص ثالث استعمال نمود. قبل از ثبت و اعلان اگر بنام شرکت به معاملات مبادرت ورزیده شده باشد، شرکت بمقابل اشخاص ثالث مسئول است. در صورتی که مراتب ثبت و اعلان شرکت از طرف شرکاء اجراء نگردیده باشد و شرکاء از وجود شرکت انکار ورزند، اشخاص ثالث می‌توانند که با هر نوع بینه و قرائن وجود شرکت را اثبات کنند.

ماده ۱۴۲:

اگر ثبت و اعلان یک شرکت تضامنی در ظرف مدتی که در ماده (۱۳۸) ذکر شده اجراء نگردیده و بعداً هم ثبت

ترتیبی او له هغو اسنادو سره چه ددی تعدیلاتو اثبات کوي وروسته د مربوطی محکمی له تصدیق څخه ثبت او اعلانولي شي.

ماده ۱۴۱:

هغه خصوصیات چه د (۱۳۸- ۱۳۹ او ۱۴۰) مادی په حکم د هغو ثبت او اعلانول غواړی نو که د شریکانو له خوا ثبت او اعلان شوی نه وي، نو ددی دا خصوصیات په ثالثو کسانو نشي استعمالولی او که له ثبت او اعلان څخه پخوا د شرکت په نامه په معاملاتو باندي پیل کړی شوی وي نو شرکت د ثالثو کسانو په مقابل کښې مسئول دی او که د شرکت د ثبت او اعلان مراتب د شریکانو له خوا نه وي اجراء شوی او شریکان د شرکت له وجود څخه انکار وکړی نو ثالث کسان کولای شي چه په هر ډول شاهدانو او نښو باندي د شرکت وجود اثبات کړی.

ماده ۱۴۲:

که د یوه تضامنی شرکت ثبت او اعلان په هغی مودی کښې چه په (۱۳۸) ماده کښې ذکر شویدی اجراء شوی نه وي او پس له هغه هم

نشده باشد، هر یکی از شرکاء حق دارند انحلال شرکت را از محکمه مربوطه مطالبه کنند. شریک طالب انحلال بایست اولاً توسط شعبه ثبت، کیفیت را به شرکاء اخبار نماید. در حالیکه محکمه به انحلال شرکت قرار دهد، حکم انحلال دربارۀ شریک طالب انحلال از تاریخ اعلان جریان می یابد.

اگر شرکت بدین سبب منحل می گردد، تا ختم ثبت و اعلان انحلال معاملاتیکه بنام شرکت اجراء می گردد، به حقوق اشخاص ثالث خلل وارد نمی سازد

حصة دوم مناسبات بین شرکاء

مادة ۱۴۳:

در مناسبات بین شرکاء شرکت تضامنی مقررات مقاوله معتبر است. و در خصوصیاتیکه صراحتاً و یا ضمناً در قرارداد مندرج

نه وي ثبت شوی نو هر یو شریک حق لري چه له مربوطی محکمی خخه د شرکت انحلال و غواری. انحلال غوبنتونکی شریک باید لومری د ثبت د خانگی په ذریعه کیفیت شریکانو ته اخبار کړی. په دی حال کښې چه محکمه د شرکت په انحلال باندی فیصله وکړی، د انحلال حکم د انحلالو غوبنتونکی شریک په باره کښې د اعلان له نېټې خخه جریان مومي.

که شرکت په دی سبب منحل کیږي، د انحلال د ثبت او اعلان تر پای ته رسیدو پورې هغه معاملی چه د شرکت په نامه اجراء کیږي، د ثالثو کسانو حقوقو ته خلل نه پېښوی.

دوهمه برخه د شریکانو ترمنځ مناسبات

۱۴۳ ماده:

د تضامنی شرکت د شریکانو ترمنځ مناسباتو کښې د مقاولی مقررات معتبر دی. او په هغو خصوصیاتو کښې چه صراحتاً یا ضمناً په قرارداد کی

نباشد، احکام این فصل تطبیق می‌گردد.

ماده ۱۴۴:

اداره شرکت را به موجب قرارداد و اگر در قرارداد صراحتی موجود نباشد به موجب اکثریت آرای شرکاء می‌توان به یکی و یا چندین و یا تمام شرکاء و یا خارج شرکت به شخصی و یا اشخاص متعدد تفویض نمود.

اگر حق اداره مطابق مقررات فوق به کسی داده نشده باشد، برای اداره شرکت، هر یکی از شرکاء صلاحیت دار شمرده می‌شود.

ماده ۱۴۵:

وقتی که صلاحیت اداره مدیر به موجب قرارداد شرکت تعیین شود، شرکاء نمی‌توانند آنرا محدود و یا مدیر را عزل کنند. اگر اسباب محققه موجود شود، در اثر خواهش یکی از شرکاء با قرار محکمه صلاحیت اداره تحدید و یا مدیر عزل شده می‌تواند. مقصد از اسباب محققه اهمال و غفلت بزرگ مدیر در ایفای وظیفه و یا عدم اقتدار

مندرج نه وی، ددی فصل احکام تطبیق کیری.

ماده ۱۴۴:

د شرکت اداره کیدای شی چه د قرارداد په موجب او که په قرارداد کبني کوم صراحت موجود نه وی نو د شریکانو د آراوو په زیاتوالی یوه تن یا خو تنو ته او یا ټولو شریکانو ته او یا له شرکت څخه دباندی یوه تن یا خو کسانو ته و سپارلی شی.

که له پاس مقرراتو سره سم د اداری حق چاته نه وی ورکړی شوی نو د شرکت د اداری دپاره هر یو شریک د صلاحیت خاوند گنلې شی.

ماده ۱۴۵:

هر وخت چه د مدیر د اداری واک د شرکت د قرارداد په موجب وټاکلي شي نو شریکان نشي کولای چه هغه محدود او یا مدیر موقوف کړی. که محققه اسباب موجود شي نو د یوه تن شریک په غوښتنې سره د محکمي په فیصله د اداری واک تحدید او یا مدیر موقوفیدلای شي. مقصد له محققه اسباب څخه په وظیفه کبني د مدیر بي پروائي او لوي غفلت او یا د اداری په

چارو کښې بي اقتداري ده.

در امور اداره است.

۱۴۶ ماده:

هغه مدير چه وروسته د قرارداد له ليكلو څخه د تصويب په حكم ټاكلي شويدي، د شريكانو د آراوو په اكثريت سره موقوفېدلای شي، او كه د هغه د موقوفې دپاره د شريكانو د آراوو اكثريت حاصل نشي، هر شريك حق لري چه محكمي ته ورشي او په محققه اسبابو د هغه موقوفې وغواړي.

ماده ۱۴۶:

مدیریکه بموجب تصویب بعد از تحریر قرارداد تعیین شده باشد، با اکثریت آراء شرکاء عزل شده می‌توند و اگر برای عزل آن اکثریت آراء شرکاء حاصل نشود، هر شریک حق دارد به محکمه مراجعه و با اسباب محققه عزل آنرا مطالبه کند.

۱۴۷ ماده:

که د شرکت د چارو اداره ټولو یا څو تنو شريکانو ته سپارلی شوی وي، دوي هر يوه ته بيل بيل د شرکت د چارو اداره جواز لري. که ځينې هغه شريکان چه د شرکت په اداره باندی مکلف دی د کومې معاملي د اجراء په خصوص کښې مخالفت وکړی، نور هغه شريکان چه د شرکت د اداري حق لري کولای شي چه د آراوو په اکثريت هغه معامله اجراء کړي. که د شرکت په مقاوله کښې څرگنده وي چه د هغو شريکانو قرار چه د شرکت په اداره باندی

ماده ۱۴۷:

اگر اداره امور شرکت به تمام و یا چندى از شرکاء تفویض شده باشد، هر یکی از ایشان منفرداً به اداره امور شرکت مجاز است. اگر بعضی از شرکائیکه مکلف به اداره شرکت می‌باشند راجع به اجرای کدام معامله مخالفت کنند، شرکاء دیگریکه حق اداره شرکت را حایز می‌باشند، می‌توانند با اکثریت آراء معامله مذکور را اجراء کنند. اگر در مقاوله شرکت مصرح باشد که قرار شرکائیکه به اداره شرکت مکلف هستند باید

بالاتفاق باشد، به استثنای احوالیکه در تأخیر آن خطر ملحوظ است، در هر امر اتفاق آراء لازم است. در حالیکه بین مدیران اتفاق آراء حاصل نشود، کیفیت به هیئت عمومی شرکاء تقدیم و تصویبی که هیئت عمومی می‌دهد، معتبر می‌باشد.

ماده ۱۴۸:

اموریکه به اداره شرکت مربوط است عبارت از امور و معاملات عادی می‌باشد که اجرای آن برای مقصد و موضوع شرکت مقتضی است. مدیر در صورتی که برای شرکت فایده ملاحظه کند، در مصالحه و حکمیت هم مجاز می‌باشد. مگر معاملات مهم امثال اعانه، بیع و انتقال اموال غیر منقول و ضمانت که خارج از معاملات عادی است، به اتفاق شرکاء اجراء می‌گردد.

ماده ۱۴۹:

اگر یک شریک از شرکت استقراض نموده و یا مبلغی را

مکلف دی باید بالاتفاق وی، نو پرته له هغو احوالو چه په پای کښې یې خطر ملحوظ وي، نو په هره چارو کښې یې اتفاق لازم دی. په دی حال کښې چه د مدیرانو په منح کښې د آراوو اتفاق را نشي نو کیفیت به د شریکانو عمومی هیئت ته وړاندی کیري او هغه تصویب چه عمومی هیئت یې کوي د اعتبار وړ دی.

ماده ۱۴۸:

هغه چاري چه د شرکت په اداره پورې اړه لری عبارت له هغو عادی چارو او معاملاتو څخه دی چه د شرکت مقصد او موضوع د هغو د اجرا مقتضی وي. مدیر ته پدی صورت کښې چه د شرکت د پاره گټه ولیدله شی، د مصالحی او حکمیت اجازه هم شته. مگر مهم معاملات لکه اعانه، بیع، د غیر منقولو مالونو انتقال او ضمانت چه له عادی معاملاتو څخه دباندی دی، د شریکانو په اتفاق اجراء کیري.

ماده ۱۴۹:

که یوه شریک له شرکت څخه پور اخیستی وي او یایی یو مبلغ د

بنام شرکت تحصیل کرده باشد (در صورتیکه بر خلاف آن قرارداد موجود نباشد) و در زمان مناسب تأدیه و تسلیم ننماید، علاوه از تادیهٔ اصل پول، مجبور به اعطای تکت پولی ایام معطلی نیز می‌باشد.

مادهٔ ۱۵۰:

هیچ یکی از شرکاء نمی‌تواند بدون موافقه شرکاء دیگر حصهٔ خود را به شخص خارج شرکت قسماً و یا کلاً منتقل سازد. در صورت انتقال، در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث تأثیری ندارد و مسئولیت ناشیه از این عمل تنها به نقل دهنده راجع است.

مادهٔ ۱۵۱:

شریکی که در ادارهٔ شرکت مامور باشد، بدون رضا و موافقت شرکای دیگر نمی‌تواند شخص دیگری را به صفت شریک در شرکت داخل و یا عوض خود در اداره منصوب نماید.

شرکت په نامه تحصیل کړی وي (په دی صورت چه د هغه په خلاف قرارداد موجود نه وي) او په مناسب وخت کښې یې اداء او تسلیم نکړی، برسیره په اصلو پیسو ورکولو د معطلۍ د ورځو د ټکټ پولۍ په ورکولو هم مجبور دی.

۱۵۰ ماده:

هیڅ شریک نشي کولای چه بي د نورو شریکانو له موافقي څخه د خپل حصي یوه برخه یا ټوله، له شرکت څخه د باندې بل شخص ته منتقله کړي. د انتقال په صورت کښې د شریکانو او ثالثو کسانو په مقابل کښې کوم تاثیر نلري او هغه مسئولیت چه له دی لاري څخه پیدا کيږي یواځې نقل کوونکی ته راجع دی.

۱۵۱ ماده:

هغه شریک چه د شرکت په اداره کښې مامور وي، بي د نورو شریکانو له رضا او موافقي نشي کولای چه بل شخص په شرکت کښې د شریک په صفت داخل کړي او یا خپل عوض په اداره کښې ودروی.

ماده ۱۵۲:

که د شرکت د تشکیل په قرارداد کښې د ورکړې شوی پانګې دپاره د ټکټ پولې د ورکړې شرط موجود وي، دا شرط معتبر دی.

ماده ۱۵۲:

اګر د قرارداد تشکیل شرکت برای سرمایه تأدیه شده شرط تأدیه ټکټ پولې موجود باشد، این شرط معتبر است.

ماده ۱۵۳:

د شرکت موده د شریکانو تر ژوندانه پورې معتبره ده مګر داچه په قرارداد کښې بل ډول ټاکلی شوی وي. سره له دې، هغه شرکت چه موده یې ټاکلی شوی نه وي نظر د هغه کار ماهیت ته چه د مصروفیت موضوع یې تشکیلوي د هغه د دوام موده د تحدید وړ وی نو دا شرکت د هغه کار تر پایه پورې د اعتبار وړ بلل کیږي.

ماده ۱۵۳:

مدت شرکت تا حیات شرکاء معتبر شمرده می شود، مګر اینکه در قرارداد طور دیگری تعیین گردیده باشد. معهذاً، شرکتی که مدت آن غیر معین است، اګر نظر به ماهیت کاریکه موضوع اشتغال آنرا تشکیل میدهد مدت دوام آن قابل تحدید باشد، شرکت مذکور تا انجام آن کار معتبر شمرده می شود.

ماده ۱۵۴:

یو شریک که مدیر هم نه وي حق لري چه د شرکت د چارو له جریان او د هغه له مالي وضعیت څخه معلومات لاس ته راولي او داسي قرارداد چه دا حق ساقط کړی، معتبر نه دی.

ماده ۱۵۴:

یک شریک اګر مدیر هم نباشد، حق دارد که از جریان امور شرکت و وضعیت مالی آن معلومات بگیرد. قراردادیکه این حق را ساقط نماید، معتبر نیست.

ماده ۱۵۵:

د قرارداد د تبدیل او تعدیل په باره کښې تصویبونه د شریکانو د آراوو

ماده ۱۵۵:

تصویبات راجع به تبدیل و تعدیل قرارداد به اتفاق آراء

شرکاء و در تصویب باقی امور اکثریت آراء شرکاء معتبر است، مگر اینکه در قرارداد طور دیگر مقرر شده باشد.

ماده ۱۵۶:

مدیر در انتهای سنه حسابیه شرکت به اساس بیلانس، حسابات نفع و ضرر را ترتیب و مطابق آن حصه هر شریک را تعیین می نماید.

ماده ۱۵۷:

یک شریک را نمی توان بدون اتفاق شرکاء به اكمال حصه که از تناقص سرمایه به او تعلق می گیرد مجبور نمود. ولی اگر در قرارداد طور دیگری مقرر نشده باشد، مقدار تناقص سرمایه شرکاء از مفاد سال های آتیه تکمیل شده می تواند.

ماده ۱۵۸:

شریک نمیتواند معامله جداگانه را از نوع معامله تجاریه شرکتی که عضو آنست (بدون موافقه شرکاء) به حساب خود و یا دیگری اجراء کند.

په اتفاق او د نورو چارو په تصویب کښې د شریکانو د آراوو زیاتوالی معتبر دی، مگر داچه په قرارداد کښې بل ډول مقرر شوی وی.

ماده ۱۵۶:

مدیر د شرکت د حسابي کال په پای کښې د بیلانس په اساس د گټې او ضرر حسابونه ترتیبوي او له هغه سره سم د هر شریک برخه ټاکي.

ماده ۱۵۷:

یو شریک بی د شریکانو له اتفاق څخه د هغي برخي په پوره کولو چه د پانگې له تناقص څخه پدی پورې اړه لري نشي مجبورولی. مگر که په قرارداد کښې بل ډول مقرر شوی نه وي نو د شریکانو د پانگې د تناقص اندازه د راتلونکو کالو له گټې څخه پوره کیدای شي.

ماده ۱۵۸:

شریک نشي کولای چه د هغه شرکت له تجارتي معاملو څخه کومه ځانگړې معامله چه دی یې غړی دی (بي د شریکانو له موافقي څخه) په خپل یا د بل په حساب اجرا کړی.

به‌همین صورت، در شرکت دیگری که به عین همان معامله تجارتي مشغول باشد، به صفت عضو مسئول نیز داخل شده نمی‌تواند.

اگر شرکای یک شرکت جدید التأسیس مطلع شوند که یکی از شرکاء در حین داخل شدن به شرکت به حیث عضو مسئول در یک شرکت دیگر شامل است، درین حال، اگر شرکاء صراحتاً راجع به قطع رابطه عضویت او از شرکت دیگر تصویب نکنند، چنان محسوب می‌شود که اشتراک او در شرکت دیگر مورد قبول واقع شده است.

ماده ۱۵۹:

اگر یک شریک مخالف حکم ماده (۱۵۸) حرکت کند، شرکت می‌تواند که از شریک مذکور طلب خسارت کند و یا در عوض خسارات، معاملاتی را که شریک مذکور بنام خود و یا اشخاص ثالث اجراء کرده است، بنام شرکت حساب کند. ترجیح یکی ازین دو مطالب موقوف بر فیصله

به همدی صورت، به یوه بل داسی شرکت کنبی چه کت مت په هم هغه تجارتي معامله باندی بوخت وي د مسئول غری په صفت هم نشی داخلیدای.

که د یوه نوي تأسیس شوی شرکت شریکان خبر شی چه یوشریک په شرکت کنبی د مسئول غری په حیث د داخلیدو په وخت کنبی په یو بل شرکت کنبی شامل دی، په دی حال کنبی که شریکان صراحتاً له بل شرکت څخه دده د غریتوب د رابطی د قطع کېدو په خصوص کنبی کوم تصویب ونکړی، داسی بلل کیږی چه په بل شرکت کنبی دده اشتراک قبول شوی دی.

ماده ۱۵۹:

که یو شریک د (۱۵۸) مادې له حکم څخه چپ حرکت وکړی، شرکت کولای شي چه له دغه شریک څخه خساره وغواړی او یا دخسارو په عوض هغه معاملي چه ددی شریک په خپل نامه یا د ثالثو کسانو په نامه اجرا کړی دی د شرکت په نامه حساب کړی. له دی دوو مطلبو څخه د یوه ترجیح د

شرکاء است.
اگر شرکاء بعد از حصول اطلاع از شرکت شریک به شرکت دیگری و یا انجام معاملات او بعد از مرور ششماه اعتراض نمایند، حق اعتراض شان ساقط می‌شود.

استفاده از حق فوق مانع حق مطالبه نسبت به انحلال شرکت نمی‌شود.

حصة سوم مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث

مادة ۱۶۰:

شرکت تضامنی در مقابل اشخاص ثالث از تاریخ ثبت و اعلان، موجود شمرده می‌شود.

مادة ۱۶۱:

حق تمثیل شرکت به مقابل شرکاء و اشخاص ثالث متعلق به اشخاصی است که واجد صلاحیت اداره می‌باشند، مگر اینکه در قراردادیکه ثبت و اعلان گردیده بر خلاف آن ذکر شده باشد.

شریکانو په فیصله پورې اړه لري.
که شریکان په بل شرکت کښې د شریک له شراکت څخه له خبرېدو نه او یا دده د معاملاتو له انجامولونه شپږ میاشتي وروسته اعتراض ونکړي، د دوی د اعتراض حق ساقطیږي.

له پاس حق څخه استفاده د شرکت د انحلال په نسبت د مطالبی د حق نه مانع کیږي.

درېمه برخه له ثالثو کسانو سره د شریکانو مناسبات

۱۶۰ ماده:

تضامنی شرکت د دریمو کسانو په مقابل کښې د ثبت او اعلان له نېټې څخه موجود بلل کیږي.

۱۶۱ ماده:

د شریکانو او د دریمو کسانو په مقابل کښې د شرکت د تمثیل حق په هغو کسانو پورې اړه لري چه د ادارې واک لري، مگر دا چه په هغه قرارداد چه ثبت او اعلان شویدی د دی قرار داد په خلاف دی.

ماده ۱۶۲:

هغه څوک چه د شرکت د تمثيل واک ولري کولای شي چه د شرکت په نامه هر ډول حقوقي معاملي اجراء کړی او د شرکت په نامه لاس ليک وکړی. هر شرط چه دا حق تحديد کړی، د دريمو کسانو (دبنه نيت خاوندانو) په باره کښې معتبر نه دی. مگر که د شرکت په قرارداد کښې چه ثبت او اعلان شويدي د شرکت په نامه د متعددو شريکانو دلاس ليک اعتبار شرط ايښی شوی وي، دا شرط معتبر دی.

ماده ۱۶۲:

شخصی که صلاحیت تمثيل شرکت را داشته باشد، میتواند بنام شرکت هرگونه معاملات حقوقیه را اجراء و بنام شرکت امضاء نماید. هر شرطیکه این حق را تحدید نماید، درباره اشخاص ثالث (صاحب حسن نیت) معتبر نیست. لیکن اگر در قرارداد شرکت که ثبت و اعلان گردیده است اعتبار امضای شرکای متعدد بنام شرکت شرط گذاشته شده باشد، این شرط معتبر است.

ماده ۱۶۳:

په هغو معاملاتو کښې چه د مدیرانو له خوا د شرکت په نامه شوی وي شرکت د پور وړی او پوروال صفت مومي. دا معاملي د شرکت په نامه که صراحتاً واقع شوی وي او که ضمناً کوم توپير نلري.

ماده ۱۶۳:

در معاملاتى که از طرف مدیران بنام شرکت به عمل آمده باشد، شرکت صفت دائن و مدیون را اکتساب می نماید. این معاملات بنام شرکت، چه صراحتاً واقع شده باشد و چه ضمناً، فرق ندارد.

ماده ۱۶۴:

شريکان د شرکت د پورونو او تعهداتو په گډه او له خپلو ټولو شتو سره مسئول دی. هغه شرط چه له دی اساس څخه مخالف وي،

ماده ۱۶۴:

شرکاء از ديون و تعهدات شرکت جمعاً و با تمام دارائى خود مسئول اند. و هر شرطیکه مخالف این اساس باشد،

د دريمو کسانو په مقابل کښې) معتبر نه دی.

(به مقابل اشخاص ثالث) معتبر نیست.

۱۶۵ ماده:

د شرکت د پورونو او تعهداتو په نسبت دعوي اقامه کول لومړی په خپله په شرکت باندی کيږي او که شرکت منحل شوی وي او يا له قانونیه تعقیباتو څخه چه په شرکت باندی اجراء شوی وي کومه گټه وانه خيستله شي نو په شريکانو باندی هم دعوي کيږي. په عين حال کښې پوروال کولای شي چه د محکمي په ذریعه د شريکانو د شخصي مالونو د تر مراقبت لاندی نیولو ادعا وکړي.

ماده ۱۶۵:

به نسبت دين و تعهدات شرکت اقامه دعوی اولاً بر عليه خود شرکت می شود، اگر شرکت منحل گردیده و یا از تعقیبات قانونی ایکه بر عليه شرکت اجراء شده باشد کدام ثمره حاصل نشود، بر عليه شرکاء هم اقامه دعوی می شود. در عين حال دائن می تواند ذریعه محکمه ادعای تحت مراقبت گرفتن اموال شخص شرکاء را بنماید.

۱۶۶ ماده:

کومه فيصله چه له خاصي محکمي څخه پر شرکت باندی صادره شي، د شريکانو په باره کښې به تطبيق نشي.

ماده ۱۶۶:

فيصله که از محکمه خاص بر عليه شرکت صادر شود، درباره شرکاء تطبيق نخواهد شد.

۱۶۷ ماده:

د تضامني شرکت د تصفيي يا افلاس په صورت د شرکت پوروالا د خپلو حقوقو په اخیستلو کښې د شريکانو له شخصي پوروالاوو څخه وړاندی دی.

ماده ۱۶۷:

در صورت تصفيه و يا افلاس شرکت تضامنی دائنين شرکت در اخذ حقوق خود از دائنين شخصی شرکاء مقدم می باشند.

ماده ۱۶۸:

د شرکت افلاس د شریکانو د افلاس موجب نه کیږي مگر په هغه صورت چه د مفلس شرکت شته د شرکت د پوروالوو طلبات پوره نکړي، پور والا کولای شي چه خپل پاتي طلبات له شریکانو څخه و غواړي، او که د شریکانو شته هم د پوروالوو طلبات پوره نکړي، محکمه کولای شي چه د شریکانو په افلاس حکم صادر کړي.

د شخصي پوروالوو په منځ کښې هغه کسان چه قانوناً د ترجیح حق لري، د شریکانو له شتو څخه په گټه اخیستلو کښې هم وړاندی دی.

ماده ۱۶۹:

شریکان د خپلې پانگې له بابته نشي کولای چه د مفلس شرکت له شتو څخه گټه واخلي مگر کولای شي چه خپل نور طلبات لکه د شرکت د پوروالادغه ټول له شرکت څخه وغواړي.

ماده ۱۷۰:

د شرکت پور وړی شخص نشي کولای چه خپل پور په هغه پور

ماده ۱۶۸:

افلاس شرکت موجب افلاس شرکاء محسوب نمی شود لیکن در صورتی که دارائی شرکت مفلس طلبات دائنین شرکت را کفایت نکند، دائنین می توانند باقی طلبات خود را از شرکاء مطالبه کنند، و اگر دارائی شرکاء نیز طلبات دائنین را کفایت نکند، محکمه می تواند حکم بر افلاس شرکاء صادر نماید.

در بین دائنین شخصی کسانیکه قانوناً حق ترجیحی دارند، در استفاده از دارائی شرکاء هم مقدم می باشند.

ماده ۱۶۹:

شرکاء از بابت سرمایه خود نمی توانند از دارائی شرکت مفلس استفاده کنند، ولی می توانند طلبات دیگر خود را مثل دائنین شرکت مطالبه نمایند.

ماده ۱۷۰:

شخص مدیون شرکت نمی تواند دین خود را با طلبی که بالای

یکی از شرکاء دارد، مجرا کند. همچنین، یکی از شرکاء هم نمی‌تواند که دین خود را که در نزد شرکت دارد با طلبی که در نزد مدیون شرکت داراست، مجرا نماید.

لیکن دائن شرکت اگر بموجب مواد (۱۶۵-۱۶۸) از شرکت به استحصال طلب موفق نگردد و به شرکاء مراجعت کند، شریکی که طرف مطالبه دائن واقع می‌شود اگر از دائن مذکور طلبی داشته باشد، ممکن است دین او در مقابل شرکت به مدیونیش در برابر شریک محسوب و مجرا شود.

حصه چهارم

راجع به انحلال، تجزیه، اخراج شرکاء و الحاق به شرکت دیگر

ماده ۱۷۱:

شرکت تضامنی بصورت های ذیل منحل می‌شود:

- ۱- با ختم مدت شرکت.
- ۲- باتفاق شرکاء (در صورتی که

کنبی چه په یوه شریک باندی یې لري مجرا کړی. همدا ډول یو شریک داهم نشي کولای چه هغه پور چه په شرکت یې لري، د شرکت په پور وړی مجرا کړی.

مگر د شرکت پوروالا که د (۱۶۵-۱۶۸) موادو په حکم له شرکت څخه پور وانه خيستلای شي او شریکانو ته مراجعت وکړی نو هغه شریک چه دده پور په هغه باندی اوړی نو که په همدغه پور والایې پور درلود، نو ممکن دی چه دده پور د شرکت په مقابل کنبی په شریک مجرا کړی شي.

څلورمه برخه

د انحلال، تجزیې، د شریکانو ایستلو او په بل شرکت پورې تړلو په باره کنبی

۱۷۱ ماده:

تضامنی شرکت په لاندی صورت منحل کیږي:

- ۱- د شرکت د مودی له پای ته رسیدلو سره.
- ۲- د شریکانو په اتفاق (پدی

- صورت چه په قرارداد کښې د آراوو په زیاتوالی تصریح نه وي شوی).
- ۳- د محکمي له خوا د افلاس د اعلان په صورت او یا په افلاس کښې د پوروالوو او شریکانو په توافق.
- ۴- د هغو محققو او مهمو اسبابو له مخې چه د یوه یا خو تنو له خوايي ادعا شوی وي د محکمي د حکم په موجب.
- ۵- د شرکت د موضوع پای ته په رسیدلو.
- ۶- د یوه شریک له خوا د شرکت د انحلال په اعلام چه هغه ټاکلي واک ولري او په مقاوله کښې داخل وي.
- ۷- په هغو شرکتو کښې چه موده یې نه وي ټاکلي شوی دیوه شریک له خوا د شرکت د انحلال په اعلام.
- ۸- د شرکت د پانگې د دوو ثلثو د ضیاع په صورت (په دی حال کښې چه شریکان د پانگې په پوره کولو او یا په هغه پاتي پانگه باندی جوړښت سره ونکړی).
- ۹- په بل شرکت ورگډول.
- در قرارداد به اکثریت آراء تصریح نشده باشد).
- ۳- در صورت اعلان افلاس از طرف محکمه و یا توافق دائینین و شرکاء در افلاس.
- ۴- به موجب قرار محکمه مبنی بر اسباب محققه و مهمه که از طرف یک و یا چند نفر شرکاء ادعاء شده باشد.
- ۵- با انجام یافتن موضوع شرکت.
- ۶- با اعلام انحلال شرکت از طرف یکی از شرکاء مستند بصلاحت معیین که در مقاوله شرکت مندرج باشد.
- ۷- در شرکتهایی که مدت آن غیر معین است با اعلام انحلال شرکت از طرف یکی از شرکاء.
- ۸- در صورت ضیاع دو ثلث سرمایه شرکت (در حالیکه از طرف شرکاء به اكمال سرمایه و یا اکتفاء به سرمایه متباقیه تصمیم اتخاذ نشود).
- ۹- الحاق به شرکت دیگر.

۱۷۲ ماده:

وروسته د شرکت له انحلال څخه مدیران نشي کولای چه د منحل شوی شرکت په نامه معامله او حساب اجراء کړی او که یې اجراء کړی، کوم مسئولیت چه ورڅخه پیدا کیږي، په غیر محدود ډول د شرکت مدیرانو ته راجع کیږي. ترهغه وخته پورې چه د انحلال کیفیت اصولاً ثبت او اعلان نشي، د ټولو شریکانو مسئولیت د دریمو کسانو په مقابل کښې پاتي دی.

ماده ۱۷۲:

بعد از انحلال شرکت مدیران نمی توانند بنام و حساب شرکت منحل شده اجرای معامله کنند اگر اجرا کنند، مسئولیت متولده از آن بطور غیر محدود به مدیران شرکت راجع می شود.

تا زمانیکه کیفیت انحلال اصولاً ثبت و اعلان نشود، مسئولیت کافه شرکاء در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

۱۷۳ ماده:

که د شرکت په قرارداد کي داسي شرط وي چه يو يا څو د انحلال موجب علتونه بي اثره وبولي، معتبر دی مگر که بي له تعيين څخه يي په مطلق ډول د انحلال علتونه او اسباب بي اثره بللي وي، اعتبار نلري.

ماده ۱۷۳:

اگر در قرارداد شرکت شرطی باشد که یک یا چند علل موجب انحلال را بی اثر بدانند، معتبر است ولی اگر بدون تعیین بطور مطلق علل و اسباب انحلال را بی اثر دانسته باشد، اعتبار ندارد.

۱۷۴ ماده:

په هغو شرکتو کښې چه د غیر ټاکلي مودی له مخې تأسیس شوی وي هر شریک کولای شي چه د معاملي د کال

ماده ۱۷۴:

در شرکت هاییکه برای مدت غیر معیینه تأسیس شده باشند، هر شریک می تواند که اقلأ ششماه

قبل از ختم سال معامله، شرکاء را به ذریعه اطلاعیه که توسط شعبه ثبت صادر می شود اطلاع داده و شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۵:

در شرکتهائیکه مدت آنها معین یا غیر معین باشد، مطابق خواهش یک شریک بواسطه اسباب محققه، محکمه می تواند به انحلال شرکت قرار دهد.

اسباب محققه که موجب انحلال شرکت می گردد، قرار ذیل است:

- ۱- عدم امکان وصول به مقصد شرکت بنا بر پیش آمدن بعضی علل.
- ۲- خیانت یک شریک چه در امور اداره و چه در تنظیم حسابات.
- ۳- عدم ایفای وظایف اصلی که به یک شریک تفویض شده است.
- ۴- سوء استعمال عنوان و یا اموال شرکت از طرف یک شریک برای منافع شخصی.
- ۵- عدم قابلیت و اهلیت یک

له پای ته رسیدلو خخه لپ تر لپه (۶) میاشتی پخوا شریکانو ته د اطلاعیې په ذریعه چه د ثبت د خانگی په لاز صادرېږی خبر ورکړی او شرکت منحل کړی.

۱۷۵ ماده:

په هغو شرکتو کښې چه موده یې ټاکلې یا غیر ټاکلې وي محکمه کولای شي چه دیوه شریک په غوښتنه د محققه اسباب په واسطه سره د شرکت په انحلال باندي حکم و کړی.

محققه اسباب چه د شرکت د انحلال موجب کیږي په لاندی ډول دی:

- ۱- د ځینو علتو د پېښیدو په واسطه د شرکت د مقصد نه حاصلېدل.
- ۲- دیوه شرکت خیانت که په اداری چارو کښې وي او که د حسابونو په تنظیم کښې.
- ۳- د هغو اصلي وظیفو عدم اجراء چه یوه شرکت ته سپارلی شوی وي.
- ۴- د شخصي گټې دپاره دیوه شریک له خوا د شرکت د عنوان یا مالونو بد استعمالول.
- ۵- په هغه صورت چه د

ناروغی یا بل علت په اثر یو شریک د شرکت د چارو په اجراء کښې قابلیت او اهلیت ونه لري.

۱۷۶ ماده:

لپاره ددی چه د پانگې ورکولو د تعهد د نه په خای کېدو په نسبت د انحلال تقاضا اووریدله شي، لارمه ده هغه شریک ته چه دا وظیفه یې نه ده په خای کړې پخوا اخطار ورلیږلي شوی وي.

۱۷۷ ماده:

هغه شرکت چه موده یې ټاکلي او یا د یوه شریک تر ژوند پورې محدوده وي، وروسته د شریک له مرگه یا د ټاکلي مودی له تیریدونه، پدی صورت چه معاملي ادامه ولري، د یوي غیر ټاکلي مودی د پاره متشکل گڼل کېږي.

۱۷۸ ماده:

که په مقاله کښې دا شرط داخل وي چه د یوه شریک د مرگ یا افلاس او یا محجوریت په صورت شرکت منحل گڼل کېږي، د مړی وارث یا قانوني قایم مقام دی د مفلس شته او د محجور قانوني وکیل دی بي له ځنډه واقعه

شریک در اثر مرض دائمی و یا علل دیگرې در اجرای امور شرکت.

ماده ۱۷۶:

برای اینکه تقاضای انحلال به نسبت عدم ایفای تعهد تأدیه سرمایه مسموع شده بتواند، لازم است به شریکی که این وظیفه را ایفا نکرده قبلاً اخطار فرستاده شده باشد.

ماده ۱۷۷:

شرکتی که مدت آن معین و یا با حیات یک شریک محدود باشد، بعد از فوت شریک و یا انقضاء مدت معین، در صورتی که معاملات ادامه یافته باشد، برای مدت غیر معینی متشکل محسوب می شود.

ماده ۱۷۸:

اگر در مقاله مندرج باشد که در صورت وفات یا افلاس و یا محجوریت یکی از شرکاء شرکت منحل شمرده می شود، وارث متوفی و یا قایم مقام قانونی دارائی مفلس و یا وکیل قانونی محجور بلا تأخیر باید واقعه را به

شریکانو ته تبلیغ کری.

که دکارو په ځنډولو کښې خطر موجود وي نو د شرکت د چارو قانوني واک لرونکی دی ترهغه وخته پورې چه شریکان په اتفاق سره تصویب وکوي د شرکت د چارو ادارې ته ادامه ورکړي.

په همدې صورت هر شریک مجبور دی هغه چاري چه دوي ته سپارلی شويدي موقتاً اجراء کړي. پدی صورت ترهغي مودی پورې چه مؤقتي اداره دوام وکړي، شرکت موجود بلل کيږي.

۱۷۹ ماده:

که د یوه شریک د مړینې په صورت کښې د شرکت د دوام په خصوص کښې د مړه له ورثي سره په قرارداد کښې صراحت نه وي نو شریکان کولای شي چه د مړه د ورثي په اتفاق د شرکت د کار ادامه تصویب کړي. که ورثه د هغه له اشتراک څخه تیر شي، نور شریکان کولای شي چه د هغو پانگه او حقوق اداء او شرکت ته ادامه ورکړي.

۱۸۰ ماده:

که د یوه شریک د مړینې په صورت کښې د مړه د وارثانو او نورو

شرکاء تبلیغ کند.

اگر در تأخیر کارها خطری موجود باشد، متصدیان قانونی امور شرکت تا وقتی که شرکاء متفقاً تصویب اتخاذ می نمایند با اداره امور شرکت ادامه دهند.

به همین صورت، هر یک از شرکاء مجبور اند اموری را که به آنها سپرده شده موقتاً اجراء نمایند. درین صورت تا مدتی که اداره مؤقتی دوام کند، شرکت موجود شمرده می شود.

ماده ۱۷۹:

در صورت وفات یک شریک اگر راجع به دوام شرکت با ورثه متوفی در قرارداد صراحت نباشد، شرکاء می توانند به اتفاق ورثه متوفی ادامه کار شرکت را تصویب کنند. اگر ورثه از اشتراک آن صرف نظر نمایند، دیگر شرکاء می توانند سرمایه و حقوق آنها را پرداخته به ادامه شرکت بپردازند.

ماده ۱۸۰:

در صورت وفات یک شریک اگر دوام شرکت بین وارثین

متوفی و سایر شرکاء در قرارداد تصریح شده باشد، ورثه به دوام و عدم دوام خود به صفت شریک تضامنی در شرکت مختار اند و اگر اشتراک خود را به شرکت قبول کنند، شرکاء دیگر به قبول آن مجبوراند.

لیکن اگر ورثه متوفی بودن خود را بصفت شریک تضامنی در شرکت موافقه نمایند، می توانند خواهش نمایند تا به اندازه سرمایه و حقوق مورث خود بصفت شریک محدود المسئولیت قبول شوند. در قبول و رد این خواهش شرکاء دیگر آزاد هستند.

ماده ۱۸۱:

ورثه متوفی مجبورند در ظرف یکماه از تاریخ وفات شمول و عدم شمول خود را به صفت شریک تضامنی در شرکت اظهار نمایند. در ظرف مدت مذکور ورثه به صفت شریک محدود المسئولیت در شرکت شناخته می شود.

اگر بعد از ختم این مدت ورثه

شریکانوپه منخ کنبی په قرارداد کنبی د شرکت دوام تصریح شوی وی نو ورثه په شرکت کنبی د تضامنی شریک په صفت په خپل دوام او نه دوام کنبی مختار دی او که خپل اشتراک په شرکت کنبی قبول کړی، نور شریکان د هغه په قبولولو مجبور دی.

مگر که د مړه ورثه په شرکت کنبی د تضامنی شریک په صفت په خپلو داخلیدو موافقت ونکړی، دا غوښتنه کولی شی چه د خپل مورث د پانگې او حقوقو په اندازه د محدود المسئولیت شریک په صفت قبول شي. ددی د غوښتنې په منلو او نه منلو کی نور شریکان آزاد دی.

۱۸۱ ماده:

دمړه ورثه مجبور دی چه د وفات له نېټې څخه تر یوې میاشتې پورې په شرکت کنبی د تضامنی شریک په صفت خپل شمول او نه شمول څرگند کړی. پدی موده کنبی ورثه په شرکت کنبی د محدود المسئولیت شریک په صفت پیژندل کیږی.

که ددی مودی له پای ته رسیدو نه

وروسته ورثه د محدودالمسئولیت شریک په صفت شامل شوی نه وي نو د تضامني شریک په صفت پیژندل کیږي.

د مړه د صغیرانو په نسبت، که په قرارداد کښې مقرر شوی وي که نه، د تضامني شریک په صفت نه پیژندل کیږي مگر د صغیر د ولي یا وصي په غوښتنه که نور شریکان یې قبوله کړي، د محدود المسئولیت شریک په صفت شاملیږي.

۱۸۲ ماده:

د یوه شریک د محجوریت په حال کښې هم له (۱۷۹ تر ۱۸۱) مادو پورې احکام تطبیقیږي.

۱۸۳ ماده:

د یوه شریک د افلاس په حال کښې (پدی صورت چه د شرکت په قرارداد کښې په بل صورت نه وي مقرر شوی) مفلس شریک له شرکت څخه ایستل کیږي او په دی ډول د مفلس یا دده د قانوني وکیل د حقوقو په خصوص کښې فیصله کیږي.

بصفت شریک محدود المسئولیت شامل نشده باشند، به صفت شریک شناخته می شوند.

نسبت به ورثه صغار متوفی چه در قرارداد مقرر شده باشد یا نباشد، بصفت شریک تضامنی شناخته نمی شود. اما در صورت مطالبه ولی و یا وصی صغیر، اگر شرکاء دیگر قبول کنند، بصفت شریک محدود المسئولیت شامل می شوند.

ماده ۱۸۲:

در حال محجوریت یکی از شرکاء هم احکام مواد (۱۷۹ الی ۱۸۱) تطبیق می شود.

ماده ۱۸۳:

در حال افلاس یکی از شرکاء (در صورتی که در قرارداد شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد) شریک مفلس از شرکت اخراج می گردد و درین صورت راجع به حقوق مفلس یا وکیل قانونی او تسویه می شود.

۱۸۴ ماده:

که د هغو علتو په نسبت چه په يوه ځانگړي شريک پورې اړه لري د شرکت د انحلال تقاضا شوی وي، د نورو شريکانو د غوښتنې په اثر محکمه کولای شي چه وروسته له تدقيق نه ددی شريک په ايستلو او د شرکت په دوام حکم صادر کړی.

ماده ۱۸۴:

اگر به نسبت عللی که متعلق به شخص یک شریک باشد انحلال شرکت تقاضا شده باشد، در اثر خواهش شرکاء دیگر محکمه می تواند پس از تدقیق به اخراج شریک مذکور و دوام شرکت قرار خود را صادر نماید.

۱۸۵ ماده:

که یو شریک دداسي شرکت چه موده يې ټاکلي شوی نه وي د انحلال تقاضا وکړی، نور شريکان کولای شي چه انحلال قبول نکړی او هغه شريک وباسي او شرکت ته په خپل منځ کښې دوام ورکړی.

ماده ۱۸۵:

اگر یکی از شرکاء انحلال شرکتی را که مدت آن غیر معین است تقاضا نماید شرکاء دیگر می توانند انحلال را قبول نکرده، آن شریک را اخراج و شرکت را بین خود ادامه بدهند.

۱۸۶ ماده:

په هغو شرکتو کښې چه موده يې ټاکلي وي که شريک د هغو حقوقو په استناد چه د (۱۷۵) مادی په حکم يې لري د شرکت انحلال د ثبت د دائري په ذريعه شريکانو ته اعلان کړی، د (۱۷۹) مادی احکام هم په دی خصوص کښې تطبيق کيږي.

ماده ۱۸۶:

در شرکت هائیکه مدت آن معین است اگر یک شریک باستناد حقوقیکه به موجب ماده (۱۷۵) دارد، انحلال شرکت را توسط دایره ثبت به شرکاء اعلام کند، احکام ماده (۱۷۹) در این مورد نیز تطبیق می شود.

ماده ۱۸۷:

که شرکت له دوو تنوڅخه جوړوی او یوتن وایستل شي محکمه کولای شي چه د پاتي شریک په غوښتنه د موجه اسبابو له مخ ئي د انحلال له حکم او یا د ټولې دارائې او پورونو له تصفيي شرکت پاتي شریک ته تخصیص کړی په دی صورت د هغه شریک په باره کښې چه ایستل شوی دی د (۱۹۰) مادی احکام تطبیقېږی.

ماده ۱۸۷:

اگر شرکت متشکل از دو نفر باشد و یکنفر اخراج گردد، محکمه می تواند بموجب خواهش شریک باقیمانده مستند به اسباب موجه بدون حکم انحلال و یا تصفیه تمام دارائی و دیون، شرکت را به شریک باقیمانده تخصیص بدهد. درین صورت درباره شریکی که خارج شده احکام ماده (۱۹۰) تطبیق میگردد.

ماده ۱۸۸:

که په یوه شرکت کښې چه له دوو تنو څخه جوړ وي دیوه شریک شخصي پوروال دداسي انحلال حق چه د (۱۹۵) مادی له مخې یې لري استعمال کړی او یا یو شریک افلاس وکړی، بل شریک کولای شي چه د (۱۸۷) مادی د اجازي په حدود کښې د شرکت چارو او معاملاتو ته په خپل حساب دوام ورکړی.

ماده ۱۸۸:

اگر در یک شرکتی که مرکب از دو نفر باشد دائن شخصی یکی از شرکاء حق انحلال را که به موجب ماده (۱۹۵) حایز است استعمال کند و یا یکی از شرکاء افلاس نماید شریک دیگر می تواند در حدود اجازه ماده (۱۸۷) امور و معاملات شرکت را به حساب خود ادامه بدهد.

ماده ۱۸۹:

که د شرکت د انحلال سبب پرته له افلاس څخه په بل سبب وي نو ټول شریکان مکلف دی چه د (۱۷۴)

ماده ۱۸۹:

اگر انحلال شرکت بنا بر سببی غیر از افلاس باشد، تمام شرکاء مکلف اند که به موجب

ماده (۱۷۴) کیفیت انحلال شرکت را ثبت و اعلان کنند. این حکم در صورت خارج شدن یک شریک از شرکت هم معتبر است.

اگر انحلال شرکت و یا خروج شریک ناشی از وفات باشد، مراسم مذکور از طرف تمام شرکاء با اشتراک ورثه متوفی اجراء می شود.

ماده ۱۹۰:

حصه شریکی که از شرکت اخراج می گردد و یا خود خارج می شود، اگر بر خلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد، از تاریخیکه تقاضای اخراج بعمل می آید، از دارائی شرکت تعیین می شود.

ماده ۱۹۱:

در صورتی که به موجب ماده (۱۹۰) حصه شریکی معین شود، وجه نقد تأدییه می گردد.

ماده ۱۹۲:

حصه شریکی که اخراج می گردد و یا خود طلب خروج می کند اگر وقت تسویه در

مادی به حکم د شرکت د انحلال یتول کیفیت ثبت او اعلان کری. دا حکم له شرکت خخه دیوه شریک دو تلو په صورت کبني هم د اعتبار وړ دی.

که د شرکت انحلال یا د شریک وتل له وفات خخه پینن شوی وي نو دا مراسم د یتولو شریکانو له خوا د مړه د ورثي په گډون اجراء کیږي.

۱۹۰ ماده:

د هغه شریک برخه چه له شرکت خخه ایستل کیږي یا دی په خپله وزی، که په خلاف د هغه په مقاوله کبني کوم صراحت موجود نه وي نو له هغي نېتي خخه چه د ایستلو تقاضا وشي، د شرکت له شتو خخه ټاکله کیږي.

۱۹۱ ماده:

په هغه صورت چه د (۱۹۰) مادی په حکم دیوه شریک برخه وټاکله شي نو وجه نقده ورکوله کیږي.

۱۹۲ ماده:

د هغه شریک برخه چه ایستل کیږي او یا پخپله د وتلو غوښتنه کوي که په قرارداد کبني برابر والی ټاکلی

قرارداد معین باشد، در همان وقت و اگر معین نباشد در وقت ترتیب اولین بیلانس که بعد از خروج شریک بعمل می آید، تصفیه می گردد.

ماده ۱۹۳:

شریکی که اخراج می گردد و یا خود خارج می شود، به حقوق و تکالیفی که از معاملات قبل از خروج بوجود می آید اشتراک می کند ولی نمی تواند اجرای معاملات را که قبلاً بان تثبیت شده و شرکاء به اكمال آن تصویب کرده اند، مانع شود.

اگر تصفیه امور فوراً ممکن نباشد، در اخیر سنه حسابیه میتواند حسابات امور را که در ظرف سال ختم شده، طلب کند. همچنین میتواند درباره وضعیّت معاملات جاریه در ختم سنه حسابیه از شرکاء کسب معلومات نماید.

ماده ۱۹۴:

اخراج و یا خروج یک شریک از شرکت در مقابل اشخاص

وی، به همغه وخت کنبې او که تا کلي نه وي نو د هغه لمړی بیلانس د ترتیب په وخت کنبې چه د شریک له وتلو څخه وروسته جوړېږي، تصفیه کېږي.

ماده ۱۹۳:

هغه شریک چه ایستل کېږي او یا په خپله وزي، په هغو حقوقو او تکالیفو کنبې چه دده له وتلو څخه پخوا معاملاتو نه منځ ته راوړي گډون کوي مگر نشي کولای د هغو معاملاتو چه پخوا تثبیت شوی او شریکانو د هغو په اكمال تصویب کېږي، د اجراء مانع شي.

که تصفیه ژر تر ژره ممکنه نه وي، د حسابي کال په پای کنبې کولای شي د هغو چارو حسابونه چه د کال په منځ کنبې پای ته رسیدلي دی، وغواړي. همدارنگه کولای شي چه د جاري معاملاتو د وضعیّت په باره کنبې د حسابي کال په پای کنبې له شریکانو څخه معلومات واخلي.

ماده ۱۹۴:

له شرکت څخه د یوه شریک ایستل او یا وتل د دریمو کسانو په مقابل

ثالث از تاريخ ثبت و اعلان معتبر است و قبل از تاريخ ثبت و اعلان مسؤليت آن در مقابل اشخاص ثالث باقى است.

ماده ۱۹۵:

دائن شخصى يك شريك در صورتى كه از اموال شخصى مديون استحصاى حق نتواند، مى تواند عندالتصفيه، حصه شريك مديون را ذريعه محكمه تحت مراقبت گرفته و انحلال شركت را (مشروط بر اينكه ششماه قبل اخبار نموده باشد) در اخير سنه حسابه تقاضا نمايد.

قبل از آنكه درباره انحلال حكم صادر شود، شركت و يا سائر شركاء مى توانند حق دائن را اداء کرده حكم انحلال را ساقط نمايند.

ماده ۱۹۶:

اگر دائن شخصى يك شريك مطابق ماده (۱۹۵) حق انحلال را استعمال بكنند، شركاء ديگر مى توانند به اخراج شريك مديون راجع به دوام شركت

كبنى ثبت او اعلان له نبتى خخه د اعتبار وړ دى او د ثبت او اعلان له نبتى خخه پخوا د هغو مسؤليت د دريمو كسانو په مقابل كبنى پاتي دى.

ماده ۱۹۵:

د يوه شريك شخصى پوروال په دى صورت چه دده له شخصى مالونو خخه خپل پور پوره نشي كړاى، كولامى شي چه د تصفيي په وخت كبنى د خپل پور وړي شريك برخه د محكمي په ذريعه تر مراقبت لاندې ونيسي او د شركت انحلال (په دى شرط چه (۶) مياشتي پخوا يې خبر وركړى وي) د حسابي كال په پاى كبنى وغواړي.

پخوا له هغه چه د انحلال په خصوص كبنى حكم صادر شي، شركت يا نور شريكان كولى شي چه د پوروال حق وركړى او د انحلال حكم ساقط كړي.

ماده ۱۹۶:

كه د يوه شريك شخصى پوروال له (۱۹۵) مادى سره سم د انحلال حق استعمال كړى، نور شريكان كولاى شي چه د شركت د دوام په خصوص كبنى د پور وړي شريك په ايستلو

تصمیم ونیسی او پوروال ته خبر ورکړی.

تصمیم گرفته به دائن ابلاغ نمایند.

پدی صورت کښې پورورپی شریک د حسابي کال په پای کښې ایستل کیري.

درین صورت، شریک مدیون در اخیر سال حسابیه از شرکت اخراج می شود.

۱۹۷ ماده:

دوه شرکتونه یا خو تضامني شرکتونه کولي شي چه یوله بله سره گډ شي او یو نوي تضامني شرکت جوړ کړی او یا په موجود یوه تضامني شرکت ورگډ شي.

ماده ۱۹۷:

دو شرکت و یا شرکتهای متعدد تضامنی می توانند با یک دیگر ملحق و یک شرکت جدید تضامنی تشکیل کنند و یا به یک شرکت تضامنی موجود ملحق گردند.

۱۹۸ ماده:

د تضامني شرکتونو د پیوستون دپاره باید د مربوطو شرکتونو له خوا ځانگړی تصویبونه وشي او ثبت او اعلان شي.

ماده ۱۹۸:

برای الحاق شرکتهای تضامنی باید تصاویب جداگانه از طرف شرکتهای مربوطه به عمل آمده وثبت و اعلان گردد.

۱۹۹ ماده:

هر یوله گډ شویو شرکتو څخه مجبور دی چه خپل بیلانس په یو شکل ترتیب او اعلان کړی او په عین حال کښې هغه ترتیب چه د پورونو ورکولو د پاره یي نیسي، تصویب او له بیلانس سره یي ضمیمه کړی.

ماده ۱۹۹:

هر یکی از شرکتهای ملحقه مجبور اند بیلانس خود را بصورت متحدالشکل ترتیب و اعلان کنند و درعین حال ترتیبی را که برای تأدیة دیون اتخاذ می نمایند، تصویب و با بیلانس ضمیمه نمایند.

۲۰۰ ماده:

هغه تصویب چه د گډون په خصوص کښې کيږي، د اعلان له نېټې څخه تر دريو مياشتو وروسته د اعتبار وړ کيږي.

که گډ شوی شرکتونه خپل پورونه ورکړي او يا هغه مبلغ چه د دوی له پورونو سره برابروي يوه معتبر بانک ته وسپاري او يا د پورو خاوندان د شرکتونو په گډون راضي شي نو لارمه نده چه درې مياشتي انتظار وايستل شي.

هغه رسيد چه د پورونو د معادل مبلغ په مقابل کښې له بانک څخه اخیستل کيږي هم بايد ثبت او اعلان شي. د گډو شرکتونو هر يو پوروال د دريو مياشتو په موده کښې د الحاق په خصوص کښې په مربوطې محکمي کښې اعتراض کولای شي او ترهغه وخته پورې چه د اعتراض له حق څخه تير نشي او يا د معترض پوروال په خصوص کښې د محکمي قطعي حکم صادر نشي، الحاق به عملي نشي.

۲۰۱ ماده:

که په هغي مودی کښې چه په (۲۰۰) ماده کښې ټاکلي شوی ده

ماده ۲۰۰:

تصویبی که راجع به الحاق به عمل میآید، از تاریخ اعلان تا سه ماه بعد نافذ می گردد.

اگر شرکت های ملحقه دیون خود را تأدیه یا مبلغی را که معادل دیون شان باشد به یک بانک معتبری تودیع کنند و یا دائین به الحاق شرکتها راضی شوند، لازم نیست که مدت سه ماه انتظار کشیده شود.

رسیدیکه در مقابل مبالغ معادل دیون از بانک اخذ می شود نیز باید ثبت و اعلان گردد. هر یکی از دائین شرکت های ملحقه در ظرف سه ماه در خصوص الحاق به محکمه مربوطه اعتراض کرده می تواند و تا زمانیکه از حق اعتراض صرف نظر نکنند و یا قرار محکمه درباره دائن معترض کسب قطعیت ننماید، الحاق صورت نخواهد گرفت.

ماده ۲۰۱:

اگر در ظرف مدتیکه در ماده (۲۰۰) تعیین شده است اعتراض

واقع نشود، معامله الحاق کسب قطعیت می‌نماید. شرکتی که باقی می‌ماند و یا جدید تشکیل می‌شود، قائم مقام شرکت سابق بوده، کافه حقوق و دیون به آن انتقال می‌یابد.

اگر از الحاق شرکتها شرکت جدیدی بوجود آمده باشد، ثبت و اعلان آن ضروری است.

اعتراض واقع نشی، د الحاق معامله قطعیت مومی. هغه شرکت چه باقی پاتی کیبری او یا نوي تشکیلیری، د پخواني شرکت قائم مقام دی ټول حقوق او پورونه به هغه ته نقلیری.

که د شرکتو له گډون څخه نوي شرکت جوړ شوی وي، د هغه ثبت او اعلان ضروري دی.

حصه پنجم تصفیه شرکتهاى تضامنی

ماده ۲۰۲:

اگر در قرارداد شرکت راجع به تصفیه صراحتی موجود نباشد، تصفیه مطابق احکام این قسمت به عمل می‌آید.

ماده ۲۰۳:

تصفیه یک شرکت تضامنی عاید به مامورین تصفیه است که صورت انتخابات آنها در مواد آتیه نشان داده شده است.

ماده ۲۰۴:

مامورین تصفیه ممکن است قبلاً از طرف شرکاء انتخاب و در قرارداد شرکت

پنجمه برخه د تضامني شرکتو تصفیه

۲۰۲ ماده:

که د تصفیه په خصوص کښې د شرکت په قرارداد کښې کوم صراحت موجود نه وي، ددی برخي له احکامو سره سم تصفیه کیږی.

۲۰۳ ماده:

د یوه تضامني شرکت تصفیه د تصفیه په هغو مامورینو پورې اړه لري چه د هغو انتخابات په لاندنیو موادو کښې بنوولي شوی دی.

۲۰۴ ماده:

د تصفیه مامورین ممکن دی چه له پخوا څخه د شریکانو له خوا انتخاب او د شرکت په قرارداد

درج شود و یا بعداً با تصویب انتخاب شوند. همین طور بعد از انحلال هم به اتفاق نظر شرکاء می‌توانند تعیین شوند، در غیر آن تمام شرکاء و یا وکیل قانونی ایشان مامور به تصفیه شمرده می‌شوند. در صورت انحلال با مراجعه هر یکی از شرکاء ممکن است مامورین تصفیه از طرف محکمه مربوطه تعیین شوند.

ماده ۲۰۵:

مامورین تصفیه، چه از طرف شرکاء باشند و چه از طرف محکمه، ممکن است از بین شرکاء و یا از خارج انتخاب شوند.

ماده ۲۰۶:

تعدد مامورین تصفیه مجاز است. اگر حسب مقاوله شرکت یا با تصویبی که بعداً بعمل آمده در تصفیه منفرداً مجاز نباشند، لازم است که متفقاً اقدام کنند. اگر به اقدام انفرادی مجاز باشند، لازم است کیفیت ثبت و اعلان شود.

کسب درج شی یا وروسته په تصویب سره انتخاب شی. په همدی شان وروسته له انحلال څخه هم د شریکانو د اتفاق له مخې کولای شی چه وټاکلی شی، او غیر له دی نه ټول شریکان او یا د دوی قانونی وکیلان په تصفیه مامور بلل کیږي. د انحلال په صورت کسبې د هر شریک په مراجعه ممکنه ده چه د تصفیه مامورین د مربوطی محکمی له خوا وټاکلی شی.

۲۰۵ ماده:

د تصفیه مامورین که د شریکانو له خوا وي او که د محکمی له خوا ممکن دی چه د شریکانو له خوا او یا له باندي وټاکلی شي.

۲۰۶ ماده:

په تصفیه کسبې د مامورینو تعدد جائز دی. که د شرکت د مقاولی یا د هغه تصویب له مخې چه وروسته شویدی په تصفیه کسبې په منفرد ډول مجاز نه وي نو لازم دی چه په اتفاق سره اقدام وکړی او که په انفرادی اقدام مجاز وي لازم دی چه کیفیت ثبت او اعلان شي.

ماده ۲۰۷:

یک مامور تصفیه و وظیفه خود را به مامور تصفیه دیگر و یا به شخص ثالث سپرده نمی‌تواند ولی برای ایفای بعضی امور معاملات معینه می‌توانند از بین خود یکی یا چندی را و یا یک شخص ثالث را صلاحیت بدهند.

د تصفیه یو مامور خپله وظیفه د تصفیه بل مامور ته او یا دریم شخص ته نشي سپارلی. مگر د ځینو ټاکلیو چارو د معاملاتو د په ځای کولو دپاره کولای شي چه یوه یا څو تنو او یا یوه دریم سری ته واک ورکړی.

ماده ۲۰۸:

در شرکتی که معاملات آن در حالت تصفیه می‌باشد ابلاغ و مراجعات از طرف اشخاص ثالث به یکی از مامورین تصفیه کافی است. در مواردیکه برای منافع شرکت وقوع خطری متصور نباشد، امور و معاملات را که یکی از مامورین تصفیه اجراء کند، معتبر است.

که په یوه شرکت کښې چه معاملات یې د تصفیه په حال کښې وي د تصفیه د مامورینو یوه مامور ته دریمو کسانو له خوا ابلاغ او مراجعات کافي دی. په هغو ځایو کښې چه د شرکت د گټو دپاره د کوم خطر پېښیدل متصور نه وي نو هغه چاري او معاملي چه د تصفیه کوم مامور یې اجراء کړی، معتبر دی.

ماده ۲۰۹:

شرکت های تضامنی بعد از انحلال هم الی ختم معاملات تصفیه برای امور تصفیه موجود شناخته می‌شوند.

تضامني شرکتونه وروسته له انحلال څخه هم د تصفیه د معاملاتو تر پای ته رسیدلو پوري د تصفیه د چارو دپاره موجود گڼل کېږي.

۲۱۰ ماده:

يو تضامني شرکت چه د تصفيي په حال کښې وي بايد په ټولو هغو پايو او اسنادو کښې چه د شرکت په نامه تنظيميږي (د تضامني شرکت تصفيه....) جمله زياته شي او په پای کښې يې د تصفيي واک لرونکی مامور يا مامورين لاسليک کړي. غير له دی به شرکت ته کوم مسؤليت متوجه نشي.

ماده ۲۱۰:

یک شرکت تضامنی که در حال تصفيه می باشد باید در تمام اوراق و اسنادیکه بنام شرکت تنظیم می گردد جمله (تصفیه شرکت تضامنی....) علاوه شده و در ذیل آن مامور و یا مامورین صلاحیت دار تصفيه امضاء نمایند. در غیر آن مسؤليت به شرکت متوجه نخواهد شد.

۲۱۱ ماده:

د شرکت له انحلال نه وروسته د شرکت د مالونو په نسبت د شريکانو د شخصي پوروالو په مقابل کښې د شرکت د پوروالو د ترجیح حق محفوظ دی.

ماده ۲۱۱:

حق رجحان د ائنين شرکت تضامنی به اموال شرکت بالمقابل د ائنين شخصی شرکاء بعد از انحلال شرکت هم محفوظ است.

۲۱۲ ماده:

که د شرکت شته د تصفيي په حالت کښې د پورونو د تسويي دپاره کافي نه وي او د افلاس موجبات موجود شي، محکمه کولای شي چه په داسي حالت کښې په افلاس حکم صادر کړي.

ماده ۲۱۲:

اگر دارائی شرکت در حالت تصفيه کافی برای تسويه ديون آن نباشد و موجبات افلاس موجود گردد، محکمه می تواند در چنین حالت حکم به افلاس صادر نماید.

۲۱۳ ماده:

که د تصفيي مامورين پخوا له

ماده ۲۱۳:

اگر مامورين تصفيه به موجب

قرارداد شرکت و یا تصویب شرکاء قبل از انحلال از بین خود شرکاء انتخاب شده باشند، به اتفاق آراء تمام شرکاء عزل شده می‌توانند. در صورت عدم حصول اتفاق آراء به اثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء از طرف محکمه بنا بر علل قابل قبول عزل شده می‌توانند.

ماده ۲۱۴:

مامورین تصفیه که بعد از انحلال از بین شرکاء انتخاب گردیده باشند، به اتفاق شرکای دیگر معزول شده می‌توانند. در صورت عدم حصول اتفاق آراء، به اثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء به استناد اسباب قابل قبول از طرف محکمه عزل خواهند شد.

ماده ۲۱۵:

مامورین تصفیه که از شرکاء نبوده مطابق قرارداد شرکت و یا بر حسب تصویب شرکاء انتخاب شده باشند، به هر صورت به اتفاق شرکاء عزل شده می‌توانند. در صورتی که اتفاق شرکاء

انحلال خخه د شرکت د قرارداد او یا د شریکانو د تصویب په موجب په خپله د شریکانو له منځه ټاکلي شوی وي، د ټولو شریکانو د آراوو په اتفاق موقوف کیدای شي او که د آراوو اتفاق حاصل نشي نو د هر یو شریک د غوښتنې او مراجعې په اثر د منلو وړ علتونو په واسطه د محکمې له خوا موقوف کیدای شي.

ماده ۲۱۴:

د تصفیه مامورین چه وروسته له انحلال خخه د شریکانو له منځه ټاکلي شوی وي د نورو شریکانو په اتفاق موقوف کیدای شي او که د آراوو اتفاق حاصل نشي نو د هر یوه شریک د غوښتنې او مراجعې په اثر د منلو وړ علتونو په واسطه د محکمې له خوا موقوف کیدای شي.

ماده ۲۱۵:

د تصفیه مامورین چه له شریکانو خخه نه وي او د شرکت له قرارداد او یا د شریکانو له تصویب سره سم ټاکلي شوی وي، په هر صورت د شریکانو په اتفاق سره موقوف کیدای شي. په دی صورت چه د

حاصل نشود، به اثر مراجعه و خواهش هر یکی از شرکاء از طرف محکمه عزل شده می‌تواند.

ماده ۲۱۶:

مامور تصفیة که از طرف محکمه تعیین شده باشد، عزل آن منحصرأً مربوط به محکمه است.

ماده ۲۱۷:

اگر مامورین تصفیة قبلاً انتخاب گردیده باشند، در وقت انحلال شرکت و اگر بعداً از طرف شرکاء و یا محکمه تعیین گردیده باشند، حین انحلال مدیران شرکت را دعوت و به اشتراک آنها و در صورت عدم اجابت مدیران، خود ایشان یک دفتریکه حاوی دارائی شرکت باشد با یک بیلانس تنظیم می‌کنند. اگر مامورین تصفیة لازم بدانند می‌توانند برای تعیین قیمت اموال شرکت به اهل خبره مراجعه کنند. بیلانس و دفتر دارائی که تنظیم می‌شود با حضور مامورین تصفیة از طرف مدیران شرکت

شریکانو اتفاق حاصل نشی نو د هر یو شریک د غوښتنې او مراجعې په اثر د محکمي له خوا موقوفیدای شي.

۲۱۶ ماده:

د تصفيي هغه مامور چه د محکمي له خوا ټاکلي شوی وي، د هغه موقوفي يواځې په محکمه پورې اړه لري.

۲۱۷ ماده:

که د تصفيي مامورين له پخوا څخه ټاکلي شوی وي نو د شرکت د انحلال په وخت کېښې او که وروسته د شريکانو يا د محکمي له خوا ټاکلي شوی وي، د انحلال په وخت کېښې به د شرکت مديران راغواړي او د هغو په گډون، او که د مديرانو غوښتنې ته ضرورت نه وو نو دوي پخپله يو داسي دفتر چه د شرکت شته پکښې وي له يو بيلانسه سره جوړوي. او که د تصفيي مامورين لارم ويولي کولای شي چه د شرکت د مالونو د قيمت د ټاکلو دپاره پوهانو ته مراجعه وکړي. بيلانس او د شتو دفتر چه تنظيم کېږي، د تصفيي د مامورينو په مخکښې به د شرکت

د مدیرانو له خوا لاس لیک کيږي. د تصفيي مامورین وروسته د دفتر له لاس لیک څخه ټول هغه مالونه چه د شتو په همغه دفتر کښې قيد دی د منحل شوی شرکت له پانې او دفترونو سره تر خپل تصرف لاندی راولي.

۲۱۸ ماده:

د تصفيي مامورین مکلف دی چه د منحل شوی شرکت د ټولو مالو او حقوقو د ساتني دپاره لازم تدبیره ونيسي.

۲۱۹ ماده:

د تصفيي مامورین هغه معاملي چه د شرکت د دوام په وخت کښې شروع شوی وي او تر اوسه پای ته نه وي رسیدلي، پای ته رسوي او د شرکت پورونه او نور تعهدات نقداً او که پوروال موافقت وکړي جنساً يې ورکوي. هغه چاري او معاملي چه د شرکت د دارايي او د حصول او د شريکانو په منځ کښې د ويشلو د پاره لازمي وي اجراء کوي.

امضاء می شود.

مامورین تصفيه بعد از امضای دفتر تمام اموالی را که در دفتر دارائی مذکور قيد است با ديگر اوراق و دفاتر شرکت منحل شده تحت تصرف خود می گیرند.

ماده ۲۱۸:

مامورین تصفيه مکلف اند که برای محافظه تمام اموال و حقوق شرکت منحل شده تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

ماده ۲۱۹:

مامورین تصفيه معاملاتى را که در زمان دوام شرکت آغاز گردیده ولی هنوز ختم نشده باشد، انجام می دهند و ديون و سرمایه تعهدات شرکت را نقداً و اگر دائنين موافقت کنند جنساً تأديه منى مایند و طلبات شرکت را تحصيل و دارائى جنسى آنرا به نقد تبدیل می کنند. والحاصل تمام امور و معاملاتى را که برای حصول دارائى شرکت و تقسیم بين شرکاء لازم است، اجرا می کنند.

۲۲۰ ماده:

د هغه شرکت د تمثیل حق چه د تصفيي په حال کښې وي، په محکو يا نورو مقاماتو د تصفيي په مامورينو پورې اړه لري.

ماده ۲۲۰:

حق تمثیل شرکتی که در حال تصفیه می‌باشد، در محاکم یا دیگر مقامات به مامورین تصفیه عاید است.

۲۲۱ ماده:

د تصفيي مامورين نشي کولای يوه نوي معامله چه په تصفیه پورې اړه نلري اجراء کړی.

ماده ۲۲۱:

مامورین تصفیه نمی‌توانند یک معامله جدیدی را که از ایجابات تصفیه نباشد اجراء کنند.

او که ئي اجراء کړی نو هغه مسئولیت چه له هغي معاملي څخه پیدا کيږي ټول د تصفيي په مامورينو پورې اړه لري.

اگر اجراء نمایند، مسئولیتی که از معامله مذکور نشئت کند، کلیتاً به مامورین تصفیه مربوط است.

۲۲۲ ماده:

که د تصفيي مامورين د منحل شوی شرکت گټه په يوه مورد کښې وويني نو په مصالحه او د حکم په تعيين مجاز دی.

ماده ۲۲۲:

مامورین تصفیه اگر فایده شرکت منحل شده را در موردی ملاحظه کنند، به مصالحه و تعیین حکم مجاز اند.

۲۲۳ ماده:

د تصفيي مامورين کولای شي چه د منحل شوی شرکت منقول مالونه چه د شرکت گټه پکښې وويني په مزایده سره یا بي له مزایده وپلوري. مگر د شرکت غیر منقول مالونه که د شریکانو عمومي موافقه په بل صورت نه وي یواځې

ماده ۲۲۳:

مامورین تصفیه می‌توانند اموال منقوله شرکت منحل شده را نظر به ایجاب منفعت شرکت بطور مزایده و یا بدون مزایده بفروشند. اما اموال غیر منقوله شرکت را اگر موافقت عمومی شرکاء بدیگر صورت نباشد، من

تھا بہ مزایدہ فروختہ می‌توانند .
وجود صغیر و یا محجور
در بین شرکاء مانع فروش اموال
منقولہ و غیر منقولہ شدہ
نمی‌تواند .

مادہ ۲۲۴:

مامورین تصفیہ می‌توانند
معاملاتی را کہ موضوع شرکت را
تشکیل می‌دهد ، اگر تصفیہ از
طرف شرکاء تعیین شدہ باشد ،
مطابق فیصلہ شرکاء و اگر از
طرف محکمہ مقرر شدہ باشد ، بہ
اتفاق نظر شرکاء و تصویب
محکمہ ، آن معاملات را موقتاً
اجراء کنند .

مادہ ۲۲۵:

مامورین تصفیہ مجبور اند
کہ دیون مؤجلہ شرکت تضامنی
در حال تصفیہ را بہ صورت تنزیل
(دسکاونت) معجلاً تأدیہ کنند و
دائین نیز مجبور بہ قبول این طرز
تأدیہ می‌باشند .

مادہ ۲۲۶:

اگر دارائی شرکت تضامنی بہ
تسویہ تمام دیون کافی
نباشد ، مامورین تصفیہ

بہ مزایدہ بی‌پلورلی شی . د
شریکانو بہ منخ کنبی د صغیر یا
محجور وجود د منقول او غیر
منقول مالونو د پلورلو مانع نشی
کبدای .

۲۲۴ ماده:

د تصفیہ مامورین کولای شی هغه
معاملی چه د شرکت موضوع
ورخه جوړیږی که تصفیہ د
شریکانو له خوا ټاکلی شوی وي، د
شریکانو له فیصلي سره سم، او که
د محکمي له خوا مقررہ شوی وي،
نو د شریکانو د فیصلي او د
محکمي د حکم په اتفاق په مؤقت
ډول سره اجراء کړی .

۲۲۵ ماده:

د تصفیہ مامورین مجبور دی چه
د تضامني شرکت په وعده پورونه
د تصفیہ په حال کي د تنزیل
(دسکاونت) په صورت ژر تر ژره
اداء کړی او پوروال هم مجبور دی
چه دا ډول ورکړه ومني .

۲۲۶ ماده:

که د تضامني شرکت شته ټولو
پورونو ته په یو برابر کفایت
ونکړی، د تصفیہ مامورین کولای

شي چه د شرکت د پورونو د پوره کولو د پاره شريکانو ته مراجعه وکړي.

۲۲۷ ماده:

که شريکان په اتفاق سره تصويب و نکړي، د تصفيي مامورين کولای نشي چه د شرکت مالونه ټول وپلوري.

۲۲۸ ماده:

د تصفيي د مامورينو قانوني صلاحيتونه ممکن دی چه د شريکانو په اتفاق يا د محکمي په حکم (هر مقام چه هغه ټاکلي وي) زيات يا لږشي، په دی صورت کيفيت ثبت او اعلانيږي. که د صلاحيت د تحديد مسئله اعلان شوی نه وي نو د دريمو کسانو په خصوص کښي د ښه نيت خاوند بي تاثيره دی.

۲۲۹ ماده:

د تصفيي مامورين د تصفيي په مهال کي په هغه تصويب مقيد دی چه د تصفيي په خصوص کښي يي شريکان په اتفاق سره کوي. د کوم شريک د افلاس مړيني يا محجوريت په صورت کښي د

می توانند برای تکميل ديون شرکت به شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۲۲۷:

اگر شرکاء متفقاً تصويب نکنند، مامورين تصفيه نمی توانند اموال شرکت را بطور مجموعی به فروش برسانند.

ماده ۲۲۸:

صلاحيت های قانونی مامورين تصفيه ممکن است به اتفاق شرکاء و يا قرار محکمه (هر مقامی که آنرا تعيين کرده باشد) توسيع و يا تحديد شود درين صورت، کيفيت ثبت و اعلان می شود. اگر مسئله تحديد صلاحيت ثبت و اعلان نگردیده باشد، درباره اشخاص ثالث صاحب حسن نيت بی تاثير است.

ماده ۲۲۹:

مامورين تصفيه در اثنای تصفيه مقيد به تصويبي می باشند که شرکاء متفقاً راجع به تصفيه بعمل می آورند. در صورت افلاس يا وفات و يا محجوريت یکی از شرکاء احکام ماده (۲۳۰)

۲۳۰) مادی احکام تطبیق کیبری.

تطبیق می‌شود.

۲۳۰ ماده:

ماده ۲۳۰:

په هغو تصویبونو کښې چه مامورینو ته د تعلیماتامو ورکول او یا د هغو د ټاکلو یا موقوفولو په خصوص کښې کیږي، د شریک د افلاس او مړینې او محجوریت په صورت کښې د گډون حق د دوی په قانوني وکیل او ولي پورې اړه مومي. ورته په اتفاق سره وکیل ټاکي او که اتفاق حاصل نه شي نو وکیل په محکمه پورې اړه لري.

حق اشتراک در تصویب‌هایی که راجع به تعیین و یا عزل و یا اعطای تعلیمات به مامورین تصفیه بعمل می‌آید، در صورت افلاس و وفات، محجوریت شریک به وکیل قانونی و ولی آنها عاید است. ورته به اتفاق وکیل تعیین می‌کند و در صورتی که اتفاق حاصل نشود، تعیین وکیل مربوط به محکمه است.

۲۳۱ ماده:

ماده ۲۳۱:

د تصفیه مامورین کولای شي چه د شرکت له نقدو شتو څخه دومره اندازه شته چه د مثبتو او متنازع فیه او معجلو او په وعدو پورونو کفایت وکړي وساتي او نوري د شریکانو په منځ کښې وويشي.

مامورین تصفیه می‌توانند از دارائی نقدی شرکت مقداری را که برای دیون معجله و مؤجله مثبت و متنازع فیه کفایت نماید نگهداشته، بقیه آنرا در بین شرکاء تقسیم کنند.

۲۳۲ ماده:

ماده ۲۳۲:

د تصفیه مامورین د تصفیه د معاملاتو د صحت دپاره په منظم ډول د لږمو دفترونو په جوړولو مکلف دی.

مامورین تصفیه برای تأمین صحت معاملات تصفیه به ترتیب دفاتر لږمه بصورت منظم مکلف اند.

۲۳۳ ماده:

ماده ۲۳۳:

د تصفیه مامورین مجبور دی چه

مامورین تصفیه مجبور

د تصفيي د چارو د موجوده وضعیت په خصوص کښې د شريکانو د مراجعي په اثر په خوله يا په ليکنه سره معلومات ورکړي.

ماده ۲۳۴:

د تصفيي مامورين د شريکانو د غوښتنې په صورت مجبور دی چه د شرکت او تصفيي په خصوص کښې ټولي پانې او دفترونه هغو ته ورښکاره کړي.

د تصفيي مامورين نشي کولای چه شريکان ددی دفترونو او پانولو له نقل اخيستلو څخه منع کړي.

ماده ۲۳۵:

د تصفيي مامورين مجبور دی چه له يوزر افغانيو څخه اوبنتې پيسي چه د تصفيي په ترڅ کښې ئي لاس ته راځي، يوه معتبر بانک ته وسپاري.

ماده ۲۳۶:

د تصفيي په پای کښې د تصفيي مامورين مجبور دی چه د تصفيي د چارو په باره کښې شريکانو ته حساب ورکړي.

ماده ۲۳۷:

د شرکت د قرارداد ټول هغه احکام

اند در اثر مراجعه شرکاء راجع به وضعیت موجوده امور تصفيه شفاهاً و يا کتباً معلومات بدهند.

ماده ۲۳۴:

مامورين تصفيه در صورت خواهش شرکاء مجبور اند تمام اوراق و دفاتر راجع به شرکت و تصفيه را با آنها ارائه نمايند.

مامورين تصفيه نمی توانند شرکاء، را از اخذ نقل دفاتر و اوراق مذکور منع کنند.

ماده ۲۳۵:

مامورين تصفيه مجبور اند مبالغ زايد از يکهزار افغانی را که در اثنای تصفيه حصول می شود، به يک بانک معتبري توديع نمايند.

ماده ۲۳۶:

در ختم تصفيه، مامورين تصفيه مجبور اند راجع به معاملات تصفيه به شرکاء حساب بدهند.

ماده ۲۳۷:

تمام احکام قرارداد شرکت که

عاید به مامورین تصفیه باشد، با مقرراتیکه از طرف شرکاء و محکمه راجع به تعیین، تبسیدیل و عزل مامورین تصفیه وضع می‌گردد، ثبت و اعلان می‌شود.

ماده ۲۳۸:

در ختم تصفیه، مامورین تصفیه نظر به قرارداد و یا احکام قانونی يك بیلانس حاوی حصص شرکاء در خصوص سرمایه نفع و ضرر و سایر اقلام دارائی و بدهی تنظیم کرده، به شرکاء تقدیم می‌کنند. اگر شرکاء در ظرف یک ماه توسط محکمه اعتراض نمایند، بیلانس کسب قطعیت می‌نماید.

بعد از انقضاء این مدت در صورتی که شرکاء از اخذ حصه مقرر خود امتناع ورزند، مامورین تصفیه حصه هر یک را علیحده علیحده بنام هر شریک به یک بانک معتبر تسودیع می‌نمایند.

ماده ۲۳۹:

دارائی خالص شرکت مطابق

چه د تصفیه به مامورینو پورې اړه لري، سره له هغو مقرراتو چه د شریکانو او محکمی له خوا د تصفیه د مامورینو د ټاکلو، تبدیلولو او موقوفولو په خصوص کښې وضع کیږي، ثبت او اعلانیږي.

ماده ۲۳۸:

د تصفیه په پای کښې د تصفیه مامورین د قرارداد یا د قانونی احکامو له مخې یو داسی بیلانس چه د پانگې په باره کښې د شریکانو برخي او گټه او ضرر او نوره دارائی پکښې داخله وي جوړوي او شریکانو ته یې وړاندی کوي. که شریکان په دوي په یوه میاشت کښې دننه اعتراض ونکړی نو دغه بیلانس قطعی بلل کیږي.

وروسته له دی مودی تیریدو نه په دی صورت چه شریکان له خپلې مقرري برخي اخیستلو څخه منع راوړي نو د تصفیه مامورین د هر یوه برخه ځانگړی ځانگړی د هر شریک په نامه په یوه معتبر بانک کښې ږدی.

ماده ۲۳۹:

د شرکت خالصه دارایی له قرارداد

قرارداد و يا مطابق تصويبي كه بعداً بعمل آمده، از طرف مامورين تصفيه تقسيم می‌شود. در صورتي كه بر خلاف آن در قرارداد صراحت و يا تصويبي از طرف شركاء نباشد، بايد اين تقسيم بصورت نقدي بعمل آيد.

ماده ۲۴۰:

طوري كه مامورين تصفيه در اجرا آتيكه مغاير احكام اين قانون باشد در مقابل شركاء و اشخاص ثالث جمعاً مسئول اند، همچنان در معاملات اشخاصي كه تعيين و استخدام می‌كنند، در صورتيكه مغاير احكام معينه قانون باشد، نزد شركاء و اشخاص ثالث جمعاً مسئول می‌باشند.

ماده ۲۴۱:

مامورين تصفيه كه از بين شركاء تعيين و انتخاب می‌شوند، اگر در قرارداد و يا تصويبي كه بعداً اتخاذ می‌شود شرط نشده باشد، نمی‌توانند معاش و اجرت بگيرند. ولی مامورين تصفيه اگر از خارج تعيين

سره يا له هغه تصويب سره سم چه وروسته له هغه شویدی، د تصفيي مامورينو له خوا ويشله کيږي اوکه له دی نه چپ په قرارداد کښې کوم صراحت او ياد شريکانو له خوا کوم تصويب نه وي، نو دا ویش په نقدي صورت کيږي.

۲۴۰ ماده:

لكه چه د تصفيي مامورين په هغو اجرا آتو کښې چه ددی اصولنامي له احكامو څخه چپ وي د شريکانو او دريمو کسانو په مقابل کښې په گډه سره مسئول دی، همدا ډول د هغو کسانو په معاملاتو کښې چه دوي يي ټاکي او استخدا موي نوکه د اصولنامي له ټاکليو احكامو څخه چپ وي نو شريکانو او دريمو کسانو ته مسئول دی.

۲۴۱ ماده:

د تصفيي مامورين چه د شريکانو له منځه ټاکلي کيږي كه په قرارداد او يا هغه تصويب کښې چه وروسته نيول کيږي شرط شوی نه وي، نشي کولای چه معاش يا اجرت واخلي. مگر که د تصفيي مامورين له دباندی څخه ټاکلي

شده باشند ولو از اجرت و معاش ذکرى هم نشده باشد، مستحق اخذ معاش و اجرت مى باشند.

ماده ۲۴۲:

در ختم تصفيه، اوراق و دفاتر به يك جاى معتمد يکيه از طرف شرکاء تعيين شده باشد، توديع مى گردد و تا ۱۵ سال حفظ مى شود. اگر درين خصوص اتفاق نظر حاصل نشود، محل معتمد را محکمه تعيين مى کند.

فصل سوم
شرکت تضامنى مختلط
حصه اول
ماهيت و طرز تشکيل شرکت
تضامنى مختلط

ماده ۲۴۳:

شرکتى که در تحت عنوان معين به مقصد اجراى تجارت تشکيل مى شود و مسئوليت يک يا چند نفر از شرکاء آن در مقابل دائنين شرکت غير محدود و مسئوليت شريک يا شرکاء ديگر آن به يک

شوى وي، که شه هم له اجرت او معاش نه کوم ذکر هم نه وي شوى، دوي د اجرت او معاش مستحق دى.

ماده ۲۴۲:

د تصفيي په پای کښې پانې او دفترونه يو ځای هغه معتمد ځای ته چه د شريکانو له خوا ټاکلى شوى وي، سپارل کيږي او تر پنځلسو کالو پورې ساتل کيږي. که په دى خصوص کښې د نظر توافق را نشي نو د معتمد ځای محکمه ټاکي.

درپيم فصل
مختلط تضامني شرکت
لومړى برخه
د مختلط تضامني شرکت ماهيت
او د جوړيدو ډول

ماده ۲۴۳:

هغه شرکت چه تر ټاکلي عنوان لاندې د تجارت د اجراء په مقصد جوړيږي او د شرکت د پوروالو په مقابل کښې د هغه د يوه يا خو تنو شريکانو مسئوليت غير محدود او د يوه يا نورو شريکانو مسئوليت

ماده ۲۴۶:

یو محدود المسئولیت شریک (بی له خپلې علمي او فني اختراع څخه) نشي کولای چه خپل کار او عمل او اعتبار او یا صنعت د پانگې په حیث وړاندی کړی.

ماده ۲۴۶:

یک شریک محدود المسئولیت (غیر از اختراع علمی و فنی خود) نمی تواند کار و عمل و اعتبار و یا صنعت خویش را بحیث سرمایه تقدیم کند.

دوهمه برخه**د شریکانو یو د بل سره مناسبات****ماده ۲۴۷:**

د مختلط تضامنی شرکت د شریکانو ترمنځ مناسباتو کښې (که د هغو په خلاف په قرارداد کښې کوم صراحت نه وي) ددی برخي احکام تطبیق کیږي.

ماده ۲۴۷:

در مناسبات بین شرکای شرکت تضامنی مختلط (اگر صراحتی در قرارداد بر خلاف آن نباشد) احکام این قسمت تطبیق می شود.

ماده ۲۴۸:

محدود المسئولیت شریکان د شرکت د چارو د ادارې واک نلري او نشي کولای چه د ادارې واک لرونکی شریکان د وظیفې له اجرا څخه منع کړی. مگر د اداره کوونکو کسانو له واک څخه په وتلیو معاملاتو کښې رای ورکولای شي.

ماده ۲۴۸:

شرکای محدود المسئولیت به اداره امور شرکت صلاحیت ندارند و نمی توانند شرکای را که صلاحیت اداره را دارند، از اجرای وظیفه منع کنند. ولی درباره معاملات خارج از صلاحیت اشخاص اداره کننده می توانند رای بدهند.

ماده ۲۴۹:

هر محدود المسئولیت شریک

ماده ۲۴۹:

هر شریک محدود المسئولیت

مأذون است در اخير سال دفتر دارائى و بيلانس و اوراق شركت را بالذات يا به معرفت اهل خبره تدقيق و كنترول نمايد. در صورت اعتراض بر عليه اهل خبره به اثر مراجعت شريك محدود المسئوليت، اهل خبره از طرف محكمه تعيين مى شود.

ماده ۲۵۰:

احكام ماده (۱۵۸) در منع شركاى شركت تضامنى از اجراى معاملاتيكه موضوع شركت را تشكيل مى دهد، در مورد شركاى محدود المسئوليت جريان نمى يابد. ولى اگر شركاى محدود المسئوليت يك مؤسسه را كه معاملات آن موضوع شركت را تشكيل مى دهد، تأسيس نمايند و يا با يك شخص ديگر كه چنين مؤسسه بناز کرده باشد، شركت كنند و يا به يك شركت موجود كه همين نوع معامله را مى نمايد داخل شوند، در اوراق و دفاتر شركت حق تدقيق را نخواهند داشت.

كولاي شي چه د كال په پای که د شركت د شتو دفتر او بيلانس او پانې پخپله يا د پوهو كسانو په ذريعه تدقيق او كنترول كړي. که د محدود المسئوليت شريك د مراجعي په اثر په پوهانو باندى اعتراض راشي، په دى صورت كښې پوهان د محكمي له خوا ټاكل كيږي.

ماده ۲۵۰:

د هغو معاملاتو په اجراء كښې چه د شركت موضوع جوړوي، د تضامني شركت د شريكانو په منځ كښې د (۱۵۸) مادى احكام د محدود المسئوليت شريكانو په خصوص كښې نه جاري كيږي. مگر كه محدود المسئوليت شريكان يوه داسي مؤسسه چه معاملات يې د شركت موضوع جوړوي، تأسيس كړي او يا له يوه بل داسي شخص سره چه داډول مؤسسه ئى پرانستي وي شركت وكړي اويا يو بل موجود شركت كښې چه همداډول معامله كړي داخل شي، نو د شركت د پانو او دفتر د تدقيق حق به ونه لري.

ماده ۲۵۱:

د یوه محدود المسئولیت شریک مسئولیت د هغې پانگې په اندازه دی چه یې ورکړی او یا یې په غاړه اخیستی وي.

ماده ۲۵۱:

مسئولیت یک شریک محدود المسئولیت به اندازه سرمایه ایست که تأدیه و یا تعهد کرده است.

ماده ۲۵۲:

محدود المسئولیت شریک د حسابی کال په پای کنبې کولای شي چه د گتې خپله برخه او که په قرارداد کنبې تصریح وي، خپله تکت پولی هم اخیستلای شي. لیکن که شرکت زیان کړی وي نو تر هغه وخته چه هغه زیان پوره شوی نه وي، تکت پولی نه ورکولای کیري. مگر په راتلونکی کال کنبې د پانگې د زیان له پوره کولو څخه وروسته د تیرو کالو له پاتې گتې څخه تکت پولی ورکولای کیري.

ماده ۲۵۲:

شریک محدود المسئولیت در اخیر سنه حسابیه می تواند حصه مفاد را و اگر در قرارداد تصریح شده باشد، تکت پولی خود را نیز بگیرد. لیکن اگر شرکت نقص کرده باشد، تا زمانی که تلافی شود، تکت پولی داده نمی شود اما در سنه آتیه بعد از اكمال نقص سرمایه از متباقی مفاد، تکت پولی سالهای گذشته پرداخته می شود.

ماده ۲۵۳:

محدود المسئولیت شریکان مجبور ندی چه هغه تکت پولی او گته چه پخوانی اخیستی دی، دداسی زیانونو د پوره کولو دپاره چه پس له دی پینبېری، بیرته ورکړی.

ماده ۲۵۳:

شرکای محدود المسئولیت مجبور نیستند که تکت پولی و مفادی را که قبلاً اخذ کرده اند برای جبران ضرر هایی که بعداً واقع می شود، اعاده نمایند.

مادہ ۲۵۴:

محدود المسئولیت شریک چه د مرتب او منظم بیلائس له مخې گټه یا ټکټ پولې اخیستی وي، په بیرته ورکولو نه مجبورېږي.

شریک محدود المسئولیت که نظر به بیلائس مرتب و منظم مفاد و یا تکت پولی اخذ کرده باشد، مجبور به اعاده آنها نمی شود.

مادہ ۲۵۵:

دیوه محدود المسئولیت شریک د فوت په صورت کېنې دده ورثه دده قایم مقام بلل کیږي.

در صورت وفات یک شریک محدود المسئولیت، ورثه قایم مقام متوفی شمرده می شود.

مادہ ۲۵۶:

که محدود المسئولیت شریک په شرکت کېنې خپل حق بي د نورو شریکانو له اجازې څخه ټول یا یو څه اندازه بل چاته پریږدی نو پیروونکي به د شرکت د چارو په ادارو او تدقیق کېنې د دخالت حق ونلري.

اگر شریک محدود المسئولیت حق خود را در شرکت بدون اجازه سایر شرکاء کلاً و یا بعضاً به شخص دیگری واگذار نماید مشتری حق دخالت در اداره و تدقیق در امور شرکت را نخواهد داشت.

در پیمه برخه

د شریکانو مناسبات له در پیمو کسانوسره

مادہ ۲۵۷:

د هغه محدود المسئولیت شریک چه نوم يي د شرکت په عنوان کېنې داخل وي، د دریمو کسانو په مقابل کېنې د غیر

شریک محدود المسئولیت که اسم آن در عنوان شرکت داخل باشد، به مقابل اشخاص ثالث بصورت

حصه سوم

مناسبات شرکاء باشخاص
ثالث

مادہ ۲۵۷:

محدود مسئول په صورت بلل کيږي.

ماده ۲۵۸:

د مختلط تضامني شرکتونو د ادارې او نمایندگي مسئولیت په هغو شریکانو پورې چه مسئولیت یې غیر محدود وي، اړه لري. ددی صلاحیت حدود دهغو احکامو تابع دی چه د تضامني شرکتو په خصوص کښې مقرر شوی دی. که د شرکت په قرارداد کښې کوم مانع نه وي امکان لري چه محدود المسئولیت شریک د مدیر یا د شرکت د مدیرانو له خوا د ټاکلیو مسایلو دپاره وکیل ودراره شي. پدی صورت، هغه مسئولیت چه دده د معاملاتو له پرځای کولو څخه پیدا کيږي، په شرکت پورې اړه لري. محدود المسئولیت شریک چه د خپل وکالت له حدود څخه تیری او یا بي له وکالت څخه اجراءات وکړي نو هغه مسئولیت چه دده له معاملي څخه پیدا کيږي، پخپله په ده پورې اړه لري.

ماده ۲۵۹:

د محدود المسئولیت شریکانو له خواد شرکت په چارو کښې د

غیر محدود مسئول شمرده می شود.

ماده ۲۵۸:

مسئولیت اداره و نمایندگي شرکت های تضامنی مختلط به شرکائیکه مسئولیت ایشان غیر محدود باشد، عائد است. حدود این صلاحیت تابع احکامی است که راجع به شرکتهای تضامنی مقرر شده است. اگر در قرارداد شرکت منع نباشد، شریک محدود المسئولیت ممکن است از طرف مدیر و یا مدیران شرکت برای مسایل معینی وکیل انتخاب شود. درین صورت مسئولیتی که از ایفای معاملات وی نشئت کند، عاید به شرکت است. شریک محدود المسئولیت که از حدود وکالت خود تجاوز می کند و یا بدون وکالت اجراءات نماید، مسئولیتی که از معامله وی نشئت می کند، عاید به شخص خودش می باشد.

ماده ۲۵۹:

اعطای مشورت از طرف شرکاء محدود المسئولیت،

استعمال حق تفتيش و مراقبت در امور شرکت و اشتراك در تعيين و عزل مامورين در احواليکه قانوناً معين شده است و استخداً در داخل شرکت به امور فرعی موجب مسؤليت غير محدود شرکاء محدود المسؤليت نمی گردد.

ماده ۲۶۰:

شرکای محدود المسؤليت از مبالغ متعهده به اندازه که در ذمت آنها باقی باشد در مقابل دائنين شرکت مسؤل اند، لیکن دائنين تا وقتیکه شرکت منحل و یا تعقیبات اصولی بر علیه آن عقیم نمانده باشد به شرکای محدود المسؤليت مراجعه نمی توانند. در صورت افلاس شرکت دائنين به مجموع دارائی آن حق مطالبه دارند.

ماده ۲۶۱:

در صورت افلاس شرکت تضامنی مختلط طلبات دائنين شرکت از طلبات دائنين شخصی شرکاء مقدم می باشد.

مشوري ورکول، د پلتهني او مراقبت د حق استعمال، او په داسي احوالو کښې چه قانوناً ټاکلي شوی وي، د مامورينو په ټاکلو او عزل کښې اشتراك او د شرکت په فرعي چارو کښې استخدام د محدود المسؤليت شريکانو د غير محدود مسؤليت موجب نه گرځي.

۲۶۰ ماده:

محدود المسؤليت شريکان په ځان منلو پيسو څخه په هغي اندازه چه د دوی په غاړه پاتي وي د شرکت د پوروالو په مقابل کي مسؤل دی مگر پوروالان تر هغه وخته پوري چه شرکت منحل او يا په هغه باندی اصولي تعقیبات بي نتيجي شوی نه وي، محدود المسؤليت شريکانو ته مراجعه نشي کولای. د شرکت د افلاس په حال کښې پوروالان د هغي د ټولي دارايي د غوښتلو حق لري.

۲۶۱ ماده:

د مختلط تضامني شرکت د افلاس په صورت د شرکت د پوروالو د پور اداء کولو حق نظر د شريکانو شخصي پوروالو ته پرمبي دی.

ماده: ۲۶۲

که د شرکت دارایی د پوروالو پورونه پوره نشي کړای نو پوروالان کولای شي چه د خپلو پاتي پورونو دپاره د غیر محدود المسئولیت د هر یوه شریک شخصي مالونو ته مراجعه وکړی او پدی حال کښې د شرکت پوروالان د شریکانو له شخصي پوروالو سره مساوي حق لري.

ماده ۲۶۲:

اگر دارائی شرکت طلبات دئینین را کفایت نکند، دئینین می توانند برای طلبات متباقیه خود به اموال شخصیه هر شریک غیر محدود المسئولیت مراجعه نمایند و درین حال دئینین شرکت با دئینین شخصی شرکاء حقوق مساوی دارند.

ماده: ۲۶۳

نسبت د محدود المسئولیت شریک دارایی ته چه افلاس یی کړی وي مختلط تضامني شرکت او شخصي پوروالان مساوي حق لري.

ماده ۲۶۳:

نسبت به دارایی شریک محدود المسئولیت که افلاس کرده باشد، شرکت تضامنی مختلط و دئینین شخصی او حقوق مساوی دارند.

ماده: ۲۶۴

د تضامني شرکتو د تصفيي او انحلال په خصوص کښې د احکامو مواد په مختلطو تضامني شرکتو کښې هم تطبیقېږی.

ماده ۲۶۴:

احکام مواد راجع به انحلال و تصفیه شرکت های تضامنی در شرکت های تضامنی مختلط نیز تطبیق می شود.

ماده: ۲۶۵

هغه څوک چه په شرکت باندی پور ولري او له بلي خوا د يوه داسي محدود المسئولیت شریک پوروی وي چه تر اوسه یی د خپلې پانگې برخه نه وي ادا کړی نو ممکنه ده

ماده ۲۶۵:

شخصی که بالای شرکت طلب داشته و از طرف دیگر مدیون یک شریک محدود المسئولیت باشد که هنوز حصه سرمایه خود را تأدیه نکرده ممکن

چه دا پورد محدود المسئوليت شريك د پورپه عوض كښي ورحساب كړي.

است اين قرض را با دين شريك محدود المسئوليت محسوب نمايد.

څلورم فصل د انونيم (سهامي شركت)

فصل چهارم شركت سهامی (انونيم)

لومړی برخه - د انونيم د (سهامي شركتو ماهيت او د جوړښت صورت)

حصه اول - ماهيت و صورت تشكيل شركتهای سهامی (انونيم)

۲۶۶ ماده:

سهامي شركت دهغه شركت نوم دی چه تريوه ټاكلې عنوان لاندی دتجارتې معاملو دپاره تشكيل شوی او پانگه يې ټاكلې او په برخو ويشلي شوی او دهر شريك د مسئوليت اندازه دهغه د برخي په اندازي پورې محدوده وي.

ماده ۲۶۶:

شركت سهامی شركتی است كه تحت يك عنوان معين برای معاملات تجارتي تشكيل شده، سرمایه آن معين و منقسم با سهام بوده و اندازه مسئولیت هر شريك به اندازه سهم آن محدود باشد.

۲۶۷ ماده:

سهامي شركتونه يا په اني يا په تدريجي صورت تشكيلېږي. كه دشرکت مؤسسین د ټولو برخو تعهد وكړي او يا يې رانیسي، سهامی شركت په اني صورت، او كه مؤسسین ټول سهام په خپله عهده وانخلي نو سهامی شركت په

ماده ۲۶۷:

شركتهای سهامی يا بصورت اني و يا تدريجي تشكيل می شود. اگر مؤسسین تمام اسهام شركت را تعهد و يا اخذ كنند، شركت سهامی به صورت اني تشكيل می يابد. اگر مؤسسین تمام اسهام را به عهده خود نمی گیرند شركت

تدریجی صورت تشکیلیبری او پدی صورت د پاتی اسهامود تعهد دپاره وگروه اعلان او مراجعه کیری.

۲۶۸ ماده:

دیوه سهامی شرکت د جوړولو دپاره لږ تر لږه د برخي د خاوندانونه د پنځو تنو مؤسسانو وجود شرط دی.

۲۶۹ ماده:

په سهامی شرکت کښې هغه برخي لرونکی چه د شرکت اساسنامه جوړوی او لاس لیک کوي ئی او د پانگې په نامه یوه اندازه پیسې په نقدی یا غیر نقدی صورت ورکوی مؤسس بلل کیری.

۲۷۰ ماده:

مؤسسین باید اساسنامه جوړه او لاس لیک کړی، اساسنامه باید دا لاندی مواد ولری:

- ۱- د شرکت عنوان او مرکز.
- ۲- د شرکت موضوع او د معاملاتو ډول او ماهیت.
- ۳- د پانگې د اندازې ټاکل او د برخو ډول، د هری برخي قیمت او د برخو ورکولو شرطونه.

سهامی به صورت تدریجی تشکیل یافته و درین صورت برای تعهد متباقی اسهام با اهالی اعلان و مراجعه می گردد.

ماده ۲۶۸:

برای تشکیل یک شرکت سهامی اقلأ وجود پنج نفر مؤسس صاحب سهم شرط است.

ماده ۲۶۹:

در شرکتهای سهامی سهم دارانیکه اساسنامه شرکت را تنظیم و امضاء می کنند و بنام سرمایه مبلغی بطور نقدی و یا غیر نقدی تأدیه می کنند، مؤسس شمرده می شوند.

ماده ۲۷۰:

مؤسسین باید اساسنامه را تنظیم و امضاء کنند، اساسنامه بایستی دارای مواد ذیل باشد:

- ۱- عنوان شرکت و مرکز آن.
- ۲- نوع و ماهیت معاملات و موضوع شرکت.
- ۳- تعیین مقدار سرمایه و نوع اسهام، قیمت هر سهم و شرایط تأدیه سهام.

۴- منافع مخصوصه که از مفاد برای مؤسسين و اعضاى هيئت مديره و يا اشخاص ديگر تأديه مى شود.

۵- طرز انتخاب هيئت مديره و هيئت نظار و وظائف و صلاحيت اداره و امضای ایشان.

۶- شکل انعقاد به مجمع عمومى و ترتيب دعوت سهمداران، وقت اجتماع، شروط اجرای مذاکرات تصويب و اتخاذ رأى.

۷- قيد مدت دوام شرکت اگر شرکت محدود به یک مدت باشد.

ماده ۲۷۱:

نقل اساسنامه که به موجب ماده (۲۷۰) ترتيب مى گردد، به وزارت اقتصاد ملّى تقديم و برای تشکیل شرکت اجازه حاصل مى شود.

ماده ۲۷۲:

بعد از اجازه اگر شرکت تدريجاً تشکیل مى شود، مؤسسين اعلانى محستوى مطالب ذيل نشر ميدارند:
۱- موضوع و مدت شرکت.

۴- هغه خصوصي گتبي چه له مفاد خخه مؤسسینو او د مديره هيئت غړيو او يا نورو کسانو ته ورکولي کيږي.

۵- د مديره هيئت او د نظار هيئت د ټاکلو طرز او د دوى وظيفي او د ادارى صلاحيت او د هغه لاس ليک.

۶- د عمومي جرگې د غونډي شکل او د سهم لرونکو د غوښتنې ترتيب، د ټولني وخت، د خبرو اترو د اجراء شرطونه، تصويب او د رأى اخيستل.

۷- د شرکت د دوام د مودى قيد که شرکت په يوه موده پورې محدود وي.

۲۷۱ ماده:

د اساسنامي نقل چه د (۲۷۰) مادى په حکم ترتيبېږي او د ملي اقتصاد وزارت ته وړاندې کيږي او د شرکت د تشکیل د پاره اجازه حاصلېږي.

۲۷۲ ماده:

له اجازې وروسته که شرکت په ورو ورو تشکیلېږي نومؤسسين به يو داسي اعلان کوي چه لاندنۍ مطلبونه پکښې وى:
۱- د شرکت موضوع او موده.

۲- تعیین قیمت هر سهم و مقدار سرمایه و منافع خصوصی که برای مؤسسين و یا اشخاص دیگر به موجب اساسنامه تأدیه می شود.

۳- دارائی جنسی که عوض سرمایه داده می شود.

۴- اگر خرید مؤسسه تجویز شده باشد، قیمت آن.

۵- محل و صورت انعقاد مجمع عمومی تأسیس.

ماده ۲۷۳:

تقاضای اشتراک به سرمایه شرکت در دو نسخه قرار ذیل تنظیم می شود:

۱- خلاصه محتویات ماده (۲۷۲).

۲- اسم و شهرت و اقامتگاه اشخاصی که اشتراک را تعهد می کنند.

۳- مقدار سهمی که اخذ آنرا تعهد نموده اند به حروف و تاریخ تعهد.

۴- قبول مندرجات اساسنامه، اگر در ظرف مدت معین شرکت تشکیل نشود، تعهد اشتراک کننده بی اثر است.

۲- د هری برخی د قیمت تا کل او د پانگی اندازه او خصوصی گتپی چه د اساسنامی له مخی مؤسینو او یا نورو کسانو ته ورکولی کیری. ۳- جنسی شته چه د پانگی په عوض ورکول کیری.

۴- که د یوی مؤسسی پیرو دل تجویز شوی وی، د هغی قیمت.

۵- د تأسیس د عمومی مجمع د غونډی خای او صورت.

۲۷۳ ماده:

د شرکت په پانگه کبني د اشتراک تقاضا په لاندی دوو نسخه کبني تنظیم کیری:

۱- د (۲۷۲) مادی د محتویاتو لنډیز.

۲- د هغو کسانو نوم او شهرت، د استوگنی خای چه اشتراک په غاړه اخلي.

۳- په تورو د هغی برخی اندازه چه د هغی د اخیستلو تعهد بی کری دی او تعهد د نبتی سره لیکل.

۴- د اساسنامی د مندرجاتو قبول که په تا کلي موده کبني شرکت تشکیل نشي نو د اشتراک کوونکی تعهد بی اثره دی.

د اشتراک تقاضا د هغو مکتوبونو په لیرلو چه د اشتراک کوونکي په لاسلیک يي تصدیق شوی وي هم د اشتراک د تقاضا پسه حیث قبلیدای شي.

۲۷۴ ماده:

ټول هغه سهمونه چه د شرکت د پانگې په مقابل کښې صادرېږي باید حقیقتاً او ټول تعهد او لږ ترلږه د هر سهم د قیمت څلورمه برخه نقده ورکړه شي.

۲۷۵ ماده:

د سهم د اسنادو صدور چه له ټاکلي قیمت څخه لږ وي جائز نه دی.

۲۷۶ ماده:

پدی صورت چه د اسهامو د قیمت د څلورمي برخي ورکول چه ورکړه يي قانوناً ضروري وي د تعهد په وخت کښې شرط شوی نه وي، مؤسسین کولای شي چه د تعهداتو له تکمیل او اختتام څخه وروسته له هغو کسانو سره چه د اشتراک تعهد يي کړیدی د راجستري لیکونو په لیرلو او هم د چراندو په ذریعه اعلان کړی او له دوي څخه

تقاضای اشتراک با فرستادن مکاتیبی که امضای اشتراک کننده تصدیق شده باشد هم به حیث تقاضای اشتراک قبول شده می تواند.

ماده ۲۷۴:

مجموع اسهامیکه در مقابل سرمایه شرکت صادر می گردد باید حقیقتاً و تماماً تعهد و اقلأ ربع قیمت هر سهم نقداً تأدیه شود.

ماده ۲۷۵:

صدور اسناد سهم کمتر از قیمت مقررۀ آن جایز نیست.

ماده ۲۷۶:

در صورتی که پرداخت ربع قیمت اسهام که تأدیه آن قانوناً مقتضی است در حین تعهد شرط نشده باشد، مؤسسین می توانند بعد از تکمیل و اختتام تعهدات به اشخاصی که اشتراک را تعهد کرده اند با ارسال مکتوب راجستری و نیز ذریعۀ جراید اعلان کرده و تأدیه

د تعهد کریو اسهامو دڅلورمي برخي د ورکړي په ټاکلي موده تقاضا وکړي.

هغه کسان چه اشتراک يې په غاړه اخیستي دي که په ټاکلي موده کښې يې د قیمت څلورمه برخه ورنکړي، مؤسسین واک لری چه ددی کسانو علاقه له شرکت څخه وشلوي او یا هغوي د تعهد په ځای کولو باندي مجبور کړي. په دي صورت کښې چه د متعهدینو علاقي له شرکت څخه وشلیري نو هغه کسان چه د دوی په عوض تعهد کوي، مؤظف دی چه د اسهامو د قیمت څلورمه برخه ورکړي. ترڅو چه د برخو څلورمه برخه تحویل شوی نه وي، شرکت نشي جوړیدلاي.

۲۷۷ ماده:

د اسهامو د قیمت څلورمه برخه چه د تعهد کوونکو له خوا ورکوله کیږي، یوه معتبر بانک ته سپار له کیږي. د شرکت د جوړښت په صورت د مدیره هیئت له خوا د یو داسي سند د ښکاره کولو په موجب چه د شرکت ثبت او اعلان او د مربوطه مقام اجازه پکښې

ربع اسهام متعده شان را در ظرف مدت معین تقاضا کنند.

کسانی که اشتراک را تعهد کرده اند اگر در ظرف مدت مذکور ربع قیمت را تأدیه نکنند، مؤسسین مختار اند که علاقه آن اشخاص را از شرکت قطع و یا ایشان را به ایفای تعهد مجبور سازند. در صورتی که علائق متعهدین با شرکت قطع گردد، کسانی که بعوض آنها متعهد می شوند مؤظفند که ربع قیمت سهام را تأدیه کنند و تا وقتی که ربع قیمت سهام تأدیه نشود، شرکت تشکیل شده نمی تواند.

ماده ۲۷۷:

ربع قیمت اسهامی که از طرف تعهد کنندگان تأدیه می شود، به یک بانک معتبر تودیع می گردد. در صورت تشکیل شرکت به موجب ارائه سندی از طرف هیئت مدیره که حاوی ثبت و اعلان شرکت و اجازه

وی، ٲولی شوی پیسی شرکت ته ورکولی کیری.

مگر د شرکت د نه جوړیدو په حال کښې دا پیسی هغو کسانو ته چه هغه یی سپارلی دی د سند له مخې بیرته ورکولی کیری. د هغو اسهامو د قیمت څلورمه چه بانک ته سپارلی شویدی په هیڅ صورت مؤسسینو ته نه ورکولی کیری.*

۲۷۸ ماده:

د شرکت د ٲولی پانگې له تعهد او د اسهامو له ٲاکلي قیمت ورکولو څخه وروسته مؤسسین باید په لسو ورځو کي د هر سهم خاوند د هغه په ٲاکلي آدرس د راجستري لیکونو د لیږلو او په جریدو کښې د اعلان په ذریعه د تأسیس عمومی مجمع ٲولني ته راوغواری. ددی لیکونو لیږل او د اعلان خپریدل باید د ٲولني له وخت څخه لږ تر لږه پنځلس ورځې پخوا وشي او دا لاندني مطلبونه پکښې داخل وي:

۱- د ٲولو سهمونو د اشتراک د تعهد تصدیق او د قیمت د څلورمي ورکړه.

مقام مربوطه باشد، ٲول جمع آمده به شرکت تأدیه می شود.

ولسی در حال عدم تشکیل شرکت، ٲول مذکور به اشخاصی که آنرا تودیع نموده اند، به موجب ارائه سند اعاده می گردد. ربع قیمت اسهامیکه به بانک تودیع شده است، به هیچ صورت به مؤسسین داده نمی شود.*

ماده ۲۷۸:

بعد از تعهد تمام سرمایه شرکت و تأدیه قیمت معین اسهام، مؤسسین باید در ظرف ده روز به ارسال مکتوبهای راجستری به آدرس معینه هر سهم دار و اعلان به جراید، مجمع عمومی تأسیس را به اجتماع دعوت نمایند.

ارسال این مکاتیب و نشر اعلان باید اقلأ پانزده روز قبل از وقت اجتماع به عمل آید و مطالب ذیل در آن مندرج باشد:

۱- تصدیق تعهد اشتراک تمام اسهام و تأدیه ربع قیمت.

* ایزاد ماده ۲۷۷ در بخش تعدیلات این قانون آمده.

۲- د هغو اجناسو چه د پانگې د قیمت په عوض ورکړې شويدي او يا د کومي مؤسسې د پيرودلو دپاره چه د اساسنامې له مخې مجاز وي د قیمت د ټاکلو له پاره د پوهو کسانو انتخابول.

۳- د هغو مخصوصو گټو په باره کښې چه د مؤسسینو د پاره شرط شوی وي پیشنهاد کول.

۴- که په اساسنامه کښې د مدیره هیئت غړی پیش بینی شوی نه وي د مدیره هیئت غړی ټاکل.

۵- د نظارت هیئت ټاکل.

۲۷۹ ماده:

د تأسیس عمومی مجمع به په ټاکلي ورځو کښې غونډه کوي او په (۲۷۸) مادی کښې د ذکر شویو مسایلو په شاوخوا کښې به خبري اتری او تصویب کوی.

د مجمع تصویبونه به پدی صورت د اعتبار وړ دی چه لږ ترلږه هغه کسان چه د شرکت نیمايي پانگه یې ورکړې وي، حاضر وي.

د هر سهم، سهم لرونکی ته به د یوي رایي حق ورکوي او تصویبونه د موجوده رأیو په

۲- انتخاب اهل خبره برای تعیین قیمت اجناسیکه عوض سرمایه داده شده و اشتراک کدام مؤسسه که به قرار اساسنامه مجاز باشد.

۳- پیشنهاد راجع به منافع مخصوصه که برای مؤسسین شرط شده باشد.

۴- اگر اعضای هیئت مدیره در اساسنامه پیش بینی نشده باشد، تعیین اعضای هیئت مدیره.

۵- تعیین هیئت نظار.

ماده ۲۷۹:

مجمع عمومی تأسیس در روز معین اجتماع نموده، در اطراف مسایل متذکره ماده (۲۷۸) مذاکره و تصویب می کنند.

تصاوید مجمع در صورتی معتبر خواهد بود که اقلأ اشخاصی که نصف سرمایه شرکت را تمثیل نمایند، حاضر باشند.

هر سهم برای سهم دار حق یک رای را می دهد و تصویبات به اکثریت آرای

ڊيروالی د اعتبار وړ وي.

۲۸۰ ماده:

هغه مؤسسین او یا نور سهم لرونکی چه د پانگې په ځای جنس ورکوی او یا هغه مؤسسین چه مخصوصي گټې يي د ځانونو دپاره پيش بيني کړيدی په هغو خبرو اترو کښې چه د اجناسو د قيمت ټاکلو او يا د مخصوصو گټو د تشييت په خصوص کښې کيږي، د رای حق نلري.

۲۸۱ ماده:

که د شرکت د مدیره هیئت لمړی غړی د اساسنامي له مخې ټاکلي شوی نه وي نو د مؤسسینو د عمومي مجمع له خوا له سهم لرونکو څخه ټاکل کيږي.

د نظار هیئت لمړني انتخاب په منحصر ډول د تاسیس په عمومي مجموع پورې اړه لري، د هغو ټاکل د اساسنامي له مخې جائز نه دی. د نظارت چاري دوو تنو یا له دوو تنو څخه زیاتو سهم لرونکو ته یا له هغو نه د باندی خلکو ته سپارلی کيږي.

موجوده معتبرمی باشد.

ماده ۲۸۰:

مؤسسین با سایر سهم دارانی که جنسی را عوض سرمایه می دهند و یا مؤسسینی که منافع مخصوصه را برای خود پیش بيني نموده اند، در مذاکراتی که راجع به تعیین قیمت اجناس و یا تشييت منافع مخصوصه به عمل می آید، حق رأی ندارند.

ماده ۲۸۱:

اگر اولین اعضای هیئت مدیره شرکت به موجب اساسنامه تعیین نگردیده باشند، از طرف مجمع عمومی مؤسسین از بین سهامداران انتخاب می شوند.

انتخاب اولین هیئت نظار مخصوصاً مربوط به مجمع عمومی تاسیس بوده، تعیین آن ذریعه اساسنامه جایز نیست. امور نظارت به دو نفر یا بیشتر از سهامداران یا خارج آن تفویض می شود.

ماده ۲۸۲:

د تاسیس په عمومی مجمع کښې چه د (۲۷۹) مادی له مخې غونډه شوی د جنسي پانگو او د هغو مؤسسو چه پلورلي کيږي، د قیمت دپاره د پوهو کسانو په ټاکلو کښې لږ ترلږه د شرکت د نقدی پانگې د سهم لرونکو د دوو ثلثو حضور شرط دی.

تصویبونه د آراو پوه اکثریت نیول کيږي.

پدی صورت چه د خبرو اترو نصاب ممکن نه وي نو پوه کسان د مؤسسینو د غوښتنې له مخې د مربوطي محکمي له خوا ټاکل کيږي.

ماده ۲۸۳:

وروسته له هغه چه د پوهو کسانو له خوا رپوټ جوړ شو، د تاسیس د عمومی مجمع مؤسسین په هغه ترتیب او موعده چه په (۲۷۸) ماده کښې ذکر دی بیا غونډې ته غواړي او له غوښتنپانې سره د پوهو کسانو د رپوټ د صورت یوه یوه پاڼه ضمیمه کوي. د تاسیس د عمومی مجمع د خبرو اترو او تصویب کولو واک د اکثریت د هغه

ماده ۲۸۲:

د مجمع عمومی تاسیس که به موجب ماده (۲۷۹) منعقد می گردد، د تعیین اهل خبره جهت قیمت سرمایه های جنسی و مؤسسه هایی که خریدار می شود، حضور اقلأ دو ثلث سهامداران سرمایه نقدی شرکت شرط است.

تصویبات به اکثریت آراء اتخاذ می شود.

در صورتی که تکمیل نصاب مذاکره ممکن نباشد، اهل خبره نظر به خواهش مؤسسین از طرف محکمه مربوطه تعیین می شود.

ماده ۲۸۳:

بعد از تنظیم راپور از طرف اهل خبره، مؤسسین مجمع عمومی در ماده (۲۷۸) ذکر است مجدداً به اجتماع دعوت می نمایند و به دعوت نامه یک یک قطعه صورت راپور های اهل خبره را ضمیمه می کنند. صلاحیت مجمع عمومی تاسیس به مذاکره و اتخاذ تصویب تابع نصاب اکثریت

نصاب تابع دی چه په (۲۷۹) ماده
کښې څرگند شویډی.

۲۸۴ ماده:

د تأسیس عمومي مجمع د پوهو
کسانو دا رپوټ گوری او د هغو
کسانو چه جنسي پانگې ورکړیدی
او د هغو مالکینو چه خپلې
مؤسسی پلوري، توضیحات اوري.
هغه قیمت چه د پوهو کسانو په
رپوټ کښې ذکر شویډی، یا یی
قبلوي یا یی ردوي او یا یی د
مالکینو په موافقت تعدیلوي.

۲۸۵ ماده:

که د تأسیس په عمومي مجمع
کښې چه د پوهو کسانو د رپوټ د
تدقیق دپاره غوښتی شوی ده
نصاب بشپړ نشي نو مؤسسین
(یوه پانه د مجلس رویداد)
جوړوی او د راجستري لیکونو په
ذریعه یی سهم لرونکو ته
ورلیږی او په جریډو کښې یی
اعلانوي. پدی حال کښې به
راتلونکی مجلس یوه میاشت
وروسته د غونډې دپاره راوغوښتل
شي.

۲۸۶ ماده:

که د تأسیس په عمومي مجمع

است که در ماده (۲۷۹) توضیح
شده است.

ماده ۲۸۴:

مجمع عمومی تأسیس راپور
های اهل خبره را مطالعه و
توضیحات اشخاصی که سرمایه
جنسی داده اند و مالکینی که
مؤسسات خود را می فروشند،
استماع می نماید. کمیتی را که
در راپور اهل خبره ذکر شده قبول
و یا رد کرده و یا موافقت
مالکین آنرا تعدیل می نماید.

ماده ۲۸۵:

در مجمع عمومی تأسیس
که برای تدقیق راپور اهل
خبره دعوت شده اگر نصاب
تکمیل نشود، مؤسسین یک
(ورقه رویداد مجلس) را
تنظیم و ذریعه مکاتیب
راجستری به سهامداران
ارسال و در جراید اعلان
می دارند. درین حال، مجلس
آینده بعد از یکماه
دعوت به اجتماع خواهد
شد.

ماده ۲۸۶:

اگر در مجمع عمومی تأسیس

کبني د آراوو اتفاق حاصل نشي، مخالفين کولای شي چه د خپلو عقيدو د اختلاف علتونه وليکي.

۲۸۷ ماده:

مؤسسین نشي کولای چه په اساسنامه کبني هغه مقررات درج کړي چه د هغو په موجب بي عوضه (مجانبي) اسهام يا نقدي روپي چه د شرکت د پانگي د لږوالی باعث شي، خپلو ځانوته تخصیص کړي.

۲۸۸ ماده:

وروسته د (۲۷۹) او (۲۸۴) مادو د مقرراتو له اجراء څخه مؤسسین په پنځلسو ورځو کبني هغه بیان نامه چه د سهامی شرکتونو د تشکیل د مقتضیه شرطونو اجراء، د شرکت اساسنامه، د اسهامو د قیمت د ربع ورکولو په خصوص کبني د بانک آویز، د تأسیس د عمومی مجمع رویداد، د جنسي پانگي يا کومي مؤسسی د قیمت ټاکلو په خصوص کبني د پوهو کسانو رپوت او که معامله په امتیاز پورې مربوطه وي، امتیاز نامه او یا د هغي مصدق نقل مربوطی تجارتي محکمی ته وړاندی کوی.

اتفاق آراء حاصل نشود، مخالفين می توانند علل اختلاف عقیده خود را تحریر نمایند.

ماده ۲۸۷:

مؤسسین نمی توانند در اساسنامه مقرراتی درج نمایند که به موجب آن اسهام بلاعوض (مجانبی) و یا پول نقد که باعث تنقیص سرمایه شرکت گردد، به خود تخصیص دهند.

ماده ۲۸۸:

پس از اجرای مقررات ماده (۲۷۹) و (۲۸۴) مؤسسین در ظرف ۱۵ روز بیان نامه متضمن اجرای شرایط مقتضیه تشکیل شرکتهای سهامی، اساسنامه شرکت، آویز بانک راجع به تأدیه ربع قیمت سهام، رویداد مجمع عمومی تأسیس، راپور اهل خبره راجع به تعیین قیمت سرمایه جنسی یا کدام مؤسسه و اگر معامله مربوط به امتیاز باشد، امتیاز نامه و یا نقل مصدق آنرا به محکمه تجارتي مربوطه تقدیم می نمایند.

محکمہ مربوطہ اسناد مربوطہ را تدقیق و اگر لازم شود، از مؤسسین تحقیق و اگر نواقص دیدہ شود تکمیل و تا یکماه پس از تاریخ تقدیم اوراق تشکیل شرکت را تصدیق می کند.

ماده ۲۸۹:

تشکیل شرکتی که بموجب ماده (۲۸۸) تصدیق شده باشد، به دایره مربوطه تجارتی ثبت می گردد.

ماده ۲۹۰:

شرکتی که به موجب ماده (۲۸۹) ثبت و اعلان نشود، قانوناً متشکل شمرده نمی شود و قبل از ثبت و اعلان به اجرای معاملات شروع نمی تواند.

ماده ۲۹۱:

کسانی که متعهد اشتراک به سرمایه شرکت شده باشند اگر قبل از تشکیل قانونی شرکت اسهام خود شان را به دیگری انتقال بدهند، معتبر نیست.

محکمہ مربوطہ اسناد پہ خیر گوری او کہ لازم شی لہ مؤسسینو خخہ تحقیق کوی، او کہ نواقص ولیدل شی، پورہ کوی یی او دوپاندی کولو لہ نتیہی خخہ وروستہ تر یوی میاشتی پوری د شرکت د تشکیل پانی تصدیقوی.

ماده ۲۸۹:

د هغه شرکت تشکیل چه د (۲۸۸) مادی لہ مخی تصدیق شوی وی، په تجارتی مربوطه دائره کبني ثبتیږی.

ماده ۲۹۰:

هغه شرکت چه د (۲۸۹) مادی په موجب ثبت او اعلان نشي، د قانون له مخی متشکل نه بلل کیږي او د شرکت ثبت او اعلان پخوا د معاملاتو په اجراء باندی شروع نشي کولای.

ماده ۲۹۱:

هغه کسان چه د شرکت په پانگي اشتراک متعهد شوی وی نوکه د شرکت لہ قانونی تشکیل خخہ پخوا دوی خپل سهمونه بل ته نقل کړی، د اعتبار وړ نه دی.

ماده ۲۹۲:

په هغو شرکتونو کښې چه سمدستي تشکيلېږي، شريکان به يوه داسې اساسنامه جوړوي چه د ټولو اسهامو د تعهد په باره کښې (۲۷۴) ماده او د (۲۷۸) مادې ۴- ۵ فقرې او د (۲۷۰) مادې مقررات پکښې وي که د پانگې په يوه برخه کښې جنس وي او يا کومه مؤسسه پيږودلې شوی وي نو د قيمت د ټاکلو دپاره بيا پوه کسان د تجارتي محکمې له خوا ټاکل کېږي.

ماده ۲۹۲:

در شرکت هايی که بصورت آنی تشکیل می شود، شرکاء یک اساسنامه که حاوی ماده (۲۷۴) راجع به تعهد تمام سهام و فقرات ۴ و ۵ ماده (۲۷۸) و مقررات ماده (۲۷۰) باشند، تنظیم می نمایند. اگر در جزء سرمایه جنس یا کدام مؤسسه خریداری شده باشد، اهل خبره برای تعیین قیمت از طرف محکمه تجارتي تعیین می شود.

ماده ۲۹۳:

که د هغو سهامې شرکتو سهم لرونکی چه په آنې صورت تشکيلېږي وغواړي چه خپل سهمونه د پلورلو دپاره عامو خلکو ته وړاندې کړي نو د (۲۷۲) او (۲۷۳) مادې د احکاموپه رعایت مجبور دی.

ماده ۲۹۳:

اگر سهامداران شرکت های سهامی که بطور آنی تشکیل می شوند بخواهند اسهام خودرا برای فروش به عامه عرضه دارند مجبور به رعایت احکام مواد (۲۷۲) و (۲۷۳) می باشند.

ماده ۲۹۴:

د هغې خساري او ضرر چه د اظهار نامې او د (۲۸۸) مادې د ذکر شويو پاڼو نورو اسنادو له نه صحت څخه پيدا شي، مؤسسین او هغه کسان چه ددی پاڼو او په لیکلو

ماده ۲۹۴:

از ضرر و خساره که در نتیجه عدم صحت اظهارنامه یا اوراق متذکره ماده (۲۸۸) و دیگر اسناد تولید شود، مؤسسین و آنهايي که در تحرير این اوراق

کبنی اشتراک کوی په گډه سره
مسئول دی.

۲۹۵ ماده:

که د یوه شرکت ټول سهمونه تعهد
شوی نه وي او قیمت یې ورکړی
شوی نه وي مگر د حقیقت په
خلاف تعهد شوی او ورکړ شوی
نبودل شوی وي نو مؤسسین او
هغه کسان چه پدی فعل کبنی یې
له دوی سره گډون کړی وي
مجبور دی چه دا ډول اسناد په
خپل حساب کبنی ونیسی او
قیمت یې ورکړی.

۲۹۶ ماده:

که مؤسسین یا نور کسان شرکت
ته د جنسی پانگې د قیمت په
ټاکلو او یا د کومی مؤسسی په
پیرودلو کبنی حیلې وکړی، مکلف
دی هغه ضرر او خساره چه له دی
لاري څخه شرکت ته ور اوښتی ده
په گډه سره وگالي.

۲۹۷ ماده:

د لمړي دورې د نظار هیئت او د
مدیره هیئت غړي مکلف دی چه
ژوره کتنه وکړی چه د شرکت په
تشکیل کبنی کومه خلاف رفتاري

اشتراک می کنند، جمعاً
مسئول اند.

ماده ۲۹۵:

اگر تمام سهام یک شرکت
تعهد نگردیده و قیمت آن
تأدیه نشده باشد ولی خلاف
حقیقت تعهد و تأدیه شده
وانمود شود، مؤسسین و
اشخاصی که درین فعل با
ایشان اشتراک نموده باشند
مجبورند که چنین اسناد را
به حساب خود گرفته و قیمت آنرا
تأدیه نمایند.

ماده ۲۹۶:

اگر مؤسسین و یا کسان دیگر در
تعیین قیمت سرمایه
جنسی و یا خرید مؤسسه به
شرکت حیلې نمایند، مکلف اند
ضرر و خساره که به شرکت ازین
راه وارد می شود، مجتمعاً جبران
کنند.

ماده ۲۹۷:

اعضاء هیئت نظار و هیئت
مدیره دوره اول مکلفند
تدقیق کنند که در تشکیل
شرکت کدام خلاف رفتاری

واقع نشده باشد. اگر درین خصوص مسامحه نمایند و ضرری وارد شود، در صورتی که از مؤسسين جبران نشده باشد، اعضای هیئت و نظار جمعاً مسئول شمرده می‌شوند.

ماده ۲۹۸:

مسئولیت مؤسسين، اعضای هیئت مدیره و نظار بعد از انقضای پنج سال از تاریخ ثبت طبق تصویب مجمع عمومی شرکاء قابل صلح و ابراء دانسته می‌شود مشروط بر اینکه ابراء مذکور به تصویب ده یک آراء که از سرمایه نمایندگی کند، بعمل آمده باشد.

ماده ۲۹۹:

حق مطالبه جبران خسارات را که شرکت در مقابل مؤسسين و یا اعضای هیئت مدیره و نظار دارا می‌باشد، بعد از انقضای مدت پنج سال ساقط می‌شود.

ماده ۳۰۰:

مؤسسين از باعث تعهدات و سایر معاملاتیکه

نه وی پیننه شوی او که په دی باره کبني مسامحه وکړي او زیان پینن شي نو په دی صورت چه له مؤسسينو څخه پوره نشي نو د مدیره هیئت او نظار هیئت غړي په گډه سره مسئول بلل کيږي.

ماده ۲۹۸:

د مؤسسينو، د نظار او مدیره هیئتونو د غړيو مسئولیت د ثبت د نېټې نه وروسته د پنځو کالو له تیریدو څخه د شریکانو د عمومي مجمع له تصویب سره سم د صلح او ابراء وړ بلل کيږي. پدی شرط چه دا ابراء د رأیو د لسمي برخي د پانگې له رأیو څخه په تصویب کبني نمایندگي کړي شوی وي.

ماده ۲۹۹:

د هغو خسارو د جبران د غوښتنې حق چه شرکت يي د مؤسسينو او یا د مدیره هیئت او نظار هیئت د غړيو په مقابل کبني لري وروسته د پنځو کالو له تیریدو څخه ساقطیږي.

ماده ۳۰۰:

مؤسسين د تعهداتو او نورو هغو معاملاتو له باعته چه د شرکت د

برای تأسیس شرکت اجراء کرده اند، در مقابل اشخاص ثالث مسؤل اند. اگر شرکت تشکیل شده باشد، مؤسسین می توانند برای جبران این مصارف به شرکت رجوع کنند.

دریافت مصارف فوق از شرکت مربوطه به تصدیق مجمع عمومی تأسیس است. اگر تأسیس شرکت بنا بر کدام علتی صورت نگرفته باشد، مصارف مذکور عاید به مؤسسین بوده، حق رجوع به سهم داران ندارند.

حصهٔ دوم هیئت مدیره

مادهٔ ۳۰۱:

شرکتهای سهامی دارای هیئت مدیره ایست که اقلأ از سه نفر مرکب می باشد. اعضای هیئت مدیره از میان سهامداران از طرف مجمع عمومی انتخاب می شود. تعیین اولین اعضای هیئت مدیره ذریعه اساسنامه شرکت هم ممکن است.

تأسیس دپاره بی اجراء کړیدی، ددریمو اشخاصو په مقابل کښې مسؤل دی. که شرکت تشکیل شوی وي، مؤسسین کولای شي چه ددی مصارفو د جبران دپاره شرکت ته رجوع وکړی.

له شرکت څخه د پورته مصارفو په لاس راوړل د تأسیس د عمومي مجمع په تصدیق پورې اړه لري، که د شرکت تأسیس د کوم علت په نسبت جوړ شوی نه وي، دا مصارف په مؤسسینو پورې اړه لري، سهم لرونکو ته د رجوع حق نه لري.

دوه یمه برخه مدیره هیئت

۳۰۱ ماده:

سهامي شرکټونه داډول مدیره هیئت لري چه لږ تر لږه له دري تنو څخه جوړوي. د مدیره هیئت غړی د سهم لرونکو له منځه د عمومي مجمع له خوا ټاکل کيږي. د مدیره هیئت د غړيو لمړنی ټاکل د شرکت د اساسنامي په ذریعه هم ممکن دی.

ماده ۳۰۲:

د مدیره هیئت هر یو غړی مجبور دی چه یوه اندازه خپل اسهام چه قیمت یې د اصلي پانگې په سلوکښې له یوې برخې سره برابر وي شرکت ته وسپاري. که د شرکت د پانگې په سلوکښې یوه برخه (دوه سوه) زرو افغانیو څخه زیاته وي، له دینه د زیات مبلغ سپارلو ته مجبوریت نشته.

ترهغه وخته پورې چه د مدیره هیئت غړی د خپلې واکمنۍ دوخت له مسؤلیتونو څخه له عمومي مجمع څخه برائت حاصل نکړي، د دوی د سپارلیو شویو سهمونو سندونه نه بل ته انتقال او نه له شرکت څخه اخیستل کېدای شي. د همدی مقصد دپاره دا اسناد د ضمانت په حیث مهر کپړی او د شرکت په خزانه کښې ساتل کېږي.

ماده ۳۰۳:

د مدیره هیئت غړي زیات حد ددرې کالو دپاره ټاکل کېږی. که د شرکت په اساسنامه کښې د غړیو بیا انتخاب منع شوی نه وي، د دوی بیا انتخاب جائز دی.

ماده ۳۰۲:

هر یک از اعضای هیئت مدیره مجبور است یک مقدار اسهام خود را که قیمت آن معادل یک فیصد سرمایه اصلی باشد، به شرکت تودیع نماید. اگر یک فیصد سرمایه شرکت متجاوز از (دو صد) هزار افغانی باشد، تودیع زیادتر ازین مبلغ مجبوری نیست.

تا زمانی که اعضای هیئت مدیره از مسئولیت های زمان تصدی خود از مجمع عمومی برائت حاصل نکنند، اسناد سهام مودوعه ایشان نه به دیگری انتقال و نه از شرکت اخذ شده می تواند. برای این مقصد اسناد مذکور بحیث ضمانت مهر گردیده، در خزانه شرکت حفظ می شود.

ماده ۳۰۳:

اعضای هیئت مدیره حد اکثر برای سه سال انتخاب می شوند. اگر در اساسنامه شرکت تجدید انتخاب اعضا منع نشده باشد، انتخاب مجدد آنها جایز است.

ماده ۳۰۴:

د مدیره هیئت غړي په هر کال کښې له خپله منځه رئیس او د لزوم په صورت، د رئیس معاون انتخابوي.

ماده ۳۰۴:

اعضای هیئت مدیره در هر سال از میان خود رئیس و در صورت لزوم، معاون رئیس را انتخاب می‌کنند.

ماده ۳۰۵:

که د مدیره هیئت یو غړي د یوه قانوني علت له مخې برطرف شي نو مدیره هیئت په مؤقتي ډول بل سری چه قانوني شرطونه ولري انتخابوي او باید د عمومي مجمع په لمړنۍ ټولنه کښې دا موضوع د تصویب دپاره پیشنهاد کړي.

ماده ۳۰۵:

اگر یکی از اعضای هیئت مدیره بنا بر علل قانونی برطرف شود، هیئت مدیره بطور مؤقتی شخص دیگری را که دارای شرایط قانونیه باشد، انتخاب می‌نمایند و باید در اولین اجتماع مجمع عمومی این موضوع را برای تصویب پیشنهاد کنند.

ماده ۳۰۶:

که د مدیره هیئت غړي د اساسنامي په ذریعه هم ټاکلي شوی وي، خود ضرورت له مخه د عمومي مجمع په تصویب عزل کیدای شي.

ماده ۳۰۶:

اگر اعضای هیئت مدیره ذریعه اساسنامه شرکت هم تعیین شده باشند، عندالایجاب با تصویب مجمع عمومی عزل شده می‌توانند.

ماده ۳۰۷:

پدی صورت له هغو امتیازاتو او گټو څخه چه د مدیره هیئت د غړيو په حیث یې درلودل، برخه نشي وړای.

ماده ۳۰۷:

درین صورت از امتیازات و منافعیکه به حیث عضو هیئت مدیره داشتند بهره مند شده نمی‌توانند.

ماده ۳۰۷:

د سهامی شرکت اداره او په خارج

ماده ۳۰۷:

اداره شرکت سهامی و نمایندگی

کسب‌د هغه نمایندگي په مدیره هیئت پورې اړه لری.

۳۰۸ ماده:

مدیره هیئت حق لري هر ډول حقوقي معامله چه د شرکت په مرام کسب‌د داخله وي، د هغه په نامه اجراء او لاسلیک کړی. مدیره هیئت چه د شرکت گټه وویښي، مصالحی او حکمیت ته د ارجاع واک لری.

۳۰۹ ماده:

د هغو پانیو او اسنادو د اعتبار دپاره چه د سهامی شرکت په نامه تنظیمیږی پدی صورت چه په اساسنامه کسب‌د لاس لیک صلاحیت تخصیص شوی نه وي، د مدیره هیئت د ټولو غړیو لاس لیک لازم دی.

۳۱۰ ماده:

هغه کسان چه د شرکت په نامه د لاس لیک واک لري، مجبور دی چه وروسته د شرکت د عنوان له قید څخه د هغه پای لاس لیک کړی.

۳۱۱ ماده:

د مدیره هیئت غړی په هغو خبرو اترو کسب‌د چه د دوی په شخصی

آن در خارج شرکت مربوط به هیئت مدیره است.

ماده ۳۰۸:

هیئت مدیره حق دارد هر نوع معاملات حقوقیه را که در داخل مرام شرکت باشد، بنام آن اجراء و امضا کنند. هیئت مدیره در صورت ملاحظه منفعت شرکت به مصالحه و ارجاع به حکمیت مجاز است.

ماده ۳۰۹:

برای اعتبار اسنادیکه به نام شرکت سهامی تنظیم می‌شود در صورتی که در اساسنامه صلاحیت امضاء تخصیص داده نشده باشد، امضاء تمام اعضای هیئت مدیره لازم است.

ماده ۳۱۰:

کسانی که بنام شرکت صلاحیت امضاء دارند، مجبور اند که بعد از قید عنوان شرکت ذیل آن امضاء نمایند.

ماده ۳۱۱:

اعضای هیئت مدیره در مذاکراتی که به منفعت شخصی

شان تعلق داشته باشد اشتراک نمی‌توانند.

درین حال اینطور اعضاء مجبور اند علاقه را که به موضوع دارند به مجلس اظهار دارند و در جریان مجلس ثبت نمایند. اعضای هیئت مدیره که مخالف این احکام حرکت کنند، مجبور به تضمین ضرری می‌باشند که به شرکت وارد می‌شود.

اگر اکثر اعضای هیئت مدیره به موضوع مذاکره از جنبه شخص ذینفع باشند، مسئله در اولین مجمع عمومی تقدیم می‌شود.

ماده ۳۱۲:

اعضای هیئت مدیره بدون اذن مجمع عمومی بنام و حساب خود و یا بنام و حساب شخص دیگری بالذات یا بالواسطه یک معامله تجارتی را با شرکت نمی‌توانند.

ماده ۳۱۳:

هیچ یک از اعضای هیئت مدیره نمی‌تواند بدون اجازه مجمع عمومی در معامله

گتیه پوری اړه لري گډون نشي کولای.

پدی حال کښې دا ډول غړی مجبور دی هغه علاقه چه دوي يې په موضوع پورې لري مجلس ته څرگنده او د مجلس په جریان کښې يې ثبت کړی، د مدیره هیئت غړی چه له دی احکامو څخه چپ حرکت وکړی د هغه ضرر په تضمین مجبور دی چه شرکت ته رسيدلي وي.

که د مدیره هیئت زیاتره غړی د خبرو اترو په موضوع کښې د شخصي گتېې خاوندان وي نو مسئله لمړی عمومي مجمع ته وړاندی کيږي.

۳۱۲ ماده:

د مدیره هیئت غړی بي د عمومي مجمع له اجازه نه په خپل نامه او حساب او یا د بل شخص په نامه او حساب په خپله یا په واسطه سره یوه تجارتی معامله له شرکت سره نشي کولای.

۳۱۳ ماده:

د مدیره هیئت هیڅ یو غړی نشي کولای چه بي د عمومي مجمع له اجازي نه په تجارتی معامله کښې

تجارتی از نوع معامله تجارتی شرکت مربوطه خود اشتغال کند و همچنین نمیتواند شخصاً به صفت عضو مسئول در یک شرکت دیگری که به همین نوع معامله مصروف می باشد، داخل شود.

شرکت می تواند از هر عضو هیئت مدیره که مخالف این حکم حرکت نموده باشد، مطالبه خساره کند و یا معامله را که بنام خود عقد نموده باشد، در بدل خساره بنام شرکت محسوب دارد و تقاضا کند منافعیکه از معاملات مذکور حاصل شده باشد، به شرکت عاید گردد.

در اتخاذ تصویب راجع به مطالب فوق اعضای هیئت مدیره که مسئول اند، شرکت نمی توانند. استفاده از حقوق مذکور برای شرکت تا مدت یکسال از تاریخ وقوع معامله محفوظ است.

ماده ۳۱۴:

اگر سرمایه شرکت به نصف تنزل کند، هیئت مدیره برای

لکه دخیل مربوطه شرکت تجارتی معامله اشتغال و کپی او همداً دول نشی کولای چه په خپله شخصاً د مسئول غړی په صفت په یوه بل شرکت کښې چه په همدی دول معامله مصروف وي، داخل شي.

شرکت کولای شي چه د مدیره هیئت له هر غړی نه چه له دی حکم څخه یی چپ حرکت کړی وي خساره وغواری او یایی هغه معامله چه په خپل نامه یی عقد کړی وي د خساری په بدل د شرکت په نامه حساب او دا تقاضا وکړی هغه گټې چه لدی معاملاتو څخه حاصلې شوی وي شرکت ته ورکړی شي.

په هغه تصویب کښې چه د پورتنیو مطالبو په شا او خوا کښې کپړی، د مدیره هیئت هغه غړی چه مسئول دی گډون نشی کولی. د شرکت لپاره د نوموړو حقوقو څخه گټه اخیستل د معاملې د پښندلونه تر یوه کاله پورې محفوظ دی.

۳۱۴ ماده:

که د شرکت پانگه نیمایی ته رابښکنه شي نو پدی صورت کښې

اتخاذ تصویب راجع به تکمیل سرمایه به مقدار اصلی و یا اکتفاء به مقدار متباقی و یا برای انحلال شرکت مجمع عمومی را بصورت فوری دعوت می‌کند. اگر تنها یک ثلث سرمایه باقیمانده باشد و مجمع عمومی راجع به تکمیل سرمایه و یا اکتفاء به ثلث آن تصمیم نگیرد، شرکت منحل شمرده می‌شود.

اگر دیون شرکت از دارایی آن زیادتر باشد هیئت مدیره مجبور است از محکمه رسیدگی و اعلان افلاس را تقاضا کند.

ماده ۳۱۵:

هیئت مدیره مکلف است دفاتر لازم را ترتیب کرده و در موعد معین بیلانس سنه گذشته را بطور واضح و منظم تهیه دیده و اقلأ ۱۵ روز قبل از اجتماع مجمع عمومی برای تصدیق سهامداران حاضر دارد.

ماده ۳۱۶:

تمام مصارفیکه به نسبت

به مدیره هیئت دپانگې اصلي اندازي ته دهغي دپوره کولو یا په پاتي اندازه د اکتفا کولو په خصوص کښې او یا د شرکت د انحلال دپاره تصویب نیولو ته عمومي مجمع په فوري صورت راغواړي او که یواځې دریمه برخه پانگه پاتي وي او عمومي مجمع د پانگې د پوره کولو او یا دهغي په ثلث اکتفا کولو په باره کښې تصمیم ونه نیسي نو شرکت منحل بلل کیږي.

که د شرکت پورونه دهغه له شتو څخه زیات وي، مدیره هیئت مجبور دی چه محکمي ته رجوع او دافلاس اعلان وغواړي.

ماده ۳۱۵:

مدیره هیئت مکلف دی چه لازم دفترونه ترتیب کړي او په ټاکلي وخت د تیرکال بیلانس په واضح او منظم ډول جوړکړي او د سهم لرونکو د تصدیق دپاره یې د عمومي مجمع له غونډې څخه ۱۵ ورځې پخوا حاضري کړي.

ماده ۳۱۶:

ټول هغه مصارف چه د شرکت د

تأسیس اداره شرکت بعمل آمده باشد، در حساب مربوطه مصرف سنویه قید می‌گردد.

لیکن مصارفیکه برای تأسیسات ابتدائی و یا احداث یک شعبه جدید و یا توسیع معاملات قرار اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی بعمل آمده باشد، حد اکثر تا پنج سال در حساب مصرف ادامه می‌یابد.

به این صورت در بیلانس هر سنه باید مقدار مصارف همان سنه درج شود. قیمت‌های اموال منقول و بناها و ماشین‌های شرکت که هر سال نشان دادن آن در بیلانس لازم است عبارت است از قیمت خرید بعد از وضع استهلاک.

اگر این اموال بیمه شده باشد، مصارف بیمه در بیلانس نشان داده می‌شود.

ماده ۳۱۷:

هیئت مدیره مجبور است در ختم هر سنه حسابیه علاوه بر بیلانس راپوری درباره وضعیت تجارتی، مالی و اقتصادی

اداری د تأسیس په نسبت شوی وي، د کالني لگښت په مربوط حساب کښې قید پیری.

مگر هغه مصارف چه د ابتدائي تأسيساتو او يا د يوي نوي خانگې جوړولو او يا د معاملاتو د ارتولو دپاره د اساسنامې له مخې او يا د عمومي مجمع په تصویب شوی وي، زیات حد تر پنځو کالو پورې د لگښت په حساب کښې ادامه مومي.

پدی صورت، باید د هرکال په بیلانس کښې د هغه کال لگښت داخل شي. د شرکت د ماشینونو، ودانیو او منقولو مالونه قیمتونه چه هر کال په بیلانس کښې د هغو بنکاره کول لازم دی، د استهلاک د وضعي نه وروسته له اصلي قیمت عبارت دی.

که دامالونه بیمه شوی وي، د بیعي لگښت په بیلانس کښې بنکاره کاوه شي.

۳۱۷ ماده:

مدیره هیئت مجبور دی چه د هر حسابي کال په پای کښې سربیره په بیلانس د شرکت د مالي، اقتصادی او تجارتی

شرکت و خلاصه معاملات عمده سال ترتیب دهد و همچنین پیش‌نهادی راجع به فیصدی توزیع منافع و تشکیل ذخیره تقدیم نماید.

ماده ۳۱۸:

اگر در اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد، مجالس هیئت مدیره اقلماً با حضور بیش از نصف اعضاء رسمی تلقی شده و تصاویب با اکثریت آراء اعضاء موجوده معتبر است.

رأی دادن اعضاء به وکالت یکدیگر جایز نیست. در صورت تساوی آراء، موضوع به جلسه آینده موکول می‌شود. اگر در جلسه آینده نیز آراء مساوی باشد، موضوع رد شده محسوب می‌گردد. مذاکرات جلسه هیئت مدیره توسط یک منشی که از بین اعضاء و یا از خارج انتخاب می‌شود، بطور منظم به دفتر ثبت می‌گردد.

لازم است تصویبها از طرف اعضاء موجوده امضاء شود و

وضعیت په باره کنبی راپور او د کال د عمده معاملاتو لنډیز ترتیب کړی او همدا راز، د گټو د ویشلو د فیصدی او د ذخیرې د تشکیل په خصوص کنبی یو پیشنهاد وړاندی کړی.

ماده ۳۱۸:

که د شرکت په اساسنامه کنبی بل ډول مقرر شوی نه وي نو د مدیره هیئت غونډې لږ تر لږه د رسمي غړيو له نيمايي څخه د زياتو په حضور سره کيږي او تصويبونه د غړيو د رأيو په زياتوالي سره د اعتبار وړ دي.

د غړيو رای ورکول يو د بل په وکالت سره جائز نه دی. د رأيو د برابري په صورت موضوع راتلونکی غونډې ته پاتي کيږي. که په راتلونکی غونډه کنبی هم رايي برابري وي، موضوع رده شوی بلله کيږی. د مدیره هیئت د غونډې خبري اتری د يوه منشي په ذريعه چه د غړيو له منځه او يا له دباندی ټاکل کيږي په منظم ډول په دفتر کنبی ثبتيږی.

لازم دی چه تصويبونه د موجوده غړيو له خوا لاس ليک

شی او هغه غړی چه د تصویب مخالف وي، د خپل مخالفت سبب په تصویب کښې داخلوی.

۳۱۹ ماده:

که په اساسنامه کښې بل ډول مقرر شوی نه وي، د هری ورځې ټولني دپاره د مدیره هیئت هغو غړو ته چه د عامل هیئت په جمله کښې شامل نه وي، د حضور حق الزحمه ورکوله کیږي. که د حق الزحمي اندازه په اساسنامه کښې ټاکلي شوی نه وي د عمومي مجمع له خوا ټاکله کیږي.

۳۲۰ ماده:

د مدیره هیئت غړی له هغو معاملاتو چه د شرکت په نامه يي اجراء کړی وي شخصاً مسئول نه بلل کیږي مگر په لاندنیو موادو کي به شریکانو او ثالثو اشخاصوته مسئول وي:

- ۱- د سهمونو د سندونو په بدل کښې د شریکانو د ورکړی د تصدیق غلط والی.
- ۲- د هغو گټو عدم حقیقت چه ویشلي او ورکولي کیږي.
- ۳- د هغو دفترونو نشتوالی چه قانوناً د هغو وجود لږمی دی او یا

اعضائیکه مخالف تصویب می باشند سبب مخالفت خود را در تصویب درج می نمایند.

ماده ۳۱۹:

اگر در اساسنامه طور دیگری مقرر نشده باشد، برای هر روز اجتماع به اعضاء هیئت مدیره که در جمله هیئت عامل شامل نباشند، حق الزحمه حضور داده می شود. اگر مقدار حق الزحمه در اساسنامه تعیین نگردیده باشد، از طرف مجمع عمومی تعیین می شود.

ماده ۳۲۰:

اعضای هیئت مدیره از معاملات که بنام شرکت انجام داده باشند، شخصاً مسئول شمرده نمی شوند مگر در مواد آتی در نزد شرکاء و اشخاص ثالث مسئول خواهند بود:

- ۱- عدم صحت تصدیق تأدیات شرکاء در بدل سند سهام.
- ۲- عدم حقیقت مفادیکه توزیع و تأدیه می گردد.
- ۳- عدم وجود دفاتریکه قانوناً وجود آن لازمست و

د هغو بي نظمي.

يا عدم نظم آن.

۴- د هغي فيصلې نه اجراء چه د عمومي مجمع له خوا كيږي.

۴- عدم اجراى فيصله كه از طرف مجمع عمومي بعمل مي آيد.

۵- د هغو ټولو وظيفو نه په ځاى كول چه د قانون له مخې او يا د شركت له اساسنامي سره سمه د دوى په غاړه ايښي شوى وي.

۵- عدم ايفاي تمام وظيفي كه از روى قانون و يا بر حسب اساسنامه شركت بدوش ايشان گذاشته شده باشد.

په دى صورت چه شركت د پنځه گونو فقرو له وظيفو څخه يوه وظيفه د مديره هيتت يو غړي ته ورسپارلى وي نو مسئوليت يواځې هماغه غړي ته متوجه دى او په نورو غړيو به اړه نلري.

در صورتى كه شركت، يكي از وظيف فقرات پنجگانه را به يكي از اعضاى هيتت مديره تفويض نموده باشد، مسئوليت تنها بخود همان عضو متوجه بوده و به ساير اعضا ربيطى نخواهد داشت.

۳۲۱ ماده:

ماده ۳۲۱:

د مديره هيتت غړي چه نوي ټاكلي كيږي مجبور دى چه د پخوانيو غړيو له غير اصولي معاملاتو څخه چه خبر شي نظار هيتت ته اطلاع ور كړي او كه نه، د دوي په مسئوليت كښي به ورسره شريك وبلل شي.

اعضاى هيتت مديره كه جديداً تعيين مي شوند، مجبورند معاملات غير اصولى اعضاى سابق را كه از آن آگاه شوند به هيتت نظار اطلاع دهند و الا در مسئوليت ايشان شريك شمرده خواهند شد.

۳۲۲ ماده:

ماده ۳۲۲:

هغه غړي چه د (۳۲۱) مادى په موجب د پخواني مديره هيتت په غير اصولي معاملاتو كښي مخالف څرگندوني وكړي، د

اعضائيكه به موجب ماده (۳۲۱) در معاملات غير اصولى هيتت مديره سابق اظهار مخالفت كرده، سبب

مخالفت سبب د غونډې په رویداد کښې داخل او نظار هیئت ته یې هم په لیکنه سره خبر ورکړې او یا د کوم عذر له کبله د همغې معاملي د خبرو اترو په وخت کښې حاضر نه وي، له مسئولیت څخه وتلي دی.

۳۲۳ ماده:

که د مدیره هیئت یو غړی په یو صورت له صورتونو څخه د شرکت د حاضر وضعیت په باره کښې په دسیسه یا له حقیقت نه په چپه بیاناتو سره دریم کسان وغلوي، نو دا شخص د هغه زیان مسئول دی چه له دی لاري څخه پېښېږي.

۳۲۴ ماده:

د هغه دعوو مسئولیت چه د (۳۲۰) او (۳۲۱) مادو له مخې د مدیره هیئت غړیوته متوجه کیږي د معاملي د وقوع له نېټې څخه پنځه کاله وروسته ساقطیږي.

۳۲۵ ماده:

پدی صورت چه عمومي مجمع د مدیره هیئت پر غړیو باندي د دعوي د اقامي کوم تصویب کړي

مخالفت خود را در رویداد مجلس درج و به هیئت نظار نیز تحریراً خبر دهند و اگر بنابر معذرتی در اثنای مذاکره همان معامله حاضر نباشند، از مسئولیت بری می باشند.

ماده ۳۲۳:

اگر یکی از اعضای هیئت مدیره بصورتی از صور با دسیسه یا بیانات مغایر حقیقت درباره وضعیت حاضره شرکت اشخاص ثالث را اغفال کند، شخصاً مسئول ضرری می باشد که ازین رهگذر وارد می شود.

ماده ۳۲۴:

مسئولیت دعاوی ای که بموجب مواد (۳۲۰) و (۳۲۱) بر علیه اعضاء هیئت مدیره متوجه میشود، از تاریخ وقوع معامله پس از پنج سال ساقط می شود.

ماده ۳۲۵:

در صورتی که مجمع عمومی به اقامه دعوی بر علیه اعضاء هیئت مدیره تصویب بعمل

آوردہ باشد، مطابق آن اجراء می‌شود.

اگر مجمع عمومی عدم اقامه دعوی را تصویب ولی سهامدارانیکه ده درصد سرمایه شرکت را مالک باشند برین تصویب مخالفت کنند، شرکت از تاریخ تصویب و خواهش مخالفین مجبور است تا مدت یکماه دعوی را اقامه نماید. اقامه دعوی در مورد فوق بنام شرکت به هیئت نظر تعلق دارد.

اگر اقامه دعوی به آراء سهم دارانیکه ده فیصد سرمایه را نمایندگی می‌کنند صورت بگیرد، سهامداران مذکور ممکن است از خارج وکیل تعیین کنند.

سهامدارانیکه به اقامه دعوی رأی می‌دهند مجبورند سهام خود را بنام تأمین خساره شرکت تا ختم دعوی به یک بانک معتبری بطور امانت بگذارند.

در حال رد دعوی سهم داران مذکور به جبران خساره شرکت

وی نوله هغه تصویب سره سم اجراء کیږي.

که عمومی مجمع دعوی عدم اقامه تصویب کری مگر هغه سهم لرونکی چه په شرکت کښې په سلو کښې لس پانگه لري ددی تصویب سره مخالفت وکړی نو شرکت د تصویب او د مخالفینو د غوښتنې له نېټې څخه مجبور دی چه تر یوې میاشتی پورې دعوا ورباندی جوړه کری. په پاس خصوص کښې د شرکت په نامه ددعوی اقامه په نظر هیئت پورې اړه لري.

که ددعوی اقامه د هغو سهم لرونکو په آراو باندی چه د شرکت په سلوکی لس پانگه ولري وشي نو سهم لرونکی ممکن دی چه له خارج څخه وکیل وټاکي.

هغه سهم لرونکی چه ددعوی په اقامه رای ورکوي، مجبور دی چه خپل سهمونه د شرکت د خساري د تأمین په نامه ددعوی تر پای ته رسیدلو پورې په یوه معتبر بانک کښې د امانت په طور واچوی.

ددعوی د رد په حال کښې دا سهم لرونکی د شرکت د خساري په

پوره کولو مکلف دی.

مکلف می‌باشند.

۳۲۶ ماده:

که د اساسنامي له مخي او يا د عمومي مجمع د تصویب په اثر د شرکت د چارو اجراء کول هغه مدیرته چه دمديره هیئت له غړيو څخه نه وي، و سپارل شي، پدی صورت کښې دا مدیر لکه دمديره هیئت غړی دهغو وظيفو د نه اجراء په نسبت چه په (۳۲۰) ماده کښې بیان شویدی د شریکانو او دریمو کسانو په مقابل کښې مسئول دی.

په اساسنامه کښې له دی حکم نه چپ د بل شرط قید او يا دا ادعاء چه دا مدیر دمديره هیئت تر اثر لاندی دی، دده مسئولیت له منځه نشي وړلي.

۳۲۷ ماده:

د مدیره هیئت غړي له هغه قصور څخه چه د مدیر له خوا پښ شي مسئول نه دی مگر که د مدیره هیئت غړی داسي کسان چه اهلیت نلري په کار مقرر کړی او يا دوی د بدو چارو او معاملاتو په خصوص کښې له دوي سره مراعات وکړی او يا په هغو چارو

ماده ۳۲۶:

اجراآت امور شرکت اگر به موجب اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی به مدیریکه از اعضای هیئت مدیره نباشد سپرده شود، درین حال مدیر مذکور مثل عضو هیئت مدیره از عدم ایفای وظایفی که در ماده (۳۲۰) بیان شده در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث مسئول می‌باشند.

قید شرط دیگری مغایر این حکم در اساسنامه و یا ادعای اینکه مدیر مذکور زیر اثر هیئت مدیره می‌باشد، مسئولیت او را از بین نمی‌برد.

ماده ۳۲۷:

اعضای هیئت مدیره از قصوریکه از طرف مدیر صادر شود مسئول نمی‌باشند ولی اگر اعضای هیئت مدیره اشخاصی را که اهلیت نداشته باشند به کار مقرر نمایند و یا راجع به امور و معاملات سوء آنها مسامحه کنند و یا در اموری که صلاحیت نداشته باشند،

اجازہ کار بدهند، البتہ نزد شرکاء مجتمعاً مسئول خواهند بود. مع ذالک، اعضای ہیئت مدیره که به موجب ماده (۳۲۲) درین نوع تقصیرات عدم اشتراک شان را ثابت نمایند، از مسئولیت بری خواهند بود.

ماده ۳۲۸:

اگر در اساسنامه بصورت دیگری مقرر نشده باشد، ہیئت مدیره می تواند مدیران را عزل و نصب نماید صورت عزل و نصب اعلان می شود.

ماده ۳۲۹:

مدیرها اجرای بعضی معاملات را که بدان مجاز باشند، می توانند بدیگری تفویض کنند ولی وظیفه مدیریت خود را نمی توانند بدیگری بسپارند.

ماده ۳۳۰:

مدیرها برای مدتی که بیشتر از مدت وظیفه اعضای ہیئت مدیره باشد، تعیین شده نمی توانند و مثل اعضای ہیئت مدیره عزل شان در هر وقت

کسب چه صلاحیت بی نلری د کار اجازہ ورکری، البتہ شریکانو ته به په گډه سره مسئول وي. سره لدی، د مدیره هیئت هغه غړی چه د (۳۲۲) مادی له مخې پدی ډول تقصیراتو کسبې خپل نه اشتراک ثابت کړی، له مسئولیت څخه به خلاص وی.

ماده ۳۲۸:

که په اساسنامه کسبې په بل ډول مقرر شوی نه وي، مدیره هیئت کولای شي چه مدیران عزل او نصب کړی، د عزل او نصب صورت یې اعلانیږی.

ماده ۳۲۹:

مدیران کولای شي ځینې هغه معاملي چه دوي ته یې اجازہ ورکړ شوی وي د اجراء دپاره بل ته وسپاري مگر دخپل مدیریت وظیفه بل چاته نشي سپارلی.

ماده ۳۳۰:

مدیران د دومره مودی دپاره چه د مدیره هیئت د غړیو د وظیفی له مودی څخه زیاته وي ټاکل کېدای نشي او لکه د مدیره هیئت غړی د دوی عزل په هر وخت کسبې کېدای

شي. هغه مدير چه د سهم لرونكو له منځه ټاكلي او عزل شوی وي نشي كولاى چه خساره وغواړی.

۳۳۱ ماده:

د سهامی شرکت مدیره هیئت برسیره په تجارتي دفترنو چه په ترتیب یې مجبور دی، مؤظف دی چه دا لاندی دفترونه هم ترتیب کړی:

۱- د سهم لرونكو مخصوص دفتر چه په هغه كښې د سهم لرونكو نوم، دپلار نوم، شهرت عنوان او د استوگنې ځای قیدوي.

۲- د پانگې په مقابل كښې ورکړی چه د شرکت د تشکیل له اول نه ورکړی شوی او یا وروسته زیاتي شوی وي.

۳- د عمومي غونډو د رویداد کتاب.

۴- د مدیره هیئت د تصویبونو کتاب.

۳۳۲ ماده:

که په اساس نامه كښې د مامورينو د مقرري په باره كښې بل ډول مقرر شوی نه وي، د دوی ټاكل او

ممکن است. مدیریکه از بین سهمدران انتخاب و عزل گردیده باشد، نمی تواند ادعای خساره کند.

ماده ۳۳۱:

هیئت مدیره شرکت سهامی علاوه بر دفاتر تجارتي که به ترتیب آن مجبورند، مؤظف اند دفاتر ذیل را هم ترتیب دهند:

۱- دفتر مخصوص سهمداران که در آن اسم، ولدیت، شهرت، عنوان و مسکن سهمداران قید باشد.

۲- تادیات در مقابل سرمایه که در اول تشکیل شرکت داده شده و یا بعداً تزئید یافته باشد.

۳- کتاب رویداد مجامع عمومی.

۴- کتاب تصویبات هیئت مدیره.

ماده ۳۳۲:

اگر در اساسنامه راجع مقرری مامورین طور دیگری مقرر نباشد، انتخاب و مقرری آنها از

مقررول د مديره هيئت له وظيفو
خخه دى.

۳۳۳ ماده:

که د شرکت د مديره يا نظار
هيئت يو غړي افلاس وکړي يا
د دوى قانونيه اهليت سلب شي يا
په جنحه او جنايت محکوم شي،
د شرکت له چارو خخه د دوى د
وارسي واک پای ته رسي او د
دوى په خای بل شخص ټاکل
کيږي.

۳۳۴ ماده:

مديره هيئت کولای شي هغه واک
او اقتدار چه لری يې د آرو په
اکثريت يوه يا خوتنوته ور
وسپاری.

وظايف هيئت مديره
است.

۳۳۳ ماده:

اگر يکى از اعضاى هيئت
مديره يا نظار شرکت را افلاس
کند و يا اهليت قانونيه آنها سلب
شود و يا به جنحه و جنايت
محکوم گردند، صلاحيت شان در
وارسى از امور شرکت ختم و
عوض شان شخص ديگرى انتخاب
مى شود.

۳۳۴ ماده:

هيئت مديره مى تواند صلاحيت و
اقتدارى را که دارند با اکثريت
آراء به يک يا چند نفر خود تفويض
نمايند.

در پیمه برخه نظار هیئت

ماده ۳۳۵:

که د شرکت په اساسنامه کښې بل ډول نه وي مقرر شوی نو د سهامی شرکتونو نظار هیئت له دوو تنو څخه جوړېږي. نظار هیئت له شریکانو یا له غیر شریکانو څخه لمړی وار د شرکت د تاسیس د عمومی مجمع له خوا د یو کال دپاره او یا د اکثر حد دپاره دري کاله د عمومی مجمع له خوا ټاکل کیږي. هغه نظار هیئت چه د انتخاب موده یې پای ته رسیږي بیا نوي ټاکل کېدای شي. نظار هیئت د مدیره هیئت په غړیتوب ټاکل کېدای نشي. همدا راز د مامور په صفت د شرکت معاملات اداره کولای نشي. د مدیره هیئت غړی چه وظیفې یې پایته رسیږي تر هغه وخته پورې چه له عمومی مجمع څخه برائت حاصل نکړی، د نظار هیئت غړی ټاکل کېدای نشي.

حصه سوم هیئت نظار

ماده ۳۳۵:

اگر در اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر نشده باشد، هیئت نظار شرکتهای سهامی مرکب از دو نفر می باشند. هیئت نظار از شرکاء و یا غیر شرکاء دفعه اول برای مدت یکسال از طرف مجمع عمومی تأسیس شرکت و بعداً برای حد اکثر سه سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می شوند. هیئت نظار یکمه مدت انتخاب شان به اختتام میرسد، مجدداً انتخاب شده می توانند. هیئت نظار به عضویت هیئت مدیره انتخاب شده نمی توانند همچنان بصفه مامور معاملات شرکت را اداره کرده نمی توانند. اعضای هیئت مدیره که وظایف ایشان خاتمه می یابد، تا وقتیکه از مجمع عمومی برائت حاصل نمایند، عضو هیئت نظار انتخاب شده نمی توانند.

ماده ۳۳۶:

عمومي مجمع د ځينو موضوعاتو دپاره کولای شي چه ځانگړی نظار هیئت وټاکي.

ماده ۳۳۶:

مجمع عمومی برای تدقیق بعضی موضوعات معینه می تواند هیئت نظار جداگانه انتخاب کند.

ماده ۳۳۷:

هغه کسان چه د مدیره هیئت له غړیو سره ځینې او قرابت لري، لکه پلار زوي، کاکا، ماما، خسر او زوم، د نظار هیئت غړی کیدای نشي او که ټاکل شوی وي نو استعفا ته مجبور دی.

ماده ۳۳۷:

کسانی که با اعضای هیئت مدیره خویشی و قرابت نسبی داشته باشند، مثل پدر، پسر، کاکا، ماما، خسر، داماد، عضو هیئت نظار انتخاب شده نمی توانند و اگر انتخاب شده باشند، مجبور به استعفاء می باشند.

ماده ۳۳۸:

د نظار هیئت غړی په هر وخت کښې د عمومي مجمع له خوا موقوف او په ځای یې نور مقرریدای شي او که کوم غړی له سهم لرونکو څخه ټاکلي شوی وي، د خپل عزل په نسبت د خساري دعوي نشي کولای.

ماده ۳۳۸:

اعضای هیئت نظار در هر زمان از طرف مجمع عمومی عزل و عوض ایشان دیگری نصب شده می تواند و اگر عضوی از بین سهامداران انتخاب گردیده باشد، نسبت به عزل خود دعوی خساره نمی تواند.

ماده ۳۳۹:

د نظار هیئت تعیین او تبدیل د مدیره هیئت له خوا د تجارت د ثبت په دائره کښې ثبت او اعلانیږی.

ماده ۳۳۹:

تعیین و تبدیل هیئت نظار از طرف هیئت مدیره به دایره ثبت تجارت ثبت گردیده، اعلان می شود.

ماده ۳۴۰:

که د نظار هیئت کوم غړی په کوم علت له علتو سره د وظیفې له اجراء څخه بیرته پاتې شي نو د نظار هیئت نور غړی دده د وظیفې د په خای کولو د پاره د عمومي مجمع د لومړۍ ټولني تر وخته پورې یو بل غړی انتخابوي. په دی صورت چه د نظار هیئت غړی دوه تنه وي نو کمبود غړی یې محکمه ټاکي او د عمومي مجمع تر لومړۍ غونډې پورې وظیفه اجراء کوی.

ماده ۳۴۰:

اگر یکی از اعضای هیئت نظار به علتی از علل از اجرای وظیفه بازماند، اعضای دیگر نظار برای رسیدگی به وظیفه او، تا موقع اولین اجتماع مجمع عمومی، یک عضو دیگر را انتخاب می‌کنند و در صورتی که اعضای هیئت نظار مرکب از دو نفر باشند، عضو کمبود را محکمه تعیین و تا انعقاد اولین مجمع عمومی اجرای وظیفه می‌کند.

ماده ۳۴۱:

نظار هیئت په لاندنیو وظیفو مؤظف دی:

- ۱- د مدیره هیئت په اتفاق د بیلانس شکلي تنظیم او داسهامو د وضع د څرنگوالی ټاکل.
- ۲- د شرکت د دفترونو د چارو د جریان تدقیق لږ ترلږه په شپږ میاشتو کښې یوځلي.
- ۳- د شرکت د خزاني پلټنه لږ ترلږه په دري میاشتو کښې یوځلي په ناڅاپي او غیر منتظره ډول.
- ۴- د هر ډول قیمت لرونکو پاڼو موجودی چه د گروهی یا تضمیناتو په صورت او یا د امانت په توگه د

ماده ۳۴۱:

هیئت نظار به وظائف ذیل مؤظف می‌باشند:

- ۱- به اتفاق اعضای هیئت مدیره تنظیم شکل بیلانس و تعیین چگونگی وضع سهام.
- ۲- تدقیق جریان امور دفاتر شرکت اقلأ شش ماه یک مرتبه.
- ۳- تفتیش خزانه شرکت اقلأ سه ماه یک مرتبه بصورت ناگهانی و غیر منتظره.
- ۴- موجودی هر نوع اوراق قیمت دار که بصورت رهن یا تضمینات و یا بطور امانت در

خزانہ شرکت گذاشته شده باشد و تطبیق آن به دفاتر مربوطه اقلأً ماه یک مرتبه.

۵- تدقیق رعایت مقررات اساسنامه راجع به دعوت و اجتماع مجمع عمومی.

۶- تدقیق بیلانس سنوی.

۷- نظارت اعمال اعضای هیئت مدیره در پرتو احکام قانون و مقررات اساسنامه شرکت.

۸- دعوت مجمع عمومی عادی و یا فوق العاده در صورت اهمال هیئت مدیره.

۹- حضور در مجالس عمومی.

۱۰- نظارت معاملات تصفیہ.

ماده ۳۴۲:

هیئت نظار مکلف است تا در اخیر هر سال مالی دوباره راپور و سایر اورا قی که هیئت مدیره راجع به وضعیت شرکت و بیلانس و حسابات دیگر و توزیع مفاد ترتیب می کند، مطالعات خود را به مجمع عمومی

شرکت په خزانہ کنبی اینبودل شوی وی او د هغو تطبیق له مربوطو دفترنو سره لږ تر لږه په میاشت کنبی یو ځلي.

۵- د عمومي مجمع د ټولني د غوښتنې په خصوص کې د اساسنامې د مقرراتو د رعایت تدقیق.

۶- د کالني بیلانس تدقیق.

۷- د شرکت د اساسنامې د مقرراتو او د قانون د احکامو په رڼا کنبی د مدیره هیئت د غړيو د چارو کتنه.

۸- د مدیره هیئت د اهمال په صورت کنبی دعادی یا فوق العاده عمومي مجمع غوښتنه.

۹- په عمومي غونډو کنبی حضور.

۱۰- د تصفیي د معاملو کتنه.

ماده ۳۴۲:

نظار هیئت مکلف دی چه د هر مالي کال په پای کنبی د هغه راپور او نورو پاڼو په خصوص کنبی چه مدیره هیئت یې د شرکت د وضعیت او بیلانس او نورو ځایو او د گټې د ویشلو په باره کنبی ترتیبوی، خپلی کتنې عمومي

مجمع ته وسپاري.

بسپارد.

۳۴۳ ماده:

ماده ۳۴۳:

د نظارت هیئت واک چه په (۳۳۵) او (۳۴۲) مادو کښې داخل دی، د شرکت د اساسنامې په ذریعه تجدیدای نشي.

صلاحیت هیئت نظار که در مواد (۳۳۵ و ۳۴۲) درج است، به ذریعه اساسنامه شرکت تجدید شده نمی تواند.

۳۴۴ ماده:

ماده ۳۴۴:

نظار هیئت مجبور دی چه د مهمو او فوري عواملو د څرگندیدو په صورت عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته راوغوړی.

هیئت نظار مجبورند در صورت ظهور عوامل مهم و فوری، مجمع عمومی را به اجتماع فوق العاده دعوت کنند.

۳۴۵ ماده:

ماده ۳۴۵:

نظار هیئت مکلف دی چه خپلې وظیفې په ښه صورت اجراء کړی او که نه عمومي مجمع ته مسئول دی. د نظار هیئت د مسئولیت په خصوص کښې د دعوي حق د مسئولیت د څرگندیدو له نېټې څخه وروسته له پنځو کالو د تیریدونه ساقطیږی.

هیئت نظار مکلف اند که وظایف خود را به حسن صورت اجراء نمایند و الا نژد مجمع عمومی مسئول می باشند، حق دعوی راجع به مسئولیت هیئت نظار از تاریخ ظهور مسئولیت بعد از مرور پنج سال ساقط می شود.

۳۴۶ ماده:

ماده ۳۴۶:

هر سهم لرونکی د شرکت د چارو په باره کښې کولای شي چه د مدیره هیئت او د شرکت د مدیرانو له لاسه نظار هیئت ته مراجعه وکړی. نظار هیئت مجبور دی د

هر سهم دار راجع به امور شرکت بر علیه هیئت مدیره و مدیران شرکت می تواند به هیئت نظار مراجعه کند. هیئت نظارت مجبور است نسبت به

موضوعی که به ایشان مراجعه شده، تحقیقات کنند.

اگر در نتیجه تحقیقات ادعاء صحت پیدا کند، کیفیت را در راپور سالانه خود به مجمع عمومی درج می‌کنند.

در صورتی که مراجعین از ده فیصد سرمایه شرکت نمایندگی کنند، هیئت نظار مطالعات و نظریات خود را به نسبت واقعه، اعم از اینکه صحت دارد یا ندارد، در راپور درج می‌نماید و در صورتی که لازم باشد، می‌توانند مجمع عمومی را به اجتماع فوق العاده دعوت کنند. مراجعینی که به هیئت نظار مراجعت می‌کنند، لازم است مقدار سهامی را که معادل ده فیصد سرمایه شرکت باشد، به یک بانک معتبر بطور تضمین بگذارند این سهام تا ختم اولین اجتماع مجمع عمومی در بانک حفظ می‌شود.

هغی موضوع په نسبت چه دوي ته يي مراجعه شوی وی، تحقیقات وکړی.

که تحقیقاتو په نتیجه کښې ادعاء صحت ومومي نو کیفیت د عمومي مجمع دپاره پخپل کالني رپوټ کښې درجوي.

پدی صورت چه مراجعین د شرکت په پانگه کښې په سلو کښې له لسو څخه نمایندگی وکړی نو نظار هیئت خپلې کتنې او نظریات د واقعي په نسبت، عام له دی نه چه صحت لري یایې نه لري، په راپور کښې داخلوي او پدی صورت چه لازم وي کولای شي چه عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته راوغواړی. هغه مراجعین چه نظار هیئت ته مراجعه کوي نولازم دی چه دهغو اسهامو اندازه چه د شرکت دپانگې په سلو کښې له لسو سره برابره وي چه یو معتبر بانک کښې د تضمیني په ډول واچوي، دا اسهام به د عمومي مجمع د لومړی غونډې تریای ته رسیدلو پورې په بانک کښې ساتل کیږي.

ماده ۳۴۷:

د نظار هیئت غری کولای شی چه د مدیره هیئت په خبرو اترو کښې حاضر شي او داسې پیشنهادونه چه مناسب یې وېولي، مدیره هیئت او یا عادی ټولنو او فوق العاده ټولنو ته وړاندې کړي. مگر د نظار هیئت غری د مدیره هیئت په غونډو او په عمومي ټولنو کښې د رای حق نلري.

ماده ۳۴۷:

اعضای هیئت نظار می توانند در مذاکرات هیئت مدیره حاضر شده پیشنهاداتی را که مناسب بدانند به هیئت مدیره و یا مجامع عادی و فوق العاده تقدیم دارند. ولی اعضای نظار در مجالس هیئت مدیره و مجامع عمومی حق رأی ندارند.

خلورمه برخه

عمومي مجمع

حصه چهارم

مجمع عمومی

ماده ۳۴۸:

د سهامی شرکتونو د عمومي مجمع غونډه یا په عادی ډول او یا په فوق العاده صورت وي. عادی غونډه وروسته له هري حسابي دوری نه وروسته په موده د خلورو میاشتو کښې او لږ تر لږه په کال کښې یو ځلي کیږي. پدی غونډه کښې د (۳۵۸) مادې له مخې دهغو موضوعاتو په شاوخوا کښې چه د هغو داخلیدل په آجنده کښې لازم دی څیرنه او خبري اتري کیږي او د ضرورت په

ماده ۳۴۸:

اجتماع مجمع عمومی شرکت‌های سهامی یا بطور عادی و یا بصورت فوق العاده می‌باشد. اجتماع عادی بعد از ختم هر دوره حسابیه در ظرف چهارماه و اقلأ در سال یکبار انعقاد می‌یابد. درین اجتماع به موجب ماده (۳۵۸) در اطراف موضوعاتی که در آنها در آجندا لازم است، بحث و مذاکره می‌شود و در صورت

وخت کنبې عمومي مجمع فوق العاده غونډې ته رابلله کيږي.

۳۴۹ ماده:

د عادی غونډې او فوق العاده غونډې دپاره د عمومي مجمع رابلل په مدیره هیئت پورې اړه لري. نظار هیئت هم کولای شي چه د (۳۴۴) مادی له مخې عمومي مجمع د فوق العاده ټولني دپاره وغواړي.

۳۵۰ ماده:

که په اساسنامه کنبې بل ډول قید شوی نه وي، عمومي مجمع په هغه ځای چه د شرکت مرکز وي ټولني ته غوښتله کيږي.

۳۵۱ ماده:

که په اساسنامه کنبې بل ډول قید شوی نه وي، د برخو خاوندان په عمومي غونډو کنبې د خپلې برخي په تناسب د رای حق لري. هغه سهم لرونکی چه د ټاکلي سهم خاوندان نه وي، کولای شي چه په مشترک ډول خپل سهمونه د نصاب حد ته ورسوي او له خپله منځه یوتن په لیکنه سره نماینده معرفي او د عمومي مجمع په خبرو

لږوم، مجمع عمومی به اجتماع فوق العاده دعوت می شود.

ماده ۳۴۹:

د دعوت مجمع عمومی برای اجتماع عادی و اجتماع فوق العاده به هیئت مدیره مربوط است. هیئت نظار هم می تواند به موجب ماده (۳۴۴) مجمع فوق العاده را دعوت به انعقاد کند.

ماده ۳۵۰:

اگر در اساسنامه طور دیگر قید نشده باشد، مجمع عمومی در محلی که مرکز شرکت است به اجتماع دعوت می شود.

ماده ۳۵۱:

اگر در اساسنامه طور دیگری قید نشده باشد، ارباب سهام در مجامع عمومی به تناسب سهم خود حق رای دارند. سهام دارانیکه مالک سهم معینه نباشند، می توانند بطور مشترک اسهام خود را به حد نصاب رسانیده از بین خویش شخصی را کتباً نماینده معرفی و در مذاکرات مجمع عمومی اشتراک

اترو کنبی گډون وکړی.

کنند.

۳۵۲ ماده:

د عمومي مجامعو د تشکیل دپاره (پرتله له هغو موضوعاتو چه په دی قانون کنبی مقررشویدی) هغه نصاب چه اساسنامه یی وټاکي، د اعتبار وړ دی مگر په دی شرط چه نصاب د پانگې له ۱ پر ۴ برخي څخه لږ نه وي. که په لومړی غونډه کنبی نصاب حاصل نشي نو په موده د پنځلسو ورځو کنبی مجمع بیا غونډی ته بلله کیږي. هغه سهم لرونکی چه په دوهمه غونډه کنبی حاضرېږی، په خبرواترو او رای ورکولو کنبی حق لری. تصویبونه د رأیوپه اکثریت (اصالتاً) وي او که وکالتاً، د اعتبار وړ دی.

ماده ۳۵۲:

برای تشکیل مجامع عمومی (به استثنای موضوعاتی که درین قانون مقرر شده) نصابی که اساسنامه آنرا تعیین می کند، معتبر است ولی مشروط بر این که این نصاب از ۱ بر ۴ حصه سرمایه کمتر نباشد. اگر نصاب در اجتماع اول حاصل شده نتواند، به فاصله (۱۵) روز مجمع دوباره به اجتماع دعوت می شود. سهامدارانی که در اجتماع دوم حضور بهم می رسانند، در مذاکرات اعطاء رای صلاحیت دارند. تصاویب به اکثریت آراء (چه اصالتاً باشد و چه وکالتاً) معتبر است.

۳۵۳ ماده:

له سهم لرونکو څخه هیڅوک چه په کومه موضوع کی د علاقې خاوند وي، د رای حق نلری.

ماده ۳۵۳:

هیچ یکی از سهامداران به موضوعی که شخصاً ذی علاقه باشد، حق رای ندارد.

۳۵۴ ماده:

هغه سهم لرونکی چه لږ ترلږه د شرکت د سهمونو په سلو کنبی شل سهمونه ولری، کولای شي چه د

ماده ۳۵۴:

سهمدارانې که اقلأ دارای بیست فیصد سهام شرکت باشند، می توانند تقاضای کتبی و

مستند در انعقاد مجمع عمومی بدهند. هیئت مدیره مکلف است که به موجب این تقاضا مجمع عمومی را به اجتماع فوق العاده دعوت کند. درین صورت موادی که مذاکره آن تقاضا شده است، به آجدای مجلس داخل می شود. ممکن است در اساسنامه مقرر شود که سهامدارانیکه ده فیصد از سرمایه شرکت را نمایندگی کنند هم بتوانند این حق را در احضار مجمع عمومی استعمال نمایند.

ماده ۳۵۵:

در صورتی که به تقاضای کتبی سهامداران طبق ماده (۳۵۴) از طرف هیئت مدیره و یا به موجب ماده (۳۴۶) از طرف هیئت نظار ترتیب اثر داده نشود، محکمه تجارتی محل شرکت می تواند به اثر مراجعه سهامداران مذکور مجمع عمومی را دعوت و موضوعاتی را که خواهش نموده اند، جزو آجندا قرار دهد درین صورت، در اعلان اجتماع باید اجازه محکمه هم

عمومی مجمع به تړلو کښې کتبی او مستنده تقاضا ورکړې - مدیره هیئت مکلف دی چه ددی تقاضا په موجب عمومی مجمع فوق العاده غونډې ته راوبولي. پدی صورت هغه مواد چه د خبرواترو تقاضا یې شویده، د مجلس په اجندا کښې داخلېری ممکن دی چه په اساسنامه کښې دا هم مقرر شي هغه سهم لرونکی چه د شرکت په پانگه کي په سلو کي لس برخي ولري هم وکولای شي چه د عمومی مجمع په حاضرولو کښې دا حق استعمال کړی.

۳۵۵ ماده:

پدی صورت چه د سهم لرونکو په کتبی تقاضا له (۳۵۴) مادی سره سم د مدیره هیئت له خوا او د (۳۴۶) مادی په موجب د نظار هیئت له خوا کومه اعتنا ونشي نو د شرکت محلي تجارتی محکمه ددی سهم لرونکو د مراجعی په اثر عمومی مجمع راوغواری او هغه موضوعات چه غوښتنې یې شویدی د اجندی جزء گرځوی او پدی صورت کښې د اجتماع په اعلان کښې باید د محکمی اجازه

هم تصریح شی. محکمی ته د مراجعی په حال کښی هم د (۳۴۶) مادی د وروستی فقری حکم تطبیق کیږی.

ماده ۳۵۶:

د غونډې دپاره دعمومي مجمع غوښتنه په هغه ترتیب او شکل چه په اساسنامه کښې ذکر شوی وي اجراء کیږی او د غونډې له وخته لږ ترلږه یوه میاشت پخوا سهم لرونکو ته اطلاع ورکول کیږی.

ماده ۳۵۷:

لپاره ددی چه دبی نومه سهمونو خاوندان وکولای شی په عمومي مجمع کښې رای ورکړی، لږم دی چه خپل سهمونه او سندونه د غونډې له ورځې څخه لس ورځې پخوا شرکت ته وسپاری.

ماده ۳۵۸:

د عمومي مجمع د غونډې غوښتنپانې او اعلانونه باید چه دا لاندی اجندا ولری:
۱- د هغو راپورونو لوستل چه د مدیره هیئت او د نظار هیئت له خوا ترتیبېږی.

تصریح گړدد. در حال مراجعه به محکمه هم حکم فقره اخیر ماده (۳۴۶) تطبیق می شود.

ماده ۳۵۶:

دعوت مجمع عمومی برای اجتماع به ترتیب و شکلیکه در اساسنامه ذکر شده اجراء می شود و اقلأ یکماه قبل از زمان اجتماع به سهامداران اطلاع داده می شود.

ماده ۳۵۷:

برای اینکه مالکین سهام بی اسم بتوانند در مجمع عمومی رای بدهند، لږم است که سهام و اسناد خود را ده روز قبل از روز اجتماع به شرکت بسپارند.

ماده ۳۵۸:

اعلانات و دعوت نامه های انعقاد مجمع عمومی لږم است که حاوی آجدای ذیل باشد:
۱- قرائت راپورهاییکه از طرف هیئت مدیره و هیئت نظار ترتیب داده می شود.

۲- تصدیق یا تعدیل یا رد بیلائس و حساب نفع و ضرر و پیشنهاد توزیع مفاد.

۳- اگر طور دیگری تعیین نشده باشد، تعیین حق الزحمه و منافع اعضای هیئت مدیره و هیئت نظر.

۴- انتخاب مجدد و یا تبدیل اعضای هیئت مدیره و نظاریکه مدت خدمت شان ختم شده باشد. موضوعاتیکه در آجندا قید نشده باشد، مورد مذاکره قرار داده نمیشود.

تبصره:

در صورت لزوم، مواد دیگری هم درج آجندا شده می‌تواند.

ماده ۳۵۹:

هر سهامداری که حق رأی داشته باشد می‌تواند قبل از ده روز اجتماع مجمع، دفتر دارایی و حساب نفع و ضرر و بیلائس و راپور های هیئت نظر و هیئت مدیره را در مرکز شرکت تدقیق کرده و نقل راپور و بیلائس را اخذ کند.

۲- دگتھی د ویشلو پیشنهاد او دگتھی او ضرر حساب او د بیلائس تصدیق یا تعدیل یا رد.

۳- که په بل ډول ټاکلي شوی نه وي، د حق الزحمي ټاکل او دمديره هیئت او د نظار هیئت د غړيو گتھی ټاکل.

۴- د مديره هیئت او نظار هیئت دهغو غړيو بيا نوي انتخاب او یا تبدیل چه د دوی دخدمت موده پای ته رسیدلي وي. هغه موضوعات چه په اجندا کښې قید شوی نه وي، خبري اتري نه ورباندی کیږي.

تبصره:

د لزوم په صورت نور مواد هم په اجندا کښې د اخلیدای شي.

۳۵۹ ماده:

هر سهم لرونکی چه د رای حق ولری کولای شي چه د مجمع د غونډې له ورځې څخه لس ورځې پخوا دشتو دفتر د گتھی او زیان حساب او بیلائس او د نظار هیئت او د مدیره هیئت راپور د شرکت په مرکز کښې تدقیق کړی او دراپور او بیلائس نقل واخلي.

تبصره:

ممکن دی چه د مدیره او نظار هیئت راپور سره له بیلانس او دگتې او زیان حساب لاله پخوا چاپ او د مجمع د غونډې په وخت کښې سهم لرونکو ته وویشلې شي.

۳۶۰ ماده:

د عمومي مجمع په ټولنه کښې یو داسې جدول ترتیبېږي چه د هغو سهم لرونکو یا د دوی دوکیانو چه حاضر شوی وي، نومونه او داستوگنې ځای او داسهامو اندازه وښی. دا جدول د رئیس او منشي له خوا لاس لیک کیږي او د مجمع له نورو پانوسره په مخصوصه دوسیه کښې ساتلي کیږي.

۳۶۱ ماده:

د مجمع رئیس پخپله د عمومي مجمع عمومي له خوا څخه ټاکل کیږي.

۳۶۲ ماده:

د زیاتو سهم لرونکو یا د لږو چه د شرکت په پانگه کښې لسمه برخه ولری، د غوښتنې په اثر د بیلانس په خصوص کښې خبري اتري تر پنځلسو ورځو پورې ټالېدای

تبصره:

ممکن است راپور هیئت مدیره و نظار با بیلانس و حساب نفع و ضرر قبلاً چاپ و حین انعقاد مجمع به سهامداران توزیع گردد.

ماده ۳۶۰:

در اجتماع مجمع عمومی جدولی ترتیب می شود که اسامی و محل اقامت و مقدار سهام سهامداران و یا وکلای شانرا که حاضر شده اند، نشان بدهد. این جدول از طرف رئیس و منشی امضاء شده و در جزء دیگر اوراق مجمع به دوسیه مخصوصی حفظ می گردد.

ماده ۳۶۱:

رئیس مجمع از طرف خود مجمع عمومی انتخاب می شود.

ماده ۳۶۲:

در اثر درخواست اکثریت سهامداران و یا اقلیتی که دهم حصه سرمایه شرکت را نمایندگی کند، مذاکره راجع به بیلانس برای (۱۵) روز به تعویق انداخته شده

شي.

می تواند.

۳۶۳ ماده:**ماده ۳۶۳:**

د عادی او فوق العاده عمومي مجمع د تصویبونو یو نقل سره د هغو سهم لرونکو د نومونو له جدول څخه د (۳۶۰) مادې له قراره غونډې ته حاضر شوی دی او د غوښتنې د هغو مثبتو اسنادو سره چه مجمع د قانون له مخې منعقد شوی ده باید ترتیب او د مجلس د رویداد سره د تجارتي ثبت دایري ته د ثبت دپاره ولیږل شي.

یک نقل تصویبات مجمع عمومی عادی و فوق العاده با جدول اسامی سهامدارانیکه قرار ماده (۳۶۰) به اجتماع حاضر شده اند و اسناد مثبتته دعوت که مجمع به قرار قانون منعقد شده ترتیب گردیده و با رویداد مجلس برای ثبت در دایره ثبت تجارتي ارسال می گردد.

۳۶۴ ماده:**ماده ۳۶۴:**

که هغه سهم لرونکی چه د شرکت په پانگه کښې لسمه برخه لری ادعا وکړي چه د شرکت په تاسیساتو او یا د هغه په معاملاتو کښې بد استعمالات شته یا د قانون په احکامو او د شرکت د اساسنامې په مقرراتو کښې څوټې وهلي کیږي، کولای شي چه د هغو د پلټنې دپاره له عمومي مجمع څخه تقاضا وکړي چه یو خصوصي نظر هیئت وټاکي.

اگر سهامدارانیکه دارای ده یک سرمایه شرکت باشند، ادعا کنند که در تاسیسات شرکت و یا معاملات آن سوء استعمالات وجود دارد یا احکام قانون و مقررات اساسنامه شرکت اخلال می شود، می توانند برای تحقیق آن از مجمع عمومی تقاضا کنند که هیئت نظار خصوصی تعیین شود.

له عمومي مجمع څخه ددی تقاضا د رد په صورت محکمي ته رجوع کولای شي مگر پدی صورت کښې

در صورت رد این تقاضا از مجمع عمومی، می توانند به محکمه رجوع کنند ولی درینصورت لازم

است که مصارف لازم را قبلاً تأدیه و سهامی را که مالک اند، به یک بانک معتبر تودیع نمایند. در صورتی که این درخواست از طرف محکمه رد گردد و یا با در نظر گرفتن نتایج تحقیقات بی مورد دیده شود، سهامدارانیکه سؤنیت ایشان در این امر به ثبوت برسد، برای ضرریکه شرکت ازین حیث متحمل گردیده باشد، جمعاً مسئول اند.

ماده ۳۶۵:

تصدیق بیلانس از مجمع عمومی متضمن برائت اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار است. با اینهم، اگر در مندرجات بیلانس غموض و پیچیدگی وجود داشته باشد، اعضای هیئت مدیره و نظار نمیتوانند با تصدیق آن از طرف مجمع برائت حاصل کنند.

ماده ۳۶۶:

تصویباتی که از طرف مجمع عمومی بعمل می آید، راجع به شرکاییکه در اجتماع حاضر نباشند و یا رای مخالف بدهند

لازم دی چه لازم مصارف لایخوا ورکری او هغه اسهام چه لری بی، یو معتبر بانک ته وسپاری. پدی صورت کنبی چه دا غونستنه د محکمی له خوا رد شی او یا سره له په نظر کنبی نیولو او د تحقیقاتو نتایج بی مورده ولیدل شی نو هغه سهم لرونکی چه د دوی بد نیت پدی کار کنبی په ثبوت ورسی، د هغه ضررچه شرکت له دی حیثه موندلی وی، دوی په گډه سره مسئول دی.

ماده ۳۶۵:

له عمومی مجمع خخه د بیلانس تصدیق د مدیره هیئت او نظار هیئت د غریو د برائت متضمن دی خوسره له دی هم که د بیلانس په مندرجاتو کنبی کر کیچنی او پیچیدگی وی د مدیره او نظار هیئتونو غری د مجمع له خوا د هغی په تصدیق برائت نشی موندلی.

ماده ۳۶۶:

هغه تصویبونه چه د عمومی مجمع له خوا کیږی د هغو شریکانو په باره کنبی چه په ټولنه کنبی حاضر نه وی او یا مخالفه رایه ورکری هم

معتبردی.

نیز معتبر است.

۳۶۷ ماده:

دعمومي مجمع په تصویبونو باندی چه د قانون له صریحو احکامو او یا د شرکت له اساسنامي څخه چپ وي، د صدور له نېټې څخه تر درې میاشتو پورې کولای شي هغي محکمي ته چه د شرکت په محل کښې وي او د تجاریه معاملاتو په فیصله باندی مکلف وي مراجعه او اعتراض وکړي او د اعتراض حق وهغو کسانو ته عائد دی:

۱- هغو سهم لرونکو ته چه په غونډه کښې حاضر نه وي مگر له تصویب سره مخالف او خپل مخالفت يي د رویداد په پانه کښې داخل کړي وي، او یا په غیر قانوني صورت له رای ورکولونه محروم شوی وي او یا ټولنی ته په قانوني صورت نه وي را بلل شوی.

۲- مدیره هیئت.

۳- هر یوه د مدیره هیئت او نظار هیئت له غړيو څخه پدی صورت چه تصویب د دوی دپاره د مسؤلیت دپیدا کیدو موجب شي، که د عمومي مجمع له تصویب

ماده ۳۶۷:

بر علیه تصویبات مجمع عمومی (که مغایر احکام صریحه قانون و یا اساسنامه شرکت باشد) از تاریخ صدور الی سه ماه می توان به محکمه که در محل شرکت بوده و به فیصله معاملات تجاریه مکلف باشد، مراجعت و اعتراض کرد. حق اعتراض عاید است به:

۱- سهامدارانیکه در اجتماع حاضر بوده لیکن با تصویب مخالف و مخالفت خود را به ورقه رویداد درج کرده اند یا بصورت غیر قانونی از دادن رای محروم شده باشند و یا دعوت به اجتماع بصورت قانونی بعمل نیامده باشند.

۲- هیئت مدیره.

۳- هر یکی از اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار در صورتی که تصویب برایشان موجب تولید مسؤلیت گردد، اگر اعتراضات از تصویب

عمومی متعدد باشد، محاکمه آنها واحد است و بنابراین تا ختم مدت اعتراض رسیدگی به شکایات معطل می‌شود. محکمه به اثر درخواست علاقمندان می‌تواند از اعتراض کنندگان ضمانتاتی را در مقابل ضرر احتمالی شرکت تقاضا کند.

تعیین مقدار ضمانات مربوط به محکمه است، اگر اعتراض از جانب هیئت مدیره باشد، از طرف شرکت هیئت نظار نمایندگی می‌کند.

ماده ۳۶۸:

در صورت اعتراض بر علیه تصویب مجمع بر طبق ماده (۳۶۷)، محکمه می‌تواند بعد از خواستن توضیح از اعضای هیئت مدیره و هیئت نظار اجرای تصویب را که بر علیه آن اعتراض واقع شده باشد، تأخیر کند.

ماده ۳۶۹:

حکم محکمه راجع به فسخ تصویبی که مورد اعتراض است، بعد از آنکه صورت

خخه اعتراضونه ډیروی، او محکمه د دوی یوه وي نو بنا پردی، د اعتراض د مودی تر پای ته رسیدو پورې د شکایاتو اړویدل تالپړی. محکمه د علاقه مندانو د غوښتنې په اثر کولای شي چه له اعتراض کونکو خخه د شرکت د احتمالي زیان په مقابل کښې د ضمانت تقاضا وکړی.

د ضمانتونو د اندازې ټاکل په محکمه پورې اړه لري، که اعتراض د مدیره هیئت له خوا وی، د شرکت له خوا نظار هیئت نمایندگی کوی.

ماده ۳۶۸:

د مجمع په تصویب باندی د اعتراض په صورت له (۳۶۷) مادی سره سم محکمه کولای شي چه د مدیره هیئت او د نظار هیئت له غړیو خخه د توضیح غوښتلو خخه وروسته د هغه تصویب اجراء چه په هغه باندی اعتراض راغلي وي، ټال کړی.

ماده ۳۶۹:

د هغه تصویب دفسخ په خصوص کښې دمحکمی تصویب چه اعتراض ورباندی شوی دی،

قطعيه را بخود بگيرد، درباره تمام سهامداران معتبر شمرده مي شود. هيئت مديره مجبور است تا يك نقل حكم مذکور را فوراً ثبت و اعلان کند.

ماده ۳۷۰:

اگر ثابت شود که اعتراض اشخاص بر عليه تصويب مجمع عمومي بنا بر سؤ نيت بوده است، از ضرر و خساره که از اين سبب به شرکت وارد مي شود، اشخاص مذکور جمعاً مسئول اند.

ماده ۳۷۱:

اگر در اساسنامه خلاف آن مقرر نشده باشد، مجمع عمومي مي تواند مقررات اساسنامه را تعديل کند ولي در تزييد سرمايه شرکت و تبديل تابعيت اتفاق آراء سهامداران شرط است. در مذاکرات اجتماعاتي که براي تعديل اساسنامه بعمل مي آيد، شخصي که مالک يك سهم هم باشد، حق اشتراک و رای دارد. اگر در اساسنامه قيدي بر خلاف

وروسته له هغه چه قطعي صورت ومومي، د ټولو سهم لرونکو دپاره دا اعتبار وړ بلل کيږي. مديره هيئت مجبور دی ترڅو ددی حکم يو نقل څرتر څره ثبت او اعلان کړي.

۳۷۰ ماده:

که ثابت شي چه د اشخاصو اعتراض د عمومي مجمع په تصويب باندی د بدنيت له مخې دی نو هغه ضرر او خساره چه لدی سببه شرکت ته پېښيږي، دا کسان يې په گډه سره مسئول دی.

۳۷۱ ماده:

که په اساسنامه کښې د هغه په خلاف مقرر شوی نه وي، عمومي مجمع کولای شي چه د اساسنامي مقررات تعديل کړي مگر د شرکت د پانگې په زیاتولو او د تابعیت په تبديل کښې د سهم لرونکو د آراوو اتفاق شرط دی. د هغو ټولنو په خبرو اترو کښې چه د اساسنامي د تعديل دپاره کيږي هغه څوک چه د يوه سهم خاوند وي هم د اشتراک او رای حق لري. که په اساسنامه کښې ددی امر په خلاف کوم

این امر باشد، معتبر نیست. اشخاصی که دارای زیادتز از یک سهم باشند اگر در اساسنامه بر خلاف آن هم مقرر شده باشد، آراء به تناسب اسهام معتبر خواهد بود.

ماده ۳۷۲:

در اجتماعات مجمع عمومی که مربوط به تبدیل موضوع معامله و یا نوع شرکت باشد، حضور سهم دارانیکه اقلأ از سه ربع سرمایه شرکت نمایندگی کنند، شرط است.

برای اعتبار تصویباتیکه در این اجتماعات اتخاذ می-شود، اتفاق دو وثلث آرائیکه اصلتاً و یا وکالتاً داده شود، ضروریست.

اگر در اجتماع اول حضور نمایندگی سه ربع سرمایه ممکن نشود، هیئت مدیره می تواند بار دوم مجمع عمومی را دعوت کند. این دعوت مجمع در ظرف پانزده روز در جراید اعلان می شود و درین مرتبه حضور تعداد ارباب سهامی که نصف سرمایه را نمایندگی کنند، کافیست.

قیدوی، د اعتبار وړ ندی. هغه کسان چه له یوه سهم څخه زیات سهمونه ولری، نوکه په اساسنامه کښې د هغه په خلاف هم مقرر شوی وي نو دهغه رایي به د اسهامو په تناسب د اعتبار وړ وی.

ماده ۳۷۲:

د عمومي مجمع په ټولنو کښې چه د معاملي د موضوع په تبديلي او يا د شرکت په ډول پورې اړه لری د هغو سهم لرونکو حضور چه لږ ترلږه د شرکت د پانگې له درې ربع څخه نمایندگي وکړی شرط دی.

د هغو تصویبونو د اعتبار په خصوص کښې چه په دی ټولنو کښې نیول کیږي د آراو د دوه ثلثو اتفاق چه اصلتاً یا وکالتاً وړکولي کیږي، ضروري دی.

که په لومړۍ غونډه کښې د پانگې د درې ربع نمایندگی حضور ممکن نشي نو مدیره هیئت کولای شي چه عمومي مجمع بیا راوبولي د مجمع دا بلنه د پنځلسو ورځو په فاصله په جریدو کښې اعلانیږی او په دی وار د هغو سهم لرونکو د شمیر حضور چه له نیمایې پانگې څخه نمایندگي وکړی، کافی دی.

در اعلانات و دعوتنامه هائیکه برای دعوت به اجتماع به مالکین سهام با اسم تحریر می گردد، رویداد مذاکرات و تاریخ انعقاد و نتیجه مذاکرات سابقه هم درج می شود.

اگر نصاب مذاکره در اجتماع دوم هم کامل نگردد، اجتماع سوم در داخل مدت اجتماع دوم به انعقاد دعوت می شود.

برای این اجتماع حضور و نمایندگی از ثلث سرمایه شرکت کافیهست، ولی برای اعتبار تصویبات شرط است که دو ثلث آرائی که اصالتاً یا وکالتاً حاضر شده اند، رای داده باشند.

ماده ۳۷۳:

تصویبی که از طرف مجمع عمومی راجع به تعدیل مواد اساسنامه شرکت بعمل می آید، قبل از ثبت و اعلان به محکمه تجارتي محلی که مرکز شرکت باشد، معتبر نیست.

په اعلاناتو او هغو غوښتنپاڼو کښې چه غونډې ته د اسهامو د خاوندانو راغوښتلو دپاره سره له نومه لیکلي کيږي، د خبرو اترو اوریدو او د ټولني دغونډې نېټه او د پخوانيو خبرواترو نتیجه هم داخلېږي.

که د خبرو اترو نصاب په دوهمه غونډه کښې پوره نشي نو د دوهمي غونډې په موده کښې دريمه غونډه مجلس ته رابلله کيږي.

ددی ټولني دپاره د شرکت له پانگې څخه د ثلث حضور او نمایندگی کافي دی. مگر د تصویبونو د اعتبار دپاره شرط دی چه د هغو رأیو چه اصالتاً یا وکالتاً حاضر شوی او رایي يي ورکړی وي، دوه ثلثه وي.

ماده ۳۷۳:

هغه تصویب چه د شرکت د اساسنامي د موادو د تعدیل په خصوص کښې د عمومي مجمع له خواکيږي، پخوا له ثبت او اعلان څخه د هغه محل په تجارتي محکمه کښې چه د شرکت مرکز دی، د اعتبار وړ نه دی.

ماده ۳۷۴:

پدی صورت چه عمومی مجمع د اساسنامی د مواد و د تعدیل دپاره پولنی ته غوښتله کیږي، باید د تعدیل متن هم د (۳۵۶) مادی له مخې علاقه لرونکو ته اعلان شي.

ماده ۳۷۴:

در صورتی که مجمع عمومی برای تعدیل مواد اساسنامه دعوت به اجتماع می‌شود، باید متن تعدیل هم به موجب ماده (۳۵۶) به علاقه مندان اعلان شود.

ماده ۳۷۵:

تر هغه وخته چه د شرکت ابتدائی پانگه ورکړی شوی نه وي، عمومی مجمع نشي کولای چه د نویو اسهامو د صدور او د پانگې د زیاتولو دپاره تصمیم ونیسي.

ماده ۳۷۵:

تاوقتی که سرمایه ابتدائی شرکت تأدیبه نشده، مجمع عمومی نمی‌تواند به صدور سهام جدید و تزئید سرمایه تصمیم بگیرد.

ماده ۳۷۶:

پدی صورت چه عمومی مجمع شرکت د پانگې زیاتولو په باره کښې د نویو سهمونو د صدور دپاره تصمیم ونیسي نو مربوط اسناد وروسته د قانونیه مراسمو له تکمیل څخه د مدیره هیئت او نظار هیئت له گډې بیان نامي سره یو ځای د ملي اقتصاد وزارت ته سپارلی کیږي او د وزارت د مقام له تصدیق څخه وروسته مراتب په تجارتي محکمه کښې ثبت او اعلانیږي.

ماده ۳۷۶:

در صورتی که مجمع عمومی درباره تزئید سرمایه شرکت با صدور سهام جدید تصمیم بگیرد، اسناد مربوطه پس از تکمیل مراسم قانونیه با یک بیان نامه مشترک هیئت مدیره و هیئت نظار به وزارت اقتصاد ملی سپرده شده، پس از تصدیق مقام وزارت مراتب به محکمه تجارتي ثبت و اعلان می‌شود.

۳۷۷ ماده:

پدی صورت کنبی چه د نویو سهمونو په بدل جنس وي نو دهغو مقرراتو په موجب چه پدی خصوص کنبی د شرکت په لومړی تأسیس کنبی د هغی پیش بینی شوی ده، اجراء کیری.

ماده ۳۷۷:

در صورتی که بدل سهام جدید جنس باشد، به موجب مقرراتی که درین باره در ابتدای تأسیس شرکت پیش بینی شده اجراء می شود.

۳۷۸ ماده:

که پانگی زیاتول د قانون د احکامو له مخی نه وي شوی، بی اثره دی او د مدیره او نظار هیئتونه د شرکت او دریمو کسانو په مقابل کنبی له دی حیثه په گډه سره مسئول بلل کیری.

ماده ۳۷۸:

اگر تزئید سرمایه مطابق احکام قانون بعمل نیامده باشد، بی اثر بوده و هیئت مدیره و نظار در مقابل شرکت و اشخاص ثالث از این حیث جمعاً مسئول شمرده می شوند.

۳۷۹ ماده:

که د عمومی مجمع په تصویب کنبی د پانگی د زیاتولو په خصوص کنبی کوم ممانعت موجود نه وي نو هر یو سهم لرونکی کولای شی چه له نویو سهمونو خخه د هغه سهم په تناسب چه د شرکت په پانگه کنبی یی لری، سهمونه واخلي. مدیره هیئت صادره سهمونه چه سهم لرونکو ته ورکول کیری، اعلانوی او د سهم لرونکو د رد یا

ماده ۳۷۹:

اگر در تصویب مجمع عمومی راجع به تزئید سرمایه ممانعتی موجود نباشد، هر یکی از سهامداران می توانند از سهام جدید به تناسب سهمی که در سرمایه شرکت دارند، به اخذ سهام بپردازند. هیئت مدیره سهام صادره را که به سهامداران داده می شود، اعلان می کند و در اعلان راجع به قبول و یا رد سهامداران یک

مدتی که کم از چهار هفته نباشد، تعیین می شود.

ماده ۳۸۰:

تصویبی که از طرف مجمع عمومی راجع به تنقیص سرمایه به عمل می آید، باید ترتیب و طرز اجرای تنقیص را هم دربر داشته باشد.

ماده ۳۸۱:

بعد از اعلان و ثبت تصویب مجمع عمومی راجع به تنقیص سرمایه، دائینین ذریعه سه مرتبه اعلان در جراید دعوت می شوند. علاوه، به داینینی که نزد شرکت معلوم اند، دعوت نامه های علیحده هم فرستاده می شود.

قبل از ختم تاریخ اعلان اخیر، داینینی که طلبات ایشان ثابت شود، در صورت درخواست، قروض ایشان پرداخته می شود. برای تصفیه معاملات به داینین از تاریخ اعلان تنقیص تا مرور دو سال به سهامداران تأدیه بعمل نمی آید.

قبول به خصوص کنبی یوه دومره موده چه له خلورو هفتو خخه لرنه وی، تاکله کیبری.

ماده ۳۸۰:

هغه تصویب چه د عمومی مجمع له خوا دیانگی د تنقیص په باره کنبی کیبری باید د تنقیص داجراء ترتیب او طرز هم پکنبی وی.

ماده ۳۸۱:

د پانگی د تنقیص په خصوص کنبی د عمومی مجمع د تصویب له اعلان او ثبت خخه وروسته پوروالان په جرائدو کنبی د درې وارو اعلان په ذریعه راغوبنتل کیبری. برسیره پدی هغو پور والانو ته چه شرکت ته معلوم دی، خانگړی او مخصوص غوبنتنیانې هم لیرلی کیبری.

د وروستی اعلان د نېټې له ختم خخه پخوا هغه پوروالان چه طلبات یی ثابت شی د غوبنتنی په صورت، د دوی پورونه ورکول کیبری. د پوروالانو د معاملاتو د تصفیی دپاره د تنقیص د اعلان له نېټې خخه تر دوو کالو پورې سهم لرونکو ته خه نه ورکول کیبری.

۳۸۲ ماده:

د پانگي په تنقيص کښي که د اسهامو تنزيل د مبادلي يا تاپه کولو په ډول او يا په بل صورت مناسب ليدلي شوي وي دا ترتيب اعلانيري. هغه اسهام چه سره د اطلاع را نه وړل شي، ممکن دي چه باطل شي. مگر په هغو اعلانو کښي چه شرکت ته د اسهامو د اعادي په خصوص کښي کيږي، بايد صريحاً د ابطال په خصوص کښي اخطار ورکړ شي.

ماده ۳۸۲:

در تنقيص سرمايه اگر تنزيل سهام بطور مبادله يا تاپه نمودن و يا صورت ديگري مناسب ديده شده باشد، اين ترتيب اعلان مي شود. سهامی را که با وجود اطلاع آورده نشده باشد، ممکن است ابطال نمود. ولي در اعلايکه در مورد اعاده سهام به شرکت بعمل می آيد، بايد صريحاً راجع به ابطال اخطار داده شود.

۳۸۳ ماده:

وروسته له هغه چه د پانگي د تنقيص په خصوص کښي معاملات پای ته ورسيدل، کيفيت د مديره هيئت له خوا د تجارت د ثبت په دائره کښي ثبت او اعلانيري.

ماده ۳۸۳:

بعد از آنکه معاملات راجع به تنقيص سرمايه انجام يافت، کيفيت از طرف هيئت مديره به دايره ثبت تجارت ثبت و اعلان می گردد.

پنځمه برخه

د سهم سندونه

حصه پنجم

اسناد سهم

۳۸۴ ماده:

د سهم سندونه يا په نوم يا بي نومه وي.

ماده ۳۸۴:

سندات سهم با اسم و يا بی اسم می باشد.

ماده ۳۸۵:

د شرکت له ثبت څخه پخوا نه
بنایې چه د سهم سندونه یا مؤقتي
سندونه چه د سهم د اسنادو په
عوض وي صادر شي.

ماده ۳۸۵:

قبل از ثبت شرکت سندات
سهم و یا اسناد مؤقتی که عوض
اسناد سهام می باشند، نباید
صادر شود.

ماده ۳۸۶:

پدی صورت چه د هغه په خلاف د
شرکت په اساسنامه کښې مقرر
شوی نه وي لږم دی چه د سهم
سندونه له نوم سره وي.

ماده ۳۸۶:

در صورتی که خلاف آن در
اساسنامه شرکت مقرر نشده
باشد، لږم است که سندات
سهم با اسم باشد.

ماده ۳۸۷:

د شرکت په اساسنامه کښې که په
بي نومه سهمونو باندی د نوم
لرونکو سهامو دتبدیل نه راوستلو
په خصوص کښې یاددی په عکس
کوم شرط داخل شوی وي، د
اعتبار وړ دی.

ماده ۳۸۷:

اگر در اساسنامه شرکت
شرطی راجع به تبدیل
نیافتن سهام با اسم به
سهام بی اسم و یا
بالعکس درج گردیده باشد،
معتبر است.

ماده ۳۸۸:

په بي نومه سهامو باندی د نوم
لرونکو سهامو د تبدیل دپاره
شرط دی چه ټول قیمت بي ورکړی
شوی وي، که د نوم لرونکو سهامو
قیمت د اخیستل شوی قیمت څخه
زیات وي، زاید مبلغ باید
واخیستل شي.

ماده ۳۸۸:

برای تبدیل سهام با اسم به
سهام بی اسم شرط است که
تمام قیمت آن پرداخته شده
باشد و اگر قیمت سهام یا
اسم از قیمت محرز آن زیاد
باشد، مبلغ زاید باید اخذ
شود.

ماده ۳۸۹:

د سهم هغه سندونه چه ټول قيمت يي ورکړی شوی نه وي او هغه مؤقتي اسناد چه د سهم له سندونو څخه پخوا سهم لرونکو ته د دوي د اشتراک د حق د معلومولو د پاره ورکړی کيږي، بايد نوم لرونکی وي.

ماده ۳۸۹:

سندات سهمی که قيمت آن تماماً پرداخته نشده باشد و اسناد مؤقتی که قبل از سندات سهم به سهم داران برای معلوم ساختن حق اشتراک ایشان داده می شود، باید که با اسم باشد.

ماده ۳۹۰:

دسهم هر سند د شرکت په مقابل کښي د ويشلو وړ ندي. که د سهم د سند ملکیت په څو تنو پورې اړه ولري، هغوي کولای شي چه د شرکت په مقابل کښي خپل حقوق يواځي د وکیل د ټاکلو په واسطه تثبیت کړي.

ماده ۳۹۰:

هر سند سهم در مقابل شرکت غير قابل تقسيم است. اگر ملکیت سند سهم متعلق به چند نفر باشد، می توانند حقوق خود شانرا در مقابل شرکت تنها بواسطه تعيين وکیل تثبیت کنند.

ماده ۳۹۱:

د سهم سندونه بايد د هغه شخص لاس ليک ولری چه د شرکت په نامه د لاس ليک واک ولری. د سهم په سند کښي دی د شرکت عنوان، نپته د تأسيس اعلان او د سهم د سندونو شمير د شرکت د پانگي اندازه او د اسهامو قيمت قيد شي. لاس ليک د ټاپي يا مهر په شکل هم جواز لری.

ماده ۳۹۱:

سندات سهم باید دارای امضای شخصی باشد که به نام شرکت صلاحیت امضاء را دارد. در سند سهم عنوان شرکت، تاریخ اعلان تأسیس و تعداد سندات سهم با مقدار سرمایه شرکت و قیمت های سهام قید شود، امضاء بشکل تاپه یا مهر هم مجاز است.

ماده ۳۹۲:

د سهم هر سند باید لږ تر لږه (سل) افغانی قیمت ولری. د صدور سند د سهم سند دی له سلو افغانیو څخه لږ نه وي مگر په دی شرط چه په اساسنامه کښې بل ډول ټاکل شوی وی.

ماده ۳۹۲:

هر سند سهم باید اقلأ (صد) افغانی قیمت داشته باشد. سند صدور سند سهم کمتر از یکصد افغانی مجاز نیست مگر بشرطی که در اساسنامه طور دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۹۳:

د سهم په نوم لرونکو سندو کښې باید د مالک نوم، کسب او د استوگنې ځای ولیکل شي او د شرکت له خوا په مخصوص دفتر کښې قید شي.

ماده ۳۹۳:

در سندات سهم با نام باید اسم، پیشه و مسکن مالک نوشته شده و از طرف شرکت در دفتر مخصوص قید شود.

ماده ۳۹۴:

که د هغه په خلاف د شرکت په اساسنامه کښې پیش بینی نه وي شوی نو کولای شي چه د سهم نوم لرونکی سندونه بي د شرکت له موافقي څخه بل ته انتقال کړی.

ماده ۳۹۴:

اگر بر خلاف آن در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد، سندات سهم با نام را می توان بدون موافقت شرکت بدیگری انتقال داد.

ماده ۳۹۵:

کولای شي چه نوم لرونکی د سهم سند د ظهر نویسی په ذریعه یا په ځانگړی لیکنه بل ته انتقال کړی او د شرکت او دریمو کسانو په مقابل کښې ددی انتقال د اعتبار دپاره لازم دی چه د شرکت له خوا په

ماده ۳۹۵:

سند سهم با نام را می توان با ظهر نویسی و یا با سند تحریری جداگانه بدیگری انتقال داد و برای اعتبار این انتقال به مقابل شرکت و اشخاص ثالث لازم است که از

طرف شرکت به دفتر مخصوص قید شود و قید در اثر نشان دادن سند سهم و یا سند انتقال از طرف گیرنده سهم عملی می‌شود.

ماده ۳۹۶:

تصاحب و انتقال سندات سهم بی نام در مقابل شرکت و اشخاص ثالث تنها به تصرف معتبر شناخته می‌شود.

ماده ۳۹۷:

سهمداری که قیمت یک سند سهم را تأدیه نمی‌کند، از روزی که لایم الاداء می‌باشد، به پرداخت تکت پولی قانونی آن خساره که ازین حیث به شرکت وارد شده باشد مجبور است. مقرر است که راجع به تأدیه یک مبلغ معین بنام جبران خساره از رهگذر معطلی پرداخت قیمت سندات سهم در اساسنامه شرکت مندرج باشد، معتبر است.

مخصوص دفتر کنبی قید شی او دغه قید د سهم د سند او یا د سهم د اخیستونکی له خوا د انتقال د سند د بنکاره کولو په اثر عملی کیږي.

۳۹۶ ماده:

دسهم دبی نومه سندونو تصاحب او انتقال دشرکت او دریمو کسانو په مقابل کنبی یواځې په تصرف داعتبار وړ بلل کیږي.

۳۹۷ ماده:

هغه سهم لرونکی چه د سهم د یوه سند قیمت نه ورکوي له هغی ورځې څخه چه ورکړه یې لارمه ده د هغی د خساری د قانونی تکت پولی په ورکړه چه له دی لاری شرکت ته پینښه شوی وي مجبور دی. هغه مقررات چه د خساری د جبران په نامه چه د سهم د سندونو د قیمت د ورکړی د معطلی له لاری پینښ شوی وي که د یو ټاکلی مبلغ د ورکړی په خصوص کنبی د شرکت په اساسنامه کنبی مندرج وي، د اعتبار وړ ده.

ماده ۳۹۸:

پدی صورت کنبی چه یوه سهم لرونکی دخپل سهم قیمت ټول یایی لږ په خپل ټاکلي وخت نه وي ورکړی که د شرکت په اساسنامه کنبی ورته مقررات نه وي نو مدیره هیئت کولای شي چه په لاندی ډول اقدام وکړی:

هغه سهم لرونکی چه د سهم د اسنادو د قیمت ورکړه وځنډوي، دوي ته په روزنامه کنبی په یوه میاشت کي دوه ځله اخطار ورکول کیږي. هر اخطار د (۱۵) ورځو نه پس هر کت درې ورځې پرله پسې نشریږی.

که د وروستي اعلان له نېټې څخه په یوه میاشت کی دننه قیمت ورنکړی شي نو دی سهم لرونکو ته دوه نورو اخطارونه د لسو ورځو په فاصله کنبی ورکول کیږي چه د نه ورکړی په صورت به د خپل اشتراک ټول حقوق له لاسه ورکړی.

هغه سهم لرونکی چه په ټاکلي وخت روپي ورنکړی که په اساسنامه کنبی د هغه په خلاف څه نوي مقرر شوی د اشتراک حق

ماده ۳۹۸:

در صورتی که یک سهامدار قیمت سهم خود را تماماً و یا قسماً در وقت معین آن نپرداخته باشد، اگر در اساسنامه شرکت مقرراتی وجود نداشته باشد، هیئت مدیره می تواند به قرار آتی اقدام نماید:

سهمداران کی در پرداخت قیمت اسناد سهم تأخیر کنند، برای ایشان در روزنامه ها دو اخطار در ظرف یکماه داده می شود. هر اخطار به فاصله (۱۵) روز که در هر مرتبه سه روز متوالیاً نشر شود بعمل می آید.

اگر از تاریخ اعلان اخیر در ظرف یکماه قیمت پرداخته نشود، به سهامدار مذکور دو اخطار دیگر به فاصله های ده روز ابلاغ می شود که در صورت عدم پرداخت، تمام حقوق اشتراک خود را از دست خواهد داد.

سهمدارانی که در وقت معینه پول را نپردازند اگر در اساسنامه بر خلاف آن مقرر نشده باشد، حق اشتراک را ضایع می کنند. این

کیفیت هم بصورت جداگانه اعلان می شود.

بعد از اجرای این ترتیب شرکت اسهام مربوطه را به قیمت بورس و یا بطور مزایده به فروش رسانده، اسناد سابق را باطل و عوض آن اسناد جدید اعطا می نماید. در این اسناد مبالغ تأدیه شده و اقساط باقیمانده درج می گردد اگر مبلغ تحصیل شده از درک فروش اسناد سهمیکه به موجب این ماده فروخته می شود از مبلغ معین سند مذکور کم باشد، فرق آن از مالک اول سند گرفته می شود.

ماده ۳۹۹:

در حال فروش یک سند سهم با نامی که قیمت آن تماماً پرداخته نشده باشد، مالک اول و کسانی که بعداً سند را خریده اند از مبلغ باقی سند مذکور در مقابل شرکت جمعاً مسئول می باشند. مسئولیت انتقال دهندگان از تاریخ درج انتقال در دفتر شرکت بعد از سه سال ساقط می شود.

ضایع کوی د کیفیت هم په خانگړی صورت نشریږی.

ددی ترتیب له اجرانه وروسته په شرکت مربوطه اسهام یا د بورس په قیمت یا د مزاندی په ډول پلوري، پخواني سندونه، باطلوي او د هغو په ځای نوي اسناد ورکوي. په دی اسنادو کښې ورکړی شوی پیسي او پاتي قسطونه د اخلیرې، که د سهم د هغو سندونو د پلورلو له درکه چه ددی مادی په موجب پلورل کیږي تحصیل شوی مبلغ ددی سند له ټاکلي مبلغ څخه لږ وي نو دهغو فرق د سند له لومړي مالک څخه اخیستل کیږي.

ماده ۳۹۹:

دیوه نوم لرونکی سهم د سند دپلورلو په حال کښې چه قیمت ئي ټول نه وي ورکړی شوی لمړی مالک او وروسته هغه کسان چه دغه سندئ پیروډلي دی ددی سند له پاتي پیسو څخه د شرکت په مقابل کښې په گډه سره مسئول دی. د انتقال ورکونکو مسئولیت د شرکت په دفتر کښې د انتقال د درج له نېټې څخه وروسته له درې

کالونه ساقطیږي. د سهم د سند د پاتي پیسو له ورکړې نه پخوا انتقال ورکوونکی حق لري چه وروسته له ده نه یو د انتقال ورکوونکی څخه او یا د سند وروستني خاوند ته د هغو پیسو د پاره چه ورکړې یې دی رجوع وکړي.

۴۰۰ ماده:

د سهامی شرکت له قطعي تشکیل څخه پخوا بل ته د سهم د سندونو انتقال جائز نه دی.

۴۰۱ ماده:

د هغه سهم د سندونو انتقال چه د جنس په مقابل کښې ورکړې شوی وي د شرکت له تشکیل څخه د دوه کالوله تیریدونه وروسته ممکن دی.

۴۰۲ ماده:

که د سهم یو سند یا مؤقتي سند داسي وروست او خراب شوی وي چه استعمال یې غیرممکن وي مگر اصلي مندرجات او فارقه علامي یې په ځای او د لوستو وړ وي، خاوند یې کولای شي چه د مصارفو له ورکولو نه وروسته له

قبل از پرداخت بقیه مبلغ سند سهم، انتقال دهنده حق دارد به یکی از انتقال دهندگان بعد از خود و یا آخرین دارنده سند برای مبلغی که تأدیه نموده است، رجوع کند.

ماده ۴۰۰:

قبل از تشکیل قطعی شرکت سهامی انتقال سندات سهم بدیگری جائز نیست.

ماده ۴۰۱:

انتقال سندات سهمی که مقابل جنس داده شده باشد، بعد از مرور دو سال از تشکیل شرکت ممکن است.

ماده ۴۰۲:

اگر یک سند سهم و سند مؤقتی طوری پوسیده و خراب شده باشد که استعمال آن غیر ممکن ولی مندرجات اصلی و علامه فارقه آن بلا تردد قابل فهم باشد، صاحب آن حق دارد با پرداخت مصارف از شرکت

شرکت خخه د سهم نوي سند او
مؤقت سند و غواری.

سند سهم و سند مؤقت جديد
طلب نمايد.

شپږمه برخه
د پور اسناد

حصه ششم
اسناد قرض

۴۰۳ ماده:

سهامي شرکتونه کولای شي
چه پور وکړي. پور کول د هغو
اسنادو له مخې چه مساوي
قيمت او يو عبارت ولري
کيږي.

ماده ۴۰۳:

شرکت های سهامی می توانند
استقراض کنند. استقراض به
موجب اسنادی که دارای قیمت
مساوی و عبارت واحد باشد
بعمل می آید.

۴۰۴ ماده:

تر هغه وخته پوري چه د صادره
قرض د اسنادو قیمت ټول پوره
شوی نه وي په هيڅ شان د پور
نور اسناد نشي صادرېدای.

ماده ۴۰۴:

تا زمانی که قیمت اسناد
قرض صادره تماماً استیفاء
نشده، هیچگونه اسناد قرض
دیگر صادر شده نمی تواند.

۴۰۵ ماده:

د هغه پور اسناد چه سهامي
شرکتونه يي صادروي نه بنایي چه
د شرکت د ورکړ شويو شتو او
پانگې له هغي اندازي خخه چه د
وروستني بيلانس په موجب
تصديق شوی او معلوم شوی وي،
تیری وکړي.

ماده ۴۰۵:

اسناد قرضی که شرکتهای
سهامی صادر می کنند، نباید
از مقدار تأدیه شده سرمایه و
دارایی شرکت که به موجب
آخرین بیلانس تصدیق
شده معلوم شده تجاوز
کند.

ماده ۴۰۶:

که خه هم د سهامی شرکت په اساسنامه کښې د پور د اسنادو د صدور دپاره اجازه ورکړې شوی وي، خو سره له هغه د عمومي مجمع تصویب هم لازم دی. ددی تصویب د اعتبار دپاره د (۳۷۲) مادی د لومړۍ برخې د مندرجه اکثریت او خبرو اترو نصاب شرط دی.

دا تصویب باید د تجارت د ثبت په دفتر کښې ثبت او اعلان شي.

ماده ۴۰۶:

اگر چه در اساسنامه شرکت سهامی برای صدور اسناد قرض اجازه داده شده باشد، مع ذلک تصویب مجمع عمومی نیز لازم است. برای اعتبار این تصویب نصاب مذاکره و اکثریت مندرجه قسمت اول ماده (۳۷۲) شرط است.

این تصویب باید به دفتر ثبت تجارت ثبت و اعلان شود.

ماده ۴۰۷:

مدیره هیئت چه د پور د اسنادو د خپرولو دپاره اقدام کوي، باید بیان نامه په لاندی ډول نشر کړی:

۱- نوم، موضوع، مرکز او د شرکت د دوام موده.

۲- د شرکت د پانگې اندازه.

۳- د شرکت د اساسنامې نېټه او که په هغې کښې کوم تعدیلات پښی شوی وي، د هغو نېټه سره له هغو نیتو چه اعلان شوی دی.

۴- د مصدقه بیلانس له مخې د شرکت مالي وضعیت.

۵- د پور د اسنادو ټول قیمت او شرکت ته د ورکړې صورت، د هر

ماده ۴۰۷:

هیئت مدیره که برای نشر اسناد قرض اقدام می‌کند، باید بیان نامه به شرح ذیل نشر نماید:

۱- اسم، موضوع، مرکز و مدت دوام شرکت.

۲- اندازه سرمایه شرکت.

۳- تاریخ اساسنامه شرکت و اگر در آن تعدیلات بعمل آمده باشد، تاریخ های آن با تاریخ هایی که اعلان شده.

۴- وضعیت مالی شرکت نظر به بیلانس مصدقه.

۵- مجموع قیمت اسناد قرض و صورت تأدیه به شرکت با

قيمت هر سند، مقدار تکت پولی، نوعیت سند از لحاظ با نام و یا بی نام بودن، صورت و زمان ادای قرض از طرف شرکت.

۶- تاریخ ثبت و اعلان تصویبی که راجع به صدور اسناد قرض از طرف مجمع عمومی شده باشد.

۷- اگر اموال منقوله و غیر منقوله شرکت بسبب اسناد قرض که قبلاً صادر گردیده باشد و یا بسبب دیگری تحت رهن و یا تضمین نشان داده شده باشد، این بیان نامه باید اقلأً پانزده روز قبل از صدور اسناد قرض، نشر و اعلان گردد.

مادة ۴۰۸:

در ورقه تعهد خریداری اسناد قرض شرایط بیان نامه ماده (۴۰۷) درج می گردد.

مادة ۴۰۹:

در اسناد قرض علاوه از مندرجات بیان نامه، قیمت و شرایط تأدیه تکت پولی هم درج می شود. سند قرض باید اقلأً از طرف دو عضو هیئت مدیره امضاء شود.

سند قیمت، د تکت پولی اندازه، د نوم لرونکی او بی نومه په لحاظ د سند ډول، د شرکت له خوا د پور د ورکړی وخت او صورت.

۶- د هغه تصویب د ثبت او اعلان نېټه چه د پور د اسنادو د صدور په خصوص کښې د عمومي مجمع له خوا شوی وي.

۷- که د شرکت منقوله او غیر منقوله مالونه د پور د هغو اسنادو په سبب چه پخوا صادر شوی وي او یا په بل سبب تر گروی یا تضمین لاندی راغلي وي، دا بیان نامه باید لږترلږه پنځه لس ورځې پخوا د پور د اسنادو له صدور څخه نشر او اعلان شي.

۴۰۸ ماده:

د پور د اسنادو د پیروډلو د تعهد په پاڼه کښې د (۴۰۷) مادې د بیان نامې شرطونه داخلېږی.

۴۰۹ ماده:

د پور په اسنادو کښې برسېره د بیان نامې په مندرجاتو د تکت پولی قیمت او د ورکړی شرطونه هم داخلېږی. د پور سند باید لږ ترلږه د مدیره هیئت د دوه تنو غړیو له خوا لاس لیک شي.

ماده ۴۱۰:

د مدیره هیئت غری چه د پور له مربوطو احکامو څخه خلاف رفتاری وکړی، د علاقو لرونکو کسانو په مقابل کېنې په گډه سره مسئول دی.

ماده ۴۱۰:

اعضای هیئت مدیره که مخالف احکام مربوطه به قرض رفتار کنند، در مقابل اشخاص ذیعلاقه جمعاً مسئول اند.

ماده ۴۱۱:

د پور د اسنادو د مالکینو د عمومي مجمع له غونډې نه پخوا مدیره هیئت باید د اسنادو د مالکینو د تدقیق دپاره د متداوله پور د اسنادو یو جدول جوړ کړی.

ماده ۴۱۱:

قبل از اجتماع مجمع عمومی مالکین اسناد قرض هیئت مدیره باید یک جدول اسناد قرض متداوله را برای تدقیق مالکین اسناد تهیه کنند.

ماده ۴۱۲:

په سهامی شرکت کېنې د پور د نوم لرونکی سند د قید دپاره د ثبت یو دفتر جوړول کېږی.

ماده ۴۱۲:

در شرکت سهامی برای قید سند قرض با نام یک دفتر ثبت ترتیب داده می شود.

ماده ۴۱۳:

مدیره هیئت او نظار هیئت د ضرورت په وخت کېنې کولای شي چه د عمومي مجمع په شان د پور د اسنادو خاوندان ټولني ته راوغواړی. دپور د اسنادو خاوندان چه لږ ترلږه د متداوله پور د اسنادو د قیمت د پنځمی خاوندان وی کولای شی چه د پور د اسنادو د

ماده ۴۱۳:

هیئت مدیره و هیئت نظار عندالایجاب می توانند مالکین اسناد قرض را مثل مجمع عمومی دعوت به اجتماع نمایند. مالکین اسناد قرض که مالک پنج یک قیمت اسناد قرض متداول باشند، می توانند انعقاد مجمع

عمومی مالکین اسناد قرض را تقاضا کنند. هیئت مدیره و نظار مکلف اند که به تقاضای آنها ترتیب اثر بدهند، دعوت مالکین اسناد قرض تابع به احکام مخصوص دعوت به اجتماع عمومی سهامداران است.

ماده ۴۱۴:

مجمع عمومی مالکین اسناد قرض صلاحیت دارند که در موارد ذیل ابراز رای و تصویب نمایند:

۱- تنقیص یا رفع و یا الغای تضمینات مخصوصه سند قرض.

۲- تمدید میعاد تکت پولی، تنزیل مقدار و یا تعدیل شرایط تأدیه تکت پولی.

۳- تمدید مدت و تعدیل شرایط استهلاك قرض.

۴- اخذ و قبول سندات سهامی بعوض اسناد قرض.

۵- تعیین یک و یا چند نفر وکیل برای رسیدگی در موارد فوق.

خاوندانو د عمومی مجمع د ٲولني تقاضا وکړی. مدیره هیئت او نظار هیئت مکلف دی چه د دوی تقاضا پر ځای کړی، د پور د اسنادو د خاوندانو را غوښتل د ٲولو سهم لرونکو ٲولني ته د غوښتني د مخصوصو احکام تابع دی.

ماده ۴۱۴:

د پور د اسنادو د مالکینو عمومی مجمع واک لری چه په لاندی موادو کښي رای او تصویب ورکړی:

۱- د پور د سند د مخصوصو تضمیناتو تنقیص، یا رفع یا لغو کول.

۲- د تکت پولی د میعاد اوږدول، او د تکت پولی د ورکړی د اندازي تنزیل او یا د شرایطو تعدیل.

۳- د پور د استهلاك د شرطونو تعدیل او د مودی اوږدول.

۴- د پور د اسنادو په عوض د سهامو د سندونو اخیستل او قبولول.

۵- په پورته موادو کښي د رسیدگی دپاره د یوه یا څو تنو وکیلانو ټاکل.

ماده ۴۱۵:

لپاره ددی چه د (۴۱۴) مادی (۱) -
 ۲-۳-۴) برخو مقرراتو د پور د
 اسناد و د مالکینو په حق کښې
 معتبر وي نو باید د اسنادو د
 خاوندانو دوه ثلثه یې تصویب
 کړي. د نوموړی مادی په پنځمه
 فقره کښې د هغو مالکینو رای چه
 د پور نیمایي اسناد تمثیل کړی،
 کافی دی.

ماده ۴۱۵:

برای این که مقررات حصه (۱) -
 ۲-۳-۴) ماده (۴۱۴) در حق
 مالکین اسناد قرض معتبر
 باشد، باید دو ثلث ارباب
 اسناد تصویب نمایند، در
 فقره پنجم ماده مذکور
 رای مالکین که نصف اسناد
 قرض را تمثیل کنند،
 کافیست.

اوومه برخه

**دسهم د اسنادو او د پور د اسنادو
 ضیاع**

حصه هفتم

**ضیاع اسناد سهم و
 اسناد قرض**

ماده ۴۱۶:

هغه شرکتونه چه بي نومه سهمونه
 او دپور بي نومه سندونه يي صادر
 کړی وي، قیمت او گټې يي يواځې
 حامل ته ورکولای شي.

ماده ۴۱۶:

شرکت هایی که سهام بی نام و
 اسناد قرض بی نام صادر کرده
 باشند قیمت و منافع را تنها
 بحامل اعطا کرده می توانند.

ماده ۴۱۷:

که د پور یا د سهم بي نومه سند
 دکوم علت له مخې له حامل څخه
 ورک شي او صادرکونکي شرکت
 څخه د تجارت د محکمي د ثبت د
 خانگي په ذریعه د ورکړی دنه
 اجراء له امله تحريري تقاضا وشي

ماده ۴۱۷:

اگر سند سهم و یا سند
 قرض بی نام به علتی از
 علل از نزد حامل مفقود
 شود و به شرکت صادر کننده
 ذریعه شعبه ثبت محکمه تجارت
 عدم اجرای تأدیه کتباً تقاضا

و هر نوع مسئولیت تأخیر تأدیه قبول شود، شرکت از تأدیه خودداری خواهد نمود.

اگر از تاریخ اطلاع الی بیست روز تصویبی راجع بر منع تأدیه از طرف محکمه تجارتی به شرکت تبلیغ نمی‌گردد، تقاضای مذکور بی اثر است.

ماده ۴۱۸:

تقاضای تحریری باید محتوی تفصیلات ذیل باشد:

- ۱- عدد قیمت و نمبرهای اسناد سهم و اسناد قرض.
- ۲- اگر نشر اسناد قرض و سهم متعدد باشد تذکر آن.
- ۳- کیفیت مفقودی و اگر ممکن باشد، زمان و مکان اخذ تکت پولی و یا مفاد.

ماده ۴۱۹:

شخصی که به موجب ماده (۴۱۸) ذوالیدی او از سند سهم و یا سند قرض زایل می‌شود، در صورتی که به محکمه تجارتی محل شرکت مراجعت کند، محکمه دلایل صحت ادعای او را استیضاح می‌کند.

او د ورکری د تأخیر هر ډول مسئولیت قبول شي، شرکت به د ورکړې نه ځان ژغوري.

که د اطلاع له نېټې ترشلو ورځو پورې د ورکړې د منع په خصوص کښې د تجارتي محکمي له خوا شرکت ته تبلیغ ونشي نو دا تقاضا بي اثره ده.

ماده ۴۱۸:

په تحريري تقاضا کښې باید دا لاندی تفصیلات درج وي:

- ۱- د پور د اسنادو او د سهم د اسنادو د قیمت عدد او لمبرونه.
- ۲- که د پور او سهم د اسنادو نشر متعدد وي، د هغو تذکر.
- ۳- د ورکړې کیفیت او که ممکن وي د تکت پولی او د گټې د اخیستو زمانه او ځای.

ماده ۴۱۹:

هغه څوک چه د (۴۱۸) مادی په موجب د هغه د سهم د سند او یا د پور د سند ذوالیدی زائلېږي، پدی صورت چه د شرکت محل تجارتي محکمي ته مراجعه وکړي، محکمه دده ادعا د صحت د دلالتو استیضاح کوي.

که موجوده قریني په دی باب کښې کافي وي نو شرکت له ورکړو څخه منع کوي او خپل قرار په جريدو کښې اعلانوي. که د اعلان له نېټې څخه د دوو کالو په موده کښې يو شخص پيداشي او تجارتي محکمي ته مراجعه وکړي، محکمه په هغې رسيدگي کوي او لارمه فيصله صادروي. که پدی موده کښې کوم سړی دعوی ونکړي نو محکمه د هغه شخص د مراجعي په اثر چه د پور د سند او د سهم د سند د ذواليدی د زوال ادعایي کړيده، د ټکټ پولی يا مفاد په ورکړه امر کوي او دا سړی د مالک په حيث پيژندل کيږي. دا تصویب وروسته له اعلان څخه لارم الاجراء دی.

۴۲۰ ماده:

د پور او د سهم د بي نومه اسناد و د ذواليدی د سلب په سبب د استحقاق دعوي يواځې په هغه چاباندی اقامه کيږي چه دا سندونه يي موندلي او يايي غلا کړی او يايي له هغه چاخڅه چه ورباندی پوه وي چه حقيقي حامل يي نه دی، اخیستي وي.

اگر قرائن موجوده درین باب کافی باشد، شرکت را از تادیات منع و قرار خود را در جراید اعلان می کند. اگر در ظرف دو سال از تاریخ اعلان شخصی پیدا و به محکمه تجاریه مراجعه کند، محکمه به آن رسیدگی کرده، فیصله لارم صادر می کند. اگر در ظرف مدت مذکور شخصی دعوی نکند، محکمه به اثر مراجعه کسیکه ادعای زوال ذوالیدي سند سهم و سند قرض را نموده امر به اعطای تکت پولی یا مفاد می نماید و نامبرده بحیث مالک شناخته می شود. این تصویب بعد از اعلان لارم الاجراء است.

ماده ۴۲۰:

دعوای استحقاق به سبب سلب ذوالیدي اسناد سهم و اسناد قرض بی نام صرف علیه شخصی اقامه می شود که سندات مذکور را یافته و یا دزدی کرده و یا دانسته از شخصی که حامل حقیقی آن نیست، گرفته باشد.

۴۲۱ ماده:

هر هغه چا چه خپل د سهم او پور نوم لرونکی اسناد له لاسه ورکړي وي او شرکت ته مراجعه وکړي او مثني يې وغواړي، پدی صورت چه د ثبت له مخې د پور د سند او د سهم د سند شخص حقيقي خاوند ثابت شي، د مدیره هیئت د تصویب په موجب مثني ورکوله کيږي.

ماده ۴۲۱:

شخصی که اسناد سهم و اسناد قرض با نام خود را از دست داده باشد و با مراجعه به شرکت مربوطه خواهان مثني شود، در صورتی که از روی ثبت شخص صاحب حقيقي سند سهم و یا سند قرض ثابت شود، به موجب تصویب هیئت مدیره مثني داده می شود.

۴۲۲ ماده:

ټول هغه مصارف چه د سهم د سند یا د پور د سند دپاره چه ذوالیدی يي زائله شوی وي لازميږي. سره له هغو مصارفو چه د (مثني) د ورکړي په نسبت د شرکت له خوا غوښتل کيږي، د سندونو په مالک پورې اړه لري.

ماده ۴۲۲:

تمام مصارفي که برای سند سهم و یا سند قرض که ذو الیدی آن زایل شده لازم می شود. با مصارفي که نسبت اعطای (مثني) از طرف شرکت مطالبه می شود، عاید به مالک سند است.

اتمه برخه

د انونيم (سهامي شرکتو) پنگول او تصفيه

حصه هشتم
انحلال و تصفيه شرکت های
سهامی (انونيم)

۴۲۳ ماده:

سهامي شرکتونه د لاندینيو علتو څخه دیوه په پيښدلو سره پنگيږي:
۱- د ټاکلي مودی پای ته رسيدل.

ماده ۴۲۳:

شرکتهای سهامی در صورت وقوع یکی از علل ذیل منحل می شود:
۱- ختم مدت معینه.

- ۲- د شرکت د مقصد حصول او یا د هغه د امکان سلبیدل.
- ۳- د (۳۱۴) مادې له مخې د شرکت د پانګې د دوو ثلثو ضایع کېدل.
- ۴- په دې صورت چه ټول سهم لرونکی له پنځو تنو څخه لږ شي.
- ۵- د داسې کوم سبب څرګندیدل چه په اساسنامه کېنې د پښتو او بلبل شی.
- ۶- د یوه شرکت له بل شرکت سره یووالی.
- ۷- د شرکت افلاس.
- ۸- د (۳۷۲) مادې د لومړۍ برخې سره سم د شرکت د عمومي مجمع له خوا د شرکت د پښتو او تصویب.
- ۲- حصول مقصد شرکت و یا سلب امکان آن.
- ۳- به موجب ماده (۳۱۴) ضیاع دو ثلث سرمایه شرکت.
- ۴- در صورتی که مجموع سهامداران از پنج نفر کم شود.
- ۵- ظهور سببی که در اساسنامه موجب انحلال شمرده شده باشد.
- ۶- اتحاد شرکت با شرکت دیگری.
- ۷- افلاس شرکت.
- ۸- تصویب انحلال شرکت از طرف مجمع عمومی به موجب حصه اول ماده (۳۷۲).

ماده ۴۲۴:

اگر بعد از تشکیل قطعی شرکت تعداد سهامداران از پنج نفر کم شود و انحلال شرکت اعلان نگردد، هر شخص ذی‌علاقه با مراجعه به محکمه می‌تواند انحلال شرکت را مطالبه کند.

ماده ۴۲۵:

داینین شرکت با مراجعه به محکمه می‌توانند انحلال

ماده ۴۲۴:

که د شرکت له قطعي تشکیل نه وروسته د سهم لرونکو شمېر له پنځو تنو څخه لږ شي او د شرکت پښتو او اعلان نشي نو هر علاقه لرونکی شخص محکمي ته د مراجعي سره کولای شي چه د شرکت پښتو او غواړی.

ماده ۴۲۵:

د شرکت پوروالان محکمي ته په مراجعه سره کولای شي چه د هغه

شرکتی را که دو ثلث سرمایه خود را ضایع کرده باشد تقاضا نمایند. اگر شرکت در مقابل طلبات داینین به محکمه تأمینات مقتضیه را بدهد، محکمه نمی‌تواند به انحلال شرکت حکم صادر کند.

ماده ۴۲۶:

اگر انحلال شرکت (غیر از افلاس) مستند بعلت دیگری باشد، موضوع از طرف هیئت مدیره سه مرتبه هفته یکبار اعلان می‌گردد که داینین تا مدت یکسال حقوق خود را از شرکت اخذ نمایند.

مبدأ این مدت از تاریخ نشر اعلان سوم است.

ماده ۴۲۷:

اگر یک شرکت سهامی غیر از افلاس بعلت دیگری منحل شده باشد، متعاقباً تصفیه می‌شود.

ماده ۴۲۸:

اگر مامورین تصفیه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشند، مجمع عمومی حین انحلال شرکت هیئت تصفیه را تعیین

شرکت انحلال چه دوه ثلثه خپله پانگه یی ضایع کری وی وغواری که شرکت دپوروالاتو د طلباتو په مقابل کښې محکمی ته مقتضیه تأمینات ورکری، محکمه د شرکت په انحلال حکم نشي صادرولای.

ماده ۴۲۶:

که د شرکت انحلال (غیر له افلاسه) په بل علت مستند وی نو موضوع د مدیره هیئت له خوا درې کرته په هفته کښې یوکرته اعلانیږی چه پوروالان دی تر یو کال پورې خپل حقوق له شرکت څخه واخلي.

ددی مودی شروع ددریم اعلان د خپریدو له نېټې څخه کیږي.

ماده ۴۲۷:

که یو سهامی شرکت غیر له افلاسه په بل علت سره منحل شوی وی وروسته له هغه تصفیه کیږي.

ماده ۴۲۸:

که د تصفیه مامورین د شرکت په اساسنامه کښې پیش بینی شوی نه وی نو عمومی مجمع د شرکت د انحلال په وخت کښې د تصفیه

هیئت تاکی.

می نماید.

۴۲۹ ماده:

ماده ۴۲۹:

که د تصفیي مامورین د اساسنامي پسه موجب او یا د عمومي مجمع په تصویب تاکلي شوی نه وي، د تصفیي وظیفي د مدیره هیئت له خوا اجراء کیږي.

اگر مامورین تصفیه بموجب اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی تعیین نگرديده باشند، وظایف تصفیه از طرف هیئت مدیره اجراء می شود.

۴۳۰ ماده:

ماده ۴۳۰:

د تصفیي مامورین چه د اساسنامي له مخې او یا د عمومي مجمع په تصویب تاکل کیږي او یا مدیره هیئت د (۴۲۹) مادی له مخې د تصفیي وظیفي اجراء کوي، د عمومي مجمع له خوا د عزل او تبدیل وړ دی.

مامورین تصفیه که بموجب اساسنامه و یا تصویب مجمع عمومی تعیین می گردند و یا هیئت مدیره به موجب ماده (۴۲۹) وظایف تصفیه را اجراء می کنند، از طرف مجمع عمومی قابل عزل و تبدیل اند.

۴۳۱ ماده:

ماده ۴۳۱:

د منحل شوی شرکت شته د پورونو له اداء څخه وروسته د سهمونو په تناسب د سهم لرونکو په منځ کښې وپشل کیږي. هغه کسان چه د دفترنو او نورو

دارایی شرکت منحل شده بعد از تسویه دیون به تناسب سهام بین سهامداران تقسیم می شود. اشخاصی که از روی دفاتر و دیگر وثایق معتبر

دائن دانسته می‌شوند، ذریعۀ مکتوب راجستری برای اخذ حقوق شان دعوت می‌گردند.

طلبات اشخاصیکه حاضر نمی‌شوند و یا حق ایشان هنوز مختلف فیه می‌باشد، به یک بانک معتبر تودیع می‌گردد.

مامورین تصفیه که مخالف هدایت فوق حرکت کنند و مبالغی را غیر حق بپردازند، شخصاً و جمعاً مسئول اند.

ماده ۴۳۲:

اوراق و دفاتر شرکت سهامی منحل شده در اختتام تصفیه به اثر مراجعۀ مامورین تصفیه و یا اشخاص ذی‌علاقه از طرف محکمۀ مربوطه تجارتی در جایی که لازم بدانند، برای پانزده سال حفظ می‌شود.

ماده ۴۳۳:

احکام مواد (۲۰۵)، (۲۰۶)، (۲۰۷)، (۲۰۸)، (۲۰۹)، (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۲۱۸)، (۲۱۹)، (۲۲۰)، (۲۲۱)، (۲۲۲)، (۲۲۳)، (۲۲۴)، (۲۲۵)، (۲۲۶)

معتبر و وثیقو له مخی پوروال بلل کیږي، د خپلو حقوقو اخیستلو دپاره د راجستري لیکونو په ذریعۀ رابلل کیږي.

د هغو کسانو طلبات چه نه حاضریری او یا یی حقوق تر اوسه پورې په اختلاف کښې وي، یو معتبر بانک ته سپارل کیږي.

د تصفیی مامورین چه له پاسنی بنوونې څخه چپ حرکت وکړی او غیر حق پیسی ورکړی یواځې او په گډه سره مسئول دی.

ماده ۴۳۲:

د منحل شوی سهامی شرکت پانې او دفترونه د تصفیی په پای کښې د تصفیی د مامورینو او یا د علاقه لرونکو کسانو د مراجعی په اثر د تجارتی مربوطی محکمی له خوا په داسی ځای کښې چه لازم یی وبولی، تر پنځلسو کالو پورې ساتل کیږي.

ماده ۴۳۳:

د (۲۰۵)، (۲۰۶)، (۲۰۷)، (۲۰۸)، (۲۰۹)، (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۲۱۸)، (۲۱۹)، (۲۲۰)، (۲۲۱)، (۲۲۲)، (۲۲۳)، (۲۲۴)، (۲۲۵)، (۲۲۶)، (۲۲۷)، (۲۲۸)

(۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۲)، (۲۳۳)
 (۲۳۹)، (۲۴۰)، (۲۴۱) مادو احکام
 په سهامی شرکتو کښې هم تطبیق
 کېږي.

ماده ۴۳۴:

هغه وظیفې چه له (۲۱۷) مادی
 سره سم مدیرانو ته سپارلی شوی
 دی د سهامی شرکتونو په تصفیه
 کښې د مدیره هیئت له خوا په ځای
 کېږي.

ماده ۴۳۵:

سهامی شرکتونه له انحلال
 څخه وروسته هم د تصفیی د
 معاملاتو تر پای ته رسیدلو
 پورې موجود بلل کېږي.
 او که د تصفیی هیئت لازم وبولي،
 کولای شي چه د مربوطه چارو د
 تصویب دپاره عمومي مجمع
 غونډې ته را وغواړي.

ماده ۴۳۶:

د تصفیی مامورین د شرکت حاضر
 وضعیت گوری او د شتو دفتر او
 بیلاس یې جوړوي او عمومي
 مجمع ته یې وړاندی
 کوي.

(۲۲۷)، (۲۲۸)، (۲۲۹)، (۲۳۰)
 (۲۳۲)، (۲۳۳)، (۲۳۹)، (۲۴۰)
 (۲۴۱) در شرکتهاى سهامی نیز
 تطبیق می شود.

ماده ۴۳۴:

وظایفی که مطابق ماده (۲۱۷)
 به مدیران سپرده شده است،
 در تصفیه شرکتهاى سهامی از
 طرف هیئت مدیره ایفاء
 می شود.

ماده ۴۳۵:

شرکتهاى سهامی بعد از
 انحلال نیز تا انجام
 معاملات تصفیه موجود
 شمرده می شوند.
 و اگر هیئت تصفیه لازم ببینند
 می توانند مجمع عمومی را
 برای تصویب امور مربوطه به
 اجتماع دعوت کند.

ماده ۴۳۶:

مامورین تصفیه وضعیت حاضر
 شرکت را تدقیق و دفتر دارایی و
 بیلاس را ترتیب نموده برای
 تصویب به مجمع عمومی تقدیم
 می دارند.

مادہ ۴۳۷:

دکار پہ پای کنبی دتصفیہ مامورین مؤطف دی چه یو نہایی او قطعی حساب جو کپی او عمومی مجمع ته ئی و سپاری.

مادہ ۴۳۷:

در ختم کار مامورین تصفیہ مؤظفند که یک حساب نہائی و قطعی ترتیب و به مجمع عمومی بسپارند.

مادہ ۴۳۸:

د تصفیہ مامورین مکلف دی چه خپلی وظیفی په یو کال کنبی پای ته ورسوي او که د تصفیہ د معاملاتو اکمال دیو کال په موده کنبی ممکن نه وي، د تصفیہ مامورین باید دکال په پای کنبی د تصفیہ نتیجی سره له هغو اسبابو چه د تصفیہ د اکمال مانع شوی دی عمومی مجمع ته ابلاغ کپی او د تصفیہ د کار د ادامی دپاره تصویب حاصل کپی.

مادہ ۴۳۸:

مامورین تصفیہ مکلف اند که وظایف خود را در ظرف یک سال به انجام رسانند. اگر اکمال معاملات تصفیہ در ظرف یک سال ممکن نباشد، مامورین تصفیہ باید در اخیر سال نتایج تصفیہ را با اسبابی که مانع اکمال تصفیہ شده به مجمع عمومی ابلاغ و برای ادامه عمل تصفیہ تصویب حاصل نمایند.

مادہ ۴۳۹:

د تصفیہ مامورین چه مالونه د عمدہ په ډول پلوري، د عمومی مجمع په تصویب اخیستو بانندی مکلف دی.

مادہ ۴۳۹:

مامورین تصفیہ در فروش اموال بطور عمدہ فروشی مکلف به اخذ تصویب مجمع عمومی می باشند.

مادہ ۴۴۰:

د شرکت خالصه دارایی چه د سهم لرونکو په منخ کنبی د هغو روپو په تناسب ویشله کیږي. د ترجیحی

مادہ ۴۴۰:

دارایی خالص شرکت در بین سهامداران به تناسب مبالغی که پرداخته اند تقسیم می شود.

او امتیازی سهمونو په خصوص کښې (که د امتیازی سهم قیمت ورکړی شوی نه وي) که په اساسنامه کښې پیش بینی شوی نه وي، د عمومي مجمع د تصویب له قراره رفتار کيږي.

۴۴۱ ماده:

که د سهامی شرکت انحلال له یوه بل شرکت سره دیوالی په اثر شوی وي، لاندني احکام تطبیق کيږي:

۱- د ادارې چاري په هغه شرکت پورې چه د یووالی په نتیجه کښې نوي تشکیل شویدی، اړه لري، مگر لازم دی چه منحل شوی شرکت شته د پوروالو د طلباتو د ورکړې تر وخته پورې ځانگړی اداره او تصفیه شي.

۲- د هغي محکمي واک چه منحل شوی شرکت د یووالی تر وخته پورې د هغي تابع وي، تر هغي مودی چه ددی شرکت شته ځانگړی اداره کيږي هم دوام کوي.

۳- د نوي شرکت د مدیره هیئت غړی د شرکت د چارو د ادارې دپاره ددی مادی د لومړۍ فقري د حکم تر اجراء پورې یواځې او په

راجع به سهام ترجیحی و امتیازی (اگر قمیت سهم امتیازی تأدیة نشده باشد) اگر در اساس نامه پیش بینی نشده باشد، به قرار تصویب مجمع عمومی رفتار می شود.

ماده ۴۴۱:

اگر انحلال شرکت سهامی در اثر اتحاد با یک شرکت دیگر صورت گرفته باشد، احکام آتیه تطبیق می شود:

۱- امور اداره به شرکتی که جدیداً در نتیجه اتحاد تشکیل یافته مربوط است، اما لازم است که دارایی شرکت منحل شده تا وقتی که تادیة طلبات دائنین مستقلاً اداره و تصفیه شود.

۲- صلاحیت محکمه که شرکت منحل شده تا زمان اتحاد تابع آن بوده، الی مدتی که دارایی این شرکت جداگانه اداره می شود نیز دوام می کند.

۳- اعضای هیئت مدیره شرکت جدید تا اجرای حکم فقرة اول این ماده برای اداره امور شرکت

گدہ سرہ مسئول دی.

۴- د شرکت د انحلال موضوع د تجارتی ثبت پہه دایرہ کنبی ثبت او اعلانیروی.

۵- د دوو یو شویو شرکتو مالونہ پہه (۴۳۸) مادہ کنبی د تاکل شوی مودی تر تہ بدلو پوری یو له بل سرہ گدی دای نشی.

شخصاً و جمعاً مسئول اند.

۴- موضوع انحلال شرکت به دایرہ ثبت تجارتی ثبت و اعلان می شود.

۵- اموال دو شرکت متحده تا مرور مدت معینہ مادہ (۴۳۸) به یکدیگر ممزوج نمی شود.

نہمہ برخہ

د نفع او ضرر حساب

حصہ نہم

حساب نفع و ضرر

۴۴۲ مادہ:

د گتو پہه ویشلو کنبی لہ تر لہ له هغو خخہ پہه سلو کنبی پنخہ د شرکت د احتمالی ضررونو د پوره کولو دپارہ د احتیاطی پانگی پہه نامہ ساتلی کیری. احتیاطی پانگہ چه پدی ډول ټولیری (که په اساسنامہ کنبی د هغی د زیاتوالی په باره کنبی کوم صراحت موجود نه وي) وروسته له هغه چه د شرکت د پانگی څلورمی ته ورسیری، نوری پیسی نه ساتلی کیری. که دسهمونو قیمت د هغو له ټاکلی قیمت خخہ زیات وي، د قیمت زیاتوالی یی هم ممکن دی چه په

مادہ ۴۴۲:

د توزیع منافع اقلأ پنج فیصد آن بنام سرمایہ احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی شرکت نگهداشته می شود. سرمایہ احتیاطی که با این صورت جمع می شود (اگر در اساسنامہ راجع به زیادت آن صراحتی موجود نباشد) بعد از آن که به ربع سرمایہ شرکت برسد، دیگر مبلغی نگهداشته نمی شود. اگر قیمت سهام از قیمت های معینہ آنها زیادت تر باشد، زیادگی قیمت نیز ممکن است به سرمایہ احتیاطی

علاوه شود. بعد از آن که سرمایه احتیاطی به مقدار یکه در اساسنامه و یا قانون تعیین گردیده برسد، باز به هر سببی که باشد تناقض کند، مطابق ترتیب متذکره فقره اول تا وقت اكمال نقصان دوباره به نگهداشت منافع ادامه داده می شود.

ماده ۴۴۳:

تا زمانی که ضررهای شرکت جبریه نشود و مبلغ سرمایه احتیاطی به موجب ماده (۴۴۲) وضع نگردد، منافع توزیع نمی شود. منافی که مخالف این حکم توزیع گردد، غیر حقیقی محسوب شده و احکام ماده (۴۴۴) راجع به آن تطبیق می شود.

ماده ۴۴۴:

اگر مفاد از روی سوء نیت از قبیل عدم موجودیت بیلانس و یا نشان دادن مفاد غیر حقیقی در بیلانس) توزیع گردیده باشد، مسترد می شود. حق دعوی استرداد منافع غیر حقیقی بعد پنج سال از مدتی که در اساسنامه برای توزیع منافع معین است،

احتیاطی پانگه و زیات شی. وروسته له هغه چه احتیاطی پانگه هغی اندازی ته چه په اساسنامه یا قانون کسبې ټاکلي شوی وي ورسپړی او بیا په هر سبب چه وي نقصان ومومي، د لمړنۍ فقري له ذکر شوی ترتیب سره سم د نقصان د پوره کېدو تر وخته پورې دگټو ساتني ته ادامه ورکول کېږي.

۴۴۳ ماده:

تر هغه وخته پورې چه د شرکت زیانونه پوره نشي او د (۴۴۲) مادی له مخې د احتیاطی پانگې رویی وضع نشي، گټې نه ویشلي کېږي. هغه گټې چه له دی حکم نه چپي وویشلې شي، غیر حقیقی بللی کېږي او د هغو په باره کسبې د (۴۴۴) مادی حکم تطبیقېږي.

۴۴۴ ماده:

که مفاد د بد نیت له مخې (لکه د بیلانس نشتوالی او یا په بیلانس کسبې غیر حقیقی گټې بنودل) ویشلي شوی وي، مستردېږی د غیر حقیقی گټو د استرداد د دعوي حق وروسته له پنځو کالو له هغی مودی چه په اساسنامه کسبې دگټو ویشلو دپاره ټاکلي دی

ساقطیبری.

ساقط می گردد.

۴۴۵ ماده:**ماده ۴۴۵:**

د سهم د سند دپاره د شرکت داساسنامي يا د عمومي مجمع په ذریعه ټکټ پولی نه منل کیږي او نه ټاکله کیږي - مگر د هغو شرکتو سهم لرونکو ته چه د هغو کار موضوع د لويي پانگې ټولول وي او دا ترتیب د مودی د تیریدو متضمن وي، د شرکت د متعهدده پانگې د ټولي شوی برخي دپاره منتها په سلو کښې پنځه ټکټ پولی ورکول کیدای شي په شرط ددی چه له پنځو کالو څخه زیاتی ونکړی. هغه پیسې چه په دی صورت د ټکټ پولی له درکه ورکول کیږي د ابتدائي تاسیساتو د مصارفو په شان په بیلانس کښې معامله کیږی.

برای سند سهم ذریعه اساسنامه شرکت و یا تصویب مجمع عمومی تکت پولی قبول و تعیین نمی شود، لیکن به سهامداران شرکت هاییکه موضوع فعالیت آنها جمع شدن سرمایه بزرگ بوده و این ترتیب متضمن مرور مدت باشد، برای قسمت جمع شده سرمایه متعهدده شرکت منتها پنج فیصد تکت پولی داده شده می تواند مشروط بر اینکه از پنج سال تجاوز نکنند. مبالغی که به این صورت از درک تکت پولی تأدییه می شود، مانند مصارف تأسیسات ابتدائیه در بیلانس معامله می شود.

۴۴۶ ماده:**ماده ۴۴۶:**

که احتیاطي پانگه د هغه کسر د پوره کولو دپاره چه له ضرر څخه پیدا شوی وي کفایت ونکړی، د ټول ضرر د پوره کولو تر وخته پوري گټې په سهم لرونکو نشي ویشل کیدای.

اگر سرمایه احتیاطی برای تلافی کسر ناشی از ضرر کفایت نکنند، تا زمان تلافی تمام ضرر منافع به سهامداران تقسیم شده نمی تواند.

پنجم فصل سهامی مختلط تضامنی شرکتونه

ماده ۴۴۷:

سهامی مختلط تضامنی شرکتونه عبارت له هغو شرکتو څخه دی چه په هغو کښنې یو یا زیات شمیر شریکان د شرکت د پورونو په مقابل کښنې تضامنی او غیر محدود مسئولیت لري. پدی حال کښنې چه بل شمېر شریکان فقط د هغو سهامو په اندازه چه په شرکت کښنې یی لري مسئول دی.

ماده ۴۴۸:

یو د بل سره متضامن شریکانو حقوقه مناسبات او په عمومي صورت له محدود المسئولیت سهم لرونکو سره او له دریمو کسانو سره او په تیره بیا د شرکت د اداری او په خارج کښنې د هغه د نمایندگی په خصوص کښنې صلاحیتونه او له شرکت څخه وتل، د مختلطو تضامنی شرکتو د احکامو تابع دی. په نورو خصوصیاتو کښنې که پدی فصل کښنې دهغه په خلاف تصریح نه وي

فصل پنجم شرکتهای تضامنی مختلط سهامی

ماده ۴۴۷:

شرکتهای تضامنی مختلط سهامی عبارت از شرکتهایی است که در آن یک یا تعداد بیشتری از شرکاء در مقابل دیون شرکت مسئولیت تضامنی و غیر محدود دارند، در حالی که عده دیگری از شرکاء فقط به اندازه سهامی که به شرکت دارند مسئول می باشند.

ماده ۴۴۸:

مناسبات حقوقیه شرکای متضامن با یکدیگر و بصورت عمومی با سهامداران محدود المسئولیت و با اشخاص ثالث و بالخاصه صلاحیت های راجع به اداره شرکت و نمایندگی آن در خارج و خروج از شرکت، تابع به احکام شرکتهای تضامنی مختلط می باشد. در خصوصیات دیگر اگر خلاف آن درین فصل تصریح نشده باشد، احکام شرکتهای

شوی، د سهامی شرکتو احکام تطبیق کیری.

۴۴۹ ماده:

د سهامی مختلط تضامنی شرکت په اساسنامه کښې پرته له (۶) فقري نوري ټولې فقري چه په (۲۷۰) ماده کښې ذکر شوی وي داخلیری. د سهامی مختلط تضامنی شرکتو په خصوص کښې د (۲۷۱) مادی حکم نه جاري کیری.

۴۵۰ ماده:

د سهامی مختلط تضامنی شرکت اساسنامه باید د ټولو متضامنو شریکانو له خوا لاس لیک شي او ټول هغه کسان چه د اساسنامی په جوړولو کښې گډون کوي مؤسس بلل کیری. مؤسسین له پنځو تنو څخه لږیدای نشي او لږ ترلږه باید یوتن له مؤسسینو څخه متضامن شریک وي. محدود المسئولیت شریکان چه د مؤسس په حیث پیژندل کیری باید د هغو سهمونو اندازه چه مالک یې دی په اساسنامه کښې درج شي.

سهامی تطبیق می شود.

ماده ۴۴۹:

د اساسنامه شرکت تضامنی مختلط سهامی غیر از فقره (۶) تمام فقرات دیگری که در ماده (۲۷۰) ذکر شده درج می شود. حکم ماده (۲۷۱) راجع به شرکتهاى تضامنی مختلط سهامی جاری نیست.

ماده ۴۵۰:

د اساسنامه شرکت تضامنی مختلط سهامی باید از طرف عموم شرکای متضامن امضاء شود و تمام اشخاصی که در تنظیم اساسنامه اشتراک می کنند، مؤسس شمرده می شوند. مؤسسین از پنج نفر کمتر شده نمی تواند و اقلای یکی از مؤسسین باید از شرکای متضامن باشد. شرکای محدود المسئولیت که به حیث مؤسس شناخته شوند باید مقدار سهامی را که مالک می باشند در اساسنامه درج شود.

ماده ۴۵۱:

د سهامی مختلطو تضامنی شرکتونو د متضامنو شریکانو په باره کښې د سهامی شرکتونو د مدیره هیئت د وظیفو او مسئولیت په خصوص کښې احکام جاري دی.

ماده ۴۵۱:

احکام راجع به وظایف و مسئولیت هیئت مدیره شرکت‌های سهامی درباره شرکاء متضامن، شرکت‌های تضامنی مختلط سهامی هم جاریست.

ماده ۴۵۲:

د سهامی مختلطو تضامنی شرکتو مدیران د هغو شرطونو او احوالو په دائره کښې چه د تضامنی شرکتونو د مدیرانو د عزل دپاره ټاکل شوی دی، د عزل وړ دی.

ماده ۴۵۲:

مدیران شرکت‌های تضامنی مختلط سهامی در دایره شرایط و احوالی که برای عزل مدیران شرکت‌های تضامنی تعیین شده قابل عزل اند.

ماده ۴۵۳:

لکه چه یو متضامن شریک نشي کولای بی د شرکت د نورو متضامنو شریکانو له اجازي څخه په تجارتي ډول چه د شرکت موضوع ده معامله وکړی، په همدی شان نشي کولای چه په یو بل داسي تضامنی شرکت کښې چه په همغه ډول تجارت بخت وي، د متضامن شریک په صفت داخل شي. هغه متضامن شریک چه ددی حکم په خلاف رفتار وکړی، د (۱۵۹) مادې مقررات د هغه په باره کښې تطبیقېږی. که متضامن

ماده ۴۵۳:

یک شریک متضامن طوری که نمی‌تواند بی اجازه شرکای متضامن دیگر شرکت به نوع تجارتي که موضوع شرکت است معامله کند، همچنان نمی‌تواند به یک شرکت تضامنی دیگری که به همان نوع تجارت مشغول باشد، به صفت شریک متضامن داخل شود. شریک متضامنی که برخلاف این حکم رفتار کند، مقررۀ ماده (۱۵۹) درباره آن تطبیق می‌شود. اگر شرکای متضامن و یا هیأت نظار

شريكان او يا نظار هيئت په بل
شرکت کښې د يوه متضامن شريک
په اشتراک او يا د هغه په تجارتي
عمل چه ددی مادی له مقراتو څخه
چپ يي رفتار کړی وي د وقوع له
نېټې څخه تر يو کال پورې
اعتراض ونکړی، د اعتراض حق
يې ساقطېږي.

۴۵۴ ماده:

د عمومي مجمع د تصويبونو اجراء
(په داسې حال کښې چه د شرکت
په اساسنامه کښې د هغو په خلاف
نور مقررات موجود نه وي) په نظار
هيئت پورې اړه لري.

۴۵۵ ماده:

نظار هيئت په هغو دعوو کښې چه
د متضامنو شريکانو او د محدود
المسئوليت شريکانو د عمومي
مجمع ترمنځ پيښ شي، د محدود
المسئوليتو شريکانو نمايندگي
کولای شي. مگر دا صلاحيت د
محدود المسئوليتو شريکانو د
عمومي مجمع په تصويب سره
خصوصي وکيلانو ته هم سپارل
کيدای شي.
متضامن شريکان د نظار هيئت په
جمله کښې شامليدای نشي.

اشتراک شريک متضامنې را به
شرکت ديگرو ويا عمل
تجارتي او را که برخلاف
مقررات اين ماده رفتار کرده
باشد از تاريخ وقوع
تا يک سال اعتراض نمايند،
حق اعتراض ساقط
می شود.

ماده ۴۵۴:

اجرای تصویبات مجمع
عمومی (در حالی که در
اساسنامه شرکت مقررات دیگری
بر خلاف آن موجود نباشد)
مربوط به هیئت نظار است.

ماده ۴۵۵:

هیئت نظار در دعاوی ای که میان
شرکای متضامن و مجمع عمومی
شرکاء محدود المسئولیت واقع
شود، شرکای محدود
المسئولیت را نمایندگی
می توانند. لیک این صلاحیت با
تصویب مجمع عمومی شرکاء
محدود المسئولیت به وکلای
خصوصی هم سپرده شده
می تواند.
شرکای متضامن در جمله هیئت
نظار شامل شده نمی توانند.

شپږم فصل محدود المسئولیت شرکتونه

فصل ششم شرکتهای محدود المسئولیت

۴۵۶ ماده:

هغه تجارتي شرکت چه پانگه يي په سهمونو نه وي ویشل شوی او د هر شریک مسئولیت په شرکت کښې دده د متعهد پانگې په اندازه وي، محدود (لمیتد) بلل کيږي.

ماده ۴۵۶:

شرکتهای تجارتي ای که سرمایه آن غیر منقسم با سهام بوده و مسئولیت هر شریک محدود باندازه سرمایه متعهد او در شرکت باشد، محدود (لمیتد) نامیده می شود.

۴۵۷ ماده:

پرته د بیمې له چارو دهر ډول معاملاتو دپاره محدود شرکت تشکیلیدای شي.

ماده ۴۵۷:

غیر از امور بیمه برای هر نوع معاملات شرکت محدود تشکیل شده می تواند.

۴۵۸ ماده:

لمیتد شرکت د ملي اقتصاد د وزارت په اجازه جوړيږي. د اجازي په درخواست کښې لازم دی چه د ټولو شریکانو او یا د دوی د مصدقو وکیلانو لاس لیکونه داخل شي. باید د شرکت ټوله پانگه تعهد او لږ ترلږه نیمایي پانگه ورکړی شوی وي.*

ماده ۴۵۸:

شرکت لمیتد به اجازه وزارت اقتصاد ملی تشکیل می یابد. در درخواست اجازه لازم است که امضاء تمام شرکاء و یا وکیل های مصدق ایشان درج گردد. باید تمام سرمایه شرکت تعهد و اقلأ نصف آن تأدیه شده باشد.*

۴۵۹ ماده:

په محدودو شرکتو کښې د شریکانو شمیر لږ ترلږه دوه او

ماده ۴۵۹:

در شرکتهای محدود عدد شرکا اقلأ دو و اکثراً

* ایزاد ماده ۴۵۸ در بخش تعديلات این قانون آمده.

پنجاه نفر است در شرکت محدود سرمایه نباید کمتر از یکصد هزار افغانی باشد.

ماده ۴۶۰:

در شرکت‌های محدود بعد از عنوان کلمه (محدود) علاوه شود. همچنین در تمام اوراق و اسناد در زیر عنوان شرکت مقدار سرمایه درج گردد.

ماده ۴۶۱:

اسناد اشتراک در شرکت محدود با اسم است. انتقال آن مقید به موافقه اکثریت شرکائیکه سه ربع سرمایه را نمایندگی کنند، می‌باشد. اگر در عوض سرمایه، اشیاء داده شده باشد، در ظرف سه سال اول تشکیل شرکت، به دیگری انتقال داده شده نمی‌تواند.

ماده ۴۶۲:

شخصی که یک مقدار از سرمایه مستعده را تأدیه نکرده و حصه خود را انتقال دهد، شرکت می‌تواند باقیمانده سرمایه را از

زیات یی پنخوس تنه دی. په محدود شرکت کبني باید پانگه له سلو زرو افغانو څخه لږ نه وي.

۴۶۰ ماده:

په محدودو شرکتو کبني دی وروسته له عنوان څخه د (محدود) کلمه زیاته شي. همدا ډول په ټولو پاڼو او اسنادو کبني دی د شرکت تر عنوان لاندی دپانگي اندازه داخله شي.

۴۶۱ ماده:

په محدودو شرکت کبني د اشتراک اسناد نوم لرونکی دی. د هغو انتقال د هغو زیاتو شریکانو په موافقه پورې تړلي دی چه د پانگي د درې ربع نمایندگي وکوي. که د پانگي په ځای شيان ورکړي شوی وي، د شرکت د تشکیل په لمړيو دريو کالو کبني بل ته انتقال کيدای شي.

۴۶۲ ماده:

هغه چا چه يوه اندازه تعهد کړی پانگه نه وي ورکړی او خپله برخه انتقال کړی، شرکت کولای شي چه پاتي پانگه له لمړی شخص او یا د

انتقال اخیستونکی خخه و غواری.

مگرد انتقال له نپتهی خخه د دوکالو له تیریدونه وروسته یواځی له انتقال اخیستونکی خخه د غوښتنې وړ ده.

۴۶۳ ماده:

محدود شرکت د یوه یا خوتنو مدیرانو له خوا چه د شریکانو له خوا یا له د باندی خخه ټاکل کیږي، اداره کیږي. مدیران یا د شرکت په مقوله کښې یا د شریکانو په ورستني تصویب سره ټاکل کیږي.

۴۶۴ ماده:

د شرکت مدیران د قانون یا اساسنامي په خلاف اجراآتو کښې شخصاً یا په گډه سره مسئول دی.

۴۶۵ ماده:

په هغو شرکتو کښې چه د شریکانو شمېر یې له شلو تنو خخه زیات وي د عمومي مجمع ټولنه د هغو مراسمو او قیودو تابع ده چه د سهامی شرکتونو په خصوص کښې پیش بینی شوی دی. په هغو شرکتو کښې چه شریکان یې له

شخص اول و یا انتقال گیرنده مطالبه نماید.

ولی بعد از مرور دو سال از تاریخ انتقال، تنها از انتقال گیرنده قابل مطالبه می باشد.

ماده ۴۶۳:

شرکت محدود از طرف یک و یا چند مدیری که از طرف شرکاء و یا از خارج تعیین می شوند، اداره می گردد. مدیران یا در مقوله شرکت یا در اثر تصویب بعدی شرکاء تعیین می شوند.

ماده ۴۶۴:

مدیران شرکت در اجراآت خلاف قانون یا اساسنامه شخصاً و جمعاً مسئول اند.

ماده ۴۶۵:

در شرکت هایی که عدد شرکاء از بیست نفر متجاوز باشد، اجتماع مجمع عمومی تابع به مراسم و قیود است که در مورد شرکت های سهامی پیش بینی شده است. در شرکت هایی که شرکاء کمتر از بیست نفر باشند،

تصویبات برای شرکاء بعمل می آید.

در هر دو صورت لازمست که شرکائی که اقلأ نصف سرمایه را نمایندگی می کنند، بر له موضوع که تحت مذاکره است رأی داده باشند.

ماده ۴۶۶:

حکم ماده (۱۵۱) در شرکتهای محدود هم جاری است.

ماده ۴۶۷:

در تصویبات هر شریک به تناسب حصه خود دارای رأی می باشد.

ماده ۴۶۸:

در شرکتهای محدود که عدد شرکاء از پنج نفر تجاوز نکند، تعدیل مقاوله نامه با موافقت تمام شرکاء بعمل آمده می تواند. در شرکت هایی که شرکاء آن از پنج نفر تجاوز می کنند، موافقت آراء شرکائی که دو ثلث سرمایه را تمثیل می کنند، کافست.

ماده ۴۶۹:

به وفات و یا افلاس یکی از شرکاء شرکت فسخ نمی شود، اگر

شلتونو خخه لړ وي، تصویبونه د شریکانو په رأی سره کیږي.

په دواړو صورتونو لارمه ده هغه شریکان چه لړ تر لړه د نیمایي پانگې نمایندگي کوي، د هغی موضوع دپاره چه تر مذاکرې لاندی ده، رأی ورکړی.

ماده ۴۶۶:

د (۱۵۱) مادی حکم په محدودو شرکتو کښې هم جاری دی.

ماده ۴۶۷:

په تصویبونو کښې هر شریک د خپلې برخي په تناسب رأی لري.

ماده ۴۶۸:

په محدودو شرکتونو کښې چه د شریکانو شمېر له پنځو تنو خخه زیات نشي د ټولو شریکانو په موافقت مقاوله تعدیلیدای شي. په هغو شرکتو کي چه شریکان یي له پنځو تنو خخه زیات وي، د هغو شریکانو د رأیو موافقت چه دوه ثلثه پانگه ولري، کافي دی.

ماده ۴۶۹:

د یوه شریک په وفات یا افلاس شرکت نه فسخ کیږي. که شرکت له

شرکت مرکب از دو نفر باشد و یک شریک وفات یا افلاس کند، شریک دیگر عوض شریک متوفا دیگری را معرفی می‌کند و الا شرکت منحل می‌شود.

ماده ۴۷۰:

در شرکتهای محدود که عدد شرکاء آن از بیست نفر تجاوز می‌کند، یک و یا چند نفر عضو نظار موجود می‌باشد که مطابق احکام مربوطه به هیئت نظار شرکتهای سهامی اجراءات خواهند کرد.

تبصره:

در شرکتهای سهامی و لیمتد یک نفر نماینده دولت بنام کمیسر موجود خواهد بود تا در تطبیق مواد اصولنامه مراقبت بدارد. وظایف کمیسر به موجب تعلیمات نامه علیحده معین می‌گردد.

دو تنو خخه جوړ وي او يو شریک وفات یا افلاس وکړی نو بل شریک د مړه شریک په عوض بل معرفي کوي او که نه شرکت منحل کيږي.

ماده ۴۷۰:

په محدودو شرکتو کښې چه د شریکانو شمیر یې له شلو تنو خخه زیاتيږي، یو تن یا دوه تنه د نظار غړي موجود وي چه د سهامی شرکتو د نظار هیئت له مربوطو احکامو سره سم به اجراءات وکړي.

تبصره:

په سهامی او لیمتد شرکتو کښې به یو تن دولت نماینده د کمیسر په نامه موجود وي ترڅو د اصولنامی د موادو په تطبیق کښې مراقبت وکړي. د کمیسر وظیفی د ځانگړي تعلیماتنامی له مخې ټاکلي کيږي.

درپیم باب - تجارتی اسناد

لومری فصل

برات

لومری برخه - د برات لیکنه او شکل

باب سوم - اسناد تجارتی

فصل اول

برات

حصه اول - تحریر و شکل برات

۴۷۱ ماده:

برات باید دا لاندني شرطونه ولري:

۱- د برات کلمه د سند په متن کېنې په هره ژبه چه برات لیکلي شوی وي.

۲- د ټاکلي مبلغ د ورکړې امر بي له قید او شرط څخه.

۳- د (برات ورکونکي) مخاطب نوم.

۴- د ورکړې موده.

۵- د ورکړې ځای.

۶- د هغه چا نوم چه مبلغ ده ته او یا دده حواله ورکړی ته باید ورکړی شي.

۷- د برات د لیکلو ځای او نېټه.

۸- د برات د صادرونکي لاسلیک.

۴۷۲ ماده:

هغه سند چه د (۴۷۱) مادی له مندرجاتو څخه یو په کېنې نوي، د برات ماهیت به ونلري پرته له هغو حالاتو

ماده ۴۷۱:

برات باید محتوی شرایط ذیل باشد:

۱- کلمه برات در متن سند به هر زبانی که برات تحریر شده باشد.

۲- امر تأدیه مبلغ معین بلا قید و شرط.

۳- اسم مخاطب (تأدیه کننده برات).

۴- موعد تأدیه.

۵- محل تأدیه.

۶- اسم شخصی که مبلغ در وجه او و یا حواله کردش باید تأدیه شود.

۷- محل و تاریخ تحریر برات.

۸- امضای صادر کننده برات.

ماده ۴۷۲:

سندی که یکی از مندرجات ماده (۴۷۱) را حاوی نباشد، ماهیت برات را نخواهد داشت به استثنای

حالاتی که در فقرات ذیل ذکر گردیده است:

۱- براتی که موعود تأدیه در آن ذکر نشده باشد، عند الرویت قابل تأدیه دانسته می شود.

۲- در براتی که محل تأدیه ذکر نباشد، محلی که بعد از اسم مخاطب تحریر شده باشد، محل تأدیه شناخته می شود.

۳- براتی که محل صدور در آن ذکر نشده باشد، محلی که بعد از اسم صادر کننده مذکور باشد، محل صدور شناخته می شود.

ماده ۴۷۳:

برات را می توان قابل تأدیه به امر صادر کننده یا در وجه صادر کننده یا به حساب شخص ثالث تحریر کرد.

ماده ۴۷۴:

تأدیه برات را می توان در اقامتگاه شخص ثالث، چه در محل سکونت مخاطب باشد و چه در

چه په لاندنیو فقرو کنبی ذکر شوی دی:

۱- هغه برات چه د ورکړې موده پکنبې ذکر شوی نه وي د بنکارولو په وخت کنبې د ورکړې وړبلل کیږي.

۲- په هغه برات کنبې چه دور کړې ځای یې ذکر نه وي نو هغه ځای چه د مخاطب له نامه څخه وروسته لیکلي شوی وي، د ورکړې ځای بلل کیږي.

۳- هغه برات چه د صدور ځای پکنبې ذکر شوی نه وي نو هغه ځای چه د دوی صادر وونکي له نامه څخه وروسته وي د صدور ځای بلل کیږي.

ماده ۴۷۳:

د ورکړې وړ برات کیدای شي چه د صادر وونکي په امر یا د صادر وونکي په وجه یا دریم شخص په حساب و لیکل شي.

ماده ۴۷۴:

د برات ورکړه کیدای شي چه د دریم شخص د استوگنې په ځای کنبې وي او که د مخاطب د استوگنې په ځای کنبې وي او که

په بل ځای کښې وي، مشروط
کړی.

۴۷۵ ماده:

هغه برات چه د بنودلو په
وخت کښې او یا وروسته له
بنودني په ټاکلي موده کښې د
ورکړې وړ وي، صادرونکي کولای
شي چه دا شرط کيږدی چه د
ورکړې وړ مبلغ يې تکت پولي بللي
وي.

په نورو براتو کښې د تکت پولي
شرط معتبر ندی. د تکت
پولي اندازه باید ټاکلي وي،
که تکت پولي ټاکلي نه وي،
معتبر نه دی. که بله نېټه
مقرره شوی نه وي نو تکت
پولي به د برات د لیکلوله نېټې
څخه حساب شي.

۴۷۶ ماده:

په هغه برات کښې چه مبلغ هم په
حروفو او هم په ارقامو لیکلي شوي
وي. که په دواړو کښې توپیر پیدا
شي نو هغه مبلغ چه په حروفو
لیکل شوی دی د اعتبار وړ دی.

په هغه برات کښې چه مبلغ یواځې
په حروفو یا یواځې په ارقامو مکرر
لیکلي شوی وي او په منځ کښې

محل دیگری، مشروط
نمود.

ماده ۴۷۵:

براتی که عند السرویت و
یا در مدت معینی بعد از
ارائه قابل تأدییه باشد،
صادر کننده می تواند شرط
گذارد که مبلغ تأدییه،
تکت پولی دانسته
باشد.

در براتهای دیگر شرط تکت
پولی معتبر نیست. مقدار
تکت پولی باید تعیین شده
باشد در صورت عدم تعیین، تکت
پولی معتبر نیست. اگر تاریخ
دیگری مقرر نشده باشد، تکت
پولی از تاریخ تحریر برات حساب
خواهد شد.

ماده ۴۷۶:

در براتی که مبلغ هم بحروف و
هم به ارقام تحریر شده
باشد. اگر بین هر دو تفاوت
موجود شود، مبلغی که با حروف
تحریر گردیده معتبر است.

در براتی که مبلغ تنها با
حروف و یا تنها با ارقام مکرر
تحریر شده باشد و در بین آنها

یې توپیر پیدا شي، لږ مبلغ ته اعتبار ورکاوه کیږي.

۴۷۷ ماده:

د هغو کسانو لاس لیک چه په برات باندې د لاس لیک اهلیت او صلاحیت نلري، د واک لرونکو کسانو د لاس لیک په اعتبار کوم اثر نشي اچولي.

۴۷۸ ماده:

هغه کسان چه برات د یوه داسي شخص په نامه او حساب باندې چه د هغه وکالت نلري لاس لیک کړي نو هر ډول مسؤلیت چه د هغه برات په خصوص کښې پېښ شو، په دوي پورې اړه لري او دهغه وکیل په باره کښې چه د خپل واک له حدودو څخه تیري وکړي هم همدغه حکم معتبر دی.

۴۷۹ ماده:

د برات قبول او ورکړه د صادرونکي تر ضمانت لاندې دی. صادرونکي ممکن دی چه د قبول له ضمانت څخه ځان خلاص کړي مگر هغه شرط چه د ورکړې له ضمانت څخه د ابراء متضمن وي، د اعتبار وړ نه دی.

تفاوت موجود شود، به مبلغ اقل اعتبار داده می‌شود.

ماده ۴۷۷:

امضای اشخاصی که واجد صلاحیت و اهلیت در برات نباشند، به اعتبار امضای اشخاص واجد صلاحیت اثری وارد نمی‌تواند.

ماده ۴۷۸:

کسانی که برات را بنام و حساب شخصی که وکالت او را ندارد امضاء کنند، هر نوع مسؤلیت راجع به آن برات به ایشان عاید است. درباره وکیلی که از حدود صلاحیت خود تجاوز کند نیز عین همین حکم معتبر است.

ماده ۴۷۹:

قبول و تأدیة برات تحت ضمانت صادر کننده است صادر کننده ممکن است خود را از ضمانت قبول وارهاند ولی شرطی که متضمن ابراء از ضمانت تأدیة باشد معتبر نیست.

دوه یمه برخه په شا لیکل

۴۸۰ ماده:

که د برات صادر کوونکي د انتقال وړ نه وي او جمله له یوي بلي داسي جملي چه کت مټ دغه معنی افاده کړی لیکلي وي نو دا برات نقل کیدای نشي او دغیر قابل انتقال طلباتو د احکامو تابع دی.

برات کیدای شي چه مخاطب او صادر کوونکي او یا نورو مسئولینو ته ظهر نویسي کړی شي. له برات څخه ټول پیداشوی حقوق په ظهر نویسي سره انتقال مومي.

۴۸۱ ماده:

د برات په شالیکنه لازمه ده چه له هر ډول قیودو او شرطو څخه عاري وي. په هر شرط پورې چه ظهر نویسي تعلق لري، هغه شرط باطل او بی اثر دی. او د برات د پیسو څخه د یوي برخي ظهر نویسي کول باطل دی.

حصه دوم ظهر نویسی

ماده ۴۸۰:

برات به موجب ظهر نویسی قابل انتقال می گردد. اگر صادر کننده برات جمله قابل انتقال نیست و یا یک جمله دیگری که عین معنی را افاده کند نوشته باشد، برات مذکور به طریق ظهر نویسی نقل شده نتوانسته تابع احکام طلبات غیر قابل انتقال است.

برات را می توان به مخاطب و صادر کننده و یا مسئولین دیگری ظهر نویسی نمود. با ظهر نویسی کافه حقوق متولد از برات انتقال می یابد.

ماده ۴۸۱:

ظهر نویسی لزم است از هر گونه قیود و شروط عاری باشد. هر شرطی که ظهر نویسی به آن متعلق باشد، بلا اثر می باشد و ظهر نویسی یک قسمت از وجه برات باطل است.

ماده ۴۸۲:

د برات په شا لیکنه یا په خپله په برات او یا په یوه بله پانه چه په برات پورې نسبتی وي، لیکله کیږي. د برات په شا لیکنه لږمه ده چه د برات په شا باندي د لیکوونکي له خوا لاس لیک شي. که د برات په شالیکنه کښې د حامل نوم نه وي ذکر شوی او لیکوونکي د برات په شا او یا په برات پورې نسبتی پانه باندي یواځې په لاس لیک اکتفا کړی وي د برات په شا دا لیکنه صحیح او د اعتبار وړ ده (سپینه ظهر نویسی).

ماده ۴۸۲:

ظهر نویسی یا بر خود برات و یا بر یک ورقه دیگر ملصق به برات نوشسته می شود. ظهر نویسی لږم است از طرف ظهر نویس امضاء شود. اگر در ظهر نویسی اسم حامل ذکر نگرديده باشد و یا ظهر نویس در ظهر برات یا ورقه ملصق برات تنها به امضاء اکتفا نموده باشد، این ظهر نویسی صحیح و معتبر است. (ظهر نویسی سفید).

ماده ۴۸۳:

که ظهر نویسی د سپینې ظهر نویسی له ډوله وي نو حامل یې کولای شي:

- ۱- ظهر نویسی په خپل نامه یا د بل شخص په نامه وکړی.
- ۲- برات د سپینې ظهر نویسی په ډول نقل او یایې بل شخص ته په تکرار ډول په شا ولیکي.
- ۳- بي دهغه د سپین ځای له ډکولو او یا بي لډی چه د برات په شا ولیکي، برات بل شخص ته نقل کړی.

ماده ۴۸۳:

اگر ظهر نویسی از نوع ظهر نویسی سفید باشد، حامل آن می تواند:

- ۱- ظهر نویسی را بنام خود یا بنام شخص دیگری بنویسد.
- ۲- برات بطور ظهر نویسی سفید نقل و یا به یک شخص دیگری تکراراً ظهر نویسی کند.
- ۳- بدون پر کردن جای سفید آن و یا بدون ظهر نویسی برات را بشخص دیگری نقل دهد.

مادہ ۴۸۴:

کہ دہغہ پہ خلاف کوم قید نہ وی نو د برات پہ شالیگونکی د برات د قبول او ورکری متکفل دی. د برات ظہر نویس کولای شی چه د یوی نوي ظہر نویس اجراء منع کری. پدی صورت کسبې ظہر نویس د هغه شخص په مقابل کسبې چه وروسته له هغه ده ته ظہر نویس شوی وی، ہیخ ضمانت نلری.

مادہ ۴۸۵:

کہ سپینه ظہر نویسی (د تاکلی شخص په نامه) پوره ظہر نویسی تعقیب کری دبرات د وروستی. ظہر نویس لاس لیک کوونکی داسی بنکاری چه د سپینی ظہر نویسی په ذریعہ دبرات خاوند دی. خط وهلی شوی ظہر نویسی د اعتبار وړ نه دی. که د یو شخص ذوالیدی په کوم سبب له برات خخه زائله شوی وی نو د هغه حامل په دی صورت چه خپل حقوق اثبات کرای شی، د هغه خاوند بلل کیږی.

مادہ ۴۸۴:

اگر بر خلاف آن قیدی نباشد ظہر نویس متکفل قبول و تأدیہ برات است. ظہر نویس می تواند اجرای یک ظہر نویسی جدید را منع کند. دراین صورت ظہرنویس هیچ ضمانتی را در مقابل شخصی که بعد از آن برات به او ظہر نویسی شده باشد ندارد.

مادہ ۴۸۵:

اگر ظہر نویسی سفید را یک ظہر نویسی کامل (بنام شخص معین) تعقیب کند، امضاء کننده ظہر نویسی اخیر برات چنان تلقی می شود که به توسط ظہر نویسی سفید مالک برات است. ظہر نویس های خط زده شده معتبر نیست. اگر ذو الیدی یک شخص بنابر سببی از برات زایل شده باشد، حامل آن در صورتی که حقوق خود را اثبات بتواند، مالک آن شمرده می شود.

ماده ۴۸۶:

که د برات حامل پر مسئولینو باندی دعوي وکړی، مدعي عليه نشي کولای چه د معاملاتو په استناد له پخوانيو حاملينو او يا صادر کوونکو څخه د مسئولیت دفع وکړی.

ماده ۴۸۶:

اگر حامل برات عليه مسئولين دعوى کند، مدعى عليه نمى تواند به استناد معاملات يا حاملين سابق يا صادر کننده دفع مسئوليت کند.

ماده ۴۸۷:

که ظهر نویس یو له لاندنیو عبارتو څخه: (د تحصیل دپاره دی) (د قبض دپاره دی) ولري یا وکالتاً یا یو بل داسي عبارت چه پر وکالت دلالت وکړی، حامل سره له دی چه له برات څخه دپیدا شویو ټولو حقوقو موندونکي دی، د هغو ظهر نویسي فقط د وکیل په حیث اجراء کولای شي. په دی حال کښې مسئولین نشي کولای چه دا ډول برات پخوا له هغي ادعانه چه د مؤکل ظهر نویس په برابر یې لري د حامل په مقابل کښې یې وړاندی کړی. هغه وکالت چه په ظهر نویسي کښې موجود دی، د مؤکل شخص په مرگ او یا د قانوني اهلیت په خائلیدو نه ساقطیږی.

ماده ۴۸۷:

اگر ظهر نویسی حاوی یکی از عباره های ذیل باشد: (برای تحصیل است) (برای قبض است) و یا وکالتاً یا عباره دیگری را که دلالت بر وکالت نماید، حامل با این که واجد کافه حقوق متولده از برات است، ظهر نویسی آن را فقط بحیث وکیل می تواند اجراء نماید. درین حال مسئولین اینگونه برات نمی توانند پیش از آن ادعائی که در برابر ظهر نویس مؤکل دارند، در مقابل حامل پیش کنند. وکالتی که در ظهر نویسی موجود می باشد، با مرگ شخص مؤکل و یا بنابر زایل شدن اهلیت قانونی ساقط نمی شود.

ماده ۴۸۸:

پدی حال کبني چه په ظهر نویسی کبني دا عبارتونه (دتضمین دپاره دی) او یا (د گرو دپاره دی) او یا داسی تعبیرونه چه د ضمانت یا گروی معنی ورختی و فهمیری موجود وی، حامل کولای شي چه له دی برات خخه د پیدا شویو ټولو حقوقو خخه استفاده وکړی.

مگر دده له خوا د برات ظهر نویسی یواځي د وکیل له خوا د ظهر نویس حکم لري.

ماده ۴۸۸:

درحالی که در ظهر نویسی عبارت های (برای تضمین است) و یا (برای رهن است) و یا تعبیراتی که معنی ضمانت و یا رهن از آن فهمیده شود موجود باشد، حامل می تواند از تمام حقوق متولده ازین برات استفاده کند.

اما ظهر نویسی برات از طرف او تنها حکم ظهر نویسی از طرف وکیل را دارد.

ماده ۴۸۹:

ظهر نویسی چه وروسته له مودی تیریدونه اجراء شي، د هغې ظهر نویسی په حکم کبني ده چه پخوا اجراء شوی وی.

که د هغه په خلاف کوم حکم موجود نه وی نو بی تاریخه ظهر نویسی داسی گنلی شي چه د اعتراض د میعاد له پای ته رسیدلونه پخوا لیکلی شوی وی.

ماده ۴۸۹:

ظهر نویسی ای که بعد از انقضای مدت اجراء شود، در حکم ظهر نویسی است که قبلاً اجرا شده باشد.

اگر بر خلاف آن حکمی موجود نباشد، ظهر نویسی بی تاریخ چنان محسوب می شود که قبل از ختم میعاد اعتراض تحریر شده باشد.

در پیمه برخه قبولی

۴۹۰ ماده:

برات د موعدا او نېټې د پوره کیدلو نه پخوا د حامل له خوا او یا د هر یو بل ذوالید له خوا د مخاطب په استوګنځۍ کېنې د قبولی دپاره بنکاره کولای شي.

۴۹۱ ماده:

صادر کوونکی کولای شي د مخاطب د قبولی دپاره په برات کېنې د مودی د تیریدو شرط قید کړی او یا بی له مودی، د قبولی په اخیستو کېنې د حامل مکلفیت ولیکی. هغه برات چه ورکړه یې په استوګنځۍ کېنې او یا وروسته له بنکاره کولو نه د هغه ورکړه د مودی په تیریدو مقیده شوی نه وی نو صادر وونکی کولای شي چه هغه (غیر قابل قبول) ولیکی.

همدا ډول صادر وونکی کولای شي چه دا شرط کیږدی چه پخوا له ټاکلی نېټې څخه د قبول دپاره بنکاره کیدای نشي. پدی صورت چه د صادر وونکی له خوا د (غیر قابل قبول) قید

حصه سوم قبولی

ماده ۴۹۰:

برات را قبل از رسیدن موعد از طرف حامل و یا از طرف هر ذوالید دیگری به محل اقامتگاه مخاطب برای قبولی می توان ارائه نمود.

ماده ۴۹۱:

صادر کننده می تواند در برات برای قبولی مخاطب شرط مرور مدتی را قید کند و یا بدون مدت، مکلفیت حامل را در اخذ قبولی تحریر نماید. براتی که تأدیه آن به اقامتگاه و یا بعد از ارائه تأدیه آن به مرور مدتی مقید نشده باشد، صادر کننده می تواند آن را (غیر قابل قبول) بنویسد.

همچنان صادر کننده می تواند شرط بگذارد که ارائه برای قبول قبل از تاریخ معین بعمل آمده نمی تواند. در صورتی که از طرف صادر کننده قید (غیر قابل قبول) درج

نشده باشد، هر ظهر نويس می‌تواند با تعيين يك مدت و يا بدون تعيين مدت برات را برای قبول مشروط نماید.

ماده ۴۹۲:

در برات‌هایی که تأدیه آن به يك مدت معين بعد از ارائه مشروط باشد، لازم است از تاريخ برات الی ظرف شش ماه ارائه شود. صادر کننده می‌تواند این مدت را کم یا زیاد نماید.

از طرف ظهر نويس مدت تنها تقلیل شده می‌تواند.

ماده ۴۹۳:

براتی را که حامل برای قبولی ارائه می‌کند، مجبور نیست به مخاطب تسلیم کند. مخاطب می‌تواند فردای روزی که برات به او ارائه شده باشد، برای بار دوم طالب ارائه گردد.

اگر حامل اعتراض کند و در جواب به مطالبه بار دوم استناد نشود، علاقه مندان نمی‌توانند قبول ننمودن مطالبه

درج شوی نه وی، هر ظهر نويس کولای شي چه دیوی مودی په ټاکلو سره او یا بی د مودی له ټاکلو برات د قبول دپاره مشروط کری.

ماده ۴۹۲:

په هغو براتونو کښې چه د هغو ورکړه وروسته له ښکاره کولونه په یوه ټاکلی موده پوری مشروط وی، لازم دی چه د برات له نېټې څخه تر شپږو میاشتو پوری ښکاره شي. صادر وونکی کولای شي چه دا موده لږه یا زیاته کری.

د ظهر نويس له خوا موده یواځې لږیدای شي.

ماده ۴۹۳:

هغه برات چه حامل یې د قبولی دپاره ښکاره کوی، مجبورنه دی چه مخاطب ته یې تسلیم کری. مخاطب کولای شي د هغې ورځې په سبا چه برات ورته ښکاره کری شوی وی، بیا یې هم ښکاره کول وغواړی.

که حامل اعتراض وکړی او په ځواب کښې د دوهم ځل په غوښتنه استناد ونشي نو علاقه لرونکی نشي کولای چه د دوهمی

غوبنتنی د نه قبلولو ادعا وکړی.

۴۹۴ ماده:

قبول د (قبول شوی دی) په عبارت او یا په بل عبارت چه همدا معنی افاده کوی افاده کیږي او د مخاطب له خوا لاس لیک کیږي. د برات پر مخ د مخاطب تش لاس لیک هم د قبول په حکم کښې دی. په دی حال کښې چه د برات ورکړه په ټاکلی موده کښې د ښکاره کولونه وروسته او یا د هغه ښکاره کول په یو ټاکلی موده کښې د قبولی دپاره مشروط وی نو که حامل د ښکاره کولو د ورځې د نېټې درج و نه غواړی نو هر هغه ورځ چه قبولی پکښې پښه شوی وی د همغی ورځې نېټه درجیږی. که مخاطب د قبول په وخت کښې نېټه نه وی درج کړی نو لازم دی چه حامل د خپلو حقوقو د ساتنې دپاره د ظهر نویس په مقابل کښې او د صادرکونکې په مقابل کښې د اعتراض (پروتست) د یوی پانې په جوړولو چه په ټاکلی وخت او زمان کښې لیکلی شوی وی، دا غفلت اثبات کړی.

دوم را ادعا کنند.

ماده ۴۹۴:

قبول به عبارت (قبول گردیده است) و یا به عبارت دیگر یکه مفید همین معنی باشد، افاده می شود و از طرف مخاطب امضاء می گردد. محض امضای مخاطب بر روی برات هم در حکم قبول است. در حالیکه تأدیه برات بعد از ارائه در یک مدت معین و یا ارائه آن در ظرف یک مدت معین برای قبولی مشروط باشد، اگر حامل درج تاریخ روز ارائه را تقاضا نکند، هر روزی که قبولی در آن واقع شده باشد، تاریخ همان روز درج می شود. اگر مخاطب در حین قبول، تاریخ درج نکرده باشد، لازم است حامل برای محافظه حقوق خود در مقابل ظهر نویس ها و در مقابل صادر کننده با تنظیم یک ورقه اعتراض (پروتست) که در وقت و زمان معین تحریر شده باشد، این غفلت را اثبات کند.

۴۹۵ ماده:

قبول باید بی له قید او شرط
 خخه وی مگر مخاطب کولای
 شی چه د برات له منخه خخه
 یوه برخه روپی. قبول نکړی.
 نور ټول قیدونه چه په قبول
 کښې درج کیږي که دبرات
 مندرجات تعدیل کړی، د نه قبول
 په حکم کښې دی.

سره لدی په شرط قبلوونکی دهغه
 شرط په حدود کښې چه لیکلی یې
 دی، مسئول دی.

ماده ۴۹۵:

قبول باید بدون قید و شرط
 باشد ولی مخاطب می تواند
 جزئی از مبلغ محتسویه برات
 را قبول نکند. تمام قیود
 دیگری که در قبول درج میشود،
 اگر مندرجات برات را تعدیل
 نماید، در حکم عدم قبول
 است.

معدالک قبول کننده
 بشرط در حدود شرطیکه
 نوشته مسئول است.

۴۹۶ ماده:

که برات دا ډول صادر شوی وی
 چه د مخاطب د استوگنې په غیر
 خای کښې د ورکړې وړ وی او د
 هغه شخص نوم چه هغه ته
 ورکاوه کیږي په هغه کښې تصریح
 شوی نه وی، داسی گڼل کیږي
 چه قبلوونکی تعهد کړی دی
 چه د برات وجه شخصاً د ورکړې
 په محل کښې اداء کړی.

ماده ۴۹۶:

اگر برات طوری صادر شده
 باشد که در محل غیر
 اقامتگاه مخاطب قابل تأدیه
 باشد و نام شخصی که به او تأدیه
 می شود در آن تصریح نشده
 باشد، چنان محسوب می شود
 که قبول کننده تعهد نموده که
 وجه برات را شخصاً در محل
 تأدیه اداء نماید.

۴۹۷ ماده:

هغه خوک چه برات قبلوی،
 د هغه د ورکړې مسئول دی. له
 ورکړې نه د منع په صورت، که

ماده ۴۹۷:

شخصی که برات را قبول
 می کند مسئول تأدیه آنست.
 در صورت امتناع از تأدیه اگر

حامل صادر کننده برات هم باشد، به موجب مواد (۵۱۸-۵۱۹) همه حقوق قابل مطالبه را می‌تواند دعوی کند.

ماده ۴۹۸:

اگر قبول کننده، قبولی را بر روی برات نوشسته باشد و قبل از تسلیمی برات به حامل آنرا خط بزنند، چنان محسوب می‌شود که از قبول امتناع نموده است. ولی اگر مخاطب این قبول را به حامل و یا به یکی از اشخاص امضاء کننده برات تحریراً اخبار و بعد از آن قبولی خود را خط زده باشد، در دایره قبول خود مسئول است.

حصه چهارم ضمانت

ماده ۴۹۹:

تأدیه یک برات جزواً و یا کلاً توسط ضمانت تأمین شده می‌تواند. تضمین ممکن است از طرف شخصی ثالث و یا یکی از

حامل د برات صادر وونکی هم وی، د (۵۱۸ - ۵۱۹) مادو له مخې د ټولو هغه حقوقو چه د غوښتنې وړ وی، دعوی کولای شي.

ماده ۴۹۸:

که قبل وونکی قبولی د برات په مخ لیکلی وی او حامل ته د برات له تسلیمی څخه یې پخوا بېرته کړبنه یې رابنکلی وی، داسی گڼل کیږي چه دغه برات یې نه دی منلی. مگر که مخاطب دا قبول حامل ته او یا د برات یولاسلیک کوونکی ته په لیکنه سره اخبار کړی او وروسته له هغه یې په خپله قبولی باندی خط نیولی وی، دخپلی قبولی په دائره کښی مسئول دی.

څلورمه برخه ضمانت

ماده ۴۹۹:

د یو برات ورکړه که یوه برخه وی یا ټول وی د ضمانت په ذریعه تضمین کیدلای شي. تضمین ممکن دی چه ددریم شخص او یا د یوه لاس لیک

کونکي له خوا وی.

امضاء کنندگان بوده باشد.

۵۰۰ ماده:

ضمانت یا په برات کښې او یا په یوه ملحقه پانه کښې داخلېږي. ضمانت (د ضمانت دپاره دی) په عبارت سره او یا په بل داسی عبارت سره چه دغسی معنی افاده کړي د ضامن له خوا لاس لیک کيږي. پرته له صادروونکي او مخاطب څخه د برات پر مخ د نورو کسانو لاس لیک ضمانت افاده کوي.

ماده ۵۰۰:

ضمانت یا در برات و یا در یک ورقه ملحقه درج می شود. ضمانت یا عبارت (برای ضمانت است) و یا عبارت شبیه آن افاده میشود و از طرف ضامن امضاء می گردد. امضای اشخاص دیگر غیر از صادر کننده و مخاطب بر روی برات افاده ضمانت را می کند.

په ضمانت کښې باید تصریح شي چه د کوم شخص په حساب ضمانت شوی دی او که تصریح شوی نه وی نو د صادروونکي په حساب گڼل کيږي.

در ضمانت باید تصریح گردد که به حساب کدام شخص ضمانت شده است و اگر تصریح نگردیده باشد، به حساب صادر کننده شمرده می شود.

۵۰۱ ماده:

ضمانت کونکي دهغه شخص په اندازه چه دی يې ضامن شويدي، مسئول دی. که برات په قانونی شکل نه وی جوړ شوی نو ضامن له خپل تعهد نه بری دی.

ماده ۵۰۱:

ضمانت کننده به اندازه شخصی که ضامن او شده است، مسئول است. اگر برات بشکل قانونی ترتیب نشده باشد، ضامن از تعهد خود بری می باشد.

که ضامن د برات وجه ورکړي، حق لری چه ضمانت شوی او نورو هغو کسانو ته چه د ضمانت شوی شخص په نزد

اگر ضامن وجه برات را تأدیه کند، حق دارد علیه شخص ضمانت شده و اشخاص دیگری که نزد شخص ضمانت شده

مسئولیت لری، رجوع وکری.

مسئولیت دارند، رجوع کند.

پنجمه برخه

موده

حصه پنجم

موعد

۵۰۲ ماده:

کیدای شی چه برات په لاندی شرطونو سره صادر شی:

۱- له بنکاره کولو څخه وروسته په ټاکلی موده کښې.

۲- د برات له نېټې څخه وروسته په ټاکلې موده کښې.

۳- په ټاکلی نېټه.

ماده ۵۰۲:

برات را می توان به شرایط ذیل صادر نمود:

۱- در مدت معین بعد از ارائه.

۲- در مدت معین بعد از تاریخ برات.

۳- در تاریخ معین.

تبصره:

له دی پاس مودو څخه وتلی براتونه یا هغه براتونه چه ورکړه یې په قسطونو مقیده وی، باطل دی.

تبصره:

براته‌ای خارج از مواعد فوق یا براته‌ایکه تأدیه آن مقید باقسط شده باشد باطل است.

۵۰۳ ماده:

هغه برات چه ورکړه یې په بنکاره کولو پوری مشروط وی لازم دی چه د بنکاره کولو په وخت کښې ورکړی شي. او هغه براتونه چه ورکړه یې وروسته له بنکاره کولو په یوه ټاکلی موده کښې لازم وی باید خامخا په هغې مودی کښې چه د قبول له جهت د بنکاره کولو دپاره مشروط وی بنکاره شي.

ماده ۵۰۳:

براتی که تأدیه آن به ارائه مشروط باشد، لازم است در موقع ارائه تأدیه گردد و برات های که تأدیه آن در یک مدت معین بعد از ارائه لازم باشد، حتماً باید در ظرف مدتی که برای ارائه جهت قبول مشروط باشد، ارائه شود.

مادہ ۵۰۴:

هغه براتونہ چہ د ورکری وعدہ ییہ د قبول نپتہ او یا د اعتراض نپتہ تپاکي. پہ داسي حال کنبی چہ اعتراض نہ وی شوی، نسبت قلبوونکی شخص تہ هغه برات چہ قبولی ییہ بی نپتہ وی نو د هغی مودی وروستی ورخسپ تہ چہ دنسکاره کولو دپاره دقانون یا د قرارداد پہ ذریعہ تپاکلی شوی ده، اعتبار ورکاوه کیری.

مادہ ۵۰۴:

براتیکه وعدہ تادیہ آن در یک مدت معین بعد از ارائه می باشد، وقت تادیہ آنرا تاریخ قبول و یا تاریخ اعتراض تعیین می کند. در حالیکه اعتراض نشده باشد، نسبت به شخص قبول کننده برات که قبولی او بی تاریخ باشد، روز اخیر مدتیکه ذریعہ قانون یا قرارداد برای ارائه تعیین گردیده اعتبار داده می شود.

مادہ ۵۰۵:

هغه برات چہ د صدور لہ نپتہی خخه یوه یا خو میاشتی وروسته او یا لہ بنسکاره کولونہ وروسته ییہ ورکره ضروری وی، د هغه د ورکری موده د همگی میاشتی مقابله نپتہ ده چہ پہ هغی کنبی ورکره کیری او کہ مقابله نپتہ موجوده نہ وی نو د میاشتی وروستی ورخ د ورکری موده شمیرله کیری.

مادہ ۵۰۵:

براتیکه به یک و یا چند ماه بعد از تاریخ صدور و یا بعد از ارائه واجب التادیه می باشد، میعاد تادیہ آن تاریخ مقابل همان ماهیست که در آن تادیه صورت میگیرد. و اگر تاریخ مقابل موجود شده نتواند، روز اخیر ماه موعود تادیه شمردہ می شود.

که برات د ورکری دپاره پہ یوه یا خو نیمو میاشتو کنبی اصدار شوی وی، لمړی باید تپولی میاشتی حساب کری شي. که د برات موده دمیاشتی سر او

اگر برات برای تادیه در یک یا چند ماه و نیم اصدار شده باشد، اول باید ماه های کامل را حساب نمود. اگر موعود برات ابتدای ماه

و نهایت ماه تعیین شده باشد ، مقصد ازین تعبیرات اول پانزدهم و روز اخیر ماه است. ذکر هشت یا پانزده روزه و یک و یا دو هفته نبوده بلکه هشت و یا پانزده روز حقیقی است. تعبیر نیم ماه به (۱۵) روز اطلاق می شود.

ماده ۵۰۶:

اگر از نظر میعاد تأدیه تقویم محل صدور برات با تقویم محل تأدیه اختلاف داشته باشد ، تقویم محل تأدیه معتبر است. اگر موعد پرداخت برات با تعطیل تصادف کند ، باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود. همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

حصه ششم تأدیه

ماده ۵۰۷:

حامل مجبور است به روزیکه برات قابل تأدیه می باشد و یا منتهی تا دو روز کار بعد از آن

یا بی پای تا کل شوی وی ، مقصد له دی تعبیراتو خخه لمړی پنخلسم او آخر د میاشتی دی. د اتو یا پنخلسو ورخنیو ذکر یوه یا دوه هفتی نه دی بلکه اته یا پنخلس ورخې حقیقی دی. د نیم میاشتی تعبیر په پنخلسو ورخو اطلاق کیږي.

ماده ۵۰۶:

که د ورکړې د مودی له نظره د برات د صدور د خای کلیز د ورکړې د خای کلیز اختلاف ولری ، د ورکړې د خای کلیز د اعتبار وړ دی. که د برات د ورکړې موده له تعطیل سره تصادف وکړی ، باید چه له تعطیل خخه په وروسته ورخ ورکړ شي. دا قاعده به د نورو تجارتي پانو په باب کښې هم رعایت شي.

شپږمه برخه ورکړه

ماده ۵۰۷:

حامل مجبور دی په هغه ورخ چه برات د ورکړې وړ وی او یا منتهی له دوو ورخو کار نه وروسته دی

مخاطب ته رجوع وکړی.

۵۰۸ ماده:

پدی حال کښې چه مخاطب د برات وجه ورکوی، له حامل څخه تقاضا کوی چه په برات رسیدولیکې او هغه تسلیم کړی. دیوی برخی د ورکړې په صورت برات نه ردیږی مگر مخاطب دا تقاضا کولای شي چه په برات کښې ده ته د ورکړې شوی برخی رسید ورکړ شي.

۵۰۹ ماده:

د برات حامل پخوا دمودی له راتگ د برات د وجهی په اخیستلو نه مجبور یږی. هغه مخاطب چه د مودی له رسیدلو څخه پخوا برات ورکوی نو ضرر به یې په خپله ده ته متوجه شي. هغه څوک چه د مودی په رسیدلو کښې برات تأدیه کوی، بری الذمه کیږی پدی شرط چه په ورکړه کښې حيله او یا زیات غفلت نه وی راغلی.

ورکونکی شخص د شا لیکنو (ظهر نویسی) د انتظام او توالی په تدقیق مجبور دی مگر (د ظهر نویسی) لاس لیک

به مخاطب رجوع نماید.

۵۰۸ ماده:

درحالی که مخاطب وجه برات را تأدیه میکند، از حامل تقاضا می نماید که به برات رسید تحریر و آنرا تسلیم کند. در صورت تأدیه قسمی، برات رد نمی شود ولی مخاطب می تواند تقاضا نماید که در برات برای قسمت تأدیه شده به او رسید داده شود.

۵۰۹ ماده:

حامل برات قبل از حلول موعد به گرفتن وجه برات مجبور نمی شود.

مخاطبیکه قبل از حلول موعد برات را تأدیه می کند، ضرر این تأدیه به خودش متوجه خواهد شد. شخصی که در حلول موعد برات را تأدیه می کند، بری الذمه می شود مشروط بر اینکه حيله یا غفلت فاحش در تأدیه بعمل نیامده باشد.

شخص تأدیه کننده به تدقیق انتظام و توالی ظهر نویسی ها مجبور است لیکن به تدقیق صحت امضای ظهر

د صحت په تدقیق به مکلف نه وی.

۵۱۰ ماده:

که برات په هغو پولونو چه د ورکړې په محل کښې رواج نه وی صادر شي او صادرکونکي د هغو پولونو چه ورکړه يې په برات کښې ذکر شوی ده شرط نه وی ایښی، مخاطب کولای شي چه د ورکړې د محل مروج پولونه (د ورکړې د ورځې) د قیمت له قراره اجراء کړی. که د برات د وجه ډول مقید وی او د برات پورورپی له ورکړې څخه عاجز راشي، حامل کولای شي دا تقاضا وکړی چه وجه د ورکړې د محل په پولونو د ورکړې د مودی د ورځې په نرخ سره ورکړی.

۵۱۱ ماده:

هغه نرخونه چه د ورکړې په محل کښې جاری وی، د خارجی پولونو د قیمت اساس بلل کیږي. صادرکونکي یا یو له شالیکونکو (ظهر نویسو) څخه کولای شي هغه مبلغ چه ورپه کړ شي له ټاکلی قیمت سره تسعیر او په برات کښې يې داخل کړی.

که د برات وجه په هغو پولونو

نویسان مکلف نخواهد بود.

ماده ۵۱۰:

اگر برات پولی که در محل تأدیه رایج نباشد، صادر گردد و صادر کننده پولی را که تأدیه آن در برات ذکر گردیده شرط نگذاشته باشد، مخاطب می تواند که پول متداول محل تأدیه را قرار قیمت (روز تأدیه) اجراً نماید.

اگر نوع وجه برات مقید باشد و مدیون برات از تأدیه عاجز آید، حامل می تواند تقاضا کند وجه برات را به پول محل تأدیه به قرار روز نرخ موعده تأدیه کند.

ماده ۵۱۱:

نرخهائیکه در محل تأدیه جاری می باشد، اساس قیمت پول خارجی شمرده می شود. صادر کننده و یا یکی از ظهر نویسان می تواند مبلغی را که تأدیه خواهد شد مطابق قیمت معین تسعیر و در برات درج کند.

اگر وجه برات به پولی

تعيين شود که در مملکت صادر کننده و تأديه کننده اسم واحد و قيمت متفاوت داشته باشد، درين صورت مسکوک (پول رايج) محل تأديه معتبر دانسته می شود.

ماده ۵۱۲:

در حالیکه برای وجه برات در ظرف مدت معين ماده (۵۰۷) برای تأديه رجوع نشود، هر یکی از مديونين برات می توانند مبلغ برات را به مصرف و خساره حامل به مقام صلاحیت دار توديع کنند.

حصه هفتم

حق رجوع در حال عدم قبول و عدم تأديه

ماده ۵۱۳:

حامل عليه صادر کننده و ظهر نویس و اشخاص مسؤل ديگر در حالات ذيل می تواند رجوع کند:

- ۱- اگر در حلول مدت برات تأديه بعمل نیامده باشد.
- ۲- اگر از قبول کلاً یا قسماً

و تا کله شي چه د صادر وونکی او تأديه کوونکی په مملکت کنبې يو نوم او متفاوت قيمت ولری، پدی صورت د ورکړی د محل مسکوک (مروج پولونه) معتبر گڼل کیږی.

ماده ۵۱۲:

پدی حال کنبې چه د برات د وجه دپاره په هغې مودی کنبې چه په (۵۰۷) مادی کنبې تا کلی شوی وی د ورکړی دپاره رجوع ونشي نو د برات هر يو پوروي کولای شي چه د برات مبلغ د حامل په مصرف او خساره واک لرونکی مقام ته وسپاری.

اوومه برخه

دنه قبول او نه ورکړی په حال کنبې د رجوع حق

ماده ۵۱۳:

حامل کولی شي چه په صادر کوونکی او (ظهر نویس) او نورو مسؤلواشخاصو باندی په لاندنیو حالاتو کنبې رجوع وکړی:

- ۱- که د برات د مودی په راتگ کنبې ورکړه نه وی شوی.
- ۲- که له یوی برخی یا ټول قبول

شخه امتناع شوی وی.

۳- د مخاطب افلاس که برات قبول شوی وی یا نه وی شوی یا د مخاطب له خوا د ورکړې د تولیدو په صورت که شخه هم د محکمی په حکم وی یا نه وی یا په دی صورت چه حامل محکمی ته مراجعه کړی وی او د برات د وجه په اندازه د مخاطب له مالونو شخه تر مراقبت لاندی نیولی شوی وی او نتیجه یې نه وی ورکړی.

۴- د برات د صادر وونکی د افلاس په صورت چه د قبول وړ نه وی.

امتناع شده باشد.

۳- در صورت افلاس مخاطب، خواه برات قبول شده باشد و یا نشده باشد، یا در صورت معطلی تأدیه از جانب مخاطب، چه به حکم محکمه باشد یا نباشد و یا در صورتی که حامل به محکمه مراجعه نموده و معادل وجه برات از اموال مخاطب تحت مراقبت گرفته شده و نتیجه نداده باشد.

۴- در صورت افلاس صادر کننده براتی که غیر قابل قبول باشد.

۵۱۴ ماده:

له قبول شخه منع راوړل یا ورکړه لارم دی چه له یوې رسمی پانې سره چه د نه قبول او یا نه ورکړی اعتراض بلل کیږی، اثبات کړل شي. د نه ورکړی اعتراض باید په هغه ورځ چه د برات ورکړه لارمیږی او یا پس له هغه د کار په دوو ورځو کښې وشي او د نه قبول اعتراض باید په هغې مودی کښې چه د قبول له جهت د برات ښکاره کولو دپاره ټاکلی شوی ده اجراء شي.

ماده ۵۱۴:

استنکاف از قبول یا تأدیه، لارم است با یک ورقه رسمیه که اعتراض عدم قبول و یا عدم تأدیه گفته می شود، اثبات کرده شود. باید اعتراض عدم تأدیه در روزیکه تأدیه برات لارم می آید و یا در ظرف دو روز کار متعاقبه بعمل آید و اعتراض عدم قبول باید در ظرف مدتیکه برای ارایه برات به جهت قبول تعیین شده، اجراء شود.

در موضوع فقره دوم ماده (۴۹۳) اگر ارایه اول برات در روز اخير موعد بوقوع آمده باشد، اعتراض را می‌تواند در روز آینده همان روز هم بعمل آورد.

اعتراض عدم قبول، اعتراض عدم تأديه و ارائه را از بين می‌برد. در حالات متذکره فقره سوم ماده (۵۱۳) حامل بدون اینکه برات را به مخاطب ارائه کند و یا اعتراض نماید، می‌تواند از حق رجوع خود در مقابل مسئولین استفاده کند. راجع به فقره چهارم ماده مذکور حامل با داشتن دلیل افلاس صادر کننده می‌تواند رجوع کند.

ماده ۵۱۵:

حامل مجبور است در ظرف چهار روز کار بعد از روز اعتراض و یا اگر در برات شرط اعاده بی مصرف موجود باشد، در ظرف چهار روز کار بعد از روز ارایه کیفیت عدم قبول یا عدم تأديه را به ظهر

که د (۴۹۳) مادی د دوهمی فقری په موضوع کبني د برات چه لمړی بنکاره کول د مودی په وروستی ورځ کبني شوی وی نو اعتراض د هغې ورځې نه په راتلونکي ورځ کبني هم کولای شي.

د نه قبول اعتراض د نه ورکړی او نه بنکاره کولو اعتراض له منځه وړی د (۵۱۳) مادی د دریمی فقری په ذکر شویو حالاتو کبني حامل بی له دی چه برات مخاطب ته وربنکاره کړی او یا اعتراض وکړی، کولای شي چه د مسئولینو په مقابل کبني دخپلی رجوع له حق څخه استفاده وکړی ددی مادی دخلورمی فقری په خصوص کبني حامل کولای شي چه د صادروونکي د افلاس دلیل په لرلو سره رجوع وکړی.

ماده ۵۱۵:

حامل مجبور دی چه د اعتراض له ورځې نه وروسته د کار د څلورو ورځو په موده کبني او یا که په برات کبني د بي مصرفه اعادی شرط موجود وی، د بنکارونی له ورځې نه وروسته د کار په څلورو ورځو کبني د نه قبول یا د نه

نویس و صادر کننده اخبار کند. هر ظهر نویسی که به او اخبار می‌شود، مجبور است خبری را که گرفته در ظرف دو روز کار با علاوه کردن اسم و آدرس کسانیکه به او اخبار کرده‌اند، به ظهر نویس خود اطلاع بدهد. تا زمانیکه به صادر کننده می‌رسد، بهمین منوال معامله دوام می‌کند. مدت‌های مذکوره از تاریخ اخذ خبر آغاز می‌یابد.

اگر یک ظهر نویس آدرس خود را تحریر ننموده باشد و یا بصورتی تحریر نموده باشد که خوانده شده نتواند، اخبار به ظهر نویس مقدم‌تر از او کافی است شخصی که مجبور به اخبار است لازم است این خبر را به واسطه دایره مربوطه رسمی تبلیغ کند.

شخصی که در داخل مدت مقرر اخبار نکند، حقوق او ساقط نمی‌شود و اگر بنا بر غفلت او ضرر و زیانی تولید شده باشد، به

ورکری کیفیت (ظهر نویس) او صادر وونکی ته اخبار کری. هر هغه (ظهر نویس) چه ده ته اخبار کیپی مجبور دی هغه خبر چه اخیستی یپی دی د کار د دوو ورخوپه موده کنبی د هغو کسانو د نوم او آدرس په زیاتولو چه ده ته یپی اخبار کریدی خپل شالیکونکی (ظهر نویس) ته اطلاع ورکری، تر هغه وخته پوری چه صادر وونکی ته رسپری په همدی ډول معامله دوام کوی. دا ذکر شوی مودی د خبر اخیستلو له نبتی څخه دوام پیدا کوی.

که یوه ظهر نویس خپل آدرس نه وی لیکلی او یایی داسی لیکلی وی چه لوستل کېدای نشی نو اخبار له ده نه مقدم شالیکونکی (ظهر نویس) ته کافی دی. هغه څوک چه په اخبار مجبور دی، لازم دی چه دا خبر د رسمی مربوطه دایری پواسطه تبلیغ کری.

هغه څوک چه په مقرر موده کنبی اخبار ونکری، دده حقوق نه ساقطیږی او که دده دغفلت له مخی زیان او ضرر پینن شوی وی

خود او مربوط است. مقدار این ضرر و زیان از وجه برات تجاوز نمی‌تواند.

ماده ۵۱۶:

اگر صادر کننده یا ظهر نویس یا ضامن در برات کلمات (اعاده بی مصرف) و یا (بی اعتراض) و یا کلماتیکه این منظور را افاده کند نوشته باشد، حامل آن برات برای رجوع خود از اعتراض عدم قبول یا عدم تأدیه معاف دانسته می‌شود اما حامل برات مکلف است که در ظرف مدت معینه به ظهر نویس ها و صادر کننده اخبار نماید.

اثبات عدم رعایت مدت ها به شخصی راجع است که در مقابل حامل مدعی می‌شود، شرطیکه صادر کننده وضع کرده در حق کافی آنانیکه ببرات امضا نموده اند مرعی است.

اگر چنین شرط از طرف یک ظهر نویس یا ضامن نوشته شده باشد، تنها راجع بظهر نویس یا ضامن مرعی می‌باشد.

په خپله په ده پوری اړه لری. ددی زیان او ضرر اندازه د برات له وجه زیاتی نشي کولای.

ماده ۵۱۶:

که صادر وونکی یا (ظهر نویس) یا ضامن په برات کښې (بی مصرفه اعاده) او یا (بی اعتراض) او یا هغه کلمی چه دا منظور افاده کړی په برات کښې لیکلی وی نو د هغه برات حامل د نه قبول یا نه ورکړی له اعتراض څخه د خپلی رجوع دپاره معاف گڼل کیږي مگر د برات حامل مکلف دی چه په ټاکلی موده کښې صادر وونکو او شالیگونکو (ظهر نویس) ته اخبار وکړی.

د مودو د نه رعایت اثبات په هغه چا پوری اړه لری چه د حامل په مقابل کښې هغه شرط چه صادر وونکی وضع کړیدی د هغو گردو په حق کښې چه په برات کښې یې لاس لیک کړیدی مرعی دی.

که دا ډول شرط د یوه (ظهر نویس) یا ضامن له خوا لیکلی شوی وی نو یواځې د (ظهر نویس) یا ضامن په خصوص کښې مرعی دی.

اگر با وجود شرطیکه از طرف صادر کننده نوشته شده باشد حامل اعتراض نماید، مصارف مربوط به خود اوست.

ماده ۵۱۷:

اشخاصی که برات را صادر و یا قبول و یا ظهر نویسی و یا ضمانت می کنند، در مقابل حامل بصورت منفرد و مجتمع مسئول اند. حامل برات بدون اینکه مراتب را در نظر بگیرد، حق دارد علیه تمام ایشان منفرداً یا مجتمعاً اقامه دعوی کند.

عین همین حق را هر صاحب امضائیکه وجه برات را تأدیه می کند دارا است. اقامه دعوی به مرتبه اول علیه یکی از اینها مانع اقامه دعوی علیه دیگران نمی شود، اگر به یکی از ظهر نویسسان رجوع شود که تاریخ امضاء او از دیگران مؤخر باشد، مانع دعوی حامل به دیگران نمی شود.

که سره له هغه شرطه چه د صادر وونکی له خوا لیکلی شوی وی حامل اعتراض وکړې مصارف په خپله په ده پوری اړه لری.

ماده ۵۱۷:

هغه کسان چه برات صادر وی یا قبول یا (ظهر نویسی) یا ضمانت کوی د حامل په مقابل کښې یواځې او په گډه سره مسئول دی. د برات حامل بی له دی چه مراتب په نظر کښې ونیسی حق لری چه په دوی ټولو باندی یواځې یا په گډه سره دعوی وکړی.

دا حق د لاس لیک هر هغه خاوند چه د برات وجه ورکوی، لری. په لومړی مرتبه کښې په یوه له دی کسانو باندی دعوی د ائرو ل په نورو باندی د دعوی د ائرو ل مانع نه کیږی. که په یوه (ظهر نویسانو) باندی رجوع وشي چه د لاس لیک نپته یې له نورو نه وروستی. وی په نورو باندی د حامل د دعوی مانع نه گرځی.

ماده ۵۱۸:

حامل کولای شي له هغه چا څخه چه رجوع يې ورباندی کړیده لاندنی غوښتنې وکړي:

۱- د هغه برات وجه چه نه ده قبوله شوی او یا قبوله شوی وي خو ورکړ شوی نه وي او هم د هغه ټکټ پولي که مشروط وي.

۲- په سلو کښې شپږ د هغو ټکټ پولي د مودی د راتگ څخه.

۳- د هغه اعتراض او اخبار مصارف چه د حامل له خوا (ظهر نویسانو) او صادروونکو ته تبلیغ شوی وی سره له هغو نورو مصارفو چه له همدی حیثه يې گاللی وی.

که د رجوع حق دمودی له راتگ څخه پخوا استعمال شوی وی برات تنزیلیري.

دا تنزیل د رسمی نرخ (د بانک نرخ) د تنزیل او یا د آزاد بازار د نرخ د تنزیل له مخې چه د رجوع په زمانه کښې د حامل د استوگنې په ځای کښې جاری وی حسابیري.

تبصره:

په سلو کښې شپږ ټکټ پولي چه په (۲) فقره کښې يې تصریح شویده په ټولو هغو مواردو کښې چه

ماده ۵۱۸:

حامل می تواند از شخصی که علیه او رجوع کرده مطالبات ذیل را بنماید:

۱- وجه براتی را که قبول نگرديده و یا قبول شده و یا تأدیه نشده باشد و نیز تکت پولي آنرا اگر مشروط باشد.

۲- فی صد شش تکت پولي آنرا از تاریخ حلول موعده.

۳- مصارف اعتراض و اخباریکه از طرف حامل به ظهر نویس ها و صادرکننده تبلیغ گردیده باشد با مصارف دیگریکه از همین حیث متحمل شده باشد.

اگر حق رجوع قبل از حلول موعده استعمال شده باشد، برات تنزیل می شود.

این تنزیل از روی نرخ رسمی تنزیل (نرخ بانک) و یا نرخ بازار آزاد که در زمان رجوع در اقامتگاه حامل جریان داشته باشد حساب می شود.

تبصره:

تکت پولي فیصد شش که در فقره (۲) تصریح شده در تمام مواردیکه موافقت موجود نباشد،

موافقت موجود نه وی، معتبر دی.

معتبر است.

۵۱۹ ماده:

هغه څوک چه دبرات وجه ورکوی له هغو کسانو څخه چه دده په مقابل کښې مسئول دی دا لاندی غوښتنې کولای شي:

۱- ټول هغه پولونه چه ورکړی یې دی.

ماده ۵۱۹:

شخصی که وجه برات را تأدیه می کند، از اشخاصی که در مقابل او مسئول اند مطالبات ذیل را می تواند:

۱- تمام مبلغی را که تأدیه کرده.

۲- ددی مبلغ ټکټ پولی د ورکړی له نېټې څخه.

۲- تکت پولی مبلغ مذکور را از تاریخ تأدیه.

۳- هر هغه مصارف چه په غاړه یې اخیستی وی.

۳- هر مصارفی را که متحمل شده باشد.

۵۲۰ ماده:

هر هغه مسئول چه درجوع حق ورباندی استعمال شوی وی کولای شي دبرات د وجه د ورکړی په مقابل کښې وغواړی چه د برات په مقابل کښې د اعتراض له پانې سره ده ته رسید ورکړ شي.

ماده ۵۲۰:

هر مسئولیکه حق رجوع علیه او استعمال شده باشد، می تواند در مقابل تأدیه وجه برات تقاضا کند که در مقابل برات با ورقه اعتراض به او رسید داده شود.

هر هغه (ظهر نویس) چه د برات وجه ورکوی، کولای شي چه په خپله ظهر نویسی او له ده نه وروسته ظهر نویسی باندی خط ونیسی.

هر ظهر نویسیکه وجه برات را تأدیه می کند، می تواند ظهر نویسی خود و ظهر نویسی های مابعد را خط بکشد.

۵۲۱ ماده:

له یوی برخی قبول څخه وروسته د رجوع د حق د استعمال په صورت

ماده ۵۲۱:

در صورت استعمال حق رجوع پس از قبول قسمی، شخصی که

مبلغ قبول نشده برات را تأدیه می‌نماید می‌تواند تقاضا کند که تأدیه مذکور بر روی برات قید شده رسید آن هم به او داده شود. حامل برات باید یک نقل مصدق برات را نیز با اعتراض به او بدهد تا آنکه استعمال مزید حق اعتراض ممکن شده بتواند.

ماده ۵۲۲:

شخصی که دارای حق رجوع است اگر در برات برخلاف آن مشروط نباشد می‌تواند به ذریعه یک برات جدیدیکه به برات اعاده (Rechange) موسوم می‌شود وجه برات را از یکی از اشخاصی که نزد او مسئول اند دریافت کنند و لازم است (برات اعاده) از نوع قابل تأدیه در اقامتگاه و عندالرویه باشد.

برات اعاده غیر از مبالغی که در مواد (۵۱۸-۵۱۹) نشان داده شده حاوی بر مبلغ دللی و مخارج صکوک و مصارف انتقال پول نیز می‌باشد.

هغه شوک چه د برات نه قبول شوی مبلغ ورکوی، دا تقاضا کولای شی چه دا ورکوه دی د برات پر مخ قید شی او رسید یی هم ده ته ورکوشی. د برات حامل باید د برات یو مصدق نقل هم له اعتراض سره ده ته ورکوی ترخو چه د اعتراض د زیات حق استعمال امکان ولری.

ماده ۵۲۲:

هغه شوک چه د رجوع حق لری که په برات کښې د هغه په خلاف مشروط نه وی کولای شی چه د یوه نوی برات په ذریعه چه په د برات اعاده (Rechange) په نامه بلل کیږي د برات وجه له یوه له هغو کسانو څخه چه ده ته مسئول دی، واخلی او لازم دی چه (د اعادی برات) په استوگنځی کښې او په ښکاره کولو سره د ورکوی وړ له ډوله وی.

د اعادی برات غیر له هغو مبلغونو چه په (۵۱۸ - ۵۱۹) مادو کښې بنوولی شوی دی ددلالی، مبلغ د صکوکو مخارج او د روپو د انتقال مصارف هم لری.

ماده ۵۲۳:

په صادر وونکی ظهر نویسانو او د برات په نورو مسئولینو باندی د حامل د رجوع (حق پرته په قبلوونکی د رجوع له حقه) په لاندی مواردو کبني ساقطیږی:

۱- که د هغو براتونو قانونی ټاکلی شوی موده چه د بنکاره کولو په وخت کبني یا له بنکاره کولو نه یوه موده وروسته د ورکړی وړ گرځي، تیره شوی وی.

۲- پدی صورت چه په نه قبول او نه ورکړه پوری مربوط اعتراضونه وروسته له قانونی ټاکلی مودی څخه شوی وی.

۳- که (بی مصرف) شرط لرونکی برات وروسته له ټاکلی مودی څخه بنکاره کړ شوی وی او یا که د صادر وونکی له خوا قید شوی وی چه د برات د قبول دپاره په ټاکلی موده کبني بنکاره کړل شي، په هغه باندی د نه مراعات په صورت او دا قید په دی صورت اعتبار لری چه له مضمون څخه یی معلوم نشي چه د

ماده ۵۲۳:

حق رجوع حامل به صادر کننده، ظهر نویسان و سایر مسئولین برات (به استثنی حق رجوع به قبول کننده) در موارد ذیل ساقط می گردد:

۱- هرگاه مدت معینه قانونی برات هاییکه عند الزائنه یا بعد از یک مدت پس ارائه قابل تأدیه باشد، منقضی شده باشد.

۲- در صورتی که اعتراضات مربوط به عدم قبول یا عدم تأدیه بعد از مدت معینه قانونی بعمل آمده باشد.

۳- اگر براتی دارای شرط (بی مصرف) بعد از مدت معینه ارائه شده باشد و یا اگر از طرف صادر کننده قید باشد که در ظرف مدت معینه برای قبول برات ارائه گردد، در صورت عدم مراعات به آن و این قید در صورتی اعتبار دارد که از فحوای آن استنباط نشود که مقصد صادر کننده

ابراء ذمه از مسئولیت قبول بوده است.

اگر یک ظهر نویس در ظهر نویسی خود مدتی را برای ارائه درج نموده باشد، ازین مدت تنها همان ظهر نویس می‌تواند استفاده نماید.

ماده ۵۲۴:

اگر در ظرف مدت هاییکه قانوناً معین است ارابه برات و اعتراض به سبب یک مانع غیر قابل رفع (فورس ماژور) ممکن نشود، مدت های مذکور تمدید می‌شود.

حامل برات مجبور است بلا تأخیر علل مجبره (فورس ماژور) را به ظهر نویس خود اطلاع دهد و این اطلاع باید در برات و یا یک ورقه ضمیمه که در آن تاریخ نوشته و امضاء شده باشد، تحریر شود.

بعد از رفع علل مجبره حامل باید برات را بدون فوت وقت برای قبول و یا تأدیه ارائه کند و در صورت لزوم اعتراض نامه صادر

صادر وونکی مقصد د قبول له مسئولیت خخه ذمی ابراء ده.

که یوه ظهر نویس په خپله ظهر نویسی کښې د ښکاره کولو دپاره یوه موده داخله کړې وی، له دی مودی خخه یواځې هغه ظهر نویس استفاده کولی شي.

ماده ۵۲۴:

که په هغو مودو کښې چه قانوناً ټاکلی شوی دی د یوه نه رفع کیدونکی مانع (فورس ماژور) په سبب دبرات ښکاره کول او اعتراض ممکن نشي نو دا مودی اوږد پړی.

د برات حامل مجبور دی چه ډیر ژرله مجبره علتونو خخه (فورس ماژور) خپل (ظهر نویس) ته اطلاع ورکړی او دا اطلاع باید په برات کښې او یا په یوه پاڼه ضمیمه چه ورسره مل وی او نپته اولاس لیک ورباندی وی ولیکله شي.

وروسته د مجبره علتونو له رفع حامل باید بی د وخت له فوته د قبول یا ورکړی دپاره برات ښکاره کړی او دلزوم په صورت اعتراض نامه

صادره کپی.

که مجبره علتونه د مودی له راتگ څخه وروسته له دیرشو ورځو څخه زیات دوام وکړی نو بی له دی چه د برات بنکاره کولو او اعتراض لیکلو ته حاجت وی، د رجوع حق استعمالیدای شي.

د هغو براتونو په خصوص کښې چه په بنکاره کولو او یا له بنکاره کولو نه وروسته په یو ټاکلی موده کښې د ورکړی وړ وی نو دیرش ورځې له هغې نېټې څخه حسابیږی چه حامل له مجبره علتونو څخه خپل (ظهر نویس) ته خبر ورکړی وی که څه هم دا نېټه د بنکاره کولو د مودی له پای ته رسیدلونه پخوا وی.

په هغو احوالو کښې چه اعتراض یواځې پخپله په حامل او یا په هغه شخص پوری چه د برات په بنکاره کولو مامور دی اړه ولری، له مجبره علتونو (فورس ماژور) نه بلل کیږي.

نماید.

اگر علل مجبره بیشتر از سی روز بعد از حلول موعده دوام کند، بدون اینکه به ارایه برات و تحریر اعتراض حاجت باشد، حق رجوع استعمال شده می تواند.

د برات هائی که با ارائه و یا در یک مدت معین بعد از ارائه قابل تأدیه باشد، مدت سی روز از تاریخی حساب می شود که حامل علل مجبره را به ظهر نویس خود خبر داده باشد ولو این تاریخ قبل از اختتام موعده ارائه هم بوده باشد.

در احوالی که اعتراض تنها به شخص حامل و یا شخصی که مامور به ارائه برات است عاید گردد، از علل مجبره (فورس ماژور) شمرده نمی شود.

اتمہ برخہ توسط

۵۲۵ مادہ:

صادروونکی یا (ظہر نویسان) کولای شي چه یو بل سړی معرفی کړی ترڅو د قبول یا ورکړی دپاره دمخاطب دنکول په صورت هغه ته مراجعه وشي. دریم شخص او مخاطب او هر هغه شخص چه په برات باندی دلاس لیک له مخې مسئولیت ولری (پر ته له هغو کسانو چه برات قبلوی) کولای شي منځگړیتوب وکړی. هغه څوک چه دیوه لاس لیک کوونکی دپاره منځگړی توب کوی مجبور دی هغه چا ته چه دده دپاره یې منځگړی توب کړی وی په موده د دوو ورځو کښې دخپل منځگړی توب خبر ورکړی.

په منځگړی توب سره قبول ۵۲۶ مادہ:

پدی صورت چه د برات موده ورسپړی او حامل د رجوع واک ولری، په منځگړی توب سره قبول کیدای شي. حامل د منځگړی توب په قبول

حصه هشتم توسط

ماده ۵۲۵:

صادرکننده یا ظہر نویس می تواند شخص دیگری را معرفی کند تا در صورت نکول مخاطب برای قبول یا تأدیه به او مراجعه شود. شخص ثالث و مخاطب و هر شخصی که بنا بر امضاء برات مسئولیت داشته باشد (غیر از شخصی که برات را قبول میکند) می توانند توسط کنند. شخصی که برای یکی از امضاء کنندگان توسط می کند مجبور است به کسی که برای او توسط نموده باشد از وساطت خود در ظرف دو روز کار اخبار کند.

قبول بالتوسط ماده ۵۲۶:

در صورتی که موعده برات حلول نموده و حامل صلاحیت رجوع را داشته باشد قبول بالتوسط بعمل آمده می تواند. حامل در قبول وساطت

مختار است و اما اگر حامل پیشنه‌اد بالتوسط را قبول می‌نماید، حق مراجعتی را که پیش از حلول موعد علیه مسئولین برات دارد، از دست می‌دهد.

ماده ۵۲۷:

کیفیت قبول بالتوسط در برات تحریر و از طرف توسط کننده امضاء می‌شود. قبول بالتوسط به حساب هر کسی که بعمل آمده باشد، تصریح می‌گردد. در صورت عدم تصریح به حساب صادر کننده محسوب می‌شود.

ماده ۵۲۸:

قبول کننده بالتوسط در مقابل حامل مسئول است و اگر این قبول بالتوسط به حساب مخاطب باشد، در مقابل ظهر نویسی‌هاییکه بعد از آن می‌آیند، مثل مخاطب مسئول است.

با وجود قبول بالتوسط شخصی که برای او توسط واقع می‌شود و یا کفیل قانونی او می‌تواند طبق ماده (۵۱۸) وجه را

کنبی مختار دی مگر که حامل په منخگری توب سره پیشنه‌اد قبلوی نو د هغې مراجعی حق چه د مودی له راتگ خخه پخوا یې دبرات په مسئولینو باندى لری له لاسه ورکوی.

ماده ۵۲۷:

په منخگری توب سره د قبول کیفیت په برات کنبی لیکل کیږي او د منخگری له خوا لاس لیکولي شي. په منخگری توب سره قبول چه د هر چا په حساب شوی وی، تصریح کیږي او د نه تصریح په صورت د صادر وونکی په حساب گڼل کیږي.

ماده ۵۲۸:

په منخگری توب سره قبلوونکی د حامل په مقابل کنبی مسئول دی او که دا په منخگری توب سره قبول د مخاطب په حساب وی نو د هغو (ظهر نویسیو) په مقابل کنبی چه وروسته له هغه راځي، لکه مخاطب غوندى مسئول دی.

په منخگری توب سره په قبول برسیره هغه شخص چه ده ته منخگری واقع شویدی او یایې قانونی وکیل و کولای شي چه له

تأدیه کرده برات یا در صورت ایجاب، ورقه اعتراض را طلب کند.

تأدیه بالتوسط

ماده ۵۲۹:

در تمام احوالیکه حامل دارای حق رجوع می باشد، چه در حلول موعد و چه قبل از آن تأدیه بالتوسط ممکن است. تأدیه بالتوسط باید شامل تمام مبلغ قابل تأدیه باشد و باید منتهی فردای روز آخری که برای اعتراض عدم تأدیه مقرر است، اجراء شود.

ماده ۵۳۰:

اگر برات بالتوسط قبول شده و تأدیه بعمل نیامده باشد، حامل فردای روز آخری که برای اعتراض مقرر است اعتراض عدم تأدیه را تحریر می کند. در حالیکه در ظرف مدت مذکوره اعتراض تحریر نگردد، شخصی که برات به حساب او قبول شده و همچنان ظهر نویسان مابعد از مسئولیت بری می شوند.

(۵۱۸) مادی سره سم وجه ورکری او برات او دایجاب په صورت کښې د اعتراض پاڼه و غواړی.

په منځگړې توب سره ورکړه

ماده ۵۲۹:

په ټولو احوالو کښې چه حامل د رجوع حق ولری، څه د مودی په راتگ کښې اوڅه له هغې نه پخوا، په منځگړې توب سره ورکړه امکان لری. په منځگړې توب سره ورکړه باید ټول د ورکړې وړ مبلغ ولری او باید منته د هغې آخرې ورځې په سبا چه د نه ورکړې د اعتراض دپاره مقرر شوی ده، اجراء شي.

ماده ۵۳۰:

که په منځگړې توب سره برات قبول شوی او ورکړه یې نه وی شوی، نو د هغې وروستی ورځې په سبا چه د اعتراض دپاره مقرر شویده، د نه ورکړې اعتراض لیکي. په دی حال کښې چه په دی موده کښې اعتراض ونه لیکل شي نو هغه شخص چه برات دده په حساب قبول شوی او همدا ډول وروستی (ظهر نویسان) له مسئولیت څخه خلاصیږی.

ماده ۵۳۱:

هغه حامل چه په منځگړي توب سره ورکړه له (۵۱۸) مادي سره سم نه قبلوي، د هغو کسانو په مقابل کښې چه ورکړه د دوي د ذمي د برائت باعث کيږي، د خپلي رجوع حق له لاسه ورکوي.

ماده ۵۳۱:

حاملیکه تأديه بالتوسط را مطابق ماده (۵۱۸) قبول نمی کند، حق رجوع خود را در مقابل اشخاصی که تأديه باعث برائت ذمه ایشان می شود، از دست می دهد.

ماده ۵۳۲:

په منځگړي توب سره ورکړه د هر شخص د پاره چه اجراء کيږي د برات پرمخ په ليکنه او لاسليک سره اثباتيږي.

ماده ۵۳۲:

تأديه بالتوسط برای هر شخصی که اجراء می شود با تحریر و امضای روی برات اثبات می گردد.

که په برات کې بنوولي شوی نه وی چه ورکړه د کوم شخص د پاره شوی ده داسی گڼله کيږي چه د صادروونکی برات دی. برات او دا اعتراض پانه په دی صورت چه اجرا شوی وی هغه شخص ته چه د منځگړي توب په لاره برات ورکوي تسلیميږي.

اگر در برات نشان داده نشده باشد که تأديه برای کدام شخص بعمل آمده، چنان فرض می شود که برات صادرکننده است. برات ورقه اعتراض در صورتی که اجراء شده باشد، به شخصی که به طریق توسط برات را تأديه می نماید، تسلیم می شود.

ماده ۵۳۳:

په منځگړي توب سره ورکړه چه دهر چا دپاره وشي نو هغه حقوق چه حامل يې د هغه او د نورو اشخاصو په مقابل کښې چه ده ته مسئول دی لری، ورکوونکی

ماده ۵۳۳:

تأديه بالتوسط برای هر کسیکه بعمل آید حقوقی را که حامل در مقابل آن شخص و اشخاص دیگری که نزد او مسئولند دارد، به شخص تأديه

کننده انتقال می نماید. ولی آن شخص برات را نمی تواند مکرراً ظهر نویسی کند. تأدیه بالتوسط (برای هر کسیکه توسط واقع شده باشد) مستلزم برائت ذمه ظهر نویسان ما بعد می باشد. در حالیکه برای تأدیه بالتوسط متوسطین متعددی موجود باشد، توسط هر کدام آنها که برائت اشخاص زیاده تر را در برداشته باشد، ترجیح داده می شود.

حصة نهم تعداد نسخه های برات

مادة ۵۳۴:

برات بصورت نسخه متعددی که از هم دیگر تفاوت نداشته باشد، صادر شده می تواند.

در متن برات هایی که به نسخه های متعدد نوشته می شود باید نمبر مسلسل نسخه ها تحریر شود.

هر نسخه برات که دارای نمبر مسلسل نباشد، برات جداگانه شناخته می شود.

شخص ته انتقالوی مگر هغه خوک نشی کولای چه د برات په شا مکرر ولیکی. په منځگړی توب سره ورکړه (د هر هغه چا دپاره چه منځگړی واقع شوی وی) د وروستیو (ظهر نویسانو) دذمی د برائت مستلزم دی. پدی حال کښې چه په منځگړی توب سره د ورکړی دپاره خو منځگړی موجود وی نو د دوی د هر یوه په منځگړی توب سره چه د زیاتو کسانو برائت راځي، ترجیح ورکوله کیږي.

نهمه برخه د برات د نسخو شمېر

ماده ۵۳۴:

برات د متعددو نسخو په صورت چه یو له بله تفاوت نه سره لری صادریدای شي.

د هغو براتونو په متن کښې چه په متعددو نسخو لیکل کیږي، باید پرله پسې لمبر ولیکل شي.

د برات هره نسخه چه پرله پسې لمبر، ونه لری، ځانگړی برات گڼل کیږي.

اگر در متن برات عبارت تنها یک نسخه نوشته نباشد، حامل می‌تواند با تحمل مصارف نسخه‌های متعددی مطالبه کند.

اگر برات یک نسخه بوده و در آن ظهر نویسی بعمل آمده باشد و پس از آن حامل نسخه‌های متعددی بگیرد، بایستی به ظهر نویس قریب خود مراجعه کند و این ظهر نویس مکلف است بر له حامل به ظهر نویس ماقبل رجوع کند و به همین ترتیب ظهر نویسی جریان می‌یابد.

ظهر نویسان مجبور اند که به نسخه‌های جدید برات ظهر نویسی‌های خود شانرا تحریر کنند.

ماده ۵۳۵:

اگر تأدیسه بمقابل یک نسخه از براتی که به نسخه‌های متعدد تحریر گردیده واقع شود، نسخه‌های دیگر بی اثر می‌گردد.

با وجود، این مخاطب به نسبت هر یکی از نسخه‌های قبول شده که

که د برات په متن کنبی یواځې یوه نسخه عبارت لیکل شوی نه وی، حامل کولای شي چه د مصارفو په غاړه اخیستلو سره متعددی نسخی وغواړی.

که برات یوه نسخه وی او په هغه کنبی (ظهر نویسی) شوی وی او پس له هغه حامل متعددی نسخی واخلی نو بیا یې خپل نژدی شالیگونکی (ظهر نویس) ته مراجعه وکړی او دا ظهر نویس مکلف دی چه د حامل لپاره پخوانی ظهر نویس ته رجوع وکړی او په همدی ترتیب شالیکنه (ظهر نویس) جریان مومی.

ظهر نویسان مجبور دی چه د برات په نویو نسخو باندی خپلی ظهر نویسی ولیکی.

ماده ۵۳۵:

که له هغو براتونو څخه چه په متعددو نسخو لیکلی شوی دی د یوی نسخی په مقابل کنبی ورکړه واقع شي نو نوری نسخی یې بی اثره کیږي.

سره له دی مخاطب د هری یوی له قبولو شویو نسخو څخه چه

مسترد نگردیده باشد مسئول
 است. ظهر نویسیکه نسخه های
 متعددی را به اشخاص متعدد
 تفویض می کند و همچنان ظهر
 نویسهای دیگریکه بعد از او
 می آیند، بمقابل نسخه
 هائیکه امضای شانرا
 محتوی بوده و مسترد نشده
 باشد، مسئول اند.

حصة دهم جعل کاری - تحریفات

مادة ۵۳۶:

جعل یک امضاء در برات، چه
 امضای صادر کننده باشد و یا
 قبول کننده، به امضاهای دیگری
 که در برات موجود است خللی
 وارد نمی کند.

مادة ۵۳۷:

اگر در متن برات تحریف
 واقع شود، اشخاصی که بعد
 از تحریف امضاء نموده
 اند، به مبلغ بعد از
 تحریف و آنانیکه قبل از آن
 امضا نموده اند، بر
 طبق متن اصل برات مسئول
 اند.

مستردی شوی نه وی، مسئول دی
 هغه ظهر نویسان چه متعددی
 نسخی متعدد و کسانو ته
 ورسپاری او همدا ډول نور هغه
 شالیگونکی (ظهر نویسان) چه
 وروسته له دوی څخه راځي، د
 هغو نسخو په مقابل چه ددوی
 لاس لیک ولری او مستردی شوی نه
 وی، مسئول دی.

لسمه برخه جعل کاری - تحریفات

ماده: ۵۳۶:

په برات کښې د یوه لاس لیک جعل
 که د صادر وونکی وی او که د
 قبل وونکی نور و هغو لاس لیکونو ته
 چه په برات کښې موجود دی، خلل
 نه پېښوي.

ماده: ۵۳۷:

که د برات په متن کښې تحریف
 واقع شي، نو هغه کسان چه
 وروسته له تحریفه څخه یې لاس
 لیک کړي دی له تحریف نه په
 وروسته مبلغ او هغه کسان چه
 پخوا له هغه یې لاس لیک کړي دی،
 د برات له اصل متن سره سم
 مسئول دی.

یوولسمه برخه د وخت تېریدل

۵۳۸ ماده:

د ټولې هغه دعوي چې په قبلوونکي باندې د برات له لاري پيدا کيږي د مودی د رسيدلو له نېټې څخه وروسته له درې کالو تېرېدو څخه ساقطېږي.

هغه دعوي گانې چې حامل ئې په (ظهر نويسانو) او صادروونکي باندې وکړي او دهغه اعتراض له نېټې څخه چې په خپل ټاکلي وخت ليکلي شوي وي (او که په سند کښې د بي لگښته اعادي شرط موجود وي د مودی تيريدلو له نېټې څخه) د يو کال په تيريدو ساقطېږي.

هغه دعوي چې ظهر نويس يې يو پرېل او يا په صادروونکي وکوي، د ظهر نويس له خوا د برات د ورکړې له نېټې څخه او يا له هغې نېټې څخه چې پخپله په دوی باندې دعوي شوي وي، د شپږو مياشتو په تيريدو باندې ساقطېږي.

حصه يازدهم مرور زمان

ماده ۵۳۸:

کافه دعاوی ايکه عليه قبول کننده از رهگذر برات نشئت نمايد، از تاريخ حلول موعده بعد از مرور مدت سه سال ساقط می شود.

دعاوی ايکه حامل عليه ظهر نويسان و صادرکننده اقامه کنند و از تاريخ اعتراضی که در وقت معين آن نوشته شده باشد (و اگر در سند شرط اعاده بدون مصرف موجود باشد از تاريخ انقضای موعده) به مرور یک سال ساقط می شود.

دعوايیکه ظهر نويسان بر عليه همدیگر شان و يا عليه صادر کننده اقامه کنند از تاريخ تأديه برات از طرف ظهر نويسان و يا از تاريخی که عليه خود آنها اقامه دعوي شده باشد، به مرور شش ماه ساقط می شود.

ماده ۵۳۹:

هغه معامله چه د زمان د تیریدلو قطع لازموی، یواځې دهغو کسانو په حق کښې چه له هغه څخه گټه کوی معتبر دی.

ماده ۵۳۹:

معامله ایکه مستلزم قطع مرور زمان است، تنها در حق کسی که از آن استفاده می کند معتبر است.

دوولسمه برخه
عمومی احکام

ماده ۵۴۰:

که دیو برات موده د تعطیل له ورځو سره مصادفه وی د هغه ورکړه د کار په هغه ورځ چه وروسته له تعطیل څخه راځي او همدا ډول په برات پوری ټول متعلق معاملات په تیره بیا د قبول دپاره د برات ښکارونه او د اعتراض لیکنه د کار په ورځ اجراء کیږي. پدی صورت چه له پاس معاملاتو څخه یوه معامله په یوه داسی موده کښې تصادف وکړی چه وروستی ورځ یې د قانون له مخې تعطیل وباله شي نو دا موده د کار تر لومړی ورځې پوری چه وروسته له هغه راځي اوږدېږي. د تعطیل ورځې چه په منځ کښې راځي، د مودی په حساب کښې داخلې دی.

حصه دوازدهم
احکام عمومی

ماده ۵۴۰:

اگر موعد یک برات با ایام تعطیل مصادف باشد، تأدیه آن در روز اول کاری که یوم تعطیل را تعقیب می کند، طلب می گردد و همچنان جمله معاملات متعلق به برات بالخاصه موضوع ارائه برای قبول و تحریر اعتراض در روز کار اجراء می شود. در صورتی که یکی از معاملات مذکوره در داخل یک مدتی تصادف کند که روز آخر آن قانوناً تعطیل شمرده شود مدت مذکور تا روز اول کاری که روز انقضای مدت مذکور را تعقیب می کند تمدید می شود. روزهای تعطیل که در بین واقع می شود بحساب مدت داخل است.

ماده ۵۴۱:

هغه موده چه د اصولو له مخې په
مقاوله سره ټاکلی وی، د هغو
لمړی ورځې په دی مودو کښې نه
شاملیږی.

ماده ۵۴۱:

مدتی که قرار قانون با مقاوله
معین باشد، روزهای اول
آن به این مدت‌ها شامل
نمی‌شود.

ماده ۵۴۲:

د برات په تعهداتو کښې د
اشخاصو اهلیت نظر د متبوع
دولت اصولو ته تعهد کوونکی
اشخاص تثبیت کیږی.

ماده ۵۴۲:

اهلیت اشخاص در تعهدات برات
نظر به قوانین دولت متبوع
اشخاص تعهد کننده، تثبیت
می‌گردد.

ماده ۵۴۳:

د برات په معاملاتو کښې د هر ډول
تعهداتو اجراء د هغه مملکت د
اصولو تابع دی چه تعهد په هغه
ځای کښې شوی وی.

ماده ۵۴۳:

اجرای هرگونه تعهدات در
معامله برات تابع قوانین
مملکتی است که تعهد در آنجا
بعمل آمده است.

ماده ۵۴۴:

اعتراض او په عام ډول سره هر
اقدام چه له برات څخه د پیدا
شویو حقوقو د ساتنی او له هغو
څخه د گټې دپاره کیږی دهغه
مملکت د قوانینو تابع به وی چه دا
اقدام په هغه ځای کښې عملی
کیږی.

ماده ۵۴۴:

اعتراض و بالعموم هر
اقدامی که برای حفظ حقوق
ناشیه از برات و استفاده
از آن بعمل می‌آید، تابع
قوانین مملکتی خواهد بود که
آن اقدام در آنجا عملی
می‌شود.

دوہیم فصل حجت

۵۴۵ مادہ:

تجارتی حجت باید دلائل شرطونہ ولری:

- ۱- د (حجت) د کلمی لیکنہ د حجت پرمخ پہ ہرہ ژبہ چہ ہغہ حجت لیکیلی شوی وی.
- ۲- د تاکلی مبلغ بی لہ شرطہ ورکړه.

۳- د ورکړی مودہ.

۴- د ورکړی ځای.

۵- د ہغہ چا نوم چہ د مبلغ ورکړه دده پہ وجہ او یا دده پہ امر کیږي.

۶- د حجت د لیکنی ځای او نېتہ.

۷- د حجت د صادر وونکی لاس لیک.

فصل دوم حجت

۵۴۵ مادہ:

حجت تجارتی باید دارای شرائط ذیل باشد:

- ۱- تحریر کلمہ (حجت) بر روی سند به هر زبانی که حجت نوشته شده باشد.
- ۲- تأدیہ بلا شرط مبلغ معین.

۳- موعده تأدیہ.

۴- محل تأدیہ.

۵- اسم شخصی که تأدیہ مبلغ در وجه و یا به امر او می شود.

۶- محل و تاریخ تحریر حجت.

۷- امضای صادر کننده حجت.

۵۴۶ مادہ:

ہغہ سند چہ د پاس ذکر شوی مادی لہ موادو څخہ کم یو ونہ لری (بی لہ لاندنیو موادو)، (حجت) نہ گنل کیږي.

ہغہ حجت چہ د ورکړی مودہ یې نہ وی لیکیلی شوی، د غوښتنې پہ وخت کښې د ورکړی وړ دی.

کہ پہ کوم یو حجت کښې دو رکړي

۵۴۶ مادہ:

سندی که یکی از مواد متذکره ماده فوق را حاوی نباشد (به استثنای موارد ذیل) (حجت) شناخته نمی شود.

حجتی که موعده تأدیہ آن تحریر نگردیده باشد، عند المطالبه قابل تأدیہ است.

اگر در یک حجت محل تأدیہ

آن تحریر نشده باشد، محل صدور آن محل تأدییه و در عین زمان محل اقامت صادر کننده دانسته می شود.

اگر در متن حجت محل صدور تحریر نگردیده باشد، محل صدور همان محلی دانسته می شود که پهلوی اسم امضاء کننده تحریر گردیده باشد.

ماده ۵۴۷:

مقررات ذیل که به برات تعلق دارد راجع به حجت نیز قابل تطبیق است:

راجع به ظهر نویسی مواد (۴۸۰ - ۵۱۰).

راجع به ضمانت مواد (۴۹۹ - ۵۰۱).

راجع به موعد مواد (۵۰۲ - ۵۰۶).

راجع به تأدییه مواد (۵۰۷ - ۵۱۲).

راجع به حق رجوع در صورت عدم تأدییه مواد (۵۱۳ - ۵۲۰ - ۵۲۲ - ۵۲۳).

راجع به توسط تأدییه

خای نه وی لیکلی شوی نو د صدور خای یی د ورکری خای دی او په عین زمان کنبی د صادر وونکی د استوگنی خای بلل کیږی.

که د حجت په متن کنبی د صدور خای نه وی لیکلی شوی، د صدور خای یی هغه محل بلل کیږی چه د لاس لیک کوونکی د نامه په خوا کنبی لیکلی شوی وی.

ماده ۵۴۷:

دا لاندی مقررات چه په برات پوری اړه لری، د حجت په خصوص کنبی هم د تطبیق وړ دی:

د (۴۸۰ - ۵۱۰) موادو د ظهر نویسی په خصوص کنبی.

د (۴۹۹ - ۵۰۱) موادو د ضمانت په باره کنبی.

د (۵۰۲ - ۵۰۶) مادو د مودی په خصوص کنبی.

د (۵۰۷ - ۵۱۲) مادو د ورکری په خصوص کنبی.

د (۵۱۳ - ۵۲۰ - ۵۲۲ - ۵۲۳)

مادو د نه ورکری په صورت د رجوع د حق په خصوص کنبی.

د (۵۲۵ - ۵۲۹ - ۵۳۳) مادو په

بالواسطه سره د ورکړې د توسط په خصوص کښې.
د (۵۳۶-۵۳۷) مادو د جعل او تحریف په خصوص کښې.
د (۵۳۸-۵۳۹) مادو د زمانی د تیریدو په باره کښې.
د رسمي ورځو د حساب د صورت په خصوص کښې (۵۴۰-۵۴۱).
همدا ډول د بل شخص په استوگنځی کښې د ورکړې په خصوص کښې (۴۷۴) او (۴۹۶) او د ټکټ پولی د مقاولی په دائر (۴۷۵) او د هغو مبلغونو په خصوص کښې د مختلفو بیاناتو په باره کښې ورکول کیري (۴۷۶)، د هغه شخص د لاس لیک د نتیجو په خصوص کښې چه اهلیت یې موندلی دی (۴۷۷) او د هغه شخص د لاس لیک د نتیجو په باره کښې چه وکیل نه وی او یا د وکالت له حدودو څخه تیری وکړی د (۴۷۸) مادی حکم د حجت په خصوص کښې هم معتبر دی.

د (۵۲۹-۵۳۳).
راجع به جعل و تحریف (۵۳۶-۵۳۷).

راجع به مرور زمان (۵۳۸-۵۳۹).

راجع به صورت حساب ایام رسمیه (۵۴۰-۵۴۱).

همچنان راجع به تأدیه در اقامتگاه شخص دیگر احکام مواد (۴۷۴-۴۹۶) و دائر به مقاوله تکت پولی (۴۷۵) و دربارهٔ بیانات مختلف راجع به مبالغیکه تأدیه می شود (۴۷۶) راجع به نتایج امضای شخصی که واجد اهلیت می باشد (۴۷۷) و راجع به نتایج امضای کسیکه وکیل نباشد و یا از حدود وکالت تجاوز کند، حکم ماده (۴۷۸) در خصوص حجت هم معتبر است.

ماده ۵۴۸:

شخصی که حجت را امضاء می کند مثل شخصی قبول کننده

واسطه سره د ورکړې د توسط په خصوص کښې.

د (۵۳۶-۵۳۷) مادو د جعل او تحریف په خصوص کښې.

د (۵۳۸-۵۳۹) مادو د زمانی د تیریدو په باره کښې.

د رسمي ورځو د حساب د صورت په خصوص کښې (۵۴۰-۵۴۱).

همدا ډول د بل شخص په استوگنځی کښې د ورکړې په خصوص کښې (۴۷۴) او (۴۹۶) او د ټکټ پولی د مقاولی په دائر (۴۷۵) او د هغو مبلغونو په خصوص کښې د مختلفو بیاناتو په باره کښې ورکول کیري (۴۷۶)، د هغه شخص د لاس لیک د نتیجو په خصوص کښې چه اهلیت یې موندلی دی (۴۷۷) او د هغه شخص د لاس لیک د نتیجو په باره کښې چه وکیل نه وی او یا د وکالت له حدودو څخه تیری وکړی د (۴۷۸) مادی حکم د حجت په خصوص کښې هم معتبر دی.

ماده ۵۴۸:

هغه څوک چه حجت لاس لیکوی، لکه د یو برات د قبلوونکی په شان

یک برات مسئول است چینیکه بعد از مدتی از رویت تأدیه آن قبول می‌شود (بشرطیکه از طرف امضاءکننده عبارته (ملاحظه شده) بر آن تحریر شده باشد) در ظرف مدت های معینه ماده (۴۹۲) لزم الزائنه است اگر صاحب امضاء از تحریر عبارته (ملاحظه شده است) با قید تاریخ آن امتناع کند باید قرار ماده (۴۹۴) امتناع توسط یک ورقه اعتراض اثبات شود، تاریخ این ورقه اعتراض مبدأ موعده تأدیه بعد از ارائه سند دانسته می‌شود.

مسئول دی خه وخت چه له بنکاره کولونه خه موده وروسته د هغه ورکړه قبلوله کیرپي (په دی شرط چه د لاس لیک کونکی له خوا ورباندی د (وکتل شو) عبارت لیکلی وی په (۴۹۲) مادو کنبی تیاکلی شوی موده کنبی دهغه بنکارونه لازمه ده که د لاس لیک خاوند د (کتلی شوی دی) له عبارت خخه سره د هغه د نتیې له قیده منع راولد د اعتراض د یوی پانې په ذریعه اثبات شی، ددی اعتراض پانې نپته د سند له بنکاره کولونه وروسته د ورکړې د مودی شروع بلله کیرپي.

فصل سوم حصه اول چک

ماده ۵۴۹:

- چک محتوی شرایط ذیل باشد:
- ۱- در متن سند ذکر کلمه چک.
 - ۲- امر بلا قید و شرط تأدیه مبلغ.
 - ۳- اسم شخصی که تأدیه

در بیم فصل لومړی برخه چک

ماده ۵۴۹:

- چک باید دا لاندی شرطونه ولری:
- ۱- د سند په متن کنبی د چک دکلمی ذکر.
 - ۲- د مبلغ د ورکړې بی قیده او بی شرطه امر.
 - ۳- د هغه شخص نوم چه

ورکړه کوي (مخاطب).

۴- د ورکړې دځای ذکر.

۵- دچک د صدور دمحل او نېټې قید.

۶- دهغه شخص لاس لیک چه چک صادروي (صادروونکي).

می کند (مخاطب).

۴- ذکر محل تأدیه.

۵- قید محل و تاریخ صدور چک.

۶- امضای شخصی که چک را صادر می کند (صادر کننده).

۵۵۰ ماده:

هغه سند چه د (۵۴۹) مادی له ذکر شویو شرطونو څخه یو په کښې نه وی چک نه باله کيږي، مگر په لاندی مواردو کښې:

که په چک کښې د ورکړې محل ذکر شوی نه وی نو هغه محل چه د مخاطب دنوم په څنگ کښې لیکلی شوی وی د ورکړې محل او په عین زمان کښې د مخاطب د استوگنې ځای باله کېږي.

که دچک د صدور محل ذکر شوی نه وی، هغه محل چه وروسته د صادروونکي له نامه ذکر شوی وی د صدور محل بلل کيږي.

۵۵۱ ماده:

چک په داسی حال کښې صادريږي چه صادروونکي له مخاطب څخه شته و لری او

ماده ۵۵۰:

سندیکه یکی از شرایط متذکره ماده (۵۴۹) حاوی نباشد چک شناخته نمی شود. مگر در دو مورد آتی:

اگر محل تأدیه در چک ذکر نشده باشد، محلیکه به پهلوی اسم مخاطب نوشته باشد محل تأدیه و در عین زمان اقامتگاه مخاطب شناخته می شود.

اگر محل صدور چک ذکر نشده باشد، محلیکه بعد از اسم صادر کننده ذکر شده باشد، محل صدور شناخته می شود.

ماده ۵۵۱:

چک در حالی صادر می شود که صادر کننده در نزد مخاطب دارای داشته و مخاطب در اثر

مخاطب دصریح یا ضمنی موافقی
په اثر د هغه په ورکړه مکلف وی.

۵۵۲ ماده:

چک کیدای شي چه په لاسدی
صورتو یې د ورکړې وړ وبولی:

۱- په یو ټاکلی شخص یا د
هغه په امر.

۲- په حامل.

یو چک چه د هغه مودی الیه
شخص معلوم نه وی، په حامل
محرر پیژندل کیږی.

۵۵۳ ماده:

صادر وونکی کولای شي چه چک په
خپله وجه صادر کړی.

۵۵۴ ماده:

که چیرې چک د ټکټ پولی له
شرط سره صادر شوی وی، دا ډول
شرط معتبر نه دی.

۵۵۵ ماده:

په دی صورت چه د چک د مندرجه
مبلغ د ارقامو او حروفو په منځ
کښې اختلاف وی، حروف معتبر
دی.

موافقه صریح یا ضمنی به
تأدیه آن مکلف باشد.

ماده ۵۵۲:

چک را می توان (بصورت) ذیل
قابل تأدیه دانست:

۱- به یک شخص معین
یا به امر او.

۲- به حامل.

یک چکی که شخص مودی
الیه آن معلوم نباشد، محرر
به حامل شناخته می شود.

ماده ۵۵۳:

صادرکننده می تواند چک را در
وجه خود صادر کند.

ماده ۵۵۴:

هرگاه چک با شرط تکت پولی
صادر شده باشد، چنین شرط
معتبر نیست.

ماده ۵۵۵:

در صورتی که بین ارقام و
حروف مبلغ مندرجه چک
اختلاف باشد، حروف معتبر
است.

مادہ ۵۵۶:

اگر چک علاوہ از امضای شخص صلاحیت دار، دارای امضای اشخاص باشد کہ اہلیت تعہد چک را دارا نباشند و یا امضاء ہای جعلی و اشخاص غیر حقیقی باشد، تعہد اشخاص دارای اہلیت کہ در چک امضاء نموده اند باز ہم معتبر است.

مادہ ۵۵۷:

کسانیکہ چک را بنام و حساب شخصی کہ وکالت او را ندارند صادر یا تأدیہ کنند، مسئول نتایج آنند.

مادہ ۵۵۸:

شخص صادر کننده ضامن تأدیہ است و شرطی کہ متضمن ابراء ضمانت تأدیہ باشد، معتبر نیست و پس از تأدیہ وجہ چک صادر کننده از ضمانت بری می شود.

کہ چک برسیرہ دواک لرونکی شخص پہ لاس لیک دداسی کسانو لاس لیک ولری چہ دچک د تعہد اہلیت نلری او یا جعلی لاس لیک او د ہغو کسانو لاس لیک ولری چہ غیر حقیقی وی نو د اہلیت لرونکو کسانو تعہد چہ چک بانندی یی لاس لیک کپی دی بیہام د اعتبار وپ دی.

مادہ ۵۵۷:

ہغہ خوک چہ چک دداسی کس پہ نامہ او حساب چہ وکالت یی نلری صادر یا ورکپی، دہغہ دنتیجو مسئول دی.

مادہ ۵۵۸:

صادر وونکی شخص دورکپی ضامن دی. ہغہ شرط چہ د ورکپی د ضمانت پہ ابراء کبئی وی، معتبر ندی او دچک د وجہ لہ ورکپی خخہ وروستہ صادر وونکی لہ ضمانت خخہ بری دی.

دوه یمه برخه شالیکنه

۵۵۹ ماده:

هر چک پرته له حامل ته لیکلی شوی چک نه د (ظهر نویسی) په لاره بل ته د انتقال وړ دی. که صادر وونکی په چک باندی (دانتقال وړ نه دی) جمله او یایوه بله جمله چه عین معنی ورکړی لیکلی وی نو دا چک د ظهر نویسی په طریقہ نقل کیدای نشي. چک مخاطب او صادر وونکی او نورو مسئولینو ته ظهر نویسی کیدای شي.

دا کسان کولای شي چه چک له خپلی خوا تکرار نورو ته ظهر نویسی کړی. په ظهر نویسی سره ټول هغه حقوق چه له چک څخه پیدا شوی وی، انتقال مومی.

۵۶۰ ماده:

ظهر نویسی باید بی له شرطه وی په (ظهر نویسی) کې د شرط ټاکل معتبر نه دی. په همدی شان د چک له مندرجه مبلغ څخه د یوی برخی (ظهر نویسی)

حصه دوم ظهر نویسی

ماده ۵۵۹:

هر چک به استثنای چک محرر به حامل بطریق ظهر نویسی به دیگر قابل انتقال است. اگر صادر کننده بر چک جمله (قابل انتقال نیست) و یا یک جمله دیگریکه عین معنی را افاده کند نوشته باشد، چک مذکور بطریق ظهر نویسی نقل شده نمی تواند. چک را می توان به مخاطب و صادر کننده و مسئولین دیگر ظهر نویسی نمود.

این اشخاص می توانند از طرف خود چک را تکرار به دیگران ظهر نویسی کنند. با ظهر نویسی کافه حقوق متولد از چک انتقال می یابد.

ماده ۵۶۰:

ظهر نویسی باید بلا شرط باشد. تعیین شرط در ظهر نویسی معتبر نیست. همچنین ظهر نویسی یک قسمت از مبلغ مندرجه چک صحیح

صحیح نه ده.

نیست.

که (ظهر نویسی) د مخاطب له خوا وشي، باطله ده. د مخاطب په نامه ظهر نویسی د رسید حکم لری.

ظهر نویسی اگر از طرف مخاطب به عمل آید، باطل است. ظهر نویسی بنام مخاطب حکم رسید را دارد.

۵۶۱ ماده:

(ظهر نویسی) یا پخپله پر چک باندي یا په یوه بل چک سره پیوسته پانې باندي کیږي. ظهر نویسی باید د (ظهر نویسی) له خوا لاس لیک شي. که (ظهر نویسی) یواځې بی د حامل له ذکره په لاس لیک کفایت کړی وی (ظهر نویسی) صحیح ده. سپینه (ظهر نویسی) د چک د ظهر نویسی په خصوص کښې د (۴۸۳ تر ۴۸۸) مادو پوری مقررات د تطبیق وړ دی.

ماده ۵۶۱:

ظهر نویسی یا بر خود چک یا بر یک ورقه ملحقه دیگر چک نوشته می شود. ظهر نویسی لازم است از طرف ظهر نویس امضاء شود. اگر ظهر نویس بدون ذکر حامل تنها به امضاء اکتفا نموده باشد، ظهر نویسی صحیح است (ظهر نویسی سفید) راجع به ظهر نویسی چک مقررات مواد (۴۸۳ الی ۴۸۸) قابل تطبیق است.

در پیمه برخه ضمانت

۵۶۲ ماده:

د چک ضمانت په خصوص کښې د برات د ضمانت په باره کښې د څلورمې برخې د (۴۹۹) تر (۵۰۱) مادو مقررات هم معتبر دی.

حصة سوم ضمانت

ماده ۵۶۲:

مقررات ماده (۴۹۹) الی (۵۰۱) حصة چهارم راجع به ضمانت برات در خصوص ضمانت چک هم معتبر است.

خلورمه برخه بنکارونه او ورکړه

۵۶۳ ماده:

چک د ضرورت له مخې د ورکړې وړ دی. هر هغه شرط چه په خلاف یې وی معتبر نه دی.

۵۶۴ ماده:

که چک په همغه ځای کښې چه صادر شوی د ورکړې وړ وی نو چک لرونکی مکلف دی چه د صدور له نېټې څخه په پنځلسو ورځو کښې دهغه وجه وغواړی او که دمملکت له یوی نقطې څخه بلې نقطې ته صادر شوی وی نو بنایې چه د چک د صدور له نېټې څخه په موده د دوو میاشتو کښې وغوښتل شي.

د هغو چکانو په خصوص کښې چه له خارجه صادر شوی او باید په افغانستان کښې ورکړل شي، هغه مقررات به چه په افغانستان کښې د صادر شویو چکونو په خصوص کښې وی رعایت شي مگر هغه موده چه ددی ډول چکانو لرونکی په هغې مودی

حصه چهارم ارائه و تأدیه

ماده ۵۶۳:

چک عند الرویت قابل تأدیه است هر شرطیکه بر خلاف آن باشد، غیر معتبر است.

ماده ۵۶۴:

اگر چک در همان مکانیکه صادر شده قابل تأدیه باشد، دارنده چک مکلف است که در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آنرا مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر مملکت صادر شده باشد، باید در ظرف دو ماه از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

در مورد چک هاییکه از خارج صادر شده و باید در افغانستان پرداخته شود، مقررات راجعه به چک هاییکه در افغانستان صادر شده رعایت خواهد شد، ولی مدتیکه در ظرف آن دارنده این چنین چک ها

می‌تواند وجه آنرا مطالبه کند، چهار ماه از تاریخ صدور است.

ماده ۵۶۵:

اگر محل صدور و محل تأدیه چک تقویم مختلف داشته باشد، تاریخ صدور همان روز دانسته خواهد شد که با روز تقویم محل تأدیه مطابق باشد.

ماده ۵۶۶:

اگر دارنده چک در ظرف مواعد قانونی پرداخت وجه چک را مطالبه نکند، دعوی او علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به مخاطب است از بین برود، دعوی دارنده چک علیه صادر کننده نیز مسموع نیست، ولی مخاطب بعد از اختتام موعد چک هم می‌تواند تأدیه کند.

ماده ۵۶۷:

اگر صادرکننده چک بعد از اصدار آن فوت یا واجد عدم صلاحیت و اهلیت شود، در

کسب کولای شی د هغو وجه و غواری، د صدور له نېټې څخه څلور میاشتې دی.

ماده ۵۶۵:

که د چک د صدور د محل او د ورکړې د محل تقویم مختلف وی نو د صدور د نېټې ورځ به هغه ورځ وگڼله شي چه د ورکړې د محل د تقویم له ورځې سره برابر وی.

ماده ۵۶۶:

که د چک لرونکی په قانونی مودو کسبې د چک د وجه ورکړه ونه غواړي نو دعوی به یې ظهر نویس باندې وانه وریدله شي او که د چک وجه یو داسی سبب چه په مخاطب پوری اړه لری له منځه لاړه شي نو د چک لرونکی دعوی په صادرونکی هم مسموع نه ده مگر مخاطب وروسته د مودی له ختم څخه هم کولای شي چه چک ورکړي.

ماده ۵۶۷:

که د چک صادرونکی وروسته د هغه له صادرولو فوت یا بی اهله او بی واکه شي، د چک په

اعتبار کوم تأثیر نلری.

ماده ۵۶۸:

د هغه څوک چه د چک وجه په لاس راوړی، باید شایې رسید کړی. لرونکی کولای شي چه یوه برخه یې قبوله کړی، په دی صورت کښې هر څومره مبلغ چه لاس ته راوړی، د چک په شا رسید کړی.

ماده ۵۶۹:

که کوم چک د ورکړې وړ داسی پولونو باندی ولیکل شي چه د ورکړې د مملکت پول نه وی، د ورکړې وړ پولونه د مملکت په پولونو د ورکړې په ورځ کښې دهغه قیمت سره (د حامل په غوښتنه) په عمل راوړی.

که دښکاره کولو په وخت کښې پول تأدیه شوی نه وی، د چک خاوند کولای شي چه دخپل میل په اساس تقاضا وکړی چه زما پیسی دی د مملکت له پیسو څخه د ورځې دنرخ له مخه اراه او یا تأدیه شي. دخارجی پیسو قیمت دهغه ځای له دود سره سم ټاکل کیږي.

سره له دی صاروونکی کولای شي چه شرط کیږدی چه د ورکړې وړ

اعتبار چک تأثیر ندارد.

ماده ۵۶۸:

کسیکه وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آنرا رسید نماید. دارنده می تواند تأدیه قسمی را قبول نماید، در این صورت، به اندازه مبلغی که دریافت داشته در ظهر چک رسید نماید.

ماده ۵۶۹:

اگر چکی به پولی قابل تأدیه نوشته شود که پول مملکت تأدیه نباشد، مبلغ قابل تأدیه را می توان به پول مملکت مطابق به قیمت آن در روز تأدیه (بخواهش حامل) بعمل آورد.

اگر در وقت ارائه پول تأدیه نشده باشد دارنده چک می تواند بر حسب میل خود تقاضا کند که تأدیه به پول آن مملکت از روی نرخ روز ارائه و یا نرخ روز تأدیه به عمل آید. قیمت پول خارجی بر طبق رواج محل تعیین می شود.

معذالک صادر کننده می تواند شرط گذارد که مبلغ قابل

مبلغ دی له هغه نرخ سره سم چه په چک کښې لیکل شوی دی، حساب شي.

تأديه بر طبق نـرخي که در چک نوشته شده است، حساب شود.

پنځمه برخه

مخطط (کراس) او په حساب سره دانتقال وړ چکونه

حصه پنجم

چک های مخطط (کراس) و چک های قابل انتقال به حساب

۵۷۰ ماده:

صادروونکی یا چک لرونکی کولای شي چه په چک باندې خط (کراس) وکارې. خط کښل عبارت دی دچک پر مخ له دوو متوازي کرښو څخه چه يا عام دی يا خاص. که ددوو خطونو په منځ کښې څه شي ذکر شوی نه وی او يا د (بانکدار) يا د هغې معادله کومه بله کلمه لیکل شوی وی، دا خط کښل عام دی او که د (بانک لرونکی) نوم د دوو خطونو ترمنځ لیکل شوی وی نو دا خط کښل خاص دی. عام خط په خاص خط باندې تحویلیدای شي مگر د هغه عکس يا د خط او د بانک لرونکی او يا د بانک لرونکی دنوم محو کول جائز نه دی.

ماده ۵۷۰:

صادر کننده و يا دارنده چک می تواند چک را خط (کراس) بکشد. خط کشیدن عبارت است از کشیدن دو خط متوازي بر روی چک که يا عام است يا خاص. اگر در بين دو خط چیزی ذکر نشده باشد و يا کلمه (بانکدار) و يا کدام کلمه ديگری معادل آن نوشته باشد، اين خط کشیدن عام است و اگر اسم (بانکدار) در بين دو خط نوشته شده باشد، اين خط کشیدن خاص است. خط عام را می توان به خط خاص تحويل داد، مگر عکس آن و يا امحای خط و بانکدار و يا اسم بانکدار جایز نیست.

ماده ۵۷۱:

یو چک چه په عام طور خط ورباندی کښل شوی وی نو مخاطب یواځې (بانک لرونکی) یا خپل مشتری ته انتقال ورکولای شي. هغه چک چه په خاص ډول خط کش شوی وی نو مخاطب یې فقط هغه بانک لرونکی ته چه نوم یې لیکلی شوی او که بانک لرونکی مخاطب وی فقط خپل مشتری ته انتقال ورکولای شي. هغه بانک لرونکی چه نوم یې ذکر شوی دی کولای شي چه چک یو بل بانک لرونکی ته دتحصیل دپاره ور وسپاری. بانک لرونکی مخطط چک بیرته دخپلو مشتریانو یا بل بانک لرونکی په حساب کښې معامله کولای نشي مخاطب یا بانک لرونکی چه دپورتنیو مقرراتو رعایت ونه کړی، هر هغه ضرر چه پیدا کیږي دچک مبلغ تراندازی پوری مسئول دی.

ماده ۵۷۲:

صادرونکی یا چک لرونکی کولای شي چه د چک نقدی ورکړه په دی صورت منع کړی چه د چک پر مخ عرضاً (په حساب کی د

ماده ۵۷۱:

یک چک که بطور عام خط کشیده شده باشد، مخاطب تنها به (بانکدار) و یا مشتری خود انتقال داده می‌تواند. چکی که بصورت خاص خط کشیده شده باشد، مخاطب فقط به بانک داریکه اسم او نوشته شده و یا اگر بانکدار مخاطب باشد فقط به مشتری خود انتقال داده می‌تواند. بانکداریکه اسم او ذکر شده است، می‌تواند چک را به بانکدار دیگری برای تحویل تسلیم کند، بانکدار چک مخطط را به جز در حساب مشتریان خود و یا بانکدار دیگر نمی‌تواند معامله کند. مخاطب یا بانک داریکه مقررات فوق را رعایت نکند، برای ضرریکه تولید می‌شود تا به اندازه مبلغ چک مسئول است.

ماده ۵۷۲:

صادر کننده یا دارنده چک می‌تواند تأدیة نقدی چک را به این صورت منع کند که بر روی چک عرضاً عباره (قابل معامله به

معاملی وپ دی) عبارت ولیکی
(په حساب کی د ورکپی وپ دی)
عبارت محوکول له چک څخه
جائز نه دی.

حساب است) را بنویسد. محو
عباره (قابل تأدیه به
حساب است) از چک جایز
نیست.

شپړ مه برخه

دنه ورکپی له امله مراجعه

حصه ششم

مراجعة بنا بر عدم تأدیه

۵۷۳ ماده:

له ورکپی څخه دمنع راوړلو په
صورت کېنې چک لرونکی کولای
شي چه شالیکونکو صادروونکو او
نورو مسئولو کسانو ته مراجعه
وکړي. لرونکی کولای شي چه له
لاندنیو دلایلو څخه په یو دلیل سره
له د ورکپی څخه امتناع په اثبات
ورسوی:

ماده ۵۷۳:

در صورت امتناع از تأدیه،
دارنده چک می تواند به
ظهر نویسان صادر کننده
چک و اشخاص مسئول دیگر
مراجعه کند. دارنده
می تواند با یکی از دلایل
ذیل امتناع از تأدیه به
اثبات برساند:

۱- دیوی رسمی پانې په
ذریعه اعتراض.

۱- اعتراض توسط یک
ورقه رسمی.

۲- د مخاطب له خوا دچک په
شالیکنه سره دنېټې له قید سره.

۲- تحریر در ظهر چک از طرف
مخاطب با قید تاریخ.

۳- د تجارتی محکمې
تصدیق چه د نېټې په قید د
چک په بنکاره کولو مبنی وی.

۳- تصدیق محکمه
تجارتی مبنی بر ارایه
چک به قید تاریخ.

۵۷۴ ماده:

اعتراض باید پخوا له هغې مودی
تیریدلو څخه چه دبنکاره کولو

ماده ۵۷۴:

اعتراض باید قبل از انقضای
مدتیکه برای ارائه مقرر

دپاره مقررده، عملی شی.

که چک په وروستنی مقررده ورځ
بنکاره کړی شی نو اعتراض ممکن
دی چه د کار په هغه ورځ چه
وروسته له هغه راځی، عملی
کړی.

۵۷۵ ماده:

له اعتراض څخه وروسته له ورکړی
څخه د امتناع په صورت کښې چک
لرونکی کولای شی چه خپل
شالیکونکی یا صادرونکی ته د
هغه کار په څلورو ورځو کښې چه د
اعتراض له لیکلونه وروسته
راځی، اطلاع ورکړی.
هرشالیکونکی باید ده نه کار په
څلورو ورځو کښې چه وروسته له
اطلاع اخیستلو څخه راځی، له نه
ورکړی څخه خپل پخوانی
شالیکونکی ته خبر ورکړی او په
دی اطلاع کښې دی د هغو کسانو
نوم او ادرس ذکر کړی چه
پخوانی اطلاع یې ورکړی ده. په
همدی صورت دی په مسلسل
ډول تر صادرونکی پورې
ورسپړی.

که چک ضمانت شوی وی،
باید په همغه موده کښې

است، عملی شود.

اگر چک در آخرین روز
مقررده ارائه شود، اعتراض را
ممکن است در روز کاری
که بعد از آن می آید،
عملی ساخت.

ماده ۵۷۵:

در صورت امتناع از تأدیة
پس از اعتراض دارنده چک
می تواند به ظهر نویس
خود و یا صادر کننده در
داخل چهار روز کاری که
بعد از تحریر اعتراض می
آید اطلاع بدهد. هر ظهر
نویس باید در داخل چهار
روز کاری که بعد از گرفتن
اطلاع می آید، از عدم تأدیة
به ظهر نویس ماقبل
خود خبر بدهد. و درین
اطلاع اسام و آدرس
اشخاصی را که اطلاع
سابق را داده اند، ذکر
نماید و به همین صورت،
مسلسلاً تا به صادر کننده
برسد.

اگر چک ضمانت شده باشد،
باید در داخل همان مدت به

ضامن ته هم خبر ورکړ شي.
اطلاع ممکنه ده چه د چک په اعاده او یا په راجستری لیک سره د پوستی په ذریعه اجراء شي.
د پوستی د رسید نېټې ته د اطلاع د مودی په ټاکلو کښې اعتبار ورکاوه کيږي.
هغه څوک چه په ټاکلی موده کښې اطلاع ورنکړي، خپل حقوق له لاسه نه ورکوي، مگر که دده د غفلت له مخې کوم ضرر پېښ شوی وی، د هغه د جبران مسئول دی.
سره له هغه هم، دده د مسئولیت اندازه د چک له مندرجه مبلغ څخه زیاتیدای نشي.

۵۷۶ ماده:

د چک حامل کولای شي چه پر ټولو هغو کسانو باندی چه په چک کښې مسئولیت لری، په گډه سره یا په یواځې صورت دعوی اقامه وکړي او پدی کار کښې د شالیکونکی د ترتیب په رعایت مکلف نه دی او همدغه حق هر یو بل تأدیه کوونکی شخص هم لری.
له مسئولو اشخاصو څخه چه پر یوه شخص باندی دعوی کول پر نورو اشخاصو باندی د دعوی کولو

ضامن هم خبر داده شود.
اطلاع ممکن است با اعاده چک و یا با مکتوب راجستری توسط پوسته اجراء شود.
تاریخ رسید پوسته در تعیین موعد اطلاع اعتبار داده می شود.
شخصیکه در داخل مدت معینه اطلاع ندهد، حقوق خود را از دست نمی دهد ولی اگر بنا بر غفلت او کدام ضرری عاید شده باشد، مسئول جبران آن میباشد.
معذالک، اندازه مسئولیت او از مبلغ مندرجه چک اضافه تر شده نمی تواند.

ماده ۵۷۶:

حامل چک می تواند بر علیه تمام اشخاصی که در چک مسئولیت دارند، مجتمعاً یا منفرداً اقامه دعوا نماید و درین کار مکلف به رعایه ترتیب ظهر نویسی نمی باشد و همین حق را هر شخص تأدیه کننده دیگر نیز دارا می باشد دعوی بر علیه یکی از اشخاص مسئول، مانع دعوی بر علیه اشخاص دیگر

مانع نه گرځي.

نیست.

۵۷۷ ماده:

د چک حامل یا تأدیه کوونکی کولای شي چه له مسئول شخص څخه لاندنی مصارف وغواړي:

ماده ۵۷۷:

حامل چک یا تأدیه کننده می تواند از شخص مسئول مصارف ذیل را مطالبه کند:

۱- د چک نه ورکړي شوی مبلغ.

۱- مبلغ تأدیه ناشده چک.

۲- ټکټ پولی.

۲- ټکټ پولی.

۳- د اعتراض او نورو مصارف چه متحمل شوی وی.

۳- مصارف اعتراض و غیره که متحمل شده باشد.

۵۷۸ ماده:

هر مسئول شخص چه د مراجعی مورد واقع شوی وی، کولای شي چه د ورکړي په بدل کښي چک سره له اعتراضه او رسیده وغواړي. هغه شالیگونکی چه چک يې اخیستی او تأدیه کړی وی، کولای شي چه خپله شالیکنه او د وروستیو شالیگونکو شالیکنی باطله کړي.

ماده ۵۷۸:

هر شخص مسئول که مورد مراجعه واقع شده باشد، می تواند در بدل تأدیه چک را با اعتراض و رسید تقاضا نماید. ظهر نویسی که چک را گرفته و تأدیه نموده باشد، می تواند ظهر نویسی خود و ظهر نویسی ظهر نویسان مابعد را ابطال نماید.

اوومه برخه

د چک د نسخو تعدد

حصه هفتم

تعدد نسخه های چک

۵۷۹ ماده:

په متعددو نسخو د چک صدور ممکن دی. پدی صورت کښي باید هره نسخه

ماده ۵۷۹:

صدور چک به نسخه های متعدد ممکن است. دراین صورت باید هر نسخه

واحدہ نمبرہ ولری او پہ ہغہ کنبی
تصریح شی چہ د نسخو شمیر
خودی او د لومپی، نسخی پہ
موجب وجہ د ورکری وپ دہ.

۵۸۰ مادہ:

خرنگہ چہ د لومپی نسخی پہ
ذریعہ ورکریہ اجراء شی، نوری
نسخی یی لہ اعتبارہ وتلی دی.

اتمہ برخہ

ساختمہ کاری او تحریفات

دارای نمبره واحد بوده و در آن
تصریح شود کہ تعداد نسخہ
چند است و بہ موجب نسخہ
اول وجہ قابل تأدیہ می باشد.

۵۸۰ مادہ:

چون تأدیہ بذریعہ نسخہ اول
صورت گرفته، نسخہ های دیگر
از اعتبار ساقط است.

حصہ ہشتم

ساختمہ کاری و تحریفات

۵۸۱ مادہ:

د (۵۳۶ او ۵۳۷) مادو احکام چہ
پہ ساختمہ کاری او تحریفاتو پوری
ارہ ولری د چک پہ بارہ کنبی
ہم مرعی الاجراء دی.

۵۸۱ مادہ:

احکام مواد (۵۳۶ و ۵۳۷) کہ
مربوط ساختمہ کاری و
تحریفات می باشد در بارہ
چک نیز مرعی الاجراء است.

نہمہ برخہ

د زمانی تہریدل

حصہ نہم

مروور زمان

۵۸۲ مادہ:

ہغہ دعوی چہ حامل یی پہ
شالیکونکو او صادروونکو باندی
کوی د بنکارونی د مودی لہ
تیریدو خخہ شپو میاشتی وروستہ
ساقطیری. ہمدادول د ہریوہ

۵۸۲ مادہ:

دعاوی ای کہ حامل علیہ ظہر
نویس ہا و صادر کنندہ اقامہ
می کند، شش ماہ بعد از
انقضای مدت ارائہ ساقط
است. همچنین دعوی ہر یک از

مسئولین از تاریخ تأدیه وجه بعد از انقضای شش ماه ساقط می‌شود. حکم ماده (۵۳۹) درباره چک نیز معتبر است.

ماده ۵۸۳:

احکام عمومی مواد (۵۴۰) و (۵۴۱) که راجع به برات و حجت می‌باشد، درباره چک ها نیز قابل تطبیق است.

فصل چهارم ضیاع اسناد تجاری

ماده ۵۸۴:

اگر حامل یک سند تجاری مالکیت خود را ذریعه ظهر نویسی های بلا انقطاع به اثبات برساند، مجبور نیست وجه آنرا که اخذ نموده اعاده بدارد، مگر این که ثابت شود که آنرا به ذرایع غیر قانونی بدست آورده است.

ماده ۵۸۵:

سند تجاری ای که از نزد حامل مفقود شده باشد، می‌تواند بطلان آنرا در محکمه مربوطه که مکلف

مسئول دعوی د وجه د ورکری له نهی خخه شپر میاشتی وروسته ساقطیری. د (۵۳۹) مادی حکم د چک په باره کنبی هم معتبر دی.

ماده ۵۸۳:

د (۵۴۰) او (۵۴۱) مادو عمومی احکام چه د برات او حجت په خصوص کنبی دی، د چکونو په باره کنبی هم د تطبیق وړ دی.

خلورم فصل د تجاری اسنادو ضیاع

ماده ۵۸۴:

که د یوه تجاری سند حامل خپل مالکیت د بلا انقطاع شالیکنو په ذریعه په اثبات ورسوی، مجبور نه دی چه هغه وجه چه اخیستی یې ده اعاده کړی، مگر دا چه ثابت شي چه هغه یې په غیر قانونی ذریعو په لاس راوړی دی.

ماده ۵۸۵:

تجاری سند چه له حامل خخه ورک شوی وی، کولای شي چه دهغه بطلان په مربوطه محکمه

به استماع دعاوی تجارتی است، ادعاء نماید.

سند و کیفیت به تملک و فقدان راحتی الامکان شرح دهد. در صورتی که محکمه دلائل درخواست کنند را کافی بداند، اگر سند مفقود برات قبول شده باشد، آنرا به قبول کننده و اگر سند چک یا برات قبول نشده باشد، به صادر کننده و مخاطب اگر سند در وجه حامل باشد، به مخاطب عدم تأدیه وجه آنرا تحریراً امر می دهد.

محتویات سند و لزوم ارائه آنرا در ظرف دو ماه توسط جراید رسمی و غیر رسمی سه مرتبه اعلان می نماید.

در ختم این مدت تصمیم لازم را در ابطال سند اتخاذ خواهد نمود. این مدت راجع به سندیکه موعده آن به سر رسیده باشد، سر از تاریخ اعلان منتشره در جریده رسمی و در باره سندیکه موعده آن بعد از اعلان سوم بسر می رسد، سر از تاریخ به

کسب چه تجارتی دعوی او ویدو مکلفه دی، و غواپی.

د تملک او ورکپی سند او کیفیت ته دی تر وسی پورپی شرح ورکپی. پدی صورت چه محکمه د درخواست کونکی دلائل کافی وبولی، که د برات ورک شوی سند قبول شوی وی نو هغه قبلونکی ته، او که دچک یا برات سند قبول شوی نه وی نو هغه صادرونکی او مخاطب ته، او که سند د حامل په وجه کی وی نو مخاطب ته د هغه د وجه د نه ورکپی امر په تحریری ډول ورکوی.

دسند محتویات او دهغه د بنکارونی لزوم په دوو میاشتو کسبې درسمی او غیر رسمی جریدو په ذریعه درې کرته اعلانوی.

ددی مودی په پای کسبې به د سند په ابطال کسبې لازم تصمیم ونیسی. دا موده د هغه سند په باره کسبې چه موده یې پوره شوی وی په رسمی جریدو کسبې د نشر شوی اعلان د نېټې له سره او د هغه سند په باره کسبې چه موده یې له دریم اعلان څخه وروسته پوره کیږي، د هغه د مودی د پوره کیدو له سره او

سر رسیدن موعد آن و راجع به سندیکه تأدیه آن مشروط به ارائه بوده و در تاریخ اعلان سوم مدت ارائه آن هسنوز نرسیده باشد، سر از روز اخیر مدت ارائه معتبر است.

ماده ۵۸۶:

شخصی که خواهش بطلان سند را می نماید، می تواند بیانیۀ مبنی بر محتویات اساسی سند ترتیب و در مدت و محلیکه قانوناً تعیین شده باشد، به مخاطب ارسال نماید. همین ورقه راجع به تأدیه و عدم تأدیه و رؤیت به منزله اعتراض تلقی می شود.

ماده ۵۸۷:

اگر سند در خاتمۀ مدتی که تعیین شده ارائه نشود، محکمه می تواند در اثر تقاضای مدعی، راجع به ابطال سند حکم صادر و به اشخاصی که در ماده (۵۸۵) ذکر شده ابلاغ نماید.

به موجب حکم ابطال، مدعی مثل

دهغه سند په باره کښې چه ورکړه یې په ښکارونه پوری مشروطه وی او ددریم اعلان په نېټه کښې دهغه دښکارونی موده لانه وی رسیدلی، د ښکارونی د مودی د وروستی ورځی له سره معتبر دی.

ماده ۵۸۶:

هغه څوک چه د سند بطلان غواړی، کولای شي چه د سند د اساسی محتویاتو په خصوص کښې یوه بیانیه ترتیب کړی او په هغه موده او محل کښې چه قانوناً ټاکلی شوی وی، مخاطب ته ورولپړی همدغه پاڼه د ورکړی او نه ورکړی او ښکارونی په خصوص کښې د اعتراض په منزله گڼل کیږي.

ماده ۵۸۷:

که سند د هغې مودی په پای کښې چه ټاکلی شوی ده ښکاره نشي نو محکمه کولای شي چه د مدعی د غوښتنې په اثر دسند د ابطال په باره کښې حکم صادر کړی او هغو کسانو ته یې چه په (۵۸۵) ماده کښې ذکر شوی دی ابلاغ کړی.

د حکم د ابطال په موجب مدعی

اینکه اصل سند ضایع شده را مالک باشد، حقوق خود را از قبول کننده برات و اگر برات قبول نشده باشد و یا حجت و چک باشد، از صادرکننده مطالبه نماید.

شخصی که علیه او دعوی می شود حق دارد که از تاریخ صدور حکم تا یک ماه به محکمه رجوع و عدم استحقاق محکوم له را به اثبات برساند.

ماده ۵۸۸:

اگر سند الی ختم مدت اعلان به محکمه معین ارائه شود، محکمه هدایت ماده (۵۸۵) راجع به ابلاغ را اجراء و مطابق اصول به دعوی رسیدگی نموده؛ حکم صادر می نماید.

باب چهارم تعهدات تجارتي فصل اول - احکام عمومی

ماده ۵۸۹:

اگر دو شخص و یا اشخاص

د ضایع شوی اصل سند د خواند په توگه خپل حقوق د برات له قبولونکی او که برات قبول شوی نه وی او یا حجت او چک وی نوله صادر وونکی څخه وغواړی.

هغه څوک چه په ده باندی دعوی کیږی حق لری چه د حکم د صدور له نېټې څخه تر یوې میاشتې پورې محکمی ته رجوع وکړی او د محکوم له نه استحقاق په اثبات ورسوی.

ماده ۵۸۸:

که سند د اعلان د مودی تر پایه پوری تا کالی محکمی ته بنکاره کړی شي نو محکمه د ابلاغ په خصوص کښې د (۵۸۵) مادی هدایت اجراء کوی او له اصول سره سم په دعوی رسیدگی کوی او حکم صادروی.

څلورم باب تجارتي تعهدات لومړی فصل - عمومي احکام

ماده ۵۸۹:

که دوه تنه یا زیات کسان د یوی

متعدد در ضمن یک معامله که خواه برای یک نفر و یا همه ایشان ماهیت تجارتی را دارا باشد در مقابل شخص ثالثی مشترکاً داخل تعهد شوند، در صورتی که خلاف آن در قرارداد تصریح نشده باشد، مجتمعاً مسئول شمرده می‌شوند. عین همین حکم بر اشخاصی که ضمانت دیون را می‌نمایند نیز تطبیق می‌شود.

ماده ۵۹۰:

پولیکه در نتیجه کددام عقد تجارتی واجب التادیه شود و در داخل مملکت رواج قانونی نداشته باشد، در انقضای وعده تبدیل آن نظر به نرخ روز به پول افغانی جائز است.

لیکن اگر در حین عقد تادیه پول خارجی که رواج قانونی نداشته باشد تصریح شود و یا به این معنی کددام عبارت دیگری استعمال شده باشد شرط تادیه عین پول خارجی معتبر است.

ماده ۵۹۱:

شخصی که تعهد تجارتی

معاملی په ضمن کنبې چه که یو تن ته یا دوی ټولو ته تجارتی ماهیت ولری د دریم کس په مقابل کنبې په گډه سره تعهد وکړی، په دی صورت چه دهغه په خلاف په قرارداد کنبې تصریح شوی نه وی نو په گډه سره مسئول بلل کیږي. عین همدغه حکم پر هغو کسانو باندي چه د پورونو ضمانت کوی هم تطبیق کیږي.

ماده ۵۹۰:

هغه پیسې چه دکوم تجارتی عقد په نتیجه کنبې یې ورکړه ضروری وگرځې او په دننه د مملکت کنبې قانونی رواج ونه لری نو د هغو د وعدی په تیریدو کنبې نظر د ورځې نرخ ته د هغو تبدیل په افغانی سره جائز دی.

مگر د خارجی پیسو د ورکړی د عقد په وخت کنبې چه قانونی رواج ونه لری تصریح شي او یا په دی معنی کوم بل عبارت استعمال شوی وی نو د عین خارجی پیسو د ورکړی شرط معتبر دی.

ماده ۵۹۱:

هغه څوک چه خپل تجارتی تعهد د

خود را در اثر حیلہ و تقصیر ایفاء نکند و یا در ایفای آن تاخیر نماید، بعد از اینکه رسماً و یا به ارسال مکتوب راجستری به او اخطار می‌شود مجبور است که خسارۀ را که متعهد لہ دچار شده با مفادیکہ از آن محروم گردیدہ جبران کند.

اسباب مجبرہ (فورس ماژور) ازین حکم مستثنی است.

مادۀ ۵۹۲:

اگر متعهد تعهد خود را نقض نماید یا تعهدی را کہ بصورت مطلق در یک وقت معین و یا در ظرف یک مدت معین لازم الاجراء باشد ایفاء ننماید و یا موضوع تعهد عبارت از نکردن یک عمل باشد و آنرا اجراء نماید، بدون اخطار دعوی جبران خسارہ شدہ می‌تواند.

مادۀ ۵۹۳:

اگر مبلغی کہ در تعهد بنام جبران خسارہ معین شدہ باشد از مقدار منفعتی کہ متعهد لہ در صورت ایفای تعهد حاصل می‌نمود اضافه

حیلی او تقصیر پہ اثر پہ خای نکری او یایی پہ خای کولو کنبی خند و کپی نو وروسته لہ هغه چه رسما یا د راجستری لیک پہ لیرلو هغه ته اخطار کیری، مجبور دی چه هغه خسارہ چه متعهد لہ ته پینبه شوی ده سره لہ هغی گتبی چه ورخه محروم شوی دی، جبران کری.

مجبرہ اسباب (فورس ماژور) لہ دی حکم خخه وتلی دی.

۵۹۲ ماده:

کہ متعهد خپل تعهد مات کری او یا کوم تعهد چه پہ مطلق صورت پہ یوه تاکلی وخت او یا پہ یوه تاکلی موده کنبی لازم الاجراء وی پہ خای نکری او یا د تعهد موضوع د یوه عمل لہ نه کولو خخه عبارت وی او هغه اجراء کری، بی لہ اخطارہ د خساری د جبران دعوی کیدلی شي.

۵۹۳ ماده:

کہ هغه مبلغ چه پہ تعهد کنبی د خساری د جبران پہ نامه تاکلی شوی وی د هغی گتبی لہ اندازی خخه چه متعهد لہ د تعهد پہ خای کولو پہ صورت کنبی

هم شود، محکمه نمی‌تواند اندازه آنرا تنزیل دهد.

در صورتی که برخلاف آن در قرارداد صراحت نباشد، متعهدله به اخذ مبلغی که بنام جبران خساره مقرر داشته است به عوض ایفای تعهد مجبور نمی‌شود.

اگر ضرری که متعهد له به آن دچار شود از مبلغی که بنام جبران خساره معین می‌شود زیادتر باشد، در صورتی که در قرارداد صراحتی بر خلاف آن موجود نباشد، متعهد مجبور است مبلغ اضافی را هم تأدیه کند.

ماده ۵۹۴:

اگر عدم ایفای تعهد در اثر علتی باشد که قبلاً قابل پیش بینی نبوده و یا از تقصیر دائن تولید شده و یا در اجرای تعهد قید احترازی از جانب متعهدله قبول شده باشد، متعهد به هیچ نوع به جبران خساره

حاصلوله زیات هم شی، محکمه کولای نشی چه اندازه یی تیتیه کری.

پدی صورت چه په قرارداد کنبی د هغه په خلاف کوم صراحت نه وی نو متعهدله د هغه مبلغ په اخیستلو چه د خساری د جبران په نامه یی مقرر کړیدی د تعهد د په های کولو په عوض نه مجبوریری.

که هغه ضرر چه متعهدله په هغه باندى اخته شی، له هغه مبلغ خخه چه د خساری د جبران په نامه تاکل کیری زیات وی نو په دی صورت که په قرارداد کنبی د هغه په خلاف کوم صراحت موجود نه وی نو متعهد مجبور دی چه هغه اضافه مبلغ هم تأدیه کری.

ماده ۵۹۴:

که د تعهد نه په های کپدل دداسی علت په اثر وی چه له پخوا خخه د پیش بینی وړ نه وی او یا د پوروال له تقصیر خخه پیدا شوی وی او یا د تعهد په اجراء کنبی د متعهدله له خوا د احتراز قید قبول شوی وی، متعهد په هیچ ډول د خساری په جبران مکلف

کیدای نشی.

مکلف شده نمی تواند.

۵۹۵ ماده:

د بیعانی ورکول د عقد دلیل بلل کیږي. د طرفینو د تعهد په ځای کولو په حال کښې بیعانه محاسبه کیږي.

ماده ۵۹۵:

دادن بیعانه دلیل عقد شمرده می شود در حال ایفای تعهد طرفین بیعانه محاسبه می شود.

که عقد د طرفینو په رضا او یا نظر کوم بل سبب ته چه د خساری د جبران موجب نه وی فسخ شي نو بیعانه بیرته خپل خاوند ته ورکوله کیږي.

اگر عقد در اثر رضای طرفین و یا نظر به سبب دیگریکه موجب جبران خساره نباشد فسخ گردد، بیعانه به صاحب آن اعاده می شود.

۵۹۶ ماده:

په دی صورت چه دهغه په خلاف په قرارداد کښې او یا په تجارتی عرف کښې مقررنه وی نو هغه طرف چه د خپل تقصیر په اثر تعهد نه په ځای کوی که یې بیعانه ورکړی وی د هغې د غوښتنې حق نه لری او که کوم شخص د خپل تقصیر له مخې تعهد په ځای نکړی نو د بیعانی اخیستونکی برسېره په بیعانی بیرته ورکولو مجبور دی چه د هغې معادل هم مقابل جانب ته ورکړی.

ماده ۵۹۶:

در صورتی که برخلاف آن در قرارداد و یا عرف تجارتی مقرر نباشد، طرفیکه در اثر تقصیر خود به ایفای تعهد نمی پردازد، اگر بیعانه داده باشد، حق مطالبه آنرا ندارد و اگر شخصی تعهد را بنابر تقصیر خود ایفاء نکند، گیرنده بیعانه علاوه از اعاده بیعانه مجبور است که معادل آنرا هم بجانب مقابل بپردازد.

په دواړو صورتونو هغه طرف چه خپل تعهد په ځای نکړی، مجبور دی چه د هغه بل طرف

در هر دو صورت طرفیکه تعهد خود را ایفاء نکند، مجبور است خساره طرف دیگر

خساره که شه هم د بیعانی له پیسو څخه زیاتی وی، ورکړی.

ماده ۵۹۷:

که یو له طرفینو څخه د ټاکلی مبلغ د ورکړی یا د ورکړی د وعدی په مقابل کې له عقد څخه د رجوع حق ځان ته شرط ایښی وی نو د مقابل طرف د تعهد په ځای کولو شروع او یا د تعهد په ځای کولو قبول د رجوع د حق د اجراء مانع گرځي.

ماده ۵۹۸:

د تجارتی پور ټکټ پولی وروسته له ټاکلیو ورځو تیریدو څخه او د ټاکلی مودی د تعیین په صورت کښې د اخطار له نېټې څخه حسابېږی.

ماده ۵۹۹:

هغه څوک چه تجارتی اوصاف ولری او یوه تن تاجر یا غیر تاجر ته داسی یو کار وکړی چه دده له تجارتی ایجاباتو څخه وی او یا یې په بل صورت گټه په لاس راوړی وی، حق لری چه د هغه کار عوض وغواړی او وایې خلی.

برسیره پر دی، حق لری هغه مبلغ

را ولو این که از پول بیعانه اضافه هم باشد، جبران کند.

ماده ۵۹۷:

اگر یکی از طرفین در مقابل تأدیه و یا وعده تأدیه مبلغ معین، حق رجوع از عقد را برای خود شرط گذاشته باشد، شروع ایفای تعهد و یا قبول ایفای تعهد طرف مقابل مانع اجرای حق رجوع می‌گردد.

ماده ۵۹۸:

تکت پولی دین تجارتی بعد از انقضای ایام معین و در صورت تعیین موعد معین از تاریخ اخطار حساب می‌شود.

ماده ۵۹۹:

شخصی که واجد اوصاف تجارتی بوده برای یکنفر تاجر و یا غیر تاجر عملی را انجام دهد که از ایجابات تجارتی وی باشد و یا بصورت دیگری تحصیل منفعت نموده باشد، حق دارد عوض آن عمل را مطالبه و اخذ نماید.

علاوه بر این حق دارد مبلغی

را که برای اجرای کار و یا تحصیل منفعت بطور پیشگی داده و مصارفی را که بعمل آورده باشد، از تاریخ مصرف با تکت پولی طلب نماید.

ماده ۶۰۰:

تکت پولی در امور تجارتي به اساس موافقه جانبین آزادانه تعیین شده می تواند.

ماده ۶۰۱:

تعهد تجارتي در محلی که در قرارداد معین شده و اگر در قرارداد معین نشده باشد، در محلی که نظر به ماهیت و مقصد تجارت ضمناً معین شده می تواند، لزم الاجراء است. اگر محل اجراء در قرارداد تصریح نشده و ضمناً نیز معین شده نتواند، متعهد مجبور است تعهد خود را به محلی که تجارت خانه او می باشد و اگر تجارت خانه نداشته باشد، در محل اقامت خویش اجراء کند.

ماده ۶۰۲:

تعهد تسویه یک مبلغ اگر

چه دکارد اجراء او یا دگتبی په لاس راولو د پاره یی په پیشگی ډول ورکړی وې او هغه مصارف چه لگولی یی وې د لگښت له نېټې څخه سره له تکت پولی و غواری.

۶۰۰ ماده:

تکت پولی په تجارتي چارو کښې د دواړو خواوو په موافقه په آزاد ډول ټاکل کیدای شي.

۶۰۱ ماده:

تجارتي تعهد په داسی محل کښې چه په قرارداد کښې ټاکلی شوی وی او که په قرارداد کښې ټاکل شوی نه وی نو په داسی محل کښې چه نظر د تجارت ماهیت او مقصد ته ضمناً ټاکل کیدای شي، لزم الاجراء دی. که د اجراء محل په قرارداد کښې تصریح شوی نه وی او ضمناً هم ونشي ټاکلیدای نو متعهد مجبور دی چه خپل تعهد په هغه محل کښې چه دده تجارت خانه وی او که تجارت خانه ونه لری نو د خپلی استوگنې په ځای کښې اجراء کړی.

۶۰۲ ماده:

د یوه مبلغ د تسوی تعهد که د

هغه په خلاف په صریح یا ضمنی ډول په قرارداد کښې ذکر شوی نه وی د پوروال د تجارتخانی په محل کښې او که تجارت خانه موجوده نه وی نو دده د استوگنې په شخصی خای کښې په خای کیږي او پوروړی د تسویبی د لگښت او خسارې د غوښتنې حق نه لری.

۶۰۳ ماده:

د یوه تعهد د په خای کولو غوښتنه چه د اجراء وخت یې په مقاوله کښې ټاکلی شوی نه وی، په هر وخت کښې ممکن دی. مگر هغه تعهد چه نظر و عرف او د معاملی څرنگوالی ته له عقد څخه د یوې ټاکلی مودی له تیریدو څخه وروسته د اجراء وړوی نشي کولای چه متعهد ددی مودی له تیریدو څخه پخوا په اجراء باندي مجبور کړی.

۶۰۴ ماده:

که شرط شوی وی چه تعهد د هغې مودی په منخ کښې چه صراحتاً یا ضمناً ټاکلی شویده اجراء شي نو لازم دی چه د هغې مودی له ختم نه

برخلاف آن بطور صریح یا ضمنی در قرارداد ذکر نشده باشد، در محل تجارت خانه دائن و اگر تجارت خانه او موجود نباشد، در اقامتگاه شخصی او ایفاء می شود و مدیون حق مطالبه مصارف و خساره تسویه را ندارد.

ماده ۶۰۳:

خواهش ایفای یک تعهد که زمان اجرای آن در مقاوله تعیین نگردیده باشد، در هر زمان ممکن است ولیکن تعهدی که نظر به عرف و یا چگونگی معامله بعد از مرور یک مدت معین از عقد قابل ایفاء باشد، نمی توان متعهد را قبل از انقضای مدت مذکور به ایفاء مجبور ساخت.

ماده ۶۰۴:

اگر شرط شده باشد که تعهد در بین مدتی که صراحتاً و یا ضمناً تعیین شده ایفاء گردد، لازم است قبل از ختم آن مدت اجراء

شود.

اگر ختم مدت مصادف با روز تعطیل عمومی باشد، اقبالاً یکروز قبل از روز ختم ایفاء گردد. اگر مدیون قبل از ختم موعد اذن تأدیة دین را داشته باشد، در صورتی که عرف و عادت بر خلاف آن وجود نداشته باشد، نمی تواند بدون رضای دائن دین را تنزیل کند.

ماده ۶۰۵:

اگر در مقاوله راجع به نوع و وصف اشیایی که تسلیم آن تعهد شده است تصریحی موجود نباشد، متعهد می تواند از اشیایی که دارای وصف و نوعیت متوسط باشند بدهد؛ ولی همانطوریکه متعهد مجبور باشد دادن جنس اعلی نیست، بده دادن جنس ادنی هم مجاز نمی باشد.

ماده ۶۰۶:

عقدیکه طرفین را الزام می نماید تا یک طرف تعهد خویش را ایفاء نکند، طرف

پخوا اجراء شی.

او که د ختم موده د عمومی تعطیل له ورخی سره سمه وی نو د ختم له ورخی خخه دی لږ تر لږه یوه ورخ پخوا اجراء شی. که پوروری د مودی له ختم خخه پخوا د پور د ورکړې اجازه ولری په دی صورت چه د هغه په خلاف کوم عرف او عادت وجود ونلری، نشي کولای چه بی د پوروال له رضا خخه پور تیټ کړی.

ماده ۶۰۵:

که د هغو شیانو چه تسلیم یې تعهد شوی دی د ډول او وصف په خصوص کښې په مقاوله کښې کومه تصریح موجوده نه وی، متعهد کولای شی چه له هغو شیانو خخه چه وصف او نوعیت یې متوسط وی ورکړی؛ مگر په هغه شان چه متعهد د اعلی جنس په ورکولو باندي مجبور ندی، د ادنی جنس ورکول هم ورته مجاز نه دی.

ماده ۶۰۶:

هغه عقد چه پر دواړو طرفو باندي الزام ږدی ترڅو یو طرف خپل تعهد په ځای نکړی، بل طرف د تعهد په

اجراء کولو باندی مجبور نه دی، مگر که یو طرف نظر د قرارداد صراحت او یا د معاملی ماهیت او یا نظر و جاری عرف ته یو طرف د تعهد په اجراء باندی تر بل طرف له پخوا څخه مکلف وی که څه هم بل طرف خپل تعهد نه وی اجراء کړی، د هغه تعهد په اجراء باندی مکلف دی.

۶۰۷ ماده:

په دی صورت چه یو طرف خپل تعهد اجراء کړی او بل طرف یې اجراء نکړی نو اجراء کوونکی کولای شي چه یوه اطلاعیه ولیږی په دی شان چه که بل طرف په مناسبه موده کسبې تعهد اجراء کولو ته اقدام ونکړی نو عقد به فسخ شي او پس له هغه محکمی ته مراجعه او د قرارداد فسخ غوښتلی شي. هغه طرف چه د فسخ دپاره محکمی ته مراجعه کوی، د تعهد د اجراء تقاضا نشي کولای د فسخ د دعوی له اقامی نه وروسته څرنګه چه محکمه نشي کولای مدعی علیه ته د تعهد د اجراء دپاره مهلت ورکړی، په همغه صورت نشي کولای هغه پیشنهاد

دیګر به ایفای تعهد مجبور نیست، لیکن اگر یکطرف نظر به صراحت قرارداد و یا ماهیت معامله و یا نظر به عرف جاریه مقدمتر از طرف دیگر به اجرای تعهد مکلف باشد ولو که طرف دیگر تعهد خود را ایفاء ننموده باشد، به اجرای تعهد مذکور مکلف است.

ماده ۶۰۷:

در صورتی که یکی از طرفین تعهد خود را ایفاء نماید و طرف دیگر اجراء نکند، اجراء کننده می تواند یک اطلاعیه ارسال کند مبنی بر اینکه اگر طرف دیگر به ایفای تعهد در ظرف مدت مناسب اقدام نکند، عقد فسخ خواهد شد و پس از آن به محکمه مراجعه و فسخ قرارداد را مطالبه می تواند. طرفیکه به محکمه برای فسخ مراجعه می کند ایفای تعهد را تقاضا نمی تواند. بعد از اقامه دعوی فسخ همان طوریکه محکمه نمی تواند به مدعی علیه برای ایفای تعهد مهلت بدهد، به همان صورت نمی تواند پیش

نهادی را که از جانب مدعی علیه به نسبت ایفای تعهد می‌شود، قبول کند. اگر فسخ عقد معلق به یک شرط باشد و یا برای اجرای آن صراحتاً و یا ضمناً مدتی معین شده باشد، بعد از تحقق شرط و یا مرور مدت طرف دیگر به قبول خواهشی که از جانب متعهد راجع به ایفای تعهد می‌شود مجبور نمی‌گردد.

چه دمدعی علیه له خوا د تعهد د اجراء په نسبت کيږي، قبول کړي. که د عقد فسخ په يوه شرط پوري معلقه وي او يا د هغه د اجراء دپاره صراحتاً يا ضمناً يوه موده ټاکلي شوی وي، د شرط له تحقق او يا د بل طرف د مودی له تيريدو څخه وروسته د هغې غوښتنې په قبلیدو چه د تعهد د اجراء په خصوص کښي د متعهد له خوا کيږي، نه مجبور کيږي.

فصل دوم عقود تجارتي حصه اول صورت انعقاد

دوه يم فصل تجارتي عقدونه لومړۍ برخه د انعقاد صورت

ماده ۶۰۸:

برای عقود تجارتي رضاء و موافقت طرفین کافيست. تنظيم قرارداد و یا ایفای مراسم دیگر لزوم ندارد.

ماده ۶۰۹:

اگر قانوناً برای عقد رعایت شکل مخصوص تحریراً لازم باشد و یا طرفین عقد را به ایفای بعضی مراسم مانند

۶۰۸ ماده:

د تجارتي عقدونو د پاره د دواړو خواوو رضا او موافقت کافي دي. د قرارداد تنظيم او د نورو مراسمو اجراء کول لزوم نلري.

۶۰۹ ماده:

که د قانون له مخې د عقد دپاره د يوه مخصوص شکل رعایت په تحريري ډول لازم وي او يا دواړه خواوي عقد د ځينو مراسمو د

تنظیم مقاوله موقوف گذاشته باشند، تا زمانی که شکل مذکور رعایت و یا مراسم معینه اجراء نشود، عقد صورت نمی گیرد. در صورتی که طرفین به تنظیم قرارداد موافقت نموده باشند، چنان دانسته می شود که انعقاد عقد را به تنظیم قرارداد ملتوی گذاشته اند.

اگر قرارداد تنظیم هم نگردیده ولی ثابت شود که طرفین عقد را منعقد دانسته اند، عدم تنظیم قرارداد سبب عدم انعقاد عقد شمرده نمی شود.

ماده ۶۱۰:

اگر ایجاب بصورت تعیین یک مدت معین برای قبول بعمل آمده باشد، در صورتی که طرفین حاضر هم باشند، ایجاب کننده نمی تواند قبل از انقضای مدت معینه از ایجاب منصرف شود.

اگر ایجاب بدون تعیین مدت بعمل آمده باشد اعتبار آن باقی نمی ماند؛ مشروط به اینکه در صورت حاضر بودن طرفین قبول

اجراء پوری لکه د مقاولی تنظیم موقوف پری ایبئی وی نو ترهغه وخته پوری چه ددی شکل رعایت ونشی او یا تاکلی مراسم اجراء نشی، عقد نه اجراء کیبری. په دی صورت چه دواړو خواوو د قرارداد په تنظیم باندی موافقت سره کړی وی داسی بلل کیبری چه د عقد تړل یی د قرارداد په تنظیم پوری موقوف پری ایبئی دی.

که قرارداد تنظیم شوی هم نه وی مگر ثابت شی چه دواړو خواوو عقد تړلی بللی دی نو د قرارداد نه تنظیم د عقد نه تړلو سبب نه گنهل کیبری.

۶۱۰ ماده:

که ایجاب د قبول دپاره د یوې تاکلی مودی د تعیین په صورت شوی وی نو په دی صورت چه دواړه خواوی حاضر هم وی ایجاب کوونکی نشی کولای چه د تاکلی مودی له تیریدو څخه پخوا له ایجاب څخه تیر شی.

که ایجاب بی د مودی له پاکلو نه شوی وی نو اعتبار یی نه پاتی کیبری په دی شرط چه د دواړو خواوو د حاضر والی په صورت

کنبی قبول فوراً نہ وی واقع شوی. د هغه عقد چه د مخابراتی وسیلو په ذریعه لکه په تیلفون سره وشي، د هغه عقد حکم لری چه په حضور سره شوی وی.

۶۱۱ ماده:

د هغه ایجاب دپاره چه دلیکنی په صورت واقع کیږي که موده نه وی ټاکلی شوی نو ایجاب کوونکی نشي کولای پخوا له هغې مودی تېرېدو څخه چه د عرف له مخې قبول کوونکې ته د فکر کولو او د قبول د جواب ورکولو دپاره د هغې تېرېدل لازم دی له ایجاب څخه تیرشي.

۶۱۲ ماده:

د قبول جواب باید په یوه ټاکلی موده کنبی چه ایجاب کوونکی ته ورسیدای شي ولیږل شي. او که جواب د مودی له تیریدونه وروسته ورسپړی، عقد نه تارې کیږي. مگر که معلوم شي چه د قبول جواب په ټاکلی لازمه موده کنبی ور رسول شوی دی نو ایجاب کوونکی مجبور دی چه د جواب د ځنډیدو په خصوص کنبی فوراً مقابل جانب ته د عقد د نه تړلو خبر

فوراً واقع نشده باشد. عقديکه ذریعه وسایل مخابراتی از قبیل تیلفون وقوع می یابد، در حکم عقديست که حضوراً به عمل آمده باشد.

ماده ۶۱۱:

برای ایجابی که بصورت تحریر واقع می شود اگر مدت تعیین نشده باشد، ایجاب کننده نمی تواند قبل از انقضای مدتی که عرفاً برای تفکر و دادن جواب قبول از جانب قبول کننده مرور آن لازم است از ایجاب منصرف شود.

ماده ۶۱۲:

جواب قبول باید در ظرف مدت معینی که به ایجاب کننده رسیده بتواند فرستاده شود. اگر جواب بعد از مرور این مدت توصل ورزد، عقد صورت نمی گیرد ولی در صورتی که معلوم شود که جواب قبول در ظرف مدت معین لازمه داده شده است، ایجاب کننده مجبور است راجع به تأخیر جواب فوراً بجانب مقابل از عدم انعقاد عقد خبر دهد و الا

ورکړې او که نه دا عقد تارپه کیږي.

۶۱۳ ماده:

د مقابل جانب محض سکوت قبول نه بلل کیږي، مگر په دی صورت چه دوه تاجران یوله بله سره دائمی تجارتی مناسبات ولری او یا یوله دی دوو تاجرانو څخه بل خپل ته مراجعه او هغه یې په خپل نامه د ځینو معاملاتو د اجراء دپاره وکیل گرځولی وی هغه ایجاب چه له دوی څخه د یوه له خوا بل ته واقع کیږي نو مقابل طرف باید ژر تر ژره هغه ایجاب ته ځواب ورکړي او که نه سکوت یې قبول بلل کیږي. هغه طرف چه ایجاب ردوی، د هغو مالونو په باره کښې چه د ایجاب د تبلیغ په وخت کښې هغه ته لیږل شوی دی مکلف دی هغه تدبیرونه چه په (۷۶۲ - ۷۶۳) مادو کښې بیان شوی دی ونیسی.

۶۱۴ ماده:

که د قبول ځواب له ایجاب سره موافق نه وی عقد نه تارپه کیږي. په دی صورت قبول د نوی ایجاب تقاضا کوی.

عقد مذکور منعقد می گردد.

ماده ۶۱۳:

سکوت محض جانب مقابل قبول گفته نمی شود، ولیکن در صورتی که دو تاجر با هم دیگر مناسبات تجارتی دائمی داشته باشند و یا یکی از این دو تاجر بدیگر خود مراجعه و او را بنام خود به اجرای بعضی معاملات به وکالت گماشته باشد، ایجابی که از طرف یکی از ایشان بدیگری واقع می شود، باید طرف مقابل فوراً به ایجاب مذکور جواب بدهد و الا سکوت او قبول شمرده می شود. طرفی که ایجاب را رد می کند، راجع به اموالیکه در اثنای تبلیغ ایجاب به او فرستاده شده است، مکلف است تدابیری را که در مواد (۷۶۲ - ۷۶۳) بیان شده است اتخاذ کند.

ماده ۶۱۴:

اگر جواب قبول موافق به ایجاب نباشد عقد منعقد نمی گردد. درین صورت قبول ایجاب جدید را اقتضاء می کند.

ماده ۶۱۵:

برای اینکه تلگراف مربوط به ایجاب یا قبول معتبر شده بتواند لازم است به اثبات برسد که دارای امضای شخص فرستنده است و یا تلگرام به اجازه او صادر شده است.

لپاره ددی چه په ایجاب یا قبول پوری مربوط تلگرام داعتبار و بلل شي نو لازم دی چه په اثبات ورسیرې چه د لپرونکی شخص لاس لیک ورباندی شته دی او یا تلگرام دهغه په اجازه صادر شوی دی.

ماده ۶۱۶:

ایجابیکه تحریراً به عمل می آید، از تاریخ وصول جواب قبول به ایجاب کننده عقد منعقد میشود. لیکن اگر ایجاب کننده قبل از رسیدن جواب قبول و یا در عین زمان از انصراف قبول کننده واقف شود، ایجاب بلا اثر می شود.

هغه ایجاب چه په لیکنه سره کیږي ایجاب کوونکی ته د قبول د خواب د رسیدو له نېټې څخه عقد تاپه کیږي. مگر که ایجاب کوونکی د قبول د خواب له رسیدو څخه پخوا او یا په عین زمان کښې د قبول کوونکی له اووننتو څخه خبر شي، ایجاب بی اثره کیږي.

ماده ۶۱۷:

عقدیکه ذریعۀ مخابره واقع شود از تاریخ ارسال جواب قبول منعقد و معتبر دانسته می شود. طوریکه در ماده (۶۱۳) مقرر شده، در صورتی که قبول به صراحت لازم نباشد، عقد از تاریخ رسیدن ایجاب

هغه عقد چه د مخابري په ذریعه وشي، د قبول د خواب د لپړلو له نېټې څخه تړل کیږي او د اعتبار وړ بلل کیږي. لکه چه په (۶۱۳) ماده کښې مقرر شویده، په هغه صورت چه قبول په صراحت سره لازم نه دی، عقد مخاطب ته د

ایجاب در رسیدو له نبتی خخه د اعتبار وړ دی.

۶۱۸ ماده:

د یوه تاجر فوت یا د اهلیت سلیدل دده د تجارتی معاملاتو په خصوص کښې په ایجاب او قبول کښې د بطلان مستلزم نه کیږي، مگر داچه د هغه په خلاف دوی تصریح کړی وی او یا د معاملی له ماهیت خخه استدلال وشي.

بسه مخاطب معتبر است.

۶۱۸ ماده:

فوت و یا سلب اهلیت یک تاجر در ایجاب یا قبول او راجع به معاملات تجارتی اش مستلزم بطلان نمی گردد، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح نموده باشند و یا از ماهیت معامله استدلال شود.

دوه یمه برخه

د تجارتی عقودو تفسیر

۶۱۹ ماده:

که د عبارت معنی چه په یوه تجارتی معامله کښې لیکل کیږي واضح او منطقی وی، د هغه ظاهری معنی ته اعتبار ورکاوه کیږي او که د مقصد منافی عبارت څرگنده وی نو پدی صورت مقصد ته اعتبار ورکاوه کیږي.

حصه دوم تفسیر عقود تجارتی

۶۱۹ ماده:

اگر معنی عبارتیکه در یک معامله تجارتی تحریر می شود واضح و منطقی باشد، بمعنای ظاهری آن اعتبار داده می شود. اگر عبارتی منافی مقصد بدیهی باشد، در این صورت به مقصد اعتبار داده می شود.

۶۲۰ ماده:

په دی صورت چه عبارت د متعددو تعبیرونو امکان ولری نو د طرفینو مشترک مقصد د بلی مقالولی له مندرجاتو یا له هغه

۶۲۰ ماده:

در صورتی که عبارت امکان تعبیرات متعددی را داشته باشد، مقصد مشترک طرفین از مندرجات دیگر مقوله با عرف

و عادات و تعاملات و احوالیکه در زمان تنظیم مقاوله موجود باشد و یا نظر به سوابق تطبیقات در گذشته، تعیین می‌شود.

ماده ۶۲۱:

در صورتی که عبارت معنی متعدد و مشترک داشته باشد، به هر معنی که قرینه افاده نماید، به همان معنی تفسیر می‌شود.

ماده ۶۲۲:

در صورتیکه عبارت مقاوله به معنی متعددی تعبیر شود و مطابق حکم ماده (۶۲۰) مقصد حقیقی طرفین تعیین شده نتواند، مقاوله به له متعهد و علیه متعهد له تفسیر می‌گردد.

ماده ۶۲۳:

اعتبار عرف تجارتی و احکام قانونی در معاملات تجارتی مؤثر است مگر اینک صراحتاً جانبین بر خلاف آن موافقت نموده باشند.

عرف او عادات او احوالو شخه چه د مقاولی د تنظیم په وخت کښې موجود وی او یا نظر د پخوانیو تطبیقاتو سوابقو ته ټاکل کیږي.

ماده ۶۲۱:

په دی صورت چه عبارت متعدده او مشترکه معنی ولری، د هری معنی افاده کولو ته چه نژدی وی، تفسیر یې په همغی معنی سره کیږي.

ماده ۶۲۲:

په دی صورت چه د مقاولی عبارت په ډیرو معنی گانو سره تعبیر شي او له (۶۲۰) مادی سره سم حقیقی مقصد و نه ټاکل شي نو مقاوله د متعهد بر له او د متعهد له بر علیه تفسیر کیږي.

ماده ۶۲۳:

د قانونی احکامو او تجارتی عرف اعتبار په تجارتی معاملاتو کښې مؤثر دی بېله هغه وخته شخه چه صراحتاً دواړو خواوو د هغه په خلاف موافقت کړی وی.

در پیمه برخه

د تجارتی عقود و د ثبوت وسیلی

۶۲۴ ماده:

محکمه د تجارتی اسنادو او مقالانو په استناد د عقد په ثبوت حکم صادر وی او په دی صورت چه په دی قانون کښې بل حکم موجود نه وی د شاهدانو له شاهی نښو او اماراتو څخه استفاده کولای شی. د مدعی به اندازه په دی قاعده کښې د محکمی په نزد فرق نه کوی.

۶۲۵ ماده:

پوروی ته د یوه سند اعاده په دی صورت چه د هغه په خلاف ثابت نشي دسند د بدل دور کړی دلیل بلل کیږي.

۶۲۶ ماده:

که د یوی تجارتی معاملی سند یا مقالوله چه اثبات ئی په سند پوری اړه ونه لری ابهام ولری محکمه کولای شی چه د شهادت دقرینو او اماراتو له مخې حکم صادر کړی.

۶۲۷ ماده:

اقرار د تجزیې وړ نه دی نوځکه لارم دی هغه بیان چه مدعی علیه ئی

حصه سوم

وسائل ثبوت عقود تجارتی

۶۲۴ ماده:

محکمه با استناد به اسناد و مقاولات تجارتی بر ثبوت عقد، حکم صادر می نماید و در صورتی که حکم دیگری در این قانون موجود نباشد، از شهادت شهود، قرائن و امارات استفاده میتواند. اندازه مدعی به درین قاعده نزد محکمه فرقی نمیکند.

۶۲۵ ماده:

اعاده یک سند به مدیون در صورتی که خلاف آن ثابت نشود، دلیل تأدیه بدل سند محسوب می شود.

۶۲۶ ماده:

سند یا مقالوله یک معامله تجارتی ایکه اثبات آن لارم به سند نبوده ابهام داشته باشد، محکمه می تواند از روی شهادت قرائن و امارات اصدار حکم نماید.

۶۲۷ ماده:

اقرار قابل تجزیه نیست بنابراین لارم است بیانیکه مدعی علیه

کوی یادی ٲول رد او یا دی ٲول
ومنلی شی.

۶۲۸ ماده:

ٲه دی صورت ٲه تحریری مقاوله
موجوده نه وی نو هغه ٲوک ٲه
صراحتاً یا ضمناً بیجک قبلوی،
داسی گنل کیږی ٲه د هغه
مندرجات یی هم قبول کړی دی.
هغه ٲوک ٲه بیجک اخلی نو که د
هغه د اخیستلو له نٲٲی ٲه د
شلو ورځو ٲه موده کٲٲی د هغه ٲه
محتویاتو اعتراض ونکړی، داسی
معلومیږی ٲه د هغه محتویات یی
قبول کړی دی.

می کند یا تماماً رد یا قبول
شود.

ماده ۶۲۸:

در صورتی که مقاوله تحریری وجود
نداشته باشد، شخصی که یک
بیجک را صراحتاً یا ضمناً قبول
می کند، چنان شمرده می شود که
مندرجات آنرا هم قبول نموده
است. شخصی که بیجک
می گیرد، اگر از تاریخ گرفتن
آن در مدت بیست روز اعتراضی
در محتویات آن نکند، چنان
تلقی می شود که مندرجات آن
را قبول نموده است.

در ٲیم فصل

تجارتی بیع

لومړی برخه

عمومی احکام

فصل سوم

بیع تجارتی

حصه اول

احکام عمومی

۶۲۹ ماده:

د مبیعی او قیمت ٲه نسبت د
طرفینو رضا د بیع انعقاد بلل
کیږی. د جاری قیمت اطلاع او د
کتلاک لٲړل او یا د ٲلورنی عرضه
ٲه بی د شیانو د ماهیت او اندازی
او قیمت له ٲا کلو کیږی ایجاب نه

ماده ۶۲۹:

رضای طرفین به نسبت مبیعه و
قیمت انعقاد، بیع دانسته
می شود. اطلاع قیمت جاریه و
ارسال کتلاک و یا عرضه فروش
که بدون تعیین ماهیت و مقدار و
قیمت اشیاء بعمل می آید،

بلل کبیری.

ایجاب شمرده نمی‌شود.

۶۳۰ ماده:

که بایع د بل چا مال پلورلی وی پیرو دونکی د هغه مالک کیدای نشی مگر بایع مکلف دی چه مال وپیری او پیرو دونکی ته یې ورتسلیم کړی او یا که زیانونه زیات پېښ شوی وی، هغه دی ورکړی.

ماده ۶۳۰:

اگر بایع مال غیر را فروخته باشد، مشتری مالک آن شده نمی‌تواند، ولی بایع مکلف است که یا مال را خریداری و به مشتری تسلیم نماید و یا اگر خساراتی بیشتری وارد شده باشد، آنرا جبران کند.

۶۳۱ ماده:

که یو تاجر د بل چا منقوله مال خرڅ او تسلیم کړی، په دی صورت چه پیرو دونکی د هغه په حقیقت علم ونلری، د مبیععی مالک بلل کبیری.

ماده ۶۳۱:

اگر یک تاجر اموال منقوله شخص دیگری را فروش و تسلیم نماید، در صورتی که مشتری بر حقیقت آن علم نداشته باشد، مالک مبیععه دانسته می‌شود.

که دا ثابت شی چه مبیععه ورک شوی یا غلا شوی مالونه دی، د پیرو دونکی مالکیت سلپیږی.

اگر ثابت شود که مبیععه اموال مفقوده و یا مسروقه بوده باشد، مالکیت مشتری سلب می‌گردد.

۶۳۲ ماده:

د هغو تجارتی مالونو بیع چه د عقد په وخت کښې موجود نه وی او د تسلیم په وخت کښې د تدارک وړ وی، معتبر دی.

ماده ۶۳۲:

بیع اموال تجارتی که در زمان عقد موجود نبوده و در وقت تسلیم قابل تدارک باشد، معتبر است.

۶۳۳ ماده:

که د عقد په وخت کښې د

ماده ۶۳۳:

اگر در حین عقد احتمال

اتلاف مال از طرف جانينين در نظر گرفته شده باشد، بيع آن جايز است در صورت تحقق احتمال مشتري حق استرداد قيمت را ندارد.

ماده ۶۳۴:

تمام مصارف متعلق به تسليم مبيعه مثل وزن و اندازه به بايع مربوط و مصارف متعلق به تسليم از قبيل مصارف تحويل و حمل و نقل به مشتري عايد است مگر اين که در مقاوله و يا عرف و تعامل تجارتي بر خلاف آن قبول و معمول باشد.

ماده ۶۳۵:

اگر ارسال مبيعه از محل ديگري به مشتري لازم باشد و راجع به صورت ارسال از طرف مشتري شرطي گذاشته نشده باشد، بايع درين حال در انتخاب وسائيل حمل و نقل اموال و حفاظة آن مثل مشتري اقدام مي نمايد.

دواړو خواوونه د مال د اتلاف احتمال په نظر کښې نيولی شوی وی دهغه بيع جائزه ده د احتمال د تحقيق په صورت پيرونکي د قيمت د استرداد حق نه لری.

ماده ۶۳۴:

ټول هغه مصارف چه د بيعی په تسليم پورې اړه لری لکه وزن او اندازه پلورونکي پورې مربوط دی او تسليم پورې مربوط مصارف لکه د تحويل او حمل او نقل، پيرونکي پورې اړه لری مگر داچه په مقاوله او يا تجارتي عرف او تعامل کښې د هغه په خلاف قبول او معمول وی.

ماده ۶۳۵:

که پيرونکي ته له بل محل څخه د مبيعی ليرل لازم وی او د ليرلو د صورت په باره کښې د پيرونکي له خوا کوم شرط نه وی ايښودل شوی، پلورونکي به په دی حال کښې د مالونو د حمل او نقل د وسيلو په ټاکلو او د هغو په ساتنه کښې لکه پيرونکي اقدام کوی.

ماده ۶۳۶:

د پیروونکی د استوگني ځای ته او یا بل ځای ته د پلورونکی له خوا د مبیعی لیرل چه په مقاوله کښې تصریح شوی دی، د تسلیم په حکم کښې دی مگر که پلورونکی مبیعه د بل چاپه لاس لیرلی وي او هغه ته یې امر کړی وی چه که پیروونکی د هغه لژمه قیمت او یا تأمینات ورنکړی نو مبیعه دی نه ورتسلیموی، نو یواځې د مبیعی لیرل تسلیم نه بلل کیږي.

ماده ۶۳۶:

ارسال مبیعه از طرف بايع به اقامتگاه مشتری و یا ارسال آن در یک محل دیگر که در مقاوله تصریح شده است، در حکم تسلیم است ولی اگر بايع مبیعه را توسط شخص فرستاده و به او امر نموده باشد که اگر مشتری قیمت آنرا و یا تأمینات لژمه را ندهد مبیعه را تسلیم نکند، صرف فرستادن مبیعه تسلیم دانسته نمی شود.

ماده ۶۳۷:

د مبیعی د کنسانمینت (محموله) لیرل او یا نظر د پلورونکی موافقی ته په مبیعه باندی د پیروونکی د مارک لگول په دی صورت چه مال د وچی، بحر، سیند او کول له لاری د حمل او نقل په حال کښې وی، د تسلیم په حکم کښې دی.

ماده ۶۳۷:

ارسال محموله (کنسانمینت) مبیعه و یا نظر به موافقه بائع وضع مارک مشتری بالای مبیعه در صورتی که امتعه از طریق خشکه، بحر، دریا و کول در حال حمل و نقل باشد، در حکم تسلیم است.

ماده ۶۳۸:

که پیروونکی مالونه چه د عمدہ فروشی له حیثه د هغو اندازه ټاکلی وی، پیروولی وي د هغو د

ماده ۶۳۸:

اگر مشتری اموالی را که از حیث عمدہ فروشی مقدار آن معین باشد، خریده باشد، به تسلیم یک

قسمت آن اجبار شده نمی تواند ولی اگر مشتری تسلیم تدریجی را قبول نموده باشد، بایع را به تسلیم قسم باقیمانده مجبور می تواند و یا بواسطه عدم تسلیم باقیمانده مال عقد را فسخ و خساره را که ازین حیث متحمل شده است، مطالبه نماید.

ماده ۶۳۹:

مشتری می تواند که انوایس مبیعه را و اگر قیمت تأدیه شده باشد، درج آن را در انوایس تقاضا نماید.

ماده ۶۴۰:

بعد از تکمیل عقد خساره که به مبیعه واقع می شود، ولو اتفاقاً باشد، عائد به مشتری است. اگر خساره ناشی از تقصیر و یا حیله بایع و یا معایب مبیعه باشد، مربوط به بایع است.

ماده ۶۴۱:

در احوال ذیل بعد از تکمیل عقد خساره که به مبیعه برسد، به بایع

یوی برخی به تسلیم نشی مجبور کیدلای مگر که پیرو دونکی تدریجی تسلیم قبول کری وی نو پلورونکی د پاتی برخی به تسلیم مجبورولی شی او د پاتی مال د نه تسلیمیدو بواسطه عقد فسخ کری او هغه خساره چه له دی لاری ورته اووبنتی ده وغواری.

ماده ۶۳۹:

پیرو دونکی کولای شی چه د مبیعی انوایس او که قیمت ورکری شوی وی به انوایس کنبی د هغه درج وغواری.

ماده ۶۴۰:

د عقد له تکمیل خخه وروسته کومه خساره چه مبیعی ته پیسپری که خه هم اتفاقاً وی په پیرو دونکی پوری اره لری او که خساره دپلورونکی له تقصیر او حیلی او یا د مبیعی له عیبونو خخه پیدا شوی وی نو په پلورونکی پوری اره لری.

ماده ۶۴۱:

د عقد له تکمیل خخه وروسته په لاندینو احوالاتو کنبی کومه خساره چه مبیعی ته ورسپری په

پلورونکی پوری اړه لری:

اول: که مبیعه مشخصه او تا کلی نه وی او د هغې د ماهیت دپاره کومی داسی علامی چه له نورو همجنس شیانو څخه تفریق او بیللی شی، وضع شوی نه وی.

دوهم: هغه مبیعه چه د تسلیم دپاره د هغې ټول شمیر او اندازه کول لازم دی پخوا له ټول شمیر څخه تغیر او یا تلف شوی وی (مگر که پیروونکی سره له اخطاره په تول شمیر او اندازه کولو کنبی حاضر شوی نه وی او یایی کوم شخص له خپلی خوا لیرلی نه وی، خساره په پیروونکی پوری اړه لری).

دریم: که د مبیعی تسلیم په راتلونکی آینده پوری شرط شوی وی.

څلورم: د مبیعی د تسلیمولو دپاره د پیروونکی د آماده گی په حال کنبی که پلورونکی سره له اخطاره مبیعه نه وی ور تسلیم کړی.

۶۴۲ ماده:

هغه خساره چه د نقلیه کمیسه کار یا د حمل او نقل ورکوونکی په

مربوط است:

اول: اگر مبیعه مشخص و معین نبوده و برای اثبات ماهیت آن علائمی که از دیگر اشیای هم جنس تفریق و تمیز شود، وضع نشده باشد.

دوم: اگر مبیعه که برای تسلیم وزن، تعداد و اندازه نمودن آن لازم است قبل از وزن تعداد تغییر و یا تلف شده باشد (ولی اگر مشتری با وجود اخطار در وزن تعداد و اندازه نمودن حاضر نشده باشد و یا شخصی را از طرف خود نفرستاده باشد خساره عاید به مشتری است).

سوم: اگر تسلیم مبیعه به آینده شرط شده باشد.

چهارم: در حال آماده بودن مشتری برای تسلیم گرفتن مبیعه، اگر بایع با وجود اخطار مبیعه را تسلیم نداده باشد.

ماده ۶۴۲:

خساره که از رهگذر حمل و نقل مبیعه ذریعه کمیسه کار

نقلیہ یا حمل و نقل دہندہ عاید می گردد، سراسر تاریخ تسلیم مبیعہ از طرف بائع بہ آنها مربوط بہ مشتری است. اگر راجع بہ طرز حمل و نقل مبیعہ کدام شرط موجود باشد، بائع مکلف است این شرط را مراعات کند.

در صورت تخلف بدون عذر معقول و مستند از ضرری کہ بہ مشتری میرسد، مسئول خواهد بود.

اگر محل ارسال امتعہ نظر بہ مقصد طرفین؛ محل تسلیم شمرده شدہ باشد، در این صورت خسارہ کہ در اثنای حمل و نقل وقوع می یابد، مربوط بہ بائع است.

اگر بائع محض مصارف حمل و نقل را بہ عہدہ می گیرد؛ محلیکہ مبیعہ بہ آنجا نقل داده می شود، محل تسلیم محسوب نمی شود.

مادہ ۶۴۳:

معین بودن قیمت و یا صورت تعیین آن لازم است. در حالیکہ قیمت بہ این صورت تعیین

ذریعہ د مبیعی د حمل او نقل لہ لاری پینبیری، هغو ته د پلورونکی لہ خوا د مبیعی د تسلیم نبتی لہ سره په پیروونکی پورې اړه لری. کہ د مبیعی د حمل او نقل د طرز په خصوص کښې کوم شرط موجود وی، پلورونکی مکلف دی چه ددی شرط مراعات وکړی.

بی د معقول او مستند عذر خخه د تخلف په صورت کښې د هغه ضرر چه پیروونکی ته رسیږی، مسئول دی.

که د مال د لیرلو محل نظر د طرفینو مقصد ته د تسلیم محل گڼل شوی وی، په دی صورت کوم زیان چه د حمل او نقل په وخت کښې پینبیری، په پلورونکی پوری اړه لری.

که پلورونکی یواځې د حمل او نقل مصارف په غاړه اخلی نو هغه محل چه مبیعہ هلته وړله کیږی، د تسلیم محل نه گڼل کیږی.

۶۴۳ ماده:

د قیمت معلوم والی یا د هغه د معلومولو صورت لازم دی په داسی حال کښې چه په دی صورت کښې

بیعه نه وی تا کلبی شوی او مبیعه هم تسلیم شوی نه وی نو د عقد په محل او زمان کببې مروجہ نرخ د قیمت په حیث اساس گرځول کیږي. که د عقد په محل او زمان کببې مروجہ نرخ متعدد وی، پیروونکی مجبور دی چه اوسط نرخ تأدیه کړي.

۶۴۴ ماده:

د مقاولی په ذریعه د قیمت د تا کلو د حق سپارل دریم کس ته مجاز دی. او که دریم کس د کوم علت له مخې قیمت ونه ټاکه، پیروونکی مجبور دی چه دیپلورلو د ورځې مروج نرخ او که د هغې ورځې نرخ متعدد وی، منځنی نرخ ورکړي. که مروج نرخ وجود ونه لری نو قیمت د محکمی له خوا ټاکل کیږي.

۶۴۵ ماده:

پیروونکی چه قیمت نه وی ورکړی او د عقد د نټبې او د تسلیم په منځنی موده کببې افلاس وکړی، سره له دی چه پلورونکی مال په وعده ورکړی وی (مگر معتبر تأمینات یې نه وی اخیستی) حق لری چه مبیعه

نشده و مبیعه هم تسلیم نشده باشد، نرخ مروجہ در محل و زمان عقد بحیث قیمت اساس قرار داده می شود. اگر نرخ مروجہ در زمان محل عقد متعدد باشد، مشتری مجبور است که اوسط نرخ را تأدیه کند.

ماده ۶۴۴:

تفویض حق تعیین قیمت ذریعه مقاوله به شخص ثالث مجاز است. اگر شخص ثالث نظر به علتی قیمت را تعیین ننمود، مشتری مجبور است که نرخ رایج روز فروش را و اگر نرخ همان روز متعدد باشد اوسط آن را بپردازد. اگر نرخ رایجه وجود نداشته باشد، قیمت از طرف محکمه تعیین می شود.

ماده ۶۴۵:

مشتری ایکه قیمت را تأدیه ننموده و در ظرف مدت بین تاریخ عقد و تسلیم ورشکست شود، با آنکه بایع تأدیه وجه را تأجیل کرده باشد (ولی تأمینات معتبر نگرفته باشد) حق دارد مبیعه را تسلیم

تسلیم نکری.

ندهد.

۶۴۶ ماده:

که د قیمت ټاکل د مبیعی په تول پورې مشروط وی (په دی صورت چه د هغه په خلاف مقاوله یا عرف او عادات موجود نه وی)، د ظرف تول له هغه وضع کیږي. او دا چه د ظرف تول نسبت د مبیعی حقیقی تول ته او یا نظر یوی ټاکلی اندازی او مقیاس ته تثبیت شي او یا له مبیعی څخه یوه اندازه تول د ظرف د تول په حیث وضع شي او یا هغه مال چه تسلیمپری هغه خرابه او بیکاره برخه کمه شي، د قرارداد په اساس او که قرارداد نه وو نو د عرف له مخې چه د تسلیم په محل کښې جاری دی ټاکل کیږي.

ماده ۶۴۶:

اگر تعیین قیمت نظر به وزن مبیعه مشروط باشد (در صورتی که برخلاف آن مقاوله و یا عرف و عادات موجود نباشد)، وزن ظرف از آن وضع می شود.

اینکه وزن ظرف نسبت به وزن حقیقی مبیعه و یا نظر به یک مقیاس و مقدار معین تثبیت شود و یا یک مقدار از وزن مبیعه بحیث وزن ظرف وضع و یا قیمت همان قسمت خراب شده و بیکاره امتعه که تسلیم می شود تنقیص گردد، به اساس قرارداد و در صورت عدم قرارداد، از روی عرفی که در محل تسلیم جاری است، تعیین می شود.

۶۴۷ ماده:

د مال د ټول قیمت له ورکړې نه پخوا پیروونکی ته د مبیعی د ملکیت د نه انتقال په خصوص کښې د قید شرط معتبر دی. د مبیعی خساره چه له دی شرط لاندې ورتسلیمپری، د تسلیم د نېټې له سره په پیروونکی پوری

ماده ۶۴۷:

قبل از ادای تمام قیمت مال قید شرط دایر بر عدم انتقال ملکیت مبیعه به مشتری معتبر است.

خساره مبیعه که تحت این شرط تسلیم داده می شود، سر از تاریخ تسلیم به مشتری عاید

ارپه لری.

است.

ماده ۶۴۸:

که د مبیعی قیمت نظر بورس یا د بازار نرخ ته مقید شوی وی، په دی صورت چه د هغه په خلاف کوم قرارداد موجود نه وی، د تعهد د محل او زمان د بازار یا بورس منځنی متوسط نرخ اساس نیول کیږي او که ددی نرخ ټاکل ممکن نه وی، د مماتلو پلورنو منځنی متوسط نرخ چه د تعهد په محل او وخت کښې موجود وی، قبلېږي.

ماده ۶۴۸:

اگر قیمت مبیعه نظر به نرخ بورس و یا بازار مقید شده باشد، در صورتی که خلاف آن قراردادی موجود نباشد، نرخ وسطی بورس و یا بازار محل و زمان اجرای تعهد اساس اتخاذ می شود و اگر تعیین این نرخ ممکن نباشد، نرخ وسطی فروشهای مماثل که در محل و زمان اجرای تعهد موجود است، قبول می شود.

ماده ۶۴۹:

د مبیعی د تسلیم په صورت د زیان او ضرر په نامه د مبیعی د قیمت ټکت پولی د تسلیم له نېټې او که له تسلیم اخیستلو څخه امتناع شوی وی د اطلاع له نېټې نه وروسته د غوښتنې وړده.

ماده ۶۴۹:

تکت پولی قیمت مبیعه بنام جبران ضرر و زیان در صورت تسلیم مبیعه از تاریخ تسلیم و اگر از تسلیم گرفتن امتناع شده باشد، از تاریخ اطلاع به بعد قابل مطالبه است.

ماده ۶۵۰:

نظر د قرارداد ماهیت یا د طرفینو مقصد او یا د مبیعی جنس ته که د تعهد اجراء په مختلفو ډولو د ویش وړ وی که یوه طرف

ماده ۶۵۰:

نظر به ماهیت قرارداد و یا مقصد طرفین و یا جنس مبیعه اگر اجرای تعهد به اقسام مختلفه قابل تقسیم باشد، اگر یکی از طرفین

یک قسمت تعهد را اجراء نکرده باشد، می‌تواند عقد را فسخ کند.

ماده ۶۵۱:

در مبیعاتی که به اساس نمونه بعمل می‌آید، اثبات مطابقت مبیعه با نمونه متعلق بایع است. ولی اگر نمونه در اثنائی که بدست مشتری بوده خراب و یا تلف شود، آنگاه اثبات عدم مطابقت مبیعه با نمونه تعلق به مشتری دارد.

ماده ۶۵۲:

اگر مشتری خرید را بعد از معاینه و تجربه و پسند مقید ساخته باشد، جائز است.

ماده ۶۵۳:

اگر مبیعه برای معاینه و تجربه به مشتری تسلیم داده شده باشد، مشتری مجبور است نظر به قرارداد و در حال عدم قرارداد، در مدتی که عرفاً معین است، قبولی و یا عدم قبولی خود را راجع به مبیعه بیان کند. و اگر در قرارداد و عرف مدت

یوه برخه تعهد نه وی اجراء کری، کولای شی چه عقد فسخ کری.

ماده ۶۵۱:

په هغو مبیعاتو کنبې چه د نمونی له مخې کیږي، له نمونی سره د مبیعی د مطابقت اثبات په پلورونکی پوری اړه لری مگر که نمونه په هغه وخت کنبې چه د پیروونکی په لاس کنبې وی خرابه یا تلف شي، په هغه وخت کنبې له نمونی سره د مبیعی د نه مطابقت اثبات په پیروونکی پوری اړه لری.

ماده ۶۵۲:

که د پیروونکی پیروونه له کتنی او تجربی او خوبولونه په وروسته پوری مقیده کری وی، جائز دی.

ماده ۶۵۳:

که مبیعه دکتنی او تجربی دپاره پیروونکی ته ورتسلیم شوی وی، پیروونکی مجبور دی چه نظر قرارداد ته او که قرارداد نه وو، په هغه موده کنبې چه عرفاً ټاکلی شوی ده خپله قبولی یا نه قبولی د مبیعی په باره کنبې بیان کری. او که په قرارداد او عرف کنبې

معین نباشد، بائع مهلت مناسبی را تعیین و مشتری را به قبول و یا رد مبیعه دعوت می‌کند.

اگر مشتری در مدت مذکور جواب نداده باشد، چنین محسوب می‌شود که مبیعه را قبول کرده است.

اگر مشتری حق خیار خویش را صراحتاً محافظه ننموده باشد و تمام و یا یک قسمت قیمت را تأدیه و یا مبیعه را غیر از صورتی که برای تجربه لازم می‌آید بشکل دیگری تصرف کرده باشد، بیع تکمیل می‌شود.

ماده ۶۵۴:

در بیعیکه مطابق ماده (۶۵۲) واقع می‌شود، اگر مشتری در ظرف مدت معین قرارداد و یا عرف قبولی و یا عدم قبولی خود را اظهار نکرده باشد، بیع غیر منعقد محسوب می‌شود.

اگر در قرارداد و یا عرف کدام مدتی معین نباشد، بایع مهلت مناسب تعیین کرده مشتری را به استعمال حق خیارش دعوت

موده تا کلی نه وی نو پلورونکی مناسب مهلت تاکی او پیروونکی د مبیعی قبلولو یا ردولو ته غواپی.

که پیروونکی په دی موده کنبی خواب نه وی ورکپی، داسی گنل کیږی چه مبیعه یی قبوله کپی ۵۵.

که پیروونکی د خپل خیار حق صراحتاً ساتلی نه وی یا ټول یا یوه برخه قیمت یی ورکپی وی او یا یی مبیعه غیر له هغه صورت څخه چه د تجربی دپاره لازمیرپی په بل شکل تصرف کپی وی، بیه تکمیلیرپی.

ماده ۶۵۴:

په هغې بیه کنبی چه له (۶۵۲) مادی سره سمه پینښږی که پیروونکی د قرارداد یا عرف په تا کلی موده کنبی خپله قبولی یا نه قبولی نه وی څرگنده کپی، بیه منعقد نه بلله کیږی.

که په قرارداد یا عرف کنبی کومه موده تا کلسی نه وی، پلورونکی مناسب مهلت تاکی او پیروونکی د خپل خیار د حق

می‌کند. اگر مشتری در این مدت سکوت کرده باشد، بیع غیر منعقد محسوب می‌شود.

ماده ۶۵۵:

اگر بیع بشرائط متذکره قرارداد و قانون موافق باشد، مشتری مجبور است در ظرف مدتی که به اساس قرارداد و یا عرف معین است، مبیعه را تسلیم بگیرد.

اگر مشتری این مکلفیت را ایفاء ننموده و قیمت را تأدیه کرده باشد، با بیع بعد از اخطار کیفیت به مشتری می‌تواند از محکمه تجارتی برای محافظه مبیعه شخص امین را مطالبه کند. در اثر این خواهش محکمه بدون جلب مشتری فوراً شخص امین را تعیین می‌کند.

و اگر نصب امین و یا تأخیر تسلیم، مصارف و خساره ایجاب نماید، جبران آن به ذمت مشتری است. هرگاه ماهیت مبیعه مساعد به تودیع نبوده و یا سریع الفساد باشد یا محافظه آن نظر به قیمت به

استعمال ته غواپی. که پیرو دونکی په دی موده کښې سکوت کړی وی، بیه منعقد نه بلله کیږي.

ماده ۶۵۵:

که بیه د ذکر شوی قرارداد له اصولو سره موافقه وی، پیرو دونکی مجبور دی په هغه موده کښې چه د قرارداد او یا عرف له مخې ټاکلی شوی ده مبیعه تسلیم کړی.

که پیرو دونکی دا مکلفیت په ځای نکړی او قیمت یې ورکړی وی نو پیرو دونکی ته د کیفیت له اخطار نه وروسته پلورونکی کولای شي چه له تجارتی محکمی څخه د مبیعی د ساتنې دپاره امین شخص وغواړی. ددی غوښتنې په اثر محکمه بی د پیرو دونکی له جلبه سمدستی امین شخص ټاکي.

او که د امین له دریدو او د تسلیم له ځنډیدو څخه مصارف او خساره پېښه شي، د هغې جبران د پیرو دونکی په غاړه دی. که د مبیعی ماهیت د سپارلو وړ نه وی یا ژر تر ژره خرابی پیدا کوی یا د هغې ساتنه نظر قیمت ته زیات

مصارف گزاف و یا تأدیه به اجرت ارضیه محتاج باشد، بایع بعد ازین که موضوع را به مشتری در صورت امکان اطلاع نماید، می تواند به اساس اجازه که از محکمه حاصل می کند، مبیعه را بدون دعوت مشتری بصورت مزایده علنی به فروش برساند.

در صورتی که مبیعه در بورس یا بازار نرخ مروج داشته باشد، بایع حق دارد به اجازه محکمه بدون مزایده علنی به همان نرخ بفروشد.

مبیعه که به این صورت به فروش می رسد، قیمت آن بعد از وضع مصارف فروش از جانب بایع بنام مشتری به بانک و در صورت عدم وجود بانک، به اجازه محکمه در یک محل امین دیگری تودیع شود.

بعد از اینکه مبیعه به شخص امین و یا قیمت آن به یک محل امین تودیع گردید، فوراً قضیه از طرف بایع به اطلاع مشتری رسانیده شود.

مصرف غواپی یا د مخکی کرایبی ورکولو ته ارتیا ولری نو پلورونکی وروسته له هغه چه پیروونکی ته د امکان په صورت د موضوع اطلاع ورکړی، کولای شي د هغې اجازې له مخې چه له محکمی څخه یې په لاس راوړی بی د پیروونکی له غوښتنې مبیعه په ښکاره مزایده سره وپلوری.

او که مبیعه په بورس یا بازار کښې مروج نرخ ولری، پلورونکی حق لری چه د محکمی په اجازه بی له ښکاره مزایدی (پرونی) په همغه نرخ وپلوری.

مبیعه چه په دی صورت پلورله کیږي د پلورنی د مصارفو له وضع نه وروسته دی د پلورونکی له خوا د پیروونکی په نامه بانک ته او که بانک نه وو نو د محکمی په اجازه دی په یو بل امین محل کښې وسپارله شي.

وروسته له هغه چه مبیعه یوه امین شخص ته او یا د هغې قیمت یوه امین محل ته وسپارل شو نو ژرترژره دی قضیه د پلورونکی له خوا پیروونکی ته د قضیې اطلاع ورکړی.

ماده ۶۵۶:

په دی صورت چه پیرو دونکی قیمت د قرارداد یا د عرف په ټاکلی وخت کښې ورنکړې نو پلورونکی څرنگه چه د قیمت دعوی کولای شي، په هغه شان حق لری چه د اطلاعیې یا راجستری لیک په اساس مناسب مهلت وټاکې او پیرو دونکی د تعهد په ځای کولو دپاره وغواړی که پیرو دونکی ددی مهلت په موده کښې قیمت ورنکړې پلورونکی کولای شي چه له (۶۵۵) مادی سره سم مبیعه وپلوری او د هغې له بدل څخه قیمت استفاء او د مبیعی د قیمت او د پلورنی د بدل ترمنځ تفاوت له پیرو دونکی څخه وغواړی.

که مبیعه په بورس یا بازار کښې مروج نرخ ولری نو پلورونکی بی له دی چه د مبیعی په پلورنه مجبور وی، کولای شي چه د مبیعی د قیمت او نرخ ترمنځ تفاوت چه د مهلت په پای کښې په بورس یا بازار کښې موجود دی، له پیرو دونکی څخه وغواړی.

ماده ۶۵۷:

که پلورونکی مبیعه د قرارداد یا

ماده ۶۵۶:

در صورتی که مشتری قیمت را در زمان معین قرارداد و یا عرف تأدیه نکند، باایع طوریکه دعوی قیمت را می تواند؛ همچنان حق دارد به اساس اطلاعیه و یا مکتوب راجستری مهلت مناسب تعیین و مشتری را به ایفای تعهد دعوت نماید اگر مشتری در ظرف این مهلت قیمت را تأدیه نکند، باایع می تواند مطابق به ماده (۶۵۵) مبیعه را فروخته و از بدل آن قیمت را استیفاء و تفاوت بین بدل فروش و قیمت مبیعه را از مشتری مطالبه نماید.

اگر مبیعه در بورس و یا بازار دارای نرخ مروجی باشد، باایع بدون اینکه مجبور به فروش مبیعه باشد می تواند تفاوت بین قیمت مبیعه و نرخ را که در خاتمه مهلت در بورس و یا بازار موجود است، از مشتری طلب کند.

ماده ۶۵۷:

در صورتی که باایع مبیعه را در

زمان معینه قرارداد و یا عرف تسلیم نکند، مشتری با اطلاعیه و یا مکتوب راجستری بایع را در ظرف یک مدت مناسب به تسلیم دادن مبیعه دعوت می‌کند.

اگر در انقضای این مهلت بایع مبیعه را تسلیم نکند، مشتری می‌تواند به محکمه مراجعه نموده فسخ قرارداد را با خساره وارده و فایده که از آن محروم مانده است، از بایع طلب کند. اگر مشتری بخواهد می‌تواند مستقیماً و یا توسط محکمه امتعه را از شخص ثالث بخرد و بدلی را که تأدیه نموده است، اگر از قیمت مبیعه زیادتر باشد، این زیادت را از بایع اول مطالبه کند.

در صورتی که مبیعه در بورس و یا بازار نرخ مروجی داشته باشد، مشتری بدون اشتراء مبیعه از شخص ثالث نیز می‌تواند تفاوت بین نرخ مروج قیمت مبیعه را از بایع تقاضا کند.

هم درین صورت و هم در حال مبیعه از شخص ثالث، حق

عرف به تا کلی موده کنبی تسلیم نکری نو پیرو دونکی له اطلاعیی یا له راجستری لیک سره پلورونکی په یوه مناسبه موده کنبی د مبیعی د تسلیم ورکولو دپاره وغواری.

که ددی مهلت په تیریدو کنبی پلورونکی مبیعه تسلیم نکری نو پیرو دونکی کولای شی چه محکمی ته مراجعه وکړی او د قرارداد فسخ سره له پینبې شوی خساری او هغې گتېې چه له لاسه یې وتلی ده له پلورونکی څخه و غواری. که پیرو دونکی وغواری کولای شی چه مخامخ یا د محکمی په واسطه مال له دریم شخص څخه وپیری او هغه بدل چه ورکړی یې دی که د مبیعی له قیمت څخه زیات وی، دا زیاتوالی له لمړی پلورونکی څخه وغواری.

که مبیعه په بورس یا په بازار کنبی مروجی نرخ ولری نو پیرو دونکی له دریم شخص څخه بی د مبیعی له پیرو دلو هم کولای شی چه د مروج نرخ تفاوت د مبیعی قیمت له پلورونکی څخه وغواری.

هم په دی صورت او هم د مبیعی په حال کنبی له دریم شخص څخه

طلب خسارہ کہ مشتری آنرا متحمل شدہ است بہ اساس مادہ (۵۹۱) محفوظ می باشد.

مادہ ۶۵۸:

اگر در بیع نظر بہ صراحت قرارداد و یا نظر بہ جنس و ماہیت مبیعہ و مقصد اشتراء، مشتری و بائع مجبور باشند کہ حتماً در ظرف میعاد معینی ایفای تعہد کنند، در صورتی کہ در ختم این مدت تعہد را ایفا نکرده باشند، طرف دیگر از باعث عدم ایفای تعہد بدون اطلاع می تواند مطابق احکام مواد (۶۵۶) و (۶۵۷) عقد را فسخ و جبران خسارہ طلب کند. ولی طرفیکہ صلاحیت فسخ عقد را دارد، اگر بخواہد کہ تعہد عیناً ایفاء شود، مکلف است کہ در حین حلول یا انقضاء مدت معین ایفای تعہد را تقاضا کند.

مادہ ۶۵۹:

در مسایعات تجارتی اگر در حین تسلیم کددام عیب و نقص مبیعہ و یا عدم توافق آن

د ہغی خساری غوبنتنی حق چہ پیرو دونکی ہغہ پہ غارہ اخیستی دہ د (۵۹۱) مادی پہ اساس ساتلی دی.

۶۵۸ مادہ:

کہ پہ بیع کنبی نظر د قرارداد صراحت تہ او یا نظر د مبیعی جنس او ماہیت او د پیرو دنی مقصد تہ پیرو دونکی او پلورونکی مجبور دی چہ خامخا پہ تاکلی مودہ کنبی تعہد پہ خای کپی، پہ دی صورت چہ ددی مودی پہ پای کنبی تعہد پہ خای نکپی، نو بل طرف د تعہد دنہ پہ خای کیدو لہ وجی بی لہ اطلاع نہ کولای شی چہ د (۶۵۶) او (۶۵۷) مادو لہ مخی عقد فسخ کپی او د خساری تاوان وغواری. مگر ہغہ طرف چہ د عقد د فسخ صلاحیت لری کہ وغواری چہ تعہد کت مت پہ خای شی مکلف دی چہ د تاکلی مودی پہ راتگ یا تیریدو کنبی د تعہد پہ خای کول وغواری.

۶۵۹ مادہ:

پہ تجارتی مبیعاتو کنبی کہ د تسلیم پہ وخت کنبی د مبیعی کوم عیب یا نقص یا د ہغو د قرارداد د

به شرایط قرارداد و یا نمونه یا قانون ظاهر شود، مشتری مکلف است کیفیت را در ظرف چهار روز به بائع اطلاع دهد و الا بعد از آنکه مشتری مبیعه را تسلیم شد، مکلف است آنرا در ظرف دو هفته خودش یا نماینده اش معاینه بنماید.

اگر در نتیجه این معاینه نقصی ظاهر شود و یا عدم موافقت مبیعه به شرایط قانون و یا قرارداد و یا نمونه آشکار گردد، مشتری برای حفظ حق رجوع خود موظف است کیفیت را در ظرف دو هفته و اگر عیب مخفی کشف شود، بصورت فوری به بائع اطلاع دهد و الا چنان استنباط می شود که مبیعه را بحال موجوده قبول کرده است.

ماده ۶۶۰:

مشتری حق دارد علیه بائع از رهگذر نقص در مبیعه و یا عدم توافق به قرارداد و یا شرایط معینه قانونی و یا نمونه دعوی کند. این حق از تاریخ تسلیم مبیعه تا شش ماه اعتبار

شرطونو یا نمونی یا قانون سره عدم توافق خرگند شی پیروونکی مکلف دی چه د کیفیت خخه په خلورو ورخو کنبی پلورونکی ته اطلاع ورکری او که نه وروسته له هغه چه پیروونکی مبیعه تسلیم کړه، مکلف دی چه هغه په موده د دوو هفتو کنبی پخپله دی یا دده نماینده معاینه کړی.

که ددی معاینی په نتیجه کنبی نقص بنکاره شی او یا د قانون او قرارداد په شرطونو یا نمونی سره د هغی نه موافقت خرگند شی نو پیروونکی د خپلی رجوع د حق د ساتی دپاره موظف دی چه کیفیت په دوو هفتو کنبی او که پت عیب خرگند شی، ژرترژه پلورونکی ته اطلاع ورکړی. او که نه داسی بنکاریری چه مبیعه یی په موجوده حال قبوله کړی ده.

ماده ۶۶۰:

پیروونکی حق لری چه پلورونکی باندی د مبیعی د نقص یا د قرارداد او یا قانون په تاکیو شرطونو او یا نمونی د نه توافق له کبله دعوی وکړی. دا حق د مبیعی د تسلیم له نپتی خخه تر

شپرو میاشتو پوری اعتبار لری. ددی مودی لپول یا ډیروول په قرارداد کښې جائز دی.

۶۶۱ ماده:

که معلوم شي چه دقانون او یا قرارداد له ټاکلیو شرطونو یا له نمونې سره د مبیعی نه موافقت د پلورونکی د حیلي په اثر دی نو د (۶۵۹) او (۶۶۰) مادو احکام د هغو په باره کښې نه تطبیقیری.

۶۶۲ ماده:

که پیروونکی له (۶۵۹) مادی سره سم په مبیعه کښې عیب پیدا کړی او یا هغه د کوم علت په اثر د قرارداد یا د قانون د شرطونو یا له نمونې سره سم ونه مومی کولای شي چه لمړی پلورونکی ته مراجعه وکړی او یا هغه د معاینې دپاره وغواړی او که پلورونکی په مناسب وخت کښې حاضر نشي نو په دی وخت کښې تجارتی محلی محکمی ته مراجعه کوی او د پوهو کسانو په حضور معاینه کیږي. او محکمه د هغې له مخې لارم حکم صادر وی.

دارد. تزئید یا تنقیص این مدت در قرارداد جائز است.

ماده ۶۶۱:

اگر عدم موافقت مبیعه به شرایط معینه قانون و یا قرارداد و یا نمونه در اثر حیلۀ بایع فهمیده شده بتواند، احکام مواد (۶۵۹) و (۶۶۰) درباره آن تطبیق نمی شود.

ماده ۶۶۲:

در صورتی که مشتری مطابق ماده (۶۵۹) در مبیعه عیبی کشف کرده و یا آن را در اثر علتی مطابق شرایط معینه قرارداد یا قانون و یا نمونه دریافت نکند، می تواند اولاً به بایع رجوع و آن را برای معاینه دعوت نماید و اگر بایع به مدت مناسب حاضر نشود، درین حال به محکمه محلی تجارتی مراجعه و برای نصب اهل خبره تقاضا و معاینه می شود و محکمه به همان اساس قرار لارم را صادر می نماید.

ماده ۶۶۳:

په دی صورت چه مبیعه پیروونکی ته له بل محل څخه ورلیږلی شوی وی، که څه هم پیروونکی له (۶۵۹) مادی سره سم پلورونکی ته مراجعه کړی وی، پیروونکی مجبور دی چه مبیعه، د پلورونکی په مصرف وساتی او یایی له (۶۵۵) مادی سره سم امین شخص ته وسپاری.

که مبیعه د ماهیت له مخې د سپارنی وړ نه وی او یا ژر خرابی لري وي او یا د هغې د ساتنې مصرف نظر د هغې قیمت ته زیات وی او یا د ځای په باړه پوری اړه لری نو پیروونکی کولای شي چه له (۶۵۵) مادی سره سم مبیعه وپلوری.

ماده ۶۶۴:

که مبیعه د قرارداد یا د قانون ټاکلی شرطونه ونه لری، پیروونکی اختیار لری چه عقد فسخ کړی او یا له محکمی څخه د قیمت د تفاوت او خساری ورکړه وغواړی.

ماده ۶۶۳:

در صورتی که مبیعه برای مشتری از محل دیگری فرستاده شده باشد، ولو اینکه مشتری مطابق حکم ماده (۶۵۹) به بائع مراجعه هم کرده باشد، مشتری مجبور است مبیعه را به مصرف بائع محافظه و یا مطابق ماده (۶۵۵) به شخص امین بسپارد.

اگر مبیعه ماهیتاً قابل تودیع نبوده و یا سریع الفساد باشد و یا مصرف محافظه آن نظر به قیمت آن زیادتر و یا وابسته به تأدیه اجرت ارضیه باشد، مشتری می تواند مطابق ماده (۶۵۵) مبیعه را به فروش برساند.

ماده ۶۶۴:

در صورتی که مبیعه شرایط معین قرارداد و یا قانون را دارا نباشد، مشتری مخیر است عقد را فسخ و یا حکم تأدیه تفاوت قیمت و خساره را از محکمه مطالبه کند.

دوه یمه برخه

د تجارتي بیع ځینې خصوصي

انواع

د سیف پلورنه

حصه دوم

بعضي از انواع خصوصي بیع

تجارتي

فروش سیف

۶۶۵ ماده:

که یوه بیه د بیړي، د ټاکلو په اساس چه مبیعه په هغې کښې بارپړي شوی وی، په دی صورت د بیع عقد د مقصود محل ته د هغې بیړي، د رارسیدو په شرط پوري معطله ده.

که پلورونکی د بیړي، د حرکت موده چه مبیعه پکښې بارپړي د مقاولی په ذریعه او یا نظر تجارتي عرف ته ټاکلی نه وی پیروونکی کولای شي چه د بیړي، د مودی ټاکل وغواړي او یا د عقد فسخ سره د خساری له جبرانه وغواړي.

که د بیړي، د مودی د ټاکلو دپاره په مقاوله یا عرف کښې صراحت او سابقه موجوده نه وی، پیروونکی کولای شي چه محکمی ته مراجعه وکړي او ددی مودی ټاکل وغواړي او محکمه دی ژر تر ژره اقدام وکړي. که د بیړي، د حرکت د مودی

ماده ۶۶۵:

اگر یک بیع به اساس تعیین کشتی ایکه مبیعه به آن حمل خواهد شد بعمل آمده باشد، در این صورت عقد بیع بشرط مواصلت کشتی مذکور به محل مقصد موکول می باشد.

اگر با بیع مدت حرکت کشتی را که مبیعه در آن حمل می شود ذریعه مقاوله و یا نظر به عرف تجارتي تعیین نکرده باشد، مشتری می تواند تعیین مدت کشتی را تقاضا و یا فسخ عقد را با جبران خساره طلب کند.

اگر برای تعیین مدت کشتی در مقاوله و یا عرف صراحت و سابقه وجود نداشته باشد، مشتری می تواند به محکمه مراجعه و تعیین این مدت را طلب و محکمه مستعجلاً اقدام نماید. اگر برای مدت

دپاره چه د عقد د محل په وخت کښې یا وروسته له هغه ټاکل کیږي او یا د مقصود محل ته د هغې د رسیدلو دپاره موده ټاکلې شوی وی خو بیړۍ په ټاکلې وخت حرکت نه وی کړی او یا په ټاکلې موده کښې د مقصود محل ته نه وی رسیدلی، پیروونکی کولای شي چه د عقد فسخ وغواړي او دعوی وکړي.

پیروونکی کولای شي چه د بیړۍ د رسیدلو موده یو یا شو کرته اوږده کړي.

ماده ۶۶۶:

که مبیعه د سفر په منځ کښې د ضرورت او علت له کبله له هغې بیړۍ څخه چه په ټاکلې ډول په هغې کښې بار شوی دی بلی بیړۍ ته نقل شوی وی، عقد نه فسخ کیږي او دوهمه بیړۍ د لومړۍ په ځای گڼله کیږي.

ماده ۶۶۷:

په دی صورت چه عقد د مال په رسیدلو مشروط وی او مبیعه د سفر په منځ کښې داسی خساره ومومي چه په نظر کښې نیولی گټه له منځه تللی وی، عقد فسخ

حرکت کشتی که در حین محل عقد و یا بعداً تعیین می شود و یا برای مواصلت آن به محل مقصود مدت معین شده و کشتی در وقت معینه حرکت نه نموده و یا در ظرف مدت معین به محل مقصود واصل نشده باشد، مشتری می تواند فسخ عقد را مطالبه و دعوی کند.

مشتری می تواند مدت معینه مواصلت کشتی را یک و یا چند بار تمدید نماید.

ماده ۶۶۶:

اگر مبیعه در اثنای سفر از باعث علل مجبره از کشتی ایکه بطور معین در آن حمل شده به کشتی دیگر نقل داده شده باشد، عقد فسخ نگرديده و کشتی دومی بجای اولی محسوب می شود.

ماده ۶۶۷:

در صورتیکه عقد مشروط به مواصلت مال باشد و مبیعه در اثنای سفر طوری خساره مند گردد که منفعت منظور از بین رفته باشد، عقد فسخ

می‌گردد. در غیر این صورت، مشتری مجبور است مبیعه را حین مواصلت به حال موجود قبول نماید و خساره که ازین درک متحمل می‌گردد، به تصدیق اهل خبره از قیمت جبران می‌شود.

ماده ۶۶۸:

فروشی که به شرط تسلیم مال در کشتی بر علاوه اجرت بیمه و مصرف نقلیه بعمل می‌آید، فروش (سیف) نامیده می‌شود. مصرف نقلیه عبارت از اجرت نقل مال الی تسلیم آن به جرثقیل بندر است.

خساره امتعه که به اساس (سیف) فروخته می‌شود، از تاریخ حمل آن به کشتی به مشتری عاید است.

ماده ۶۶۹:

امتع که بصورت (سیف) فروخته می‌شود، باید از طرف بایع به اساس شرایط مقاوله و در صورت عدم آن، نظر به عرف و عادات جاری محلی به کشتی حمل می‌گردد. در صورتی که بایع مجاز

تبصره:

سیف (C.I.F) مخفف (Cost) قیمت و (Insurance) (Freight) مصرف نقلیه می‌باشد.

کیری. له دی صورت نه پرته پیرو دونکی مجبور دی چه مبیعه در سیدلو په وخت کبني په موجوده حال قبوله کری. او هغه خساره چه له دی لاری ورته اوړی دپوهو کسانو په تصدیق له قیمت څخه پوره کیری.

ماده ۶۶۸:

هغه پلورنه چه برسېره د بیمې په اجرت او د نقلیې په مصرف په بیړی کبني د مال د تسلیم په شرط کیږی، د (سیف) پلورنه بلله کیږی. د نقلیه مصرف عبارت د بندر جرثقیل ته تر تسلیمېدو پورې د مال د نقل له اجرت څخه دی.

د هغه مال خساره چه د (سیف) له مخې پلورل کیږی، په بیړی کبني د بارولو له نېټې څخه په پیرو دونکي پورې اړه لري.

ماده ۶۶۹:

هغه مال چه د (سیف) په ډول پلورل کیږی، باید د پلورونکی لخوا د شرایطو په اساس او که هغه نه وه نو نظر محلی عرف او عاداتو ته په بیړی کبني بارېږی. په دی صورت چه پلورونکی ته دا اختیار وی چه

تبصره:

سیف (C.I.F) مخفف (Cost) قیمت او (Insurance) او (Freight) نقلیه مصرف دی

باشد تعهد خود را حصه حصه اجراء نماید، هر حصه امتعه که حمل گردد، چنین محسوب می‌شود که علیحده فروخته شده است.

ماده ۶۷۰:

اگر بايع امتعه را که فروخته است (بدون استناد علل مجبره) در زمان معین یا مطابق عرف محل حمل نکرده باشد، مشتری می‌تواند عقد را فسخ نماید. درین صورت مشتری مکلف است فوراً از تصمیم خود به بايع اطلاع دهد.

ماده ۶۷۱:

بايع به اساس یک بارنامه نقلیه بحری (کنسانمینت) که برای هر حصه امتعه به این عباره (حمل شده است) تنظیم می‌یابد می‌تواند اثبات نقل هر حصه مال را بنماید که مطابق شرایط معینه بعمل آمده.

اگر بارنامه نقلیه دارای عباره (برای حمل تسلیم گرفته شده است) باشد، مشتری می‌تواند ادعا نماید که حمل امتعه در

خپل تعهد برخه برخه اجراء کری، د مال هره برخه چه بار شی، داسی گنله کیبری چه خان خان ته پلورلی شوی دی.

۶۷۰ ماده:

که پلورونکی هغه مال چه پلورلی یی دی (بی مجبره علتونوله استناد خخه) په تاکلی وخت یا د محل له عرف سره سم یی نه وی بار کری نو پیروونکی کولای شی چه عقد فسخ کری. په دی صورت پیروونکی مکلف دی چه ژرترژه له خپل تصمیم خخه پلورونکی ته اطلاع ورکړی.

۶۷۱ ماده:

پلورونکی د یوی بحری نقلیه بارنامی (کنسانمینت) له مخی چه د مال د هری برخی دپاره په دی عبارت (بار شوی دی) جوړیږی کولای شی چه د مال د هری برخی د نقل اثبات وکړی چه له تاکلیو شرطونو سره سم شوی دی.

که د نقلیه بارنامه (دباربدو دپاره تسلیم شوی دی) عبارت ولری نو پیروونکی دا دعوی کولای شی چه د مال بارپدل د نقلیه بارنامی

تاریخ بارنامه نقلیه صورت نگرفته است، مگر اینکه کپتان کشتی حمل مال را در تاریخ بارنامه کشتی تصدیق نموده باشد.

ماده ۶۷۲:

اگر امتعه که بصورت (سیف) فروخته می شود از یک شهر داخلی و یا از یک بندر با بارنامه واحدی حمل شده باشد، تاریخی که امتعه مذکور ذریعه اولین وسایل نقلیه حمل گردیده است بحیث تاریخ حمل قبول می گردد.

ماده ۶۷۳:

درج شرایط معتاده مقاله های نقلیه کنسانمینت درباره اینکه کشتی می تواند در بعضی بنادر توقف و یا تبدیل راه کند و یا محموله را به کشتی دیگری منتقل نماید، در مقابل مشتری نیز معتبر است.

بنابراین، در صورتی که تبدیلات مذکور از ایجابات حمل و نقل مال باشد، خساره که در اثر آن به امتعه وارد می شود، مربوط به مشتری می باشد. ولی اگر

په نپته نه دی شوی، مگر دا چه د بیبری کپتان په بیبری کنبی د بارنامی په نپته د مال بار بدل تصدیق کری وی.

ماده ۶۷۲:

که هغه مال چه د (سیف) په صورت پلورل کیبری له یوه داخلی بنار څخه او یا له یوه بندر څخه له یوې بارنامی سره بار شوی وی نو هغه نپته چه دا مال د نقلیه د لومړنیو وسایلو په ذریعه بار شوی وی د باریدو د نپته په حیث قبلیبری.

ماده ۶۷۳:

د نقلیه مقالو د معتادو شرایطو درج (کنسانمینت) په دی باره کنبی چه بیبری کولای شی په ځینو بندرونو کنبی ودریبری یا لازه تبدیل کری او یا بار بلی بیبری ته نقل کری، د پیروونکی په مقابل کنبی هم د اعتبار وړ دی.

نو بنا پردی، په دی صورت چه دا تبدلات د مال د حمل او نقل له ایجاباتو څخه وی، هغه خساره چه د هغو په اثر مال ته رسیدلی وی په پیروونکی پوری اړه لری. مگر که خساره د پلورونکی له تقصیر څخه

خساره از تقصیر بایع ناشی شده باشد، مشتری می‌تواند بیع را فسخ و ضرر و زیان وارده را مطالبه نماید.

هرگاه امتعه مطابق ماده (۶۷۲) ذریعة کنسانمینت ارسال گردیده باشد، باید کنسانمینت طوری تنظیم شود که شامل مراحل انتقالات باشد.

ماده ۶۷۴:

بايع (سیف) مکلف است امتعه معموله را (مطابق شرائط عادی که در مقاولات بیمه معتاد است) در مقابل خطرات بحری بیمه نماید.

قیمت بیمه باید باندازه نرخ تمام شد محلی باشد که امتعه به آنجا فرستاده می‌شود اگر امتعه حصه حصه حمل شده باشد باید هر حصه علیحده بیمه شود بايع نمی‌تواند بالذات در مقابل مشتری وظیفه بیمه کننده را اجرا نماید.

ماده ۶۷۵:

اگر تصدیق نامه بیمه عادی محتوی شرایط مخصوصه بیمه نباشد و شرایط آن طبق یکی از

بیمه شوی وی نو پیرو دونکی کولای شی چه بیع فسخ کری او پهبس شوی زیان او ضرر و غواری.

که مال له (۶۷۲) مادی سره سم د کنسانمینت په ذریعه لیبرلی شوی وی، باید کنسانمینت داسی تنظیم شی چه د انتقالاتو مراحل پکببې شامل وی.

ماده ۶۷۴:

د (سیف) پلورونکی مکلف دی چه بار شوی مال (عادی شرطونو سره سم چه د هغو درج د بیمې په مقاولاتو کببې عادت دی) د بحری خطراتو په مقابل کببې بیمه کری.

دبیمې قیمت باید د هغې محلی تمام شد د نرخ په اندازه وی چه مال هلته لیبرل کیږي. که مال برخه برخه بار شوی وی، باید هره برخه یې ځانگړی بیمه شی. پلورونکی نشي کولای چه پخپله د پیرو دونکی په مقابل کببې د بیمه کوونکی وظیفه اجراء کری.

ماده ۶۷۵:

که د عادی بیمې تصدیق نامه د بیمې مخصوص شرطونه ونه لری او د هغې شرطونه د بیمې له کومی

پالیسی د نمونی سره سم تنظیم نشي، د بیمې د پالیسی قایم مقام کیدای نشي.

۶۷۶ ماده:

په دی صورت چه په مقاله کښې دهغې په خلاف کوم صراحت موجود نه وی هغه خطرات چه د بیمې په ذریعه تأمین شي عادی خطرات دی اود جنگ خطرات له هغو نه جلادی د معافیت په شرایطو اود بیمې د بدل دور کړې په طرز کښې د بار یدو د محل جاری عرف او عادات او د شیانو جنس او ماهیت په نظر کښې نیول کیږي.

که د (سیف) پلورونکی مبیعه په یوه معروف او معتبر شرکت کښې بیمه کړی وی او وروسته له هغه د بیمې مؤسسه د بیمې د بدل په ورکړه قدرت ونه مومی د پیروونکی په مقابل کښې مسؤلیت نه لری.

۶۷۷ ماده:

که د سیف په بیه کښې دواړه خواوی قرارداد وکړی چه پیروونکی د مال وضعیت، تول او وصف چه بیږی کښې د بار یدو په وخت کښې وگوری، د اعتبار وړ

نمونه های پالیسی بیمه تنظیم نگردد، نمی تواند قائم مقام پالیسی بیمه واقع شود.

ماده ۶۷۶:

در صورتیکه بر خلاف آن در مقاله صراحتی موجود نباشد، خطراتیکه توسط بیمه تأمین شود، خطرات عادی بوده و خطر جنگ ماسوای آن است. در شرایط معافیت و طرز تأدیه بدل بیمه عرف و عادات جاریه محل حمل و جنس و ماهیت اشیاء در نظر گرفته می شود.

اگر بایع (سیف) مبیعه را در شرکت معروف و معتبری بیمه کرده باشد و بعداً مؤسسه بیمه قادر به تأدیه بدل بیمه نگردد، در مقابل مشتری مسؤلیتی ندارد.

ماده ۶۷۷:

اگر در بیع سیف جانین قرارداد نمایند که مشتری وضعیت وزن و وصف امتعه را در حین حمل به کشتی معاینه کند، معتبر است. در

دی. دنقصان د موندلو په صورت کښې پیروونکی کولای شي چه محکمې ته مراجعه وکړي او د پوهو کسانو ټاکل او تصدیق وغواړي.

۶۷۸ ماده:

وروسته له هغه چه مال بار شو پلورونکی مکلف دی چه (کنسانمینت) ظهر نویسی کړي. د بیمې له مقاولی او اصل بیجک سره او د ایجاب په صورت د مال د وصف او تول په خصوص کښې تصدیقنامه ترتیب کړي او د حوالی (چک) په مل یې پیروونکی ته ولیږي.

که د مال بار شوی بیړی ورسپړی او مربوطه پانې نه وی رسېدلی او یا په ناقص صورت رسېدلی وی نو که پیروونکی پلورونکی ته مراجعه وکړي پلورونکی مجبور دی چه صحیح اسناد چه د پیروونکی لخوا د مال د تسلیم د اعتبار وړ وگرزیدای شي تهیه کړي او هغه پیروونکی ته ولیږي هغه مصارف چه ددی پانود تسلیم له ځنډیدو څخه کیږي په پلورونکی پوری اړه لری.

صورت کشف نقصان، مشتری می تواند به محکمه مراجعه و تعیین و تصدیق اهل خبره را مطالبه کند.

ماده ۶۷۸:

بعد از اینکه امتعه حمل گردید، با یع مکلف است که (کنسانمینت) را ظهر نویسی کرده با مقاوله بیمه و اصل بیجک و عند الإیجاب تصدیق نامه راجع به وصف و وزن امتعه ترتیب و به انضمام حواله (چک) به مشتری ارسال نماید.

اگر کشتی حامل امتعه واصل شود و اوراق مربوطه هنوز نرسیده یا بصورت ناقص رسیده باشد، در صورتی که مشتری به با یع مراجعه نماید، با یع مجبور است اسناد صحیحی که مدار اعتبار تسلیم امتعه از طرف مشتری شده بتواند، تهیه و آنرا به مشتری ارسال نماید. مصارفی که از تأخیر تسلیم اوراق مذکور بعمل می آید، متعلق به با یع است.

مادہ ۶۷۹:

پلورونکی مجبور دی ہغہ معلومات چہ د مارکونو د مال دباریدو او دمال دبار شوی بیپی، د نبتی پی ہ بارہ کنبی پی لاس راوپی، ڈر تر ڈرہ پیروونکی تہ اطلاع ورکپی.

مادہ ۶۷۹:

بایع مجبور است معلوماتی را کہ درباره تاریخ حمل امتعہ، مارکها و کشتی حامل، امتعہ بدست می آرد، فوراً بہ مشتری اطلاع بدهد.

مادہ ۶۸۰:

ہغہ پانی پی چہ پیروونکی تہ لیپلی کیری باید مکملی او منظمی وی. کہ د پاپو مندرجات د (سیف) د مقالوی لہ شرطونو سرہ مطابقت ونکری، پیروونکی کولای شی چی مقالولہ فسح کپی او زیان او ضرر وغواری.

مادہ ۶۸۰:

اوراقیکہ بہ مشتری ارسال می شود باید مکمل و منظم باشد. در صورتی کہ مندرجات اوراق بہ شرایط مقالولہ (سیف) مطابقت نکند، مشتری میتواند مقالولہ را فسح و طلب ضرر و زیان نماید.

مادہ ۶۸۱:

پیروونکی مجبور دی وروستہ لہ ہغہ چہ پی (۶۸۰) مادہ کنبی ذکر شوی پانی پی تہ تسلیمیری، وروستہ لہ کنتی پی خلورو ورخو کنبی د ہغو کار قبول یا رد کپی. د پانیو د رد پی حال کنبی کہ ثابت شی چہ رد بی موجبہ دی، پیروونکی مجبور دی چہ د پلورونکی ضرر او زیان ورکپی. ددی پی عکس پیروونکی حق

مادہ ۶۸۱:

مشتری مجبور است بعد از اینکہ اوراق متذکرہ در مادہ (۶۸۰) بہ او تسلیم می گردد، پس از ملاحظہ در ظرف چہار روز کار آنرا قبول و یا رد نماید. در حال رد اوراق اگر ثابت گردد کہ رد بی موجبہ بودہ است، مشتری مجبور است ضرر و زیان بایع را بپردازد. بر عکس آن مشتری حق دارد

عقد را فسخ و ضرر و زیان آنرا مطالبه نماید.

اگر مشتری اوراق را قبول کرده باشد، تا وقتی که حیلۀ بایع به اثبات نرسد و یا عدم مطابقت امتعه به مندرجات اوراق ظاهر نگردد، مشتری نمی‌تواند عقد را فسخ کند.

اگر مشتری اوراق را با ذکر بعضی علل معینه تردید و یا با قید اعتراض قبول نموده باشد، نمی‌تواند به استثنای علل معینه، اعتراض دیگری بنماید.

ماده ۶۸۲:

مشتری (سیف) پس از تسلیم و قبضه اوراق متذکره ماده (۶۷۲) در صورتی که برخلاف آن در مقاوله صراحتی موجود نباشد، مجبور است بدل اسناد را که راجع به قیمت مبیعه به او صادر شده فوراً بپردازد.

ماده ۶۸۳:

در وقت مواصلت کشتی نظر به شرائط کنسانمینت و مقاوله و اگر در مقاوله صراحتی موجود

لری چه عقد فسخ کپی او زیان او ضرر یی و غواری.

که پیرو دونکی پانی قبولی کپی وی، تر هغه وخته پوری چه د پلورونکی حیلۀ اثبات نشی او یا د پانیو له مندرجاتو سره د مال نه مطابقت خرگند نشی، پیرو دونکی نشی کولای چه عقد فسخ کپی.

که پیرو دونکی پانی د ځینو ټاکلیو علتونو له ذکر سره ردی کپی او یا یی د اعتراض له قید سره قبولی کپی وی نشی کولای چه پرته له ټاکلو علتونو بل اعتراض وکپی.

ماده ۶۸۲:

د (سیف) پیرو دونکی په (۶۷۲) ماده کښې د ذکر شویو پانیو له تسلیم او قبولی څخه وروسته په دی صورت چه د هغه په خلاف په مقاوله کښې کوم صراحت موجود نه وی) مجبور دی د هغو اسنادو بدل چه د مبیعی د قیمت په خصوص کښې ده ته صادر شوی دی ژر تر ژره ورکپی.

ماده ۶۸۳:

د بیړی د رسیدو په وخت کښې نظر کنسانمینت او مقاولی ته او که په مقاوله کښې کوم صراحت

نباشد، قرار عرف و عادات محلی امتعه خارج می‌شود. مشتری مکلف است مطابقت امتعه صادره از کشتی را با نمبر و مارک و کنتر مارک و شرایط باربندی مندرجه‌اوارق معاینه نماید. اگر در اثر خطای بایع تعیین و تشخیص امتعه ممکن نگردد، مشتری می‌تواند عقد را فسخ نماید.

ماده ۶۸۴:

اگر تفاوت بین امتعه مرسوله و امتعه موضوع مقاوله از حیث صفت از اندازه معمول تجاوز نکند، مشتری مکلف است امتعه را قبول ولی می‌تواند به اساس نظریه اهل خبره تنزیل یک مقدار از قیمت را مطالبه نماید. مقداریکه از قیمت تنزیل می‌شود، هرگاه بر خلاف آن صراحتی موجود نباشد، نظر به عرف و عادات جاریه در بندر تخلیه، تعیین و تقدیر می‌شود.

ماده ۶۸۵:

قید شرط مبنی بر اینکه بدل

موجود نه وی، د محلی عرف و عاداتو له مخی مال ایستل کیږي. پیروونکی مکلف دی چه له لمبر او مارک او کنتر مارک او په پانو کښې د بار بندی له شرایطو سره سم له بیړې څخه د صادر شوی مال مطابقت وگوری. که د پلورونکی د خطا په اثر د مال تعیین او تشخیص ممکن نه شي، پیروونکی کولای شي چه عقد فسخ کړي.

ماده ۶۸۴:

که د لېرلی مال او د مقاولی د موضوع د مال ترمنځ تفاوت د صفت له حیثه له معمولی اندازې څخه تیری ونکړی پیروونکی مکلف دی چه مال قبول کړی مگر د پوهو کسانو د نظریې له مخې له قیمت څخه د یوی اندازی تنزیل غوښتنه وکړي. هغه اندازه چه له قیمت څخه تنزیل کیږي، که د هغه په خلاف کوم صراحت موجود نه وی، په بندر کښې د جاری عرف او عاداتو له مخې تخلیه، تعیین او تقدیر کیږي.

ماده ۶۸۵:

په دی خصوص کښې د شرط قید

امتعّه در حین تخلیه از روی وزن معتبر است ممکن می‌باشد. در این صورت نظر به مندرجات مقاوله بیجک مؤقتی تنظیم می‌گردد که بعد از حمل امتعه بمشتری ارسال می‌شود و قیمت مبیعه به اندازه فیصد هفتاد و پنج الی نود در اسناد مربوطه که به مشتری ارسال می‌شود پیش بینی می‌گردد.

بعد از اینکه در حضور طرفین و یا نمایندگان آنها وزن امتعه در بندر مقصد تعیین گردید، بیجک قطعی (حقیقی) تنظیم میشود.

تفاوت در بین دو بیجک در ظرف هشت روز از تاریخ قبولی امتعه از طرف مشتری تأدیه و یا از طرف بایع اعاده می‌شود.

ماده ۶۸۶:

اگر در مقاوله قید (تخمیناً) موجود باشد، در صورتی که مبیعه شامل به تمام محموله کشتی باشد، ده فیصد و در حالیکه مبیعه جزئی از محموله کشتی باشد، پنج

چه د مال بدل د تخلیسی په وخت کښې د تول له مخې د اعتبار وړ دی، ممکن دی په دی صورت کښې نظر د مقاولی مندرجاتو ته مؤقتی بیجک جوړېږي چه د مال له باریدونه وروسته پیروونکی ته لیږل کیږي او د مبیعی قیمت په سلو کښې تر ۷۵ څخه تر (نوی) پوری په مربوطه اسنادو کښې چه پیروونکی ته لیږل کیږي پیش بینی کیږي.

وروسته له هغه چه د دارو خواوو یا د هغو د نمایندگانو په حضور د مقصد په بندر کښې د مال تول تعیین شو، نو قطعی (حقیقی) بیجک جوړېږي.

د دوو بیجکونو ترمنځ تفاوت د مال د قبولی له نېټې څخه په اتو ورځو کښې د پیروونکی له خوا ورکاوه یا د پلورونکی له خوا اعاده کیږي.

ماده ۶۸۶:

که په مقاوله کښې د (تخمیناً) قید موجود وی، په دی صورت چه مبیعه د بیړی په ټول بار شوی مال شامله وی، په سلو کښې لس او په دی حال کښې چه مبیعه د بیړی له بار شوی مال څخه یوه برخه وی

فیصد کمتر و یا زیادتر از مقداریکه مقاوله شده قابل تقسیم است. در صورت تعیین مقدار قطعی، مشتری حق دارد تمام مقدار معین را که در مقاوله ذکر شده طلب نماید. ولی بایع از خسارات طبیعی و بحری که در اثناء سفر به مبیعہ وارد می‌شود، مسئول نمی‌باشد. قیمت مقدار کمبودی و یا اضافی ایکه در هر دو حال ظاهر گردد نظر به رواج روز و محل اخراج امتعه از کشتی تعیین و تسویه می‌شود.

اگر تثبیت وزن حقیقی امتعه از حیث افتادن یک قسمت آن به بحر و یا از سبب تر شدن ممکن نشود، بیجک مؤقتی اعتبار دارد.

ماده ۶۸۷:

اگر در مقاوله شرایطی پیش بینی شود که خسارات بعد از حمل مال منحصرأً به بایع مربوط است و یا عقد معامله را ملتوی به وصول کشتی بطور سالم به محل

نو په سلو کنبی پنځه لری یا زیاتی له هغې اندازی څخه چه مقاوله شوی دی د تسلیم وړ دی. د قطعی اندازی د تعیین په صورت پیروونکی حق لری چه ټول هغه معین مقدار چه په مقاوله کنبی ذکر شوی دی وغواړی مگر پلورونکی له طبیعی او بحری خساراتو څخه چه په سفر کنبی مبیعی ته پینځپری مسئول نه دی د لړوالی یا زیاتوالی د اندازی قیمت چه په دواړو احوالو کنبی څرگند شي، نظر د محل ورځنې رواج ته له بیړی څخه د مال ایستل تعیین او تسویه کیږی.

که د مال د حقیقی تول تثبیت د هغه دیوې برخې په بحر کنبی د لویدلو له حیثه او یا د لمدیدلو په سبب ممکن نشی، مؤقتی بیجک اعتبار لری.

ماده ۶۸۷:

که په مقاوله کنبی دا ډول شرطونه پیش بینی شي چه د مال باریدو څخه وروسته خساری یواځې په پلورونکی پوری اړه لری او یا د معاملی عقد د مقصد محل ته په سالم ډول د بیړی تر رسیدلو پوری

معطله پاتی کړی او یا پیروونکی د نمونې په خوښولو کښې چه د عقد په وخت کښې تسلیم شوی وی مختار وگڼې، په دی حال کښې د (سیف) د پلورنی د مقاولی ماهیت تغییر مومی او معامله د هغې بیع په شکل چه د تخلیې په محل کښې د مال په تسلیم پوری مشروطه وی تبدیلیږی.

مقصد قرار دهد و یا مشتری را به پسند و عدم پسند نمونه که در حین عقد تسلیم شده مختار بشناسد، درین حال ماهیت مقاوله فروش (سیف) تغییر خورده و معامله به شکل بیعی که مشروط به تسلیم مال به محل تخلیه است تبدیل می گردد.

خلورم فصل تجارتی پورونه

فصل چهارم قرض تجارتی

۶۸۸ ماده:

ددی دپاره چه پور تجارتی وگڼل شي، شرط دی چه تجارتی چارو کښې د صرفیدلو دپاره پور اخیستی شوی وی.

ماده ۶۸۸:

برای اینکه قرض تجارتی محسوب شود، شرط است به مقصد صرف شدن در امور تجارتی استقرار شده باشد.

۶۸۹ ماده:

د جنس پور لکه د نقد غوندی د تجارتی پور په حیث جائز دی.

ماده ۶۸۹:

قرض جنس مانند نقد بحیث قرض تجارتی جائز است.

۶۹۰ ماده:

پور کوونکی مجبور دی کوم شي چه پور اخلی، په تا کلي وخت یې په همغه نوع او وصف بیرته ورکړی.

ماده ۶۹۰:

قرض کننده مجبور است چیزی را که قرض می گیرد، در وقت معین با همان نوع و وصف اعاده کند.

۶۹۱ ماده:

هغه شخص چه پرته له پوره په بل کوم سبب د پول یا جنس په ورکړه مجبور وی کولای شي چه پول یا جنس د تجارتی پور په شکل له پوروال سره فیصله کړی.

ماده ۶۹۱:

شخصی که غیر از قرض بنا بر سبب دیگری به دادن پول و یا جنس مجبور باشد، می تواند پول و یا جنس را بشکل قرض تجارتی با دائن فیصله کند.

۶۹۲ ماده:

تجارتی پور تل د ټکټ پولی تابع دی مگر دا چه د هغه په خلاف د دواړو خواوو په منځ کښې فیصله شوی وی.

ماده ۶۹۲:

قرض تجارتی همیشه تابع تکت پولی است مگر اینکه بر خلاف آن بین طرفین فیصله شده باشد.

۶۹۳ ماده:

که د ټکټ پولی اندازه په قرارداد کښې ټاکلی شوی نه وی، داسی بلل کیږي چه دواړو خواوو د قانونی ټکټ پولی په ورکړه موافقت کړی دی.

ماده ۶۹۳:

اگر مقدار تکت پولی در قرار داد تعیین نشده باشد، چنین معلوم می شود که طرفین به تأدیه تکت پولی قانونی موافقت نموده اند.

۶۹۴ ماده:

که د پور موده له یوه کال څخه لږه وی، ټکټ پولی د پور د بیرته ورکولو په ورځ ورکوله کیږي او که موده له یو کال څخه زیاته وی، د ټکټ پولی ورکړه د کال په پای کښې لږمیری مگر داچه دواړو خواوو د هغه په خلاف موافقه کړی وی.

ماده ۶۹۴:

اگر مدت قرض کمتر از یک سال باشد، تکت پولی در روز اعساده قرض پرداخته می شود و اگر مدت از یک سال متجاوز باشد، تأدیه تکت پولی در آخر سال لازم می آید مگر این که طرفین بر خلاف آن موافقه نموده باشند.

ماده ۶۹۵:

اگر در بین طرفین مدت تأدیه تعیین گردیده باشد، دائن نمی‌تواند مدیون را قبل از سر رسیدن وعده به تأدیه اجبار نماید.

ماده ۶۹۶:

مقدار و قیمت جنسی که برای امور تجاری قرض می‌شود، ذریعه اسباب ثبوتیه ماده (۶۰۹) این قانون قابل اثبات است.

فصل پنجم رهن تجاری

ماده ۶۹۷:

برای اینکه رهن تجاری محسوب شود لازم است که به مقصد تجاری بعمل آمده باشد.

ماده ۶۹۸:

عاقدين می‌توانند بالاتفاق قرار دهند که مال مرهون به شخص ثالث تودیع شود.

که دواړو خواوو په منځ کېنې د ورکړې موده ټاکلی شوی وی، پوروال نشي کولای چه د وعدی له رسیدلونه پخوا پوروی په ورکړه مجبور کړی.

د جنس اندازه او قیمت چه د تجارتي چارو دپاره پور کېږي، ددی قانون د (۶۰۹) مادې د ثبوتیه اسبابو په ذریعه د اثبات وړ دی.

فصل پنجم تجاری رهن

ددی دپاره چه تجارتي رهن و گنل شي لازم دی چه د تجارت په مقصد شوی وی.

عقد کونکي کولای شي چه په اتفاق سره قرار وکړی چه گرو شوی مال دی دریم شخص ته وسپارل شي.

ماده ۶۹۹:

د تجارتی رهن ثبوت ددی اصولنامی له (۶۲۴) مادی سره سم کیږي. که د رهن پور له (پنځو سوو افغانو) څخه زیات وی، باید د تجارتی ثبت په دائره کښې ثبت او تصدیق شي.

ماده ۶۹۹:

ثبوت رهن تجارتی مطابق ماده (۶۲۴) این قانون بعمل می آید. اگر دین رهن متجاوز از (پنج صد افغانی) باشد، باید به دائرة ثبت تجارتی ثبت و تصدیق شود.

ماده ۷۰۰:

د براتونو، حجتونو او نورو تجارتی اسنادو رهن جائز دی د نوم لرونکو اسنادو رهن د مربوطه شرکت په دفتر کښې ثبت او قید کیږي.

ماده ۷۰۰:

رهن برات ها، حجت ها و دیگر اسناد تجارتی جایز است. رهن اسناد با نام در دفاتر شرکت مربوط ثبت و قید می شود.

ماده ۷۰۱:

پوروال له مرهون مال څخه دخپل حق په استیفا کښې نظر نورو پوروالاتو ته ترجیحاً وړاندی دی. په مرهون مال کښې د پوروال د ترجیح حق یواځې په دی صورت چه مرهون مال پخپله دپوروال په لاس کښې یا د طرفینو په اتفاق د دریم شخص په لاس کښې وی، معتبر دی.

ماده ۷۰۱:

داین در استیفای حق خود از مال مرهون نظر به داتین دیگر ترجیحاً مقدم است. حق ترجیح دائن در مال مرهون تنها در صورتی که مال مرهون در دست خود دائن و یا به اتفاق طرفین در دست شخص ثالث باشد، معتبر است.

په دی حال کښې چه گرو شوی مالونه د پوروال او کمیشن کار په مغازه یا د گمرک په تحویلخانو

در حالی که اموال مرهونه در مغازه های دائن و کمیشن کار و یا در تحویل خانه های گمرک

موجود باشد، چنان محسوب می‌شود که در تحت تصرف دائن است. همچنین اگر قبل از وصول اموال مرهونه به یک بارنامه که به داین داده شده است و یا در یک مقاوله نامه حمل و نقل قید شده باشد که (در مقابل تضمین داده شده است)، اموال مرهونه در تصرف دائن فرض می‌شود.

ماده ۷۰۲:

داین مجبور است برای حسن محافظه مال مرهون تدابیر لازمه را اتخاذ نماید. دائن مکلف است در حلول وعده برای استیفاء حق خود اقدامات قانونی را بعمل بیاورد.

مدیون مکلف است که علاوه از دین خود تمام مصارفی را که داین برای حفاظه مال مرهون متحمل شده نیز تأدیه بدارد. همچنین باید دائن حسابات مصارفی را که به این مقصد نموده؛ به مدیون بدهد.

ماده ۷۰۳:

در صورتی که بر خلاف آن شرطی مقرر نشده باشد، دائن مکلف

کنبی موجود وی، داسی گنجل کیری چه د پوروال په تصرف کنبی دی. همدا ډول که د گرو شویو مالونوله رسیدلو خخه پخوا په یوه بارنامه کنبی چه پوروال ته ورکړی شوی ده او یا د حمل او نقل په یوه مقاوله نامه کنبی چه قید شوی وی چه (په مقابل کنبی تضمین ورکړی شوی دی) نو گرو شوی مالونه د پوروال په تصرف کنبی فرضیږی.

ماده ۷۰۲:

پوروال مجبور دی چه د گرو مال د بنی ساتنی دپاره لژم تدبیرونه ونیسی پوروال مکلف دی چه د خپل حق د استیفا دپاره د وعدی په راتگ کنبی قانونی اقدامات وکړی.

پوروړی مکلف دی چه برسیره په خپل پور ټول هغه مصارف چه پوروال د گرو مال د ساتنی دپاره گاللی دی هم ورکړی. همدا ډول باید پوروال د هغو مصارفو حسابونه چه په دی مقصد یې کړی دی پوروړی ته ورکړی.

ماده ۷۰۳:

په دی صورت چه د هغه په خلاف کوم شرط مقرر شوی نه وی،

است تمام حقوقی را که مدیون بالایی اشیاء سهام و اسناد قرض مرهون داراست، حمایه کند.

ماده ۷۰۴:

اگر قیمت اشیاء سهام و اسناد قرض مرهونه زیاده از ده فیصد تنزل کند، دائن می‌تواند تکمیل آنرا از مدیون تقاضا نماید، مگر اینکه بر خلاف آن بین طرفین موافقه شده باشد.

در صورتی که مدیون این خواهش را قبول نکند و یا در قبول آن تأخیر نماید، داین می‌تواند مال مرهون را مطابق ماده (۶۵۵) به فروش برساند.

ماده ۷۰۵:

در حال رهن اشیاء مماثل و یا سهام و اسناد قرض اگر مثل آنها داده شود حکم رهن در این مورد نیز جاری است.

ماده ۷۰۶:

در صورتی که مدیون در مدت به سر رسیدن وعده

پرووال مکلف دی چه دتولو هغو حقوقو چه پوروپی یی د اسهامو په شیانو او د مرهون پور په اسناد ولری حمایه وکړی.

ماده ۷۰۴:

که د مرهون پور د اسنادو او د اسهامو د شیانو قیمت په سلو کښې له لسو نه زیات تنزل وکړی، پوروال کولای شي چه د هغو پوره کول له پوروپی څخه وغواړی، مگر دا چه د هغه په خلاف د دواړو خواوو په منځ کښې موافقه شوی وی.

په دی صورت چه پوروپی دا غوښتنه قبوله نکړی او یایې په قبول کښې ځنډ وکړی پوروال کولای شي مرهون مال له (۶۵۵) مادی سره سم وپلوری.

ماده ۷۰۵:

د مماثلو شیانو او یا د پور اسنادو او اسهامو د گرو په حال کښې که دهغو مثل ورکړ شي، په دی مورد کښې رهن هم جاری دی.

ماده ۷۰۶:

په دی صورت چه پوروپی د وعدی د پوره کیدو په وخت

تمام دین را که ذریعه رهن بدست آورده است تأدیه نکند، داین می‌تواند در فروش مال مرهون اقدام ورزد.

برای این مقصد داین به محکمه تجارتی مربوط مراجعه و اجازه فروش مال مرهون را خواهش می‌دارد.

در اثر این خواهش کیفیت فوراً ذریعه محکمه به مدیون و اگر رهن بحساب مدیون از طرف شخص ثالث بعمل آمده باشد، به شخص ثالث نیز تبلیغ می‌شود که اگر اعتراضی داشته باشند، در ظرف سه روز اطلاع دهند.

بعد از مرور سه روز اگر از طرف مدیون و یا شخص ثالث اعتراضی وارد نشود، محکمه تجارتی درباره فروش مال مرهون قراری اتخاذ می‌کند اگر درباره فروش دو مقاوله نامه قیودی موجود باشند، مطابق آن و الا مطابق ماده (۶۵۵) در فروش مال اقدام می‌شود.

کسب پول هغه پورچه د رهن په ذریعه یې په لاس راوړی دی ورنکړی، پوروال کولای شي د مرهون مال په پلورنه کسبې اقدام وکړی.

ددی مقصد دپاره پوروال مربوطی تجارتی محکمې ته مراجعه کوی او د مرهون مال دپلورنی اجازه غواری.

ددی غوښتنې په اثر کیفیت ژرترژره د محکمې په ذریعه پوروی ته او که رهن د پوروی په حساب د دریم شخص له خوا شوی وی دریم شخص ته هم تبلیغ کیری چه که کوم اعتراض ولری په دریو ورځو کسبې اطلاع ورکړی.

وروسته له دریو ورځو تېرېدو څخه که د پوروی له خوا او یا ددریم شخص له خوا کوم اعتراض ونکړی شي نو تجارتی محکمه د مرهون مال دپلورنی په خصوص کسبې امر ورکوی. که د پلورنی په باره کسبې په مقاوله نامه کسبې کوم قید موجود وی، د هغه سره سم او که نه له (۶۵۵) مادی سره سم د مال په پلورنه کسبې اقدام کیری.

این قرار تا وقتی که به مدیون و یا شخص ثالثی که به حساب مدیون رهن داده باشد تبلیغ نگردد، اجراء شده نمی تواند.

در تبلیغ محل ساعت و روز اجرای فروش (و اینکه اگر بر علیه قرار محکمه از تاریخ تبلیغ در ظرف سه روز از طرف داین در محکمه اعتراضی واقع نشود، قطعیت پیدا خواهد کرد) ذکر می شود.

در صورت وقوع اعتراض از تاریخ وصول اعتراض نامه در ظرف هشت روز محکمه مؤظف است به مسئله رسیدگی و قرار خود را صادر کند.

ماده ۷۰۷:

درحالی که مدیون و یا شخصی که به حساب مدیون رهن داده باشد در داخل حوزه اقامتگاه نداشته و یا اقامتگاهی تعیین نکرده باشد، تبلیغ در جریده محل محکمه نشر می شود.

اگر در محل محکمه جریده

دا قرار تر هغه وخت پوری چه پوروری یا هغه دریم شخص ته چه د پوروری په حساب یې رهن ورکړی وی تبلیغ ونشي، اجراء کیدای نشي.

په تبلیغ کښې محل، ساعت او دپلورنی د اجراء ورځ (او داچه که د محکمی په قرار باندی د تبلیغ له نېټې څخه په دریو ورځو کښې دننه د پوروال له خوا په محکمه کښې کوم اعتراض پېښ نشي، قطعیت به ومومی) ذکر کیږي.

د اعتراض د وقوع په صورت د اعتراض نامې د رسیدو له نېټې څخه په اتو ورځو کښې محکمه مؤظفه ده چه په مسئله کښې غور وکړی او خپل قرار صادر کړی.

ماده ۷۰۷:

په دی حال کښې چه پوروری یا هغه شخص چه د پوروری په حساب یې رهن ورکړی وی د محکمی په منطقه کښې د استوگني ځای نه لری او یا ئې د استوگني ځای نه وی تعیین کړی نو تبلیغ د محکمی د محل په جریده کښې خپریږی.

که د محکمی په محل کښې جریده

نه وی نو تبلیغ د محکمی په مناسب خای کښې څړول کيږي. د (۷۰۶) مادې ټاکلی موده د اعتراض په خصوص کښې د مسافې د ليري والی په سبب زیاتیدای نشي.

۷۰۸ ماده:

هغه حقوق چه له پخوانیو موادو سره سم پوروال ته ورکړی شوی دی، د پوروپي یا د هغه شخص د وفات په صورت چه د پوروپي په حساب یې رهن ورکړی وی له منځ څخه نه ځي.

۷۰۹ ماده:

د داسی شرط ټاکل چه پوروال له مرهون مال څخه د پور له استیفا څخه محروم او یا په پلورنه کښې د قانونی مراسمو له استفادی څخه منع کړي (د پوروپي له خوا د پور د نه ورکړي په حال کښې) باطل دی.

۷۱۰ ماده:

د هغه مال د رهن معاملات چه مکازین (گدام) ته سپارل کيږي ددی اصولنامی د مخصوص فصل د احکامو تابع دی چه د عمومی مکازینونو په خصوص

نباشد، تبلیغ در موضع مناسب محکمه تعلیق می گردد. مدت معینه ماده (۷۰۶) راجع به اعتراض را به سبب بعد مسافه نمی توان تزئید کرد.

ماده ۷۰۸:

حقوقی که مطابق مواد سابقه به داین داده شده است در صورت وفات و افلاس مدیون و یا شخصی که به حساب مدیون رهن داده باشد از بین نمی رود.

ماده ۷۰۹:

تعیین چنان شرطی که داین را از استیفای دین از مال مرهون محروم و یا در فروش از استفاده مراسم قانونی ممنوع سازد (در حال عدم تأدیه دین از طرف مدیون)، باطل است.

ماده ۷۱۰:

معاملات رهن امتعه که به مکازین عمومی (گدام) تودیع می شود، تابع احکام فصل مخصوص این قانون است که راجع به مکازین های

کنبی بحث کوی.

عمومی بحث می کند.

شپرم فصل د طلباتو حواله

فصل ششم حواله طلبات

۷۱۱ ماده:

پوروال کولای شي چه بی د پوروری له موافقی څخه د خپل طلب حواله بل چاته ورکړی، مگر داچه د معاملی د ماهیت او یا د مقاولی د شرطونو له مخې ممنوع وی. هغه شخص چه طلب دده په حواله شوی دی د حوالی له نبتی څخه حقوقاً د حواله ورکونکی شخص حیثیت مومی.

ماده ۷۱۱:

داین می تواند بدون موافقه مدیون طلب خود را بدیگری حواله دهد، مگر اینکه نظر به ماهیت معامله و یا شرایط مقاوله ممنوع باشد.

شخصی که طلب به او حواله شده، از تاریخ حواله حقوقاً حیثیت شخص حواله دهنده را دارا می شود.

که د سند په متن کنبی د طلب د نه حواله کولو په خصوص کنبی کوم قید موجود نه وی او دریم شخص حواله قبوله کړی نو حواله کونکی دا ادعا نشي کولای چه ده له خپل لمړنی پوروال سره د طلب د نه حواله کولو په خصوص کنبی کوم شرط ایبنی و.

اگر در متن سند راجع به حواله نکردن طلب قیدی وجود نداشته باشد و شخص ثالث حواله را قبول نماید، در مقابل حواله گیرنده نمی تواند ادعا کند که او با داین اولی خود راجع به حواله نکردن طلب شرطی گذاشته بود.

۷۱۲ ماده:

دهغه طلب حواله چه علت ئی فعلاً موجود وی مگر په راتلونکی وخت

ماده ۷۱۲:

حواله طلبی که علت آن فعلاً موجود ولی در آینده تحقق

کبنی تحقق کوی جائز دی.

۷۱۳ ماده:

ترهغه وخته پوری چه دطلب حواله په لیکنه سره ونشي له اعتبار څخه ساقطه ده.

ماده ۷۱۳:

تا وقتي که حواله طلب تحریراً صورت نگیرد از اعتبار ساقط است.

۷۱۴ ماده:

پخوا له هغه چه دطلب دحوالی دپوروال له خوا پوروی ته اطلاع ورکړه شي که پوروی پورلومړنی پوروال ته ورکړی دهغه شخص په مقابل کبنی چه پورهغه ته ور حواله شوی دی، بری دی.

ماده ۷۱۴:

قبل از آنکه حواله طلب از طرف داین به مديون اطلاع گردد اگر مديون دین را به داین اولی تأدیه کند در مقابل شخصی که طلب باو حواله داده شده است بری می باشد.

۷۱۵ ماده:

که په دی باره کبنی چه پور په کوم شخص پورې اړه نیسی اختلاف پیدا شي، پوروی کولای شي هغه مبلغ چه پور ورباندی دی حقیقی پوروال ته چه ثابت شي یا امین شخص ته د محکمی په ذریعه وسپاری.

ماده ۷۱۵:

اگر درباره اینکه طلب به کدام شخص عاید است اختلافی موجود شود، مديون می تواند مبلغی را که مقروض است به داین حقیقی که ثابت شود و یا شخص امین توسط محکمه تودیع نماید.

که چېرې پوروی سره له دی چه لدی اختلافه خبر وی خپل پور پرته له هغه چا چه حقیقی خاوند دی بل ته ورکړی، د حواله ورکړی شوی شخص په مقابل کبنی یې غاړه نشي خلاصیدای.

هرگاه مديون با وجود معلومات از اختلاف مذکور دین خود را بغير از شخصی که صاحب حقیقی است تأدیه نماید، در مقابل شخص حواله داده شده بری شده نمی تواند.

اگر دربارهٔ ارتباط دین دعوی بظهور رسیده و میعاد منقضی گردیده باشد، هر یک از طرفین می‌تواند مدیون را وادار سازد که مقدار دین را رسماً تودیع نماید.

مادهٔ ۷۱۶:

در صورتی که مدیون از حواله اطلاع حاصل نماید، می‌تواند حق اعتراضی را که در مقابل داین اولی دارا می‌باشد عیناً در مقابل کسی که طلب به او حواله داده شده است نیز استعمال نماید.

هرگاه مدیون در مقابل داین دارای طلبی بوده باشد که هنوز میعاد آن به سر نرسیده، می‌تواند این طلب را در مقابل شخصی که طلب به او حواله داده شده است محاسبه نماید.

مادهٔ ۷۱۷:

حواله و طلب حق رجحان و سایر حقوق فرعی را که از طلب ناشی می‌شود نیز شامل می‌باشد، ولی اگر این حقوق منحصر شخص داین باشد، حواله نمی‌تواند آن را دربر بگیرد.

داین مکلف است سند طلب را

که د پور د اری لروپه خصوص کنبی دعوی خرگنده شوی او موده تیره شوی وی، هر یو طرف کولای شی چه پوروی دی ته اړ کړی چه د پور اندازه رسماً و سپاری.

۷۱۶ ماده:

که پوروی له حوالی خخه خبر شی، کولای شی چه د هغه اعتراض حق چه د لمړنی پوروال په مقابل کنبی یې لری کت مت د هغه چا په مقابل کنبی چه پور هغه ته ورحواله شوی دی هم استعمال کړی.

که چبری پوروی په پوروال باندی داسی پور ولری چه وعدی لانه وی پوره شوی، کولای شی چه دا پور له هغه شخص سره چه پور هغه ته ورحواله شوی دی، حساب کړی.

۷۱۷ ماده:

د رجحان او نورو فرعی حقوقو حواله او طلب چه له پور خخه پیدا کیږي هم شامل دی مگر که دا حقوق خاص په پوروال پوری منحصر وی نو په حواله کنبی ئې نشی راتلای.

پوروال مکلف دی د پور سند هغه

به کسی که طلب به او حواله گردیده و سایر وسایل ثبوتیه را تهیه و تسلیم نماید و برای اینکه شخص حواله گیرنده بتواند از مدیون استیفاء دین نماید، معلومات لازم را به او اعطاء کند.

تکت پولی هائیکه بر حواله مترتب می شود، به اصل طلب قابل تأدیه است.

ماده ۷۱۸:

اگر حواله طلب در مقابل عوض اجرا گردیده باشد، شخصی که طلب را حواله داده است باید ضامن موجودیت طلب باشد.

ولی اگر حواله دهنده صراحتاً تعهد نکرده باشد، مسئول عسرت مالی مدیون نیست.

اگر یک شخص طلب خود را که بالایی دیگری دارد بلا عوض انتقال داده باشد، از عدم وجود و یا حصول طلب مسئول نمی شود.

ماده ۷۱۹:

اگر شخص طلبی را که بالایی شخص دیگری دارد بغرض ادای

چاته چه پور هغه ته حواله شوی او نور ثبوتیه مسایل تهیه او تسلیم کړی او ددی دپاره چه حواله اخیستونکی شخص وکولای شی له پوروری څخه پور واخلی، لازمه معلومات هغه ته ورکړی.

هغه تکت پولی چه په حواله باندي مرتب کيږي، له اصل پور سره د ورکړی وړ دی.

ماده ۷۱۸:

که د پور حواله د عوض په مقابل کښې اجرا شوی وی نو هغه څوک چه د پور حواله یې ورکړی ده باید د پور د موجودیت ضامن وی.

مگر که حواله ورکوونکی صراحتاً تعهد نه وی کړی، د پوروری د مالی عسرت مسئول نه دی.

که یوه شخص خپل پور ته چه په بل چایی لری بی له عوضه انتقال ورکړی وی، د پور له نه وجود یا د طلب له حصول څخه نه مسئول کيږي.

ماده ۷۱۹:

که کوم شخص هغه پور چه په بل چایی لری د پور د ادا کولو په

دین به دائن خود حواله داده و مقداری را که باید از دینش وضع شود تعیین نکرده باشد، کسیکه طلب به او حواله داده شده مکلف است مبلغی را که حقیقتاً از مدیون اخذ نموده به دین خود محسوب کند.

ماده ۷۲۰:

شخصی که طلب را حواله می‌دهد اگر در مقابل حواله گیرنده ضامن باشد، باید بدل طلب و تکت پولی را که در مقابل حواله گرفته با مصارف حواله و دعوی (اگر علیه مدیون اقامه نموده و بی نتیجه مانده باشد) اعاده کند.

فصل هفتم حساب جاری

ماده ۷۲۱:

حساب جاری عبارت از مقاوله ایست که به اساس آن طرفین عاقدین متقابلاً قبول می‌کنند که طلبات خود را از یکدیگر چه ناشی از پول نقد و چه متولد از

غرض پوروال ته حواله کپی او هغه اندازه چه باید له پور خخه یی وضع شی تا کلی نه وی نو هغه شوک چه حواله ورکپی شوی ده مکلف دی چه هغه مبلغ چه حقیقتاً یی له پوروپی خخه اخیستی دی په خپل پور کبني محسوب کپی.

۷۲۰ ماده:

هغه شوک چه د پور حواله ورکوی که د حواله اخیستونکی په مقابل کبني ضامن وی، باید چه د پور د طلب بدل او تکت پولی چه د حوالی په مقابل کبني یی اخیستی دی سره د حوالی او دعوی له مصارفو (که یی په پور وری کپی وی او بی نتیجی پاتی شوی وی) بیرته ورکپی.

اووم فصل جاری حساب

۷۲۱ ماده:

جاری حساب عبارت له هغی مقاولی خخه دی چه د هغی په اساس عاقدین طرفونه په متقابل ډول داسی قبلوی چه خپل هغه پورونه چه نقدو پولونو خخه یا له

هغو مالونو څخه پیدا کيږي چه ملکیت يې د انتقال وړ وی، په انفرادی صورت یو له بله نه غواړی بلکه حساب قلم په قلم په دبت او کريدت کی معامله کوی او د حساب پاتي یوله بله غواړی.

۷۲۲ ماده:

د جاری حساب د مقاولی احکام په لاندی ډول دی:

۱- د هغو مالونو ملکیت چه د جاری حساب په ضمن کښي د ورکړی (دبت) په حساب قیديږی اخیستونکی ته منتقل کيږي.

۲- په دی حال کښي چه د دواړو خواوو ترمنځ د جاری حساب د مقاولی له عقد څخه پخوا کومه معامله چه په جاری حساب قید شوی وی (ترهغه وخته پورې چه د هغه په خلاف شرط شوی نه وی) پخوانی معامله تجدید شوی گڼله کيږي.

۳- تجارتي سند په جاری حساب په هغه وخت کښي اجرا کېدای شي چه ورکړه يې مسلمه وی.

۴- د کريدت او دبت پاتي حسابونه چه یو له بله وضع کيږي، د هغو ورکړه ضروری ده.

اموالی که ملکیت آن قابل انتقال باشد، بصورت انفرادی از همدیگر مطالبه نمی نمایند، بلکه حساب را قلم به قلم به دبت و کريدت معامله و بقیه حساب را از یکدیگر تقاضا می کنند.

ماده ۷۲۲:

احکام مقاوله حساب جاری قرار ذیل است:

۱- ملکیت اموالیکه در ضمن حساب جاری به حساب داد (دبت) قید می گردد بطرف گیرنده منتقل می شود.

۲- در حالیکه قبل از عقد مقاوله حساب جاری در بین طرفین معامله به حساب جاری قید شده باشد (تا وقتی که خلاف آن شرط نشده باشد) معامله سابقه تجدید شده محسوب می گردد.

۳- سند تجارتي به حساب جاری وقتی صورت گرفته می تواند که تأدیه آن مسلم باشد.

۴- بقیه حسابات کريدت و دبت که از هم وضع می گردد، واجب التأدیه می باشد.

۵- هغه مبلغ چه دیوه تن د کړیدت په ستون کښې قید شوی وی له هغمی نېتې څخه د کړیدت کوونکی په گټه او د دبت په ضرر چه د ټکت پولی تابع دی محسوبیږی.

۷۲۳ ماده:

که د هغه تجارتی سند بدل چه د (۷۲۲) مادی په دریمه فقره کښې ذکر دی تحصیل نشی، مالک ته بیرته ورکول کیږی او قید یې حذفیږی.

۷۲۴ ماده:

ددواړو خواوو په منځ کښې جاری حساب د کمیشن او د هغه د متفرعه مصارفو د غوښتنې نه مانع کیږی.

۷۲۵ ماده:

جاری حساب په هغې نېتې کښې چه د مقاولی یا عرف له مخې ټاکلی دی، تازه کیږی او د دبت او کړیدت ترمنځ توپیر تثبیتیږی. که په دی باره کښې مقاوله یا تجارتی عرف موجود نه وی، د هر کال د حوت په پای کښې ددواړو خواوو دپاره د جاری حساب ترلو

۵- مبلغیکه در ستون کړیدت یک نفر قید شده باشد، از همان تاریخ به مفاد کړیدت کننده و به ضرر دبت که تابع تکت پولی می باشد محسوب می گردد.

ماده ۷۲۳:

اگر بدل سند تجارتی که در فقره سوم ماده (۷۲۲) ذکر است تحصیل نشود به مالک اعاده و قید آن حذف می شود.

ماده ۷۲۴:

موجودیت حساب جاری بین طرفین، مانع تقاضای کمیشن و مصارف متفرعه آن نمی گردد.

ماده ۷۲۵:

حساب جاری در تاریخی که به اساس مقاوله و یا عرف معین است، بسته شده و تفاوت بین دبت و کړیدت تثبیت می شود. اگر در این باره مقاوله و یا عرف تجارتی موجود نباشد، اخیر حوت هر سال برای جانبین بحیث تاریخ بسته شدن حساب

د نېټې په حیث اعتبار لری.

۷۲۶ ماده:

پاتی حساب چه د دبت او کريدت په نتیجه کښې تثبیت کیږي له همغې نېټې څخه د ټکټ پولی تابع دی.

۷۲۷ ماده:

دواړه خواوی کولای شي چه په پانگه باندی د ټکټ پولی په تبدیل او د ټکټ پولی او د جاری حساب د وخت په ټاکلو او دکمیشن په اندازه کښې مقاوله وکړی.

۷۲۸ ماده:

هغه روپی او مالونه چه د ټاکلی کار او ځانگړی کار کښې د مصرف په مقصد ورکول کیږي په جاری حساب کښې نه داخلېږی.

۷۲۹ ماده:

د دبت او کريدت ټول قلمونه چه په جاری حساب کښې داخل دی، د تجزیې وړ نه دی. د حساب له ټولونه پخوا هیڅ یو طرف پوروال او پورورپی نه گڼل کیږي.

د دواړو خواوو حقوقی وضعیت

جاری اعتبار دارد.

ماده ۷۲۶:

باقی حساب که در نتیجه دبت و کريدت تثبیت می شود، از همان تاریخ تابع تکت پولی می باشد.

ماده ۷۲۷:

طرفین می توانند در تبدیل تکت پولی به سرمایه و تعیین زمان میزان حساب جاری و تکت پولی و اندازه کمییشن مقاوله نمایند.

ماده ۷۲۸:

نقود و اموالی که به مقصد صرف در کار معین و یا جداگانه تسلیم داده می شود داخل حساب جاری نمی گردد.

ماده ۷۲۹:

تمام اقلام دبت و کريدت که در حساب جاری داخل است، قابل تجزیه نمی باشد. قبل از بسته شدن حساب هیچ یکی از طرفین داین و مدیون شمرده نمی شود.

وضعیت حقوقی طرفین را تنها

یواخی د حساب قطع ټاکی.

۷۳۰ ماده:

د هغو نقودو او مالونو حجر چه په جاری حساب کښې داخل وی هغه وخت اعتبار لری چه پاتی حساب د قطع کیدو په وخت کښې د محجور د حساب په گټه څرگند شوی وی.

۷۳۱ ماده:

د جاری حساب مقاولی نظر لاندنیو علتو ته اصولاً فسخ بلل کیږی:
 ۱- د مقاولی د ټاکلی مودی ختم.
 ۲- د دواړو خواوو په موافقه.
 ۳- د یوه طرف له خوا د مقاولی فسخ په دی صورت چه په مقاوله کښې نه وی منع شوی.
 ۴- د یوه طرف افلاس.

۷۳۲ ماده:

د یوه طرف د فوت یا محجوریت په صورت کښې بل طرف حق لری چه محکمی ته په مراجعی سره د جاری حساب د مقاولی فسخ وغواری.

۷۳۳ ماده:

د جاری حساب مقاوله یواخی له تجارتی اسنادو سره اثباتیدای شی.

قطع حساب تعیین می نماید.

ماده ۷۳۰:

حجر نقود و اموال داخل حساب جاری وقتی اعتبار دارد که بقیه حساب در وقت قطع شدن به نفع حساب محجور ظهور کرده باشد.

ماده ۷۳۱:

مقاولات حساب جاری نظر به علل ذیل قانوناً فسخ شمرده می شود:
 ۱- ختم مدت معینه مقاوله.
 ۲- به موافقه طرفین.
 ۳- فسخ مقاوله از جانب یکی از طرفین در صورتی که در مقاوله منع نشده باشد.
 ۴- افلاس یکی از طرفین.

ماده ۷۳۲:

در صورت فوت و یا محجوریت یکی از طرفین، طرف دیگر حق دارد که با مراجعه به محکمه فسخ مقاوله حساب جاری را تقاضا نماید.

ماده ۷۳۳:

مقاوله حساب جاری تنها با اسناد تجارتی اثبات شده می تواند.

ماده ۷۳۴:

په جاری حساب کښې د دبت او کريدت قيد د هغه عقد حق چه دبت او کريدت پيدا کوي او يا هغه حقوق چه طرفين يې ددی معاملي د دعوی او مدافعی په متعلق لری نه ساقطوی.

که عقد يا معامله باطله کړه شي نو هغه قلم چه په هغې پوری اړه لری له حساب څخه وضع کيږي که په عقد کښې په خلاف ددی کوم شرط موجود وی له هغه سره سم تگ کيږي.

ماده ۷۳۵:

د تکت پولی د پاتو او د جاری حساب د تصفيې چه د دواړو خواوو په رضا او يا د قانون په حکم ټاکلی کيږي او يا سهو او تکرار او د حقيقت په خلاف د قلمونو درجولو د دعوی له پنځو کالو له تيريدونه وروسته ساقطيږي.

ماده ۷۳۴:

قيد دبت و کريدت در حساب جاری حق عقديکه دبت و کريدت را بوجود می آورد و يا حقوقی را که طرفين متعلق به دعوی و مدافعه اين معامله دارند، ساقط نمی سازد.

اگر عقد و يا معامله ابطال شود قلم مربوط به آن از حساب وضع می شود. اگر در عقد بر خلاف شرطی وجود داشته باشد مطابق آن رفتار می شود.

ماده ۷۳۵:

دعاوی تصفيه حساب جاری و بقايای تکت پولی که به رضای جانبين و يا حکم قانون تعيين می شود و يا سهو و تکرار و درج ارقام خلاف حقيقت بعد از مرور پنج سال ساقط می شود.

اتم فصل**عمومي گدامونو ته سپارنی****ماده ۷۳۶:**

هغه محلونه چې د خلقو ذخيږي او

فصل هشتم**توديعات به گدام های عمومي****ماده ۷۳۶:**

محل هائی که ذخاير و امتعه مردم

را بصورت ودیعه یا رهن قبول کرده و در مقابل آن رسیدهای اصولی بمعامله داران خود می دهند گدام های عمومی نامیده می شوند.

ماده ۷۳۷:

احکام گدام های عمومی درباره محل هائیکه بدون دادن سند تنها برای قبول ودیعه اموال افتتاح می گردد تطبیق نمی شود.

ماده ۷۳۸:

سند قبض که در مقابل امتعه و ذخایر مودوعه به گدام های عمومی داده می شود باید دارای تشریحات ذیل باشد:

- ۱- اسم و شغل و اقامتگاه تودیع کننده.
- ۲- اسم گدام که اشیا به آن تودیع شده است.
- ۳- خصوصیات لازمه برای فهمیدن جنس، مقدار و قیمت اشیا مودوعه.
- ۴- تأدییه و یا عدم تأدییه مالیات و محصولات و رسوم گمرک اشیا مودوعه و توضیحاتی که آیا اموال بیمه

مالونه د ودیعی یا رهن په صورت قبلوی او په مقابل کښې یې اصولی رسیدونه خپلو معامله لرونکو ته ورکوی عمومی گدامونه بلل کیږي.

ماده ۷۳۷:

د عمومی گدامونو احکام د هغو محلونو په باره کښې چې بی د سند، له ورکولو یواځې د مالونو د ودیعی د قبلولو د پاره افتتاح کیږي نه تطبیق کیږي.

ماده ۷۳۸:

د قبض سند چې عمومی گدامونو ته د مودوعه ذخیرو او مالونو په مقابل کښې ورکول کیږي باید دا لاندی تشریحات ولری:

- ۱- د تودیع کوونکی نوم او کسب او د استوگنې ځای.
- ۲- د هغه گدام نوم چې شیان ورته سپارلی شوی دی.
- ۳- د سپارل شویو شیانو د جنس د پیژندلو او اندازې او قیمت د پاره لازمه خصوصیات.
- ۴- د سپارل شویو شیانو د مالیو محصولات او د گمرک د رسومو ورکول او یا نه ورکول او هغه توضیحات چې آیا مالونه

بیمه شوی دی که نه، د بیمې په صورت د هغو د خصوصیاتو ذکر.

۷۳۹ ماده:

د رهن (ورانت) سند هم کټ مټ د (۷۳۸) مادې داخل تشریحات لری او د قبض له سند سره ضمیمه کیږي.

۷۴۰ ماده:

د معاملاتو د سندونو کاپی په اصولی صورت د عمومی گدامونو د پاڼو په جمله کښې په مرتب ډول ساتلی کیږي.

۷۴۱ ماده:

د قبض او ورائت سند د تودیع کونکې یا دریم شخص په نامه چې د تودیع کونکې له خوا ټاکل کیږي جوړیږي.

۷۴۲ ماده:

د قبض او ورائت د سند حامل کولای شي چې سپارلی شوی شیان د رسید په تفریق وغواړي او یا د هر جنس په تفریق خپل عمومی رسید وغواړي په دی صورت د اسنادو جوړولو مصارف د تقاضا کونکې په غاړه دی او هغه عمومی رسید چې پخوا یې په لاس

شده است یا نه، در صورت بیمه ذکر خصوصیات آن.

ماده ۷۳۹:

سند رهن (ورانت) نیز عیناً دارای تشریحات مندرجۀ ماده (۷۳۸) بوده وبه سند قبض ضمیمه می شود.

ماده ۷۴۰:

کاپی اسناد معاملات بصورت اصولی در جمله اوراق گدام های عمومی مرتب و حفظ می گردد.

ماده ۷۴۱:

سند قبض و ورائت به نام تودیع کننده و یا شخص ثالث که از طرف تودیع کننده تعیین می گردد تنظیم می شود.

ماده ۷۴۲:

حامل سند قبض و ورائت می تواند اشیاء مودوعه را به تفریق رسید مطالبه نماید و یا رسید عمومی خود را به تفریق هر جنس رسید تقاضا کند دراین صورت مصارف تهیه اسناد بدمه تقاضا کننده است و رسید عمومی که قبلاً اخذ داشته است

راوړی دی باطلیږي.

باطل می شود.

۷۴۳ ماده:

د قبض او (ورانټ) سند ځانځانته او یا په گډه سره د شالیکنې (ظهر نویسی) په صورت د انتقال وړدی. شالیکنه باید د هغې ورځې نېټه ولری چې اجراء شوی ده.

ماده ۸۴۳:

سند قبض و (ورانټ) علیحده علیحده و یا مشترکاً بصورت ظهر نویسی قابل انتقال است. ظهر نویسی باید دارای تاریخ همان روزی باشد که اجرا شده است.

۷۴۴ ماده:

له شالیکنې څخه لاندینی احکام پیدا کیږي:

ماده ۷۴۴:

از ظهر نویسی احکام ذیل بوجود می آید:

۱- د قبض او (ورانټ) د سند گډه شالیکنه د مالونو ملکیت منتقل کوی.

۱- ظهر نویسی مشترک سند قبض و (ورانټ) ملکیت اموال را منتقل می سازد.

۲- یواځې د ورانټ په شالیکنه د مالونو د گروې باعث هغه چاته کیږي چې ورانټ ورته نقل شوی دی.

۲- تنها ظهر نویسی ورانټ باعث گروې اموال به شخصی می گردد که ورانټ باو انتقال یافته است.

۳- یواځې د قبض د سند په شالیکنه (په دی شرط چې د ورانټ د حامل حق محفوظ پاتی شي) د سپارل شویو مالونو او ذخیرو ملکیت انتقالوی.

۳- تنها ظهر نویسی سند قبض (بشرطیکه حق حامل ورانټ محفوظ بماند) ملکیت امتعه و ذخایر مودوعه را انتقال می دهد.

۷۴۵ ماده:

د ورانټ په شالیکنه باید د پور او د ټکټ پولی اندازه او د

ماده ۷۴۵:

ظهر نویسی ورانټ باید محتوی مقدار دین و ټکټ پولی و

مودی د راتگ نېټه ولری.

۷۴۶ ماده:

د وړانت د په شالیکنی تشریحات کټ مټ د قبض په سند کښې هم داخل او په شالیکونکی یې لاس لیکوی.

۷۴۷ ماده:

وړانت او د قبض سند په ګډه سره د سپینی شالیکنی په صورت ظهر نویسی کیدای شي. دا ډول په شالیکنه د په شالیکونکی حقوق حامل ته منتقل کوی.

۷۴۸ ماده:

په عمومی ګدامونو کښې د سپارل شویو ذخیرو او مالونو تر مراقبت لاندی نیول، توقیف یا رهن جائز نه دی. مگر د وړانت او د قبض د سند د ضیاع او یا د میراث او افلاس له مخې د اختلاف په صورت چې په دی حال کښې د محکمی په امر او قرار رفتار کیږي.

۷۴۹ ماده:

د قبض د یوه سند حامل چې له وړانت څخه جلا شوی وی کولای

تاریخ حلول موعده باشد.

ماده ۷۴۶:

تشریحات ظهر نویسی وړانت عیناً در سند قبض نیز درج و ظهر نویسی امضا می نماید.

ماده ۷۴۷:

وړانت و سند قبض مشترکاً بصورت ظهر نویسی سفید می تواند ظهر نویسی شود. اینگونه ظهر نویسی حقوق ظهر نویسی را به حامل منتقل می سازد.

ماده ۷۴۸:

تحت مراقبت گرفتن توقیف و یا رهن اموال و ذخائر مودوعه به ګدام های عمومی جایز نمی باشد، مگر در صورت ضیاع وړانت و سند قبض و یا اختلاف از رهگذر میراث و افلاس که در این صورت به امر و قرار محکمه رفتار می شود.

ماده ۷۴۹:

حامل یک سند قبض که از وړانت تفریق گردیده باشد می

تواند دينی را که ذریعه و رانت تأمین گردیده با تکت پولی های آن تا حلول موعد به گدام های عمومی تودیع و قبل از حلول وعده اشیا را از مکازین خارج نماید.

مبلغی که تودیع میشود در مقابل اعاده و رانت به حامل آن داده می شود.

ماده ۷۵۰:

سند قبضی که از و رانت تفریق شده حامل آن اگر بخواهد می تواند یک قسمتی از اموال و ذخایر مودوعه به گدام عمومی را با تودیع یک مقدار پول متناسب به مجموع دیونی که از همان قسمت اموال در اول مرحله تحت مسئولیت مکازین تأمین شده است واپس بگیرد.

ماده ۷۵۱:

حامل و رانت در صورتی که در بسر رسیدن موعد طلب او تسویه نشده باشد مانند حامل برات می تواند مال مرهون را طبق احکام رهن تجارتي ده روز بعد از اعتراض

شی هغه پور چي د و رانت په ذریعه تأمین شوی وی سره د هغو له ټکټ پولیو د مودی تر رسیدلو عمومی گدامونوته و سپاری او د وعدی له رسید لونه پخوا شیان له گدامونو څخه و بایسی.

هغه مبلغ چي سپارل کيږي د و رانت د اعادی په مقابل کښي حامل ته ورکول کيږي.

ماده ۷۵۰:

د قبض هغه سند چي له و رانت څخه جلا شوی وی حامل يي که وغواړي کولای شي عمومی گدام ته د سپارل شويو مالونو او ذخيرو يوه برخه سره د يوی متناسبی اندازی پیسو له سپارني هغو ټولو پورونو ته چي د مالونو له همغی برخی څخه په لومړي مرحله کښي د گدامونو تر مسئولیت لاندی تأمین شوی دی بیرته واخلی.

ماده ۷۵۱:

د و رانت حامل په دی صورت چي د ده د طلب د مودی په پسر رسیدلو کښي تسویه نه وی شوی لکه د برات د حامل غوندی کولای شي گرو مال د تجارتي رهن له احکامو سره سم له اعتراض څخه لس

ورځې وروسته وپلوري.

بفروش برساند.

۷۵۲ ماده:

په (۷۴۸) ماده کښې داخل احوال د پلورنې مانع نه کيږي. مگر قيمت تر قطعې قرار پورې په گدام کښې د وديعې په حيث پاتې کيږي.

ماده ۷۵۲:

احوال مندرجه ماده (۷۴۸) مانع فروش نمی شود اما قيمت الی قرار قطعې بحیث وديعه در گدام می ماند.

۷۵۳ ماده:

د گدام اجوره او هغه مصارف چې د مالونو او ذخيرو د گمرکي او نورو محصولاتو د ورکړې د پاره د عمومي گدامونو له خوا کيږي له مرهون مال څخه په استيفا کښې د اوليت حق لری.

ماده ۷۵۳:

اجوره گدام و مصارفيکه برای تأديه محصولات گمرکي و یا سائر محصولات اموال و ذخاير از جانب گدام های عمومی می شود در استيفا از مال مرهون حق اوليت دارد.

۷۵۴ ماده:

هغه پول چې له مرهون مال څخه په لاس راځي وروسته د (۷۵۳) مادې د ذکر شويو مصارفو او اجوري له وضع نور د سند له حامل سره د معاملي د تسويې د پاره په گدام کښې پاتې کيږي.

ماده ۷۵۴:

پولی که از مال مرهون بدست می آید بعد از وضع مصارف و اجوره متذکره ماده (۷۵۳) بقیه برای تسوية معامله با حامل سند در گدام می ماند.

۷۵۵ ماده:

د وړانت حامل هغه وخت کولای شي پوروي او یا د هغه په شاليکونکي ته مراجعه وکړي چې

ماده ۷۵۵:

حامل وړانت وقتی می تواند به مديون و یا به ظهر نویس های آن مراجعه نماید که فروش مال

د مرهون مال پلورنه د هغه د پور
بسه ونکړي.

۷۵۶ ماده:

د قبض او (ورانت) حامل د هغې
زمانې د تیریدو تابع دی چې د
برات په خصوص کښې مقرر
شویده په شالیکونکي ته د
مراجعی د پاره د ذخیرو او مالونو
د پلورنی ورځ د زمانې د تیریدو
مبدأ حسابیږي.

۷۵۷ ماده:

د هغه وړانت حامل چې اعتراض
یې نه دی کړی او یا یې په قانونی
موده کښې د مرهونو مالونو په
پلورنه اقدام نه وی کړی د
شالیکونکو په مقابل کښې خپل
ټول حقوق له لاسه باسی مگر د
پورپری په برابر دده د دعوی حق
پاتی کیږي.

۷۵۸ ماده:

هغه حامل چې د قبض سند یا
ورانت ضایع کوی د ملکیت د
اثبات او ضمانت ورکولو په شرط
کولای شي چې د تجارتي واک
لرونکی محکمې له اجازې او په
محلې جریدو کښې له اعلان او له

مرهون طلب او را کفایت
نکند.

ماده ۷۵۶:

اسناد قبض و (ورانت) تابع آن
مرور زمانی می باشد که در
خصوص برات مقرر شده است
برای مراجعه به ظهنویس ها
مبدأ مرور زمان روز فروش
اموال و ذخایر حساب
می شود.

ماده ۷۵۷:

حامل وړانتی که اعتراض
نموده و یا در مدت قانونی
بفروش اموال مرهون اقدام
نکرده باشد همه حقوق خود
را در مقابل ظهن نویس ها
ضایع می کند اما در برابر
مدیون حق دعوی او باقی
می ماند.

ماده ۷۵۸:

حاملی که سند قبض و یا وړانت
را ضایع می کند بشرط اثبات
مالکیت و دادن ضمانت می تواند
پس از اجازه محکمه صلاحیتدار
تجارتی و بعد از اعلان به جرید
محلې و مرور مدتی که برای

اعتراض تعیین شده مثنی آنرا مطالبه نماید اگر وعده و رانت ضایع شده بسر رسیده باشد به اساس تقاضای حامل محکمه می تواند درباره تسویه دین اجازه بدهد اگر اجازه متعلق به گدام و رانت باشد کیفیت هم بگدام وهم به مدیران اولی ابلاغ می شود مالک گدام و مدیران می توانند در مقابل اجازه محکمه اعتراض نمایند.

در این صورت محکمه درباره اعتراض فوراً حکم صادر می کند اگر حکم به نفع دائن باشد مؤقتاً تحت اجراء گرفته می شود ولی تا وقتی که اعلام محکمه کسب قطعیت می کند مبلغیکه از فروش مال مرهون حاصل می شود بامر محکمه به محل مصون تودیع می شود.

ماده ۷۵۹:

اصول و شرایط تأسیس گدام های عمومی و اموال قابل تودیع به اساس هدایت یا لایحه های

هغی موده، تیریدو نه وروسته چپ د اعتراض د پاره تاکلی شوی ده د هغو مثنی و غواپی که د له لاسه وتلی و رانت وعده سرته رسیدلی وی د حامل د غوینتنی په اساس محکمه کولای شی چپ د پورد تسویې د پاره اجازه ورکړی. که اجازه په گدام او رانت پورې اړه ولری نو کیفیت هم گدام او هم لمړنی پورورپی ته ابلاغیږی. د گدام خاوند او پورورپی کولای شی چپ د محکمی د اجازې په مقابل کښې اعتراض وکړی.

په دی صورت محکمه د اعتراض په باره کښې فوراً حکم صادروی، که حکم د پور وال په گتیه وی په مؤقت ډول تر اجراء لاندی نیول کیږی مگر تر هغه وخته پوری چپ د محکمی اعلان قطعیت مومی هغه مبلغ چپ د مرهون مال له پلورنې څخه په لاس راخی د محکمی په امر په یوه مصون محل کښې ایښودلی کیږی.

ماده ۷۵۹:

د عمومی گدامونو د تأسیس او د سپارنی وړمالو نو اصول او شرطونه د مخصوصو لایحو او

هدايت په اساس ټاکل کيږي.

مخصوصه تعيین می شود.

نهم فصل تجارتي وکالت

فصل نهم وکالت تجارتي

۷۶۰ ماده:

د تجارتي وکالت موضوع د مؤکل په نامه او حساب سره د تجارتي معاملاتو اجرا ده تجارتي وکالت بی اجرته اجرا کيدای نشي.

ماده ۷۶۰:

موضوع وکالت تجارتي اجرای معاملات تجارتي است بنام و حساب مؤکل وکالت تجارتي بلا اجرت اجراء شده نمی تواند.

۷۶۱ ماده:

تجارتي وکالت که څه هم عمومي الفاظ او تعبيرات ولری ترهغه وخته چې مخصوص صراحت موجود نه وی په غير تجارتي معاملاتو کښې شاملېدای نشي.

ماده ۷۶۱:

وکالت تجارتي ولو اینکه محتوی الفاظ و تعبيرات عموميه باشد تا وقتیکه صراحت مخصوص موجود نباشد نمی تواند شامل معاملات غير تجارتي باشد.

که وکیل د ځينو مربوطو کارونو په باره کښې له خپل مؤکل څخه په يوه کار کښې هدايت اخيستی وی د هغه کار په پاتې برخو کښې د هغه وکالت پخپل اعتبار پاتې دی.

اگر وکیل درباره بعضی از امور مربوطه به یک کار از مؤکل خود هدايت گرفته باشد وکالت در قسمت های متبقيه همان کار بر اعتبار خود باقی است.

وکالت د يوه ټاکلي کار دپاره ورکول کيږي ټول هغه معاملات چې د دی کار د اجرا د پاره لازم دی بی له ځانگړي يادونې په دغه وکالت کښې شامل دی.

وکالت برای یک کار معين داده می شود همه معاملاتی را که برای اجرای این کار لازم است بدون تذکر جداگانه در بر می گیرد.

ماده ۷۶۲:

تاجر کولای شی هغه وکالت چي ده ته سپارل کيږي قبول يا رد کړي مگر د ترديد په حال کښې مجبور دی چي:

اول: بی د وخت له فوټه د کیفیت اطلاع ورکړي.

دوهم: مؤکل ته د ترديد د خبر تر رسيدلو پوري د مال د ساتني او له خسارې څخه د مؤکل د گونښي دپاره لازم تدبيرونه ونيسي. د دی په عکس د پېښې شوی خساری په جبران مجبور دی.

ماده ۷۶۲:

تاجر می تواند وکالتي را که باو سپرده می شود قبول و یا ترديد کند ولی در حال ترديد مجبور است:

اول: کیفیت را بدون فوت وقت اطلاع دهد.

دوم: السی وصول خبر ترديد به مؤکل تداییر لآزمه را برای محافظه اموال و وقایه مؤکل از خساره اتخاذ نماید بر عکس آن مجبور به جبران خساره متولده است.

ماده ۷۶۳:

که مؤکل د ترديد د خبر رسيدلونه وروسته په يو زمان کښې چي متناسبه مسافه وی کوم بل شخص ونه ټاکي وکیل کولای شي چي له (۶۵۵) مادی سره سم محکمی ته مراجعه وکړي او د مالونو د ساتني د پاره د يوه امين شخص ټاکل وغواړي برسیره په هغه تقاضا وکړي چي د مصارفو په اندازه له مربوطو مالونو څخه د پلورني اجازه ورکړي.

ماده ۷۶۳:

اگر مؤکل بعد از وصول خبر ترديد در یک زمانیکه بمسافه متناسب باشد شخص دیگری را تعیین ننماید وکیل می تواند بر طبق ماده (۶۵۵) به محکمه مراجعه و تعیین شخص امین را برای محافظه اموال خواهش نماید و علاوه تقاضا کند که اندازه مصارف اجازه فروش را از اموال مربوطه اعطا کند.

مادہ ۷۶۴:

کہ وکیل واضحی علامی ووینی چپی په سفر کښې د مالونو په خساره دلالت کوی مکلف دی ترڅو د شیانو په نقل ورکوونکی باندی د مؤکل د دعوی د تأمین د پاره خساری کشفی کړی او د مالونو د ساتنې د پاره تروسی پوری لارم تدبیرونه ونیسی. د شیانو د کامله تلفیدو د خطر د وجود په صورت دی د محکمی په اجازه له (۶۵۵) مادی سره سم هغه وپلوری او کیفیت دی بی له ځنډه مؤکل ته اطلاع ورکړی که نه وکیل د خپلی بی پروایی له کبله د پېښې شوی خساری په ورکړه مجبور دی.

مادہ ۷۶۴:

اگر وکیل علائم واضحی مشاهده نماید که دال بر خسارۀ اموال در اثنای سفر باشد مکلف است تا برای تأمین دعوی مؤکل علیه نقل دهنده اشیاء خسارات را کشف و تدابیر لازمۀ را حتی الامکان برای محافظه اموال اتخاذ نماید در صورت وجود خطر تلف شدن کامل اشیاء مطابق مادۀ (۶۵۵) به اجازه محکمۀ آنرا بفروش رسانیده و کیفیت را بلا معطلی به مؤکل اطلاع بدهد بر عکس وکیل به جبران خساره متولده از اهمال خود مسئول است.

مادہ ۷۶۵:

که چېرې هغه مالونه چې د پلورنی په مقصد وکیل ته ورلیږل کیږي ژر فاسدیږی یا تغیر مومی چې د قیمت د ټیټوالی خطر ایجاب کړی او له مؤکل څخه د اجازی غوښتلو وخت مساعد نه وي او یا پخپله مؤکل په اجازه ورکولو کښې ځنډ وکړی وکیل د واک لرونکی محکمی په امر له

مادہ ۷۶۵:

هرگاه اموالی که بمقصد فروش بویکل فرستاده می شود سریع الفساد و یا معروض به تغییراتی باشد که خطر تنزیل قیمت ایجاب کند و برای استیذان از مؤکل وقت مساعد موجود نباشد و یا خود مؤکل در دادن اذن معطلی کند وکیل باساس امر محکمۀ ذی صلاحیت مطابق

۶۵۵) مادی سره سم د مالونو په پلورنه کښې اقدام کوی.

۷۶۶ ماده:

وکیل مجبور دی د ټولو هغو احوالو څخه چې د وکالت د تعدیل او یا رفع باعث شوی وی مؤکل ته اطلاع ورکړی.

۷۶۷ ماده:

وکیل په هغو شیانو کښې له پېښو شویو خسارو څخه چې د مؤکل په حساب له ده سره وی په دی صورت مسئول دی چې پېښې شوی خساری د فوق العاده احوالو او یا د مجبره اسبابو او یا پخپله په شیانو کښې د موجوده نقصانو په اثر نه وی پیدا شوی.

۷۶۸ ماده:

وکیل مؤظف دی چې په مناسب او معقول وخت کښې د مؤکل روپی، اخلی او وروپې لیرې او که دا وظیفه اجراء نکړی نو مجبور دی چې له همغی نېټې څخه ټکت پولی ورکړی او د ایجاب له مخې پېښه شوی خساره جلا ورکړی.

ماده ۶۵۵) در فروش اموال اقدام می نماید.

ماده ۷۶۶:

وکیل مجبور است تمام احوالی را که باعث تعدیل و یا رفع وکالت شده باشد به مؤکل اطلاع دهد.

ماده ۷۶۷:

وکیل از خسارات وارده در اشیائی که بحساب مؤکل در نزد او می باشد در صورتی مسئول است که خسارات وارده در اثر احوال فوق العاده و یا اسباب مجبره و یا نقائص موجوده در خود اشیاء بوجود نیامده باشد.

ماده ۷۶۸:

وکیل مؤظف است در زمان معقول و مناسب پول مؤکل را تسلیم و ارسال نماید و اگر این وظیفه را ایفا نکند مجبور است از همان تاریخ تکت پولی تأدیعه و عند ایجاب خساره وارده را جداگانه جبران نماید.

مادہ ۷۶۹:

وکیل نشی کولای چہی د مؤکل له صریح او قطععی امر و نوخخه مخالفت و کړی او که نه په هغې خساری ورکولو باندى مجبور پړی چہی له دی لازې پیدا کیږي مگر که د وکالت اجراء نظر د مؤکل امر پې ته د مؤکل د پاره کلی خساره پېښوی د مؤکل په اجازه معامله خنډولی شي.

مادہ ۷۶۹:

وکیل نمی تواند به او امر صریح و قطععی مؤکل مخالفت کند بر عکس مجبور به جبران خساره می شود که ازین حیث تولید می گردد ولی اگر اجرای وکالت نظر به امریه مؤکل خساره کلی را برای مؤکل محقق می گرداند به استیذان مؤکل معامله را تأخیر داده می تواند.

مادہ ۷۷۰:

په هغو معاملاتو کښې چې د مؤکل صریح هدایت موجود نه وی وکیل معامله د مؤکل تر هدایت پورې خنډولی شي مگر که د کار فوریت د مؤکل تر استیذان پورې وخت ونه لری او یا وکیل اجازه ولری ترخو د گټورو شرایطو په دائره کښې حرکت وکوی په دی حال کښې کولای شي چې په ډیر فکر سره خپله معامله اجراء کړی.

مادہ ۷۷۰:

در معاملاتى که هدایت صریح مؤکل موجود نباشد وکیل معامله را تا هدایت مؤکل تأخیر داده می تواند ولی اگر فوریت کار برای استیذان مؤکل مساعد نباشد و یا وکیل اجازه داشته باشد تا در دائره شرایط مفیده حرکت کند درین حال می تواند با بصیرت معامله را اجراء نماید.

مادہ ۷۷۱:

وکیل مجبور دی چې وروسته د وکالت له اجراء کولونه بی له خنډه مؤکل ته اطلاع ورکړی که وکیل د خپل وکالت له حدودو څخه تیری

مادہ ۷۷۱:

وکیل مجبور است بعد از ایفای وکالت کیفیت را بلا تأخیر به مؤکل اطلاع دهد اگر وکیل از حدود وکالت خود

تجاوز کرده باشد در صورتی که مؤکل بعد از اطلاع از معامله در زمان لازمه جواب ندهد مثل این است که موافقه کرده است.

ماده ۷۷۲:

اگر وکیل مبلغی را که بحساب مؤکل گرفته برای مقاصد معینه استعمال نماید طوری که از تاریخ گرفتن پول مجبور به پرداخت تکت پولی است همچنین مسئول جبران خساره عدم ایفای وکالت هم می باشد و اگر حیلله و خدعه بکار برده باشد مورد تعقیبات جزائیه نیز قرار خواهد گرفت.

ماده ۷۷۳:

اشخاص ثالث که با وکیل مقاوله عقد نموده اند وکالت نامه مطالبه نمایند وکیل مجبور است آنرا ارائه نماید و الا اشخاص ثالث می توانند از عقد رجوع کند اگر وکیل اثبات کند که اشخاص ثالث در حین عقد از هدايات مؤکل بوکیل مطلع بوده اند از عقد رجوع نمی توانند.

کری وی نوکه مؤکل له معاملی خخه له اطلاع وروسته په لازم وخت کښې ځواب ورنکړې داسی گڼل کیږي چې موافقه یې کری ده.

ماده ۷۷۲:

که وکیل هغه مبلغ چې د مؤکل په حساب یې اخیستی دی د تپاکلی مقصد د پاره استعمال نکړی په هغه ډول چې د روپو د اخیستلو له نېټې نه د تکت پولې په ورکړې مجبور دی په همدی شان د وکالت د نه اجراء کولو د خساری له جبران خخه هم مسئول دی او که حیلله او چل یې کری وی تر جزائې تعقیباتو لاندی به هم راشي.

ماده ۷۷۳:

که دریم کسان چې له وکیل سره مقاوله تړلې ده وکالت نامه وغواړی وکیل مجبور دی چې هغه ورته ښکاره کری او که نه دریم کسان کولای شي چې له عقد خخه رجوع وکړی که وکیل اثبات کری چې دریم کسان د عقد په وخت کښې د مؤکل له هدايت خخه خبر وو نو له عقد خخه رجوع نشي کولای.

۷۷۴ ماده:

که د هغه چا وکالت چې د یوه شخص د وکیل یا ممثل په حیث حرکت کوی حقیقت پیدا نکړی او یا هغه معامله چې له واک څخه د باندی یې اجراء کړی ده د مؤکل له خوا تصویب نشي پخپله دی د هغې معاملی مسئول دی.

ماده ۷۷۴:

اگر وکالت کسیکه بحیث وکیل و یا ممثل یک شخص حرکت می کند حقیقت پیدا نکند و یا معامله را که خارج صلاحیت انجام نموده است از طرف مؤکل تصویب نشود بالذات مسئول همان معامله است.

۷۷۵ ماده:

مؤکل مکلف دی چې وکیل د پاره د وکالت د اجراء لارم وسایل راغونډ کړی مگر دا چې په مقاوله کښې د هغه په خلاف قبول شوی وی.

ماده ۷۷۵:

مؤکل مکلف است و سائل لازم اجرای وکالت را برای وکیل فراهم سازد مگر اینکه خلاف آن در مقاوله قبول شده باشد.

۷۷۶ ماده:

د وکالت اجرت په دی صورت چې مقاوله ترمخ نه وی د محکمی له خوا نظر د وکالت عرف او احوالو او شرایطو ته ټاکل کیږي.

ماده ۷۷۶:

اجرت وکالت در صورت عدم وجود مقاوله از طرف محکمه نظر به عرف و احوال و شرایط وکالت تعیین می شود.

۷۷۷ ماده:

د وکالت د اجراء په ضمن کښې له مؤکل څخه د وکیل طلبات په دی صورت مرجح دی چې دا طلبات د وکالت موضوع د مال او یا د وکالت د اجرت په مقابل کښې پیشکی روپی استقراض او برات

ماده ۷۷۷:

طلبات وکیل از مؤکل در ضمن اجرای وکالت در صورتی مرجح است که این طلبات پول پیشکی استقراض و برات صادر شده در مقابل مال موضوع وکالت و یا اجرت

وکالت و مبالغیکه به اشکال دیگر راجع بموضوع وکالت قرض گرفتته می شود تولید شده باشد. اگر اشیای مؤکل از طرف وکیل فروخته شده باشد مصارف مربوط را می تواند از قیمت اشیای مرصفاً تحصیل نماید.

ماده ۷۷۸:

برای اینکه ترجیح متذکره ماده (۷۷۷) صورت گرفته بتواند لازم است تا وکیل طلبات خود را که بالای مؤکل دارد ذریعه محکمه به مؤکل تبلیغ بدارد و در تبلیغ علاوه نماید که اگر در ظرف پنج روز مؤکل دین خود را تسویه ننماید بفروش اموالیکه حق ترجیح دارد اقدام می ورزد مؤکل حق دارد باین تبلیغ اعتراض و وکیل را به محکمه دعوت نماید. مؤکل مجبور است این اعتراض را در ظرف سه روز از تاریخ تبلیغی که به او شده توسط محکمه به اطلاع وکیل برساند. اگر مؤکل در محل اقامتگاه وکیل

صادر شوی وی او هغه رویی چي د وکالت د موضوع په خصوص کښې په نورو شکلونو پور اخیستل کیږي پیدا شوی وی. که د مؤکل شیان د وکیل له خوا پلورل شوی وی کولای شي چي مربوط مصارف د شیانو له قیمت څخه مرصفاً تحصیل کړي.

۷۷۸ ماده:

لپاره د دی چي په (۷۷۷) ماده کښې ذکر شوی ترجیح صورت ونیولی شي لازم دی ترڅو خپل طلبات چي په مؤکل یې لری د محکمی په ذریعه مؤکل ته تبلیغ کړي او په تبلیغ کښې زیات کړي چي که مؤکل په پنځو ورځو کښې خپل پور تسویه نکړي د هغو مالونو په پلور نه کښې چي د ترجیح حق لری اقدام کوی مؤکل حق لری چي په دی تبلیغ اعتراف وکړي او وکیل محکمی ته وغواړي، مؤکل مجبور دی له هغې نېټې څخه چي ده ته یې تبلیغ شوی دی دا اعتراض په موده د درې ورځو کښې د محکمی په ذریعه وکیل ته ورسوی. که مؤکل د وکیل د استوگنې په

کدام اقامتگاهی نداشته باشد مدت اعتراض قرار ذیل تمدید می‌شود:

هرگاه محل اقامت مؤکل در حوزه محکمه باشد مدت اعتراض بیست روز و اگر مؤکل در یکی از ولایات مقیم باشد مدت اعتراض چهل روز است.

اگر مؤکل در ممالک اجنبیه اقامت داشته باشد مدت اعتراض عبارت از مدت های است که در اصول محاکمات حقوقی مقرر شده است.

در صورت مرور مدت و یا تردید اعتراضات وکیل می‌تواند اموال موضوع بحث را بر طبق احکام ماده (۶۵۵) بفروشد و پلوری.

ماده ۷۷۹:

در حال تعیین وکلای متعدد برای کار معین هرگاه اشتراک عمل آنها تصریح نشده باشد هر کدام در صورت عدم وجود دیگری صلاحیت اجرای معامله را دارد اگر اشتراک عمل

محل کنبی استوگنخی و نه لری د اعتراض موده په لاندی ډول اوږد پیری:

که د مؤکل د استوگنې ځای د محکمی په حوزه کنبی وی د اعتراض موده شل ورځی او که مؤکل په کوم یوه ولایت کنبی اوسپری د اعتراض موده یې څلو پښت ورځې ده.

که مؤکل په د باندینو ملکونو کنبی استوگنه ولری د اعتراض موده یې عبارت له هغو مودو څخه ده چې د حقوقی محاکماتو په اصولو کنبی مقرر شوی ده.

د مودی د تیریدو یا د اعتراضاتو د تردید په صورت وکیل کولای شي چې د څېړنې موضوع مالونه د (۶۵۵) مادې له احکامو سره سم وپلوری.

ماده ۷۷۹:

د یوه معین کار د پاره د متعددو وکیلانو د ټاکلو په حال کنبی که د هغو د عمل اشتراک د ټاکلو په حال کنبی که د هغو د عمل اشتراک تصریح شوی نه وی نوهریود بل د نشتوالی په صورت د معاملی د اجرا واک لری او که د

وکیلانو د کار اشتراک تصریح شی او د هغود ځینوله خوا وکالت قبول نشي هغه وکیلان چې اکثریت لری کولای شي چې وکالت قبول کړی او معامله پای ته ورسوی.

۷۸۰ ماده:

که مؤکل بی له معقول سبب څخه وکیل عزل کړی او یا هغه کارچې د وکیل له خوا تعهد شوی دی د وکیل د گوبښه توب او استعفی په اثر تکمیل نشي نو هغه طرف چې د دی امر باعث کیږي مکلف دی چې د مقابل طرف د خساری تاوان ورکړی.

۷۸۱ ماده:

که د وکیل او یا مؤکل د افلاس، وفات او یا تقصیر په اثر وکالت خاتمه ومومی نو وکیل یا هغه چاته چې د هغه قایم مقام کیږي د کار د تکمیل د اجرت په تناسب حق الزحمه ورکوله کیږي.

وکلاء تصریح شود و از طرف بعضی آنها وکالت قبول نگردد و کلائیکه اکثریت دارند می توانند وکالت را قبول و معامله را انجام دهند.

ماده ۷۸۰:

در صورت عدم سبب معقول اگر مؤکل وکیل را عزل نموده و یا کاریکه از طرف وکیل تعهد گردیده است در اثر کناره گیری و استعفای وکیل تکمیل نشود طرفیکه باعث این امر می شود مکلف است خساره طرف مقابل را جبران نماید.

ماده ۷۸۱:

اگر در اثر افلاس یا وفات و یا تقصیر مؤکل و یا وکیل وکالت خاتمه یابد به وکیل و یا کسیکه قایم مقام آن می شود به تناسب اجرت تکمیل کار حق الزحمه داده می شود.

لسم فصل کمیسیون کاری

فصل دهم کمیسیون کاری

۷۸۲ ماده:

هغه شوک چې تجارتي معاملات په خپل نامه او د معاملې د خاوند (آمر) په حساب د یو اجرت په مقابل کېښي د عاداتي کسب په حیث اجرا کوي (کمیسیون کار) او هغه مقاوله چې د معاملې د خاوند او د کمیسیون کار ترمنځ تړله کېږي (د کمیسیون مقاوله) بلله کېږي.

ماده ۷۸۲:

شخصي که معاملات تجارتي را بنام خود و بحساب صاحب معامله (آمر) در مقابل یک اجرت بحيث کسب معتاده اجرا می کند (کمیسیون کار) و مقاوله که در بین صاحب معامله و کمیسیون کار منعقد می گردد (مقاوله کمیسیون) نامیده می شود.

۷۸۳ ماده:

که د معاملې خاوند د هغې اجراء په خپل نامه صراحتاً شرط ایښي وی دا مقاوله د تجارتي وکالت د احکامو تابع ده.

ماده ۷۸۳:

اگر صاحب معامله اجرای آنرا بنام خود صراحتاً شرط گذاشته باشد این مقاوله تابع احکام وکالت تجارتي است.

۷۸۴ ماده:

که په دی فصل کېښي د آمر او کمیسیون کار د متقابلو حقوقو او وجایبو په خصوص کېښي مخصوص احکام موجود نه وی نود وکالت احکام تطبیق کېږي.

ماده ۷۸۴:

هرگاه در این فصل احکام مخصوصه راجع به حقوق و وجائب متقابله آمر و کمیسیون کار موجود نباشد احکام وکالت تطبیق می شود.

۷۸۵ ماده:

د کمیسیون له معاملې څخه پیدا شوی حقوق او وجایب

ماده ۷۸۵:

حقوق و وجائب ناشی از معامله کمیسیون منحصراً

خاص په کمیشن کار پوری اړه لری
نه په آمر او دریم شخص پوری.

ماده ۷۸۶:

کمیشن کار مکلف دی هغه
کارونه چې صراحتاً یا ضمناً
یې قبول کړی دی اجرا او ترسره
کړی. هغه کمیشن کار چې بی د
(۷۸۹ او ۷۹۰) مَادو داخلو
قانونیه اسبابو له استناده
محول شوی چاری نه اجرا کوی
مجبور دی چې د آمر د خسارو
تاوان ورکړی.

ماده ۷۸۷:

د آمر فوت د کمیشن د مقاولی د
فسخ باعث نگرځي حقوق او
وجایب ورثی ته منتقل کیري.

ماده ۷۸۶:

کمیشن کار مکلف است
اموری را که صراحتاً و یا
ضمناً قبول کرده است اجرا و
اکمال نماید کمیشن کاریکه
بدون استناد به اسباب قانونیه
مندرجه مواد (۷۸۹ و ۷۹۰)
امور محوله را اجرا و انجام نمی
کند مجبور است خسارات
آمر را جبران کند.

ماده ۷۸۷:

فوت آمر باعث فسخ مقاوله
کمیشن نمی گردد حقوق و وجایب
به ورثه منتقل می شود.

ماده ۷۸۸:

آمر نشي کولای د کمیشن له
داسی مقاولی څخه چې د کمیشن
کار له خوا قبوله شوی وی رجوع
وکړی.

ماده ۷۸۸:

آمر نمی تواند از چنان
مقاوله کمیشن که از طرف
کمیشن کار قبول شده رجوع
نماید.

ماده ۷۸۹:

که محققه وی چې د کمیشن د
موضوع اجرا د بل چا په ذریعه
ممکن نه ده او یا د بل شخص په
ذریعه د آمر د پاره مشکلات او

ماده ۷۸۹:

اگر محقق باشد که اجرای
موضوع کمیشن بذریعه کسی
دیگر ممکن نباشد و یا توسط
شخص دیگر برای آمر مشکلات و

خساره پيدا ڪري نوڪميشن ڪار
نشي ڪولائي چي له خپلي معاوولي
خخه رجوع وڪري.

۷۹۰ ماده:

په دي صورت چي د ڪميشن د
معاوولي د مقرراتو اجراءُ په
روپوپوري تپلي وي او آمر په پوره
اندازه نه وي ليرلي او يا دا چي
بيان يي ڪري وي چي مقتضي
روبي دي د ڪميشن ڪار له خوا
ورڪرلي شي مگر د هغود ورڪري
ڪيفيت د ڪميشن ڪار د آمر له
خوا تصريح شوي نه وي ڪميشن
ڪار ڪولائي شي چي تل د ڪميشن
له معاوولي خخه رجوع وڪري او
يا د معاوولي اجراءُ تال ڪري.

۷۹۱ ماده:

که د ڪميشن د معاوولي د مالونو
اٽڪلي قيمت په دومره اندازه لږ وي
چي د نقلیه وسايلو بسنه ونڪري نو
ڪميشن ڪار مجبور دي چي بي له
تاله آمر ته د دغه ڪيفيت اطلاع
ورڪري برسبره په دي د دي مالونو
د تسليمي د پاره ڪولائي شي چي له
(۶۵۵) مادي سره سم له محكمي
خخه د يوه امين شخص ٽاڪل
وغواړي.

خساره توليد ڪند ڪميشن ڪار
نمي تواند از معاوله خود رجوع
نمايد.

ماده ۷۹۰:

در صورتیکه اجرای مقررات
معاوله ڪميشن وابسته به پول
بوده و آمر به اندازه ڪافي
نفرستاده باشد و يا اينکه بيان
نموده باشد که پول مقتضي از
طرف ڪميشن ڪار داده شود
ولسي چگونگي تأديه آن از طرف
آمر ڪميشن ڪار تصريح نشده
باشد ڪميشن ڪار مي تواند
هميشه از معاوله ڪميشن
رجوع و يا اجرای معاوله را به
تعويق اندازد.

ماده ۷۹۱:

اگر قيمت تخميني اموال موضوع
معاوله ڪميشن به اندازه کم
باشد که مصارف نقلیه را تکافو
نکند ڪميشن ڪار مجبور است
ڪيفيت را بدون معطلی به آمر
اطلاع دهد. بر علاوه برای
تسليمی اموال مذکور می تواند
تعيين شخص امين را از
محكمه بر طبق ماده (۶۵۵)
مطالبه نمايد.

ماده ۷۹۲:

کمیسیون کار مکلف دی په هغو معاملاتو چې د هغو د اجرا تعهد کوی داسی دقت او بیداری په کار واچوی چې له یوه بڼه تاجر څخه په خپلو شخصی چارو کښې څرگند یږي د مؤکل د گټو ساتنه، د امر و نو په ځای کول مؤکل ته د تصمیم نیولو د پاره په مناسب وخت او زمان کښې د معاملی د مقتضی مطالبو اطلاع او په تیره بیا د کمیسیون او په اسنادو او تسلیمی باندی د مستند حساب د ورکولو په خصوص کښې اطلاع او د حاصلو گټو بی له ټاله لیرل د کمیسیون کار د وظیفو جزء دی.

ماده ۷۹۲:

کمیسیون کار مکلف است در معاملاتیکه اجرای آن را تعهد می نماید دقت و بصیرتی را بکار ببرد که یک تاجر خوب در امور شخصی خویش ابراز می دارد حفظ منافع مؤکل، ایفای او امر اطلاع مطالب مقتضی معامله در وقت و زمان منافع برای اتخاذ تصمیم به مؤکل و بالخاصه اطلاع راجع به کمیسیون و اعطای حساب مستند به اسناد تسلیمی و یا ارسال بلا معطلی منافع حاصله جزء وظایف کمیسیون کار است.

ماده ۷۹۳:

که کمیسیون کار سره له دا ډول تیري او د صلاحیت د بد استعماله معامله پایته ورسوی چې د مؤکل په ضرر تمامه شي دا معامله په خپله د کمیسیون کار په باره کښې اعتبار لری مگر هغه دی ته نشي اړ کولای چې د (۷۹۶ او ۷۹۷) مادو د ذکر شویو شرایطو په اساس معامله په خپل حساب قبوله کړي.

ماده ۷۹۳:

اگر کمیسیون کار با تجاوز و یا سوء استعمال صلاحیت معامله را انجام دهد که به ضرر مؤکل تمام شود این معامله در مورد خود کمیسیون کار اعتبار دارد ولی امر را وادار ساخته نمی تواند که با اساس شرایط متذکره مواد (۷۹۶ و ۷۹۷) معامله را بحساب خود قبول کند.

۷۹۴ ماده:

د مؤکل له امرونو او هداياتو څخه د کمیشن کار د تخلف په اثر د عقد د باطلو ادعا خاص په آمر پوری اړه لری په کمیشن کار او دریمو کسانو پوری تعلق نه لری.

ماده ۷۹۴:

ادعای بطلان عقد در اثر تخلف کمیشن کار از اوامر و هدايات مؤکل منحصر به آمر بوده به کمیشن کار و اشخاص ثالث تعلق ندارد.

۷۹۵ ماده:

تر هغه وخته پوری چې آمر امر نه وی ورکړی کمیشن کار مجبور نه دی چې د کمیشن د مقالوې د موضوع مالونه بیمه کړی.

ماده ۷۹۵:

تا وقتیکه آمر امری نداده باشد کمیشن کار مجبور نیست اموال موضوع مقالو له کمیشن را بیمه بنماید.

۷۹۶ ماده:

که کمیشن کار د هغو مالونو چې پیرودل کیږي د جنس او ټاکلیو اوصافو په خصوص کښې د آمر له هداياتو څخه تخلف وکړې آمر مجبور ندی چې هغه قبول کړی. که د کمیشن کار له خوا له هغې اندازی څخه چې آمر ټاکلی ده په پیرودلو کښې زیات مخالفت وکړې مؤکل کولای شي چې هغه زیادت کمیشن کار ته پرېږدی او ټاکلی اندازه قبوله کړی.

ماده ۷۹۶:

اگر کمیشن کار از هدايات آمر در باره جنس و اوصاف معینه اموالیکه خریداری می شود تخلف ورزد آمر مجبور نیست آنرا قبول کند. اگر تخلف در خریداری زیاد تر از آنچه آمر معین کرده از طرف کمیشن کار بعمل آید مؤکل می تواند زیادتى را به کمیشن کار واگذاشته و مقدار معینه را قبول بنماید.

ماده ۷۹۷:

که کمیشن کار د مقاولی د موضوع مالونه له ټاکلی قیمت څخه ټیټ وپلوری او یا یې له ټاکلی قیمت څخه لوړ وپیری او امر ونه غواړی چې دا معامله په خپل حساب کښې قبوله کړی پدی صورت کښې مکلف دی چې د خبر د رسید لو سره سم د خپلی قبولی یا نه قبولی څخه کمیشن کار ته اطلاع ورکړی او که داسې ونکړې داسی گڼل کیږی چې معامله یې قبول کړی ده، سره له دی کمیشن کار د کار د اجرا په ترڅ کښې وواپی چې د قیمت تفاوت جلاور کوی، امر د اجرا شوی معاملی په قبلولو مکلف دی.

که کمیشن کار د امر له ټاکلی قیمت څخه مخالفت وکړې او امر له دی لاری په خساره اخته شوی وی امر کولای شی چې د خساری تاوان وغواړی.

ماده ۷۹۸:

که کمیشن کار نظر د امر ټاکلیو شرایطو ته معامله په مساعدو شرایطو پای ته رسولی وی اضافه گټې په امر پوری اړه

ماده ۷۹۷:

اگر کمیشن کار اموال موضوع مقاوله را نازل تر از قیمت معینه فروش و یا بلندتر از قیمت معینه خریداری کند آمر نخواهد این معامله را بحساب خود قبول نماید در این صورت مکلف است به مجرد وصول خبر قبول و یا عدم قبول خود را به کمیشن کار اطلاع دهد اگر چنین نکند طوری محسوب می شود که معامله را قبول کرده است، معذک اگر کمیشن کار در ضمن اجرای عمل اظهار نماید که تفاوت قیمت را علیحده می پردازد آمر مکلف به قبول معامله اجراء شده است.

اگر کمیشن کار از قیمت معینه آمر مخالفت کرده آمر از این حیث دچار خساره شده باشد آمر می تواند جبران خساره را مطالبه نماید.

ماده ۷۹۸:

هرگاه کمیشن کار نظر بشرایط معینه آمر معامله را با شرایط مساعد تری انجام داده باشد منافع اضافی متعلق به آمر

لری.

است.

۷۹۹ ماده:

ماده ۷۹۹:

هغه حسابو نه چې کمیشن کار یې ورکوی باید د دفتر و نوسوله مندرجاتو سره مطابقت ولری. هغه کمیشن کار چې خپل امر ته د حقیقت په خلاف د حساب پانډه ورکوی او یا په دی پانډه کښې د شیانو نرخ او د منعقدده مقاولانو شرایطو ته د بد نیت له مخې تغیر ورکوی او غیر واقعی مصارف او یا له حقیقی اندازی څخه زیات مخارج قید وی د ده د اجرت غوښتنې حق ساقط او د اجرا شویو معاملاتو له نتایجو څخه شخصاً مسؤل یږي.

حساباتی را که کمیشن کار می دهد باید با مندرجات دفاتر مطابقت داشته باشد. کمیشن کاری که به امر خود بر خلاف حقیقت و رقه حساب داده و یا در این و رقه نرخ اشیا و شرایط مقاولات منعقدده را با سوء نیت تغیر می دهد و مصارف غیر و یا مخارج اضافه از مقدار حقیقی را قید می نماید حق مطالبه اجرت او ساقط و از نتایج معاملات اجرا شده شخصاً مسؤل می شود.

۸۰۰ ماده:

ماده ۸۰۰:

هغه کمیشن کار چې بی د امر له اجازی دریمو کسانو ته پیشکی پیسی او یا اعتبار ورکوی داسی گنل کیږي چې قبوله کړی یې ده چې گټه او ضرر د معاملی په ده پوری اړه لری.

کمیشن کاری که بدون اجازه امر به اشخاص ثالث پول پیشکی و یا اعتبار می دهد چنان محسوب می گردد که قبول کرده که نفع و ضرر معامله به او متعلق است.

که د معاملی د اجراء په محل کښې تجارتی عرف مقتضی وی چې د قیمت د ورکړې د پاره دی پیروونکی ته مهلت ورکړشي

اگر در محل اجرای معامله عرف تجارتی مقتضی باشد که برای تأدیه قیمت بمشتری مهلت داده شود در حالیکه

په دی حال کښې چې د هغه په خلاف د آمر امرنه وی کمیشن کار کولای شي چې پخپله مهلت ورکړي.

۸۰۱ ماده:

کمیشن کار که څه هم په پور ورکولو اجازه ولری نشي کولای په هغو کسانو چې په ناتوانی او بد معامله گي مشهور دی د آمر مال وپلوری.

۸۰۲ ماده:

هغه کمیشن کار چې د آمر په اجازه د هغه مالونه په پور سره پلوری مکلف دی چې د معاملی له اجراء نه وروسته د پیروونکو د نومونو څخه آمر ته اطلاع ورکړي او که داسی ونکړی نو دا پلورنه نقدی بلله کیږي.

۸۰۳ ماده:

هغه کمیشن کار چې د برات پیرونه یې په غاړه اخیستی وی باید د برات د شالیکڼې په وخت کښې بی له کوم قید او شرط څخه هغه آمر ته منتقل کړي.

۸۰۴ ماده:

کمیشن کار له دریمو کسانو سره

بر خلاف آن آمر نباشد کمیشن کار می تواند مهلت را بالذات اعطای نماید.

۸۰۱ ماده:

کمیشن کار اگر بفروش نسبه مجاز هم باشد نمی تواند به اشخاصی که به عدم اقتدار مالی و بد معامله گي معروف اند مال آمر را به فروش برساند.

۸۰۲ ماده:

کمیشن کاریکه به اجازه آمر اموال او را به صورت نسبه می فروشد مکلف است به تعقیب اجرای معامله اسامی مشتریان را به آمر اطلاع نمایند و بر عکس فروش مذکور نقدی محسوب می شود.

۸۰۳ ماده:

کمیشن کاریکه خرید برات را بدمه گرفته باشد باید حین ظهر نویسی برات بدون کدام قید و شرط آنرا به آمر منتقل سازد.

۸۰۴ ماده:

کمیشن کار از لحاظ دیون

مربوط به اشخاص ثالث که طرف معامله اش می باشد در مقابل امر مسئول نیست ولی اگر بر خلاف آن مقاوله و یا عرف تجارتی موجود باشد کمیشن کار بدرجۀ اشخاص ثالث مسئول می باشد در این صورت کمیشن کار در برابر این مسئولیت باخذ یک اجرت علیحده مستحق می باشد.

ماده ۸۰۵:

کمیشن کار بعد از اكمال معامله متعهدده حق مطالبۀ اجرت را دارد در معامله ای که از طرف کمیشن کار اداره شده ولی در اثر عوامل مربوط به شخص آمر به نتیجه نمی رسد نیز حق طلب اجرت را دارا می باشد برای معاملاتیکه در نتیجۀ علل دیگری عقیم می ماند کمیشن کار می تواند باندازه زحمتی که متحمل شده نظر به عرف محلی تقاضای جبران نماید.

ماده ۸۰۶:

کمیشن کار می تواند پول های پیشکی و مصارف را با تکت

د مربوطو پور ونوله وجې چې د ده معامله ورسره ده د آمر په مقابل کښې مسئول نه دی. مگر که د هغه په خلاف تجارتی عرف یا مقاوله موجوده وی نو کمیشن کار د دریمو کسانو په درجه مسئول دی په دی صورت کمیشن کار د دی مسئولیت په مقابل کښې د یوه ځانگړی اجرت د اخیستلو مستحق دی.

ماده ۸۰۵:

کمیشن کار وروسته د تعهد کړی معاملی له اكمال څخه د اجرت د غوښتنې حق لری په هغې معاملی کښې چې د کمیشن کار له خوا اداره شوی وی مگر په خپله په آمر پوری د مربوطو عواملو په اثر نتیجی ته نه رسېږي هم د اجرت د غوښتنې حق لری د هغو معاملاتو د پاره چې د نورو علتونو په نتیجه کښې بی اجراً پاتی کیږي کمیشن کار کولای شي د هغه زیار په اندازه چې ایستلی یې دی نظر محلی عرف سره سم تاوان وغواړی.

ماده ۸۰۶:

کمیشن کار کولای شي چې پخوا د کمیشن کاری د وظیفی له اكمال

پولی آن قبل از اكمال وظیفه کمیشن کاری مطالبه کند در این صورت مجبور است حسابی مستند به اسناد به آمر بدهد.

مصرف نقلیه و گدام در جزء مصارف کمیشن کار قابل قلمداد است، ولی اجرت مستخدمین (مامورین) در آن شامل شده نمی تواند.

ماده ۸۰۷:

کمیشن کار یکه بیع و شرای اوراق بهادار و یا امتعه دارای نرخ معین در بورس و یا بازار را متعهد شده باشد در حالیکه بر خلاف آن امر موجود نباشد می تواند چیزی را که می خرد به صفت بایع از مال خود اعطاء و شی را که می فروشد به حیث مشتری برای خود اخذ نماید در این صورت کمیشن کار مجبور است که نظر به نرخ معینه بورس و یا بازار حساب بدهد تاریخ اطلاع ایفای وظیفه کمیشن کاری به این صورت به آمر تاریخ اجرای معامله محسوب

نه پیشکی پیسی او مصارف سره د هغو له ټکټ پولی و غواری په دی صورت کښې دی مجبور دی چې په اسنادو مستند حساب آمر ته ورکړی.

د نقلیه او گدام مصرف د کمیشن کار د مصارفو په جزء کښې د قلمداد وړ دی، مگر د مستخدمینو (مامورینو) اجرت په هغه کښې شاملیدای نشي.

ماده ۸۰۷:

هغه کمیشن کار چې د بیه لرونکو پانوی او یا د ټاکلی نرخ لرونکو مالونو پلورونه او پیرونه یې په بورس یا بازار کښې په غاړه اخیستی وی په دی حال کښې چې د هغه په خلاف د آمر امر موجود نه وی کولای شي کوم شي چې پیری د پلورونکی په صفت له خپل مال څخه ورکړی او کوم شي چې پلوری د پیرونکی په حیث یې ځانته واخلي په دی صورت کمیشن کار مجبور دی چې د بورس یا بازار د ټاکلی نرخ له مخې حساب ورکړی په دی صورت آمر ته د کمیشن کاری د وظیفی په ځای کولو د اطلاع نېټه د معاملی د اجراء نېټه

می شود. درباره خصوصیات دیگر احکام بیع تجارتی تطبیق می شود.

حکم این ماده توسط مقاوله بر علیه امر تعدیل شده نمی تواند.

ماده ۸۰۸:

در صورتی که معامله کمیشن کاری به ترتیب ماده (۸۰۷) اجراً شود کمیشن کار مستحق اخذ کمیشن و مصارف عادی می باشد.

ماده ۸۰۹:

کمیشن کار می تواند طلب خود را به اساس ماده (۷۷۷) از مبالغیکه در نتیجه اجرائی معامله به حساب امر تحصیل می کند (در مقابل امر و دائنین او) ترجیحاً استیفاء نماید.

ماده ۸۱۰:

اگر کمیشن کار معامله کمیشن را که بر طبق ماده (۸۰۷) اجراً نموده بدون تصریح شخص طرف معامله به امر اطلاع نماید امر حق دارد این

بلله کیری د نورو خصوصیاتو په باره کنبې د تجارتی بیعی احکام تطبیق کیری.

د مقاولی په ذریعه د دی مادی حکم په امر باندي تعدیلیدای نشي.

ماده ۸۰۸:

په دی صورت چې د کمیشن کاری معامله د (۸۰۷) مادی په ترتیب اجراً شي کمیشن کار د کمیشن او عادی مصارفو اخیستلو مستحق دی.

ماده ۸۰۹:

کمیشن کار کولای شي چې خپل طلب د (۷۷۷) مادی له مخې له هغو پیسو څخه چې د معاملی د اجرا په نتیجه کنبې یې د امر په حساب په لاس راوړی دی (دده د امر د پوروالئو په مقابل کنبې) ترجیحاً پوره کړی.

ماده ۸۱۰:

که کمیشن کار د کمیشن معامله چې له (۸۰۷) مادی سره اجراً کړی ده بی د هغه شخص له تصریح څخه چې معامله یې ورسره کړی ده امر ته اطلاع ورکړی امر حق لری

معامله بیع و شراء را به حساب کمیشن کار اجراء شده تلقی کند.

ماده ۸۱۱:

تا وقتی که کمیشن کار صریحاً مجاز نباشد نمی تواند مارک امتعه آمر خویشرا تبدیل کند.

ماده ۸۱۲:

اگر یک معامله درباره اموال آمرین متعدد اجراء گردد کمیشن کار مؤظف است در دفاتر خویش مالک اموال را بصورت صریح قید نماید.

فصل یازدهم کمیشن کاری نقلیات

ماده ۸۱۳:

شخصی که بنام خود و حساب آمر حمل و نقل مال التجاره را بحیث پیشه اتخاذ کرده باشد کمیشن کار نقلیات نامیده می شود.

در کمیشن کاری نقلیات در حالتیکه در این فصل تصریح نشده باشد مقررات مربوط به مقاوله کمیشن و بالخاصه

چی دا د پلورنی او پیرونی معامله د کمیشن کار په حساب اجراء شوی وگنهی.

۸۱۱ ماده:

ترهغه وخته پوری چی کمیشن کار ته صریحاً اجازه نه وی، نشی کولای چی د خپل آمر د مال مارک تبدیل کړی.

۸۱۲ ماده:

که یوه معامله د متعددو آمرینو د مالونو په باره کښې اجراء شي کمیشن کار مؤظف دی چی خپلو دفترونو کښې د مالونو مالک په صریح صورت قید کړی.

یوولسم فصل د نقلیاتو کمیشن کاری

۸۱۳ ماده:

هغه شوک چی په خپل نامه او د آمر په حساب یې د تجارت د مال د حمل او نقل کسب غوره کړی وی د نقلیاتو کمیشن کار بلل کیري.

د نقلیاتو په کمیشن کاری کښې په هغو حالاتو کښې چی په دی فصل کښې تصریح شوی نه وی د کمیشن په مقاوله پورې مربوط

احکام راجع به قبض و محافظه و بیمه اموال تطبیق می گردد.

ماده ۸۱۴:

کمیسیون کار نقلیات نمی تواند بیش از اجرتی را که با نقل دهنده قرارداد کرده به حساب آمر قید کند.

ماده ۸۱۵:

کمیسیون کار نقلیات وقتی حق مطالبه اجرت را پیدا می کند که اموال را به نقل دهنده تسلیم کرده باشد.

ماده ۸۱۶:

ارایه سند نقلیات علم و خبری که قایم مقام سند نقلیات باشد رسید قبض تودیع اموال به گدام و مکازین وسیله اثبات اموال بدست کمیسیون کار است از حیث مصارف نقلیات و اجرت کمیسیون کار است از حیث مصارف نقلیات و اجرت کمیسیون کار است از حیث و پولهای پیشکی این اموال در نزد کمیسیون کار بحیث گروهی دانسته می شود.

مقررات او خاص بیا د مالونو د قبض او ساتنی او بیمی په خصوص کسبې احکام تطبیق کیږي.

۸۱۴ ماده:

د نقلیاتو کمیسیون کار نشي کولای چې له هغه اجرت نه زیات چې له وړونکی سره یې قرارداد کړی دی د آمر په حساب قید کړی.

۸۱۵ ماده:

د نقلیاتو کمیسیون کار د اجرت د غوښتنې حق هغه وخت پیدا کوی چې مالونه یې نقل کوونکی ته تسلیم کړی وی.

۸۱۶ ماده:

د نقلیاتو د سند یا د هغه علم او خبر چې د نقلیاتو د سند قایم مقام وی او دغه رنګه گدام او مکازینو ته د مالونو د سپارنی د قبض درسید بنکاره کول د کمیسیون کار په لاس کسبې د مالونو د اثبات وسیله ده دغه مالونه د نقلیاتو د لگښتونو او د کمیسیون د اجرت او د پیشکی پیسو له حیثه له کمیسیون کار سره د گروهی په حیث گڼل کیږي.

۸۱۷ ماده:

که متعدد و کمیشن کارانو یوله بل نه وروسته د مالونو په نقل کښې وساطت کړی وی نو هغه کمیشن کاران چې وروسته یې وساطت کړی دی مجبور دی چې له دوی نه د پخوا کمیشن کارانو حقوق او خاص بیاد هغوی د رهن حق په هغو مالونو باندی چې نقل ورکړی شوی دی تأمین کړی.

که د یوه کمیشن کار طلب د وروستی کمیشن کار له خوا تأمین شي د لومړی کمیشن کار د رهن حق وروستی کمیشن کار ته نقل کیري.

ماده ۸۱۷:

هرگاه کمیشن کاران متعدد یکی بعد دیگر در نقل اموال وساطت نموده باشند کمیشن کارانیکه مؤخرأ وساطت نموده اند مجبورند حقوق کمیشن کاران پیش تر از خود را مخصوصاً حق رهن آنها را بر اموالیکه نقل داده شده تأمین نمایند.

اگر طلب یک کمیشن کار از طرف کمیشن کار متعاقب تأمین شود حق رهن کمیشن کار اولی به کمیشن کار متعاقب انتقال می یابد.

۸۱۸ ماده:

په دی صورت چې د نقلیاتو کمیشن کار د نقل ورکونکی اجرت ورکړی حقوق یې په خپله ده ته نقلیږي.

ماده ۸۱۸:

در صورتی که کمیشن کار نقلیات اجرت نقل دهنده را تأدیه نماید حقوق او بخودش انتقال می کند.

۸۱۹ ماده:

په دی صورت چې د هغه په خلاف کومه مقاوله موجوده نه وی د نقلیاتو کمیشن کار کولای شي چې مالونه د خپلو وسایلو په ذریعه نقل کړی.

ماده ۸۱۹:

در صورتی که بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد کمیشن کار نقلیات میتواند اموال را ذریعه وسایل خود نقل دهد.

هرگاه کمیشن کار نقلیات علم و خبر را نظر به تقاضای آمر بنام او تنظیم و صادر نموده باشد و یا اجرت نقلیه و مصارف را بیک مبلغ معین بصورت مقطوع فیصله کرده باشد درین حال در مقابل آمر خود حقوقاً حیثیت نقل دهندہ را پیدا می کند.

ماده ۸۲۰:

مسئولیت کمیشن کار نقلیات یک سال بعد از تاریخیکه اموال از طرف مرسل الیه تسلیم گرفته می شود ساقط می گردد.

اگر اموالیکه نقل آن تعهد شده کاملاً ضایع شده باشد مرور زمان از تاریخیکه اموال تسلیم داده می شد آغاز می گردد.

هرگاه اموال در اثر حیلۀ کمیشن کار گم شده وانمود شده و یا ناقص و خراب گردد و یا ناوقت تر تسلیم داده شده باشد مسئولیت کمیشن کار در ظرف مدت های معینہ فوق ساقط نمی گردد.

که د آمر د غوینتنی له امله د نقلیاتو کمیشن کار علم او خبر د هغه په نامه سره تنظیم او صادر کړی وی او یا د نقلیې اجرت او مصارف یې په یوه ټاکلې مبلغ په مقطوع صورت فیصله کړی وی په دی حال کښې د خپل آمر په مقابل کښې حقوقاً د نقل ورکوونکي حیثیت پیدا کوی.

۸۲۰ ماده:

د نقلیاتو د کمیشن کار مسئولیت وروسته له هغې نېټې څخه چې مالونه د مرسل الیه له خوا اخیستل شوی وی له یو کال نه وروسته ساقطیږی.

که هغه ټول مالونه چې د نقل تعهد یې شوی وی ضایع شوی وی نود زمانی تیریدل له هغې نېټې څخه شروع کیږی چې مالونه سپارل کیده.

که مالونه د کمیشن کار دچم او حیلې په اثر ورک ښوول شوی وی او یا خراب او ناقص شي یا ناوخته ورسپارل شوی وی د کمیشن کار مسئولیت په پورتنیو ټاکلیو مودو کښې نه ساقطیږی.

دوولسم فصل
نقلیات
لومړۍ برخه
عمومی احکام

۸۲۱ ماده:

د نقل ورکوونکي له خوا د اجرت په مقابل کښې په وچه او درياب او فضا کښې د مالونو او يا اشخاصو د حمل او نقل تعهد د نقلیاتو د مقالولي په نامه بلل کيږي.

۸۲۲ ماده:

د دی فصل مقررات په هغو کسانو چې د نقلیاتو معاملی یې خپل کسب نه وی گرځولی او په عارضی صورت د مالونو او اشخاصو په نقلو لو کښې تعهدونه وکړي هم تطبیق کيږي.

۸۲۳ ماده:

ټولی هغه دعوی چې د نقل له مقالولي څخه پیدا کيږي د نقلیاتو د خلاف حقیقت اجرت د استرداد د دعوی په شمول د یوه کال له تیرېدلو څخه وروسته ساقطیږي. دا موده د مالونو په نقل کښې د سپار لوله ورځې او د اشخاصو په نقل کښې د رسیدلوله نېټې

فصل دوازدهم
نقلیات
حصه اول
احکام عمومی

۸۲۱ ماده:

تعهد حمل و نقل اموال و یا اشخاص در خشکه و دریا و فضاء در مقابل اجرت از طرف نقل دهنده بنام مقاوله نقلیات خوانده می شود.

۸۲۲ ماده:

مقررات این فصل بر اشخاصی که معاملات نقلیات را پیشه خود نساخته و بصورت عارضی در نقل اموال و اشخاص تعهداتی بنمایند نیز تطبیق می گردد.

۸۲۳ ماده:

تمام دعاوی ناشی از مقاوله نقل با شمول دعوی استرداد اجرت خلاف حقیقت نقلیات بعد از مرور یک سال ساقط می گردد. این مدت در نقل اموال از روز تسلیم و در نقل اشخاص از تاریخ مواصلت شروع

می‌شود اگر اموال تماماً ضایع گردیده و یا اشخاص موصلت ننموده باشند مدت مرور زمان از تاریخیکه اموال تسلیم و اشخاص موصلت می نمود حساب می گردد.

اگر ثابت شود که اموال از رهگذر حیله نقل دهنده ضایع شده یا نقص نموده و یا ناوقت تر تسلیم شده مسئولیت نقل دهنده در ظرف مدت‌های فوق ساقط نمی‌شود.

حصه دوم نقل اموال

ماده ۸۲۴:

در صورتی که نقل دهنده تقاضا کرده باشد مرسل مکلف بدادن سند نقلیه در دو نسخه می‌باشد ممکن است مقاوله نقلیه بموافقیه طرفین بدون سند نقلیه با تسلیمی اموال به نقل دهنده بعمل آید.

ماده ۸۲۵:

سند نقلیات باید محتوی

خخه شروع کبیری. که مالونه ٲول ضایع شوی وی او یا اشخاص نه وی رسیدلی نودمودی ٲبرٲدل له هغی نٲٲی خخه چٲ مالونه تسلیمیدل او اشخاص رسیدل حسابیری.

که ثابت شی چٲ مالونه د نقل ورکونکی د چم او د حیلی له مخٲ ضایع شوی دی یا ٲی نقص کٲی دی یا ناوخته سپارل شوی دی نود نقل د ورکونکی مسئولیت ٲه پورتنیو مودو کنبی نه ساقطیری.

دوه یمه برخه دمالونو نقل

ماده ۸۲۴:

ٲه دی صورت چٲ نقل ورکونکی تقاضا کٲی وی لٲرونکی مکلف دی چٲ د نقلیٲ سند ٲه دوو نسخو کنبی ورکٲی ممکن دی چٲ د نقلیٲ مقاوله د دواٲو خواوو ٲه موافقه بی د نقلیٲ له سنده نقل ورکونکی ته د مالونو ٲه تسلیمی سره وشی.

ماده ۸۲۵:

د نقلیاتو سند باید دالاتدی

شرایط ولری:

۱- د مرسل الیه آدرس د مالونو د لېږنې ځای، د مال د تحویلی په خصوص کښې شرح مېنی په (امر) او یا د اقتضا له مخې (حامل ته).

۲- د ظرفیت د تول قید او د مالونو شمیر او که مالونه د پاکت په صورت وی د پاکت لمبرونه سره د باربندي له علامو او وصف.

۳- د مرسل هویت او د استوگنې ځای.

۴- د نقل ورکونکي هویت او د استوگنې ځای.

۵- د نقلیاتو د اجرت اندازه او که اجرت یې ورکړی وی د هغه توضیح.

۶- د نقل ورکولو د اجراء موده.

۷- نور هغه خصوصیات چې د طرفینو په منځ کښې ټاکل شوی وی.

۸- هغه ضرر او مسئولیت چې د دی شرایطو د کوم یوه له نه درجېدو څخه پېښ شي او یا له دی پاس موادو څخه یو سهواً درج نشي او یا له حقیقت څخه مخالف قید شي په لېږونکي پوری اړه لری. که هغه مالونه چې نقل کول کیږي

شرایط ذیل باشد:

۱- آدرس مرسل الیه محل ارسال اموال شرحی دایر بر تحویلی مال مېنی بر (امر) و یا عند الاقتضاء به (حامل).

۲- قید وزن ظرفیت، و عدد اموال، و اگر اموال بصورت پاکت باشد نمبرهای پاکت با علامات و وصف باربندي.

۳- هویت و اقامتگاه مرسل.

۴- هویت و اقامتگاه نقل دهندۀ.

۵- مقدار اجرت نقلیات و اگر اجرت پرداخته شده باشد توضیح آن.

۶- مدت اجرای نقل دادن.

۷- خصوصیات دیگریکه در بین طرفین قراردادۀ شده باشد.

۸- ضرر و مسئولیتی که از رهگذر عدم درج یکی از این شرایط وارد شود و یا یکی از مواد فوق سهواً درج نشود و یا مخالف حقیقت قید شود عاید به مرسل است.

اگر اموالیکه نقل داده می شود

خطرناک از قبیل باروت و مواد انفلاقیه باشد مرسلیکه این کیفیت را به اطلاع نمی رساند مجبور به جبران خساره است که ازین رهگذر وارد می شود.

ماده ۸۲۶:

مرسل مجبور است اوراق گمرکی و اسناد دیگر را که برای نقل اموال بکار می آید به نقل دهنده تودیع کند هرگاه این اوراق و اسناد منظم و به حقیقت موافق و تکمیل نباشد مرسل از آن مسئول است.

ماده ۸۲۷:

اگر سند نقلیات تنظیم نگردیده باشد نقل دهنده در صورت درخواست مرسل مکلف است علم و خبری که در آن خصوصیات سند نقلیات درج باشد ترتیب و امضاء نموده بمرسل تسلیم نماید.

ماده ۸۲۸:

یک نسخه سند نقلیات بعد از امضاء از طرف مرسل به نقل دهنده تودیع و با

لکه باروت او نور چاودیدونکی مواد خطرناک وی نو هغه لیرونکی چې د کیفیت اطلاع نه ورکوی د هغې خساری په تاوان ورکولو باندی مجبور دی چې ددی له امله پېښیږي.

ماده ۸۲۶:

لیرونکی مجبور دی چې گمرکی پانې او نور اسناد چې د مالو نو د نقل د پاره په کار کیږي نقل کوونکی ته وسپاری که چېری دا پانې او اسناد منظم او له حقیقت سره سم تکمیل نه وی نو لیرونکی یې مسئول دی.

ماده ۸۲۷:

که د نقلیاتو سند تنظیم شوی نه وی نقل ورکوونکی د لیرونکی د غوښتنې په صورت کې مکلف دی هغه علم او خبر چې په هغه کې د نقلیاتو د سند خصوصیات درج وی ترتیب اولاس لیک کړی او لیرونکی ته یې وروسپاری.

ماده ۸۲۸:

د نقلیاتو د سند یوه نسخه د لیرونکی ترلاسیک وروسته نقل ورکوونکی ته سپارل کیږي

اموال یکجا فرستاده می‌شود نسخه دیگر بامضای نقل دهنده به مرسل اعاده می‌گردد.

اگر سند نقلیات محرر به امر و یا حامل باشد ظهر نویسی و یا تسلیمی آن حکم نقل ملکیت اموال را دارد.

شکل و نتایج ظهر نویسی تابع همان احکامی است که درباره اسناد تجارتي وضع شده است.

ماده ۸۲۹:

اگر نقل دهنده درباره وضعیت اموال و اخذ اشیاء در سند نقلیات و یا در ورقه علیحده که به موجب اشیاء را قبول کرده شرحی قید نکرده باشد چنین محسوب می‌شود که عدم وجود نقص ظاهری اموال را تصدیق کرده است.

معذالک اگر نقل دهنده اموال را بدون اعتراض هم قبول کرده باشد می‌تواند ادعا و اثبات کند که نقایص غیر ظاهر و غیر قابل ادراک در آن وجود داشته

او له مالونو سره یو ځای لیرل کیري بله نسخه یې د نقل ورکونکی په لاس لیک سره لیرونکی ته اعاده کیري.

که د نقلیاتو سند په امر او یا حامل لیکلی شوی وی د هغه په شالیکنه او یا تسلیمی د مالونو د ملکیت د نقل حکم لری.

په شاد لیکنی شکل او نتیجی د هغو احکامو تابع دی چې د تجارتي اسنادو په باره کښې وضع شوی دی.

۸۲۹ ماده:

که نقل کوونکی د مالونو د وضعیت او د شیانو د اخیستلو په باره کښې د نقلیاتو په سند او یا په بیله پاڼه کښې چې د هغو له مخې یې شیان قبول کړی وی کومه شرح نه وی قید کړی داسی گڼل کیري چې د مالونو د ظاهری نقص نشتوالی یې تصدیق کړی دی.

سره له دی که نقل کوونکی مالونه بی له اعتراضه هم قبول کړی وی کولای شي چې دا دعوی او اثبات وکړي چې پت او نه لیدونکی نقصانونه په هغو کښې موجود

دی.

باشد.

۸۳۰ ماده:

نقل ورکونکی مجبور دی له هغه امر سره سم چې د مالونو د لیږنی په باره کښې ده ته ورکړی شوی دی تگ وکړې پرته له فوق العاده او مجبره احوالو چې پخپله دی د احوالو په اقتضا سره اقدام کولای شي.

ماده ۸۳۰:

نقل دهنده مجبور است مطابق امری که در باره ارسالی اموال باو داده شده است رفتار نماید باستثنای احوال فوق العاده و مجبره که خودش بباقتضای احوال اقدام می تواند.

۸۳۱ ماده:

که چېرې د شيانو نقل د هغه فوق العاده حالت او مجبره سبب په اثر چې په دواړو خواوو پوری اړه نلری امکان ونه لری او یا وځنډیږی نو نقل ورکونکی ته اطلاع ورکړی.

ماده ۸۳۱:

هرگاه نقل اشیاء باثر حالت فوق العاده و سبب مجبره که بطرفین ارتباط نداشته باشد ممکن نگردد و یا بتأخیر افتد نقل دهنده مجبور است کیفیت را فوراً بمرسل اطلاع دهد.

۸۳۲ ماده:

پدی صورت کی لیږونکی کولای شي چې د نقلیاتو د سند نسخه چې نقل ورکونکی لاس لیک کړیدی اعاده کړی او هغه تسویه چې په (۸۳۴) ماده کښې پیش بینی شوی ده معموله کړی او مقاوله فسخ کړی.

۸۳۲ ماده:

در این صورت مرسل می تواند نسخه سند نقلیات را که نقل دهنده امضاء کرده است اعاده کند و تسویه را که در ماده (۸۳۴) پیش بینی شده معمول داشته و مقاوله را فسخ نماید.

۸۳۲ ماده:

لیږونکی لکه چې له (۸۳۴) او

ماده ۸۳۲:

مرسل چنانچه (مطابق مواد-

(۸۳۵) مادی سره سم حق لری د تاوان ورکولو سره، نقلیات تال او شیان مسترد کړی همدا ډول واک لری چې بی له مرسل الیه څخه شیان بل ته تسلیم کړی او یا په بل ډول په هغو کښې تصرف وکړی. مگر نقل ورکوونکی له هغې نېټې څخه چې شیان مطلوبه محل ته رسیدلی او مرسل الیه د هغو د تسلیمی تقاضا کړی وی او یا له هغې ورځې څخه چې مرسل الیه د نقلیاتو سند تسلیم کړی او یا نقل ورکوونکی مرسل الیه خبر کړی وی نو نقل ورکوونکی د لېږونکی د امر وپه اجرا مکلف نه دی. که د نقلیاتو سند د حامل په وجه یا محرر په امر وی نو نقل ورکوونکی یواځې د هغه شخص د امر وپه اجرا مکلف دی چې د نقلیاتو لاس لیک شوی سند د نقل ورکوونکی له خوا ښکاره او تسلیم کړی.

۸۳۳ ماده:

که د مرسل یا مرسل الیه د نویو هدایاتو له مخې هغه مسافه چې وهله کیږي او یا د نقل موده زیاته شي نقل ورکوونکی حق لری چې د

۸۳۴ و ۸۳۵) حق دارد با پرداخت غرامت نقلیات را معطل و اشیاء را استرداد کند همچنان صلاحیت دارد بدون از مرسل الیه اشیاء را بدیگری تسلیم و یا طور دیگری در آن تصرف نماید ولی نقل دهنده از تاریخیکه اشیاء به محل مطلوبه واصل شده و مرسل الیه تقاضای تسلیمی آن را کرده باشد یا از روزیکه مرسل الیه سند نقلیات را تسلیم شده و یا نقل دهنده مرسل الیه را مطلع نموده باشد نقل دهنده مکلف با اجرای اوامر مرسل نمی باشد.

اگر سند نقلیات در وجه حامل و یا محرر بامر باشد نقل دهنده تنها مکلف به اجرای اوامر شخصی است که سند نقلیات امضا شده از طرف نقل دهنده را ارائه و تسلیم نماید.

ماده ۸۳۳:

اگر نظر به هدایات جدید مرسل و یا مرسل الیه مسافه که طی می شود و یا مدت نقل زیاد شود نقل دهنده حق دارد

به تناسب زیادت مسافه و مدت اجرت کرایه و مصارفی را که در این راه متحمل شده است تقاضا نماید.

ماده ۸۳۴:

اگر سفر نظر به احوال فوق العاده و اسباب مجبره که به هیچ یکی از طرفین مربوط نباشد قطع گردد نقل دهنده حق طلب کرایه را نسبت به قطع مسافه و استیفاء مصارفی را که متحمل گشته دارا می باشد.

اگر در اثر احوال فوق العاده و اسباب مجبره به نقل شروع نشده باشد نقل دهنده مستحق اجرت نمی گردد ولی حق دارد مصارف حمل و نقل و غیره مصارف ضروریه را که متحمل شده مطالبه نماید.

ماده ۸۳۵:

اگر حمل به تقاضای مرسل الیه قطع شده باشد مواد ذیل اجرا می شود:

۱- اگر وسیله نقلیه قبل از حرکت توقیف شود مرسل نصف اجوره مقرر و مصارف حمل و تخلیه را با مصارف

مسافی او مودی د زیاتو الی په تناسب هغه کرایه او مصارف وغواړی چې په دی لاره کښې یې گاللی وی.

ماده ۸۳۴:

که سفر د فوق العاده احوالو او مجبره اسبابو له مخې چې په دی دواړو طرفو باندی اړه نه لری قطع شی نو نقل ورکونکی د مسافی د قطع د باړی د هغو مصارفو لاس ته راوړلو په نسبت چې گاللی یې دی د غوښتنې حق لری.

که د فوق العاده احوالو او مجبره اسبابو له امله په وړلو سره پیل نه وی شوی نو وړونکی د اجرت حق نلری لیکن حق لری چې د وړلو، تشونو او نورو هغو ضروری لگښتونو غوښتنه وکړې چې گاللی یې دی.

ماده ۸۳۵:

که باریدل د مرسل الیه په تقاضا قطع شوی وی لاندنی مواد اجرا کیږي:

۱- که د نقلیې وسیله پخوا له حرکت څخه توقیف شی مرسل د مقررہ اجوری نیما یې او د باریدو او خالی کولو مصارف سره له هغو

ضروری دیگری که از طرف نقل دهنده بعمل آمده باشد متحمل می شود.

۲- اگر وسیله نقلیه بعد از حرکت معطل شده باشد مرسل مکلف است تمام اجرت نقلیه و مصارف تخلیه را با مصارفی که در اعاده اموال بوی بعمل آمده تحمل کند.

ماده ۸۳۶:

نقل دهنده مکلف است اموال را نظر بمدت مقررہ مقاوله و یا عرف تجارتی و در صورت عدم آن در ظرف یک مدت معقول نقل بدهد.

ماده ۸۳۷:

اگر اموال بعد از مدت معین واصل گردد طرف مربوط معامله میتواند به تناسب مدت تأخیر ادعای تنزیل را در اجرت نقلیه بنماید.

هرگاه مدت تأخیر از دو چند مدت معینه مقاوله تجاوز نماید حق اجرت نقلیات تماماً ساقط می شود و نقل دهنده از خساراتیکه از این سبب باثبات برسد مسئول است مقرراتیکه

نورو ضروری مصارفو چپ د نقل ورکونکی له خوا شوی وی متحمل کیبری.

۲- که نقلیه وسیله وروسته له حرکتہ تال شوی وی مرسل مکلف دی چپ د نقلیه پول اجرت او د تخلیپ مصارف سره له هغو مصارفو چپ د مال په اعاده کنبی له ده نه شوی وی په غاړه واخلی.

ماده ۸۳۶:

نقل ورکونکی مکلف دی چپ مالونه د مقاولی د مقررۍ مودی یا تجارتی عرف له مخی او که داسی نه وی په یوه معقوله موده کنبی نقل کری.

ماده ۸۳۷:

که مالونه وروسته له ټاکلی مودی ورسپری د معاملی مربوط طرف کولای شی چپ د تأخیر د مودی په تناسب د نقلیسی په اجرت کنبی د تنزیل ادعا وکړی.

که د تأخیر موده د مقاولی له ټاکلی مودی څخه یو په دوه تیری وکړی نو د نقلیاتو د اجرت پول حق ساقطیږی او نقل ورکونکی له هغو خسارو څخه چپ له دی سببه په اثبات ورسپری مسئول دی. هغه

راجع بعدم مسئولیت نقل دهنده در مقاوله درج گردد کان لم یکن است. اگر نقل دهنده اثبات کند که سبب معطلی مرسل و مرسل الیه و یا سبب مجبره فوق العاده بوده است از تأخیر وصول اموال مسئول نمی شود.

وانمود فقدان و یا عدم کفاف وسایط نقلیه برای تأخیر عذر شمرده نمی شود.

ماده ۸۳۸:

نقل دهنده از تاریخ تسلیم اموال الی تاریخ تسلیم آن به مرسل الیه از هر نوع ضایعات و خسارات وارده مسئول است.

ولی اگر نقل دهنده ضیاع و خساره را به دلایل ذیل ثابت کند از مسئولیت بری می گردد:

۱- احوال فوق العاده و سبب مجبره.

۲- ثبوت معایب و نقایص ذاتی در اموال و یا باربندی آن.

مقررات چي د نقل و رکونکی د نه مسئولیت په خصوص کښې په مقاوله کښې درج شي کان لم یکن گڼل کیږي که د نقل و رکونکی اثبات کړی چي د معطلی سبب مرسل او مرسل الیه او یا مجبره او فوق العاده سبب دی د مالونو د رسیدو له تأخیر څخه مسئول نه دی.

د تأخیر د پاره د نقلیه وسایطو ورکه یانه کفاف نبودل عذر نه بلل کیږي.

ماده ۸۳۸:

نقل و رکونکی د مالونو د تسلیم له نېټې څخه مرسل الیه ته د ورتسليمولو تر نېټې پورې د هر ډول پېښ شویو ضایعاتو او خساراتو مسئول دی.

مگر که نقل و رکونکی د هغو ضایع کیدل او خساری په لاندنیو دلایلو ثابت کړی له مسئولیت څخه وزی:

۱- فوق العاده احوال او مجبره سبب.

۲- په مالونو کښې ذاتی عیبونه او نقصانونه او یا د هغو باربندی.

۳- ثبوت ضیاع خساره که ناشی از اعمال و هدایات مرسل و یا مرسل الیه بوده باشد. تنها در ضیاع و خساره فقره سوم اگر مال تماماً ضایع هم شود نقل دهنده بصورت پوره مستحق اجوره می‌باشد در موارد (۱) و (۲) اگر قسمتی از اموال تلف شده باشد نقل دهنده مستحق اخذ اجوره قسمت متباقی می‌باشد.

ماده ۸۳۹:

مسئولیت نقل دهنده در نقل اموال از تاریخیکه اموال را بدان مقصد تسلیم می‌شود آغاز می‌یابد.

ماده ۸۴۰:

در اشیائیکه در اثنای نقل حجم و وزن آن کم می‌شود نقل دهنده می‌تواند مقدار فیصدی تناقص آنرا قبلاً معین و موافقه طرف معامله را کتباً حاصل کند.

در صورتی که اموال در بسته ها تقسیم شده باشد این مسئولیت برای هر کدام آنها

۳- د هغی ضیاع- خساری ثبوت چي د مرسل او یا مرسل الیه له اعمالو او هدایاتو خخه وی یواخی د دریمی فقری په ضیاع او خساره کنبی که مال ټول ضایع شوی هم وی نقل ورکونکی په پوره ډول د اجوری مستحق دی، په (۱) او (۲) موادو کنبی که د مالونو یوه برخه تلف شوی وی نقل ورکونکی د پاتی برخی د اجوری اخیستلو مستحق دی.

ماده ۸۳۹:

د نقل ورکونکی مسئولیت د مالونو په نقل کنبی له هغی نټی خخه شروع کیږي چې په دی مقصد یې د مالونو په بارولو پیل کړی وی.

ماده ۸۴۰:

په هغو شیانو کنبی چې حجم او ټول یې کمېږي نقل ورکونکی کولای شي چې د هغو تناقض فیصدی اندازه د مخه وټاکي او معامله کونکی موافقه په لیکنه سره لاس ته راوولی.

په دی صورت چې مالونه په انډیو کنبی تقسیم شوی وی دا مسئولیت دوی هر یوه ته

حانگري تحديد دای شي.

که مرسل یا مرسل الیه اثبات کړي چې لږوالی د شيانو د ماهیت څخه نه دی پیدا شوی بلکه د بل علت په اثر پیدا شوی دی او یا لږوالی له هغې اندازې څخه کم دی چې ټاکلی شوی ده. پدی وخت کېنې د مسؤلیت د تحدید موضوع بی تأثیره پاتی کېږي.

۸۴۱ ماده:

نقل ورکونکی د نورو ټولو هغو نقل ورکونکو سره د ده قایم مقام کېږي او هغو کسانو سره چې له ده سره مرسته کوی او یا هغو کسانو سره چې د مالونو نقل یې هغوته سپارلی دی مرسل الیه ته د شيانو تر تسلیمی پوری مسؤل دی.

۸۴۲ ماده:

د شيانو د ضیاع خساره نظر د نقلیاتو د سند مندرجه قیمت ته او که د نقلیاتو په سند کېنې قیمت نه وی ذکر شوی نظر د مال جاری قیمت ته د تسلیم په محل کېنې ټاکل کېږي.

د شيانو د خساری ضرر نظر د هغه لومړنی قیمت توپیره

جداگانه تحدید شده باشد.

اگر مرسل و یا مرسل الیه اثبات کند که کمبودی از ماهیت اشیاء نشئت نکرده بلکه در اثر علت دیگری بوجود آمده و یا کمبود کمتر از آن مقداری است که معین شده، آنگاه موضوع تحدید مسؤلیت بی تأثیر می ماند.

ماده ۸۴۱:

نقل دهنده از افعال و خطا های تمام نقل دهندگان دیگر که قایم مقام او می شود و آنهائیکه با وی معاونت می کنند و یا کسانیکه نقل اموال را به آنها سپرده است الی تسلیمی اشیاء بمرسل الیه مسؤل می باشد.

ماده ۸۴۲:

خساره ضیاع اشیاء نظر به قیمت مندرجه سند نقلیات و اگر در سند نقلیات قیمت ذکر نشده باشد نظر بقیمت جاری مال در محل تسلیم تعیین می گردد.

ضرر خساره اشیاء نظر به تفاوت قیمت اولی که

قبل از تسلیمی مال در محل تسلیم وجود داشت و قتی که بعد از خساره اموال در محل تسلیم مروج است تثبیت می گردد.

ماده ۸۴۳:

در صورت ضیاع و یا خساره مند شدن اشیاء نقل دهنده قیمت های را که قبول کرده تضمین می کند ضرر اموال مسافری که بدون اظهار ماهیت و قیمت به نقل دهنده تودیع میکند نظر به احوال خصوصیه هر واقعه و شخص تعیین و تثبیت می شود.

نقل دهنده از ضرر و ضیاع اشیاء ذی قیمت نقود، حجت، سهام، سندات قرض و دیگر اوراق و اسنادیکه در حین تودیع با او اطلاع داده نمی شود مسئول نمی باشد.

معذک در صورتی که حیل و یا تقصیر فاحش نقل دهنده در ضیاع و ضرر به ثبوت رسد مکلف بتأدیه تمام آن می

چپ د مال له تسلیمی خخه پخواپ د تسلیم په محل کنبی وجود درلود او هغه قیمت چپ د مالونو له خساری خخه وروسته د تسلیم په محل کنبی مروج دی تثبیتپری.

ماده ۸۴۳:

د شیانو د ضیاع او زیانمیدو په صورت نقل کوونکی د هغو قیمتونو چپ منلی یې دی تضمین کوی د مسافرینو د مالونو ضرر چپ بی د ماهیت او قیمت له اظهاره نقل ورکوونکی ته سپاری نظر د هری پېښې او شخص خصوصی احوالوته تعیین او تثبیتپری.

نقل ورکوونکی د قیمت لرونکو شیانو له ضیاع او ضرر خخه لکه نقدی، حجت، سهمونه د پور سندونه او نوری هغه پانې او سندونه چپ د سپارنی په وخت کنبی د هغې اطلاع نه ورکوله کپری مسئول نه دی.

سره له دی په دی صورت چپ په ضیاع او ضرر کنبی د نقل ورکوونکی حیل و یا فاحش تقصیر ثابت شی د هغو ټولو په

ورکره مکلف دی.

باشد.

۸۴۴ ماده:

هغه نقل ورکوونکی چې له لومړي نقل ورکوونکی څخه وروسته د شیانو نقل ته ملاتړی په ټولو هغو پوړونو کې چې د منقولو مالونو او د نقلیې د سند له تسلیم څخه وروسته پیدا کېږي د لومړي نقل ورکوونکی قایم مقام دی او کولای شي چې د نقلیې په سند او یا په یوه بله پاڼه کې د هغو شیانو د وضع کیفیت چې په تسلیم ورکړ شوی دی درج او قید کړي که یې رعایت ونکړي نو د (۸۲۹) مادې حکم ورباندې تطبیق کېږي.

۸۴۴ ماده:

نقل دهندگانیکه بعد از نقل دهندۀ اول به نقل اشیاء مبادرت می ورزند در تمام دینیکه پس از تسلیم اموال منقول و سند نقلیه بوجود می آید قایم مقام نقل دهندۀ اول می باشند و می توانند در سند نقلیه و یا یکورقه دیگر چگونگی وضع اشیائرا که تسلیم داده شده است درج و قید نمایند در عدم رعایت حکم ماده (۸۲۹) تطبیق می شود.

۸۴۵ ماده:

نقل ورکوونکی مجبور دی د هغو شیانو له رسیدو څخه چې نقل ورکاوه کېږي مرسل ته اطلاع ورکړي.

۸۴۵ ماده:

نقل دهنده مجبور است از وصول اشیائیکه نقل داده می شود به مرسل اطلاع دهد.

۸۴۶ ماده:

نقل ورکوونکی مجبور دی هغه هدايات چې د شیانو له رسیدو څخه پخوا د شیانو د ساتنې په خصوص کې چې د مرسل الیه له خواده ته ورکړی شوی دی اجراء

۸۴۶ ماده:

نقل دهنده مجبور است هداياتی را که قبل از وصول اشیاء از طرف مرسل الیه راجع به محافظت اشیاء به اوداده می شود اجراء

کری.

مرسل الیه کولای شی چې د شیانو له رسیدو نه وروسته او یا په هغه صورت چې د نقلیه سند او یا دا ډول علم او خبر حامل وی چې هغه د سند قایم مقام واقع شی وروسته د مالونو د رسیدو نېټې له تیریدو هغو ټولو حقوق سره د خساری او تاوانه که د ده د پاره وی او که د دریمو کسانو د پاره له نقل کونکې څخه وغواړی.

د نقلیه د یوه سند حامل محرر په حامل او یا محرر په امر د مرسل الیه په حیث گڼل کیږي.

۸۴۷ ماده:

په دی صورت چې په خلاف یې مقاله موجوده نه وی د نقلیه اجرت سره له نورو مصارفو په ټاکل شوی حساب کښې د شیانو له تسلیمی نه وروسته د نقلیاتو د سند له مخې د مرسل الیه له خوا ورکول کیږي.

۸۴۸ ماده:

هغه څوک چې د نقل شویو شیانو د تسلیمی د پاره رجوع کوی په دی صورت چې ونشي کولای خپله اجوره ورکړی نقل

نماید.

مرسل الیه می تواند بعد از وصول اشیاء و یا در صورتی که حامل سند نقلیه و یا علم و خبری باشد که قایم مقام سند واقع گردد بعد از مرور تاریخ وصول اموال تمام حقوق آنرا بشمول دعوای جبران خساره که خواه بر له او و یا بر له اشخاص ثالث باشد از نقل دهنده مطالبه نماید.

حامل یک سند نقلیه محرر بحامل و یا محرر بامر بحیث مرسل الیه تلقی می شود.

ماده ۸۴۷:

در صورتی که خلاف آن مقاله موجود نباشد اجرت نقلیه با مصارف دیگر بعد از تسلیمی اشیاء در محل مقصود نظر به سند نقلیات از جانب مرسل الیه تأدیسه می شود.

ماده ۸۴۸:

شخصی که برای تسلیمی اشیاء نقل شده رجوع می کند در صورتی که نتواند بدهی خود را تأدیسه بدارد نقل دهنده

مجبور به تسليم اشياء نمي باشد اگر در مقدار بدهي اختلافي واقع شود مرسل اليه مقداري را كه بحيث قرض بدمه خود قبول دارد تسويه مي نمايد و راجع به اجرت باقيمانده اگر آنرا به يك بانك معتبر و يا شخص امنيتي توديع نمايد در اينحال نقل دهنده مجبور بتسليم اشياء مي گردد.

نقل دهنده مجبور نيست قبل از اعاده نسخه ثاني سند نقليات كه خواه محرر به نام و خواه در وجه حامل و يا محرر به امر بوده و داراي امضاء وي باشد اشياء را تسليم نمايد.

ماده ۸۴۹:

نقل دهنده مي تواند براي حصول تمام طلباتي كه از مقاوله نقليه نشئت مي نمايد اموال را نگاه دارد. اگر نقل دهنده گان متعدد باشند نقل دهنده آخرين حقوق نقل دهنده گان اولي را صيانت مي كند مبلغی كه نظر به ماده (۸۴۸) از جانب مرسل اليه به امانت توديع مي گردد از

وركوونكي به تسليم مجبور نه دي كه د اجوري په اندازه كښي اختلاف پيښ شي نو مرسل اليه هغه اندازه چې د پورپه ډول يې په ځان قبوله كړي ده تسويه كوي او د پاتي اجرت په خصوص كښي كه هغه يوه معتبر بانك ته او يا امين شخص ته وسپاري په دي حال كښي نقل وركوونكي د شيانو په تسليم مجبور يږي.

نقل وركوونكي مجبور نه دي چې د نقلياتو د سند د دوهمي نسخي له اعادي څخه پخوا كه په نوم ليكل شوي وي او كه د حامل په وجه او كه په امر ليكلي وي شيان تسليم كړي.

ماده ۸۴۹:

نقل وركوونكي كولای شي چې د هغو ټولو طلباتو د په لاس راوړلو دپاره چې د نقلیه له مقاولی څخه پیدا کيږي مالونه وساتي که نقل وركوونكي متعدد دوي نو وروستني نقل وركوونكي د لومړنيو نقل وركوونكو حقوق ساتي هغه مبلغ چې د (۸۴۸) مادي له مخي د مرسل اليه له خوا امانت سپارلی

کیرپی نظر د نقل ورکونکی د ساتنی حق ته د شیانو حکم لری.

۸۵۰ ماده:

که وروستنی نقل ورکونکی شیان بی د (امانت ته د طلباتو د سپارنی له تقاضا) څخه او بی د خپل او د پخوا نیو نقل ورکونکو او د مرسل د حق له په لاس راوړلو څخه تسلیم کړی نو دلگېدلو پیسو او د لومړنیو نقل ورکونکو او یا د مرسل د پورونو مسئول گڼل کیرپی. مگر په مرسل الیه باندی پخپله د ده د رجوع حق به ساتلی پاتی شی.

۸۵۱ ماده:

که د شیانو د تسلیم په وخت کښې هغه خارجی علامی چې په خساره دلالت وکوی موجودی هم نه وی مرسل الیه حق لری چې د هغو اوضاع او اوصاف د نقل ورکونکی په حضور او یا د تجارتي محکمی په ذریعه د تسلیم په ځای کښې معاینه کړی دا حق نقل ورکونکی هم لری.

ددی ډول معاینی مصارف په هغه طرف پوری اړه لری چې د معاینی غوښتنه کوی مگر که هغه مصارف چې د مرسل الیه له خوا تسویه

نقطه نظر حق نگهداری نقل دهنده حکم اشیاء را دارد.

ماده ۸۵۰:

اگر نقل دهنده آخرین اشیاء را بدون (تقاضای تودیع طلبات به امانت) واستیفاء حق خودش و نقل دهنده گان ماقبل و یا مرسل را تسلیم نماید. از مبالغ صرف شده و یا دیون مرسل و یا نقل دهندگان اولی مسئول شمرده می شود.

ولی حق رجوع خود او به مرسل الیه محفوظ خواهد ماند.

ماده ۸۵۱:

اگر در حین تسلیم اشیاء علامات خارجی که دلالت بر خساره کند موجود هم نباشد مرسل الیه حق دارد اوضاع و اوصاف آن را در حضور نقل دهنده و یا ذریعه محکمه تجارتي محل تسلیم معاینه کند این حق را نقل دهنده نیز دارا می باشد.

مصارف اینطور معاینه مربوط به طرفی است که تقاضای معاینه را می نماید ولی اگر مصارفی که از طرف

کیرپی اصلاً په نقل ورکونکی پوری اړه ولری او د نقلیه له ضیاع او خساری څخه پیدا شوی وی له نقل ورکونکی څخه اخیستل کېدای شي.

۸۵۲ ماده:

د تاوان دعوی چې په نقل ورکونکی باندی اقامه کیرپی ممکن دی چې په لومړنیو او یا وروستنیو نقل ورکونکو باندی هم وشي که ثابت شي چې ضیاع او خساره په هغه وخت کېنې پېښه شویده چې بل نقل ورکونکی مال تسلیم کړی وو نو د مالو نو د انتقال په لړ کېنې به دعوی ده ته متوجه شي.

که کوم نقل ورکونکی د هغو چارو په سبب چې په هغو سره مسئول نه بلل کیرپی دیوی خساری تاوان گاللی وی یا له دی جهته د دعوی تقاضا ورباندی شوی وی نو په لومړنیو نقل ورکونکو چې په دی لړ کېنې مسئولیت لری د رجوع حق ساتلی دی.

که هغه نقل ورکونکی چې باید له خساری او ضیاع څخه

مرسل الیه تسویه می شود اصلاً متعلق به نقل دهنده بوده و از ضیاع و خساره نقلیه ناشی باشد از نقل دهنده گرفته شده می تواند.

ماده ۸۵۲:

دعاوی غرامت که علیه نقل دهنده اقامه می شود ممکن است که علیه نقل دهنده گان اولی و یا آخری هم به عمل آید اگر ثابت شود که خساره و ضیاع در مدتی صورت گرفته که نقل دهنده دیگری مال را تسلیم شده بود در سلسله انتقال اموال دعوی علیه او متوجه خواهد شد.

اگر نقل دهنده به سبب اعمالیکه به آن مسئول شمرده نمی شود خساره را جبران کرده باشد یا از این جهت مورت تقاضا و دعوی واقع شده باشد حق رجوع او به نقل دهنده ما قبل و یا نقل دهندگان دیگر که بدین سلسله مسئولیت دارنده محفوظ می باشد.

اگر نقل دهنده که باید از خساره و ضیاع مسئول باشد

تعیین شده نتواند ضرر وارده در بین همه نقل دهندگان متناسب به حصه اجرت ایشان تقسیم می شود.

معدّلک اگر نقل دهنده ثابت کند که خساره وارده در مدت نقل مربوط او بوقوع نه پیوسته از اشتراک در جبران خساره معاف است.

ماده ۸۵۳:

در صورتی که نقل دهنده مرسل الیه را پیدا نکند و یا مرسل الیه از قبولی اشیاء امتناع ورزد و یا در قبولی مال معطلی کند و یا یک سبب دیگری که مانع تسلیم شود بوقوع آید نقل دهنده مکلف است فوراً کیفیت را بمرسل ابلاغ و بجواب او انتظار بکشد اگر امکان اطلاع بمرسل موجود نباشد و یا مرسل در جواب معطلی کند و یا هدایتی دهد که اجرای آن غیر ممکن باشد نقل دهنده می تواند به محکمه تجارتی محلی مراجعه و اشیاء را

مسئول وی معلوم نکری شی پینب شوی زیان د تولو نقل ورکونکو په منخ کنبې د دوی د اجرت د برخی په تناسب ویشل کپړي.

سره له دی که نقل ورکونکی ثابت کړی چې پېښه شوی خساره د نقل د هغې مودی په وخت کنبې چې په ده پوری یې اړه درلوده نه ده پېښه شوی د خساری په تاوان کنبې له گډون څخه معاف دی.

ماده ۸۵۳:

په دی صورت چې نقل ورکونکی مرسل الیه پیدا نکری او یا مرسل الیه د شیانو له قبولی څخه منع راوړی او یا د مال په قبولی کنبې ځنډ وکړې یا یوبل دا ډول سبب چې د تسلیم مانع شی پینب شی نقل ورکونکی مکلف دی چې ژرترزه کیفیت مرسل الیه ته ابلاغ کړی او ځواب ته یې انتظار وباسی که مرسل الیه ته د ابلاغ امکان نه وی او یا مرسل الیه په ځواب کنبې معطلی وکړې او یا داسی هدایت ورکړی چې د هغه اجرا ممکنه نه وی نقل ورکونکی کولای شی چې محلی تجارتی محکمی ته مراجعه

به تشخیص امین محکمہ به شخص امین تسلیم دهد. خطرو ضرریکه این گونه اشیاء به آن مواجه می باشد متعلق به مرسل است. اشیاء سریع الفساد بوده و در مدت اطلاع وقوع ضرر به مرسل مضرر باشد نقل دهنده بر طبق حکم ماده (۶۵۵) رفتار و اجوره نقلیات و مصارف واقعی را از ماحصل آن استیفاء می کند نقل دهنده مؤظف است تا در کوتاه ترین مدت از کیفیت موضوع به مرسل غیر این صورت مورد تقاضای جبران ضرر واقع شده می تواند.

ماده ۸۵۴:

در صورت وجود اوضاع ماده (۸۵۳) نقل دهنده مجبور است در نقل اشیاء و حفاظة منافع مالک از سرعت و بصیرت کار بگیرد در غیر آن به جبران خساره که از این حیث به مالک می رسد مکلف می باشد.

وکری او شیان د محکمی په تشخیص امین شخص ته تسلیم کری هغه خطر او ضرر چې دا ډول شیان ورسره مخامخ کیږي په مرسل پوری اړه لری شیان ژر فاسدیدونکی وی او د اطلاع په موده کښې د ضرر پیښېدل په مرسل پوری مضمروی نو نقل ورکونکی به له (۶۵۵) مادی سره سم تگ کوی او د نقلیاتو اجوره او واقعی مصارف به د هغوله ماحصول څخه پوره کوی نقل ورکونکی مؤظف دی چې په ډیره لنډه موده کښې د موضوع له کیفیت څخه مرسل او مرسل الیه ته اطلاع ورکړی او که داسی ونکړی نو د ضرر تاوان ورځنې غوښتل کیدای شي.

ماده ۸۵۴:

د (۸۵۳) مادی د اوضاع د وجود په صورت نقل ورکونکی مجبور دی چې د شیانو په نقل او د مالک د گټو په ساتنه کښې له چالاکۍ او بیداری څخه کار واخلی او که داسی نشي نو د هغې خساری په تاوان ورکولو چې له همدی لاری مالک ته رسیږي مکلف دی.

ماده ۸۵۵:

د نقلیاتو د اجورې تسویه او د شیانو بلا شرطه قبولی په نقل ورکوونکی د دعوی حق ساقطوی. سره له دی که د شیانو خساره له قبولی څخه پخوا د هغو کارپوهانو په ذریعه چې محکمې ټاکلی وی تثبیت شوی وی په نقل ورکوونکی باندی د مرسل الیه د دعوی حق نه ساقطیږي. که د شیانو د قبولی په وخت کېنې د هغو د ضیاع او یا نقص پیژندلو امکان نه وی د نقلیاتو د اجورې تر تسویې او قبولی وروسته هم نظر لاندی موادو ته په نقل ورکوونکی باندی د دعوی حق ساتلی پاتې کیږي:

۱- که دا اثبات شي چې دغه ضیاع او خساره د هغې مودی په منځ کېنې چې شیان نقل ورکوونکی اخیستی او مرسل الیه ته یې تسلیم کړی پېښه شوی ده. ۲- که د شیانو معاینه او تدقیق د هغو په ضرر باندی له پوهیدلو او قبولی څخه اته ورځې وروسته د پوهو کسانو په ذریعه شوی وی په دی صورت چې ضرر او خساره د

ماده ۸۵۵:

تسویه اجوره نقلیات و قبولی بلا شرط اشیاء حق دعوی را علیه نقل دهنده ساقط می گرداند. معذک اگر خساره اشیاء قبل از قبولی توسط اهل خبره ایکه محکمه تعیین کرده تثبیت شده باشد حق دعوی مرسل الیه علیه نقل دهنده ساقط نمی شود اگر حین قبولی اشیاء امکان فهمیدن ضیاع و یا نقص آن موجود نباشد بعد از قبولی و تسویه اجوره نقلیات نیز نظر به مواد آتی حق دعوی علیه نقل دهنده محفوظ می ماند:

۱- اگر اثبات شود که ضیاع و خساره در بین مدتی که اشیاء را نقل دهنده اخذ و به مرسل الیه تسلیم کرده واقع شده. ۲- اگر معاینه و تدقیق اشیاء هشت روز بعد از فهمیدن ضرر و قبول اشیاء توسط اهل خبره شده باشد. در صورتی که خساره و ضرر ناشی از حیل و

نقل ورکوونکی له حیلې او فاحش
تقصیر څخه پیدا شوی وی نوموړی
نشې کولای چې د دعوی د حق د
سقوط ادعا وکوی.

یا تقصیر فاحش نقل دهنده
باشد نامبرده نمی تواند
ادعای سقوط حق دعوی را
بنماید.

درپیمه برخه د اشخاصو ترانسپورت

حصه سوم ترانسپورت اشخاص

۸۵۶ ماده:

مسافرین مکلف دی هغه اصول
چې نقل ورکوونکی یې د نقلیه
خدمتونو د تنظیم د پاره وضع کوی
رعایت کړی.

۸۵۶ ماده:

مسافرین مکلف اند اصولی را که
نقل دهنده برای تنظیم
خدمات نقلیه وضع می کند
رعایت نمایند.

۸۵۷ ماده:

که سفر وروسته له عقد او پخوا
له حرکت څخه معطل شي
لاندنی احکام تطبیق کیږي:
۱- که مسافر په ټاکلی وخت د
حرکت ځای ته ونشي رسید لای
نوداحق لری چې په نورو هغو نقلیه
وسائلو کښې چې وروسته ځي
حرکت وکړي.

۸۵۷ ماده:

اگر سفر بعد از عقد و قبل از
حرکت معطل گردد احکام
ذیل تطبیق می شود:
۱- اگر مسافر در وقت معینه در
محل حرکت حاضر شده
نتواند حق دارد به وسایل نقل
دهنده متعاقب حرکت
نماید.

۲- که مسافر له تگ څخه
منصرف شي د کرایې د بیرته
اخیستلو حق نلری.

۲- اگر مسافر از عزیمت
انصراف کند مستحق استرداد
کرایه شمرده نمیشود.

۳- که سفر د فوت یا مریض او یا
مجبوره علتونو له مخې معطل

۳- اگر سفر از رهگذر فوت یا
مریضی و یا علل مجبره معطل

شي د کرایي مقاوله مسترد پري. ۴- که سفر نظر مجبره علتو ته په نقلیه لوازمو پورې اړه ولری او یا بی د دواړو خواوو له تقصیره اجراً نشي نو عقد (بی له دی چې دواړه خواوی د تاوان په ورکولو مجبوری شي) فسخ کیږي مگر که نقل ورکوونکی لاله پخوا څخه کرایه اخیستی وی په دی حال کښې په بیرته ورکولو باندی مجبور دی. ۵- که سفر د نقل ورکوونکی د عمل او تقصیر په اثر معطل شوی وی مسافر کولای شي چې ورکړی شوی کرایه بیرته واخلی او د خسارې تاوان وغواړي.

۸۵۸ ماده:

که سفر وروسته له عقد او حرکت څخه له انقطاع سره مخامخ شي (په دی شرط چې د هغه په خلاف کومه مقاوله نه وی شوی) لاندی احکام تطبیق کیږي:

۱- که مسافر په ليار کښې په خپله خوښه له حرکت څخه منصرف شي نو د ټولی کرایي په ورکړه مجبور دی.

شود مقاوله کرایه مسترد میگردد. ۴- اگر سفر نظر به علل مجبره متعلق به لوازم نقلیه و یا بدون تقصیر طرفین اجراً شده نتواند عقد (بدون اینکه طرفین مجبور به پرداخت جبران باشند) فسخ می گردد ولی اگر نقل دهنده کرایه را قبلاً اخذ کرده باشد در این حال مجبور به اعاده است.

۵- اگر سفر در اثر عمل و تقصیر نقل دهنده معطل گردیده باشد مسافر می تواند کرایه پرداخته شده را استرداد و طلب جبران خساره نماید.

مادة ۸۵۸:

اگر سفر بعد از عقد و حرکت دچار انقطاع گردد (بشرطیکه مقاوله ای بر خلاف آن نشده باشد) احکام ذیل تطبیق می شود.

۱- اگر مسافر در ضمن راه به خواهش خود از حرکت منصرف شود مجبور به تأدیه تمام کرایه است.

۲- اگر نقل دهنده از دوام سفر منصرف و یا مسافر در اثر تقصیر نقل دهنده مجبور به توقف در نیمه راه شود مجبور به تأدیه کرایه نمی‌باشد.

و اگر مسافر کرایه را قبلاً پرداخته باشد می‌تواند تمام آنرا استرداد و طالب جبران خساره شود.

۳- اگر سفر از رهگذر سبب شخصی که مربوط به مسافر باشد و یا علل مجبره که متعلق به وسایل نقلیه باشد دچار انقطاع گردد کرایه متناسب به مسافه قطع شده پرداخته میشود. در این صورت هیچ یکی از طرفین مجبور بجزبران خساره بدیگری نیست.

ماده ۸۵۹:

اگر نقل دهنده در اثنای سفر در محلی که در تعرفه آن نباشد توقف نماید و یا از راه معیننه انحراف و راه دیگری را تعقیب کند یا به صورت دیگری مواصلت راه بمحل

۲- که نقل و رکونگی د سفر له دوام خخه منصرف شی او یا مسافر د نقل و رکونگی د تقصیر په اثر په نیمه لاره کښې په توقف مجبور شی په کرایه و رکولو مجبور نه دی.

او که مسافر ټوله کرایه لاله پخوا خخه و رکړې وې کولای شي چې هغه ټوله بېرته واخلې او د خسارې تاوان وغواړي.

۳- که سفر د شخصي سبب له مخې چې په مسافر پوری اړه ولری او یا د مجبره علتونو له لاری وی چې په نقلیه وسایلو پوری اړه ولری د انقطاع سره مخامخ شي د وهلی شوی مسافې په تناسب کرایه و رکوله کیږي. په دی صورت کښې یو وبل ته د خساری د تاوان په و رکولو هیڅ یو طرف نه مجبور یږي.

۸۵۹ ماده:

که نقل و رکونگی د سفر په وخت کښې په داسی محل کښې چې د ده په تعرفه کښې نه وی توقف وکړي او یا ټاکلی لاره پریردی په بله داسی لاره روان شي او یا په بل صورت چې د مقصود محل ته

مقصود به تأخیر بیاندازد مسافر حق دارد مقاوله را فسخ و طلب جبران خساره نماید.

اگر نقل دهنده بر علاوه مسافرین اشیاء و امتعه دیگری را نیز نقل می‌دهد می‌توانند مدتی را که مقتضی تخلیه امتعه و اشیاء است معطل شود. حکم این ماده در صورتی قابل تطبیق است که بر خلاف آن قرارداد وجود نداشته باشد.

ماده ۸۶۰:

اگر سفر نظر به امر حکومت یا ترمیم ضروریه وسایل نقلیه و یا خطراتی که مانع دوام حرکت گردد بتأخیر افتد (در صورتی که در بین طرفین عقد خصوصی موجود نباشد) احکام ذیل تطبیق می‌گردد:

۱- اگر مسافر نخواهد انتظار رفع مانع و ختم ترمیم را بکشد می‌تواند بعد از پرداختن کرایه نقلیه متناسب بمسافه قطع شده مقاوله را فسخ کند.

۲- اگر مسافر بخواهد انتظار

رسیدلی و خن‌دیبری مسافر حق لری چي مقاوله فسخ کړی او د خساری تاوان وغواړی.

که نقل ورکونکی برسیره په مسافرینو نورشیان او مالونه هم نقلوی کیدای شي هغه موده چي د مالونواو شیا نو د تخلیه کولو دپاره پکار ده معطل شي د دی مادی حکم په دی صورت د تطبیق وړدی چي د هغه په خلاف کوم قرارداد موجود نه وی.

۸۶۰ ماده:

که سفر د حکومت د امر او یا د نقلیه وسایلو د ضروری ترمیم او یا د هغو خطراتو له مخې چي د حرکت د دوام مانع شي وخن‌دیبری (په دی صورت چي د دواړو خواوو په منځ کښي خصوصی عقد موجود نه وی) لاندنی احکام تطبیق کیږي:

۱- که مسافر ونه غواړی چي د مانع تر رفع کیدو او د ترمیم تر ختم پوری انتظار وباسی نوکولای شي چي د قطع شوی مسافی په تناسب د نقلیه باړې له ورکولونه وروسته مقاوله فسخ کړی.

۲- که مسافر وغواړی چي

بکشد همان کرایه معینه را خواهد پرداخت ولی اگر در کرایه نقلیه خوراکه هم شامل باشد مسافر در مدت توقف مصرف خوراک خود را شخصاً تحمل می کند.

ماده ۸۶۱:

مسافر برای باگاژ و اشیاء شخصی خویش (اگر بر خلاف آن مقوله موجود نباشد) مجبور به پرداخت کرایه جداگانه نیست.

نقل دهنده از خساره و ضیاع وارده به اشیاء مسافرین نظر به احکام متذکره مواد (۸۳۸، ۸۴۳) مسئول می باشد.

نقل دهنده از ضیاع اشیائیکه نزد خود مسافرین است مسئول نیست.

ماده ۸۶۲:

نقل دهنده حق دارد برای استیفاء کرایه و مصارف خوراکه مسافر باگاژ وی را توقیف نماید.

ماده ۸۶۳:

نقل دهنده در اثنای سفر از حوادثیکه بمسافرین واقع

انتظار وباسی نو همغه تا کلسی باره به ورکری مگر که د نقلیه په باره کنبی خورا که هم شامله وی مسافر د توقف په مودو کنبی د خوراکی مصرف له خانه کوی.

ماده ۸۶۱:

مسافر د خپلو بگاژ او شخصي شيانو د پاره (که د هغه په خلاف مقوله موجوده نه وي) په ځانگړي باره ورکولو مجبور نه دی.

نقل ورکونکی د مسافرینو شيانو ته له خساری او ضیاع پینیدو څخه د (۸۳۸) او (۸۴۳) مادو د احکامو له مخې مسئول دی.

نقل ورکونکی د هغو شيانو له ضیاع څخه چې پخپله له مسافرینو سره وي مسئول نه دی.

ماده ۸۶۲:

نقل ورکونکی حق لری چې د خپلی باری او د مسافر د خوراکی د مصارفو د پوره کولو دپاره د ده بگاژ توقیف کړی.

ماده ۸۶۳:

نقل ورکونکی د سفر په وخت کنبی له هغو پینو څخه چې

مسافرینوته رسیږي (په دی شرط) چې ثابت نشي چې پيښه د نقل ورکونکي له عمل او تقصیر او یا هغو اشخاصو څخه چې مستقیماً په ده پوری اړه لری صادره شوی (۵) مسئول نه دی.

۸۶۴ ماده:

که مسافر د سفر په منح کښې مړ شي نقل ورکونکي د ورثي د منافعو بگاڅ او متعلقه شيانو د ساتني دپاره صالحه اشخاصوته د هغو تر تسليم پورې مؤظف دی. که د مړي له مربوطينو څخه کوم یوهلته موجود وی د دی معاملي د اجراء د مراقبت د پاره مداخله کولای شي او د مړي د مال د موجودی په خصوص کښې له نقل کونکي څخه اظهار نامه غوښتي شي.

۸۶۵ ماده:

په نقلیه وسیله کښې دننه انتظام د نقل ورکونکي وظیفه ده د نقل ورکونکي دا وظیفه ده ترڅو مراقبت وکړي چې مسافرين هغه شيان چې مسافرینوته زحمت او خساره پيښوی له ځان سره بارنکړي د دی په عکس که له دی

می شود (بشرطیکه ثابت نشود که واقع از عمل و تقصیر نقل دهنده و یا اشخاصی که مستقیماً بوی مربوط اند صادر شده) مسئول نمی باشد.

ماده ۸۶۴:

اگر مسافر در اثنای سفر وفات کند نقل دهنده برای صیانت منافع ورثه باگاڅ و اشیای متعلقه او الی زمان تسلیم آن به اشخاص صالحه مؤظف می باشد. اگر یکی از مربوطین متوفی در آنجا وجود داشته باشد برای مراقبه اجرای این معامله می تواند مداخله و از نقل دهنده راجع بموجودی ما ترک متوفی اظهارنامه ای تقاضا کند.

ماده ۸۶۵:

انتظام داخل وسیله نقلیه وظیفه نقل دهنده است نقل دهنده مؤظف است تا مراقبت کند که اشخاص چیژهایرا که باعث تولید زحمت و خساره به مسافرين می شود با خود حمل ندارند. بر عکس اگر ازین

روی خخه مسافرینو ته خساره ورسیرې نقل وړکوونکی په تاوان وړکولو مجبور دی.

رویه به مسافرین خساره برسد نقل دهنده مجبور بجزبران است.

دیار لسم فصل

بیمه

لومړۍ برخه

د بیمې عمومي احکام

۸۶۶ ماده:

بیمه یو عقد دی چې د بیمې مؤسسه یې د اجرت په مقابل کښې د افرادو د خسارو او ضایعاتو تاوان چې د مجبره اسبابو او ټاکلیو پېښو نه پیدا شوی وی (په یوه اندازه پیسو وړکولو تعهد کوی).

۸۶۷ ماده:

د بیمې اختلافاتو په خصوص کښې د دی اصولنامې احکام (په دی صورت چې د بیمې په مقاله کښې د هغو په خلاف کوم صراحت نه وی) . تطبیق کیږي.

۸۶۶ ماده:

بیمه عقدی است که مؤسسه بیمه در مقابل اجرت جبران خسارات و ضایعات افراد را که ناشی از وقوع حوادث معینه و اسباب مجبره باشد (باعطای یک مقدار پول) تعهد می کند.

۸۶۷ ماده:

در مورد اختلافات بیمه احکام این قانون (در صورتی که بر خلاف آن در مقاله بیمه صراحتی نباشد) تطبیق می گردد.

دوه یمه برخه د مالونو بیمه

ماده ۸۶۸:

مالونه د مالک، د مالک د پوروال، د مرتهن، مستاجر او ټولو هغو کسانو له خوا چې په ساتنه کېنې یې واقعاً ذینفع وی او یا د دوی د وکیل او نماینده له خوا بیمه کیدای شي.

ماده ۸۶۹:

یو شخص کولای شي چې د بل شخص په نامه او حساب د بیمې مقاوله وکړي مگر که دا شخص دا واک ونه لري چې د هغه چاله خوا چې د هغه په نامه او حساب یې عمل کړی دی نمایندگي وکړي نو د بیمې د (برینیوم) له اجرت څخه شخصاً مسئول دی.

هغه شخص چې د ده په نامه او حساب د بیمې مقاوله ترله کیږي نوکه د خطر له پېښیدو نه پخوا یا وروسته یې بیمه قبوله کړی وی له بیمې نه استفاده کولای شي.

ماده ۸۷۰:

هغه بیمه چې په وکالت سره منعده کیږي که د مؤکل لخوا

حصه دوم بیمه اموال

ماده ۸۶۸:

اموال از طرف مالک داین، مالک مرتهن، مستاجر و تمام کسانیکه در محافظه آن واقعاً ذینفع باشند و یا وکیل و نماینده آنها بیمه شده می تواند.

ماده ۸۶۹:

یک شخص می تواند بنام و حساب شخص دیگری مقاوله بیمه را عقد نماید ولی اگر آن شخص صلاحیت نداشته باشد از کسیکه بنام و حساب او عمل کرده است نمایندگی نماید از اجرت (برینیوم) بیمه شخصاً مسئول می باشد.

شخصی که بنام و حساب او مقاوله بیمه عقد میشود اگر قبل و یا بعد از وقوع خطر بیمه را قبول کرده باشد از بیمه استفاده می تواند.

ماده ۸۷۰:

بیمه ای که بالوکاله منعقد می گردد اگر از طرف مؤکل قبول

شود چنین محسوب می‌گردد که وکیل بر وفق شرایط وکالت رفتار نموده است.

اگر مؤکل راجع به شرایط بیمه هدایتی نداده باشد وکیل مؤظف است مقاوله بیمه را بر طبق شرائطیکه عرفاً در محل اجرای مقاوله بیمه مروج است منعقد نماید. اگر از شرایط مقاوله بیمه استفهام شده نتواند که مقاوله بنام و حساب شخص دیگری منعقد گردیده است چنین محسوب می‌شود که مقاوله بنام و حساب شخص عاقد منعقد شده است.

ماده ۸۷۱:

داین می‌تواند دین خود را در مقابل احتمال عجز مدیون از تأدیه بیمه نماید.

در اینصورت (هرگاه بر خلاف آن مقاوله ای موجود نباشد) مؤسسه بیمه می‌تواند مطالبه نماید که داین در وهله اول به اموال مدیون مراجعه و با فروش آن استیفای دین خویش را بنماید.

قبوله شی داسی گنله کیرپی چی وکیل د وکالت له شرطونو سره سم تگ کری دی.

که مؤکل د بیمی د شرطونو په خصوص کنبی کوم هدایت نه وی ورکری وکیل مؤظف دی چی د بیمی مقاوله، له هغو شرایطو سره سمه چی د بیمی د مقاولی د اجراء په خای کنبی عرف او رواج ولری وتری. که د بیمی له شرایطو څخه ونشی پوهیدای چی مقاوله د بل شخص په نامه او حساب ترلی شوی ده داسی گنله کیرپی چی مقاوله د عاقد شخص په نامه او حساب منعقد شوی ده.

۸۷۱ ماده:

پوروال کولای شی چی خپل پور له ورکری څخه د پوروپی د عجز د احتمال په مقابل کنبی بیمه کری.

پدی صورت (که په خلاف یې کومه مقاوله موجوده نه وی) د بیمی مؤسسه داغوښتنه او مطالبه کولای شی چی پوروال په لومړی سرکنبی د پوروپی مال ته مراجعه وکړی او یا د هغه د مال له پلورنې څخه خپل پور لاس ته راوړی.

ماده ۸۷۲:

هغه پوروال چې د پورورپی منقول او غیر منقول مالونه یې تر مراقبت لاندی نیولی یا په گرو اخیستی وی او یا دی مالونو ته په مراجعه کنبې د امتیاز حق ولری که دا مالونه بیمه شوی وی هغه تاوان چې د خساری پېښیدلو په صورت ورکاوه کیږی د بیمه شویو مالونو عوض چې د پوروالو په طلباتو پورې اړه لری محسوبیږی.

ماده ۸۷۲:

داینیکه اموال منقول و غیر منقول مدیون را تحت مراقبه و یا به گرو گرفته ویا در مراجعه به این اموال دارای حق امتیازی باشد اگر این اموال بیمه شده باشد غرامتی که در صورت وقوع خساره تأدییه می گردد عوض اموال بیمه شده که به طلبات دائنین متعلق است محسوب می شود.

ماده ۸۷۳:

که هغه امتیاز چې پور والان یې په بیمه شوی مال لری متفاوت وی نو که دهغه پوروال د پور د اداء د پاره چې امتیاز یې وروستی دی د مال قیمت کفاف ونکړی نشي کولای چې د هغه مال بیمې ته اقدام وکړی.

ماده ۸۷۳:

اگر امتیازی که دائنین به مال بیمه شده دارند متفاوت باشد در صورت عدم کفاف قیمت مال برای ادای طلبات دائنیکه امتیاز او مؤخر است نمی تواند به بیمه آن مال اقدام نماید.

ماده ۸۷۴:

هغه خساری چې له قانون څخه د مخالفو چارو او یا له بنو آدابو او عمومی اخلاقو د مخالفت څخه پیدا شوی وی بیمه کیدی نشي.

ماده ۸۷۴:

خسارات ناشی از اعمال خلاف قانون و یا مغایر آداب حسنه و اخلاق عمومی بیمه شده نمی تواند.

ماده ۸۷۵:

د بیمه کید ونکو د بیمې په مقاوله

ماده ۸۷۵:

در عقد مقاوله بیمه شونده و یا

شخصی که بطور مشروط از بیمه منتفع می‌گردد اگر از وقوع تهلکه واقف بوده باشد و یا مؤسسه بیمه از عدم امکان وقوع تهلکه مطلع باشد مقاوله بیمه باطل محسوب می‌گردد. در صورت اول الذکر مؤسسه بیمه می‌تواند اجوره بیمه را مطالبه نماید.

ماده ۸۷۶:

مؤسسه بیمه فقط به جبران ضرری که حقیقتاً به بیمه شونده رسیده مکلف می‌باشد بنابراین اگر بدل بیمه از قیمت مال تجاوز نماید بیمه شونده از قیمت اضافی استفاده نمی‌تواند.

اگر بدل بیمه نظر باین قاعده نسبت به قیمت مال کمتر گردد اجوره بیمه نیز تنزیل و قسمت تحصیل شده اضافی اجوره اعاده می‌گردد اما اگر قیمت بیمه از جانب اهل خبره (که به اتفاق طرفین انتخاب شده) بدو تقدیر و طرفین آنرا قبول کرده باشند مؤسسه بیمه نمی‌

کنبی او یا هغه شخص چي په مشروط ډول له بیمې څخه گټه اخلي که د تهلکې له پيښې نه خبر وي او يا د بیمې مؤسسه د تهلکې د پيښې له نه امکان څخه مطلع وي نو د بیمې مقاوله باطله گڼله کيږي. په لومړني صورت کښې د بیمې مؤسسه کولای شي چې د بیمې اجوره وغواړي.

۸۷۶ ماده:

د بیمې مؤسسه فقط د هغه ضرر په تاوان چې په رښتیا سره بیمه کېدونکی ته رسېدلی وی مکلفه ده نوکه د بیمې بدل د مال له قیمت څخه تیری وکړي بیمه کېدونکی له زیات قیمت څخه استفاده نشي کولای.

که د بیمې بدل د دی قاعدی له مخې نظر د مال قیمت ته لږ شي د بیمې اجوره هم ټیټیږي او د اجوری زیاته تحصیل شوی برخه بیرته ورکوله کيږي. مگر که د بیمې قیمت د کارپوهو کسانو له خوا (چه د دواړو خواوو په اتفاق ټاکلی شوی وی) لاله پخوا څخه اندازه شوی او دواړو خواوو هغه قبول کړي وی د بیمې مؤسسه نشي

کولای چپی د دی قیمت په نسبت
اعتراض وکړي.

۸۷۷ ماده:

د بیمې مؤسسه هر وخت که
وغواړي کولای شي چې د قیمت د
تحقیق دپاره بیمه شوی مال معاینه
کړي.

۸۷۸ ماده:

هغه مال چې ټول قیمت یې د یوې
مؤسسې له خوا بیمه شوی وی د
همغې مؤسسې له خوا د عین
خطراتو په مقابل کېنې بیا بیمه
کیدای نشي که د بیمه شوی مال
ټول قیمت په پخوانۍ مقاوله کېنې
ونشي ټاکلی د پاتې مال د قیمت د
پاره یو یا خو ځلې بیمه جائزه ده
پدی صورت د بیمې مؤسسې چې
وروسته له هغه یې مال بیمه کړی
وی له پاتې قیمت څخه د مقاولی د
نېټې په اعتبار مسئولی دی.

هغه مقاولې چې په عین یوه ورځ
کېنې شوی وی داسی گڼلی کیږي
چې په یوه زمان کېنې منعقدی
شوی دی.

۸۷۹ ماده:

که یومال د متعددو مؤسسو له

تواند نسبت به این قیمت اعتراض
نماید.

ماده ۸۷۷:

مؤسسۀ بیمه هر وقتیکه خواسته
باشد می تواند برای تحقیق قیمت
مال بیمه شده را معاینه
نماید.

ماده ۸۷۸:

مالیکه تمام قیمت آن از جانب یک
مؤسسه بیمه شده باشد از طرف
همان مؤسسه در برابر عین
خطرات دوساره بیمه شده
نمی تواند اگر تمام قیمت مال بیمه
شده در مقاوله قبلی معین شده
تواند برای قیمت بقیه مال یک و
یا چند مرتبه جائز است. به این
صورت مؤسسات بیمه که بعداً
مال را بیمه کرده باشند از قیمت
باقی مانده باعتبار تاریخ مقاوله
مسئول می گردند.

مقاولتیکه در عین یک روز بعمل
آمده باشند چنین محسوب
می شوند که در یک زمان منعقد
شده اند.

ماده ۸۷۹:

اگر یک مال از جانب مؤسسات

خوا اوپه عین زمان کښې د عین خطراتو د پاره بیمه شوی وی منعقدی شوی مقاولی د بیمه شوی مال د قیمت په اندازه اعتبار لری پدی صورت د بیمې هره یوه مؤسسه نظر مجموعی قیمت ته د مال د بدل په تناسب مسئوله بلله کیري.

۸۸۰ ماده:

که یو مال د خپل قیمت یواځې د یوی برخی د پاره بیمه شوی وی د قسمی خساری د پېښې په حال کښې (پدی شرط چې د هغه په خلاف مقاوله نه وی شوی)، د بیمې مؤسسه د مال د هماغی برخی د قیمت د تاوان مسئوله ده چې بیمه شوی ده.

۸۸۱ ماده:

هغه مال چې ټول قیمت یې بیمه شوی وی په لاندنیو احوالو کښې د عین خطراتو د پاره د هغه بیمه جائزه ده:

۱- پدی صورت چې د مربوطه بیمې د مؤسساتو رضایت حاصل شوی وی پدی حال کښې د بیمې ټولې مقاولې داسی فرضیږي چې په یوه زمان کښې عقد شوی دی.

متعدد و در عین زمان برای عین خطرات بیمه شده باشد مقاولات منعقد به اندازه قیمت مال بیمه شده اعتبار دارد. باین صورت هر یکی از مؤسسات بیمه نظر به قیمت مجموعی بتناسب بدل مال مسئول شمرده می شوند.

ماده ۸۸۰:

اگر یک مال تنها برای یک قسمت قیمت خود بیمه شده باشد در حال وقوع خساره قسمی (بشرطیکه خلاف آن مقاوله نشده باشد) مؤسسه بیمه مسئول جبران قیمت همان قسمت مال است که بیمه گردیده.

ماده ۸۸۱:

مالیکه تمام قیمت آن بیمه شده باشد در احوال ذیل برای عین خطرات بیمه آن جائز است.

۱- در صورتی که رضایت مؤسسات بیمه مربوط حاصل شده باشد در این صورت همه مقاولات بیمه چنان فرض می شود که در یک

زمان عقد شده و در صورت وقوع خساره جبران آن به نسبتی که در ماده (۸۷۹) ذکر شده از طرف مؤسسات بیمه تأدیه می گردد.

۲- اگر بیمه کننده حقوق مؤسسه بیمه مقدم را به مؤسسه بیمه مؤخر انتقال داده و یا از آن ابراء نموده باشد باید صورت این انتقال در مقاله بیمه مؤخر تصریح شود بر عکس آن مقاله بی اثر تلقی می گردد.

۳- اگر شرط شده باشد که مؤسسه بیمه مؤخر مسئول جبران است که مؤسسه بیمه مقدم آنرا تأدیه نکرده است، در این صورت نیز باید کیفیت در مقاله نامه مؤخر بر طبق مقاله مقدم تصریح گردد.

ماده ۸۸۲:

بیمه شونده در زمان عقد مقاله بیمه مجبور است تمام خصوصیات را که موجب برائت از مقاله و یا تزئید اجرت بیمه گردد به مؤسسه بیمه

او د خساری د پینبندو په صورت د هغې تاوان په هغه نسبت چې په (۸۷۹) ماده کښې ذکر شوی دی د بیمې د مؤسساتو له خوا ورکول کېږي.

۲- که بیمه کوونکی د بیمې د لومړنۍ مؤسسې حقوق د بیمې وروستی مؤسسې ته انتقال کړی وی او یا یې له هغو نه ابراء کړی وی باید د دی انتقال صورت د وروستی بیمې په مقاله کښې تصریح شي او که داسی نشي نودغه مقاله بی اثره بلله کېږي.

۳- که شرط شوی وی چې د وروستی بیمې مؤسسه د هغه تاوان مسئوله ده چې د پخوانۍ بیمې مؤسسې هغه نه دی ورکړی، نو پدی صورت کښې باید کیفیت په وروستی مقاله کښې لکه د لومړی مقاله په شان تصریح او ښکاره شي.

۸۸۲ ماده:

بیمه کیدونکی د بیمې د مقاولی د عقد په وخت کښې مجبور دی چې د ټولو هغو خصوصیاتو څخه چې د بیمې د اجرت له زیاتوالی او مقاولی څخه د برائت موجب

اطلاع دھد سکوت و یا جواب ناقص و خلاف حقیقت بیمہ شونده علی الرغم سوال مؤسسہ بیمہ و عدم وقوف مؤسسہ بیمہ از حقیقت باعث فسخ مقاولہ می گردد. ولی اگر در ظرف سه ماہ از تاریخ اطلاع بہ حقیقت مؤسسہ بیمہ حق فسخ خود را استعمال نکند این حق ساقط می شود در صورت ثبوت سوء نیت از طرف بیمہ شونده مؤسسہ بیمہ در اخذ اجرت مستحق می باشد.

بااستثنای مواردیکہ در لست مربوط مقاولہ بیمہ در مقاولہ سئالات مؤسسہ بیمہ از طرف بیمہ شونده خانہ پری شدہ جواب و تعہد دادہ می شود دیگر ہیچگونہ مسئولیتی بہ بیمہ شونده متوجہ نمی گردد.

مادہ ۸۸۳:

اگر امکان وقوع خطر قبل از ظہور مسئولیت مؤسسہ بیمہ و بدون از دخل و تأثیر بیمہ شونده و یا کسیکہ انتفاع او از بیمہ مشروط است از بین برود، مؤسسہ

وگرخی د بیمی مؤسسہ ته اطلاع ورکری د بیمہ کیدونکی سکوت او ناقص او له حقیقت نہ خلاف خواب د بیمی د مؤسسہ نہ خبرول د مقاولی د فسخ باعث گرخی. مگر کہ پہ حقیقت باندی د خبریدو له نہتہی خخہ پہ دریو میاشتو کنبی د بیمی مؤسسہ د خپلی فسخ حق استعمال نکری دا حق بی ساقطیری د بیمہ کیدونکی له خوا د بد نیت د ثبوت پہ صورت د بیمی مؤسسہ د اجرت اخیستلو حق لری.

پرتہ له هغو مواردو چپی د بیمہ کیدونکی له خوا د بیمی د پوښتنو پہ مقابل کنبی د بیمی د مقاولی پہ مربوطہ لست کنبی خانہ پری شوی خواب او تعہد ورکول کپری نور ہیخ ډول مسئولیت بیمہ کیدونکی ته نہ متوجہ کپری.

۸۸۳ ماده:

کہ د خطر د وقوع امکان د بیمی د مؤسسہ د مسئولیت له ښکاره کیدونه پخوا او بی د بیمہ کیدونکی او یا هغه چا له د خل او تأثیر خخہ چپی د هغه گتہ اخیستل له بیمی خخہ مشروط دی له منخه

ولای شی د بیمی مؤسسه د اجرت حق نه لری.

۸۸۴ ماده:

بیمه کیدونکی کولای شی د بیمی د مؤسسی د مسئولیت له وقوع څخه پخوا ټوله مقاوله یا د مقاولی یوه برخه فسخ کړی په دی صورت د بیمی مؤسسه د نیم اجرت مستحقه کیږي.

۸۸۵ ماده:

په داسی صورت کښې چې په خلاف یې کوم شرط موجود نه وی د بیمی مؤسسه د هغو خسارو د تاوان ضامنه ده چې د بیمه کېدونکی یا هغه چا د غیر ارادی اعمالو څخه چې په مشروط صورت له بیمی څخه گټه وړی یا د هغو کسانو د غیر ارادی اعمالو څخه چې د بیمی مؤسسه د وی د اعمالو حقوقاً مسئوله ده پیدا کیږي.

مگر په هیڅ صورت د بیمی مؤسسه مجبوره نه ده چې د هغو خسارو تاوان ورکړی چې د بیمه کېدونکی یا هغه چاله حیللی څخه پیدا شوی وی چې په مشروط ډول له بیمی څخه گټه وړی.

بیمه مستحق اجرت نمی شود.

۸۸۴ ماده:

بیمه شونده می تواند قبل از وقوع مسئولیت مؤسسه بیمه مقاوله را تماماً و یا قسماً فسخ کند، در این صورت مؤسسه بیمه مستحق نصف اجرت می شود.

۸۸۵ ماده:

در صورتی که بر خلاف آن شرطی موجود نباشد مؤسسه بیمه ضامن جبران خساراتیست که از اعمال غیر ارادی بیمه شونده یا کسیکه بصورت مشروط از بیمه نفع میبرد یا آنهائیکه مؤسسه بیمه حقوقاً مسئول اعمال شان می باشد بوجود می آید.

ولی به هیچ صورت مؤسسه بیمه مجبور نیست خساراتی را جبران کند که از حیلله بیمه شونده و یا کسی که بصورت مشروط از بیمه نفع می برد نشئت نموده باشد.

همچنین در صورتی که خلاف آن در مقاوله تصریح نشده باشد مؤسسه بیمه در عیب که در مال بیمه شده بوقوع می آید مجبور بجزبران نمی باشد.

ماده ۸۸۶:

بیمه شونده مجبور است در ظرف پنج روز از تاریخ وقوف به خطریکه بیمه به آن تعلق دارد مؤسسه بیمه را مطلع سازد. علاوه بر آن بیمه شونده مکلف است راجع به جلوگیری از وقوع خساره و یا تقیص و تخفیف آن تدابیر لازمه را اتخاذ نماید.

شروطیکه مخالف این اساس برله بیمه شونده در مقاوله نامه درج می شود کان لم یکن است اگر مصارف تدابیر متاخذه بی تاثیر هم مانده باشد مؤسسه بیمه مکلف به تأدیة آن است ولی اگر بیمه به مجموع قیمت مال تعلق نداشته باشد مصارف به تناسب بدل بیمه با مجموع قیمت مال پرداخته می شود.

همداول په دی صورت چې په خلاف یې په مقاوله کښې تصریح نه وی شوی د بیمې مؤسسه په هغه عیب کښې چې په بیمه شوی مال کښې پېښېږي په تاوان ورکو لو مجبوره نه ده.

۸۸۶ ماده:

بیمه کېدونکی مجبور دی چې د هغه خطر د خبرېدو له نېټې څخه چې بیمه په هغه پوری اړه لری په پنځو ورځو کښې د بیمې مؤسسه خبره کړی. برسیره په هغه بیمه کېدونکی مکلف دی چې د خساری د پېښیدو د مخ نیوی او یا تقیص او تخفیف په خصوص کښې لارم تدبیرونه ونیسی.

هغه شرطونه چې له دی اساس نه مخالف د بیمه کېدونکی په پلو په مقاوله نامه کښې داخلېږي داسی دی لکه چې هیڅ نه وی. که د نیول شویو تدبیرونه مصارف بی تاثیره پاتی شوی هم وی د بیمې مؤسسه د هغو په ورکړه مکلفه ده مگر که بیمه د مال په ټول قیمت اړه ونلری نومصارف د بیمې د بدل په تناسب، د مال له مجموع قیمت سره ورکول کیږي.

ماده ۸۸۷:

که بیمه کیدونکی سره له تشبیه په ډیر سخت تقصیر او حيله د (۸۸۶) مادی د مکلفیتونو رعایت ونکړی د خپلی بیمې حقوق له لاسه ورکوي.

ماده ۸۸۷:

اگر بیمه شونده با تشبیت به حيله و یا تقصیر سنگین رعایت مکلفیتهای ماده (۸۸۶) را نکند حقوق بیمه خود را از دست می دهد.

ماده ۸۸۸:

که یومال له (۸۷۹) مادی سره سم د بیمې د متعددو مؤسسو له خوا بیمه شوی وی د خساری د پینېدو په حال کې بیمه کوونکی مجبور دی چې په (۸۸۶) ماده کې په ټاکلی موده کې د بیمې هری یوی مؤسسې ته د خساری او هغو مقاولانو د کیفیت څخه چې د همدی مال په باره کې یې عقد کړی دی اطلاع ورکړی.

ماده ۸۸۸:

اگر یک مال مطابق ماده (۸۷۹) از طرف مؤسسات متعدد بیمه، بیمه شده باشد در حال وقوع خساره بیمه کننده مجبور است در ظرف مدت معینه ماده (۸۸۶) بهر یک از مؤسسات بیمه کیفیت خساره و مقاولاتی را که درباره همین مال عقد نموده اطلاع نماید.

ماده ۸۸۹:

په دی صورت چې د هغه په خلاف مشروط شوی نه وی د بیمې هره مؤسسه د هغو خسارو مسئوله ده چې د تلفېدو او تغییر په لحاظ د بیمې د موضوع شیانوته رسیدلی وی پرته د جنگ او عصیان له حالت.

ماده ۸۸۹:

در صورتی که خلاف آن مشروط نشده باشد هر مؤسسه بیمه مسئول خساراتی است که از لحاظ تلف و تغییر بر اشیاء موضوع بیمه وارد شده باشد باستثناء حالت جنگ و عصیان.

۸۹۰ ماده:

که کوم یو له هغو خطراتو نه چې له (۸۸۹) مادی سره سم د بیمې مؤسسه د هغو مسئوله ده له مقالو څخه استثنا شوی وی او کومه خساره چې له دغو خطراتو څخه پېښه شي د دی اثبات چې پېښه شوی خساره له استثنایي خطراتو څخه پیدا شوی ده د بیمې په مؤسسه پورې اړه لری.

ماده ۸۹۰:

هرگاه یکی از خطراتی که مطابق ماده (۸۸۹) مؤسسه بیمه مسئول آن است از مقاله استثناء شده باشد و خساره ای از آنجهت وارد شود اثبات اینکه خساره واقعه از خطرات استثناییه بوجود آمده مربوط به مؤسسه بیمه می باشد.

۸۹۱ ماده:

په دی صورت چې د هغو په خلاف مشروط نه وی د بیمې مؤسسه له هغو خطراتو څخه چې د عقد د وقوع له نېټې نه پیدا کیږي مسئوله ده. که د دی مسئولیت د دوام موده په مقاله کښې تصریح شوی نه وی نود محلی عرف له مخې د محکمی له خوا ټاکله کیږي.

ماده ۸۹۱:

در صورتی که بر خلاف آن مشروط نباشد مؤسسه بیمه از خطراتیکه از تاریخ وقوع عقد بعمل می آید مسئول است اگر مدت دوام این مسئولیت در مقاله تصریح نشده باشد باساس عرف محلی از طرف محکمه تعیین می شود.

۸۹۲ ماده:

د بیمې مؤسسه له هغې نېټې څخه چې د بیمې مسئولیت شروع کیږي د اجرت مستحقه ده.

ماده ۸۹۲:

مؤسسه بیمه از تاریخی که مسئولیت بیمه شروع می شود مستحق اجرت می باشد.

۸۹۳ ماده:

د بیمې اجرت ممکن دی په

ماده ۸۹۳:

اجرت بیمه ممکن است به

پول نقد به جنسی که نقداً قابل تقدیر باشد نقداً و یا به اقساط ماهانه و سالیانه تأدیه شود ولی اگر بر خلاف آن موافقه نشده باشد اجرت بیمه در وقتی که مسئولیت بیمه شروع می شود نقداً قابل پرداخت است.

ماده ۸۹۴:

اگر اجرت بیمه و طرز تأدیه آن فیصله نشده باشد نظر به عرف و مقتضیات محلی از طرف محکمه تعیین می شود.

ماده ۸۹۵:

بدل بیمه نظر به قیمت مال بیمه شده تشبیت می شود. اگر قیمت مال از بدل بیمه اضافه باشد بدل در صورتی پرداخته می شود که مال بیمه شده تماماً تلف شده باشد مقدار جبران در صورت اتلاف قسمی مال (اگر بر خلاف آن مقاوله نشده باشد) بدل بیمه به تناسب مجموع قیمت مال تعیین می شود.

نقد و پیسوپه هغه جنس چي نقداً د تقدیر وړدی په نقد ډول او یاپه میاشتینیو او کالنیو قسطو ورکړشي. مگر که د هغه په خلاف موافقه نه وی شوی د بیمې اجرت په هغه وخت کښې چي د بیمې مسئولیت شروع کیږي نقداً د ورکړی وړ دی.

ماده ۸۹۴:

که د بیمې اجرت او د هغې د ورکړې صورت فیصله شوی نه وی نو د محلی عرف او مقتضیاتو له مخې د محکمې له خوا ټاکل کیږي.

ماده ۸۹۵:

د بیمې بدل نظر د بیمه شوی مال قیمت ته تشبیت کیږي. که د مال قیمت د بیمې له بدل څخه زیات وی نو بدل په دی صورت کاوه کیږي چي بیمه شوی مال ټول تلف شوی وی د تاوان اندازه د مال یوی برخې د اتلاف په صورت (که په خلاف یې مقاوله نه وی شوی) د بیمې بدل د مال د ټول قیمت په تناسب ټاکل کیږي.

۸۹۶ ماده:

که د هغه مال قیمت چې بیمه شوی دی په مقاوله نامه کښې نه وی قید شوی بیمه کوونکی مجبور دی چې د مال قیمت د خطر د وقوع په حال کښې اثبات کړي په دی صورت چې محکمه یې لازم وبولی د خپل قناعت د پاره کولای شي چې بیمه کوونکی ته قسم ورکړي که بیمه کوونکی ادعا وکړي چې د بیمه شوی مال قیمت په مقاوله کښې د لیکلی شوی قیمت نه لږدی مجبور دی چې خپله ادعا اثبات کړي.

مگر که د بیمه شوی مال قیمت پخوا د خطر له وقوع څخه د کارپوهو کسانو په ذریعه (چه د دواړو خواوو په انتخاب ټاکل کيږي) اټکل شوی او د بیمه کوونکی حيله په هغه خصوص کښې په اثبات ونه رسيږي د بیمې مؤسسه نشي کولای چې د دی قیمت په خصوص کښې اعتراض وکړي.

۸۹۷ ماده:

وروسته له هغه چې د بیمې مؤسسه د بیمې بدل ورکړی حقوقاً د بیمه کوونکی قایم مقام گرځي.

ماده ۸۹۶:

اگر قیمت مالیکه بیمه شده در مقاوله نامه قید نشده باشد بیمه کننده مجبور است قیمت مال را در حال وقوع خطر اثبات نماید در صورتی که محکمه لازم داند برای قناعت خود می تواند بیمه کننده را قسم بدهد اگر بیمه کننده ادعا نماید که قیمت مال بیمه شده کمتر از قیمت نوشته شده در مقاوله می باشد مجبور است ادعای خود را اثبات نماید.

ولی اگر قیمت مال بیمه شده قبل از وقوع خطر ذریعه اهل خبره (که به انتخاب جانبین معین می شود) تخمین شده و حيله بیمه کننده در آن خصوص باثبات نرسد مؤسسه بیمه نمی تواند راجع به این قیمت اعتراض نماید.

ماده ۸۹۷:

بعد از آنکه مؤسسه بیمه بدل بیمه را تأدیه نماید حقوقاً قایم مقام بیمه کننده

می‌گردد. بنابراین اگر بیمه‌کننده در مقابل اشخاص ثالث حق دعوی خساره را داشته باشد این حق به تناسب وجهی که مؤسسه بیمه تعهد تأدیه می‌کند به مؤسسه بیمه انتقال می‌یابد.

اگر بیمه‌کننده حقوق خود را که مطابق فقره اول فوق به مؤسسه بیمه منتقل می‌گردد اخلال کند و یا موجبات اخلال آنرا فراهم نماید در مقابل مؤسسه بیمه مسئول می‌باشد.

ماده ۸۹۸:

مقاوله بیمه با اساس (پالیسی بیمه) و یا تحریریکه قایم مقام مقاوله باشد اثبات می‌شود مقاوله بدو نسخه تنظیم می‌گردد و بر علاوه قید تاریخ و امضاء طرفین محتوی مواد آتی می‌باشد:

۱- اسم و اقامتگاه مؤسسه بیمه و بیمه شونده.

۲- موضوع بیمه.

۳- جبران خطراتیکه مؤسسه بیمه تعهد نموده

نوپه دی اساس که بیمه‌کونکی دریمو کسانوپه مقابل کنبی د خساری د دعوی حق ولری دا حق د خینو رویوپه تناسب چپ د بیمی مؤسسه یی د ورکری تعهد کوی د بیمی مؤسسسی ته انتقال مومی.

که بیمه‌کونکی خپل حقوق چپ له پاس لومړی فقری سره سم د بیمی مؤسسسی ته منتقل کیږي اخلال کړی او یا د هغود اخلال موجبات راغونډ کړی د بیمی د مؤسسسی په مقابل کنبی مسئول دی.

ماده ۸۹۸:

د بیمی مقاوله د بیمی د (پالیسی) په اساس او یا د هغی لیکنی په اساس چپ د مقاولی قایم مقام وی اثباتیږي. مقاوله په دوو نسخو کنبی تنظیمیږي او برسیره په هغه لاندنیو موادو کنبی د دواړو خواوو لاسلیک او د نبتی قید داخل وی:

۱- د بیمی د مؤسسسی او د بیمه کیدونکی نوم او د رسیدلو خای.

۲- د بیمی موضوع.

۳- د هغو خطراتو تاوان چپ د بیمی مؤسسسی یی تعهد کړی وی.

با تاريخ ابتداء و ختم
آن.

۴- بدل بیمه.

۵- مقدار و زمان و محل
تادیه اجرت بیمه.

۶- تمام احوال و عواملیکه
ماهیت خطرات متعهده
مؤسسه بیمه را تعیین بتواند.

تبصره:

مقاوله بیمه باسم یا امر
بیمه کننده و یا به حامل
آن تنظیم شده می تواند.

ماده ۸۹۹:

در صورتی که خلاف آن مشروط
نباشد مؤسسه بیمه مجبور
است مقاوله بیمه را مستقیماً
بین بیمه کننده و یا وکیل او و
مؤسسه بیمه منعقد گردیده در
ظرف بیست و چهار ساعت از
تاریخ عقد و اگر مقاوله
توسط دلال عقد شده باشد
منتها در ظرف ده روز از تاریخ
عقد به بیمه کننده
تفویض نماید. بر عکس آن
بیمه کننده می تواند از
مؤسسه بیمه و دلالیکه
وساطت نموده ضرر و

سرده د هغود شروع او د ختم له
نپتې.

۴- د بیمې بدل.

۵- د بیمې د اجرت د ورکړې
اندازه وخت او محل.

۶- ټول هغه احوال او عوامل چې د
بیمې د مؤسسې د متعهده خطراتو
ماهیت وټاکلی شي.

تبصره:

د بیمې مقاوله د بیمه کوونکي په
نامه یا امر او یا د هغې په حامل
تنظیم کیدای شي.

۸۹۹ ماده:

په دی صورت چې په خلاف یې
مشروط نه وی د بیمې مؤسسه
مجبوره ده چې د بیمې مقاوله په
مستقیم ډول د بیمه کوونکي او یا
د ده د وکیل او د بیمې د مؤسسې
ترمنځ منعقد شوی د عقد له
نپتې څخه په (۲۴) ساعتو کښې
او که مقاوله د دلال په ذریعه عقد
شوی وی د عقد له نپتې څخه
منتها په لسو ورځو کښې بیمه
کوونکي ته وسپاری د دی په
عکس بیمه کوونکي کولای شي
چې د بیمې له مؤسسې او هغه
د لال څخه چې منځگړیتوب

یې کړې دی خپل پېښ شوی زیان او ضرر وغواړی.

۹۰۰ ماده:

د بیمې مؤسسه کولای شي هغه مال چې بیمه کوی یې تر هر شرط لاندې چې وغواړی سر له سره بیمه کړی همدا ډول بیمه کوونکی هم د بیمې اجرت بیمه کولای شي.

۹۰۱ ماده:

د بیمې اجرت د بیمه کوونکی په استوګنځي کښې ورکول کيږي مګر که د بیمې د مؤسسې او یا د هغې د نماینده په استوګنځي کښې د بیمې د اجرت د ورکړې په خصوص کښې کوم شرط په مقاوله کښې موجود وی معتبر دی. مګر د دی شرط په خلاف که د بیمې اجرت بالفعل د بیمه کوونکی په استوګنځي کښې ورکړی شوی وی د بیمې د مؤسسې په استوګنځي کښې د بیمې د اجرت د ورکړې شرط بی اثره دی.

۹۰۲ ماده:

په دی صورت چې بیمه

زیان وارده خود را مطالبه نماید.

ماده ۹۰۰:

مؤسسه بیمه میتواند مالی را که بیمه می نماید تحت هر شرطیکه بخواهد مجدداً بیمه نماید، هم چنان بیمه کننده نیز اجرت بیمه را بیمه میتواند.

ماده ۹۰۱:

اجرت بیمه در اقامتگاه بیمه کننده تأدیه می شود ولی اگر در مقاوله شرطی دأثر بر تأدیه اجرت بیمه در اقامتگاه مؤسسه بیمه و یا نماینده آن موجود باشد معتبر است. ولی علی الرغم این شرط اگر اجرت بیمه بالفعل در اقامتگاه بیمه کننده تأدیه شده باشد شرط تأدیه اجرت بیمه در اقامتگاه مؤسسه بیمه بی اثر است.

ماده ۹۰۲:

در صورتی که بیمه کننده

اجرت بیمه را در حین مقاوله نداده باشد و با اجرت ملتوی و یا تابع به اقساط گردیده باشد اگر بیمه کننده این اجرت و یا قسط آن را در انقضاء مدت تأدیه نکرده باشد مؤسسه بیمه یک اخطار رسمی ذریعه مکتوب راجستری باو ارسال می کند در صورت عدم تأدیه اجرت و یا اقساط در ظرف یک ماه مقاوله بیمه فسخ شمرده می شود.

شرطیکه بر خلاف این حکم علیه بیمه کننده در مقاوله درج گردد باطل است.

ماده ۹۰۳:

در مقاولات بیمه که برای سنوات متعدده منعقد می گردد اگر در تعیین مقدار اجرت بیمه عوامل مخصوصه که وخامت خطر را تزئید میکنند در نظر گرفته شده باشد در صورتی که این عوامل بعداً از بین برود بیمه کننده می تواند تخفیف اجرت را برای سالهای مربوط مطالبه نماید.

کونکسی د بیمی اجرت د مقاولی په وخت کښې نه وی ورکړې او اجرت ملتوی او یا د اقساطو تابع شوی وی نوکه بیمه کونکي دغه اجرت او یا د هغه قسط د مودی د تېرېدونه وروسته نه وی ورکړې نو د بیمې مؤسسه یو رسمی اخطار د راجستری لیک په مل هغه ته ورلیږي د اجرت یا اقساطو د نه ورکړې په صورت د یوی میاشتي په مودی کښې د بیمې مقاوله فسخ گڼله کیږي.

هغه شرط چې د دی حکم په خلاف پر بیمه کونکي باندی په مقاوله کښې درج شي باطل دی.

۹۰۳ ماده:

د بیمې په مقاولاتو کښې چې د ډیرو کلو د پاره منعقده کیږي که د بیمې د اجرت د اندازی په ټاکلو کښې داسی مخصوص عوامل چې د خطر وخامت زیاتوی په نظر کښې نیولی شوی وی په دی حال کښې چې دا عوامل وروسته له منځه ووزی بیمه کونکي کولای شي چې د مربوطو کلو د پاره د اجرت تخفیف وغواړي.

ماده ۹۰۴:

که د هغو خطراتو له ختم نه پخوا چې بیمه په هغو پوری اړه لری د بیمې مؤسسه او په دی صورت چې د بیمې اجرت لانه وی ورکړی شوی بیمه کوونکی افلاس وکړې او یا په بل صورت له ورکړی څخه عاجز راشي مقابل طرف کولای شي چې د ده ټولی دارایی ته مراجعه وکړې او د تعهد په اجرا کښې تأمینات وغواړی، که د تقاضا د وقوع له نېټې څخه په دری ورځو کښې تأمینات ورنکړل شي نو هغه طرف چې د مقابلې خوا یې ټولی دارایی ته مراجعه کړی ده کولای شي چې مقاله فسخ کړی.

ماده ۹۰۴:

اگر قبل از ختم خطراتیکه بیمه بآن تعلق دارد مؤسسۀ بیمه و یا در صورتی که اجرت بیمه هنوز تأدیه نشده باشد بیمه کننده افلاس کند و یا به نحو دیگری از تأدیه عاجز آید طرف مقابل میتواند به مجموع دارائی او مراجعه و در اجرای تعهد تأمینات بخواهد اگر در ظرف سه روز از تاریخ وقوع تقاضاء تأمینات داده نشود طرفیکه به مجموع دارائی طرف مقابل مراجعه کرده است می تواند مقاله را فسخ نماید.

ماده ۹۰۵:

که د مقالوی د مودی په منخ کښې هغه څوک چې مال یې بیمه شوی دی د کوم علت په اثر تبدیل شوی وی په دی صورت چې د هغه په خلاف په مقاله کښې مشروط نه وی ټول هغه حقوق او وجایب چې له بیمې څخه پیدا شوی وی له هغې نېټې څخه چې مال په ده پوری اړه لری نوی خاوند ته انتقال مومی مگر د بیمې مؤسسه کولای

ماده ۹۰۵:

اگر در اثناء مدت مقالوه کسیکه مال او بیمه شده در اثر علتی تبدیل شده باشد در صورتی که بر خلاف آن در مقاله مشروط نباشد تمام حقوق و وجایب ناشی از بیمه از تاریخیکه مال باو تعلق دارد به صاحب جدید انتقال می یابد. ولی مؤسسۀ بیمه می تواند برای اجرت بیمه

شي چي د بيمې د اجرت د پاره د مال لومړي مالک ته مراجعه وکړي.

۹۰۶ ماده:

که بيمه کوونکي بي د بيمې د مؤسسې له موافقي نه د خطراتو محل او يا د بيمه شوي مال وضعيت چي د مقاولي په وخت کبني يې درلود تبديل کړي او يا دا تبدلات داسي ماهيت ولري چي د هغه د وجود په صورت د مقاولي په وخت کبني د اجراً مانع او يا د بيمې له خوا تر درندو شرايطو لاندې د مقاولي د اجراء باعث شي د بيمې مؤسسه کولاي شي چي مقوله فسخ کړي نو هغه څوک چي دا تبدلات پيدا کوي که په اتو ورځو کبني کیفیت د بيمې اداري ته ابلاغ کړي او د بيمې مؤسسه په همغو اتوو ورځو کبني د خپلي فسخ حق استعمال نکړي بيمه دوام کوي.

۹۰۷ ماده:

که د بيمې د اجرت مبلغ تر دوو کالو پوري ورکړي شوي نه وي له بيمه شوي مال نه ترجيحاً اخيستل کيږي. په دې باره کبني د ترجيح حق نسبت نورو مرجحه پورونو ته

بمالک اول مال مراجعه نمايد.

ماده ۹۰۶:

اگر بيمه کننده بدون موافقه مؤسسه بيمه محل خطرات و يا وضعيت مال بيمه شده را که در زمان مقوله داشت تبديل نمايد و اين تبدلات داراي ماهيتي باشد که در صورت وجود آن در حين مقوله مانع اجراً و يا تحت شرايط سنگين تري باعث اجرائي مقوله از طرف بيمه شود مؤسسه بيمه مي تواند مقوله را فسخ نمايد کسي که اين تبدلات را بوجود مي آورد اگر در ظرف هشت روز کیفیت را به اداره بيمه ابلاغ کند در صورتي که مؤسسه بيمه در ظرف همان هشت روز حق فسخ خود را استعمال ننمايد بيمه دوام مي کند.

ماده ۹۰۷:

مبلغ اجرت بيمه اگر تا دو سال تأديه نشده باشد از مال بيمه شده ترجيحاً استيفا مي شود حق ترجيح درين باره نسبت به ديون مرجحه ديگر

لومړی دی.

درېیمه برخه

د سوځېدلو بیمه

۹۰۸ ماده:

د بیمې مؤسسه د هغو ټولو خسارو د تاوان ضامننه ده چې بیمه شوی منقولو او غیر منقولو مالونوته د سوځېدلو له لاری پېښ شي.

د بیمې مؤسسه د قصدي سوځولو د خساری د تاوان چې بیمه کوونکی پکښې اصلاً یا فرعاً دخل لری ضامنه کیدای نشي.

۹۰۹ ماده:

دا لاندی خساری په دی صورت چې د هغو په خلاف مقاوله موجوده نه وی د هغو خسارو حکم لری چې له اور اخیستو څخه پیدا کېږي:

۱- له هر هغه ډول وسائلو نه پیدا شوی مصارف چې د اور مړ کولو په غرض استعمالېږي لکه د تاو، لوگی او بخار د مخنیوی مصارف یا د نجات د پاره نور تدبیرونه لکه د بیمه شوی شیانو نقل له یوه ځای څخه بل ځای ته یا د بیمه شوی کوټو د ټول یا لږ نږدېدل چې د لزوم په

مقدم تر است.

حصه سوم

بیمه حریق

۹۰۸ ماده:

مؤسسه بیمه ضامن جبیړه تمام خساراتی است که از رهگذر حریق به اموال منقول و غیر منقول بیمه شده عاید شود.

مؤسسه بیمه ضامن جبیړه خساره حریق قصدی که بیمه کننده اصلاً یا فرعاً در آن دیدخل باشد شده نمی تواند.

۹۰۹ ماده:

خسارات آتی در صورتیکه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد حکم خساراتی را دارد که از حادثه حریق نشئت می کند:

۱- مصارف ناشی از هر نوع وسائلیکه بغرض ان طفای حریق استعمال می شود مثل مصرف جلوگیری از حرارت، دود، بخار یا تدابیر دیگر برای نجات مثل نقل اشیاء بیمه شده از یک محل به محل دیگر یا انهدام کلی و یا قسمی عمارت بیمه شده که در صورت لزوم به مقصد جلوگیری

صورت داور د خپریدو د مخنیوی په مقصد مصرف کیږي.

۲- هغه خساری چې له اور، ټکی، چاودنی او ددی په شان نورو پېښونه پیدا شوی وی که څه هم داور باعث نه وی شوی.

۹۱۰ ماده:

هغه مقاوله چې د حریق په مقابل کښې د منقولو او غیر منقولو مالونو په خصوص کښې ترله کیږي برسیره د (۸۹۸) مادې په خصوصیاتو باید د لاندنی معلومات ولری:

۱- د هغې ودانۍ ځای او د جوړښت ډول او استعمال طریقه چې بیمه کیږي.

۲- په دی صورت چې د بیمې موضوع شیان وی نو د هغې ودانۍ محل چې د اشیان پکښې موجود وی د هغه د ودانۍ د طرز او استعماله سره.

۹۱۱ ماده:

قسمی خساره چې یوی بیمه شوی ودانۍ ته داور له پېښې څخه رسیږي د سوځېدو له پېښې نه پخوا د ودانۍ د قیمتونو او پس له هغه د مقایسې په اساس تثبیت

از توسعه حریق صورت می‌گیرد.

۲- خسارات ناشی از آتش، صاعقه، انفلاق، حوادث مشابه آن ولو اینکه باعث حریق هم نشده باشد.

ماده ۹۱۰:

مقاوله که در خصوص بیمه اموال منقول و غیر منقول در مقابل حریق منعقد می‌گردد بر علاوه خصوصیات ماده (۸۹۸) باید محتوی معلومات ذیل باشد:

۱- محل و نوع تعمیر و طرز استعمال عمارتیکه بیمه می‌شود.

۲- در صورتی که موضوع بیمه اشیاء باشد محل عمارتیکه این اشیاء در آن موجود می‌باشد با طرز تعمیر و استعمال آن.

ماده ۹۱۱:

خساره قسمی که بیک عمارت بیمه شده از حادثه حریق عاید می‌شود باساس مقایسه قیمت های عمارت پیش از حادثه حریق و بعد از آن تثبیت

کیرې.

هغه خساره چې د یوې بیمه شوی ودانۍ له اور اخیستلو څخه پيدا کیرې په هغه ترتیب چې بدل یې ورکړی شي جبران کیرې که د یوې ټولې ودانۍ جوړول یا یې ترمیمول چې کامله یا یوه برخه یې سوځیدلې وی د مقاولی په اساس ټاکلې شوی وی په یوه موده کښې چې د دواړو خواوو اتفاق ورباندې حاصل شي کیرې او که د دواړو خواوو اتفاق ورباندې رانشي نوموده د محکمې له خوا ټاکله کیرې که چېرې مصارف د بیمې د مؤسسې له خوا ورکړل شي بیمه کونکې یې په جوړولو او ترمیمو لو مکلف دی. او د بیمې مؤسسه حق لری د هغو مصارفو د طرز چې په ورکړه یې مجبوره ده مراقبت وکړې.

۹۱۲ ماده:

هغه څوک چې د بل شخص په حساب د یوه مال په خصوص کښې د تصرف حق ولری کولای شي چې د حریق د خطراتو په مقابل کښې ټول یا یوه برخه بیمه کړی. دغه راز هغه څوک چې په هر صفت مال په

می گردد.

خساره ناشی از حریق یک عمارت بیمه شده به ترتیبی که بدل آن تأدیه گردد جبران می شود. اگر تعمیر و یا ترمیم یک عمارتیکه کاملاً و یا قسماً حریق گردیده به اساس مقاوله تعیین شده باشد در ظرف یک مدتیکه اتفاق طرفین حاصل شود بعمل می آید. در صورت عدم اتفاق طرفین مدت از طرف محکمه تعیین می گردد. هرگاه مصارف از طرف مؤسسه بیمه داده شود بیمه کننده مکلف به ترمیم و تعمیر است. و مؤسسه بیمه حق دارد طرز مصارف را که مجبور به تادیه آن می باشد مراقبه نماید.

ماده ۹۱۲:

کسیکه بحساب شخص دیگری حق تصرف را راجع بمالی واجد است می تواند آن را در مقابل خطرات حریق کلی یا قسمی بیمه نماید هم چنین کسیکه به هر صفتی ذو الید

مالي باشد مي تواند در مقابل خطرات سوختن كه در نتيجه قصور شخصي او نشئت کرده و موجب مسئوليت حقيقي او در مقابل شخص ديگري باشد بيمه كند.

ماده ۹۱۳:

در صورت تحقق ماده (۹۱۲) صلاحيت استيفاء از جبران بيمه مؤسسه بيمه مجبور به پرداخت آن در مقابل بيمه كننده منحصر باشخص است كه بيمه كننده در مقابل آن مسئول مي باشد دائنين بيمه كننده نمي توانند از اين جبران بيمه استفاده نمايند.

ماده ۹۱۴:

در صورتي كه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد بيمه كننده حق دارد اشيائي را كه خساره مند شده به مؤسسه بيمه ترك و بدل آن را مطالبه نمايد.

لاس كنبې ولري كولاي شي چې د سوخيدلو د خطراتو په مقابل كنبې چې د ده له شخصي قصور څخه پيدا شوي او د بل شخص په مقابل كنبې د ده د حقيقي مسئوليت موجب وي بيمه كړي.

ماده ۹۱۳:

د (۹۱۲) مادې د تحقق په صورت د بيمې له هغه جبران څخه چې د بيمې مؤسسه د بيمه كوونكي په مقابل كنبې د هغه په وركړه مجبوره ده د استيفا صلاحيت خاص په هغو كسانو پوري اړه لري چې بيمه كوونكي د هغو په مقابل كنبې مسئول دي د بيمه كوونكي پوروالان نشي كولاي چې د بيمې لډي جبران څخه استفاده وكړي.

ماده ۹۱۴:

پدې صورت چې په خلاف يې كومه مقاوله موجوده نه وي بيمه كوونكي حق لري هغه شيان چې زيانمن شوي دي د بيمې مؤسسې ته پرېږدي او بدل يې وغواړي.

خلورمه برخه د ترانسپورت بیمه

ماده ۹۱۵:

د هغو شيانو په بیمه کښې چې په وچه او يا غير له بحر څخه په اوبو کښې چلند کوي که په خلاف يې مقاوله موجوده نه وي د بیمې مؤسسه له هغې نېټې څخه چې شيان نقل ورکونکي ته ورتسليمېږي بيا ترهغه وخته پوري چې د نقل ورکونکي له خوا مرسل اليه ته ورتسليمېږي له هغو خسارو څخه چې د هر علت په اثر پېښې شي مسئول دی.

ماده ۹۱۶:

د بیمې بدل برسیره د بیمه شوی مال په محلی قیمت نقل ورکونکي ته د تسليم په وخت کښې د نقلیاتو اجرت اونور هغه مصارف دی چې د مقصود ځای ته د مال د رسیدو د پاره لارمېږي. منصفانه او له عرف سره سم مفاد مقصود ځای ته د مال د رسیدو په حال کښې پدی شرط چې د بیمې په مقاوله کښې جلا درج شي، کولای شي د بیمې په بدل کښې داخلی شي.

حصه چهارم بیمه ترانسپورت

ماده ۹۱۵:

د بیمه اشیائیکه در خشکه و یا در آبهای غیر از بحر نقل داده می شود هرگاه بر خلاف آن مقاوله موجود نباشد مؤسسه بیمه از تاریخیکه اشیاء به نقل دهنده تسلیم داده می شود الی زمانیکه از طرف نقل دهنده به مرسل اليه تسلیم می گردد از خساراتیکه در اثر هر علتی معروض شود مسئول است.

ماده ۹۱۶:

بدل بیمه بر علاوه قیمت محلی مال بیمه شده در زمان تسلیم به نقل دهنده شامل اجرت نقلیات و دیگر مصارفاتی است که برای وصول مال به محل مقصود لازم می گردد. مفاد منصفانه و مطابق بعرف را در حال وصول مال به محل مقصود بشرطیکه علیحده در مقاوله بیمه درج گردد می توان داخل بدل بیمه نمود.

۹۱۷ ماده:

د نقلیاتو د بیمې مقاوله برسیره د (۸۹۸) مادې په ټاکلیو خصوصیاتو دا لاندنی مواد هم لری:

۱- هغه وسیلې چې د هغو په ذریعه مال نقلیږي او هغه لاز چې د نقل په وخت کښې تعقیبولی شي.

۲- د نقل ورکوونکی نوم او تجارتی عنوان.

۳- که چېرې د مرسل الیه او نقل ورکوونکی له خوا د نقل د پاره کومه موده ټاکلی شوی وی ددی مودی قید.

۴- نقل ورکوونکی ته د شیانو د تحویلی حای او مرسل الیه ته د تسلیم حای.

۹۱۸ ماده:

د بیمې مؤسسه د هغو خسارو د تاوان ضامنه ده چې د نقلیاتو د اجراء د مؤظفو مامورینو له حیلې او تقصیر خخه پېښې شي.

۹۱۹ ماده:

که نقلیات مؤقتاً قطع شي او یالار او د نقلیاتو وسیله تبدیله شي د بیمې مقاوله نه فسخ کیږي.

ماده ۹۱۷:

مقاوله بیمه نقلیات بر علاوه خصوصیات معینه ماده (۸۹۸) محتوی مواد آتی نیز می باشد:

۱- وسائلی که مال ذریعه آن نقل می شود و راهیکه در اثنای نقل تعقیب می گردد.

۲- اسم و عنوان تجارتی نقل دهنده.

۳- هرگاه از طرف مرسل الیه و نقل دهنده برای نقل مدتی معین شده باشد قید این مدت.

۴- محل تحویلی اشیاء به نقل دهنده و محل تسلیم به مرسل الیه.

ماده ۹۱۸:

مؤسسه بیمه ضامن جبران خساراتی می باشد که از حیلله و تقصیر مامورین مؤظف اجراء نقلیات بوقوع می آید.

ماده ۹۱۹:

اگر نقلیات مؤقتاً قطع گردد و یا راه و وسیله نقلیات تبدیل شود مقاوله بیمه فسخ نمی شود.

پنجمه برخه د حیات بیمه

۹۲۰ ماده:

د یوه شخص حیات یاد ده له خوا او یا د دریم شخص له خوا بیمه کیدای شي، مگر د بیمې د عقد د صحت د پاره شرط دی چې دریم شخص د بیمه شوی سړی د ژوند په اوږدو کښې گټه ولری، د محجور او یا لیونی د صحتی حیات د بیمې مقاوله جائزه ده مگر د دوی په مړینی پوری مشروط او مقیده بیمه ترل باطل دی په دواړو صورتو کښې که چیری فوت واقع شي نو د بیمې د اجرت نیمايې چې د مړینې له نېټې څخه له بیمه کوونکی څخه اخیستی شوی دی بیرته ورکاوه کیږي.

۹۲۱ ماده:

د بیمې مؤسسه کولای شي چې د یو شخص د فوت احتمال په یوه ټاکلی موده او یا د مقاولې په ټاکلیو احوالو او شرایطو کښې دده د ټاکلی مودی زیاتو الی بیمه

حصة پنجم بیمه حیات

ماده ۹۲۰:

حیات یک شخص یا از طرف خودش و یا از جانب یک شخص ثالث بیمه شده می تواند، ولی برای صحت عقد بیمه شرط است که شخص ثالث در دوام حیات بیمه شونده ذینفع باشد مقاوله بیمه حیات صحتی محجور و یا مجنون جایز است ولی انعقاد بیمه مشروط و مقید به فوت آنها به باطل می باشد در هر دو صورت هرگاه فوت واقع شود مناصف اجرت بیمه که تا تاریخ وفات از بیمه کننده گرفته شده است مسترد می گردد.

ماده ۹۲۱:

مؤسسه بیمه می تواند احتمال فوق یک شخص را در یک مدت معین و یا در احوال و شرایط معینۀ مقاوله ما زاد مدت معینه او را بیمه

کری.

نماید.

۹۲۲ ماده:

ماده ۹۲۲:

د حیات د بیمی په مقاوله کبني بر سیره د (۸۹۸) مادی په داخلو خصوصیاتو د هغه چا چې د حیات بیمه کیږي نوم، سن کسب او د روغتیا درجه دی داخله شي، دامقاوله ممکنه ده په نوم او یا امر لیکل شوی وی مگر د حامل په وجه کیدای شي.

در مقاوله بیمه حیات علاوه بر خصوصیات مندرجه ماده (۸۹۸) اسم، سن پیشه و درجه صحت مندی کسبیکه بیمه حیات می شود درج گردد این مقاوله ممکن است محرر باسم و یا امر باشد ولی در وجه حامل شده نمی تواند.

۹۲۳ ماده:

ماده ۹۲۳:

هغه خوک چې د ده حیات بیمه شوی دی که چیرې د مقاولې په وخت کبني مړشي بیمه اعتبار نلری.

شخصی که حیات او بیمه شده هرگاه در حین مقاوله وفات نماید بیمه اعتبار ندارد.

۹۲۴ ماده:

ماده ۹۲۴:

د بیمی د اجرت د نه ورکړی په صورت د (۹۰۲) مادی حکم معتبر دی او د بیمی مؤسسه اړه نه ده چې لدی هیسه دعوی وکړي. که بیمه کېدونکی د دريو کالو د پوره کیدو څخه د مخه له بیمی څخه رجوع وکړي ترڅو چې خپل تعهد اجرا کړی نشي کولای هغه اجرت یا بدل چې ورکړی یې دی د بیمی له مؤسسې

در صورت عدم تأدیه اجرت بیمه حکم ماده (۹۰۲) معتبر بوده و مؤسسه بیمه احتیاج ندارد از این حیث اقامه دعوی کند. اگر بیمه شونده قبل از ختم سه سال از بیمه رجوع کند تا تعهد خود را اجرا نماید نمی تواند اجرت و یا بدلی را که داده است از مؤسسه بیمه مطالبه

نه و غواری.

که چیرې بیمه کیدونکی وروسته له هغه چې له درې کاله اجرت نه زیات یې ورکړی وی او له بیمې نه رجوع وکړې کولای شي چې د مصرف له تخفیف نه وروسته د پاتې (۲ پر ۳) ټول اجرت په سلو کښې یو معادل و غواری.

نماید.

هرگاه بیمه شونده بعد از اینکه زیادتر از سه سال اجرت را تأدیه کرده از بیمه رجوع نماید می تواند بعد از تخفیف مصرف معادل به فیصد یک مجموع اجرت (۲ بر ۳) متباقی را مطالبه نماید.

۹۲۵ ماده:

د هغه چې انتحار چې د وفات د خطر په مقابل کښې خپل حیات بیمه کوی د بیمې مؤسسې ته د ورکړې موجب نه گرځي. مگر که دغه انتحار ترهغو احوالو لاندی وی چې ارادی او ادراک سلبوو نکي وی نود بیمې اعتبار ته کوم خلل نه پینښې.

ماده ۹۲۵:

انتحار کسی که حیات خود را در مقابل خطر وفات بیمه می کند موجب تأدیه ای برای مؤسسه بیمه نمی گردد. ولی اگر انتحار تحت احوالیکه سالب اراده و ادراک است بوقوع آمده باشد باعتبار بیمه خللی وارد نمی شود.

هغه څوک چې گټه یې له بیمې څخه په مشروط صورت وی که د بیمه کیدونکی شخص په قتل کښې اصلاً یا فرعاً ذی دخل وی محکوم شوی وی له بیمې څخه استفاده نشي کولای او په محکوم پوری مربوطه وجه د مقتول په ورته پوری تعلق نیسی.

کسی که انتفاع او از بیمه بصورت مشروط باشد اگر در قتل شخص بیمه شونده اصلاً و یا فرعاً ذیدخل بوده محکوم شده باشد از بیمه استفاده نمی تواند و وجه مربوط به محکوم به ورته مقتول تعلق می گیرد.

مادہ ۹۲۶:

یو شخص لکه څرنگه چې کولای شي خپل حیات په هغه مبلغ سره چې زړه یې وی بیمه کړی د بیمې د متعددو مؤسسو په ذریعه بی لډی چې ځان د بیمې د بدل په مقدار مقید کړی بیمه کولی شي.

مادہ ۹۲۶:

یک شخص طوری که می تواند حیات خود را با مبلغی که خواسته باشد بیمه نماید توسط مؤسسات متعدد بیمه نیز بدون مقید بودن به مقدار بدل بیمه می تواند.

مادہ ۹۲۷:

د بیمې له مؤسسې څخه د حیات د بیمې له مقاولې نه د پیدا شوی گټو او له حقوقو څخه د استیفا او د غوښتنې صلاحیت چې د دریم شخص په گټه عقد کړې مستقیماً په هغه شخص پوری اړه لری. که د بیمې په مقاوله کښې د دریم شخص د وراثت په نسبت تصریح هم شوی وی له لمړۍ فقرې سره سم دا شخص د بیمې د مؤسسې په مقابل کښې د حقوقو او گټو لرونکی دی. میره او ماندینه کولای شي د عین مقاولی له مخې یو د بل په حیات دوه متقابلې بیمې عقد کړی.

مادہ ۹۲۷:

صلاحیت مطالبه و استیفاء حقوق و منافع ناشی از مقاوله بیمه حیات از مؤسسۀ بیمه که به نفع یک شخص ثالث عقد می شود مستقیماً مربوط به همان شخص است. اگر در مقاوله بیمه نسبت وراثت شخص ثالث تصریح هم شده باشد مطابق فقره اول مستقیماً شخص مذکور در مقابل مؤسسۀ بیمه دارای حقوق و منافع می باشد. زوج و زوجه می توانند به اساس عین مقاوله بر حیات یک دیگر دو بیمه متقابل عقد نمایند.

مادہ ۹۲۸:

بیمه کیدونکی لکه څنگه چې

مادہ ۹۲۸:

بیمه شونده طوری که

می‌تواند شخص دارای حق انتفاع از بیمه را در حین مقاوله تعیین نماید. بعد از انعقاد مقاوله نیز تعیین می‌تواند. بیمه شونده می‌تواند بعد از تعیین شخصی که انتفاع او از بیمه مشروط می‌باشد وی را تبدیل بکند ولی اگر بیمه شونده در مقاوله بیمه تعهد کرده باشد که حق تبدیل را ندارد و مقاوله را به شخصی که انتفاع او از بیمه مشروط است تسلیم داده باشد نمی‌تواند آن شخص را تبدیل کند.

ماده ۹۲۹:

در حال افلاس و یا تصفیه معاملات مؤسسه بیمه حق مطالبه آنهائی که هنوز به اساس مقاولات معتبر بیمه ذینفع می‌باشند منحصر به اعاده اجرت بدون تکت پولی است که الی روز صدور حکم افلاس و یا تصفیه برای هر مقاوله تأدیه شده است.

کولای شی له بیمی خخه د گتهی اخیستلو د حق لرونکی د مقاولی په وخت کی وټاکې د مقاولی له ترلونه وروسته یې هم ټاکلی شی. بیمه کیدونکی کولای شی وروسته د هغه شخص له ټاکلو چې گته اخیستل یې له بیمی خخه مشروط وی هغه تبدیل کړی مگر که بیمه کیدونکی د بیمی په مقاوله کښې تعهد کړی وی چې د تبدیل حق نه لری او مقاوله یې هغه شخص ته چې گته اخیستل یې له بیمی خخه مشروط دی ورتسلیم کړی وی نونشی کولای چې هغه شخص تبدیل کړی.

ماده ۹۲۹:

د بیمی د مؤسسې د معاملاتو د تصفیه او یا افلاس په حال کښې د هغو کسانو د غوښتنې حق چې تر اوسه د بیمی د معتبرو مقاولو په اساس د نفع خاوند دی بیله تکت پولی خخه د اجرت په اعاده منحصر دی چې د هرې مقاولی د پاره د تصفیه او یا د افلاس د حکم د صدور تر ورځې پورې ورکړی شوی دی.

ماده ۹۳۰:

بیمه کیدونکی بی د بیمې د مؤسسې له اطلاع نه کولای شي په افغانستان او د دنیا په نورو خواوو کښې په هوا، بحر او وچه کښې مسافرت وکړي.

د حیات د بیمې مقوله د صلح په وخت کښې او د هغو سفربریو په ترڅ کښې چې مسلح سوقيات پکښې وی او یا د داخلی جگړو، اغتشاش او عصیان او ملکي بحرانونو په وخت کښې معتبره ده یواځې له یوه پردی دولت سره د جنگ پینښدو په وخت کښې (بدی صورت چې په خلاف یې کوم شرط نه وي) مقوله منقطع کیږي پدی حال کښې هغه اجرت چې د وفات د پېښېدو په پیش بیني کښې تحصیل شوی وی بی له ټکټ پولی-خه اعاده کیږي.

ماده ۹۳۱:

د بیمې عقد د تونتین (Tontine) یعنی د شریکانو له خوا په معینو اقساطو سره دی د پاره تأدییه کول چې د هغو اشخاصو په منځ کښې چې ژوندی دی په ټاکلی نېټه وویشلی شي.

ماده ۹۳۰:

بیمه شونده بدون اطلاع مؤسسه بیمه می تواند در افغانستان و در هر طرف دنیا در هوا، بحر و خشکه مسافرت نماید.

مقوله بیمه حیات در وقت صلح و در اثنای سفر بری هائیکه شامل سوقيات مسلح باشد و یا در حین وقوع عصیان، اغتشاش، محاربات داخلی و بحرانات ملکی معتبر می باشد تنها در حین وقوع محاربه با یک دولت اجنبی (در صورتیکه بر خلاف آن شرطی نباشد) مقوله منقطع می گردد در این حال اجرتیکه در پیش بینی وقوع وفات تحصیل شده باشد بدون تکت پولی اعاده می شود.

ماده ۹۳۱:

عقد بیمه باساس تونتین (Tontine) یعنی تأدییه به اقساط معین از طرف شرکاً باین مقصد که آنهائیکه حیات دارند در تاریخ معینی تقسیم شود.

شپږمه برخه
د پېښو بیمه

حصه ششم
بیمه حوادث

۹۳۲ ماده:

د پېښې په مقابل کېنې بیمه عبارت له هغې مقاولې څخه ده چې د هغې له مخې د بیمې مؤسسه تعهد کوی چې د یوه ټاکلې اجرت د ورکړې په مقابل کېنې د یوې حادثې د پېښېدو په حال کېنې لکه مریضې یا د مادی گټو او کار او عمل مخله عارضه او یا د هغه تصادف په اثر چې ماهیت او نوعیت یې تعریف شوی وی د بیمه کیدونکې وفات او یا د بیمه کیدونکې د کار له قدرت او امکان څخه موقتی یا دائمی محرومیت ټاکلې پانگه یا عاید ورکوی دا ورکړه دی یا بیمه شوی ته وشي یا دی هغو وارثینو او متعددو ټاکلیو اشخاصو ته وشي چې حقوقاً د ده قایم مقام گرزیدلی وی.

پېښه دی لکه څنگه چې ممکنه ده په مستقیم ډول د بیمه کیدونکې له خوا منعقده شي همدا ډول دریم شخص کولای شي چې د یوه

۹۳۲ ماده:

بیمه در مقابل حادثه عبارت از مقاوله ایست که باساس آن مؤسسه بیمه تعهد می کند که در مقابل تأدیة یک اجرت معین در حال وقوع یک حادثه مثل مریضی یا عارضه مخل منافع مادی و کار و عمل و یا وفات بیمه شونده در اثر تصادفیکه ماهیت و نوعیت آن تعریف شده باشد و یا محرومیت موقتی یا دائمی بیمه شونده از قدرت و امکان کار سرمایه معین یا عایدی تأدیسه می دارد این تأدیسه یا به بیمه شونده بعمل آید یا به وارثین و اشخاص معین و متعددی که حقوقاً قایم مقام او گردیده باشند.

حادثه طوریکه ممکن است مستقیماً از طرف بیمه شونده منعقد شود همچنین شخص ثالثی می تواند بر له یک شخص و یا

اشخاص متعدد به عقد آن پردازد. مقاوله بیمه حادثه راجع بیک هیئت و جمعیت نیز ممکن است. در این صورت ضرور نیست اسامی اشخاصی که در مقابل حادثه بیمه میشوند تصریح گردد فقط ذکر پیشه و یا ماموریت کافی است.

ماده ۹۳۳:

بیمه های حوادث طوریکه ممکن است درباره جبران ضررهائیکه بیمه شونده در نتیجه حادثه معروض آن می گردد عقد شود بمقصد تلافی غراماتیکه بیمه شونده در اثر حادثه مجبور تسویه آن بدیگری می باشد نیز ممکن است.

ماده ۹۳۴:

در بیمه های حوادث مؤسسه مجبور است در حین وقوع سنه حادثه ذیل غرامت مندرجه در مقاوله را قرار آتی پردازد:

۱- در صورتی که حادثه باعث

شخص او یا د متعدد و اشخاص په گته عقد و تری دیوه هیئت او جمعیت په خصوص کنبی د حادثی د بیمی مقاوله هم ممکنه ده په دی خصوص کنبی د هغو کسانو د نومونو چي د حادثی په مقابل کنبی بیمه کیري تصریح ضرور نه ده یواځي د کسب او یا ماموریت ذکر کافی دی.

ماده ۹۳۳:

د حوادثو بیمی څنگه چي ممکنه ده د هغو ضررونو د تاوان په باره کنبی وی چي بیمه کېدونکی د حادثی په نتیجه کنبی د هغو سره مخامخ کیري عقد شي د هغو تاوانو د تلافی په مقصد چي بیمه کېدونکی د حادثی په اثر بل ته د تاوان په ورکو لو مجبور دی هم ممکن دی.

ماده ۹۳۴:

د حوادثو په بیمو کنبی د بیمی مؤسسه مجبوره ده چي لاندنی حادثی د کال د وقوع په وخت کنبی په مقاوله کنبی مندرجه تاوان په لاندی ډول ورکړي:

۱- په دی صورت چي حادثه د

موت گردد خواه فوت آنی باشد خواه در ظرف یکسال از تاریخ وقوع حادثه بعمل آمده باشد.

۲- در حالیکه حادثه موجب معلولیت دایمی شده باشد.

۳- در صورتی که حادثه سبب محرومیت موقتی از قدرت کار شده باشد به بیمه شونده به حساب روزانه الی دوام مدت محرومیت جبران داده می شود.

ماده ۹۳۵:

در صورتی که بر خلاف آن شرط نشده باشد مؤسسه بیمه مجبور است بر علاوه غرامت مندرجه در مقاوله اجرت تداوی را که بیمه شونده حقیقتاً صرف کرده است نیز تأدیه نماید.

ماده ۹۳۶:

اخذ تضمینات بیمه شونده از مؤسسه بیمه در نتیجه خطای شخص ثالث حق مراجعه بیمه شونده را به شخص ثالث ساقط نمی سازد شخص ثالث مجبور است بدون در نظر

مرگ باعث شی که مرگ ژر وی او که به موده د یوکال کنبی د حادثی د وقوع له نپتی خخه پینش شوی وی.

۲- په دی حال کنبی چي حادثه د دایمی معلولیت موجب شوی وی.

۳- په دی صورت چي حادثه د کار له قدرت خخه د موقتی محرومیت سبب شوی وی بیمه کیدونکی ته به په ورځنی حساب د محرومیت د مودی تر دوام پوری تاوان ورکاوه کیږي.

ماده ۹۳۵:

په دی صورت چي په خلاف یې شرط شوی نه وی د بیمی مؤسسه مجبوره ده برسیره د مقاولی په مندرجه تاوان د تداوی اجرت چي بیمه کیدونکی په رښتیا سره صرف کړی وی هم ورکړی.

ماده ۹۳۶:

د بیمی له مؤسسې خخه د بیمه کیدونکی د تضمیناتو اخیستل د دریم شخص د خطا په نتیجه کنبی په دریم شخص باندی د بیمه کیدونکی د مراجعی حق نه ساقطوی. دریم شخص مجبور دی

گرفتن بیمه ضرر شخص معروض به حادثه را جبران کند.

در مسایل دیگر بیمه حوادث احکام وارد بیمه حیات تطبیق می شود.

چې بی د بیمې په نظر کښې نیولو په حادثه اخته شوی شخص ته د ضرر تاوان ورکړی.

د حادثو د بیمې په نورو مسایلو کښې د حیات د بیمې راغلی احکام تطبیق کیږي.

حصة هفتم بیمه زراعتی

اوومه برخه زراعتی بیمه

ماده ۹۳۷:

هر نوع محصول درو شده و یا درو نشده در هر وقت سال بیمه شده می تواند.

ماده ۹۳۸:

بیمه های زراعتی برای زمانیکه عقد می شود اعتبار دارد که بعد از جبران خسارات نیز بیمه در مقابل یک خساره ثانی دوام می کند. خسارات ذریعه ممیز که از جانب طرفین گماشته می شود تقدیر و تشبیت می گردد.

ماده ۹۳۹:

مدت دوام بیمه در شرکت های بیمه زراعتی که باساس اعتماد

۹۳۷ ماده:

هر ډول رېبل شوی او یا ولاړ محصول د کال په هر وخت کښې بیمه کېدای شي.

۹۳۸ ماده:

زراعتی بیمې د هغې زمانی د پاره چې عقد کیږي اعتبار لري چې د خسارو د تاوان له ورکولو نه وروسته هم بیمه د یوې دوهمې خساری په مقابل کښې دوام کوی. خساری د ممیز په ذریعه چې له دواړو خواوو نه ټاکل کیږي اندازه او تشبیت کیږي.

۹۳۹ ماده:

د زراعتی بیمې په شرکتو کښې د بیمې د دوام موده چې د متقابله

اعتماد په اساس دایری کیږی د شرکت د دوام موده ده مگر هم شرکت او هم سهم لرونکی کولای شي چې د هر کال په پای کښې مقاوله فسخ کړی هغه شرایط چې د دی حکم په خلاف وضع کیږي اعتبار نه لری.

۹۴۰ ماده:

د ټولو زراعتی او اهلی حیواناتو بیمه د هر ډول پوری کیدونکی ناروغی او حادثې په مقابل کښې جائزه ده.

اتمہ برخه
د غلا بیمه

۹۴۱ ماده:

له غلا څخه د اشخاصو د ساتنی په منظور او یا هغه اشخاص چې د غلا په اثر په خساره او مالی مسؤلیت اخته کیږی ممکنه ده چې په غلا باندی د بیمې مقاوله وتری.

متقابلہ دایر می گردد مدت دوام شرکت است ولی هم شرکت و هم سهامداران می توانند در ختم هر سال مقاوله را فسخ نمایند شرائطیکه بر خلاف این حکم وضع می شود کان لم یکن است.

ماده ۹۴۰:

بیمه تمام حیوانات زراعتی و اهلی در مقابل هر نوع مرض ساری و حادثه جائز است.

حصه هشتم
بیمه سرقت

ماده ۹۴۱:

به منظور حمایه اشخاص از سرقت و یا اشخاصی که در اثر سرقت معروض خساره و مسؤلیت مالی قرار می گیرند ممکن است علیه سرقت مقاوله بیمه عقد نمود.

نہمہ برخہ د زمانی تہرپدل

۹۴۲ مادہ:

هر ډول دعويٰ چي د بيمې له
مقاولي څخه پيدا كيږي د اختلاف
د پېښېدو له نېټې نه وروسته له
دوو کالو څخه ساقطېږي.

۹۴۳ مادہ:

وروسته د دې اصولنامې له
خپرېدو څخه لاندې نورې
اصولنامې لغوه او دا اصولنامه د
هغو پټو ځای د اجرا وړ ده:

- ۱- د تجارتی د فترونو اصولنامه.
- ۲- د دلالي اصولنامه.
- ۳- تجارتی اصولنامه.
- ۴- د تجارت د ثبت اصولنامه.

۹۴۴ مادہ:

دا اصولنامه د خپرېدو له نېټې
څخه دوې مياشتې وروسته
د اعتبار وړ ده.

۹۴۵ مادہ:

د دې اصولنامې په اجراء او تطبيق
د ملي اقتصاد وزارت موظف دي.
د نورو مملکتی اصولو په جمله
کښې د دې اصولنامې د اجراء او

حصه نهم مرور زمان

۹۴۲ مادہ:

هر نوع دعوائیکه از مقاوله
بیمه بوجود می آید بعد
از دو سال از تاریخ وقوع
اختلاف ساقط می شود.

۹۴۳ مادہ:

بعد از نشر این اصولنامه،
اصولنامه های ذیل ملغی
و این قانون جانشین آنها
می باشد.

- ۱- اصولنامه دفاتر تجارتی.
- ۲- اصول نامه دلالی.
- ۳- اصول نامه تجارتی.
- ۴- اصول نامه ثبت تجارتی.

۹۴۴ مادہ:

این قانون دو ماه بعد از
تاریخ نشر معتبر می
باشد.

۹۴۵ مادہ:

به اجراء و تطبيق این قانون وزارت
اقتصاد ملی موظف است.
انفاذ و اجرای اصولنامه هذا را
در جمله سائر اصولات مملکتی

امرو اراده می‌نمائیم. مؤرخه
(۲۱) برج قوس (۱۳۳۴) شمسی
مطابق (۲۹) ماه ربیع الثانی
۱۳۷۵ قمری.

انفاذ امر او اراده کوود (۱۳۳۴)
لمریز کال د قوس (۲۱) نبتیه د
۱۳۷۵ قمری کال د ربیع الثانی د
میاشتی له (۲۹) سره سم.

تعديلات قانون تجارت

فرمان رئيس جمهور
جمهوريت افغانستان

شماره: ۴۰۰

مؤرخ: ۱۳۶۷/۴/۸

درباره توشیح درمورد ایزاد
وتعدیل مواد (۲۷۷ و ۴۵۸) قانون
تجارت

مطابق به حکم فقره (۲) ماده (۷۵)
قانون اساسی جمهوری
افغانستان، ایزاد وتعدیل مواد
(۲۷۷ و ۴۵۸) قانون تجارت
را که بتاریخ (۶ جوزای ۱۳۶۷)
درجلسه فوق العاده ازطرف
شورای انقلابی طی مصوبه شماره
(۱۱) بداخل دو ماده به
تصویب رسیده، توشیح
می دارم.

این فرمان همراه با مصوبه
شورای انقلابی جمهوری
افغانستان درباره ایزاد
وتعدیل قانون متذکره
جهت نشر درجریده رسمی
بوزارت عدلیه جمهوری
افغانستان گسیل گردد.

دکتور نجیب الله
رئیس جمهور افغانستان

د افغانستان جمهوريت
د جمهور رئيس فرمان

گڼه: ۴۰۰

نېټه: ۱۳۶۷/۴/۸

د تجارت د قانون په (۲۷۷ او
۴۵۸) مادو کې د زیاتوالی او
تعدیل د توشیح په هکله

د افغانستان د جمهوریت د اساسی
قانون د (۷۵) مادې د (۲) فقری
د حکم سره سم د تجارت د قانون
په (۲۷۷ او ۴۵۸) مادو کې کوم
زیاتوالی او تعدیل چې د ۱۳۶۷
دغبرگولی د (۶) نیتۍ په فوق
العاده غونډه کې د انقلابی شوری
له خوا د (۱۱) گڼی مصوبی په
ترخ کې په دوو مادو کې تصویب
شویدی توشیح کوم.

دا فرمان په نوموړی قانون کې
د زیاتوالی او تعدیل په باب د
افغانستان د جمهوریت د انقلابی
شوری له مصوبی سره یوځای په
رسمی جریده کې دخپریدو لپاره
د افغانستان جمهوریت د عدلیی
وزارت ته دې واستول شي.

دکتور نجیب الله
د افغانستان جمهور رئیس

د افغانستان د جمهوریت
د انقلابي شوری مصوبه

گڼه: (١١)

نیټه: ١٣٦٧/٣/٦

مصوبه شوراي انقلابي جمهوري
افغانستان

شماره: (١١)

تاریخ: ١٣٦٧/٣/٦

د تجارت د قانون په (٢٧٧ او
٤٥٨) مادو کې د زیاتوالی او
تعدیل په هکله

د افغانستان جمهوریت انقلابی
شوری د افغانستان جمهوریت د
اساسی قانون د (١٤٦) مادی د
حکم پر بنسټ تصویبوی:

د مورد ایزاد و تعدیل
مواد (٢٧٧ و ٤٥٨) قانون
تجارت

شورای انقلابي جمهوري
افغانستان به تاسي از حکم ماده
(١٤٦) قانون اساسي جمهوري
افغانستان تصویب می دارد:

لومړۍ ماده:

د (٢٧٧ او ٤٥٨) مادو په پای
کې لاندی متن ور زیات شی:

١- تولیدی او خدماتی خصوصی
تشبثات چی د کورنی او بهرنی
خصوصی پانگه اچونی د قانون پر
اساس د افغانستان په جمهوریت
کی تاسیس او ثبت کیږی د دغه
قانون د حکمونو تابع نه دی.

٢- د لمتد تجارتي شرکت د
سوداگری د وزارت په اجازه
جوړیږی د اجازی په غوښتنلیک
کی لږمه ده چی د ټولو شریکانو
او یا د هغوی د تصدیق شویو

ماده اول:

متن ذیل در اخیر مواد (٢٧٧ و
٤٥٨) ایزاد گردد:

١- تشبثات خصوصی تولیدی و
خدماتی که به اساس قانون
سرمایه گذاری خصوصی داخلی و
خارجی در جمهوری افغانستان
تأسیس و ثبت می گردد تابع
احکام این قانون نمی باشد.

٢- شرکت لمتد تجارتي به
اجازه وزارت تجارت
تشکیل می یابد، در درخواست
اجازه لازم است که امضاء تمام
شرکاء و یا وکیل های مصدق شان

و کیلانولاسلیک درج شی.

د لمتد د تجارتي شرکت ټوله پانگه باید په غاړه واخیستله شی او لږ تر لږه نیمایی یی ورکړی شی.

تولیدی او خدماتی خصوصي تشبثات د افغانستان د جمهوریت د کورنی او بهرنی خصوصي پانگه اچونی د قانون سره سم د کورنی او بهرنی خصوصي پانگه اچونه په چارو کی د وزیرانو شوری د اجرائیوی کمیټی د دایمی کمیسیون له منظوری نه وروسته را منځته کیدای شی.

دویمه ماده:

دغه مصوبه د افغانستان د جمهوریت د اساسی قانون د (۸۱) مادی د (۱) فقری د حکم پر بنسټ جمهور رئیس ته دی وړاندی شی او له توشیح نه وروسته نافذه او په رسمی جریده کی دی خپره شی.

درج گردد.

تمام سرمایه شرکت لمتد تجارتي بیايد تعهد و اقلأ نصف آن تصادیه شده باشد.

تشبثات خصوصي تولیدی و خدماتی بر طبق قانون سرمایه گذاری خصوصي داخلی و خارجی جمهوری افغانستان بعد از منظوری کمیسیون دایمی کمیټی اجرائیوی شورای وزیران در امور سرمایه گذاری خصوصي داخلی و خارجی تشکیل شده می تواند.

ماده دوم:

این مصوبه متکی بحکم فقره (۱) ماده (۸۱) قانون اساسی جمهوری افغانستان به رئیس جمهور ارائه و بعد از توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد.

(تعدیل و ایزاد فوق
اصولنامه تجارت در
جریده رسمی شماره (۶۷۶)
مؤرخ ۱۳۶۷/۷/۲۹ نشر
گردیده است.)

(د تجارت د اصولنامی پورتنی
زیاتوالی او تعدیل د ۱۳۶۷
هـ.ش کال دتلی د میاشتی په ۲۹
نیټه درسمی جریدی په (۶۷۶)
گڼه کې خپور شوی دی.)

قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت

جمهوری
اسلامی افغانستان

شماره: (۱۷۹۲۷)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۱/۱۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!
قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران بداخل (۱۵) فصل و (۱۱۴) ماده تصویب گردیده و از جانب ما به حیث فرمان تقنینی شماره (۱۰۰) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است، به شما ارسال شد، تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د افغانستان اسلامی
جمهوریت

گڼه: (۱۷۹۲۷)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۱/۱۸

د عدلیې وزیر محترم سرور دانش!
د سهامی او محدود المسئولیتو شرکتونو قانون چې د وزیرانو د شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) گڼه مصوبې پر بنسټ په (۱۵) فصلونو او (۱۱۴) مادو کې تصویب او زموږ لخوا د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې د (۱۰۰) گڼې تقنینی فرمان په توگه توشیح شوی دی، تاسوته در واستول شو خويي په رسمي جریده کې په خپرولو اقدام وکړي.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامی جمهوریت
رئیس

فرمان رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان در مورد توشیح قانون
شرکت های سهامی و
محدودالمسئولیت

شماره: (۱۰۰)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

د سهامی او محدودالمسئولیتو
شرکتونو د قانون د توشیح په
هکله، د افغانستان د اسلامي
جمهوریت د رئیس فرمان

گڼه: (۱۰۰)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

ماده اول:

په تاسی از حکم ماده (۷۹) قانون اساسی افغانستان قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران بدخل (۱۵) فصل و (۱۱۴) ماده تصویب گردیده است، به حیث فرمان تقنینی توشیح می دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه ج. ا. ا. و وزیر دولت در امور پارلمانی مؤظف است این قانون را در خلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به شورای ملی تقدیم نماید.

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اسلامي قانون د (۷۹) مادې د حکم له مخې د سهامی او محدودالمسئولیتو شرکتونو قانون چې د وزیرانو د شوري د (۱۳۸۵/۱۰/۲۵) نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ په (۱۵) فصلونو او (۱۱۴) مادو کې تصویب شوی دی، د تقنیني فرمان په توگه توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

د. ا. ا. ج د عدلیې وزیر او په پارلماني چارو کې د دولت وزیر مؤظف دی، دغه قانون د ملي شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ملي شوري ته وړاندې کړي.

درېيمه ماده:

دغه فرمان د توشېح له نېټې څخه نافذ اوپه رسمي جريده کې دى خپور شې.

ماده سوم:

اين فرمان از تاريخ توشېح نافذ و در جريده رسمي نشر گردد.

حامد كرزى**د افغانستان د اسلامي
جمهوريت رئيس****حامد كرزى****رئيس جمهورى اسلامى
افغانستان**

قانون شرکت های سهامی و
محدود المسئولیت
فصل اول
احکام عمومی

د سهامی او محدودالمسئولیتو
شرکتونو قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

هدف

ماده اول:

این قانون در روشنی احکام قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به طرز ایجاد و فعالیت شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت، وضع گردیده است.

داشتن جواز

ماده دوم:

هیچ شخص نمی تواند به حیث شرکت سهامی و محدودالمسئولیت بدون داشتن جواز فعالیت و ثبت آن در دفتر ثبت مرکزی، معاملات و اعلانات تجارتي را در افغانستان انجام دهد.

قابلیت تطبیق

ماده سوم:

احکام این قانون بالای شرکت های محدود المسئولیت (لیمتد) قابل

موخه

لومړی ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسی قانون د حکمونو په رڼا کې د سهامی او محدودالمسئولیتو شرکتونو د جوړولو په ډول او فعالیت پورې د اړوندو چارو د تنظیم په منظور، وضع شوی دی.

د جواز لرل

دوه یمه ماده:

هېڅ شخص نشي کولای د سهامی او محدودالمسئولیت شرکت په توګه د جواز له لرلو او د مرکزي ثبت په دفتر کې د هغه له ثبت پرته په افغانستان کې سوداګریزې معاملې او اعلانونه سرته ورسوي.

د تطبیق وړتیا

درېیمه ماده:

د دی قانون حکمونه پر محدودالمسئولیتو (لیمتد) شرکتونو

تطبیق می باشد، مشروط بر اینکه :

- ۱- سهامداران شرکت محدود المسئولیت از دو نفر کمتر و از پنجاه نفر بیشتر نباشند.
- ۲- حصه شرکت محدود- المسئولیت در بازار سهام عام خرید و فروش نگردد .
- ۳- سهامداران شرکت محدود المسئولیت مجاز بفروش، انتقال یا تبادلۀ شرکت نباشند .

اصطلاحات

ماده چهارم :

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید :

- ۱- شرکت سهامی : شرکت تجارتي ايکه سرمایه آن معین و منقسم به اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر شريك به اندازه سهم آن محدود می باشد.
- ۲- شرکت محدود المسئولیت (لیمتد) : شرکت تجارتي ايکه سرمایه آن غیر منقسم به اسهام بوده و مسئولیت هر شريك محدود به اندازه سرمایه توافق شده در شرکت باشد .

باندی د تطبیق وړ دی ، پدی شرط چې :

- ۱- د محدود المسئولیت شرکت ونډه وال له دوو تنو څخه لږ او له پنځوسو تنو څخه زیات نه وي .
- ۲- د محدود المسئولیت شرکت برخه د عامو ونډو په بازار کې و نه پلورل او و نه پېرودل شي .
- ۳- د محدود المسئولیت شرکت ونډه وال د شرکت په پلورنه، لېږدونه یا تبادلۀ کې مجاز نه وي .

اصطلاحگاني

څلورمه ماده :

لاندی اصطلاحگاني پدی قانون کې دغه مفاهیم افاده کوي :

- ۱- سهامی شرکت: هغه سوداگریز شرکت چې پانگه یې ټاکلې او په ونډو وېشل شوې وي او د هر شريك د مسئولیت برخه د هغه د ونډې په اندازې پورې محدوده وي.
- ۲- محدود المسئولیت (لیمتد) شرکت : هغه سوداگریز شرکت چې پانگه یې په ونډو نا وېشلی (غیر منقسمه) وي او د هر شريك مسئولیت په شرکت کې د موافقه شوې پانگې په اندازې پورې محدود وي .

- ۳- اساسنامه : هغه سند دی چې مؤسسین یا د شرکت ونډه وال یې د دی قانون د حکمونو مطابق د خپل فعالیت د مشروعیت په منظور ترتیبوي او لاندی موارد پکې شامل وي :
- اصلي اساسنامه .
 - په اساسنامه کې ټول تعدیلونه .
 - د دوو یا له دوو څخه د زیاتو شرکتونو د ادغام سند .
- که چېرې اساسنامه د تعدیل یا ادغام د سند پر بنسټ په بل ډول له سره تنظیم شي ، پدی صورت کې د تعدیل سند یا د ادغام سند له هغې سره نه ضمیمه کېږي .
- ۴- مجازې ونډې : هغه ونډې دی چې ټول کورني او بهرني سهامی شرکتونه د هغو د صادرېدو د اجازې لرونکی دی .
- ۵- ونډه : د مقیاس هغه واحد دی چې د یوه سهامی شرکت ونډې پرې منقسمې (وېشل) کېږي .
- ۶- ونډه وال : هغه شخص دی چې د سهامی شرکت د ونډو د ثبت په دفتر کې یې ونډې په نوم ثبت شوي وي او تر هغو حدودو پورې د ونډو د ښه خووند وي چې د
- ۳- اساسنامه: سندی است که مؤسسین یا سهامداران شرکت طبق احکام این قانون به منظور مشروعیت فعالیت خود آنرا ترتیب و شامل موارد ذیل می باشد :
- اساسنامه اصلی .
 - تمام تعدیلات در اساسنامه .
 - سند ادغام دو یا بیش از دو شرکت .
- هرگاه اساسنامه به تاسی از سند تعدیل یا ادغام طور دیگری مجدداً تنظیم گردد ، در این صورت سند تعدیل یا سند ادغام به آن ضمیمه نمی گردد .
- ۴- سهام مجاز: سهامی است که تمام شرکت های سهامی داخلی و خارجی اجازه صدور آن را دارا می باشند .
- ۵- سهم: واحد مقیاسی است که سرمایه یک شرکت سهامی به آن منقسم می گردد .
- ۶- سهامدار: شخصی است که در دفتر ثبت سهام شرکت سهامی ، سهام بنامش ثبت گردیده و مالک ذینفع اسهام تا حدودی باشد که در

حقوق مندرج سند داوطلبی ثبت شده، در دفتر ثبت مرکزی سهام شرکت سهامی درج بوده و یا مالک ذینفع سهامی باشد که حق رای دهی خویش را به شخص ثالث تفویض نماید.

۷- صنف سهام: گروپ سهام همگون است که حقوق یکسان را به سهامداران آن واگذار می نماید. ۸- مفاد سهام: بخش از منفعت خالص يك شرکت است که مطابق حقوق تعیین شده برای هر نوع و هر صنف سهام، به سهامداران توزیع می گردد.

۹- سهم قابل باز خرید: سهمی است که دارنده آن حق دارد آن را تحت شرایط خاص مجدداً بالای شرکت به فروش برساند.

۱۰- سهام سرمایه: ارزش یا بهای مجموعی اسمی (ارزش اسمی، ارزش ظاهری) کلیه سهام عرضه شده توسط شرکت میباشد.

۱۱- سرمایه ذخیره: مجموع سرمایه است که از ابتدا تا انتها بالای هر واحد سهم شرکت جمع می شود.

داوطلبی به سند کی به درج شوو حقوقو کی ثبت شوې، د سهامی شرکت د مرکزی ثبت په دفتر کی درج شوې یا د هغو ونډو ذینفع خاوند وي چې دخپلې رایې وړکوني حق درېیم (ثالث) شخص ته وسپاري.

۷- د ونډو صنف (ټولگی): د ورته ونډو گروپ دی چې یو شان حقوق د هغو ونډه والو ته پرېږدی.

۸- د ونډو گټه: د یوه شرکت له نڼه (خالصې) گټې څخه یوه برخه ده چې د ټاکل شوو حقوقو مطابق د ونډو د هر ډول او هر صنف لپاره ونډه والو ته وېشل کېږي.

۹- د بیا پرودنې وړ ونډه: هغه ونډه ده چې لرونکی یې حق لري هغه تر خاصو شرایطو لاندې یا پر شرکت باندې وپلوري.

۱۰- د پانگې ونډې: د شرکت په واسطه د وړاندو شوو ټولو ونډو په نوم (اسمي ارزښت، ظاهري ارزښت) ټولیز ارزښت یا بها ده.

۱۱- زېرمه ایزه پانگه: د پانگې ټولگه ده چې له ابتدا څخه تر انتها پورې د شرکت د ونډې پر هر واحد باندې جمع کېږي.

- ۱۲- تصدیق: تأیید دفتر ثبت مرکزی مبنی بر انفاذ اساسنامه که بعد از ثبت آن در دفتر ثبت مرکزی صادر می گردد.
- ۱۳- ادعای استثنایی: ادعای سهامدار به نمایندگی از منافع شرکت سهامی است.
- ۱۴- دفتر ثبت مرکزی: اداره ای است که اسناد مربوط به شرکت های سهامی داخلی و خارجی در آن ثبت می گردد.
- ۱۵- محکمه تجارتي: محکمه ذیصلاح تجارتي افغانستان می باشد.
- ۱۶- شرکت سهامی داخلی به مفهوم این قانون عبارت است از:
- شرکتی که به اساس قانون تجارتي، مجازب صدور سهام باشد.
 - مطابق احکام این قانون تشکیل یا به تاسی از قوانین قبلی موجود باشد.
 - به اساس اساسنامه، سند تعدیل یا ادغام به يك شرکت سهامی داخلی مبدل گردد.
 - شرکت سهامی خارجی که تحت
- ۱۲- تصدیق: د اساسنامې د انفاذ په اړه د مرکزي ثبت د دفتر تائيد دی چې د مرکزي ثبت په دفتر کې دهغې له ثبت وروسته صادرېږي .
- ۱۳- استثنایي ادعا: د سهامی شرکت له گټو څخه په استازیتوب د ونډه وال ادعا ده .
- ۱۴- د مرکزي ثبت دفتر: هغه اداره ده چې په کورنیو او بهرنیو سهامی شرکتونو پورې اړوند سندونه پکې ثبتېږي .
- ۱۵- سوداگریزه محکمه: د افغانستان سوداگریزه واکمنه محکمه ده .
- ۱۶- د دی قانون په مفهوم کورنی سهامی شرکت عبارت دی له:
- هغه شرکت چې د قانون پر بنسټ د سوداگریز ماهیت له په پام کې نیولو پرته، د ونډو په صادرولو مجاز وي .
 - ددی قانون د حکمونو مطابق تشکیل یا د مخکنیو قوانینوله مخې موجود وي.
 - د اساسنامې، د تعدیل یا د ادغام د سند پر بنسټ په یوه کورني سهامی شرکت بدل شي .
 - بهرنی سهامی شرکت چې د بهرنیو

قوانین شرکت های خارجی ایجاد و در داخل افغانستان فعالیت می نماید، تابع احکام این قانون می باشد.

۱۷- انتقال الکترونیک: تمام اشکال ارتباطی است که جنساً انتقال کاغذ را دربرداشته و در نتیجه شرایط ثبت، تحفظ و مطالبه مرسل الیه ایجاد گردد و مرسل الیه بتواند مستقیماً آنرا به شکل کاغذ تبدیل نماید.

۱۸- حق شفع: حقوق سهامداران جهت ابقای سهم مالکیت شان در يك شرکت از طریق خریداری سهام اضافی و اوراق بها دار قابل تبدیل به صدور سهم، قبل از آنکه آنها به اشخاص ثالث عرضه گردد، می باشد.

۱۹- حق رجحان: حقی که توسط اساسنامه شرکت به گروه از سهامیکه حقوق يك سان را به سهامداران واگذار می نماید، اختصاص داده می شود.

۲۰- تولیت آرا: انتقال یا واگذاری رای است به شخص قابل اعتماد.

۲۱- کارکن: مامور یا شخصی

شرکتونو تر قوانینو لاندی جوړ او د افغانستان په دننه کې فعالیت کوي، د دی قانون د حکمونو تابع دی.

۱۷- الکترونیک لېږد: ټول ارتباطي ډولونه دی چې جنساً د کاغذ لېږد د بدل نه غواړي او د مرسل الیه د ثبت، د خونديتوب او غوښتنې د شرایطو په پایله کې منخته راشي او مرسل الیه وکولای شي مستقیماً هغه د کاغذ په ډول واړوي.

۱۸- د شفع حق: په یوه شرکت کې، د اضافي ونډو او د ونډې په صادرېدو د تبدیل وړ بها لرونکو پاڼو د پېرودنې له لارې د مالکیت د ونډې د ابقاء لپاره د ونډه والو حقوق دی، مخکې تر دی چې هغه ثالثو اشخاصو ته وړاندې شي.

۱۹- د رجحان حق: هغه حق چې د شرکت د اساسنامې په واسطه د ونډو هغه گروه ته چې ونډه والو ته یو شان حقوق پرېږدی، اختصاصېږي.

۲۰- د رایو تولیت: د باور وړ شخص ته د رایې لېږد بدل یا پرېښودل دی.

۲۱- کارکوونکي: مامور یا هغه

است که از طرف شرکت های سهامی یا شرکت های وابسته آن جهت اجرای امور مربوط به شرکت استخدام می گردد. اعضای هیئت مدیره می توانند در عین زمان وظایف مامور را انجام دهند.

۲۲- شخص: عبارت است از:

- شخص حقیقی داخلی: شخصی است که دارای تابعیت افغانی باشد.

- شخص حکمی داخلی: شخصی است به شکل موسسه، شرکت، مالکیت انحصاری، شرکت محدودالمسئولیت، مشارکت مؤقت، سرمایه گذاری مؤقت و اتحادیه یا هر نوع موسسه دیگر انتفاعی که مطابق احکام قوانین تاسیس گردیده باشد.

- شخص حقیقی خارجی: شخصی است که تابعیت غیر از تابعیت افغانی را داشته باشد.

- شخص حکمی خارجی: شخصی است که شخصیت حقوقی وی در چهار چوب قوانین غیر از قوانین کشور افغانستان مشخص شده باشد.

شخص دی چې د سهامی شرکتونو یا په هغو پورې د تړلو شرکتونو لخوا په شرکت پورې د اړوندو چارو د اجراء لپاره استخدامېږي. د مدیره هیئت غړي کولای شي په عین وخت کې د مامور دندی سر ته ورسوي.

۲۲- شخص: عبارت دی له:

- کورنی حقیقی شخص: هغه شخص دی چې د افغانی تابعیت لرونکی وي.

- کورنی حکمی شخص: هغه شخص دی چې د مؤسسې، شرکت، انحصاری مالکیت، محدودالمسئولیت شرکت، مؤقت گډون (مشارکت)، مؤقتې پانگونې او اتحادیې یا هرې بلې انتفاعی مؤسسې په ډول د قانون د حکمونو مطابق جوړ شوی وي.

- بهرنی حقیقی شخص: هغه شخص دی چې له افغانی تابعیت په غیر تابعیت ولري.

- بهرنی حکمی شخص: هغه شخص دی چې حقوقی شخصیت یې د افغانستان له قوانینو په غیر قوانینو په چوکاټ کې مشخص شوی وي.

۲۳- دفتر مرکزی: دفتری است که در داخل یا خارج افغانستان موقعیت داشته و در آن دفاتر اصلی اجرائیوی شرکت سهامی داخلی یا خارجی قرار داشته باشد. در صورت عدم موجودیت چنین دفتر، محلی است که توسط هیئت مدیره، در داخل یا خارج از افغانستان تعیین می شود. دفتر مرکزی که در آخرین راپور سالانه ثبت شده باشد مطابق اهداف این قانون دفتر مرکزی پنداشته می شود.

فصل دوم شرایط ثبت شرکت سهامی

ثبت اسناد

ماده پنجم:

- (۱) اسناد ذیل در دفتر ثبت مرکزی ثبت شده می تواند:
 - ۱- سندی کتبی که معلومات مندرج آن مطابق احکام این قانون معین گردیده باشد.
 - ۲- سندی که به شکل تایپ شده یا چاپی به رنگ سیاه باشد.
 - ۳- سندی که قابلیت نسخه برداری را داشته باشد.

۲۳- مرکزی دفتر: هغه دفتر دی چې د افغانستان په دننه یا بهر کې موقعیت ولري او پکې د کورني یا بهرني سهامی شرکت اجرائیوی اصلی دفترونه قرار ولري. د دغسې دفتر د نه موجودیت په صورت کې، هغه خای دی چې د مدیره هیئت لخوا د افغانستان په دننه یا بهر کې ټاکل کېږي. مرکزی دفتر چې په کلني وروستني رپوټ کې ثبت شوی وي، د دی قانون د موخو مطابق مرکزی دفتر گڼل کېږي.

دوه یم فصل

د سهامی شرکت د ثبت شرایط

د سندونو ثبتېدل

پنځمه ماده:

- (۱) لاندی سندونه د مرکزی ثبت په دفتر کې ثبتېدی شي:
 - ۱- هغه لیکلی سند چې پکې درج شوی معلومات، د دی قانون د حکمونو مطابق ټاکلي شوی وي.
 - ۲- هغه سند چې په تایپ شوی ډول یا په تور رنگ چاپ شوی وي.
 - ۳- هغه سند چې د نقل اخستلو برتیا ولري.

- ۴- هغه سند چې د لوستلو وړ وي .
- ۵- هغه سند چې له رسمي ژبو څخه په يوي (پښتو يا دري) ترتيب شوی وي .
- (۲) د بهرنيو شرکتونو اساسنامه په بهرنيو ژبو کېدلای شي، پدې شرط چې پښتو يا دري دقیقه ژباړه وړ سره ضمیمه وي .
- ۴- سندی که خوانا باشد .
- ۵- سندی که به یکی از لسان های رسمی (پشتو یا دری) ترتیب شده باشد .
- (۲) اساسنامه شرکت های خارجی به لسان خارجی بوده می تواند، مشروط براینکه ترجمه دقیق لسان پشتو یا دری ضمیمه آن باشد .

د سند ترتیب بدل

شپږمه ماده :

- د سهامی شرکت سند د لاندی اشخاصو په واسطه ترتیبېږي :
- ۱- هغه مامور چې له سهامی شرکت څخه په استازیتوب اجرائیوي واک ولري .
- ۲- د سهامی شرکت مدیره هیئت .
- ۳- د سهامی شرکت یو یا څو اصلي غړي .
- ۴- د تصفیې مدیر ، وکیل یا هغه شخص چې د محکمې لخوا د امین په توگه ټاکل کېږي .
- د سند شرکت سهامی توسط اشخاص ذیل ترتیب می گردد :
- ۱- مامور که به نمایندگی از شرکت سهامی صلاحیت اجرائیوی را داشته باشد .
- ۲- هیئت مدیره شرکت سهامی .
- ۳- يك یا چند عضو اصلی شرکت سهامی .
- ۴- مدیر تصفیه، وکیل یا شخصی که توسط محکمه به حیث امین تعیین می گردد .

د کلني رپوت ترتیب بدل

اوومه ماده:

- د کلنی رپوت د مدیره هیئت د مامور یا غړي په واسطه د شرکت په نوم ترتیب او د دی قانون د مطابق احکام این قانون ثبت
- د کلنی رپوت د مدیره هیئت د مامور یا غړي په واسطه د شرکت په نوم ترتیب او د دی قانون د مطابق احکام این قانون ثبت

حکمونو مطابق ثبتیږي .

می گردد .

د مهر او لاسلیک تصدیق

تصدیق مهر و امضاء

اتمہ ماده :

ماده هشتم :

د سند ترتیبوونکی د هغه په لاسلیک کولو مکلف دی، خپل نوم او دنده پکې لیکي . لاسلیک د فکس په ډول هم کېدی شي . د شرکت مهر او لاسلیک د منشي یا یې د مرستیال په واسطه تصدیق او تاییدېږي .

ترتیب کوننده سند مکلف به امضاء آن بوده، نام و وظیفه خود را در آن درج می نماید. امضاء به شکل فکس نیز بوده می تواند. مهر شرکت و امضاء توسط منشي یا معاون وی تصدیق و تأیید می شود.

د مخصوصې فورمې ترتیبېدل

ترتیب فورمه مخصوص

نهمه ماده :

ماده نهم :

د مرکزي ثبت دفتر کولای شي د اړتیا په صورت کې، د دی قانون د حکمونو مطابق، سند دمخصوصې فورمې په ډول برابر او ترتیب کړي .

دفتر ثبت مرکزی می تواند در صورت ضرورت مطابق احکام این قانون سند را به شکل فورمه مخصوص تهیه و ترتیب نماید .

د فیس ورکول

تادیه فیس

لسمه ماده :

ماده دهم :

هغه سند چې د ثبت لپاره د مرکزي ثبت دفتر ته وړاندی کېږي ، په هغه صورت کې ثبتېدی شي چې ټاکل شوی فیس یې د دی قانون د حکمونو مطابق ورکړی وي .

سندی که جهت ثبت به دفتر ثبت مرکزی ارائه می گردد، در صورتی ثبت شده می تواند که فیس های تعیین شده را مطابق احکام این قانون تأدیہ نموده باشد .

الکترونیکی ثبت

ثبت الکترونیکی

یوولسمه ماده :

ماده یازدهم :

د مرکزي ثبت دفتر کولای شي د هر

دفتر ثبت مرکزی می تواند ، ثبت

ډول معلوماتو الکترونيکي ثبت چې د دی قانون د حکمونو مطابق مجاز وي، ومني او د اجراء، ثبت، نقل اخستنې او د کمپيوتر په ذریعه د ترلاسه شوو معلوماتو د تصدیق تگلارې تجویز کړي.

د اساسنامې تصحيح دولسمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت مدیره هیئت کولای شي، د هغې اساسنامې چې د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شوې وي، د تصحيح اجازه ورکړي.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوې اساسنامې تصحيح په لاندی حالاتو کې صورت موندلی شي :

۱- هغه اساسنامه چې د ناسمې جملې لرونکې وي .

۲- هغه اساسنامه چې په نیمگړې توگه ترتیب، تأیید، تصدیق، لاسلیک او مهر شوې وي .

(۳) د دی مادی په (۲) فقره کې د درج شوې اساسنامې تصحيح د هغې د اصلاح کېدو د نېټې په درجولو سره د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبتېږي.

الکترونيکي هر نوع معلوماتی را که مطابق احکام این قانون مجاز باشد، پذیرفته و روشهای اجرا، ثبت، نسخه برداری و تصدیق معلومات دریافت شده ذریعۀ کمپيوتر را تجویز نماید.

تصحیح اساسنامه ماده دوازدهم :

(۱) هیئت مدیرۀ شرکت سهامی می تواند، اجازه تصحيح اساسنامه ای را که در دفتر ثبت مرکزی به ثبت رسیده باشد، بدهد .

(۲) تصحيح اساسنامه مندرج فقره (۱) ایين ماده در حالات ذیل صورت گرفته می تواند :

۱- اساسنامه ای که حاوی جمله نادرست باشد .

۲- اساسنامه ای که بصورت ناقص ترتیب، تأیید، تصدیق، امضاء و مهر شده باشد .

(۳) تصحيح اساسنامه مندرج فقره (۲) ایين ماده با درج تاریخ اصلاح آن در دفتر ثبت مرکزی، ثبت می گردد.

(۴) شرکت های سهامی مکلف اند در خلال ده روز تصحيح وارده را جهت تصديق به دفتر ثبت مرکزی ارائه نمایند، در غیر آن قابل قبول نمی باشد.

(۴) سهامی شرکتونه مکلف دی، د لسو ورخوپه ترخ کې، شوي تصحيح د تصديق لپاره د مرکزي ثبت دفتر ته وړاندی کړی، پرته لدی د منلو وړ نه.

فصل سوم صدور تصديق ثبت

صدور تصديق

ماده سیزدهم:

دفتر ثبت مرکزی در صورتی تصديق اسناد را صادر می نماید که سند مطابق احکام این قانون ترتیب و ثبت گردیده باشد.

تصديق موجودیت

ماده چهاردهم:

(۱) هر شخص می تواند جهت حصول اطمینان از موجودیت شرکت مربوط و تصديق آن به دفتر ثبت مرکزی درخواست ارائه نماید. دفتر ثبت مرکزی مکلف است حقایق موجود در مورد سوابق شرکت سهامی ثبت شده در دفتر ثبت مرکزی را بدسترس درخواست دهنده قرار دهد.

(۲) تصديق موجودیت شرکت

درېیم فصل د ثبت د تصديق صادر بدل

د تصديق صادر بدل

دیارلسمه ماده:

د مرکزي ثبت دفتر، په هغه صورت کې د سندونو تصديق صادر وي چې سند د دی قانون د حکمونو مطابق ترتیب او ثبت شوی وي.

د موجودیت تصديق

خوارلسمه ماده:

(۱) هر شخص کولای شي د اړوند شرکت له موجودیت او د هغه له تصديق څخه د ډاډ د ترلاسه کولو لپاره د مرکزي ثبت دفتر ته غوښتنلیک وړاندی کړی. د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی د مرکزي ثبت په دفتر کې د ثبت شوی سهامی شرکت د سوابقو په هکله موجود حقایق د غوښتنلیک ورکوونکي په واک کې ورکړی.

(۲) د سهامی شرکت د موجودیت

- تصدیق د لاندی ټکو متضمن دی :
- ۱- په افغانستان کې د سهامی شرکت فعالیت .
- ۲- د شرکت نه انحلال یا یې د فعالیت نه درېدل .
- ۳- په افغانستان کې د ثبت شوی کورنی یا بهرنی سهامی شرکت نوم .
- ۴- د سهامی شرکت د جوړېدو نېټه او د دوام موده یې، پدی شرط چې د دوام موده یې محدوده وي .
- ۵- بهرنی سهامی شرکت په هغه صورت کې چې په افغانستان کې د سوداگریزو معاملو د فعالیت د جواز لرونکی وي .
- ۶- د مرکزي ثبت په دفتر کې د اساسنامې د ثبت نېټه .
- د سهامی شرکت د موجودیت شرایط
- پنځلسمه ماده :
- (۱) په افغانستان کې کورنی یا بهرنی سهامی شرکت په هغه صورت کې موجود سهامی شرکت گڼل کېږي چې د لاندی شرایطو لرونکی وي :
- ۱- د سوداگریز فعالیت د جواز لرل .
- سهامی متضمن نکات ذیل می باشد :
- ۱- فعالیت شرکت سهامی در افغانستان .
- ۲- عدم انحلال شرکت یا توقف فعالیت آن .
- ۳- اسم شرکت سهامی داخلی یا خارجی ثبت شده در افغانستان .
- ۴- تاریخ ایجاد شرکت سهامی و مدت دوام آن، مشروط براینکه مدت دوام آن محدود باشد .
- ۵- شرکت سهامی خارجی در صورتی که جواز فعالیت معاملات تجارتي در افغانستان را دارا باشد .
- ۶- تاریخ ثبت اساسنامه در دفتر ثبت مرکزی .
- شرایط موجودیت شرکت سهامی
- ماده پانزدهم :
- (۱) شرکت سهامی داخلی یا خارجی در افغانستان در صورتی که جواز فعالیت معاملات تجارتي در افغانستان را دارا باشد :
- ۱- داشتن جواز فعالیت تجارتي .

۲- پرداخت فیس، تکتانه، جریمه و سایر مجازات مالی مطابق احکام این قانون.

۳- ثبت راپور های سالانه به دفتر ثبت مرکزی مطابق احکام این قانون.

۴- عدم انحلال یا توقف فعالیت آن.

(۲) هرگاه شرکت سهامی واجد شرایط مندرج فقره (۱) این ماده نباشد، دفتر ثبت مرکزی مکلف است، موضوع انحلال یا عدم فعالیت آنرا تصدیق نماید.

(۳) تصدیق صادر شده دفتر ثبت مرکزی، مبنی بر موجودیت شرکت سهامی داخلی یا خارجی به حیث مدرک قطعی شناخته می شود.

فصل چهارم پرداخت فیس

جمع آوری فیس ماده شانزدهم :

(۱) دفتر ثبت مرکزی مکلف است، فیس های ثبت مندرج این قانون را جمع آوری و به حساب واردات

۲- د دی قانون د حکمونو مطابق د فیس، تکتیانی، جریمی او نورو مالی مجازاتو ورکړه.

۳- د دی قانون د حکمونو مطابق د مرکزي ثبت په دفتر کې د کلنیو رپوتونو ثبت.

۴- د هغه نه انحلال یا د فعالیت نه درېدل .

(۲) که چېرې سهامی شرکت د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو شرایطو لرونکی نه وي، د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی، د هغه د انحلال یا د نه فعالیت موضوع تصدیق کړی.

(۳) د کورني یا بهرني سهامی شرکت د موجودیت په اړه د مرکزي ثبت د دفتر صادر شوی تصدیق، د قطعی مدرک په توگه پېژندل کېږي.

څلورم فصل د فیس ورکړه

د فیس ټولول شپاړسمه ماده :

(۱) د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی، پدی قانون کې د ثبت درج شوی فیسونه راټول او د دولت د

دولت تحویل بانك نموده و از پرداخت آن به مرجع مربوط اطمینان دهد.

تاریخ اعتبار تصدیق ماده هفدهم :

(۱) تصدیق صادر شده توسط دفتر ثبت مرکزی از تاریخ صدور آن نافذ می باشد، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) سائر اسناد به مجرد وصول و ثبت آن توسط دفتر ثبت مرکزی نافذ شمرده می شود، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) تصدیق هایی که دارای تاریخ انفاذ مؤخر باشد، بعد از صدور آنها نافذ پنداشته می شود.

(۴) تصدیق هایی که تاریخ انفاذ مؤخر در آن درج شده باشد، در صورتی که قبل از این تاریخ امضاء کنندگان اساسنامه به دفتر ثبت مرکزی درخواست فسخ آنها را ارائه و دفتر ثبت مرکزی به ثبت آن اقدام نماید، تصادیق از اعتبار ساقط

وارداتو په حساب يې بانک ته تحویل کړی او له ورکړې څخه يې اړوندی مرجع ته ډاډ ورکړی.

د تصدیق د اعتبار نېټه اوولسمه ماده :

(۱) د مرکزي ثبت د دفتر لخوا صادر شوی تصدیق د هغه د صادرېدو له نېټې څخه نافذ دی، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۲) نور سندونه له رسېدو او د مرکزي ثبت د دفتر په واسطه د هغو له ثبت سره سم نافذ گڼل کېږي، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۳) هغه تصدیقونه چې د انفاذ وروستی نېټې لرونکی وي، د هغو له صادرېدو وروسته نافذ گڼل کېږي.

(۴) هغه تصدیقونه چې د انفاذ وروستی نېټه پکې درج شوې وي، په هغه صورت کې چې لدغې نېټې د مخه د اساسنامې لاسلیک کوونکي د مرکزي ثبت دفتر ته د هغو د فسخ غوښتنلیک وړاندی او د مرکزي ثبت دفتر، د هغه په ثبتولو اقدام وکړی، تصدیقونه له

اعتبارہ لوپری .

می گردد .

پنجم فصل

د سهامی شرکت د جوړېدو ډول

فصل پنجم

طرز ایجاد شرکت سهامی

د سهامی شرکت جوړېدل

اتلسمه ماده :

کورنی سهامی شرکت د قانونی معاملو د سرته رسولو لپاره د دی قانون او اړوندی اساسنامې د حکمونو مطابق جوړ او پانگه یې ټاکلې او په ونډو وېشل شوې وي او د هر شریک مسئولیت د هغه د ونډې په اندازه محدود وي.

ایجاد شرکت سهامی

ماده هجدهم :

شرکت سهامی داخلی جهت انجام معاملات قانونی مطابق احکام این قانون و اساسنامه مربوط ایجاد و سرمایه آن معین و منقسم به سهام بوده و مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود می باشد.

د سهامی شرکت فعالیت

نولسمه ماده :

سهامی شرکت د حکمی شخصیت په توگه د غیر محدودی مودی لپاره فعالیت کوي ، د خپلواک شخصیت د ټولو هغو واکونو لرونکی دی چې د سوداگریزو معاملو او نورو چارو د سرته رسولو لپاره په قانونی توگه فعالیت کوي ، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي .

فعالیت شرکت سهامی

ماده نهمه :

شرکت سهامی به حیث شخصیت حکمی برای مدت غیر محدود فعالیت نموده، دارای تمام صلاحیت های شخصیت مستقل می باشد که برای انجام معاملات تجارتی و سایر امور به شکل قانونی فعالیت می نماید، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طورد دیگری تصریح شده باشد .

د سهامی شرکت غریتوب

شلمه ماده :

هغه شخص کولی شي د سهامی شرکت اصلي غریتوب ترلاسه کړي چې د شرکت اساسنامه یې لاسلیک او هغه یې د مرکزي ثبت په دفتر کې، ثبت کړې وي .

د سهامی شرکت اساسنامه

یو ویشتمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت اساسنامه د لاندی موادو لرونکې ده :

۱- د سهامی شرکت عنوان .
۲- د شرکت د اصلي غړو او مدیره هیئت نوم او آدرس .
۳- په افغانستان کې د ثبت شوی دفتر آدرس او د هغه د مسئول استازي نوم .

۴- د هغو ونډو شمېر او ډولونه چې سهامی شرکت یې د صادرولو اجازه لري .

۵- د سهامی شرکت د دوام د مودی ذکرول (دغه موده غیر محدودده ده ، خو دا چې اساسنامې د هغه موده محدودده کړې وي) .

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې پر

عضویت شرکت سهامی

ماده بیستم :

شخصی می تواند عضویت اصلی شرکت سهامی را کسب نماید که اساسنامه شرکت را امضاء و آنرا به دفتر ثبت مرکزی به ثبت رسانیده باشد .

اساسنامه شرکت سهامی

ماده بیست و یکم:

(۱) اساسنامه شرکت سهامی حاوی مواد ذیل می باشد:

۱- عنوان شرکت سهامی .
۲- اسم و آدرس اعضای اصلی شرکت و هیئت مدیره .
۳- آدرس دفتر ثبت شده در افغانستان و اسم نماینده مسئول آن .

۴- تعداد و انواع سهامی که شرکت سهامی اجازه صدور آنرا دارد .

۵- ذکر مدت دوام شرکت سهامی (این مدت غیر محدود می باشد ، مگر اینکه اساسنامه مدت آنرا محدود ساخته باشد) .

(۲) علاوه بر مواد مندرج فقره (۱)

این ماده، ذکر موارد ذیل نیز در اساسنامه ضروری پنداشته می‌شود:

- ۱- احکام مبنی بر تعیین یا رد حق تقدم سهم داران برای کسب سهام صادر نشده.
- ۲- هدف ایجاد شرکت.
- ۳- ارزش اسمی سهام سرمایه.
- ۴- حدود مسئولیت اعضای هیئت مدیره.
- ۵- سائر احکام ضروری که مخالف احکام این قانون نباشد.

امضاء اساسنامه

ماده بیست و دوم:

- (۱) شرکت سهامی زمانی ایجاد می‌گردد که اساسنامه آن از طرف اعضای اصلی یا شخصی که طبق قرارداد به وی تفویض صلاحیت شده، امضا و در دفتر ثبت مرکزی ثبت گردیده باشد.
- (۲) تشکیل شرکت سهامی بشمول عنوان و آدرس ثبت شده آن طبق احکام قانون اعلان و نشر می‌گردد.

درج شوو موادو بر سبزه د لاندی مواردو ذکرول هم په اساسنامه کې اړین گڼل کېږي:

- ۱- نه صادرو شوو ونډو د ترلاسه کولو لپاره د ونډه والو د لومړیتوب د حق د ټاکلو یا رد په اړه حکمونه.
- ۲- د شرکت د جوړېدو موخه.
- ۳- د پانگې د ونډو اسمي ارزښت.
- ۴- د مدیره هیئت د غړو د مسئولیت حدود.
- ۵- نور هغه اړین حکمونه چې د دی قانون د حکمونو مخالف نه وي.

د اساسنامې لاسلیک

دوه ویشتمه ماده:

- (۱) سهامی شرکت هغه وخت جوړېږي چې اساسنامه یې د اصلي غړو یا هغه شخص لخوا چې د قرار داد مطابق واک ورته سپارل شوی، لاسلیک او د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شوې وي.
- (۲) د سهامی شرکت تشکیلېدل د هغه ثبت شوی عنوان او آدرس په شمول، د قانون د حکمونو مطابق اعلان او خپرېږي.

د شرکت له جوړېدو د مخه فعالیت درویشتمه ماده :

هغه اشخاص چې د شرکت له جوړېدو د مخه ځان د سهامی شرکت د وکیل یا استازي په توګه بنیي او فعالیت کوي ، له هغو څخه د راپیدا شوو هر ډول ژمنو مسئول دی . هر ډول ژمنه ، پداسې حالت کې چې د معاملې لوری پوهېده چې سهامی شرکت د دی قانون تر حکمونو لاندې ندی جوړ شوی ، لدی امر څخه مستثنی ده .

د مدیره هیئت فعالیت څلېریشتمه ماده :

(۱) مدیره هیئت د شرکت له جوړېدو وروسته په خپل فعالیت پیل کوي او خپلې غونډې د افغانستان په دننه یا بهر کې ، د دی قانون د حکمونو مطابق دایرولای شي .

(۲) د شرکت اصلي غړي کولای شي ، خپلې غونډې د قانون د حکمونو مطابق ، د افغانستان په دننه یا بهر کې دایرې کړی .

(۳) د شرکت اصلي غړي کولای شي د حضورې غونډې له داپرېدو

فعالیت قبل از ایجاد شرکت ماده بیست و سوم :

اشخاصی که قبل از ایجاد شرکت خود را به حیث وکیل یا نماینده شرکت سهامی وانمود و فعالیت می نمایند ، مسئول هر نوع تعهدات ناشی از آن می باشند . هر نوع تعهد در حالتی که طرف معامله میدانست که شرکت سهامی تحت احکام این قانون تشکیل نگردیده است ، از این امر مستثنی است .

فعالیت هیئت مدیره ماده بیست و چهارم :

(۱) هیئت مدیره بعد از ایجاد شرکت به فعالیت خود آغاز نموده و جلسات خود را در داخل یا خارج افغانستان مطابق احکام این قانون دایر نموده می تواند .

(۲) اعضای اصلی شرکت می توانند جلسات خود را در داخل یا خارج افغانستان مطابق احکام این قانون دایر نمایند .

(۳) اعضای اصلی شرکت می توانند بدون تدویر جلسه

حضورى تصاميم خود را مطابق احكام اين قانون اتخاذ نمايند، مشروط بر اينكه موافقه كتبي و امضای اعضاى اصلی را حاصل نموده باشند.

پرتيه، د دى قانون د حكمونو مطابق خپل تصميمونه ونيسي، پدى شرط چې د اصلي غړو ليكلې موافقه او لاسليك يې اخيستی وي.

فصل ششم قواعد داخلي

وضع قواعد داخلي

ماده بیست و پنجم:

اعضای اصلی یا هیئت مدیره شرکت سهامی می‌تواند به منظور تطبیق بهتر احکام اساسنامه مربوط قواعد داخلی را وضع نماید، مشروط بر اینکه متناقض با احکام اساسنامه مربوط و این قانون نباشد.

عنوان شرکت

ماده بیست و ششم:

شرکت های سهامی می‌توانند یکی از کلمات شرکت سهامی (Corp)، شرکت (Inc)، کمپنی (Co)، لمیتد (Ltd) و یا مخفف‌های انگلیسی معادل آن را در عنوان خود انتخاب نمایند.

شپږم فصل کورني (داخلي) قواعد

د کورنيو قواعدو وضع کېدل

پنځه ویشتمه ماده:

د سهامی شرکت اصلي غړي یا مدیره هیئت کولای شي د اړوندی اساسنامې د حکمونو د لاینه تطبیق په منظور، کورني قواعد وضع کړي، پدی شرط چې د اړوندی اساسنامې او د دى قانون له حکمونو سره متناقض نه وي.

د شرکت عنوان

شپږ ویشتمه ماده:

سهامی شرکتونه کولی شي د (Corp) سهامی شرکت، (Inc) شرکت، (Co) کمپنی، (Ltd) لمیتد له کلیمو څخه یوه یا یې د انگلیسی معادل مخفونه په خپل عنوان کې غوره کړي.

د شرکت د عنوان نه غوره کول

اووه ویستمه ماده :

شریکان نشي کولای لاندی عنوانونه د خپل شرکت لپاره غوره کړی :

۱- هغه عنوانونه چې د دی قانون د حکمونو مطابق، د سهامی شرکتونو لپاره منع شوی وي .

۲- هغه عنوانونه چې د مرکزي ثبت په دفتر کې د نورو سهامی شرکتونو لپاره غوره او ثبت شوی وي.

۳- د بهرنیو سهامی شرکتونو عنوانونه ، خودا چې غوره شوی عنوان د بهرنیو سهامی شرکتونو له عنوانونو څخه تشخیص او تفکیک شي .

د سوداگریزو دفترونو لړل

اته ویستمه ماده :

سهامی شرکت په افغانستان کې، د لاندی موادو په پام کې نیولو باندی مکلف دی :

۱- د هغه سوداگریز دفتر لړل چې د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شوی وي .

۲- د ثبت شوی دفتر په ځای کې د

عدم انتخاب عنوان شرکت

ماده بیست و هفتم :

شرکاء نمی توانند عناوین ذیل را برای شرکت خود انتخاب نمایند :

۱- عناوینی که مطابق احکام قانون برای شرکت های سهامی ممنوع گردیده باشد .

۲- عناوینی که در دفتر ثبت مرکزی برای سائر شرکت های سهامی انتخاب و ثبت شده باشد .

۳- عناوین شرکت های سهامی خارجی ، مگر اینکه عنوان انتخاب شده از عناوین شرکت های خارجی تشخیص و تفکیک شده بتواند .

داشتن دفاتر تجارتي

ماده بیست و هشتم :

شرکت سهامی در افغانستان مکلف به رعایت مواد ذیل می باشد :

۱- داشتن دفتر تجارتي که در دفتر ثبت مرکزی ثبت گردیده باشد .

۲- داشتن نماینده مسئول شخص

حقيقي يا شرڪت سهامي داخلي
در محل دفتر ثبت شده.

مكلفيت نماينده

ماده بيست و نهم :

(۱) نماينده شرڪت مكلف است
خدمات مربوط به طي مراحل ،
اعلان يا تقاضايي را كه به اساس
حكم قانون ، اجرائي آن
به شرڪت سهامي مربوط
باشد ، به نمايندگي از شرڪت
سهامي دريافت و امواليكه
از طريق نماينده مسؤل به شرڪت
سهامي فراهم مي گردد ، به
آخرين آدرس شرڪت سهامي
ارسال نمايد .

(۲) هرگاه شرڪت مورد دعوي
قرارگيرد و نماينده مسؤل آن
دريافت شده نتواند ، شخص
مسؤل از طريق دفتر ثبت مركزي
برويت كتاب ثبت ، تشبيت و مورد
جستجو قرار مي گيرد .

حقيقي شخص يا سهامي شرڪت د
مسؤل استازي لرل .

د استازي مكلفيت

نهه ويشتمه ماده :

(۱) د شرڪت استازي مكلف دي ،
د پراوونوپه تپرولو ، اعلان يا
هغبي غوښتنې پورې اړوند
خدمتونه چې اجراء كېدل يې د
قانون د حكم پر بنسټ په سهامي
شرڪت پورې مربوط وي ، له
سهامي شرڪت څخه په استازيتوب
تر لاسه او هغه مالونه چې د مسؤل
استازي له لارې سهامي شرڪت ته
برابري ، د سهامي شرڪت په
وروستني آدرس واستوي .

(۲) كه چېرې شرڪت د دعوي مورد
وگرځي او د هغه مسؤل استازي
پيدا نشي ، مسؤل شخص د
مركزي ثبت د دفتر له لارې ، د ثبت
د كتاب له مخې تشبيت او لټول
كېږي .

اووم فصل د ونډو صادرېدل

فصل هفتم صدور سهام

د عوض په بدل کې د ونډو
صادرېدل
دیرشمه ماده :

سهامي شرکت کولای شي په خپلې پانگې پورې اړوندې ونډې ، د مدیره هیئت په اجازه، د هغه عوض په بدل کې چې شرکت ته مادی، غیر مادی شتمني یا گټه (نغدی پیسې ، د سرته رسېدلو خدمتونو ژمنه ، یا د راتلونکو خدمتونو قرار داد) پکې شامل وي، صادري کړي .

صدور سهام در بدل
عوض
ماده سی ام :

شرکت سهامی می تواند سهام مربوط به سرمایه خود را به اجازه هیئت مدیره در بدل عوضی که شامل دارایی مادی، غیرمادی یا منفعت (پول نقد، تعهد خدمات انجام شده یا قرارداد خدمات مستقبل) به شرکت باشد، صادر نماید .

د ونډو په بدل کې د عوض ترلاسه
کول
یو دیرشمه ماده:

که چېرې مدیره هیئت په نښه نیت تثبیت کړې هغه عوض چې د ونډو د صادرېدو په وړاندې ترلاسه شوی دی یا به ترلاسه شي، په کافي حد کې دی، پدی صورت کې د مدیره هیئت تصمیمونه تر هغو حدودو پورې چې ونډې په معتبر صورت سره او بشپړې

حصول عوض در بدل
سهام
ماده سی و یکم :

هرگاه هیئت مدیره با حسن نیت تثبیت نماید عوضی که در مقابل صدور سهام حصول گردیده و یا حصول خواهد شد، به حد کافی می باشد، در این صورت تصمیم هیئت مدیره در مورد تکافوی عوض تا حدودی که سهام

بصورت معتبر صادر و کاملاً تأديه شده باشد، قاطع و نهايي مي باشد.

هرگاه شركت سهامی، پول سهم را حصول نمايد، در اين صورت سهام صادر شده در مقابل آن كاملاً تأديه شده، پنداشته مي شود.

عرضه سهام

ماده سي و دوم:

سهمداران شركت سهامی مي توانند سهام خود را با نظر داشت قواعدی كه از طرف دفتر ثبت مركزی يا ساير مراجع ذيصلاح ترتيب مي گردد، به مردم عرضه و بفروش برسانند.

فصل هشتم

هيئت مديره

هيئت مديره شركت

ماده سي و سوم:

(۱) هيئت مديره شركت سهامی مطابق اساسنامه، قواعد داخلي و توافقات ميان سهمداران، مرجع با صلاحيت رهبري و تنظيم امور شركت

وركړل شوې وي، د عوض ديسنې (كفايت) په هكله، پرېكنده (قاطع) او وروستني دی.

كه چېرې سهامی شركت، د ونډې پيسې ترلاسه كړي، پدې صورت كې صادري شوې ونډې د هغو په وړاندې بشپړې وركړل شوې گڼل كېږي.

د ونډو وړاندې كېدل

دوه ديرشمه ماده:

د سهامی شركت ونډه وال كولاى شي، خپلې ونډې د هغو قواعدو له په پام كې نيولو سره چې د مركزي ثبت د دفتر يا نورو واكمنو مراجعو لخوا ترتيبېږي، خلكو ته وړاندې او وپلوري.

اتم فصل

مديره هيئت

د شركت مديره هيئت

دري ديرشمه ماده:

(۱) د سهامی شركت مديره هيئت، د اساسنامې، كورنيو (داخلي) قواعدو او د ونډه والو تر منځ د موافقو مطابق، د سهامی شركت د چارو د لارښوونې او تنظيم

واکمنه مرجع ده .

(۲) مدیره هیئت واک لری خو په اساسنامه کې د درج شوو محدودیتونو له په پام کې نیولو سره، هر ډول قانونی سندونه اجراء او له سهامی شرکت څخه استازیتوب وکړي .

سهامی می باشد .

(۲) هیئت مدیره صلاحیت دارد تا با نظر داشت محدودیت های مندرج اساسنامه، هر نوع اسناد قانونی را اجرا و از شرکت سهامی نمایندگی نماید .

د مدیره هیئت د غړو د غوره کېدو شرایط

څلور دیرشمه ماده :

(۱) هغه شخص د مدیره هیئت د غړي په توګه ټاکل کېدی شي چې د لاندی شرطونو لرونکی وي:
۱- د اتلس کلني سن بشپړول.
۲- د محکمې د حکم پر بنسټ له مدني حقوقو څخه نه محرومیت.
۳- نور هغه شرطونه چې په اساسنامه کې اټکل شوی وي .
(۲) مدیره هیئت له یوه یا زیاتو غړو څخه جوړ دی چې اقل او اکثر حد او نور اړوند شرطونه یې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې مشخصېږي .

شرایط انتخاب عضو هیئت مدیره

ماده سی و چهارم :

(۱) شخصی به صفت عضو هیئت مدیره تعیین شده می تواند که واجد شرایط ذیل باشد:
۱- اکمال سن هجده سالگی .
۲- عدم محرومیت از حقوق مدنی به اساس حکم محکمه.
۳- سایر شرایطی که در اساسنامه پیش بینی گردیده باشد .
(۲) هیئت مدیره متشکل از يك عضو یا بیش از آن می باشد که حد اقل و اکثر آن و سایر شرایط مربوط در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت مشخص می گردد .

د مدیره هیئت د غړو ټاکل

پنځه دیرشمه ماده :

(۱) د مدیره هیئت غړي ، د سهامی شرکت د اساسنامې

تعیین اعضای هیئت مدیره

ماده سی و پنجم :

(۱) اعضای هیئت مدیره مطابق اساسنامه شرکت سهامی در

هرجلسه سالانه از طرف سهامداران تعیین می‌گردند.

(۲) سهامداران یا هیئت مدیره شرکت سهامی می‌توانند، طبق احکام اساسنامه یا قواعد داخلی، اعضای هیئت مدیره را تعیین و تغییر دهند.

دوره تصدی هیئت مدیره

ماده سی و ششم :

(۱) دوره تصدی اولین هیئت مدیره شرکت سهامی (مؤسسین) در اولین جلسه سهامداران که در آن اعضای هیئت مدیره انتخاب می‌گردند، انقضاء می‌یابد.

(۲) دوره تصدی اعضای هیئت مدیره از طرف سهامداران تعیین می‌گردد و بیشتر از سه سال بوده نمی‌تواند.

(۳) عضو هیئت مدیره که در کرسی خالی انتخاب می‌گردد، برای دوره تصدی باقیمانده عضو قبلی ایفای وظیفه می‌نماید.

(۴) در صورت افزایش تعداد اعضا هیئت مدیره، عضو جدید انتخاب و الی انتخابات بعدی اعضای هیئت مدیره به وظیفه ادامه می‌دهد.

مطابق، به هره کلنی. غونده کی د ونده والو لخوا تاکل کبری.

(۲) د سهامی شرکت ونده وال یا مدیره هیئت کولای شی، د اساسنامی یا کورنیو قواعدو د حکمونو مطابق، د مدیره هیئت غری و تاکی او بدل یی کری .

د مدیره هیئت د تصدی دوره

شپیر دیرشمه ماده :

(۱) د سهای شرکت د لومرنی مدیره هیئت (مؤسسینو) د تصدی دوره، د ونده والو په لومری، غونده کی چي پکی د مدیره هیئت غری غوره کبری، پای ته رسیری .

(۲) د مدیره هیئت د غرو د تصدی دوره، د ونده والو لخوا تاکل کبری او له دریو کلونو زیاتبندی نشی .

(۳) د مدیره هیئت غری چي په تشه کرسی غوره کبری، د دمخنی غری د تصدی د پاتی دوری لپاره دنده سرته رسوی .

(۴) د مدیره هیئت د غرو د شمېر د زیاتبندو په صورت کی، نوی غری غوره او د مدیره هیئت د غرو تر وروستیو تاکنو پوری دندی ته دوام ورکوی .

(۵) د مدیره هیئت غړی د تصدی له پایته رسېدو وروسته کولای شي تر هغه وخته دندی ته دوام ورکړي چې په عوض یې بل شخص وټاکل شي یا دا چې د مدیره هیئت د غړو په شمېر کې کموالی راشي .

د مدیره هیئت د غړي استعفي اووه دیرشمه ماده:

د مدیره هیئت غړی کولای شي د استعفي په اړه خپل لیکلی یادښت د مدیره هیئت رئیس ، مدیره هیئت یا سهامی شرکت ته وړاندی کړي. د مدیره هیئت د غړي استعفي، د یادښت له نېټې څخه د اعتبار وړ ده .

د مدیره هیئت د غړي لرې کېدل اته دیرشمه ماده :

(۱) ونډه وال کولای شي د رایو په اکثریت سره، د مدیره هیئت یو یا له یوه څخه زیات غړي د دلیلونو په ذکرولو یا پرته له هغو لرې کړي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) د مدیره هیئت د یوه یا له یوه څخه د زیاتو غړو لرې کول ، په هغه خاصه غونډه کې چې پدی

(۵) عضو هیئت مدیره، بعد از ختم تصدی می تواند تازمانی به وظیفه ادامه دهد که عوض وی شخص دیگری تعیین و یا اینکه در تعداد اعضای هیئت مدیره کاهش بعمل آید .

استعفاء عضو هیئت مدیره ماده سی و هفتم :

عضو هیئت مدیره می تواند یادداشت کتبی خویش را مبنی بر استعفا به رئیس هیئت مدیره، هیئت مدیره یا شرکت سهامی ارائه نماید. استعفاي عضو هیئت مدیره از تاریخ یادداشت قابل اعتبار می باشد.

برکناری عضو هیئت مدیره ماده سی و هشتم :

(۱) سهامداران می توانند به اکثریت آراء يك یا بیش از يك عضو هیئت مدیره را با ذکر دلیل یا بدون آن برکنار نمایند، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .

(۲) برکناری يك یا بیش از يك عضو هیئت مدیره در جلسه خاصیکه بدین منظور دایر و در

اجندای آن درج گردیده باشد ،
از طرف سهامداران شرکت صورت
می گیرد .

انتخاب رئیس هیئت مدیره ماده سی و نهم :

رئیس هیئت مدیره از میان
اعضای هیئت مدیره و توسط
خود آنها برای مدت يك سال
انتخاب میگردد ، مگر اینکه
در اساسنامه یا قواعد
داخلی طور دیگری تصریح شده
باشد .

کرسی خالی هیئت مدیره ماده چهلیم :

(۱) هرگاه کرسی عضو هیئت
مدیره خالی گردد یا کرسی جدید
ایجاد شود ، هیئت مدیره می تواند
در کرسی خالی عضو جدید را
تعیین نماید ، در این صورت مدت
تصدی عضو جدید هیئت مدیره
الی ختم مدت باقیمانده ادامه
می یابد ، مگر اینکه در اساسنامه
یا قواعد داخلی شرکت طور
دیگری تصریح شده باشد .

(۲) در صورت موجودیت کرسی
خالی در آینده (به دلیل
استعفا عضو که تاریخ

منظور جوړه او په اجندا کې یې
درج شوی وي ، د شرکت د ونډه
والو لخوا صورت مومي .

د مدیره هیئت د رئیس ټاکل نهه دیرشمه ماده :

د مدیره هیئت رئیس د مدیره
هیئت له منځه او پخپله د هغوی
په واسطه د یوه کال مودی لپاره
غوره کېږي ، خو دا چې
په اساسنامه یا داخلي
قواعدو کې بل ډول تصریح شوی
وي .

د مدیره هیئت تشه کرسی څلویښتمه ماده :

(۱) که چېرې د مدیره هیئت د
غړي کرسی تشه شي یا نوې
کرسی جوړه شي ، مدیره هیئت
کولای شي په تشه کرسی نوی غړی
وټاکي ، پدی صورت کې د مدیره
هیئت د نوي غړي د تصدی موده د
پاتې وخت تر پایته رسېدو پورې
دوام مومي . خو دا چې د شرکت په
اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې
بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) په راتلونکې کې د تشې کرسی
د موجودیت په صورت کې (د
غړي د استعفي په دلیل چې د

انفاذ آن به آینده منوط شده باشد) هیئت مدیره می تواند قبل از انقضای مدت معینه استعفا، عضو جدید را به عوض وی تعیین نماید. عضو جدید نمی تواند الی انقضای مدت استعفای عضو قبلی به کار آغاز نماید.

صلاحیت هیئت مدیره

ماده چهل و یکم :

هیئت مدیره می تواند با رعایت احکام اساسنامه هر نوع اسناد قانونی را اجرا و امضا نموده و در معاملات قانونی از شرکت سهامی نمایندگی نماید.

تدویر جلسات

ماده چهل و دوم :

(۱) هیئت مدیره می تواند جلسات عادی (سالانه) و یا فوق العاده را در هر محل تدویر نماید.
(۲) هیئت مدیره می تواند يك يا تمام اعضای هیئت مدیره شرکت را در جلسات عادی یا فوق العاده که توسط هر نوع وسیله ارتباطی (تلفون یا ویدئو کنفرانس) که تمام اشتراك کنندگان همزمان یکدیگر را استماع یا مشاهده

انفاذ نبته يي راتلونکې ته اړونده شوي وي) مدیره هیئت کولای شي، داستعفي د ټاکلې مودی له تېرېدو دمخه، نوی غړی د هغه په عوض وټاکي، نوی غړی نشي کولای د دمخني غړي د استعفي د مودی تر تېرېدو پورې، کار پیل کړی .

د مدیره هیئت واک

یو څلورېنتمه ماده :

مدیره هیئت کولای شي د اساسنامې د حکمونو له په پام کې نیولو سره هر ډول قانوني سندونه اجراء او لاسلیک کړي او په قانوني معاملو کې له سهامی شرکت څخه استازیتوب وکړي .

د غونډو د اړېدل

دوه څلورېنتمه ماده :

(۱) مدیره هیئت کولای شي عادی (کلنی) یا فوق العاده غونډې په هر ځای کې د اړې کړی .
(۲) مدیره هیئت کولای شي د شرکت د مدیره هیئت یو یا ټول غړي په عادی یا فوق العاده غونډو کې د هر ډول ارتباطی وسیلې (تلفون یا ویدئو کنفرانس) په واسطه چې ټول گډون کوونکي په یوه وخت یو بل واورېدلی یا

بتوانند، دعوت نمایند، در این صورت اشترک اعضای هیئت مدیره حضوری پنداشته می شود، مگر این که در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه

ماده چهل و سوم :

(۱) موضوعاتی که ایجاب اتخاذ تصمیم هیئت مدیره را می نماید، در صورتی بدون تدویر جلسه مدار اعتبار پنداشته می شود که موافقه اعضای هیئت مدیره در آن کتباً اخذ شده باشد، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح گردیده باشد.

(۲) تصمیم هیئت مدیره مندرج فقره (۱) این ماده و رویداد جلسه در اسناد شرکت ثبت می گردد. این تصمیم حیثیت و اعتبار رای گیری در جلسات هیئت مدیره را دارا می باشد.

اطلاع تدویر جلسات

ماده چهل و چهارم :

(۱) تاریخ، ساعت و محل تدویر

ولیدلی شی، را وبولی، پدی صورت کی د مدیره هیئت د غرو گدون حضوری گنل کبری، خودا چپی د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کی بل ډول تصریح شوی وی.

د غونډې له دایرېدو پرته د تصمیم نیول

دري څلورېنیمه ماده :

(۱) هغه موضوعگانی چپی د مدیره هیئت د تصمیم نیول ایجابوی، په هغه صورت کی د غونډې له دایرېدو پرته د اعتبار وړ گنل کبری چپی د مدیره هیئت د غرو لیکلې موافقه پکی اخستل شوې وی، خودا چپی د شرکت په اساسنامه یا داخلی قواعدو کی بل ډول تصریح شوی وی.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کی د مدیره هیئت درج شوی تصمیم او د غونډې پېنې د شرکت په سندونو کی ثبتېږی. دغه تصمیم د مدیره هیئت په غونډو کی درایې اخستنې د حیثیت او اعتبار لرونکی دی.

د غونډو د دایرېدو خبرتیا

څلور څلورېنیمه ماده :

(۱) د مدیره هیئت د عادی یا

فوق العاده غونډو د د اړېدو نېټه، ساعت او ځای دهغو له جوړېدو لږ تر لږه دوه ورځې د مخه د غړو خبرتیا ته رسول کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۲) د مدیره هیئت غړی کولای شي د شرکت د اساسنامې یا کورنیو قواعدو له په پام کې نیولو سره، د دی مادی په (۱) فقره کې له درج شوي خبرتیا څخه، په خبرتیا کې له درج شوي نېټې د مخه یا له هغې وروسته په لیکلې توګه انصراف وکړي. د انصراف په اړه سند، د مدیره هیئت د غړي په واسطه له لاسلیک وروسته، د شرکت په سندونو کې ثبتېږي.

(۳) که چېرې د مدیره هیئت غړی په غونډه کې گډون وکړي، دغه امر د خبرتیا له استولو څخه د هغه د انصراف ښکارندوی دی، خو دا چې غړی د غونډې په پیل کې هغې ته له رسېدو سره سم پرهغې باندی اعتراض وکړي او پر موجب یې هر وړاندیز ته چې په غونډه کې صورت مومي، له رایې ورکولو

جلسات عادی یا فوق العاده هیئت مدیره حد اقل در خلال دو روز قبل از انعقاد آن به اطلاع اعضا رسانیده می شود، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی طوردیگری تصریح شده باشد.

(۲) عضو هیئت مدیره می تواند با رعایت اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت از اطلاعیه مندرج فقره (۱) این ماده قبل از تاریخ مندرج در اطلاعیه یا بعد از آن کتباً انصراف نماید. سند مبنی بر انصراف بعد از امضای توسط عضو هیئت مدیره در اسناد شرکت ثبت میگردد.

(۳) هرگاه عضو هیئت مدیره در جلسه اشتراک نماید، این امر مبین انصراف وی از ارسال اطلاعیه می باشد، مگر اینکه عضو در آغاز جلسه به مجرد رسیدن به آن اعتراض نموده و به موجب آن از رای دهی به هر پیشنهادی که در جلسه صورت می گیرد، خود داری

څخه ډډه وکړي .

نماید .

د غونډو نصاب او تصميم

پنځه څلورېنيمه ماده :

د مديره هيئت د غونډو نصاب، د مديره هيئت د غړو ډاکثريت حضور دی. د مديره هيئت په غونډو کې تصميمونه، په غونډه کې د حاضر غړو د رایو په اکثريت نيول کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه يا داخلي قواعدو کې بل ډول تصريح شوی وي .

نصاب و تصميم جلسات

ماده ټول و پنجم :

نصاب جلسات هيئت مديره حضور اکثريت اعضای هيئت مديره می باشد. تصاميم در جلسات هيئت مديره به اکثريت آرای اعضای حاضر جلسه اتخاذ می گردد، مگر اینکه در اساسنامه يا قواعد داخلی شرکت، طور ديگری تصريح شده باشد.

کميته

شپږ څلورېنيمه ماده :

(۱) مديره هيئت کولای شي د اړوندو چارو د پر مخبيولو په منظور د خپلو غړو له منځ څخه کميته جوړې او د سپارل شوی واک پر بنسټ، له مديره هيئت څخه استازيتوب وکړي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه يا داخلي قواعدو کې اټکل شوی نه وي. هره کميته د يوه يا له هغه څخه د زياتو غړو لرونکې ده چې د هغو د کار موده د مديره هيئت لخوا ټاکل کېږي .

کميته ها

ماده ټول و ششم :

(۱) هيئت مديره می تواند بمنظور پيشبرد امور مربوط از میان اعضای خویش کميته ها را ایجاد و به اساس صلاحیت تفویض شده، از هيئت مديره نمایندگی نماید، مگر اینکه در اساسنامه يا قواعد داخلی شرکت پيش بينی نشده باشد. هر کميته دارای يك عضو يا بیش از آن بوده که مدت کار آنها توسط هيئت مديره تعیین می گردد.

(۲) د دی قانون حکمونه، هغه

(۲) احکام این قانون طوريکه

شان چې پر مديره هيئت باندی

بالای هيئت مديره تطبيق می گردد

- تطبیق‌پذیری پر کمیته هم د تطبیق ور دی .
- (۳) کمیته نشی کولای لاندی چارې سرته ورسوي:
- ۱- په ونډه والو پورې اړوندی دندی او واکونه .
- ۲- د مدیره هیئت یا کمیته په تشه کرسی کې د شخص ټاکل .
- ۳- په اساسنامه یا داخلي قواعدو کې د تعدیل وړاندیز .
- ۴- د شرکت د ادغام یا انحلال تصویب .
- بالای کمیته ها نیز قابل تطبیق می‌باشد .
- (۳) کمیته ها نمی توانند امور ذیل را انجام دهند:
- ۱- وظایف و صلاحیت های مربوط به سهامداران .
- ۲- تعیین شخص در کرسی خالی هیئت مدیره یا کمیته ها .
- ۳- پیشنهاد تعدیل در اساسنامه یا قواعد داخلی .
- ۴- تصویب ادغام یا انحلال شرکت .

د مدیره هیئت مسئولیت

اووه څلوربښتمه ماده :

- (۱) مدیره هیئت د لاندی مسئولیتو لرونکی دی :
- ۱- په ښه توگه د شرکت د ونډه والو د گټو تأمینول .
- ۲- په ځیر(دقت) او احتیاط سره د سپارل شوې دندی اجراء .
- (۲) د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو مسئولیتونو د پلي کولو په منظور، د مدیره هیئت غړی په هغه صورت کې کولای شي له معلوماتو، نظریاتو، رپوټونو، مالي صورت حساب او نورو معلوماتو څخه گټه واخلي چې
- (۱) هیئت مدیره دازای مسئولیت های ذیل می‌باشد :
- ۱- تأمین منافع سهامداران شرکت سهامی به وجه احسن .
- ۲- اجرای وظیفه محوله با کمال دقت و احتیاط .
- (۲) به منظور تحقق مسئولیت های مندرج فقره (۱) این ماده عضو هیئت مدیره در صورتی می‌تواند از معلومات، نظریات، راپوردها، صورت حساب مالی و سایر معلومات استفاده نماید تا متیقن گردد که

اشخاص ذیل آنرا ترتیب و ارائه نموده است:

۱- از طرف يك يا بیش از يك کارکن با اعتماد شرکت .

۲- از طرف مشاور حقوقی، محاسبین، بانکداران یا سایر افراد دارای شایستگی مسلکی و تخصص.

۲- از طرف يك کمیته با اعتماد گرچه عضو هیئت مدیره نباشد.

(۳) عضو هیئت مدیره نمی تواند بالای چنان اشخاص و یا معلومات مندرج فقره (۲) این ماده اتکا نماید که معلومات آنها خلاف حقیقت بوده یا شخصی که معلومات را ارائه نموده، مورد اعتماد نباشد.

(۴) هرگاه عضو هیئت مدیره وظایف محوله را با حسن نیت و مطابق شرایط مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده انجام ندهد، در برابر شرکت سهامی و سهامداران مسئول می باشد.

ادعای استثنایی

ماده چهل و هشتم:

(۱) ادعای استثنایی توسط يك

باوري شي چې لاندی اشخاصو هغه ترتیب او وړاندی کړیدی :

۱- د شرکت د یوه یا له یوه څخه د زیات باوري کارکونکو لخوا .

۲- د حقوقي سلاکار، محاسبینو، بانکدارانو یا د نورو مسلکي او د تخصص د وړتیا لرونکو افرادو لخوا.

۳- د یوې باوري کمیټې لخوا که څه هم چې د مدیره هیئت غړې نه وي .

(۳) د مدیره هیئت غړی نشي کولای په داسې اشخاصو یا د دی مادی په (۲) فقره کې پر درج شوو معلوماتو باندی ډډه ولگوي چې معلومات یې د حقیقت پر خلاف وي یا هغه شخص چې معلومات یې وړاندی کړیدی، د باور وړ نه وي.

(۴) که چېرې د مدیره هیئت غړی سپارل شوې دندی په بنه نیت او د دی مادی په (۱ او ۲) فقره کې د درج شوو شرطونو مطابق سرته و نه رسوي، د سهامی شرکت او ونډه والو په وړاندی مسئول دی.

استثنایي ادعا

اته څلوېښتمه ماده:

(۱) د شرکت په گټه د یوه ونډه

سهمدار به نفع شرکت در مقابل يك يا بیش از يك عضو هیئت مدیره یا مامورین به دلیل عدم دقت در انجام کار یا سایر تخطی ها از وظایف شان در امور اداره شرکت سهامی، مطرح گردیده می تواند.

(۲) سهمدار زمانی می تواند ادعای استثنایی را مطرح نماید که وی در زمان تصمیم و یا عدم تصمیم مورد شکایت سهمدار شرکت بوده و نیز منافع شرکت سهامی را بطور منصفانه تمثیل کند. ادعای استثنایی بعد از گذشت چهار سال از زمان وقوع علت دعوی، مطرح شده نمی تواند.

(۳) سهمدار قبل از آغاز ادعای استثنایی درخواست کتبی را به شرکت سهامی ارائه و در آن تقاضای رسیدگی لازم را می نماید. درینصورت شرکت سهامی در خلال (۹۰) روز بعد از حصول درخواست، حکم آغاز رسیدگی را صادر و یا آنرا رد می کند، مشروط بر اینکه رسیدگی قبل از تاریخی آغاز گردیده بتواند که

وال لخوا د مدیره هیئت دیوه یا له یوه خخه د زیاتو غرو یا مامورینو په وړاندی د کار په سرته رسولو کې د نه دقت یا د سهامی شرکت د اداری په چارو کې له دندو خخه د هغوی د نورو سرغړونو په دلیل استثنایی ادعا مطرح کېدی شي .

(۲) ونډه وال هغه وخت کولای شي استثنایی ادعا مطرح کړي چې هغه د شکایت وړ تصمیم یا نه تصمیم په وخت کې د شرکت ونډه وال وي او هم د شرکت گټې په منصفانه توگه تمثیل کړي . استثنایی ادعا د دعوي د علت د واقع کېدو له وخته د څلورو کلونو له تېرېدو وروسته مطرح کېدی شي .

(۳) ونډه وال د استثنایی ادعا له پیل د مخه لیکلی غوښتنلیک سهامی شرکت ته وړاندی او په هغه کې د لارمې خپرنې غوښتنه کوي . پدی صورت کې ، سهامی شرکت د غوښتنلیک له ترلاسه کولو وروسته د (۹۰) ورځو په ترڅ کې ، د خپرنې د پیلولو حکم صادر یا هغه ردوي ، پدی شرط چې خپرنه له هغې نېټې د مخه پیل شي چې

ضرر قابل ملاحظہ برای شرکت سهامی درین دوره محتمل باشد. (۴) احکام این ماده مسئولیتی را کہ به اساس قانون متوجه عضو هیئت مدیره، مامور یا شخص ثالث است، مرفوع نمی‌سازد.

توزیع غیرقانونی دارایی شرکت

ماده چهل و نهم:

(۱) هرگاه اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی بدون نظر داشت حکم ماده صدم این قانون و اساسنامه به توزیع غیرقانونی دارایی شرکت سهامی بپردازد، مسئول شمرده میشود. در این صورت اعضای هیئت مدیره مکلف اند از هر سهامدار تقاضا نمایند کہ مبلغ حصول شده غیر قانونی را مسترد نماید، مشروط براینکہ سهامدار قبلاً از غیر قانونی بودن آن آگاهی داشته باشد.

(۲) سهامداریکه بنا بر توزیع غیرقانونی مندرج فقره (۱) این ماده متضرر گردیده، می‌تواند دعوی خود را الی مدت دو سال

سهامی شرکت ته پدی دوره کی د کتنی وړ ضرر محتمل وي .

(۴) د دی مادی حکمونه هغه مسئولیت چې د قانون پر بنسټ د مدیره هیئت غړي، مامور یا ثالث شخص ته متوجه دی، نه رفع کوي.

د شرکت د شتمنی غیر قانونی وپش

نهه څلوېښتمه ماده :

(۱) که چېرې د سهامی شرکت د مدیره هیئت غړي، د دی قانون د سلمې مادی او اساسنامې د حکم له په پام کې نیولو پرته، د سهامی شرکت د شتمنی په غیر قانونی وپشلو لاس پورې کړی، مسئول گنل کېږي. د مدیره هیئت غړي مکلف دی له هر ونډه وال څخه وغواړي چې غیر قانونی ترلاسه شوی مبلغ مسترد کړی، پدی شرط چې ونډه وال د مخه د هغه له غیر قانونیتوب څخه خبرتیا ولري.

(۲) هغه ونډه وال چې د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی غیر قانونی وپش له امله زیانمن شوی دی، کولای شي خپله دعوي تر دوو

کلونو مودی پوری اقامه کری .

په معاملو کې د گټو ټکر

پنځوسمه ماده :

که چېرې د مدیره هیئت غړی د یوې معاملې په اجراء کې د گټو ټکر (برخورد) ولري ، مکلف دی ، موضوع د سهامی شرکت مدیره هیئت ته افشاء کری ، پرته لدی مسئول گنل کېږي .

(۲) د گټو ټکر د دی مادی د (۱)

فقري په مفهوم په یوه معامله کې د سهامی شرکت د مدیره هیئت د غړي له گټو څخه عبارت دی چې د شرکت یا یې د فرعی شرکت په واسطه اجراء یا وړاندیز شوی، د مدیره هیئت غړی د خپلې ژمنې په وخت کې پخپله یا په هغه پورې تړلی د معاملې یو اړخ وي یا په معامله کې مالي گټې ولري، د مدیره هیئت پر غړي یا یې پر تړلي شخص مالي اغېزې واردی کری .

(۳) د سهامی شرکت په اړه د

مدیره هیئت د غړي د گټو د ټکر معامله د دی مادی د (۱) فقري په مفهوم هغه معامله ده چې د سهامی شرکت یا یوه فرعی شرکت یا د سهامی شرکت تر کنترول

اقامه نماید .

برخورد منافع در معاملات

ماده پنجاهم :

(۱) هرگاه عضو هیئت مدیره در اجرای معامله ، برخورد منافع داشته باشد ، مکلف است موضوع را به هیئت مدیره شرکت سهامی افشا نماید ، در غیر آن مسئول شناخته می شود .

(۲) برخورد منافع به مفهوم

فقرة (۱) این ماده عبارت از منافع عضو هیئت مدیره شرکت سهامی در يك معامله است که توسط شرکت یا شرکت فرعی آن اجرا یا پیشنهاد شده ، عضو هیئت مدیره در زمان تعهدش شخصاً یا وابسته وی يك طرف معامله بوده یا منافع مالی در معامله داشته باشد بر عضو هیئت مدیره یا شخص وابسته وی اثرات مالی وارد نماید .

(۳) معامله برخورد منافع عضو

هیئت مدیره در رابطه به شرکت سهامی به مفهوم فقرة (۱) این ماده معامله ایست که توسط شرکت سهامی یا يك شرکت فرعی یا شرکت تحت کنترول

شرکت سهامی اجرا یا پیشنهاد شده و يك عضو هیئت مدیره شرکت سهامی در آن برخوردار منافع داشته باشد.

(۴) شخص وابسته مندرج فقره (۲) این ماده شامل همسر، والدین، فرزند، خواهر، برادر، نواسه عضو هیئت مدیره یا همسران آنها یا شخصی که با عضو هیئت مدیره خانه مشترک داشته باشد و در اتحادیه یا مالکیت ذینفع باشد، یا اینکه قائم مقام اشخاص عديم الاهلیت باشد.

(۵) افشاء به مفهوم فقره (۱) این ماده عبارت از برملا ساختن کامل برخورد منافع توسط عضو هیئت مدیره است که موجودیت و ماهیت برخورد منافع به وی تعلق داشته و حقایق را که در رابطه به موضوع اصلی معامله آگاهی دارد، بیان نماید.

رسیدگی قضایی

ماده پنجاه و یکم :

(۱) معامله در صورتی توسط شرکت سهامی، شرکت‌های فرعی یا شرکت‌های تحت کنترل

لائی شرکت به واسطه اجراء یا ویراندیز شوی او د سهامی شرکت د مدیره هیئت یو غری په هغې کې د گتو تکر ولری.

(۴) د دی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی تر لوی شخص په جمله کې د مدیره هیئت د غری همسر (مېړه یا ماندینه)، والدین، اولاد، خور، ورور، لمسی، یا د هغوی همسران یا هغه شخص چې د مدیره هیئت له غری سره شریک کور ولری او په اتحادیه یا مالکیت کې ذینفع وی، یا دا چې د عديم الاهلیت اشخاصو قائم مقام وی.

(۵) افشاء د دی مادی د (۱) فقرې په مفهوم د مدیره هیئت د غری په واسطه د گتو د تکر له بشپړ بنکاره کولو څخه عبارت ده چې د گتو د تکر موجودیت او ماهیت په هغه پورې اړه لری او هغه حقایق چې د اصلی موضوع په اړه خبرتیا لری، بیان کری.

قضایی څېړنه

یو پنځوسمه ماده :

(۱) معامله په هغه صورت کې د سهامی شرکت، فرعی شرکتونو یا د سهامی شرکت تر کنترل لائی

شرکتونو په واسطه اجراء يا يې د اجراء وړاندیز ورکول کېږي چې د دی قانون د پنځوسمې مادې د حکم له په پام کې نیولو سره د مدیره هیئت د غړي د گټو ټکر جوړ نکړي یا د ونډه وال د ادعا په اثر یا پدی اړه استثنایي ادعا چې د مدیره هیئت غړی یا په هغه پورې تړلی شخص په معامله کې گټه لري د محکمې لخوا منع یا تعلیق شوی نه وي یا په زیان او نورو محدودیتونو محکوم شوی نه وي .

(۲) محکمه نشي کولای د مدیره هیئت د غړي د گټو د ټکر معامله د ونډه وال د دعوي یا د ثانوي خپرنې په موجب منع ، تعلیق او د زیانونو او نورو محدودیتونو په قرار موکوله کړی، خو په لاندی حالاتو کې :

۱- د بحث وړ معاملې په اړه د ونډه والو تصویب، د دی قانون د دري پنځوسمې مادې له حکم سره په مطابقت کې صورت موندلی وي .

۲- تثبیت شي چې معاملې د سهامی شرکت په وړاندی د ژمنې په وخت کې د موجودی اوضاع او

شرکت سهامی اجرا یا پیشنهاد اجرای آن داده می شود که با نظر داشت احکام ماده پنجاهم این قانون برخورد منافع عضو هیئت مدیره را تشکیل ندهد و به اثر ادعای سهامدار یا ادعای استثنای مبنی بر اینکه عضو هیئت مدیره یا شخص وابسته وی منفعت در معامله دارد از طرف محکمه ممنوع یا تعلیق نگردیده و یا به خساره و سایر محدودیت ها محکوم نشده باشد .

(۲) محکمه نمی تواند معامله برخورد منافع عضو هیئت مدیره را به موجب دعوی سهامدار یا رسیدگی ثانوی ممنوع ، تعلیق و به قرار خسارات و سایر محدودیت ها موکول نماید، مگر در حالات ذیل:

۱- تصویب سهامداران در رابطه به معامله مورد بحث در مطابقت با حکم ماده پنجاه و سوم این قانون صورت گرفته باشد .

۲- تثبیت گردد که معامله با نظر داشت اوضاع و احوال موجود در زمان تعهد در مقابل شرکت

احوالو له په پام کې نیولو سره منصفانه صورت موندلی دی.

سهامی منصفانه صورت گرفته است.

د مدیره هیئت د غړو په واسطه تصویب دوه پنځوسمه ماده :

تصویب توسط اعضای هیئت مدیره ماده پنجاه و دوم :

(۱) د مدیره هیئت د غړو لخوا د معاملې تصویب په هغه صورت کې د اعتبار وړ گڼل کېږي چې د دی قانون په یو او یا ییمه ماده کې د درج شوی حکم، د شرایطو لرونکو ونډه والو د اکثریت توافق مطابق، یا د دی مادی د حکم مطابق له افشاء وروسته یې صورت موندلی وي.

(۱) تصویب معامله از طرف اعضای هیئت مدیره در صورتی قابل اعتبار دانسته می شود که طبق حکم مندرج ماده هفتاد و یکم این قانون، توافق اکثریت سهامداران واجد شرایط یا بعد از افشاء مطابق حکم این ماده صورت گرفته باشد.

(۲) که چېرې د مدیره هیئت غړی په معامله کې د گټو ټکر ولري ، پدی شرط چې د مدیره هیئت غړی یا په هغه پورې تړلی شخص د بحث وړ معاملې اړخ نه وي ، پدی صورت کې د مدیره هیئت غړی د قانوني مکلفیتونو پر بنسټ یا د معاملې د محریمیت د ساتنې د مکلفیت پر بنسټ چې د بل شخص په وړاندې یې لري ، افشاء ونکړی شي. لاندې حالات د مدیره هیئت د غړي افشاگري گڼل کېږي:

(۲) هرگاه عضو هیئت مدیره در معامله برخورد منافع داشته باشد ، مشروط بر اینکه عضو هیئت مدیره یا شخص وابسته به وی طرف معامله مورد بحث نباشد ، در این صورت عضو هیئت مدیره به اساس مکلفیت های قانونی و یا به اساس مکلفیت حفظ محریمیت معامله که در مقابل شخص دیگر دارد ، افشاء نموده نتواند . حالات ذیل افشاگری عضو هیئت مدیره پنداشته می شود :

۱- د خپلو گټو د ټکر موجودیت او ماهیت د مدیره هیئت رأیه ورکونکو غړو ته افشاء او هغوی له هغو مشخصاتو او محدودیتونو څخه چې د دغه ډول دندو پر بنسټ په هغه باندې تپل (تحمیل) شویږي، د معاملې په هکله له رأیې اخستنې د مخه خبر کړی .

۲- په مستقیمه یا غیر مستقیمه توگه د رأیې اخستنې په بحثونو کې گډون ونکړی .

(۳) د مدیره هیئت د شرایطو لرونکی غړي چې نصاب بشپړوي، له معاملې سره د گټو ټکر ونلري یا د مدیره هیئت له هغه غړي سره چې له معاملې سره د گټو ټکر لري، کورنی، مالي، مسلکي یا استخدومي ارتباط هم ونلري .

د ونډه والو تصویب

دري پنځوسمه ماده:

(۱) د ونډه والو تصویب د دی قانون د یو پنځوسمې مادې د (۲) فقرې د (۲) جزء له په پام کې نیولو سره په هغه صورت کې د اعتبار وړ گڼل کېږي چې د بحث وړ معامله له افشاء وروسته د شرایطو لرونکو ونډه والو د اکثریت رأیه له ځانه

۱- موجودیت و ماهیت برخوردار منافع خویشرا به اعضای هیئت مدیره رای دهنده افشاء و آنها را از مشخصات و محدودیت های که به اساس چنین وظایف بر وی تحمیل شده، قبل از رای گیری در مورد معامله مطلع سازد .

۲- طور مستقیم یا غیرمستقیم در مباحثات رأی گیری شرکت ننماید .

(۳) اعضای هیئت مدیره واجد شرایط که نصاب را تکمیل می نمایند با معامله برخوردار منافع نداشته و با عضو هیئت مدیره که با معامله برخوردار منافع دارد، ارتباط خانوادگی، مالی، مسلکی یا استخدومی نیز نداشته باشد .

تصویب سهامداران

ماده پنجاه و سوم:

(۱) تصویب سهامداران با نظر داشت جزء (۲) فقره (۲) ماده پنجاه و یکم این قانون در صورتی قابل اعتبار پنداشته می شود که معامله مورد بحث رأی موافق اکثریت سهامداران واجد شرایط را بعد از افشاء با

سرہ ولری .

(۲) د شرایطو لرونکی ونډې هغه ونډې دی چې ونډه وال د مدیره هیئت د غړي د گټو د ټکر له معاملې سره په تړاو کې د رأیی ورکونې د حق لرونکی وي ، هغه ونډه وال چې د مدیره هیئت غړي یا په هغه پورې تړلی شخص وي او له دغسې معاملې سره په تړاو کې د گټو ټکر ولری ، لدی امر څخه مستثنی دی .

د مالي صورت حساب برابرول او تسلیمول

څلور پنځوسمه ماده :

(۱) سهامی شرکت د هماغه مالي کال مالي صورت حساب (بیلانس شیت، د گټې او ضرر بڼه) د سهامی شرکت د مالي کال تر وروستۍ ورځې پورې د کلنۍ غونډې له داپرېدو لږ تر لږه (۱۵) ورځې دمخه هغو ونډه والو ته چې په غونډه کې د گډون حق لري، تسلیموي. مالي صورت حساب د شرکت د ټولو هغو اجراءاتو لرونکی وي چې د شرکت له دفترونو او سوابقو او د حسابدارۍ له هغو معیارونو سره سم چې د

خود داشته باشد.

(۲) سهام واجد شرایط سهامی است که سهامداران در رابطه به معامله برخورد منافع عضو هیئت مدیره، حق رأی دهی را دارا باشند، سهامدارانی که عضو هیئت مدیره و یا شخص وابسته وی بوده و در رابطه با چنین معامله برخورد منافع داشته باشد، از این امر مستثنی است .

تهیه و تسلیمی صورت حساب مالی

ماده پنجاه و چهارم :

(۱) شرکت سهامی صورت حساب مالی (بیلانس شیت، صورت نفع و ضرر) همان سال مالی را الی روز آخر سال مالی شرکت سهامی حد اقل (۱۵) روز قبل از تدویر جلسه سالانه به سهامدارانیکه حق اشتراك را در جلسه دارند، تسلیم می نماید. صورت حساب مالی حاوی تمام اجراءات شرکت می باشد که مطابق با دفاتر و سوابق شرکت و معیار های حساب داری که توسط هیئت بین المللی معیار های

۲- سوابق اولین تأدیات که برای پرداخت سرمایه و افزایش آن صورت گرفته است.

۳- رویداد جلسات سهامداران و هیئت مدیره.

۴- صورت حساب مالی که سالانه به سهامداران ارائه می‌گردد.

استخدام مامورین

ماده پنجاه و هفتم :

(۱) هیئت مدیره می‌تواند مامورین شرکت سهامی را تعیین نماید، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

بست های شرکت سهامی، مدت کار، وظایف و صلاحیت های مامورین از طرف هیئت مدیره تعیین می‌گردد.

(۲) مامورین شرکت سهامی که غیر از سهامداران شرکت مقرر می‌شوند، می‌توانند، همزمان بیشتر از یک وظیفه را انجام داده و عضویت هیئت مدیره را نیز داشته باشند.

۲- د لومرینیو ورکرو سوابق چپی د پانگی د ورکری او د هغی د زیاتبدو لپاره یی صورت موندلی.

۳- د ونده والو او مدیره هیئت د غونډو پېښلیک .

۴- مالی صورت حساب چپی په کلنی توگه ونده والو ته وړاندی کېږي .

د مامورینو استخدام

اووه پنخوسمه ماده :

(۱) مدیره هیئت کولای شي د سهامی شرکت مامورین وټاکي ، خو دا چپی د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

د سهامی شرکت بستونه، د کار موده، د مامورینو دندی او واکونه، د مدیره هیئت لخوا ټاکل کېږي .

(۲) د سهامی شرکت مامورین چپی د شرکت له ونډه والو غیر مقربږي، کولای شي ، په یوه وخت کې له یوې څخه زیاتې دندی سرته ورسوي او د مدیره هیئت غړیتوب هم ولري.

د دعوي د لگښتونو له ورکړې شخه معافیت

اته پنځوسمه ماده :

(۱) که چېرې د سهامی شرکت غړی په حقوقي، مدني، جزایي، اداري دعوي یا د تحقیق په اجراء کې د استثنایي دعوي په استثنایي لوری (طرف) وي، تېر لدی چې پر دنده باندي برحال وي یا په پخوا کې د سهامی شرکت د مدیره هیئت غړی، مامور، کارمند یا استازی وي، د مدافع وکیل، د محکمې د فیس، جریمې او هغو مبالغو چې د هغو د لگښتونو لپاره واقعاً لگېدلي دي معاف او دغه لگښتونه د سهامی شرکت په غاړه دي، پدی شرط چې د شخص عمل له بڼه نیت سره ملگری وي او د شرکت له گټو سره مطابقت ولري، یا دا چې له دعوي یا عدلي تعقیب سره په تړاو کې، هغه دلیل چې د شخص عمل غیر قانوني و بڼیي، موجود نه وي .

(۲) سهامی شرکت کولای شي هغه شخص چې په استثنایي دعوي کې د سهامی شرکت حق ته په کتو سره

معافیت از پرداخت مصارف دعوی

ماده پنجاه و هشتم :

(۱) هرگاه عضو شرکت سهامی در دعوی حقوقی، مدنی، جزایی، اداری یا اجرای تحقیق به استثنای دعوی استثنای طرف باشد، اعم از اینکه برحال وظیفه بوده یا درگذشته عضو هیئت مدیره، مامور، کارمند و یا نماینده شرکت سهامی باشد از پرداخت مصارف فیس وکیل مدافع، محاکمه، جریمه و مبالغی که جهت تصفیة آن واقعاً به مصرف رسیده معاف و این مصارف بدوش شرکت سهامی می باشد، مشروط براینکه عمل شخص توأم با حسن نیت بوده و با منافع شرکت مطابقت داشته باشد یا اینکه در رابطه به دعوی یا تعقیب عدلی دلیل که عمل شخص را غیر قانونی وانمود سازد، موجود نباشد .

(۲) شرکت سهامی می تواند شخصی را که در دعوی استثنای نظر به حق شرکت

سہامی طرف باشد، بہ دلیل اینکه شخص برحال وظیفہ بودہ یا در گذشتہ عضو ہیئت مدیرہ، مامور، کارمند یا نمایندہ شرکت سہامی باشد، مصارف (بہ شمول فیس وکیل مدافع) کہ در رابطہ بہ دفاع و حل و فصل دعاوی شرکت بسہ وی راجع می گردد، معاف سازد، دعاوی ایکہ در آن شخص در مقابل شرکت مسئول شناختہ میشود، مشروط براینکہ عمل شخص توأم با حسن نیت بودہ و با منافع شرکت سہامی مطابقت داشتہ باشد، از این امر مستثنی است.

(۳) عضو ہیئت مدیرہ یا کارمند برحال یا برکنار شدہ شرکت سہامی تا جاییکہ در دعوی حقوقی، مدنی و یا رسیدگی قانونی مندرج درین مادہ از خود دفاع نماید از پرداخت مصارف بشمول فیس وکیل مدافع معاف بودہ این مصارف از طرف شرکت سہامی پرداختہ می شود.

(۴) در صورتی کہ فیصلہ نہایی طوری باشد کہ شخص بموجب

لوری (طرف) وی، پدی دلیل چپی پر دندی برحال شخص دی یا پہ پخوا کی د سہامی شرکت د مدیرہ ہیئت غری، مامور، کارمند یا استازی وی، کوم لگنبتونه د مدافع وکیل د فیس پہ شمول) چپی د سہامی شرکت د دعوی د دفاع او حل و فصل پہ تراو هغه تہ راجع کبپی، معاف کپی، هغه دعوا وی چپی پہ هغو کی شخص د شرکت پہ وړاندی مسئول گنبل کبپی، پدی شرط چپی د شخص عمل لہ بنسہ نیت سرہ ملگری وی او د سہامی شرکت لہ گتپو سرہ مطابقت ولری، لدی امر خخہ مستثنی دی .

(۳) د سہامی شرکت د مدیرہ ہیئت غری یا برحال یا لری شوی کارمند تر هغه خایہ چپی پہ حقوقی، مدنی دعوی یا پدی مادہ کی درج پہ قانونی رسیدگی کی لہ خان خخہ دفاع وکپی، د مدافع وکیل د فیس پہ شمول د لگنبتونو لہ ورکپی خخہ معاف دی، دغه لگنبتونه د سہامی شرکت لخوا وړکول کبپی .

(۴) پہ هغه صورت کی چپی نہایی پر بکړه داسی وی چپی شخص د دی

مادی د حکم پر موجب د سهامی شرکت لخوا نه معافیږي ، سهامی شرکت په هغه صورت کې کولای شي (د مدافع وکیل د فیس په شمول) لگښتونه چې د دعوي په دفاع یا اداري تعقیب کې د مدیره هیئت د غړي یا مامور په غاړه لوږږي د حقوقي، مدني دعوي له وروستي حل او فصل یا رسیدگی د مخه په هغه صورت کې ورکړي چې د مدیره هیئت غړي یا مامور ژمنه وکړي چې دغه لگښتونه سهامی شرکت ته بېرته ورکوي . د نوموړو لگښتونو ورکړه (د مدافع وکیل د فیس په شمول) چې د دغسې اشخاصو په غاړه وي ، د سهامی شرکت په واسطه تر هغو شرایطو لاندې چې سهامی شرکت یې لازم وگڼي ، صورت مومي .

(۵) پدی ماده کې د درج شوو لگښتونو په پېشکي ورکړه کې هغه حقوق نه شاملېږي چې د مصونیت یا د لگښتونو د پېشکي ورکړې غوښتونکي اشخاص ، د اساسنامې ، موافقه لیک ، د ونډه والو او د مدیره هیئت د بې پلوه غړو د رایې مطابق یا په بل ډول

حکم این ماده از طرف شرکت سهامی معاف نمی گردد ، شرکت سهامی در صورتی میتواند مصارف (بشمول فیس وکیل مدافع) را که برای دفاع در دعوی یا تعقیب اداری بدوش عضو هیئت مدیره و یا مامور گذاشته می شود ، قبل از حل و فصل نهایی دعوی حقوقی ، مدنی و یا رسیدگی در صورتی تأدیه نماید که عضو هیئت مدیره یا مامور تعهد نماید که این مصارف را به شرکت سهامی بازپرداخت می نماید . پرداخت مصارف متذکره توسط شرکت سهامی (بشمول فیس وکیل مدافع) که بدوش چنین اشخاص می باشد ، تحت شرایطی که شرکت سهامی آنرا لازم داند صورت می گیرد .

(۵) پرداخت پیشکی مصارف مندرج این ماده شامل حقوقی نمی گردد که اشخاص طالب مصونیت و یا پرداخت پیشکی مصارف ، مطابق اساسنامه ، موافقتنامه ، رأی سهامداران و اعضای بیطرف هیئت مدیره و یا طور دیگری

سره دهغو مستحق کېږي.

سهامي شرکت کولای شي، د سهامي شرکت د مدیره هیئت له غړي، مامور، کارمند یا استازي څخه په استازیتوب د هغو مسئولیتونو په وړاندې چې د پورته واکونو په حدودو کې د هغو پر ضد ادعا یا هغو ته راجع کېږي، بیمه کړی .

(۶) پدی ماده کې د درج شوو لگښتونو پېشکي ورکړه د مدیره هیئت د غړي، مامورینو، کارمند یا استازي په توګه د شخص د کار له پایته رسېدو وروسته دوام مومي او د هغو ورثې، وصي یا متولي ته د اجراء وړ دی .

مستحق آن می گردند .

شرکت سهامي ميتواند به نمایندگی از عضو هیئت مدیره، مامور، کارمند و یا نماینده شرکت سهامي را در مقابل مسئولیت های که در حدود صلاحیت های فوق علیه آنها ادعا و یا به ایشان راجع می گردد، بیمه نماید .

(۶) پرداخت پیشکی مصارف مندرج این ماده بعد از ختم کار شخص بحیث عضو هیئت مدیره، مامورین، کارمند و یا نماینده، دوام نموده و برای ورثه، وصی یا متولی آنها قابل اجراء می باشد .

نهم فصل د نظار هیئت

د نظار هیئت غوره کېدل
نهم پنځوسمه ماده :

(۱) د سهامي شرکت نظار هیئت له دوو یا له زیاتو غړو څخه جوړ دی چې د ونډه والود عمومي مجمع لخوا غوره کېږي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو

نهم فصل هیئت نظار

انتخاب هیئت نظار
ماده پنجاه و نهم :

(۱) هیئت نظار شرکت های سهامي مرکب از دو یا بیش از دو عضو می باشد، که از طرف مجمع عمومی سهامداران انتخاب می شوند، مگر اینکه در اساسنامه

قواعد و کپی بل ډول تصریح شوی وي .

که چېرې د نظار هیئت د اساسنامې مطابق غوره شي، د هغوی د تصدی لومړۍ دوره یو کال ده او وروسته زیات نه زیاتو د درې کالو لپاره ټاکل کېږي . د نظار هیئت ، د تصدی د دورې له پایته رسېدو وروسته بیا غوره کېدی شي .

(۲) د نظار هیئت غړي نشي کولای په یوه وخت کې د مدیره هیئت غړیتوب ولري یا د شرکت سوداگریزې چارې اداره کړي .

یا قواعد داخلي شرکت طور دیگری تصریح شده باشد .

هرگاه هیئت نظار مطابق اساسنامه انتخاب گردد، دوره اول تصدی آنها یکسال بوده و بعداً برای حد اکثر سه سال تعیین می شوند . هیئت نظار بعد از ختم دوره تصدی مجدداً انتخاب شده می تواند .

(۲) عضو هیئت نظار نمی تواند همزمان عضویت هیئت مدیره را داشته ، یا امورتجارتی شرکت را اداره نماید .

لري کېدل (عزل)

شپېتمه ماده :

د نظار هیئت غړي په هر وخت کې د ونډه والو د مجمع لخوا لري کېدی شي . که چېرې یو غړي د ونډه والو له منځ څخه غوره شوی وي، د لري کېدو په صورت کې، د زیان د جبران د غوښتنې حق نلري .

برطرفی (عزل)

ماده شصتمه :

اعضای هیئت نظار در هر زمان از طرف مجمع سهامداران عزل شده می توانند . هرگاه عضوی از میان سهامداران انتخاب شده باشد، در صورت عزل، حق ادعای جبران خساره را ندارد .

د نظار هیئت تشه کرسی

یو شپېتمه ماده :

(۱) که چېرې د نظار هیئت له غړو څخه یو له دندی څخه استعفی وکړي یا په یو ډول نه یو ډول د دندی له اجراء څخه پاتې شي ، د

کرسی خالی هیئت نظار

ماده شصت و یکم :

(۱) هرگاه یکی از اعضای هیئت نظار از وظیفه استعفاء یا به نحوی از انحاء از اجرای وظیفه باز ماند، سایر اعضای

هیئت نظار الی زمان تدویر اولین جلسه مجمع عمومی سہمداران عضو دیگر را بہ عوض وی انتخاب می نمایند.

(۲) در صورتیکہ ہیئت نظار مرکب از دو عضو باشد، الی انعقاد اولین مجمع عمومی سہمداران جهت تعیین عضو جدید، عضو کمبود از طرف ہیئت مدیرہ موقتاً تعیین می گردد.

کمیته ها

مادہ شصت و دوم :

هیئت نظار می تواند ، جهت تدقیق موضوعات معین یک یا بیش از یک کمیته را تشکیل دهد، این کمیته ها متشکل از یک یا بیش از یک عضو می باشد.

عدم انتخاب اقارب بحیث اعضای ہیئت نظار

مادہ شصت و سوم:

پدر، مادر، ہمسر، برادر، پسر، دختر، کاکا، ماما، عمہ، خالہ، خسر، خشو و داماد اعضای ہیئت مدیرہ بہ حیث عضو ہیئت نظار تعیین شدہ نمی تواند.

نظار ہیئت نور غری، د ونڈہ والو د عمومی مجمع د لومرنی غونڈی د داہربدو تر وختہ د ہغہ پہ عوض بل غری غورہ کوی .

(۲) پہ ہغہ صورت کپی چپی د نظار ہیئت، لہ دوو غرو خخہ جوړ وی د نوي غری د ټاکلو لپارہ د ونڈہ والو د عمومی مجمع تر لومرنی ناستی پورې، کمبود غری د مدیرہ ہیئت لخوا پہ مؤقتی توگہ ټاکل کېږي.

کمیته

دوہ شپہتمہ مادہ:

نظار ہیئت کولای شي د ټاکلو موضوعگانو د تدقیق لپارہ یوہ یا لہ یوې خخہ زیاتې کمیته جوړې کری، دغہ کمیته لہ یوہ یا لہ زیاتو غرو خخہ جوړې دی .

د نظار ہیئت د غرو پہ توگہ د خپلوانو نہ غورہ کېدل

دري شپہتمہ ما دہ :

د مدیرہ ہیئت د غرو پلار، مور، مېرۍ، مانڈینہ، زوی، لور، کاکا، ماما، عمہ، خالہ، خسر، خوانبې، زوم، د نظار ہیئت د غری پہ توگہ نشي ټاکل کېدی .

د نظار هیئت دندی

څلور شپېتمه ماده :

نظار هیئت د لاندی دندو لرونکی

دی :

۱- د شرکت د مالی صورت

حسابونو په ترتیب او نوې کتنې کې له مدیره هیئت سره همکاري.

۲- لږترلږه په شپږو میاشتو کې یو ځل د شرکت د اجرااتو تدقیق او د دفترنو څېړل.

۳- له د مخنۍ خبرتیا پرته لږ تر لږه په دريو میاشتو کې یو ځل د شرکت د خزاني پلټنه .

۴- د دی قانون ، اساسنامې او د شرکت د کورنیو قواعدو د حکمونو مطابق د مدیره هیئت پر اجرااتو باندی څارنه.

۵- د ونډه والو دعادی یا فوق العاده عمومي مجمع د داېرېدو په هکله خبر ورکول پدی شرط چې دا دنده مدیره هیئت اجراء نکړی .

۶- د ونډه والو د عمومي مجمع په غونډو کې حضور .

۷- په مهمو یا بېړنیو حالاتو کې د ونډه والو د فوق العاده مجمع د داېرېدو بلنه .

۸- د شرکت د مالی صورت

وظایف هیئت نظار

ماده شصت و چهارم :

هیئت نظار دارای وظایف ذیل

می باشد :

۱- همکاري با هیئت مدیره در ترتیب و تجدید نظر بر صورت حسابهای مالی شرکت.

۲- تدقیق اجراات و بررسی دفاتر شرکت حد اقل یکمرتبه در شش ماه.

۳- تفتیش خزانه شرکت حد اقل یک مرتبه درسه ماه بدون اطلاعیه قبلی.

۴- نظارت بر اجراات هیئت مدیره مطابق احکام این قانون، اساسنامه و قواعد داخلی شرکت.

۵- اطلاع دهی در مورد تدویر مجمع عمومی عادی یا فوق العاده سهامداران، مشروط بر اینکه وظیفه راهیئت مدیره اجرا ننماید .

۶- حضور در مجالس مجمع عمومی سهامداران .

۷- دعوت تدویر مجمع فوق العاده سهامداران در حالات مهم یا عاجل.

۸- ارایه نتایج مطالعات

درمورد صورت حساب مالی و سایر اجراءات شرکت و توزیع مفاد به جلسه سالانه مجمع عمومی سهامداران.

عدم محدودیت صلاحیت هیئت نظار

ماده شصت و پنجم :

صلاحیت هیئت نظار مندرج این قانون در اساسنامه یا قرارداد محدود شده نمی تواند.

انجام وظایف هیئت نظار با حسن نیت

ماده شصت و ششم :

(۱) هیئت نظار مکلف است وظایف خود را با حسن نیت و بمنظور تأمین بهتر منافع شرکت و سهامداران انجام دهد.

(۲) هیئت نظار مسئول نظارت از تطبیق و عملی ساختن اجراءات و مکلفیت های هیئت مدیره می باشد.

(۳) اقامه دعوی مبنی بر مسئولیت هیئت نظار بعد از مرور پنج سال از تاریخ وقوع آن قابل سمع نمی باشد.

حساب او نورو اجراءات او گتپی د و بشلو په هکله، د ونډه والو عمومي مجمع کلني غونډې ته د مطالعاتو د پایلو وړاندی کول.

د نظار هیئت د واک نه محدودیت

پنځه شپېتمه ماده :

پدی قانون کې درج د نظار هیئت واک په اساسنامه یا قرارداد کې نشي محدودیدی.

په ښه نیت سره د نظار هیئت د دندو سرته رسول

شپږ شپېتمه ماده :

(۱) نظار هیئت مکلف دی خپلې دندی په ښه نیت او د شرکت او ونډه والو د گټو د لاینه تأمینولو په منظور سرته ورسوي.

(۲) نظار هیئت د مدیره هیئت د اجراءاتو او مکلفیتونو د تطبیق او عملی کېدو له څارنې څخه مسئول دی.

(۳) د نظار هیئت د مسئولیت په اړه د دعوي اقامه کېدل د هغې د پېښیدو له نېټې څخه د پنځو کلونو له تېرېدو وروسته د اورېدو وړ ندی.

د مدیره هیئت پر ضد شکایت اووه شپېتمه ماده:

هر ونډه وال کولای شي، د شرکت د مدیره هیئت د اجراءاتو په هکله نظار هیئت ته شکایت وکړي، نظار هیئت مکلف دی شکایت وڅېړي او په هکله یې مقتضی تدبیرونه ونیسي.

د مدیره هیئت په غونډو کې د نظار هیئت گډون اته شپېتمه ماده :

نظار هیئت کولای شي، د مدیره هیئت په غونډو کې د رایې د حق له لرلو پرته گډون وکړي .

شکایت علیه هیئت مدیره ماده شصت و هفتم:

هر سهامدار می تواند در مورد اجراءات هیئت مدیره شرکت به هیئت نظار شکایت نماید، هیئت نظار مکلف است به شکایت رسیدگی نموده و در مورد تدابیر مقتضی اتخاذ نماید .

اشترک هیئت نظار در جلسات هیئت مدیره ماده شصت و هشتم :

هیئت نظار می تواند در جلسات هیئت مدیره بدون داشتن حق رأی اشترک نماید .

لسم فصل د ونډه والو مجمع

د عمومي مجمع غونډې نهه شپېتمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت د ونډه والو د عمومي مجمع غونډې، په عادی یا فوق العاده توگه د اړېدی شي. عادی یا کلنی غونډې د شرکت د هر مالي کال له پایته رسېدو وروسته د څلورو میاشتو په ترڅ کې یا د شرکت په اساسنامه کې په

فصل دهم مجمع سهامداران

جلسات مجمع عمومی ماده شصت و نهم :

(۱) جلسات مجمع عمومی سهامداران شرکت سهامی بطور عادی یا فوق العاده د اړېشده می تواند. جلسات عادی یا سالانه در خلال چهار ماه بعد از ختم هر سال مالی شرکت یا در فواصل

زمانی مندرج اساسنامه شرکت یکبار دایر می‌گردد، تدویر جلسات عادی در هر سال مالی یکبار حتمی است.

(۲) جلسات عادی و فوق العاده سهامداران در مرکز شرکت یا در سایر محلات (خارج یا داخل افغانستان) که توسط هیئت مدیره تعیین می‌گردد، دایر می‌شود، هیئت مدیره میتواند در مورد محل تدویر جلسات تصمیم اتخاذ نماید، در صورت ضرورت جلسات مجمع عمومی از طریق تأمین ارتباط از فاصله دور طبق احکام این قانون دایر شده می‌تواند.

(۳) هرگاه جلسه عادی مجمع سهامداران در محل و زمان مشخص مندرج اساسنامه شرکت دایر شده نتواند، در اعتبار تصمیم مجمع سهامداران تاثیر ندارد.

تأمین ارتباطات از فاصله دور

ماده هفتم:

هرگاه در اساسنامه، قواعد داخلی شرکت، یا تصمیم هیئت مدیره

درج شود زمانی و آتنونو (فواصلو) کي يو ځل د اېرېري، د عادي غونډو د اېرېدل په هر مالي کال کې يو ځل حتمي دی.

(۲) د ونډه والو عادی او فوق العاده غونډې د شرکت په مرکز یا په نورو ځایونو (د افغانستان په دننه یا بهر) کې چې د مدیره هیئت په واسطه ټاکل کېږي، د اېرېري، مدیره هیئت کولای شي د غونډو د اېرېدو د ځای په هکله تصمیم ونیسي، د اړتیا په صورت کې د عمومي مجمع غونډې له لري و آتن څخه د ارتباط د تأمینولو له لارې، د دی قانون د حکمونو مطابق د اېرېدی شي.

(۳) که چېرې د ونډه والو د مجمع عادی غونډه د شرکت په اساسنامه کې په درج شوی مشخص ځای او وخت کې د اېره نشي، د ونډه والو د مجمع د تصمیمونو په اعتبار کې اغېزه نلري.

له لري و آتن څخه د اړیکو تأمینېدل

اویايمه ماده:

که چېرې د شرکت په اساسنامه، کورنیو قواعدو یا د مدیره هیئت

په تصمیم کې له لري واتهڼ څخه د اړيكيو د تامينولو له لاري د غونډې د اړپېدل مشخص شوي وي، ونډه وال يا يې قانوني استازي پرته لدې چې شخصاً د ونډه والو په عمومي مجمع کې حاضر وي، کولای شي لدې لاري د تېلفون يا ويديو کنفرانس په واسطه د ونډه والو په کليو يا فوق العاده غونډو کې، د مديره هيئت د تصويب شوي لارښود او قواعدو مطابق گډون وکړي، پدې صورت کې په رايې اخستنې کې د گډون حق لري، حاضر گڼل کېږي .

فوق العاده غونډه

يو اويايمه ماده :

(۱) د ونډه والو د عمومي مجمع فوق العاده غونډه په لاندې حالاتو کې د اړپدې شي :

۱- د مديره هيئت يا هغه شخص چې د دې قانون، اساسنامې يا کورنيو قواعدو د حکمونو مطابق، د بلني حق ولري، د بلني په صورت کې.

۲- په هغه صورت کې چې د نظر وړ موضوع په هکله، د رايې د حق لرونکو لږ تر لږه په سلو کې د

تدوير جلسه از راه تامين ارتباطات از فاصله دور مشخص شده باشد، سهامداران يا نمايندگان قانوني آنها بدون آنکه شخصاً در مجمع عمومي سهامداران حاضر باشند، مي توانند از اين طريق توسط تيلفون يا ويديو کنفرانس در جلسات سالانه يا فوق العاده سهامداران مطابق رهنمود و قواعد تصويب شده هيئت مديره اشتراك نمايند، در اين صورت حق اشتراك در رأی گيري را داشته، حاضرينداشته مي شوند.

جلسه فوق العاده

ماده هفتاد و يکم:

(۱) جلسه فوق العاده مجمع عمومي سهامداران در حالات ذيل د اير شده مي تواند:

۱- در صورت دعوت هيئت مديره يا شخصي که طبق احکام اين قانون، اساسنامه يا قواعد داخلي حق دعوت را داشته باشند.

۲- در صورتی که سهامداران دارنده حد اقل (۱۰) درصد آرای واجد حق رأی در موضوع

مورد نظر، تدویر جلسہ سهامداران را بصورت کتبی درخواست نمایند. درخواست متذکره توسط سهامدار یا سهامداران متقاضی امضاء و تاریخ آن تعیین و اهداف جلسہ فوق العادہ در آن توضیح گردیدہ، فیصدی پائین تر یا بلند تر آراء در اساسنامہ شرکت سهامی تعیین شدہ می‌تواند، مشروط بر اینکہ از (۲۵) درصد مجموع آرای واجد حق رأی، تجاوز نماید.

(۲) در جلسات فوق العادہ، صرف موضوعی مورد بحث و رأی گیری قرار گرفته می‌تواند کہ قبلاً در اطلاعیہ تدویر جلسہ ذکر شدہ باشد.

(۳) تاریخ ثبت تقاضای تدویر جلسات فوق العادہ سهامداران واجد شرایط و دعوت آنها از طرف دفتر شرکت تعیین می‌گردد. این دعوت مصادف با تاریخی می‌باشد کہ آخرین سهامدار درخواست جلسہ فوق العادہ را امضاء نماید.

(۴) جلسات فوق العادہ در

(۱۰) رأیولرونی و نندہ وال د غونڈی داپر بدل پہ لیکلی توگه وغواری. نوموری غوبنتلیک د غوبنتونکی ونده وال یا ونده والو پہ واسطه لاسلیک او نپته یی تاکل کبری او د فوق العادہ غونڈی موخې پکی خرگندی، د رأیو تپته یا لوره فیصدی د سهامی شرکت په اساسنامہ کې تاکل کېدی شی، پدی شرط چې د رأیې د حق لرونکو د مجموع په سلو کې له (۲۵) څخه تجاوز وکړی.

(۲) په فوق العادہ غونډو کې یوازې هغه موضوع چې د مخه د غونډې د داپرېدو په خبرتیا کې یاده شوې وي، د بحث او رأیې اخستنې وړ گرځي.

(۳) د شرایطو لرونکو ونډه والو د فوق العادہ غونډو د داپرېدو د غوبنتنې او د هغوی د بلنې د ثبت نپته د شرکت د دفتر لخوا تاکل کېږي. دغه بلنه له هغې نپتې سره مصادفه وي چې وروستی ونډه وال د فوق العادہ غونډې د داپرېدو غوبنتلیک لاسلیک کړی.

(۴) فوق العادہ غونډې په هغه

محلّی که در قواعد داخلی شرکت مشخص یا توسط هیئت مدیره، بشمول اشتراك توسط تأمین ارتباطات از فاصله دور طبق احکام این قانون، تعیین شده باشد، دایر می گردد.

تدویر جلسات به اساس حکم محکمه

ماده هفتاد و دوم:

محکمه تجارتي می تواند در حالات آتی به تدویر جلسه مجمع عمومی سهامداران شرکت حکم نماید:

۱- در صورت تقاضای یکی از سهامداران واجد شرایط شرکت مبنی بر اینکه جلسه عمومی سهامداران شرکت در خلال چهار ماه بعد از ختم سال مالی شرکت سهامی طبق حکم مندرج فقره (۱) ماده شصت و نهم این قانون دایر نشده باشد.

۲- در صورت تقاضای سهامداریکه بالاتر درخواست اصولی وی، جلسه فوق العاده

حای کی چي د شرکت په کورنيو قواعدو کې مشخص، یا له لرې واټن څخه د اړيکيو د تامينولو له لارې د گډون کولو په شمول د مديره هیئت په واسطه، د دی قانون د حکمونو مطابق ټاکل شوی وي، د اېرېږي .

د محکمې د حکم پر بنسټ د غونډو د اېرېډل

دوه اويايمه ماده:

سوداگريزه محکمه کولای شي په لاندی حالاتو کې د شرکت د ونډه والو د عمومي مجمع د غونډې په دایرېدو حکم وکړي:

۱- د شرکت له شرایطو لرونکو ونډه والو څخه د یوه د غوښتنې په صورت کې، پدی اړه چې د دی قانون د نهه شپېتمې مادې په (۱) فقره کې د درج شوی حکم مطابق، د سهامی شرکت د مالی کال له پایته رسېدو وروسته د څلورو میاشتو په ترڅ کې، د شرکت د ونډه والو عمومي غونډه د اېرېږي شوی نه وي.

۲- د هغه ونډه وال د غوښتنې په صورت کې چې د هغه د اصولی غوښتنلیک له امله، فوق العاده

طبق حکم جزء (۲) مندرج فقره (۱) ماده هفتاد و یکم این قانون دایرنگردیده باشد.

اتخاذ تصمیم بدون تدویر جلسه ماده هفتاد و سوم :

(۱) اتخاذ تدابیر در رابطه به موضوعاتی که طبق احکام این قانون منوط به تصمیم مجمع سهامداران باشد و جلسه بنا بر عدم حضور سهامداران دایر شده نتواند، در این حالت تصمیم در صورتی بدون تدویر جلسه اتخاذ شده می‌تواند که توسط سهامداران واجد حق رأی در زمینه موافقه کتبی به عمل آمده باشد. این تصمیم توسط نامه کتبی با قید تاریخ و امضاء به سهامداران دارنده حد اقل سهام لایم فرستاده می‌شود. هرگاه موضوع توسط سهامدارانی که نصاب آنها کمتر از تعداد مجمع عمومی سهامداران باشد، مورد بحث قرار گیرد و در زمینه تصمیم اتخاذ گردد، در این صورت اطلاعیه

غونیه د دی قانون دیو او یایمی مادی د (۱) فقری په (۲) جزء کې د درج شوی حکم مطابق، داپره شوی نه وي .

د غونډې له داپرېدو پرته د تصمیم نیول دري او یایمه ما ده :

(۱) د هغو موضوعگانو په اړه د تدبیرونو نیول چې د دی قانون د حکمونو مطابق، د ونډه والو د مجمع په تصمیم پورې تړلي وي او غونډه د ونډه والو د نه حضور له امله دایره نشي، پدی حالت کې تصمیم په هغه صورت کې د غونډې له داپرېدو پرته نیول کېدی شي چې د رأیې د حق لرونکو ونډه والو په واسطه پدی برخه کې لیکلې موافقه شوې وي. دغه تصمیم د لیکلې لیک په واسطه د لاسلیک او نېټې په قید سره د لارمو ونډو د اقل حد لرونکو ونډه والو ته استول کېږي. که چېرې موضوع د هغو ونډه والو په واسطه چې نصاب یې د ونډه والو د عمومی مجمع له شمېر څخه لږ وي تر بحث لاندی ونیول شي او په هکله یې تصمیم ونیول شي، پدی صورت کې پدی

کتبی در مورد به تمام سهامداران به اسرع وقت ارسال می‌گردد. موضوعات مذکور به شرکت سهامی ارسال و در اوراق رویداد جلسات درج یا در زمره اسناد شرکت تنظیم می‌شود.

تاریخ ثبت سهامداران واجد حق اتخاذ تدابیر بدون تدویر جلسه مجمع سهامداران تاریخی است که اولین سهامدار تصمیم کتبی را طبق آن امضا می‌نماید، مگر اینکه طوری دیگر مشخص شده باشد.

شرکت سهامی می‌تواند، طبق تصمیم اتخاذ شده عمل نماید، مشروط بر اینکه تصمیم کتبی از طرف سهامدارانی اتخاذ گردیده باشد که تعداد آنها طبق حکم مندرج فقرة (۱) این ماده کمتر از نصاب مجمع عمومی سهامداران باشد، یا اطلاع دهی در مورد تدابیر درخواست شده به تمام سهامداران غیر شامل در رأی دهی لازم باشد، در این صورت تصمیم کتبی با مرور (۲۰) روز بعد از

برخه کی لیکلی خبرتیا ٲولو ونډه والو ته په لنډ وخت کې استول کېږي. نوموړې موضوعگانې سهامی شرکت ته استول کېږي او د غونډو د پېښلیک په پاڼو کې درج یا د شرکت د سندونو په جمله کې تنظیمېږي.

د ونډه والو د مجمع له داېرېدو پرته د تدبیرونو د نیولو د حق لرونکو ونډه والو د ثبت نېټه، هغه نېټه ده چې لومړنۍ ونډه وال لیکلی تصمیم د هغې مطابق لاسلیک کوي خو دا چې بل ډول مشخص شوی وي.

سهامی شرکت کولای شي د نیول شوو تصمیمونو مطابق عمل وکړي، پدی شرط چې لیکلی تصمیم د هغو ونډه والو لخوا نیول شوی وي چې شمېرې د دی مادی په (۱) فقرې د درج شوی حکم مطابق، د ونډه والو د عمومي مجمع له نصاب څخه لږ وي، یا د غوښتل شوو تدبیرونو په هکله په رایه ورکولو کې نه شاملو ٲولو ونډه والو ته خبر ورکول لازم وي، پدی صورت کې لیکلی تصمیمونه د هغو د خبرتیا له سپارلو څخه د

سپردن اطلاعات آن بالایی
سهمداران قابل تطبیق می باشد.
قبل از اینکه شرکت تعداد
موافقتنامه های کافی را برای
اتخاذ تصامیم پیشنهاد شده
توسط شرکت دریافت نماید، هر
سهمدار می تواند موافقه خود را
در مورد تصامیم کتبی باطل و
رسماً مکتوب فسخ آنرا به شرکت
صادر نماید.

تصامیم کتبی و تدابیر اتخاذ شده
مندرج این فقره حیثیت رأی
مجمع عمومی سهامداران را دارا
می باشد.

(۲) هرگونه اطلاعیه و موافقتنامه
که طبق حکم فقره (۱) این ماده
ضرور باشد، بصورت الکترونیک
انتقال می یابد.

دعوت تدویر جلسه

ماده هفتاد و چهارم :

(۱) مجمع عمومی سهامداران
غرض تدویر جلسه، طبق
احکام اساسنامه یا قواعد
داخلی شرکت دعوت می گردد،
شرکت سهامی مکلف است
تاریخ، وقت، محل، اجندا
و سایر معلومات جلسه را با

(۲۰) ورخو په تېرېدو سره پر ونډه
والو باندی د تطبیق وړ دی . د
مخه تر دی چې شرکت کافی شمېر
موافقت لیکونه د شرکت په واسطه
د وړاندیز شوو تصمیمونو د نیولو
لپاره ترلاسه کړی، هر ونډه
وال کولای شي د لیکلو تصمیمونو
په هکله خپله موافقه باطله او د
هغو د فسخ لیک رسماً شرکت ته
صادر کړی .

پدی فقره کې درج لیکلې
تصمیمونه او نیول شوی تدبیرونه
د ونډه والو د عمومي مجمع د رأیو
د حیثیت لرونکی دی .

(۲) هر ډول خبرتیا او موافقه لیک
چې د دی مادی د (۱) فقرې د حکم
مطابق اړین وي په الکترونیک ډول
لېږدېږي.

د غونډې د داېرېدو بلنه

څلور او یایمه ماده :

(۱) د ونډه والو عمومي مجمع د
غونډې د داېرېدو په غرض، د
شرکت د اساسنامې د حکمونو یا
کورنیو قواعدو مطابق رابلل
کېږي، سهامی شرکت مکلف دی د
غونډې نېټه، وخت، ځای، اجندا
او نور معلومات د واټن (فاصلې) د

لرې والی له په پام کې نیولو سره د عادی غونډې له د اېرېدو (۱۰ تر ۶۰) ورځې د مخه او له فوق العاده غونډې لږ تر لږه پنځه ورځې د مخه د ونډه والو خبرتیا ته ورسوي . سهامی شرکت بلن لیک یوازې هغو ونډه والو ته استوي چې د ونډه والو په عمومي مجمع کې د رأیې د حق لرونکی وي .

(۲) د رأیې د حق لرونکو ونډه والو د ثبت او د غونډې په اړه د بلن لیک د ترلاسه کولو نېټه ، ونډه والو ته د لومړنۍ خبرتیا له سپارلو د مخه ورځې څخه عبارت ده ، خو دا چې د مدیره هیئت لخوا د شرکت په کورنیو قواعدو کې بل ډول مشخص شوی وي .

(۳) که چېرې د عادی او فوق العاده غونډو نېټه ، وخت او ځای بدلون ومومي ، موضوع په لومړنۍ غونډه کې اعلانېږي او دوه یمه خبرتیا نه ایجابوي ، خودا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي . که چېرې د ثبت نوې نېټه په غونډه کې وځنډېږي ، هغو ونډه والو ته چې د ثبت په نوې نېټه کې

نظر داشت بعد فاصله ، از (۱۰ الی ۶۰) روز قبل از تدویر جلسه عادی و حد اقل پنج روز قبل از جلسه فوق العاده به اطلاع سهامداران برسانند . شرکت سهامی دعوت نامه را صرف به سهامدارانی ارسال می نماید که واجد حق رأی در مجمع عمومی سهامداران باشند .

(۲) تاریخ ثبت سهامداران واجد حق رأی و دریافت دعوت نامه مبنی بر تدویر جلسه عبارت از روز قبل از سپردن اولین اطلاعیه به سهامداران می باشد ، مگر اینکه از طرف هیئت مدیره در قواعد داخلی شرکت طور دیگری مشخص شده باشد .

(۳) هرگاه تاریخ ، وقت و محل جلسات عادی یا فوق العاده تغییر نماید ، موضوع در جلسه اولی اعلان گردیده و ایجاب اطلاع دومی را نمی نماید ، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد . هرگاه تاریخ جدید ثبت در جلسه به تعویق افتد ، به سهامدارانیکه در تاریخ جدید

شامل دی، د غونډې د ځنډېدو په هکله خبر ورکول کېږي.

د بلني طريقه

پنځه اویایمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي، د دی قانون، د شرکت د اساسنامې یا کورنیو قواعدو د حکمونو مطابق هر ډول خبرتیا، په مختلفو لارو په لومړي قدم کې د ونډه والو په لیکلې موافقې د الکترونیک لېږد (انتقال) په واسطه (د الکترونیک پست په ګډون، ونډه والو ته ابلاغ کړي. ونډه وال کولای شي د لیکلې خبرتیا له لارې موافقه لیک فسخ کړي. په هغه صورت کې چې سهامی شرکت دوه خبرتیا وې پر له پسې د الکترونیک لېږد په واسطه وانستوي، نوموړی موافقه لیک ملغي ګڼل کېږي.

(۲) مدیره هیئت په هغه صورت کې کولای شي د دی مادې په (۱) فقره کې د درج شوې خبرتیا په هکله تصمیم ونیسي چې د مدیره هیئت د نورو غړو لیکلې موافقه او لاسلیک د الکترونیکي لېږد په واسطه رسېدلې وي.

ثبت، درآن شامل اند، درمورد تاخیر جلسه اطلاع داده می شود.

طریق دعوت

ماده هفتاد و پنجم :

(۱) شرکت سهامی می تواند، طبق احکام این قانون، اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت هر نوع اطلاعیه را به طرق مختلف در قدم نخست به موافقه کتبی سهامداران ذریعه انتقال الکترونیک (بشمول پست الکترونیک) به سهامداران ابلاغ نماید. سهامداران می توانند از طریق اطلاعیه کتبی موافقتنامه را فسخ نمایند. در صورتی که شرکت سهامی دو اطلاعیه را پی در پی ذریعه انتقال الکترونیک ارسال نکند، موافقتنامه متذکره ملغی شمرده می شود.

(۲) هیئت مدیره در صورتی می تواند در مورد اطلاعیه مندرج فقره (۱) این ماده تصمیم اتخاذ نماید که موافقه کتبی و امضای سایر اعضای هیئت مدیره توسط انتقال الکترونیکي مواصلت نموده باشد.

- (۳) خبړتیا د دی مادی په (۱) فقرې کې د درج شوی حکم مطابق له لاندی لارو څخه صورت مومي :
- ۱- د فکس یا مخابراتو په واسطه، په هغه شمېرې چې ونډه وال د اطلاعاتو د ترلاسه کولو لپاره پر هغې موافقه کړې ده .
- ۲- د الکترونیک پست په واسطه ، په هغه آدرس چې ونډه وال د اطلاعاتو د ترلاسه کولو لپاره پر هغه موافقه کړې ده .
- ۳- په الکترونیک شبکه کې دخپړېدو په واسطه ونډه وال ته د خپړېدو په هکله د جلا خبړتیا په ضمیمه، یا د نوموړې خبړتیا له استولو وروسته، هر یو چې وروستی وي .
- ۴- د الکترونیک لېږد د نورو ډولونو په واسطه چې موخه یې ونډه وال ته د خبړتیا رسېدل وي .
- (۴) د الکترونیک لېږد په واسطه د خبړتیا د استولو په اړه د سهامی شرکت د مامور تصدیق ، اثباتیه مدرک گڼل کېږي .
- (۳) اطلاعیه طبق حکم مندرج فقره (۱) این ماده از طرق ذیل صورت می گیرد :
- ۱- توسط فکس یا مخابرات به شماره که سهامدار جهت دریافت اطلاعات به آن موافقه نموده است .
- ۲- توسط پست الکترونیک به آدرسی که سهامدار جهت دریافت اطلاعات به آن موافقه نموده است .
- ۳- توسط نشر در شبکه الکترونیک ضم اطلاعیه جداگانه به سهامدار در مورد نشر یا بعد از ارسال اطلاعیه متذکره، هر کدام که مؤخر باشد .
- ۴- توسط سایر اشکال انتقال الکترونیک که هدف آن وصول اطلاع به سهامدار باشد .
- (۴) تصدیق مامور شرکت سهامی مبنی بر ارسال اطلاعیه توسط انتقال الکترونیک، مدرک اثباتیه دانسته می شود .

د گډ آدرس لرونکی بلنه

شپږ اویایمه ماده :

سهامي شرکت کولای شي هغو ونډه والو ته چې گډ آدرس لري، په مختلفو لارو، د هغوی په موافقه، له محدودیت پرته، واحد خبرتیا واستوي. ونډه وال کولای شي، سهامي شرکت ته د لیکلې خبرتیا په لېږدولو سره خپله موافقه فسخ کړي.

له بلني څخه انصراف

اووه اویایمه ماده :

که چېرې ونډه وال د عمومي مجمع په غونډو کې د گډون په اړه د خبرتیا له رسېدو دمخه یا وروسته، د ځینو دلیلونو له مخې په غونډه کې گډون ونکړي شي، موضوع په لیکلې توگه خبر ورکوي. دغه موضوع د سهامي شرکت د غونډو په پېښلیک او سندونو کې ثبتېږي. په هغه صورت کې چې ونډه وال د ونډه والو د عمومي مجمع په غونډه کې پخپله (شخصاً) یا یې استازی گډون وکړي، د خبرتیا د نه ترلاسه کولو په اړه د هغه د اعتراض حق ساقطېږي، خو دا چې ونډه وال د غونډې په پیل کې د

دعوت دارنده آدرس مشترك

ماده هفتاد و ششم :

شرکت سهامي می تواند به سهامدارانی که آدرس مشترك دارند، به طرق مختلف به موافقه آنها بدون محدودیت، اطلاعیه واحد را ارسال نماید. سهامدار می تواند با ارسال اطلاعیه کتبی به شرکت سهامي موافقت خود را فسخ نماید.

انصراف از دعوت

ماده هفتاد و هفتم :

هرگاه سهامدار قبل یا بعد از وصول اطلاعیه مبنی بر اشتراك در جلسات مجمع عمومی بنا بر دلایل در جلسه اشتراك کرده نتواند، موضوع را طور کتبی اطلاع می دهد. این موضوع در رویداد جلسات و اسناد شرکت سهامي ثبت می گردد. در صورتیکه سهامدار در جلسه مجمع عمومی سهامداران شخصاً یا نمایندۀ وی اشتراك نماید، حق اعتراض وی مبنی بر عدم دریافت اطلاعیه ساقط می گردد، مگر اینکه سهامدار در آغاز جلسه بر علیه تدویر آن

یا اجرای معاملات اعتراض نماید.

سهمداران واجد حق دریافت اطلاعاتیه
ماده هفتاد و هشتم :

روش تثبیت تاریخ ثبت به منظور تعیین سهمداران واجد حق دریافت اطلاعاتیه جلسه سهمداران به درخواست جلسه فوق العاده رأی دهی و اتخاذ سایر تدابیر باساس تصمیم هیئت مدیره و یا مطابق قواعد داخلی تنظیم می گردد .

ریاست جلسه

ماده هفتاد و نهم :

(۱) رئیس هیئت مدیره یا شخصی که به نیابت وی ریاست جلسات مجمع عمومی سهمداران را عهده دار می باشد، مکلف است طبق اجنداء مرتبه اجراءات نموده و می تواند قواعد اداره جلسات مجمع را تعیین نماید، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) رئیس یا نائب وی در صورت

هغی د دایریدو یا د معاملو د اجراء پر ضد اعتراض وکپی .

د خبرتیا د ترلاسه کولو د حق لرونکی ونډه وال
اته اوایامه ماده :

د ونډه والو د غونډې د خبرتیا د ترلاسه کولو د حق لرونکو ونډه والو د ټاکلو په منظور، د ثبت د نېټې د تثبیتولو تگلاره (روش) د رأیې ورکولو د فوق العاده غونډې د غوښتنې او د نورو تدبیرونو په نیولو سره د مدیره هیئت د تصمیم پر بنسټ او یا د کورنیو قواعدو مطابق تنظیمېږي .

د غونډې ریاست

نهه اوایامه ماده :

(۱) د مدیره هیئت رئیس یا هغه شخص چې د هغه په نیابت د ونډه والو د عمومي مجمع د غونډو ریاست کوي، مکلف دی د ترتیب شوي اجنداء مطابق اجراءات وکړي او کولای شي د مجمع د غونډو د ادارې قواعد وټاکي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي .

(۲) رئیس یا د هغه نایب د غونډې

تکميل نصاب جلسه، طبق اجندا بالاي هر موضوع طوري جداگانه رأی گيري می نمايد. بعد از ختم رأی گيري بنابر موجوديت اعتراض، موضوع دوباره به مباحثه گذاشته نمی شود.

(۳) فهرست سهامداران حاضر جلسه يا نمايندگان آنها، اوراق و اسناد مربوط به آن و ملکيت سهام آنها در مجمع عمومي سهامداران ترتيب و از طرف رئيس هيئت مديره و يا شخصيکه به نيابت وی جلسه را رياست می کند، امضا و درجمله اسناد شرکت سهامی حفظ می گردد.

(۴) مصوبات جلسات عادی و فوق العاده همراه با معلومات مربوط به رأی دهی از طرف شرکت سهامی ترتيب و حفظ می گردد.

ترتيب فهرست سهامداران ماده هشتادم :

(۱) شرکت سهامی فهرست اسامي سهامداران واجد شرايط را بعد از تعيين تاريخ ثبت با ذکر آدرس و تعداد

د نصاب د بشپرتيا په صورت کې، د اجندا مطابق پر هرې موضوع باندې په جلا توگه رأيه اخيستنه کوي. د رأیې اخيستني له پایته رسېدو وروسته د اعتراض د موجوديت په صورت کې، موضوع بيا بحث ته نه اېښودل کېږي.

(۳) په غونډه کې د حاضر و ونډه والو يا يې د استازو فهرست، په هغو پورې اړوندې پانې او سندونه او د هغوی د ونډو ملکيت د ونډه والو په عمومي مجمع کې ترتيب او دمديره هيئت يا هغه شخص لخوا چې په نيابت يې د غونډې رياست کوي لاسليک او د سهامی شرکت د سندونو په جمله کې ساتل کېږي.

(۴) د عادی او فوق العاده غونډو و مصوبې په رأیې ورکونې پورې له اړوندو معلوماتو سره يو ځای د سهامی شرکت لخوا ترتيب او ساتل کېږي.

د ونډه والو د فهرست ترتيبول ايتاييمه ماده:

(۱) سهامی شرکت د شرايطو لرونکو ونډه والو دنومونو فهرست، د ثبت دنېټې له ټاکلو وروسته د هر ونډه وال د آدرس او دنډو د شمېر

سهام هر سهامدار ترتیب و ارائه می نماید، این فهرست بمنظور ملاحظه سهامدار در مورد اجنڈای جلسه دو روز قبل از اطلاع دهی در مورد جلسه مجمع عمومی و یا در خلال جلسه قابل دریافت می باشد.

(۲) هرگاه جلسه از طریق ارتباطات فاصله دور (الکترونیکی) تدویر یابد، فهرست متذکره از طریق شبکه مناسب و قابل دسترسی برای ملاحظه سهامداران آماده و معلومات لازم جهت دسترسی به فهرست در اطلاعیه جلسه درج می باشد.

(۳) امتناع از ترتیب فهرست و یا عدم دسترسی سهامداران به آن، اعتبار تصامیم جلسه را متاثر نمی سازد.

حق رأی سهامداران

ماده هشتاد و یکم:

(۱) هر سهامدار به تناسب سهم خود حق يك رأی را دارد، به استثنای حالات مندرج فقره های (۲ و ۳) این ماده یا سایر حالاتیکه در اساسنامه شرکت سهامی درج شده باشد.

په ذکولو سره ترتیب او وړاندی کوي، دغه فهرست د غونډې د اجنڈاء په هکله د ونډه وال د کتنې په منظور، د عمومي مجمع د غونډې په اړه له خبر ورکولو دوه ورځې د مخه یا د غونډې په ترڅ کې د ترلاسه کولو وړ دی .

(۲) که چېرې غونډه د لرې واټن (الکترونیکی) اړیکو له لارې د اېږه شي، نوموړی فهرست د مناسبې او لاس رسۍ وړ شبکې له لارې، د ونډه والو د کتنې لپاره چمتو او فهرست ته د لاس رسۍ لپاره لازم معلومات د غونډې په خبرتیا کې درج شوی وي .

(۳) د فهرست له ترتیبولو څخه ډډه کول یا د ونډه والو هغه ته نه لاس رسۍ، د غونډې د تصمیمونو اعتبار نه اغېزمنوي .

د ونډه والو د رأیې حق

یو اتیایمه ماده :

(۱) هر ونډه وال د خپلې ونډې په تناسب د یوې رأیې حق لري، د دی مادی په (۲ او ۳) فقره کې د درج شوو حالاتو یا نورو حالاتو په استثنای چې د سهامی شرکت په اساسنامه کې درج شوی وي .

(۲) هرگاه سهام شرکت سهامی بطور مستقیم یا غیر مستقیم ملکیت شرکت سهامی داخلی یا خارجی دیگر باشد، در این صورت سهامدار سهام مذکور حق رأی را ندارد، گرچه مالک اکثریت سهام شرکت باشد، این امر صلاحیت شرکت سهامی را مبنی بر شمولیت سهام در رأی گیری که توسط آن بحیث امین حفظ شده است، محدود نمی سازد.

(۳) سهامداران سهام قابل بازخريد بعد از ارسال اطلاعیه پستی در مورد بازخريد به سهامداران مربوط و تودیع مبالغ کافی برای بازخريد آن به بانک یا مؤسسات مالی دیگر به تاسی از تعهد قطعی مبنی بر پرداخت قیمت بازخريد متذکره، واجد حق رأی نمی باشند.

اشترک در رأی گیری ماده هشتاد و دوم:

(۱) سهامدار می تواند شخصاً یا از طریق وکیل در رأی گیری سهام خود اشترک

(۲) که چبری د سهامی شرکت ونهې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توگه د بل کورني یا بهرني سهامی شرکت ملکیت وي، پدی صورت کې د نوموړو ونهې ونډه وال د رأیې حق نلري، که څه هم چي د شرکت د اکثریت ونهې خاوند وي، دغه امر په رأیه اخیستنه کې د ونهې د شمولیت په اړه د سهامی شرکت واک چي د هغو په واسطه د امین په توگه ساتل شوی دی، نه محدود وي.

(۳) د بیا پرودني وړ ونهې ونډه وال، اړوندو ونډه والوته د بیا پرودني په هکله د پستي خبرتیا له استولو او د نوموړې بیا پرودني د بیې د ورکړې په اړه د پرېکنده (قطعی) ژمني له مخې، د هغو د بیا پرودني لپاره بانک یا نورو مالي مؤسسوته د کافي مبالغو له تودیع وروسته، د رأیې د حق لرونکی ندی.

په رأیه اخیستنه کې گډون کول دوه ایتایمه ماده:

(۱) ونډه وال کولای شي پخپله یا د وکیل له لارې د خپلو ونهې په رأیه اخیستنه کې گډون

وکړی.

(۲) ونډه وال کولای شي په رایه اڅستنه کې د گډون لپاره بل شخص د وکالت د فورم یا د الکترونیک پیغام په واسطه د خپل وکیل یا ممثل په صفت وټاکي .
سهامي شرکت مکلف دی د قانوني وکیل یا ممثل رایه د مؤکل یا ممثل د رایې یا تصمیمونو په توگه ومني . په الکترونیک پیغام کې د وکیل یا ممثل په هکله د ونډه وال د منظوری اثباتونکي معلومات شامل یا ضمیمه کېږي .
د وکیل ټاکل هغه وخت اعتبار لري چې د وکیل د ټاکنې لاسلیک شوی فورم یا الکترونیکي پیغام د سهامی شرکت لخوا تر لاسه شي .
د وکیل ټاکل د هغې مودی لپاره د اعتبار وړ دی چې د اړخونو د موافقې وړ وي .

(۳) د وکالت فورم د فسخ وړ وي ، خو دا چې په فورم یا الکترونیک پیغام کې یې د نه فسخ وړتیا درج شوې وي .

د وکالت د فورم پر بنسټ د وکیل ټاکل ، ددی مستلزم دی چې شرکت یې په وړاندې کافي قانوني گټه

ورزد .

(۲) سهامدار می تواند جهت اشتراك در رأی گیری ، شخص دیگری را ذریعۀ فورم وکالت یا توسط پیام الکترونیک به صفت وکیل یا ممثل خود تعیین نماید .
شرکت سهامی مکلف است رأی وکیل و یا ممثل قانونی را بحیث رأی یا تصامیم مؤکل یا ممثل قبول نماید . در پیام الکترونیک معلومات اثبات کننده منظوری سهامدار در مورد تعیین وکیل یا ممثل شامل یا ضم می شود .
تعیین وکیل زمانی اعتبار دارد که فورم امضاً شده و یا پیام الکترونیکي تعیین وکیل توسط شرکت سهامی دریافت شود .
تعیین وکیل برای مدتی قابل اعتبار می باشد که مورد توافق طرفین باشد .

(۳) فورم وکالت قابل فسخ می باشد ، مگر اینکه در فورم و یا پیام الکترونیک عدم قابلیت فسخ آن درج باشد .

تعیین وکیل به اساس فورم وکالت ، مستلزم آنست که شرکت بالمقابل منفعت کافی قانونی را

به سهامدار در نظر گيرد. تعيين وکيل که به تاسی از حکم این ماده طور غير قابل فسخ صورت گيرد، در حالاتیکه منافع همراه با آن خاتمه می یابد، لغو می گردد. موارد تعيين وکيل بصورت ضميمه با منافع، شامل اشخاص ذيل می باشد:

۱- داین شرکت سهامی که دین را تحت شرایط معینه اعطاء کند.

۲- کارمند شرکت سهامی که قرارداد استخدام وی مستلزم این امر باشد.

۳- عاقد موافقتنامه رأی دهی که مطابق احکام این قانون عقد را منعقد می نماید.

(۴) وفات یا سلب اهلیت سهامداریکه وکيل یا ممثل را تعیین می کند، در امور شرکت سهامی مبنی بر قبول نمودن صلاحیت وکيل الی زمان اطلاع شرکت در مورد وفات یا سلب اهلیت سهامدار تاثیر ندارد.

شخصی که سهام را از وکيل خریداری می نماید، هرگاه

وندیه وال ته په پام کې ونیسي. د وکيل ټاکل چې د دی مادی د حکم پر بنسټ په نه فسخ وړ توگه صورت ومومي، په هغو حالاتو کې چې گټې له هغه سره یو ځای پای مومي، لغو کېږي، له گټو سره د ضميمې په توگه د وکيل د ټاکلو په مواردو کې لاندی اشخاص شامل دی:

۱- د سهامی شرکت داین چې دین تر ټاکلو شرایطو لاندی ورکړی.

۲- د سهامی شرکت کارکوونکی چې د استخدام قرارداد یې د دی امر مستلزم وي.

۳- د رأیې ورکونې د موافقه لیک عاقد چې د دی قانون د حکمونو مطابق عقد منعقدوي.

(۴) د شرکت په چارو کې د هغه وندیه وال مړینه یا د اهلیت سلبېدل چې وکيل یا ممثل ټاکي، د وندیه وال د مړینې یا د اهلیت د سلبېدو په هکله د شرکت د خبرېدو تر وخته د وکيل د واک د منلو په اړه د شرکت په چارو کې اغېزه نلري.

هغه شخص چې وندې له وکيل څخه پېري، که چېرې پر وندو

در زمان تملك بر سهام در مورد تعیین وکیل آگاهی نداشته یا اینکه در تصدیقنامه سهم تصریح نشده باشد، در این صورت می تواند تعیین وکیل را فسخ نماید.

اعتبار اسناد

ماده هشتاد و سوم:

هرگاه ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف یا تعیین وکیل با اسم و امضای سهامدار مطابقت داشته باشد، شرکت سهامی میتواند آنرا مدار اعتبار قرار دهد. در صورت عدم مطابقت مطالب فوق، شرکت می تواند ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف یا تعیین وکیل را در احوال ذیل به حیث تصمیم سهامدار قبول نماید:

۱- در صورتی که سهامدار شخصیت حکمی باشد و سند توسط مامور یا نماینده ذیصلاح آن امضاء شده باشد.

۲- اسم و امضاء از اشخاص ذیل باشد:

- ولی، وصی یا قیمی که از سهامدار نمایندگی می نماید،

باندی د تملك په وخت کې، د وکیل د ټاکلو په هکله خبرتیا و نلري یا دا چې د ونډې په تصدیق پانه کې تصریح شوی نه وي، پدی صورت کې کولای شي د وکیل ټاکل فسخ کړی.

د سندونو اعتبار

دري اتيایمه ماده :

که چېرې د رأیې پانه، موافقه لیک، د انصراف یا د وکیل د ټاکنې سند د ونډه وال له نوم او لاسلیک سره مطابقت ولري، سهامی شرکت کولای شي هغو ته اعتبار ورکړی. د پورتنیو مطالبو د نه مطابقت په صورت کې، شرکت کولای شي، د رأیې پانه، موافقه لیک، د انصراف یا د وکیل د ټاکنې سند په لاندی احوالو کې د ونډه وال د تصمیم په توگه ومني:

۱- په هغه صورت کې چې ونډه وال حکمی شخصیت وي او سند د هغه د مامور یا واکمن استازې لخوا لاسلیک شوی وي.

۲- نوم او لاسلیک د لاندی اشخاصو وي:

- ولی، وصی یا هغه قیم چې له ونډه وال څخه استازیتوب کوي،

مشروط بر اینکه درخواست شرکت سهامی، مدرک اثباتیه صلاحیت امین بودن را بشکل قابل قبول شرکت در مورد ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف از حق و یا سند تعیین وکیل ارائه نموده باشد.

- مدیر تصفیه یا امین افلاس سهامدار باشد.

- شخصی که سهامدار به وی وکالت خط داده باشد.

۳- در صورتی که دو یا بیش از دو شخص به حیث مالکین مشترک یا به حیث امین سهامدار باشند و حد اقل یکی از مالکین مشترک یا امین آنرا امضاء و یا در مورد تصمیم اتخاذ نماید.

- در صورتیکه منشی در مورد صحت امضای موجود در ورقه رأی، موافقتنامه، سند انصراف از حق یا تعیین وکیل و یا در اعتبار صلاحیت امضاء کننده یا نماینده سهامدار، سوء ظن غالب داشته باشد، شرکت می تواند آنرا رد نماید. در این صورت شرکت سهامی و مامور یا

پدی شرط چپی د سهامی شرکت غوبنتنلیک د رأیی د پانی، د موافقه لیک، له حق خخه د انصراف د سند او د وکیل د تاکنی د سند په هکله شرکت ته د امین توب د منلو وړ، اثباتیه مدرک وړاندی کړی وي .

- د ونډه وال د تصفیې مدیر یا د افلاس امین وي .

- هغه شخص چپی ونډه وال ورته وکالت خط ورکړی وي .

۳- په هغه صورت کې چې دوه یا له دوو خخه زیات اشخاص دگډو (مشترک) مالکانو یا د ونډه وال د امین په توگه وي اولې تر لړۍ له گډو مالکانو یا امین خخه یوهغه لاسلیک یا یې په هکله تصمیم ونیسي .

- په هغه صورت کې چې منشی د رأیی په پاڼه، موافقه لیک، له حق خخه د انصراف یا د وکیل د تاکنی په سند کې د موجود لاسلیک د سمولی (صحت) په هکله یا د لاسلیک کوونکي او ونډه وال د استازي د واک په اعتبار کې زیاته بدگمانی ولري، شرکت کولای شي هغه رد کړی . پدی صورت کې سهامی شرکت او مامور یا د هغو

استازي له هغو څخه د راپيدا شوو زيانونو چي پر ونډه وال وارد شي مسئوليت نلري.

نمایندهگان آنها مسئولیت ناشی از خسارات آنرا که بر سهامدار وارد گردد، ندارد.

د غونډې نصاب څلور اتيايمه ماده :

(۱) د ونډه والو د مجمع د غونډو نصاب په اساسنامه کې ټاکل کېږي، پدې شرط چې نصاب په غونډه کې په ټاکلې يا واحده موضوع کې د تصميم د نيولو د رأيي د حق د لرونکو ونډو د شمېر له څلورمې څخه لږ نه وي. په هغه صورت کې چې د غونډو نصاب په اساسنامه کې اټکل شوی نه وي، نصاب د دی قانون د حکمونو مطابق ټاکل کېږي.

نصاب جلسه ماده هشتاد و چهارم :

(۱) نصاب جلسات مجمع سهامداران در اساسنامه تعیین می گردد، مشروط بر اینکه نصاب از ربع تعداد سهام واجد حق رأی در موضوع معین یا واحد حق اتخاذ تصمیم در جلسه، کمتر نباشد. در صورتی که نصاب جلسات در اساسنامه پیش بینی نگردیده باشد، نصاب مطابق احکام این قانون تعیین می گردد.

(۲) که چېرې د ونډه والو د عمومي مجمع د غونډو نصاب، د شرکت په اساسنامه کې اټکل شوی نه وي، لاندی موارد د تطبیق وړ دي:

(۲) هرگاه نصاب جلسات مجمع عمومی سهامداران در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد، موارد ذیل قابل تطبیق است:

۱- د رأيي د حق لرونکو ونډه والو د ونډو اکثریت چي پخپله يا د وکیل له لارې په غونډه کې حاضر وي، د ونډه والو د مجمع کلنی نصاب جوړوي .

۱- اکثریت سهام سهامداران واجد حق رأی که شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر باشد، نصاب مجمع سالاټه سهامداران را تشکیل می دهد.

۲- د هغو ونډه والو چي پخپله يا

۲- رأی موافق اکثریت سهام

سهمدارانیکه شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر یا از جهات دیگر واجد حق اشتراک در رأی گیری باشد، در تصمیم سهمداران قابل اعتبار پنداشته می‌شود. انتخاب اعضای هیئت مدیره از این امر مستثنی است.

۳- اعضای هیئت مدیره توسط اکثریت نسبی آرای سهمداران که شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر و واجد شرایط اشتراک در رأی گیری باشند، انتخاب می‌گردند.

۴- هرگاه نظر به اندازه سهم، سهمداران به صنف یا ردیف مشخص تقسیم شده باشند در صورتی که به رأی جداگانه صنف یا ردیف ضرورت احساس شود، اکثریت سهام صادره و فروخته شده صنف یا ردیف که شخصاً یا از طریق وکیل حاضر باشد نصاب رأی دهی را تکمیل می‌نماید. در این صورت رأی موافق اکثریت سهمداران سهام صنف یا ردیف متذکره که شخصاً یا از طریق وکیل در جلسه حاضر

د وکیل له لازمی به غونده کی حاضر یا له نورو لورو خخه په رایه اخیستنه کی د گهون د حق لرونکی وی د اکثریت ونه و موافقه رایه، د ونده والو په تصمیم کی د اعتبار وړ گنل کېږي. د مدیره هیئت د غړو غوره کول لدی امر خخه مستثنی دی .

۳- د مدیره هیئت غړي، د هغو ونه والو چې پخپله یا د وکیل له لازمی په غونده کی حاضر او په رایه اخیستنه کی د گهون د حق لرونکی وی، د ونده والو د رأیو د نسبی اکثریت په واسطه غوره کېږي .

۴- که چېرې د ونه په اندازه، ونه وال په مشخص صنف یا ردیف ویشل شوی وی، په هغه صورت کی چې د صنف یا ردیف جلا رأیی ته اړتیا ولیدله شي، د صنف یا ردیف د صادرو او پلورل شوو ونه و اکثریت او چې پخپله یا د وکیل له لازمی حاضر وی د رأیی اخیستنی نصاب بشپړ وی . پدی صورت کی د نوموړي صنف یا ردیف د ونه والو د ونه و اکثریت موافقی رأیی چې پخپله یا د وکیل له لازمی په غونده کی

حاضر وي ، د صنف يا ردیف
تصميم گڼل کېږي .

(۳) که چېرې د غونډې نصاب بشپړ نشي ، د ونډه والو عمومي مجمع د مديره هيئت لخوا ، د نېټې تر ټاکلو پورې ځنډېږي . په هغو حالاتو کې چې د وروستۍ غونډې نېټه ، وخت او ځای د ونډه والو د مجمع د غونډې له ځنډېدو (تعطیل) د مخه اعلان شوي نه وي ، پدې صورت کې ونډه وال له وروستۍ غونډې څخه ددی قانون د حکمونو مطابق خبرول کېږي .

(۴) په هغه صورت کې چې د ونډه والو په عمومي مجمع کې د ونډه وال له ونډې څخه استازیتوب صورت ومومي او نصاب بشپړ شي ، غونډه دایرېږي . که چېرې د ونډه وال استازی په هر علت غونډه ترک کړي ، په نصاب کې يې اغېزه نلري ، خو دا چې د ځنډول شوي غونډې په هلكه د ثبت نوي نېټه و ټاکل شي .

د مديره هيئت دغړو غوره کېدل
پنځه اتيایمه ماده :

(۱) د مديره هيئت غړي د ليكلو
رأيو د پاڼو پر بنسټ غوره کېږي ،

باشند ، تصميم صنف يا ردیف
پنځه اتمه می شود .

(۳) هرگاه نصاب جلسه تکمیل
نگردد ، مجمع عمومی سهامداران
از طرف هیئت مدیره الی تعیین
تاریخ ، معطل می گردد .
در حالاتیکه تاریخ ، وقت
و محل جلسه بعدی قبل از تعطیل
جلسه مجمع سهامداران
اعلان نشده باشد ، در این صورت
سهمداران از جلسه بعدی طبق
احکام این قانون مطلع گردانیده
می شوند .

(۴) در صورتی که از سهم سهامدار
در مجمع عمومی سهامداران
نماینده گی صورت گیرد و نصاب
تکمیل شود ، جلسه دایر
می گردد . هرگاه نماینده
سهمدار به هر علتی جلسه را ترک
نماید ، در نصاب آن تاثیر ندارد ،
مگر اینکه تاریخ جدید ثبت در
مورد جلسه تعطیل شده ، تعیین
گردد .

انتخاب اعضای هیئت مدیره
ماده هشتاد و پنجم :

(۱) اعضای هیئت مدیره به اساس
اوراق آرای کتبی انتخاب

می‌شوند، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد. در صورت منظوری هیئت مدیره، اوراق آرای کتبی با ارسال آرا در پیام الکترونیک طبق احکام این قانون صورت گرفته می‌تواند.

(۲) اعضای هیئت مدیره به اکثریت نسبی آرای حاضر انتخاب می‌گردند، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) سهامداران نمی‌توانند بمنظور انتخاب اعضای هیئت مدیره از رأی مضاعف استفاده نمایند، مگر اینکه در اساسنامه طور دیگری تصریح شده باشد.

رأی دهی مضاعف بدین منظور عملیه ای است که در آن سهامداران حق مشخص دارند تا تعداد آرای مربوط خود را ضرب تعداد اعضای هیئت مدیره نمایند که برای شان رأی داده می‌توانند و بعداً تعداد مجموعی آرا (حاصل ضرب) را به کاندید واحد بدهند یا آنرا میان دو یا بیش از دو کاندید تقسیم

خودا چپ د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوې وي. دمدیره هیئت د منظوری په صورت کې، د لیکلو رأیو پانې په الکترونیک پیغام کې د رأیو په استولو سره، ددی قانون د حکمونو مطابق صورت موندلی شي.

(۲) د مدیره هیئت غړي د حاضر و رأیو په نسبي اکثریت سره غوره کېږي، خو دا چپ د شرکت په اساسنامه یا کورنیو قواعدو کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۳) ونډه وال نشي کولای د مدیره هیئت د غړو د غوره کېدو په منظور له مضاعفو رأیو څخه گټه واخلي، خو دا چپ په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي.

پدی منظور مضاعفه رأیه اخیستنه هغه عملیه ده چې په هغې کې ونډه وال مشخص حق لري خو د خپلو اړوندو رأیو شمېر د مدیره هیئت د هغو غړو په شمېر کې ضرب کړی چې ورته رأیه ورکولی شي او وروسته د رأیو ټولیز شمېر د ضرب حاصل واحد کاندید ته ورکړی یا هغه د دوو یا له دوو څخه د زیاتو کاندیدانو تر منځ

ووبشی .

نماید .

د پلتونکی تاکل

شپړ اتیایمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي د ونډه والو د مجمع په غونډو کې د رأیې ورکونې د عملیې د چارو د تنظیم په منظور یو یا له یوه څخه زیات کسان د پلتونکی یا اداره کوونکی په توگه وټاکي ، د پلتونکی یا اداره کوونکی دندی د مدیره هیئت لخوا مشخصېږي .

(۲) پلتونکی یا اداره کوونکی مدیره هیئت ته د لیکلې رپوټ په وړاندې کولو مکلف دی .

د سندونو ساتل

اووه اتیایمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي د ونډو، حسابي دفترنو او د غونډو د پېښلیک په شمول د شرکت اړوند سندونه له زېرمه ایز میتود څخه په گټې اخیستنې سره وساتي، پدی شرط چې په لیکلې، واضح، لوستې (خوانا) توگه د گټې اخیستنې وړ وي .

(۲) سهامی شرکت مکلف دی د پلټنې د واکمنو اشخاصو د غوښتنې په وخت کې، د دی مادی

تعیین مفتش

ماده هشتاد و ششم:

(۱) شرکت سهامی می تواند بمنظور تنظیم امور عملیه رأی دهی در جلسات مجمع سهامداران يك یا بیش از يك نفر را بحیث مفتش یا اداره کننده تعیین نماید، وظایف مفتش یا اداره کننده از طرف هیئت مدیره مشخص می گردد .

(۲) مفتش یا اداره کننده مکلف به ارایه کتبی گزارش به هیئت مدیره می باشد .

حفاظت اسناد

ماده هشتاد و هفتم :

(۱) شرکت سهامی می تواند اسناد مربوط به شرکت بشمول دفاتر سهام، حسابی و رویداد جلسات را با استفاده از میتود های ذخیره وی حفظ نماید، مشروط براینکه طرور کتبی، واضح، خوانا و قابل استفاده باشد .

(۲) شرکت سهامی مکلف است حین تقاضای اشخاص ذیصلاح تفتیش، اسناد حفظ شده

مندرج فقره (۱) این ماده را مطابق احکام این قانون به دسترس آنها قرار دهد. این اسناد به حیث مدارک اثباتیه در تمام موارد حیثیت سند اصلی قطعی را دارد، مشروط بر اینکه سند به شکل کتبی و دقیق ترتیب شده باشد.

(۳) هر سهامدار می تواند شخصاً یا توسط وکیل یا نماینده قانونی خود بالاتر درخواست کتبی، دفتر سهام، فهرست سهامداران و سایر اسناد شرکت را بمنظور دسترسی به اهداف مناسب در خلال ساعات معمول کاری تفتیش نموده فهرست یا رونویس آن را بدست آورد.

هدف مناسب به مفهوم این ماده عبارت از هدفی است که بصورت معقول به منافع سهامدار شرکت مربوط باشد. در صورتی که شخص خواهان تفتیش وکیل یا نماینده سهامدار باشد، تقاضای وی در صورتی پذیرفته می شود که وکالت خط یا سایر اسناد اثبات کننده نمایندگی را ارائه نموده باشد. هر سهامدار می تواند

په (۱) فقره کی درج ساتل شوی سندونه، د دی قانون د حکمونو مطابق د هغوی په واک کې ورکړی. دغه سندونه په ټولو مواردو کې د اثباتیه مدرکونو په توگه د قطعی اصلي سند حیثیت لري، پدی شرط چې سند په لیکلي ډول او دقیق ترتیب شوی وي.

(۳) هر ونډه وال کولای شي پخپله یا د وکیل یا قانوني استازي په واسطه، د لیکلي غوښتنې په اثر د شرکت د ونډو دفتر، د ونډه والو فهرست او نور سندونه، مناسبو موخو ته د لاس رسۍ په منظور، د کاري معمولو ساعتونو په ترڅ کې وپلټي او فهرست یا نقل یې لاسته راوړي.

د دی مادی په مفهوم مناسبه موخه له هغې موخې څخه عبارت ده چې په معقوله توگه د شرکت د ونډه وال له گټو سره تړلې وي. په هغه صورت کې چې د پلټنې غوښتونکی شخص د ونډه وال وکیل یا استازي وي، غوښتنه یې په هغه صورت کې منل کېږي چې د استازیتوب اثباتونکی وکالت خط یا نور سندونه یې

با رعایت احکام این قانون و محدودیت های مندرج آن ، دفتر سهام ، فهرست سهامداران و سایر دفاتر و اسناد ثبت شده در شبکه های الکترونیک را (که توسط شرکت تهیه شده باشد) ، تفتیش نماید .

(۴) اعضای هیئت مدیره می تواند دفتر سهام ، فهرست سهامداران و سایر دفاتر و اسناد شرکت را بمنظور برآورده ساختن اهدافی که به وظیفه وی ارتباط دارد ، ملاحظه نماید .

(۵) محکمه تجارتي می تواند درمورد تفتیش عضو هیئت مدیره یا سهامداران تجویز اتخاذ نماید .

تولیت آرا

ماده هشتاد و هشتم :

(۱) يك يا بیش از يك سهامدار می تواند تولیت رأی دهی را ایجاد و حق رأی و سایر اشکال تمثیل مربوط را توسط موافقتنامه کتبی که حاوی شرایط تولیت باشد ، به شخص امین بسپارد و سهام خود را به وی انتقال دهد . زمانیکه موافقتنامه تولیت آرا امضا

وړاندی کړی وي ، هر ونډه وال کولای شي ، د دی قانون د حکمونو او پکې د درج شوو محدودیتونو له په پام کې نیولو سره د ونډو دفتر ، د ونډه والو فهرست یا په الکترونیک شبکو کې (چې د شرکت لخوا برابر شوی وي) نور دفترونه او سندونه ، وپلتي .

(۴) د مدیره هیئت غړي کولای شي د شرکت د ونډو دفتر ، د ونډه والو فهرست او نور دفترونه او سندونه د هغو موخو د ترلاسه کولو لپاره چې له دندی سره یې تړاو لري ، وگوري .

(۵) سوداگریزه محکمه کولای شي د مدیره هیئت د غړي یا ونډه والو د پلټنې په هکله تجویز ونیسي .

د رأیو تولیت

اته اتیایمه ماده:

(۱) یو یا له یوه څخه زیات ونډه وال کولای شي د رأیې ورکونې تولیت رامنخته کړی او د رأیې حق او د اړوند تمثیل نور ډولونه د لیکلې موافقې په واسطه چې د تولیت د شرایطو لرونکې وي ، امین شخص ته وسپاري او خپلې ونډې هغه ته ولېږدوي . کله چې د

گردد، شخص امین فهرست اسامی و آدرس تمام اشخاص دارنده منافع در تولیت را ترتیب و نقل فهرست و موافقتنامه را به دفتر اصلی شرکت سهامی می سپارد.

(۲) موافقتنامه تولیت رأی دهی از تاریخی اعتبار کسب می کند که نخستین سهام به نام شخص امین ثبت می گردد. موعد تولیت رأی دهی برای بیشتر از ده سال بوده نمی تواند، مگر اینکه برای مدت حد اکثر (۱۰) سال دیگر تمدید گردد. سند تمدید شده به دفتر اصلی شرکت سهامی نیز سپرده می شود.

موافقتنامه رأی دهی ماده هشتاد و نهم:

دو یا بیش از دو سهامدار می توانند در مورد شیوه های رأی دهی سهام، موافقتنامه را عقد نمایند.

عقد موافقتنامه اداره امور و تجارت
ماده نودم:

(۱) سهامداران می توانند در مورد صلاحیت ها یا اداره امور و

رأی و تولیت موافقه لیک لاسلیک شی، امین شخص په تولیت کې د گټو لرونکو ټولو اشخاصو نومونه او آدرس او د فهرست او موافقه لیک نقل د سهامی شرکت اصلی دفتر ته سپاري .

(۲) د رأیې ورکونې د تولیت موافقه لیک له هغې نېټې څخه اعتبار مومي چې لومړنۍ ونډې د امین شخص په نوم ثبتېږي . د رأیې ورکونې د تولیت موده له لسو کلونو څخه نشي زیاتېدی . خودا چې زیات نه زیات د (۱۰) نورو کلونو لپاره تمدید شي . تمدید شوی سند د سهامی شرکت اصلی دفتر ته هم سپارل کېږي .

د رأیې ورکونې موافقه لیک ننه ایا یکه ماده :

دوه یا له دوو څخه زیات ونډه وال کولای شي د ونډو د رأیې ورکونې د ډولونو په هکله موافقه لیک عقد کړي .

د ادارې او سوداګرۍ د چارو د موافقه لیک عقدول
نوي یمه ماده :

(۱) ونډه وال کولای شي د سهامی شرکت د واکونو یا د ادارې او

تجارت شرکت سهامی، موافقتنامه را میان سهامداران، اعضای هیئت مدیره یا شرکت سهامی عقد نمایند.

(۲) موافقتنامه مندرج فقره (۱) این ماده در اسناد ذیل درج می گردد:

۱- اساسنامه یا قواعد داخلی که توسط تمام اشخاصی که حین عقد موافقتنامه سهامدار بوده و آن را امضاً کرده باشند.

۲- موافقتنامه کتبی که از طرف تمام سهامداران حین عقد امضاً و به شرکت سهامی اطلاع داده شده باشد.

موافقتنامه سهامداران مندرج این ماده صرف توسط اشخاصی تعدیل می گردد که حین تعدیل سهامدار باشند. این موافقتنامه برای مدت ده سال قابل اعتبار بوده، مگر اینکه در موافقتنامه طوردیگری تصریح شده باشد.

(۳) موجودیت موافقتنامه مندرج فقره (۲) این ماده زمانی قابل اعتبار پنداشته می شود که در

سوداگری، د چارو په هلکه، د ونډه والو، مدیره هیئت یا سهامی شرکت ترمنخ موافقه لیک عقد کړی.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې درج شوی موافقه لیک، په لاندی سندونو کې درجېږي:

۱- اساسنامه یا کورني قواعد چې د ټولو هغو اشخاصو لخوا چې د موافقه لیک د عقد په وخت کې ونډه وال وي او هغه ئې لاسلیک کړی وي.

۲- هغه لیکلی موافقه لیک چې د عقد په وخت کې د ټولو ونډه والو لخوا لاسلیک او سهامی شرکت ته خبر ورکول شوی وي.

پدی ماده کې درج شوی د ونډه والو موافقه لیک یوازې د هغو اشخاصو په واسطه تعدیلېږي چې د تعدیل په وخت کې ونډه وال وي. دغه موافقه لیک د لسو کلونو لپاره د اعتبار وړ دی، خو دا چې په موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۳) د دی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی موافقه لیک موجودیت، هغه وخت د اعتبار وړ گڼل کېږي

اساسنامه و روی و ظهر هر سند ذکر گردیده باشد. عدم درج موجودیت موافقتنامه در سند سهم یا سند معلومات سبب متاثر شدن اعتبار موافقتنامه یا تدابیر اتخاذ شده نمی گردد. هرگاه مشتری حین خرید سهام در مورد موافقتنامه اطلاع نداشته باشد، می تواند بیع را فسخ نماید. در صورتی که موافقتنامه در سند سهم درج باشد، مشتری در مورد موافقتنامه متذکره مطلع پنداشته می شود. ادعای مبنی بر حق فسخ بیع الی (۹۰) روز بعد از آگاهی در مورد موجودیت موافقتنامه یا در خلال دو سال بعد از خرید سهام (هرکدام که مقدم باشد) صورت گرفته می تواند.

(۴) سهامداران می توانند با عقد موافقتنامه، صلاحیت هیئت مدیره را محدود و آنرا به شخص دیگری انتقال دهند. در این صورت شخصی که به وی تفویض صلاحیت صورت گرفته، در حدود

چپ به اساسنامه او د هر سند پر مخ او تندی (ظهر) باندی ذکر شوی بوی. د ونډې په سند یا د معلوماتو په سند کې د موافقه لیک د موجودیت نه درجېدل د موافقه لیک یا نیول شوو تدبیرونو د اعتبار د اغېزمنېدو باعث نه کېږي. که چېرې مشتری د ونډو د پېرودلو په وخت کې د موافقه لیک په هکله خبرتیا ونلري، کولای شي بیع فسخ کړي. په هغه صورت کې چې موافقه لیک د ونډې په سند کې درج وي، مشتری د نوموړي موافقه لیک په هکله خبر گنېل کېږي. د بیع د فسخ د حق په اړه ادعا د موافقه لیک د موجودیت په هکله له خبرېدو وروسته په (۹۰) ورځو یا د ونډو له پېرودنې وروسته د دوو کلونو په ترڅ کې (هر یو چې مقدم وي) صورت موندلای شي.

(۴) ونډه وال کولای شي د موافقه لیک په عقدولو سره، د مدیره هیئت واک محدود کړي او هغه بل شخص ته ولېږدوي. پدې صورت کې هغه شخص چې واک ورته سپارل شوی د خپل

واک په حدودو کې مسئول گڼل کېږي .

(۵) د دی مادی په حکمونو کې د درج شوی موافقه لیک موجودیت یا تطبیق پر ونډه وال باندی داسې اغېزه نلري چې شخصی مسئولیت، تصمیمونه یا د سهامی شرکت دیون په غاړه واخلي، که څه هم چې سهامی شرکت د موافقه لیک یا یې د تطبیق پر بنسټ د تضامنی شرکت په توگه وگڼل شي، پدی شرط چې په موافقه لیک کې د درج شوو موضوعگانو په نورو حالاتو کې د سهامی شرکتونو کورنی قواعد تطبیق او په پام کې نیول شوی نه وي .

صلاحیت خود مسئول پنداشته می شود .

(۵) موجودیت یا تطبیق موافقتنامه مندرج احکام این ماده تاثیرى بالائى سهامدار نداشته که مسئولیت شخصی، تصامیم و یا دیون شرکت سهامی را بدوش گیرد، و لوی اینکه شرکت سهامی به تأسی از موافقتنامه یا تطبیق آن به حیث شرکت تضامنی تلقی گردد، مشروط براینکه قواعد داخلی شرکت های سهامی در سایر حالات موضوعات مندرج موافقتنامه تطبیق و رعایت نگردیده باشد .

یوولسم فصل

د ونډه والو د ونډو د گټې وېش

د پانگې اعلان

یو نوي یمه ماده :

مدیره هیئت کولای شي د دی قانون او د شرکت د اساسنامې د حکمونو له په پام کې نیولو سره ، د شرکت د پانگه ایزو ونډو گټه اعلان او د شرکت لخوا یې د ورکړې زمیننه برابره کړی .

فصل یازدهم

توزیع مفاد سهام سهامداران

اعلان سرمایه

ماده نود و یکم :

هیئت مدیره می تواند با نظر داشت احکام این قانون و اساسنامه شرکت، مفاد سهام سرمایوی شرکت را اعلان و زمیننه تادیه آنرا از طرف شرکت فراهم سازد .

د ونډو د گټې وېش

دوه نوي یمه ماده :

(۱) سهامی شرکت نشي کولای په لاسدی حالاتو کې د ونډو گټه وويشي :

۱- په هغه صورت کې چې سهامی شرکت د واجب الادا دیونو په ورکړې باندی قادر نه وي .

۲- په هغه صورت کې چې د سهامی شرکت شتمني، د شرکت د دیونو له ټولې (مجموع) څخه لږ وي .

۳- په هغه صورت کې چې د موجودو ونډو زېرمه ایزه پانگه د ونډو د مجموع په سلو کې له پنځو څخه لږ وي .

(۲) که چېرې گټه د دی مادی د (۱) فقرې د حکم مغایر غیر قانوني وويشل شي، د دی قانون د نهه څلوېښتمې مادی حکم پدی هکله تطبیقېږي .

(۳) د سهامی شرکت د انحلال په صورت کې، د ونډو د گټې د وېشلو په وخت، د ونډو د گټې د ترلاسه کوونکو اشخاصو په نسبت د رجحان د حق لرونکو اشخاصو د حقوقو د تأمینېدو لپاره، د

توزیع مفاد سهام

ماده نود و دوم :

(۱) شرکت سهامی نمی تواند درحالات ذیل مفاد سهام را توزیع نماید :

۱- در صورتی که شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون واجب الادا نباشد .

۲- در صورتی که دارایی شرکت سهامی کمتر از مجموع دیون شرکت باشد .

۳- در صورتی که سرمایه ذخیروی سهام موجود کمتر از پنج فیصد مجموعی سهام باشد .

(۲) هرگاه مفاد مغایر حکم فقره (۱) این ماده غیر قانونی توزیع شود، حکم ماده چهل و نهم این قانون در مورد تطبیق می گردد .

(۳) در صورت انحلال شرکت سهامی در زمان توزیع مفاد سهام برای تأمین حقوق اشخاص دارنده حق رجحان نسبت به اشخاص دریافت کننده مفاد

سهام ، حق اولیت داده می شود ، مگر اینکه در اساسنامه طور دیگری تصریح شده باشد .

سرمایه احتیاطی

ماده نود و سوم :

در توزیع منافع اقلأ پنج فیصد آن بنام سرمایه احتیاطی برای جبران ضررهای احتمالی شرکت نگهداشته می شود . سرمایه احتیاطی که باین صورت جمع می شود (اگر در اساسنامه راجع به زیادت آن صراحتی موجود نباشد) بعد از آنکه به ربع سرمایه شرکت برسد دیگر مبلغی نگهداشته نمی شود .

اگر قیمت سهام از قیمت های معینه آنها زیادتر باشد ، زیادگی قیمت نیز ممکن است به سرمایه احتیاطی علاوه شود ، بعد از آنکه سرمایه احتیاطی به مقداری که در اساسنامه یا قانون تعیین گردیده ، ادامه داده می شود .

لومریتوب حق ورکول کبری، خودا چې په اساسنامه کې بل ډول اټکل شوی وي .

احتیاطی پانگه

دري نوي يمه ماده :

د گټو په وېش کې لږ تر لږه په سلو کې پنځه يې د احتیاطی پانگې په نوم د شرکت د احتمالي ضررونو د جبران لپاره ساتل کېږي . احتیاطی پانگه چې پدغه ډول ټولېږي (که په اساسنامه کې د هغې د زیاتېدو په هکله صراحت موجود نه وي) وروسته تر دې چې د شرکت د پانگې څلورمې (ربعې) ته ورسېږي نورنو کوم مبلغ نه ساتل کېږي .

که د ونډو بیه د هغوله ټاکلو بيو څخه زیاته وي د بيو زیاتگي هم ممکنه ده پر احتیاطی پانگه ور زیاته شي ، وروسته تر دې چې احتیاطی پانگه هغه مقدار ته چې په اساسنامه یا قانون کې ټاکل شوېده دوام ورکول کېږي .

د گټې ورکړه

څلور نوي يمه ماده :

د ونډو گټه په نغده او د مالونو په ډول يا د ونډو په شکل ورکول کېږي .

پرداخت مفاد

ماده نود و چهارم :

مفاد سهام بطور نقد و اموال يا به شکل سهام پرداخته شده مي تواند .

دوو لسم فصل

د سهامی شرکت په جوړښت کې بنسټيز بدلولونه

فصل دوازدهم

تغييرات اساسی در ساختار شرکت سهامی

د اساسنامې تعديل

پنځه نوي يمه ماده :

(۱) د سهامی شرکت ونډه وال کولای شي په اړونده اساسنامه کې درج شوی حکمونه تعديل، تزئيد او حذف کړي .

(۲) مدیره هیئت کولای شي د دی مادی په (۱) فقره کې درج شوی تعديل، تزئيد او حذف له خپل تصویب وروسته د منظوری لپاره ونډه والو ته وړاندیز کړي . د رایې د حق لرونکی ونډه وال کولای شي د مدیره هیئت وړاندیز شوی تعديل، تزئيد او حذف د رایو په اکثریت تصویب کړي .

تعديل اساسنامه

ماده نود و پنجم :

(۱) سهامداران شرکت سهامی می توانند احکام مندرج اساسنامه مربوط را تعديل، تزئيد و حذف نمایند .

(۲) هیئت مدیره می تواند تعديل، تزئيد و حذف مندرج فقره (۱) این ماده را بعد از تصویب خویش جهت منظوری به سهامداران پیشنهاد نماید . سهامداران واجد حق رأی می توانند تعديل، تزئيد و حذف پیشنهاد شده هیئت مدیره را به اکثریت آراء تصویب نمایند .

(۳) د شرکت مدیره هیئت کولای شي لاندی تعدیلونه په اساسنامه

(۳) هیئت مدیره شرکت می تواند تعدیلات ذیل را در اساسنامه

بدون منظوری سهامداران تصویب و منظور نماید، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد:

- حذف اسامی و آدرس های اولین اعضای اصلی شرکت.
- حذف اولین دفتر مرکزی.
- حذف اولین اعضای هیئت مدیره یا اولین نماینده مسئول (در صورتی که معلومات در مورد نماینده مسئول فعلی در دفتر ثبت مرکزی ثبت باشد).

افزایش در سرمایه شرکت سهامی ماده نود و ششم:

هرگاه هیئت مدیره به اساس تصمیم کتبی خویش افزایش سرمایه مجاز شرکت سهامی را از طریق افزایش (در تعداد سهام مجاز قابل صدور) یا ایجاد صنوف یا ردیف جدید سهام تقاضا نماید، در این صورت هیئت مدیره مکلف است موضوع را غرض تصویب و رأی گیری به مجمع سهامداران شرکت پیشنهاد نماید، صدور سهام مجاز با رعایت مواد

کپی د ونده والوله منظوری پرته تصویب او منظور کپی، خودا چپی د شرکت په اساسنامه کپی بل دول تصریح شوی وی.

- د شرکت د اصلي لومړنيو غړو د نومونو او آدرسونو حذف.
- د لومړني مرکزي دفتر حذف.
- د مدیره هیئت د لومړنيو غړو یا لومړني مسئول استازي حذف (په هغه صورت کپی چپی د اوسنی مسئول استازي په هکله معلومات د مرکزي ثبت په دفتر کپی ثبت وی).

د سهامی شرکت په پانگه کپی زیاتوالی شپږنوي یمه ماده:

که چېرې مدیره هیئت د خپل لیکلي تصمیم پر بنسټ د سهامی شرکت د مجازې پانگې زیاتوالی (د صادرېدو وړ مجازو ونډو په شمېر کپی) د زیاتوالی یا د ونډو د نوو صنوفو یا ردیف د رامنځته کولو له لارې وغواړي، پدی صورت کپی مدیره هیئت مکلف دی موضوع د تصویب او رأیې اخیستنې په غرض د شرکت د ونډه والو مجمع ته وړاندیز کپی، د مجازو ونډو صادرېدل، د دی

احکام مندرج سی ام و سی و یکم این قانون تنظیم می گردد.

حق تقدم (شفع)

ماده نود و هفتم :

در صورت افزایش در سرمایه مجاز شرکت سهامی یا صدور سهام اضافی، سهامداران موجود شرکت، حق تقدم خریداری سرمایه مجاز یا سهام صادر شده جدید و یا تعهد اشتراك در آنرا ندارند، مگر اینکه در اساسنامه طور دیگری تصریح یا از طرف هیئت مدیره طور دیگری تصمیم اتخاذ گردیده باشد.

فصل سیزدهم اسناد سهم

اسناد سهم

ماده نود و هشتم :

(۱) سهام صادره و فروخته شده شرکت سهامی توسط اسناد سهم طبق اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت تشبیت می گردد. هر سند سهم در برگیرنده حد اقل اسم

قانون په دیرشمه او یو دیرشمه ماده کې د درج شوو حکمونو له په پام کې نیولو سره تنظیمېږي.

د تقدم (شفع) حق

اووه نوي يمه ماده :

د سهامی شرکت په مجازه پانگه کې د زیاتېدنې یا د اضافی ونډو د صادرېدو په صورت کې د شرکت موجود ونډه وال، د مجازې پانگې یا نوو صادرو شوو ونډو د پېرودنې د تقدم یا په هغو کې د گډون د ژمنې حق نلري، خو دا چې په اساسنامه کې بل ډول تصریح یا د مدیره هیئت لخوا بل ډول تصمیم نیول شوی وي .

د پارلسم فصل د ونډې سندونه

د ونډې سندونه

اته نوي يمه ماده :

(۱) د ونډې د سندونو په واسطه د سهامی شرکت صادره او پلورل شوي ونډې، د شرکت د اساسنامې یا کورنیو قواعدو مطابق تشبیتېږي. د ونډې هر سند لږ تر لږه

شرکت صادر کننده، حوزه قضایی تشکیل شرکت، قیمت محرزه (ارزش اسمی)، اسم شخصی که سهم بنام وی صادر می گردد و تعداد یا صنف سهم صادر شده بوده و توسط دو مامور ذیصلاح شرکت سهامی امضاء می گردد.

(۲) امضای سند سهام بطور فکس بوده میتواند. هرگاه شخص امضاء کننده سند بعد از صدور سهام به حیث کارمند شرکت سهامی ایفای وظیفه نماید، سند سهم کما فی السابق معتبر دانسته می شود.

انتقال سهام

ماده نود و نهم:

اسناد سهم بدون موافقت شرکت به شخص دیگری انتقال داده شده می تواند، مگر اینکه در اساسنامه شرکت طور دیگری تصریح شده باشد.

ثبت سهام و اعتبار آن

ماده صد و یک:

سهم یا سهام به اساس ظهر نویسی یا سند کتبی جداگانه به

د صادر و نوکی شرکت د نوم، د شرکت د جوړېدو د قضایي حوزه، د محرزه بیې (اسمي ارزښت)، د هغه شخص د نوم چې ونډه یې په نوم صادرېږي او د صادر و شوو ونډو یا صنفونو د شمېر لرونکی وي او د سهامی شرکت د دوو واکمنو مامورانو لخوا لاسلیک کېږي.

(۲) د ونډو د سند لاسلیک د فکس په ډول کېدی شي. که چېرې د سند لاسلیک کوونکی شخص د ونډو له صادرېدو وروسته د سهامی شرکت د کارمند په توګه دنده سر ته و نه رسوي، د ونډې سند د پخوا په شان معتبر ګڼل کېږي.

د ونډو لېږدېدل

نهمه نوي يمه ماده:

د ونډې سندونه د شرکت له موافقې پرته بل شخص ته لېږدېدی شي، خو دا چې د شرکت په اساسنامه کې بل ډول تصریح شوی وي.

د ونډو ثبتېدل او د هغو اعتبار

سلمه ماده:

ونډه یا ونډې د ظهر نویسی یا د جلا لیکلي سند پر بنسټ بل

شخص دیگر انتقال شده می‌تواند، انتقال سند سهام در صورتی مدار اعتبار پنداشته می‌شود که در کتاب ثبت سهام شرکت ثبت گردد.

عدم تادیه کامل سهام ماده یکصد و یکم :

هر گاه بدل قابل پرداخت سهام شرکت سهامی بطور کامل تأدیه نگردد و دارایی آن برای ادای طلبات دائین کافی نباشد، در این صورت مالک یا تعهد کننده سهام مکلف است مبلغ باقیمانده بدل سهام صادر شده یا قابل صدور شرکت سهامی خود را که توسط وی اخذ یا تعهد شده است، بپردازد.

فرسودگی اسناد سهام

ماده یکصد و دوم :

(۱) هرگاه سند سهام در حالت فرسودگی قرار داشته و استفاده از آن ناممکن باشد، اما محتوی و علایم فارقه آن بخوبی قابل خوانش باشد، در این صورت مالک می‌تواند مثنی آنرا بعد از پرداخت مصارف از شرکت

شخص ته لبریدی شی، د ونډې د سند لبرید په هغه صورت کې د اعتبار وړ گڼل کېږي چې د شرکت د ونډو د ثبت په کتاب کې ثبت شي .

د ونډو نه بشپړه ورکړه یو سلو یوه یوه ماده :

که چېرې د سهامی شرکت د ونډو د ورکړې وړ بدل په بشپړه توگه ور نکړل شي او شتمني یې د داینینو د طلباتو د ادا کولو لپاره بس (کافی) نه وي، پدی صورت کې د ونډو مالک یا ژمنه کوونکی مکلف دی دخپل سهامی شرکت د صادرو شوو یا صادرېدو وړ ونډو د بدل پاتې مبلغ چې د ده په واسطه اخیستل یا ژمنه شوی دی، ورکړی.

د ونډې د سندونو زړښت (فرسودگی)

یو سلو دوه یوه ماده :

(۱) که چېرې د ونډې سند د زړېدو په حالت کې وي او له هغه څخه گټه اخیستل ناشونې وي خو محتوی او فارقه نښې یې په ښه ډول د لوستو وړ وي، پدی صورت کې مالک کولای شي د هغه مثنی د لگښتونو له ورکړې وروسته، له

شرکت خنجه تر لاسه کړي .

(۲) که چېرې د ونډې سند ورک ، غلا يا تخريب شوی وي ، د ونډې نوی سند د سهامی شرکت لخوا صادرېږي . په نوموړي سند پورې د اړوندې دعوي د رامنځته کېدو په صورت کې ، سهامی شرکت کولای شي د زیان جبران وکړي .

سهامی شرکت کولای شي د ونډې د ورک شوی ، غلا شوی يا تخريب شوی سند له مالک څخه وغواړي چې د زیان د جبران د تأمینولو لپاره د کافي تضمین سند سهامی شرکت ته وړاندې کړي .

دریافت نماید .

(۲) هرگاه سند سهم مفقود ، سرقت یا تخريب شده باشد ، سند جدید سهم از طرف شرکت سهامی صادر می گردد . در صورت بروز دعوی مربوط به سند متذکره ، شرکت سهامی می تواند جبران خساره نماید .

شرکت سهامی میتواند از مالک سند سهم مفقود شده ، سرقت شده یا تخريب شده تقاضا نماید که سند تضمین کافی را جهت تامین جبران خساره به شرکت سهامی ارائه نماید .

څوار لسم فصل

د سهامی شرکتونو انحلال او تصفیه

د شرکت انحلال

یو سلو درېیمه ماده :

د سهامی شرکت مدیره هیئت کولای شي د شرکت انحلال در اړوپه اکثریت سره تصویب او وړاندیز یې له شرایطو سره یا له شرایطو پرته د منظوری لپاره د شرکت د ونډه والو عمومي مجمع ته وړاندې کړي .

فصل چهاردهم

انحلال و تصفیه شرکت های سهامی

انحلال شرکت

ماده یکصد و سوم:

هیئت مدیره شرکت سهامی می تواند انحلال شرکت را با اکثریت آراء تصویب و پیشنهاد آنرا با شرایط یا بدون شرایط جهت منظوری به مجمع عمومی سهامداران شرکت ارائه نماید .

د انحلال د سند ثبتدل

یو سلو څلورمه ماده :

(۱) سهامی شرکت کولای شي ددی قانون دیو سلو درپیمی مادی دحکم له په پام کې نیولو سره، د انحلال سند چې د لاندی موضوعگانو لرونکی وي، د مرکزي ثبت په دفتر کې د ثبت لپاره واستوي :

۱- د سهامی شرکت نوم .

۲- د ونډه والو د عمومي مجمع په واسطه د انحلال د منظوری نېټه .

۳- د دی مطلب څرگندول چې د ونډه والو لخوا د انحلال وړاندیز د دی قانون او د شرکت د اساسنامې د حکمونو مطابق منظور شوی دی .

(۲) سهامی شرکت د انحلال د سند د ثبت له نېټې وروسته منحل کېږي .

(۳) منحل شوی سهامی شرکت هغه شرکت دی چې د انحلال سند یې له پراوونو څخه تېر او ثبت شوی وي او ځای ناستی یې د شرکت د پاتې شتمنی د لېږدولو او د دیونو د تصفیې لپاره ټاکل کېږي .

ثبت سند انحلال

ماده یکصد و چهارم :

(۱) شرکت سهامی می تواند با رعایت حکم مندرج ماده یکصد و سوم این قانون، سند انحلال را که حاوی موضوعات ذیل باشد، غرض ثبت در دفتر ثبت مرکزی ارسال نماید :

۱- نام شرکت سهامی .

۲- تاریخ منظوری انحلال توسط مجمع عمومی سهامداران .

۳- توضیح این مطلب که پیشنهاد انحلال توسط سهامداران طبق احکام این قانون و اساسنامه شرکت منظور گردیده است .

(۲) شرکت سهامی بعد از تاریخ ثبت سند انحلال منحل می گردد .

(۳) شرکت سهامی منحل شده شرکتی است که سند انحلال آن طی مراحل و ثبت گردیده و جانشین آن بمنظور انتقال دارایی متباقی شرکت و دیون جهت تصفیه تعیین می گردد .

عدم صدور سهام و مطالبه انحلال آن

ماده یکصد و پنجم :

اکثریت سهامداران اصلی یا اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی که سهام را صادر نکرده باشند، می توانند شرکت را با ثبت سند انحلال حاوی مطالب ذیل در دفتر ثبت مرکزی، منحل نمایند:

- ۱- نام شرکت سهامی .
- ۲- تاریخ ایجاد .
- ۳- اظهاریه مبنی بر عدم صدور سهام شرکت .
- ۴ - عدم موجودیت دیون پرداخت نشده به شرکت .
- ۵ - منظوری انحلال توسط اکثریت سهامداران اصلی یا اولین هیئت مدیره شرکت.

فسخ انحلال

ماده یکصد و ششم :

مجمع سهامداران شرکت سهامی می تواند انحلال شرکت را در خلال (۵) روز بعد از تاریخ ثبت و اعلان آن فسخ نماید.

فسخ انحلال تابع رعایت

د ونهونه صادر بدل او د هغود انحلال غوښتنه

یو سلو پنځمه ماده :

د سهامی شرکت د اصلي ونډه والو یا د مدیره هیئت د غړو اکثریت چې ونډې یې صادري کړې نه وي، کولای شي شرکت د مرکزي ثبت په دفتر کې د انحلال د لاسدی مطالبو لرونکی سند په ثبتولو سره، منحل کړي :

- ۱- د سهامی شرکت نوم .
- ۲- د جوړېدو نېټه .
- ۳- د شرکت د ونډو د نه صادرېدو په اړه اظهاریه .
- ۴- شرکت ته د نه ورکړل شوو دیونو نه موجودیت .
- ۵- د شرکت د اصلي ونډه والو د اکثریت یا لومړني مدیره هیئت په واسطه د انحلال منظوري.

د انحلال فسخ

یو سلو شپږمه ماده :

د سهامی شرکت د ونډه والو مجمع کولای شي ، د شرکت انحلال د هغه د ثبت او اعلان له نېټې وروسته د (۵) ورځو په ترڅ کې فسخ کړي.

د انحلال فسخ د انحلال د

شکلیات انحلال می باشد. بعد از منظوری فسخ انحلال، شرکت سهامی می تواند انحلال را توسط ثبت سند فسخ انحلال که حاوی مطالب ذیل می باشد، در دفتر ثبت مرکزی فسخ نماید:

- ۱- نام شرکت .
 - ۲- تاریخ اعلان فسخ انحلال شرکت .
 - ۳- تاریخ منظوری فسخ انحلال شرکت توسط هیئت مدیره و سهامداران (در صورت صدور سهام).
- در صورت فسخ انحلال، شرکت به فعالیت خود مجدداً آغاز می نماید. فسخ انحلال قابل عطف به ماقبل بوده و چنین پنداشته میشود که انحلال اصلاً صورت نگرفته است.

انحلال از طرف محکمه

ماده یکصد و هفتم :

محاکم تجارتي ذیصلاح می توانند در حالات ذیل شرکت سهامی را منحل نماید:

- ۱- در صورت شکایت وزارت تجارت در احوال ذیل:

شکلیات و دپه پام کې نیولو تابع ده. د انحلال د فسخ له منظوری وروسته، سهامی شرکت کولای شي انحلال، د مرکزي ثبت په دفتر کې د انحلال د فسخ د سند چې د لاندی مطالبو لرونکی وي، د ثبت په واسطه فسخ کړی:

- ۱- د شرکت نوم .
 - ۲- د شرکت د انحلال د فسخ د اعلان نېټه.
 - ۳- د مدیره هیئت او ونډه والو په واسطه د شرکت د انحلال د فسخ د منظوری نېټه (د ونډو د صادرېدو په صورت کې).
- د انحلال د فسخ په صورت کې، شرکت بیا په خپل فعالیت پیل کوي. د انحلال فسخ ماقبل ته ورگرځیدل دی او داسې گڼل کېږي چې انحلال اصلاً صورت موندلی ندی .

د محکمې لخوا انحلال

یو سلو اوومه ماده :

واکمني سوداگریزې محکمې کولای شي په لاندی حالاتو کې سهامی شرکت منحل کړی :

- ۱- په لاندی احوالو کې د سوداگری وزارت د شکایت په صورت کې:

- د اساسنامې په ترتیب او ثبتولو کې تېر ایستنه (فریبکاری) .
- له قانوني واک څخه تېری یا ناوړه گټه اخیستنه .
- ۲- په لاندې احوالو کې د یوه یا له یوه څخه د زیاتو ونډه والو لخوا د دعوي اقامه :
- هغه حالت چې د مدیره هیئت غړي د سهامی شرکت د چارو په اداره کې بریالي نه وي او ونډه وال د ستونزې په حل قادر نه وي او سهامی شرکت او شتمنی ته یې جبران نه منونکي زیانونه (صدمې) وراوړي .
- هغه حالت چې د مدیره هیئت غړي یا پر سهامی شرکت باندې کنترول لرونکو اشخاصو په غیر قانوني ډول یا په تېرایستني سره عمل کړی وي یا یې کوي .
- هغه حالت چې ونډه وال د خپلې رایې ورکونې په واک کې له ستونزې سره مخامخ او په هغه موده کې چې د کلنۍ مجمع په دوو پر له پسې غونډو کې شامل وي، د مدیره هیئت غړي یې ټاکلي نه وي.
- ۳- په لاندې احوالو کې د داین په واسطه د دعوي اقامه :
- فریبکاری در ترتیب و ثبت اساسنامه .
- تجاوز یا سوء استفاده از صلاحیت قانونی .
- ۲- اقامه دعوی توسط یک یا بیش از یک سهامدار در احوال ذیل :
- حالتیکه اعضای هیئت مدیره در اداره امور شرکت سهامی موفق نبوده و سهامداران قادر به رفع مشکل نباشند و صدمات جبران نا پذیر به شرکت سهامی و دارایی آن وارد می گردد.
- حالتی که اعضای هیئت مدیره یا اشخاص دارنده کنترول بر شرکت سهامی به شکل غیر قانونی یا با فریب عمل نموده اند یا می نمایند.
- حالتی که سهامداران در صلاحیت رأی دهی خود به مشکل مواجه و درمدتیکه شامل دو جلسه متواتر مجمع سالانه بوده اعضای هیئت مدیره را انتخاب نکرده باشند .
- ۳- اقامه دعوی توسط داین در احوال ذیل:

- حالتی که طلب داینین قبلاً منتج به اقامه دعوی شده و فیصله محکمه در مورد تادیه دین تطبیق نشده و شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون نباشد.

- حالتی که شرکت سهامی بطور کتبی اقرار نموده باشد که طلب داینین واجب التادیه بوده و شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون نباشد.

- هرگاه شرکت مورد دعوی قرار گیرد، انحلال داوطلبانه آن تحت نظارت محکمه صورت می گیرد.

انتخاب مدیران جهت انحلال و تصفیه ماده یکصد و هشتم:

(۱) محکمه می تواند در دعوایی که بمنظور انحلال شرکت سهامی اقامه شده باشد، یک یا بیش از یک مدیر را جهت انحلال و تصفیه یا یک یا بیش از یک متصدی را جهت اداره تجارت و امور شرکت سهامی در خلال میعاد انحلال منصوب نماید.

- هغه حالت چې د اینینو طلب د مخه د دعوي په اقامې منتج شوی وي او د دین د ورکړې په هکله د محکمې پرېکړه تطبیق شوې نه وي او سهامی شرکت د دیونو په ورکړې باندی قادر نه وي.

- هغه حالت چې سهامی شرکت په لیکلې توگه اقرار کړی وي چې د اینینو طلب د ورکړې وړ دی او سهامی شرکت د دیونو په ورکړې قادر نه دی .

که چېرې شرکت تر دعوي لاندی راشي، داوطلبانه انحلال یې د محکمې تر څارنې لاندی صورت مومي .

د انحلال او تصفیه لپاره د مدیرانو غوره کول یو سلو اتمه ماده :

(۱) محکمه کولای شي په هغې دعوي کې چې د سهامی شرکت د انحلال په منظور اقامه شوې وي ، یو یا له یوه څخه زیات مدیران د انحلال او تصفیه لپاره یا یو یا له یوه څخه زیات متصدیان د سهامی شرکت د سوداگری او د چارو د ادارې لپاره، د انحلال د مودی په ترڅ کې منصوب کړی .

- (۲) د تصفیې مدیر له اشخاصو یا کورني یا بهرني سهامی شرکت څخه ټاکل کېږي چې له انحلال سره له مخامخ شرکت سره رابطه ونلري او له خپل موقف څخه هېڅ ډول گټه (د معاش او د لگښتونو د مناسب جبران په استثني) لاسته را نه وړي ، پدی صورت کې د هغوی معاش او لگښتونه د شرکت له شتمنی یایي د پلورني له ماحصل څخه ورکول کېږي .
- (۳) محکمه د تصفیې د مدیر او د متصدی واک او مکلفیت (چې وخت په وخت د بدلون وړ وي) د هغوی د مقرری په اړه په خپل حکم کې توضیح کوي ، په دغو حالاتو کې لاندی موارد شامل دی :
- د محکمې په اجازه په ټولو ځایونو کې د عمومي لیلام یا خصوصي پلورني په ډول د سهامی شرکت د شتمنی پلورل یا په نورو ډولونو پربښودل (واگذاري) .
 - په واکمنو محکمو کې د دعوي اقامه او دفع کول .
- (۴) متصدی کولای شي د شرکت واکونه د مدیره هیئت له لارې یا یې په عوض تر هغه حده چې د
- (۲) مدیر تصفیه از اشخاص یا شرکت سهامی داخلی یا خارجی تعیین می گردد که با شرکت مواجه به انحلال رابطه نداشته و از موقف خود هیچگونه نفعی را (به استثنای معاش و جبران مناسب مصارف) بدست نیاورده در این صورت معاش و مصارف آنها از دارایی شرکت یا از ماحصل فروش آن پرداخته می شود .
- (۳) محکمه صلاحیت و مکلفیت مدیر تصفیه و متصدی را (که وقتاً فوقتاً قابل تغییر می باشد) در حکم خود مبنی بر تقرر آنها توضیح می دهد ، این حالات شامل موارد ذیل می باشد :
- فروش یا سایر اشکال واگذاری دارایی شرکت سهامی طورلیلام عمومی یا فروش خصوصی ، در تمام محلات به استیذان محکمه .
 - اقامه دعوی و دفع آن در محاکم ذیصلاح .
- (۴) متصدی می تواند صلاحیت های شرکت را از طریق هیئت مدیره یا بعوض آن تاحدیکه برای

اداره امور شرکت سهامی به منظور تأمین بهتر منافع سهامداران و دائنین لازم باشد، اعمال نماید.

قرار انحلال

ماده یکصد و نهم:

محکمه می‌تواند در صورت موجودیت دلایل مندرج حکم ماده یکصد و هفتم این قانون، حکم انحلال شرکت سهامی را صادر و تاریخ اعلان آنرا تعیین نماید.

محکمه نقل مصدقه حکم را جهت ثبت به دفتر ثبت مرکزی ارسال می‌نماید.

بعد از ثبت حکم انحلال، محکمه به تعمیم انحلال و تصفیه امور و معاملات شرکت تجویز اتخاذ می‌نماید.

ونده والو او داینینو د گتو د بنه تأمینولو په منظور، د سهامی شرکت د چارو اداري ته لارمه وي، اعمال کړي .

د انحلال قرار

یو سلو نهمه ماده:

محکمه کولای شي د دی قانون د یو سلو اوومي مادي په حکم کې د درج شوو دلایلو د شتون په صورت کې، د سهامی شرکت د انحلال حکم صادر او دهغه د اعلان نېټه وټاکي.

محکمه د حکم مصدقه نقل، د مرکزي ثبت دفتر ته د ثبت لپاره استوي .

د انحلال د حکم له ثبت وروسته، محکمه د شرکت د انحلال او د چارو او معاملو د تصفیه د تعمیم تجویز نیسي .

پنخلم فصل متفرقه حکومه

فصل پانزدهم احکام متفرقه

د دی قانون له انفاذ د مخه جوړ شوی شرکتونه یو سلو لسمه ماده :

سهامی او محدود المسئولیت شرکتونه چې د دی قانون له انفاذ دمخه ، د سوداگری په قانون کې د درج شوو حکمونو په استناد جوړ یا یې له نورو واکمنو مقامونو څخه د فعالیت جواز اخیستی او هغه یې د سندونو او سوداگریزو نښو په دفتر کې ثبت کړی وي، ددی قانون په نافذېدو سره د یو کال او شپږو میاشتو په موده کې بیا د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او قانوني موجودیت یې دوام مومي او د دی قانون حکومه پرې تطبیقېږي* .

د مقرر او کورنیو قواعدو وضع کول یو سلو یوو لسمه ماده :

د سوداگری او صنایعو وزارت کولای شي د دی قانون د حکمونو د لائسه تطبیق په منظور ، مقررې وړاندیز او اړوند کورني قواعد

شرکتهای ایجاد شده قبل از انفاذ این قانون ماده یکصد و دهم :

شرکت های سهامی و محدود- المسئولیت که قبل از انفاذ این قانون، به استناد احکام مندرج قانون تجارت ایجاد یا از سایر مراجع ذیصلاح تجارتي جواز فعالیت اخذ و آنرا ثبت دفتر اسناد و علایم تجارتي نموده باشد، با انفاذ این قانون در خلال یک سال و شش ماه مجدداً در دفتر ثبت مرکزی ثبت و موجودیت قانونی شان ادامه و احکام این قانون بالایی شان تطبیق می گردد* .

وضع مقررره ها و قواعد داخلی ماده یکصد و یازدهم :

وزارت تجارت و صنایع می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررره ها را پیشنهاد و قواعد داخلی مربوط را وضع

* ماده ۱۱۰ این قانون تعدیل گردیده، در بخش تعدیلات مراجعه شود.

وضع کړي .

نماید .

د مالياتي وجیبو اداء کول

یو سلو دوو لسمه ماده :

پدی قانون کې درج شوی سهامی شرکتونه او شریکان یې مکلف دی د قانون د حکمونو مطابق خپلې مالياتي او تادیاتي وجیبې اداء کړي .

ادای وجایب مالیاتي

ماده یکصد و دوازدهم :

شرکت های سهامی مندرج این قانون و شرکاء آن مکلف اند طبق احکام قانون وجایب مالیاتي و تادیاتي خویش را اداء نمایند .

د جعلی سندونو ثبتول

یو سلو دیارلسمه ماده :

هغه شخص چې په قصد سره جعلی سند لاسلیک او د ثبت لپاره ئې د مرکزي ثبت دفتر ته وړاندی کړي ، د جزاء د قانون د حکمونو مطابق مجازات کېږي .

ثبت اسناد جعلی

ماده یکصد و سیزدهم:

شخصی که قصداً سند جعلی را امضاء و غرض ثبت به دفتر ثبت مرکزی ارائه نماید ، مطابق احکام قانون جزا مجازات می گردد .

د انفاذ نېټه

یو سلو خوارلسمه ماده :

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي او په نافذېدو سره یې د ۱۳۳۶ کال د تلی د میاشتې په (۸۹) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی د افغانستان د سوداګرۍ په قانون او د ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ نېټې په مدني قانون کې درج په سهامی او محدود المسئولیت شرکتونو

تاریخ انفاذ

ماده یکصد و چهاردهم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام مربوط به شرکت های سهامی و محدود - المسئولیت مندرج قانون تجارت افغانستان منتشره جریده رسمی (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ و قانون مدنی مؤرخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ و هر حکمی از احکام قوانین

پورې اړوند حکمونه او هر هغه حکم چې د دی قانون له حکمونو څخه له یوه حکم سره متناقض وي، ملغی گڼل کېږي.

که متناقض با حکمی از احکام ایین قانون باشد، ملغی شناخته می شود.

تعدیلات قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت

د سھامي او محدودالمسئوليت
شرکتونو د قانون د (يو سلو لسمې)
مادې د تعديل په هکله دافغانستان
داسلامي جمهوريت درئيس
فرمان

گڼه: (۱۳۷)

نېټه: ۱۳۸۷/۱۰/۸

لومړۍ ماده:

دافغانستان د اساسي قانون د
خلورشپېتمې مادې د (۱۶)
فقري د حکم له مخې د سھامي
او محدودالمسئوليت شرکتونو
د قانون د (۱۱۰) مادې تعديل چې د
ملي شوري د ولسي جرگې د
۱۳۸۷/۸/۶ نېټې (۱۱۰) گڼې او
د مشرانو جرگې د ۱۳۸۷/۹/۴
نېټې (۹۷) گڼې مصوبې پربنسټ
تصويب شوی، توشېح کوم.

دوه یمه ماده:

دغه فرمان دتوشېح له نېټې څخه
نافذ او له مصوبو اود سھامي او
محدودالمسئوليت شرکتونو د قانون د
(۱۱۰) مادې له تعديل سره يو ځای
دې په رسمي جريده کې خپور شي.

حامد کززی

دافغانستان داسلامي جمهوريت رئيس

فرمان

رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان درمورد تعديل ماده
(یکصدودهم) قانون شرکت های
سھامي ومحدودالمسئوليت

شماره: (۱۳۷)

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۰/۸

ماده اول:

به تأسی از حکم فقره (۱۶) ماده
شصت وچهارم قانون اساسی
افغانستان، تعديل ماده (۱۱۰)
قانون شرکت های سھامي
ومحدودالمسئوليت راکه به
اساس مصوبات شماره (۱۱۰)
مؤرخ ۱۳۸۷/۸/۶ ولسی جرگه و
شماره (۹۷) مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۴
مشرانو جرگه شورای ملی
تصويب گردیده، توشیح می دارم.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ
وهمراه با مصوبات و تعديل ماده
(۱۱۰) قانون شرکت های سھامي
و محدودالمسئوليت درجریده
رسمی نشر گردد.

حامد کززی

رئيس جمهوري اسلامي افغانستان

شورای ملی افغانستان
ولسی جرگه
مصوبه تعدیل ماده (یکصد و دهم)
قانون شرکت های سهامی
و محدود
المسئولیت

شماره: (۱۱۰)

تاریخ: ۱۳۸۷/۸/۶

ولسی جرگه در جلسه عمومی
مؤرخ ۱۳۸۷/۸/۶ خویش به
تأسی از حکم ماده نود و هفتم
قانون اساسی تعدیل ماده
(یکصد و دهم) قانون شرکت های
سهامی و محدودالمسئولیت را
تصویب نمود.

میرویس یاسینی
نائب اول ولسی جرگه

د افغانستان ملی شوري
ولسي جرگه
د سهامی او محدود المسئولیت
شرکتونو د قانون د (یوسلو لسمې)
مادې تعدیل
مصوبه

گڼه: (۱۱۰)

نېټه: ۱۳۸۷/۸/۶

ولسي جرگي د ۱۳۸۷/۸/۶
نېټې په خپله عمومي غونډه
کې د اساسي قانون د اووه نوي يمې
مادې د حکم له مخې،
د سهامی او محدودالمسئولیت
شرکتونو د قانون د (یوسلو لسمې)
مادې تعدیل، تصویب کړ.

میرویس یاسینی
د ولسي جرگي لمړي نائب

د افغانستان ملي شوري

مشرانو جرگه

دارالانشاء

د مشرانو جرگې مصوبه

د سهامی او محدودالمسئولیت

شرکتونو د قانون د (۱۱۰) مادې د

تعديل په هکله

گڼه: (۹۷)

نېټه: ۱۳۸۷/۹/۴

مشرانو جرگي د ۱۳۸۷/۹/۴ نېټې په

خپله عمومي غونډه کې د افغانستان

د اساسي قانون د اووه نوي يمې

مادې د حکم له مخې، د سهامی او

محدودالمسئولیت شرکتونو د قانون

د (یوسلو لسمې) مادې تعديل،

تصویب کړ.

شورای ملی افغانستان

مشرانو جرگه

دارالانشاء

مصوبه مشرانو جرگه

درمورد تعديل ماده (۱۱۰) قانون

شرکت های سهامی و

محدودالمسئولیت

شماره: (۹۷)

تاریخ: ۱۳۸۷/۹/۴

به تاسی از حکم ماده نود وهفتم

قانون اساسی افغانستان،

تعديل ماده (۱۱۰) قانون

شرکت های سهامی و

محدودالمسئولیت در جلسه

عمومی مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۴

تصویب گردید.

پروفیسور حضرت صبغت الله مجد دی

رئیس مشرانو جرگه

پروفیسور حضرت صبغت الله مجد دی

د مشرانو جرگي رئیس

د سهامی او محدودالمسئولیت شرکتونو د قانون د یو سلو لسمې مادې تعدیل

لومړۍ ماده:

د سهامی او محدودالمسئولیت شرکتونو د قانون د یو سلو لسمې مادې متن دې په لاندې ډول تعدیل شي:

یوسلو لسمه ماده:

سهامی او محدودالمسئولیت شرکتونه چې ددې قانون له نافذېدو دمخه، د سوداګرۍ په قانون کې د درج شوو حکمونو په استناد جوړ یا یې له نورو سوداګریزو واکمنو مراجعو څخه د فعالیت جواز اخیستی او هغه یې د سندونو او سوداګریزو علایمو په دفتر کې ثبت کړی وي، ددې قانون په نافذېدو سره د دوو کلونو او شپږو میاشتو په ترڅ کې بیا د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او خپل قانوني موجودیت ته دې دوام ورکړی او ددې قانون حکمونه ورباندې تطبیقېږي.

تعدیل ماده یکصد ودهم قانون شرکت های سهامی ومحدودالمسئولیت

ماده اول:

ماده یکصد ودهم قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت به متن ذیل تعدیل گردد:

ماده یکصد و دهم:

شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت که قبل از انفاذ این قانون، به استناد احکام مندرج قانون تجارت ایجاد یا از سایر مراجع ذیصلاح تجارتي جواز فعالیت اخذ و آنرا ثبت دفتر اسناد و علایم تجارتي نموده باشد، با انفاذ این قانون در خلال دو سال و شش ماه مجدداً در دفتر ثبت مرکزی ثبت و موجودیت قانونی شان ادامه و احکام این قانون بالای شان تطبیق می گردد.

دوه یمه ماده:

دغه تعدیل د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي او په نافذېدو سره یې د ۱۳۸۷ کال په (۹۵۴) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی، د سهامی او محدودالمسئولیت شرکتونو د قانون د یوسلو لسمې مادې تعدیل لغو گڼل کېږي.

ماده دوم:

این تعدیل از تاریخ توشیح نافذ ودر جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن تعدیل ماده یکصدودهم قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت منتشره جریده رسمی شماره (۹۵۴) سال ۱۳۸۷ ملغی شمرده می شود.

قانون شرکتهای تضامنی

د افغانستان اسلامي جمهوریت

گڼه: (۱۷۹۳۰)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸

د عدليې وزير محترم سرور دانش:

د تضامني شرکتونو قانون چې د وزيرانو د شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ، په (۷) فصلونو او (۱۸۴) مادوکې تصويب شوی دی او زموږ لخوا د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې (۹۹) گڼې تقنيني فرمان په توگه توشیح شوی دی، تاسو ته در واستول شو، خو يې په رسمي جريده کې په خپرولو اقدام وکړی.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئيس

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۱۷۹۳۰)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۱/۲۸

محترم سرور دانش وزير عدليه:

قانون شرکت های تضامنی را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران بداخل (۷) فصل و (۱۸۴) ماده تصویب گردیده و از جانب ما بحیث فرمان تقنینی شماره (۹۹) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است به شما ارسال شد تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئيس جمهوری اسلامی
افغانستان

د تضامنی شرکتونو د قانون د
توشیح په هکله، د افغانستان د
اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

فرمان رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان در مورد توشیح قانون
شرکت‌های تضامنی

گڼه: (۹۹)

شماره: (۹۹)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
د اساسي قانون د (۷۹) مادې د
حکم له مخې د تضامنی شرکتونو
قانون چې د وزیرانو د شوری د
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې (۳۵) گڼې
مصوبې پر بنسټ په (۷) فصلونو او
(۱۸۴) مادو کې تصویب شوی
دی، د تقنینی فرمان په توگه
توشیح کوم.

ماده اول:

به تأسی از حکم ماده (۷۹) قانون
اساسی افغانستان قانون شرکت
های تضامنی را که به اساس
مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران
بداخل (۷) فصل و (۱۸۴) ماده
تصویب گردیده است، به
حیث فرمان تقنینی توشیح
می‌دارم.

دوه یمه ماده:

د ۱، ۱، ۱ ج د عدلیې وزیر او په
پارلماني چارو کې د دولت وزیر
مؤطف دي، دغه قانون د ملي
شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو
له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ
کې ملي شوري ته وړاندې کړي.

ماده دوم:

وزیر عدلیه ج. ۱، ۱ و وزیر دولت
در امور پارلمانی مؤطف اند، این
قانون را در خلال (۳۰) روز از
تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی به شورای ملی تقدیم
نمایند.

درېيمه ماده:

دغه تقنيني فرمان د توشېح له
نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده
كې دې خپور شي.

ماده سوم:

اين فرمان تقنيني از تاريخ توشېح
نافذ و در جريده رسمي نشر
گردد.

حامد كرزى

د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

حامد كرزى

رئيس جمهورى اسلامى
افغانستان

د تضامني شرکتونو قانون

لومړی فصل

عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د حکمونو په رڼا کې د تضامني شرکتونو په فعالیت او د جوړولو په څرنگوالي پورې د اړوندو چارو د تنظیم په منظور وضع شوی دی.

د شرکت تعريف

دوه يمه ماده:

تضامني شرکت د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو یووالی دی چې د شراکت د عقد پر بنسټ د گډو مالکانو په توگه، د گټې د لاسته راوړلو په منظور جوړ او فعالیت کوي.

د شرکتونو ډولونه

درېيمه ماده:

شرکتونه لاندې ډولونه لري:

۱- عام تضامني شرکت.

۲- خاص تضامني شرکت.

قانون شرکت های تضامنی

فصل اول

احکام عمومی

مبني

ماده اول:

این قانون در روشنی احکام قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به فعالیت و طرز ایجاد شرکت های تضامنی وضع گردیده است.

تعريف شرکت

ماده دوم:

شرکت اتحاد دو یا بیش از دو شخص است که به اساس عقد شراکت به حیث مالکین مشترک، به منظور کسب مفاد ایجاد و فعالیت می نماید.

انواع شرکت ها

ماده سوم:

شرکت ها دارای انواع ذیل می باشد:

۱- شرکت تضامنی عام.

۲- شرکت تضامنی خاص.

۳- د کار تضامني شرکت.

۴- په اعتبار شرکت.

۳- شرکت تضامني کار.

۴- شرکت به اعتبار.

د شراکت عقد

څلورمه ماده:

د شراکت عقد د شریکانو تر منځ توافق دی، څه لیکلی وي یا شفاهي او ضمني په هغه کې د راتلونکو تعديلاتو په شمول. دغه عقد د ثالثو اشخاصو پر حقوقو باندې اغېزه نلري، خو دا چې ثالث شخص له هغه دمخه، له شرکت سره د سوداګرۍ معاملې له اجراء څخه خبروي.

عقد شراکت

ماده چهارم:

عقد شراکت توافق است میان شرکاء در مورد شرکت چه تحریری باشد یا شفاهی و ضمنی بشمول تعديلات بعدی در آن. این عقد تأثیری بالایی حقوق اشخاص ثالث ندارد، مگر اینکه شخص ثالث قبل از آن از اجرای معامله با شرکت آگاه باشد.

د مقاولو عقدول

پنځمه ماده:

تضامني شرکت حکمي شخصیت دی، کولای شي مقاولې په خپل نامه عقد او معاملې سرته ورسوي او منقول او غیر منقول مالونه د شرکت په نوم په واک (حیازت) کې ولري.

عقد مقاولات

ماده پنجم:

شرکت تضامني شخصیت حکمي بوده، می تواند مقاولات را بنام خود عقد و معاملات را انجام داده و اموال منقول و غیر منقول را بنام شرکت درحیازت داشته باشد.

د شرکت شتمني

شپږمه ماده:

د جوړېدو حق کرایه، نوم، عنوان، اختراع، سوداګریزه نښه (علامه) هغه رسمونه او مودلونه کوم چې د

دارائتي شرکت

ماده ششم:

حق تأسیس، کرایه، اسم، عنوان، اختراع، علامت تجارتي، رسم و مودل هـا

که جهت انجام خدمات تجارتي و صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند دارایی شرکت محسوب گردد و سند ملکیت آن بنام شرکت باشد.

پرداخت سرمایه ماده هفتم:

سهام سرمایه در شرکتهای تضامنی به اشکال ذیل پرداخته شده می‌تواند:

- ۱- اموال منقول مادی (پول نقد، اشیاء و حیوانات).
- ۲- اموال منقول غیر مادی (حق امتیاز، حق اختراع، علامات تجارتي و صنعتی و اعتبار و حسن شهرت تجارتي).
- ۳- اموال غیر منقول (بشمول ملکیت عقاری).
- ۴- منافع و امتیاز حق استفاده از اموال منقول و غیر منقول.
- ۵- محصولات تولیدی و پروسس.
- ۶- اعتبار تجارتي و حسن شهرت.
- ۷- خدمات که در شرکت تضامنی انجام شده یا می‌شود.

سوداگریز و صنعتی خدمتونو د سرته رسولو لپاره ترگتهی اخستنې لاندی نیول کېږي، کېدی شي د شرکت شتمني وگنېل شي او د ملکیت سندی د شرکت په نامه‌وي.

د پانگې ورکړه اوومه ماده:

په تضامني شرکتونو کې د پانگې ونډه، په لاندی ډولونو ورکول کېدی شي:

- ۱- مادی منقول مالونه (نغدی پیسې، شیان او خاړوي).
- ۲- مادی غیر منقول مالونه (د امتیاز حق، د اختراع حق، سوداگریزې او صنعتی نښې اعتبار او سوداگریز نیک شهرت).
- ۳- غیر منقول مالونه (د عقاری ملکیت په شمول).
- ۴- له منقولو او غیر منقولو مالونو څخه د استفادی د حق گټې او امتیاز.
- ۵- تولیدی محصولات او پروسس.
- ۶- سوداگریز اعتبار او ښه شهرت.
- ۷- هغه خدمتونه چې په تضامني شرکت کې سرته رسېدلي یا رسېږي.

د پانگې ورکړه او په هغې کې ځنډ**اتمه ماده:**

هر شريک تر هغه وخته پورې چې خپله ژمنه شوې پانگه شرکت ته ورنکړي، د تضامني شرکت په وړاندې پور وړي (مديون) او مسئول دی او په ژمنه کې له ټاکل شوې نېټې څخه د پانگې د ټکټانې په ورکولو مکلف دی او په هغه صورت کې چې د پانگې په ورکړه کې ځنډ، د تضامني شرکت په زیان تمام شي، شريک مکلف دی او بڼتی زیان تضامني شرکت ته ورکړي.

پرداخت سرمایه و تاخیر در آن**ماده هشتم:**

هر شريك تا زمانی که سرمایه تعهد شده خود را بشركت نپردازد، در مقابل شركت تضامنی مديون و مسئول بوده و مكلف به پرداخت تكتانه سرمایه از تاریخ تعیین شده تعهد می باشد و در صورتی که تاخیر در پرداخت سرمایه منجر به خساره شركت تضامنی گردد، شريك مكلف است خساره وارده را به شركت تضامنی بپردازد.

د شتمنی د بیې ټاکل**نهمه ماده:**

د هغې شتمنی بیه چې د پانگې په توگه منل کېږي، د ثالث شخص د دین په شمول د شراکت په عقد کې ټاکل کېږي. د بیې د نه ټاکلو په صورت کې، د شیانو د ورکړې د ورځې نرخ یا جاری بورس معتبر دی. که چېرې داسې شیان په بورس او بازار کې جاریه بیه و نلري یا په هغه ورځ نرخ معلوم نه وي، هغه بیه چې د اهل خبره وو لخوا ټاکل کېږي شریکانوته

تعیین قیمت دارائی**ماده نهم:**

قیمت دارایی که بحیث سرمایه پذیرفته می شود، بشمول دین شخص ثالث، در عقد شراکت تعیین می گردد. در صورت عدم تعیین قیمت، نرخ روز دادن اشیا یا بورس جاری معتبر می باشد. هرگاه چنین اشیاء در بورس و بازار قیمت جاریه نداشته باشد یا نرخ در آن روز معلوم نباشد قیمت که از طرف اهل خبره تعیین می گردد، نزد شرکاء معتبر شمرده

معتبره گنیل کېږي.

می شود.

د ملکیت لېږدېدل

لسمه ماده:

د هغو مالونو ملکیت چې د پانگې په توگه منل کېږي، په هغه صورت کې چې پر خلاف یې د شراکت په عقد کې حکم موجود نه وي، په شرکت پورې اړه پیدا کوي.

انتقال ملکیت

ماده دهم:

ملکیت اموالیکه بصورت سرمایه پذیرفته می‌شود، در صورتیکه خلاف آن در عقد شراکت حکمی موجود نباشد، به شرکت تعلق می‌گیرد.

د شرکت له چارو څخه څارنه

یوولسمه ماده:

هر شریک مکلف دی د شرکت له چارو څخه لکه د خپلو شخصي معاملو په څېر څارنه وکړي.

مراقبت از امور شرکت

ماده یازدهم:

هر شریک مکلف است از امور شرکت مثل معاملات شخصی خود مراقبت نماید.

په دنده کې ناغېږي (غفلت)

دوولسمه ماده:

هر شریک د شرکت په وړاندې د هغو زیانونو مسؤل دی چې د اهمال، تقصیر یا له خپل وظیفوي واک څخه د عدول له امله یې شرکت ته ور اړولي وي. دغسې شریک نشي کولای، شرکت ته د اووښتي زیان له جبران څخه پدې دلیل چې په کوم بل مورد کې گټوروو، ځان خلاص کړي. شریکان کولای شي، د موافقې پر بنسټ، شرکت ته د اووښتي زیان په

غفلت در وظیفه

ماده دوازدهم:

هر شریک در برابر شرکت مسؤل خساراتی بوده که بالاتر اهمال، تقصیر و یا عدول از صلاحیت وظیفوی خویش به شرکت وارد نموده باشد. چنین شریک نمی‌تواند خود را از جبران خساره به شرکت به این دلیل نجات دهد که در کدام مورد دیگری مفید بوده است، شرکاء می‌توانند بنا بر موافقه، در مقابل خساره وارده به

شرکت نظر به اهمال کليه اعضاء و يا شريك مشخص، همدیگر را تا حدودیکه به حقوق خودشان مربوط باشد، بری الذمه و مصون بدانند.

مطالبه اجرت شرکاء

ماده سیزدهم:

هیچ يك از شرکا نسبت کار خود از شرکت حق طلب اجرت را ندارد، مگر اینک که در عقد شراکت، اخذ اجرت تصریح شده باشد.

اجرت به حیث فیصدی از مفاد

ماده چهاردهم:

اجرتی که به مامورین و مستخدمین شرکت در مقابل خدمت ایشان پرداخته می شود، اگر تأدیه آن قسماً و کلاً بصورت اشتراك در نفع تعیین شده باشد، این وضعیت به آنها صفت شريك را نمی دهد.

نفع و ضرر هر شريك

ماده پانزدهم:

هرگاه طرز تقسیم نفع و ضرر در قرارداد تصریح

وراندی، د تولو غرو یا مشخص شريك غفلت ته په کتنې سره، یو بل تر هغو حدودو پورې چې د دوی په خپلو حقوقو پورې اړه ولري، بری الذمه او مصون و گڼي.

د شریکانو د اجرت غوښتنه

دیارلسمه ماده:

له شریکانو څخه هېڅ یو د خپل کار له امله له شرکت څخه د اجرت د غوښتنې حق نلري، خو دا چې د شراکت په عقد کې د اجرت اخستل څرگند (تصریح) شوی وي.

له گټې څخه د فیصدی په توگه اجرت

څوارلسمه ماده:

هغه اجرت چې د شرکت مامورینو او مستخدمینو ته د دوی د خدمت په وړاندی ورکول کېږي، که د هغه ورکول قسماً یا کلاً په گټه کې د گډون په ډول ټاکل شوی وي، دغه وضعیت هغوی ته د شريك صفت نه ورکوي.

د هر شريك گټه او ضرر

پنځلسمه ماده:

که چېرې د گټې او ضرر د وېشلو ډول د شراکت په قرارداد کې

نشده باشد، نفع و ضرر هر شریک به تناسب حصه سرمایه که به شرکت پرداخته، تقسیم می‌شود.

تقسیم نفع و ضرر ماده شانزدهم:

هرگاه در عقد شراکت صرف صورت تقسیم نفع تصریح و طرز تقسیم ضرر پیشبینی نشده باشد ضرر مانند نفع تقسیم می‌شود و در صورتی که تقسیم ضرر تصریح و صورت تقسیم نفع، پیشبینی نشده باشد، نفع نیز مانند ضرر تقسیم می‌شود.

پرداخت نفع مقید به عقد ماده هفدهم:

هرگاه عقدی میان شرکاء و اشخاص ثالث، نفع عاید شده را مقید به یک شریک یا تعدادی از شرکاء نماید و یا اگر یک شریک یا تعدادی از شرکاء را از خساره مستثنی قرار دهد، چنین عقدی مدار اعتبار نمی‌باشد. در چنین حالت صورت تقسیم، مجهول شمرده شده، نفع و ضرر به موجب حکم ماده سیزدهم و چهاردهم این قانون بین شرکاء تقسیم می‌گردد.

تصریح شوی نه وی، د هر شریک گتیه او ضرر د پانگې د برخی په تناسب چې شرکت ته یې ورکړې، وېشل کېږي.

د گتې او ضرر وېشل شپاړسمه ماده:

که چېرې د شراکت په عقد کې یوازې د گتې وېشل تصریح او د ضرر د وېشلو ډول اټکل شوی نه وي، ضرر د گتې په ډول وېشل کېږي او په هغه صورت کې چې د ضرر وېشل تصریح او د گتې د وېشلو ډول اټکل شوی نه وي، گتیه هم د ضرر په ډول وېشل کېږي.

په عقد پورې د مقیدی گتې ورکړه اوولسمه ماده:

که چېرې د شریکانو او ثالثو اشخاصو تر منځ عقد، لاسته راغلي گتیه په یوه شریک یا په څو شریکانو پورې مقیده کړې یا که یو شریک یا څو شریکان له زیان څخه مستثنی کړې دغه ډول عقد د اعتبار وړ ندی پداسې حالت کې د وېش بڼه مجهوله گڼله کېږي، گتیه او ضرر ددی قانون د دیارلسمې او څوارلسمې مادې د حکم په موجب د شریکانو تر منځ

تنها راجع به شريکي که مساعی و نیروی خود را بحیث سرمایه به دسترس شرکت قرار داده و بموجب عقد کتبی شراکت در خساره شرکت سهیم نباشد، این شرط معتبر است.

مرجع دانستن شرط ماده هجدهم:

در صورتی که قرارداد شراکت وجود نداشته باشد، هر شريك به تناسب سهم خویش در تمليك دارائی شرکت سهیم بوده و در مفاد و ضرر شراکت، شريك می باشد. هرگاه در قرارداد شراکت حکمی در مورد تمليك دارائی و سرمایه، تقسیم مفاد و ضرر شرکت پیشبینی گردیده باشد این حکم تطبیق می شود.

فصل دوم انواع شرکت ها

دوام فعالیت ماده نهم:

هرگاه يك شرکت تضامنی بعد از اختتام موعد معینه خود به فعالیت ادامه دهد مدت آن غیر محدود تلقی

و پشل کېږي. یوازې د هغه شريك په هکله چې خپل هاند او قوت یې د پانگې په توگه د شرکت په واک کې ورکړی او د شراکت د لیکلې عقد په موجب، په زیان کې برخوال نه وي، دغه شرط معتبر دی.

د شرط مرجع گڼل اتلسمه ماده:

په هغه صورت کې چې د شراکت قرارداد وجود و نلري، هر شريك د خپلې ونډې په تناسب د شرکت د شتمنی په تمليك کې برخوال دی او د شراکت په گټه او ضرر کې شريك دی. که چېرې د شراکت په قرارداد کې د شتمنی او پانگې د تمليك او د شرکت د گټې او ضرر په هکله حکم اټکل شوی وي، دغه حکم تطبیقېږي.

دوه یم فصل د شرکتونو ډولونه

د فعالیت دوام نولسمه ماده:

که چېرې یو تضامنی شرکت د خپلې ټاکلې مودې له پایته رسېدو وروسته، فعالیت ته دوام ورکړی، موده یې غیر محدوده

گنبل کېږي.

می گردد.

د حکمي شخصیت بشپړېدل

تکمیل شخصیت حکمي

شلمه ماده:

ماده بیستم:

د شرکت حکمي شخصیت د شرکت د مالکانو په توګه د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو له یو کېدو سره سم پیل او د مرکزي ثبت په دفتر کې له ثبت وروسته بشپړېږي، که چېرې شرکت د ثبت په مرکزي دفتر کې له ثبت دمخه معامله سرته رسوي مسئول گنبل کېږي. پدې صورت کې نشي کولای خپل حقوق پر نورو تعميل کړي، خو دا چې د مرکزي ثبت دفتر ته اعلان شوی وي.

شخصیت حکمي شرکت به مجرد اتحاد دو یا بیش از دوشخص به حیث مالکین شرکت آغاز و بعد از ثبت بدفتر ثبت مرکزی تکمیل می گردد. هرگاه شرکت قبل از ثبت به دفتر ثبت مرکزی معامله را انجام می دهد مسئول شناخته می شود در این صورت نمی تواند حقوق خود را به دیگران تعميل نماید، مگر اینکه به دفتر ثبت مرکزی اعلان شده باشد.

عام تضامني شرکت

شرکت تضامنی عام

یو ویشتمه ماده:

ماده بیست ویکم:

عام تضامني شرکت هغه شرکت دی چې په تضامني مسؤولیت سره د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو تر منځ د اقتصادي او سوداګریزو معاملو د سرته رسولو لپاره، جوړېږي. په هغه صورت کې چې د عام تضامني شرکت شتمني د شرکت د ټولو دیونو د ورکولو لپاره کافي نه وي، له شریکانو څخه هر یو د عام تضامني شرکت د ټولو دیونو د

شرکت تضامنی عام شرکتی است که برای انجام معاملات اقتصادی و تجارتي بین دو یا بیش از دو شخص با مسؤولیت تضامنی ایجاد می شود.

در صورتی که دارائی شرکت تضامنی عام برای تأدیه تمام دیون شرکت کافی نباشد، هریک از شرکاء مسؤول پرداخت تمام دیون شرکت تضامنی عام بوده و

شريک يا شرکايي که چنين قـرـوض را ميپردازند، حق دارند مبالغ پرداخت شده اضافه از سهم خود از ساير شرکاء مطالبه نمايد.

شرکت تضامني خاص

ماده بيست و دوم:

شرکت تضامني خاص شرکتي است که تحت عنوان مشخص مطابق احکام اين قانون جهت انجام معاملات اقتصادي و تجارتي ايجاد مي شود و در آن يك شريك يا بيشتري از آن داراي مسئوليت غير محدود (شرکاي عام) و بقيه شرکاء با يك سرمايه معين (شرکاي خاص) مسئوليت محدود دارند. سرمايه شرکاي که مسئوليت محدود دارند، به سهام تقسيم شده مي تواند.

شرکت تضامني کار

ماده بيست و سوم:

شرکت تضامني کار، اتحاد دو يا بيش از دوشخص است که براي شخص ديگر کاري را انجام يا تعهدي را ايفا کنند. مفاد کار شرکت بين شان

ورکولو مسئول دي او هغه شريك يا شريکان چي دغسي پورونه ورکوي، حق لري له خپلي ونډې څخه زيات ورکړل شوي مبالغ له نورو شريکانو څخه و غواړي.

خاص تضامني شرکت

دوه ويستمه ماده:

خاص تضامني شرکت هغه شرکت دي چي تر مشخص نامه لاندې ددي قانون د حکمونو مطابق د اقتصادي او سوداگريزو معاملود سرته رسولو لپاره جوړېږي او په هغه کې يو شريك يا له يوه زيات د غير محدود مسئوليت لرونکي (عام شريکان) او پاتي شريکان په يوې ټاکلې پانگې سره (خاص شريکان) محدود مسئوليت لري. د هغو شريکانو پانگه چي محدود مسئوليت لري، په ونډو وېشل کېدې شي.

د کار تضامني شرکت

درويشتمه ماده:

د کار تضامني شرکت، د دوو يا له دوو څخه د زياتو اشخاصو يو کېدل دي چي د بل شخص لپاره کار سرته ورسوي يا ژمنه ترسره کړي. د شرکت د کار گټه د دوي تر

منع د شریکانو د موافقې مطابق
ووبشل شي.

طبق موافقت شرکاء تقسیم
گردد.

په اعتبار شرکت

خلېرېشتمه ماده:

په اعتبار شرکت، هغه شرکت دی
چې په هغه کې دوه یا له دوو څخه
زیات اشخاص د اعتبار پر بنسټ
په پور (نسبیه) توگه د مال په
پېرولو داسې موافقه وکړې چې
مال وپلوري د شرکت په گټه او
زیان کې شریک وي او شریکان هر
یو د خپلې ټاکلې برخې په اندازه،
مسئول دی.

شرکت به اعتبار

ماده بیست و چهارم:

شرکت به اعتبار، شرکتی
است که در آن دو یا بیش از
دو شخص به اساس اعتبار به
خرید مال بصورت نسبیه طوری
موافقه نمایند که مال را فروخته،
در مفاد و خساره شرکت
سهیم می باشند و شرکاء هر کدام
به اندازه حصه معین خود مسئول
می باشند.

د شراکت د عقد شرطونه

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) شرکتونه (د عامو او خاصو
تضامنی شرکتونو په شمول) مکلف
دی د شراکت د قرارداد لاندی
شرطونه په هغه لیکلي سند کې
چې د لیکلې الزامی سند په نوم
یادېږي، ثبت کړي:

شرایط عقد شراکت

ماده بیست و پنجم:

(۱) شرکت ها (بشمول شرکت های
تضامنی عام و خاص) مکلف اند
شرایط آتی قرارداد شراکت را در
سند کتبی ای که بنام سند
تحریری الزامی یاد می شود، ثبت
نماید:

۱- تاریخ عقد قرارداد.

۱- د قرارداد د عقد نېټه.

۲- اسم، شهرت و آدرس هر يك از
شرکاء و اگر شرکت دیگری بحیث
شـــــــــــــــــریک در شـــــــــــــــــرکت
داخل شده باشد، عنوان
شرکت مذکور.

۲- د شریکانو د هر یوه نوم،
شهرت، آدرس او که کوم بل شرکت
د شریک په توگه په شرکت کې
داخل شوی وي، د نوموړي شرکت
عنوان.

- ۳- مرکز معاملاتى شرکت و نوع فعالیت آن.
- ۴- نوعیت تضامنی شرکت.
- ۵- عنوان شرکت.
- ۶- اسامی شرکائیکه بنام شرکت منفرداً یا مشترکاً حایز صلاحیت تصرفات قانونی، با تصریح اینکه منفرداً یا مشترکاً صلاحیت امضاً را دارند.
- ۷- حصه سرمایه را که هر شریک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی با توضیح طریقه که این قیمت تخمینی صورت گرفته است.
- ۸- حصه اشتراك هر شریک در نفع و ضرر.
- ۹- در صورتی که شرکت تضامنی عام یا خاص برای مدت محدود باشد، تاریخ انقضای آن.
- (۲) علاوه بر شرایط مندرج فقره (۱) این ماده، شرکاء می توانند سایر مواد قرارداد شراکت را که مفید بدانند، در سند کتبی الزامی الزامی درج نمایند.
- ۳- د شرکت معاملاتى مرکز او د فعالیت ډول يې.
- ۴- د شرکت د تضامني توب ډول.
- ۵- د شرکت عنوان.
- ۶- د هغو شریکانو نومونه چې منفرداً یا په گډه سره د شرکت په نامه د قانوني تصرفاتو د واک لرونکی وي، ددی په تصریح کېدو سره چې منفرداً یا په گډه د لاسلیک واک لري.
- ۷- د هغې پانگې برخه چې هر شریک ژمنه کېده او د غیر نقدی پانگې د برخې تخمینی بیې د هغې طریقی په څرگندولو سره چې دغې تخمینی بیې صورت موندلی دی.
- ۸- په گټه او ضرر کې د هر شریک د گډون برخه.
- ۹- په هغه صورت کې چې عام یا خاص تضامني شرکت د محدود وخت لپاره وي، د هغه د تېرېدو نېټه.
- (۲) ددی مادی په (۱) فقره کې پر درج شوو شرطونو برسېره، شریکان کولای شي د شراکت د قرارداد نورې مادی چې گټورې یې وگڼې، په لیکلي الزامی سند کې درج کړي.

د تضامنی شرکت د دوام موده**شپړویشتمه ماده:**

تضامنی شرکت کولای شي د محدودی یا غیر محدودی مودی لپاره دوام ومومي.

په هغه صورت کې چې د شراکت عقد محدود وخت مشخص کړی نه وي، د دوام موده یې غیر محدودده گڼل کېږي.

ثبت**اووه ویشتمه ماده:**

ثبت، د مرکزي ثبت په دفتر کې، له ثبتېدو څخه عبارت دی. د ثبت مرکزي دفتر ددی قانون په مفهوم هغه اداره ده چې د سوداگری او صنایعو د وزارت په چوکاټ کې په شرکتونو پورې اړوند سندونه پکې ثبتېږي.

محکمه**اته ویشتمه ماده:**

محکمه د افغانستان له سوداگریزې واکمنې محکمې څخه عبارت ده.

مدت دوام شرکت تضامنی**ماده بیست و ششم:**

شرکت تضامنی می تواند برای مدت محدود یا غیر محدود استمرار یابد.

در صورتیکه عقد شراکت مدت محدود را مشخص نکرده باشد، مدت دوام آن غیر محدود پنداشته می شود.

ثبت**ماده بیست وهفتم:**

ثبت عبارت از ثبت در دفتر ثبت مرکزی می باشد. دفتر ثبت مرکزی به مفهوم این قانون اداره ای است که در چوکات وزارت تجارت و صنایع اسناد مربوط به شرکت ها در آن ثبت می گردد.

محکمه**ماده بیست وهشتم:**

محکمه عبارت از محکمه ذیصلاح تجارتي افغانستان می باشد.

درپیم فصل

په شراکت پورې اړوندې بنسټيزې
موضوعگانې

فصل سوم

موضوعات اساسی مربوط به
شراکت

ددی قانون د حکمونو د تطبیق
حدود

نهه ویشتمه ماده:

ددی فصل حکمونه پدی قانون کې
پر درج شوو ټولو شرکتونو باندی د
تطبیق وړ پدی، خو دا چې ددی
قانون د څلورم، پنځم او شپږم فصل
په حکمونو کې د هغو پر خلاف
تصریح شوی وي، په هغه صورت
کې خاص حکم ارجحیت لري.

د مال اتلاف

دیرشمه ماده:

شریکان یو د بل په وړاندی د امین
صفت لري او د شرکت مال له
شریک سره د امانت حکم لري.
په هغه صورت کې چې مال د شریک
له تقصیر یا تېري پرته تلف شي،
نوموړی شریک مسئول نه گنل
کېږي، خو که چېرې مال د شریک د
قصور یا تېري له امله تلف
شي، پدی صورت کې شریک
مسئول گنل کېږي.

حدود تطبیق احکام
این قانون

ماده بیست ونهم:

احکام این فصل بالایی تمام
شرکت های مندرج این قانون قابل
تطبیق می باشد، مگر اینکه در
احکام فصول چهارم، پنجم و ششم
این قانون برخلاف آن تصریح
شده باشد، در آن صورت حکم
خاص ارجحیت دارد.

اتلاف مال

ماده سی ام:

شرکاء در مقابل یکدیگر صفت
امین را داشته و مال شرکت در نزد
شریک حکم امانت را دارد.
در صورتی که مال بدون تقصیر یا
تجاوز شریک تلف شود، شریک
مذکور مسئول شناخته نمی شود،
ولی هرگاه مال در اثر قصور یا
تجاوز شریک تلف گردد، در آن
صورت شریک مسئول شناخته
می شود.

د ونډې نه ورکول**یو دیرشمه ماده:**

که چېرې له شریکانو څخه دیوه ونډه نغدی پیسې وي او هغه ورنکړي، د نه ورکړي له نېټې څخه پرته له دی چې قضایي غوښتنې یا ابلاغ صورت موندلی وي شرکت ته د هغې د قانوني ربح په ورکړه اود رسېدلي زیان په جبران مکلف دی.

عدم تأدیه سهم**ماده سی ویکم:**

هرگاه سهم یکی از شرکا پول نقد بوده و آنرا تأدیه نکند، مکلف به پرداخت ربح قانونی آن بدون اینکه مطالبه قضایی یا ابلاغ صورت گرفته باشد و جبران خساره وارده به شرکت از تاریخ عدم پرداخت آن می‌باشد.

معادله ورکړه**دوه دیرشمه ماده:**

که چېرې شریک، له نغدو پیسو پرته د ټاکلي مال ونډه ورنکړي، د یادی شوي ونډې چې نده ورکړل شوي د هماغې برخې د بها معادل پیسو د په ورکولو مکلف دی.

پرداخت معادل**ماده سی و دووم:**

هرگاه شریک، سهمیه معینه مال بغیر از پول نقد را نپردازد، مکلف به تأدیه پول معادل همان قسمت بهای سهمیه ذکرشده می‌باشد که پرداخت نشده است.

په عقد کې د کړنې (عمل) ژمنه**دري دیرشمه ماده:**

(۱) که چېرې د شریک ونډه عمل یا د (خدمتونو) سرته رسول وي شریک مکلف دی ټول هغه خدمتونه چې ژمنه یې کړي سرته ورسوي یا ددغو خدمتونو معادل بیه ورکړي.

تعهد عمل در عقد**ماده سی و سوم:**

(۱) هرگاه سهم شریک عمل یا انجام (خدمات) باشد، شریک مکلف است تمام خدمات را که تعهد کرده، انجام دهد و یا قیمت معادل این خدمات را بپردازد.

(۲) د عمل ونډه د هغو خدمتونو په سرته رسېدو سره چې شریک ورته ژمن دی، بشپړېږي. پدی صورت

(۲) سهمیه عمل با انجام خدماتی که شریک به آن متعهد است، تکمیل می‌گردد. درین

صورت، شریک صرف از انجام خدماتی که در شرکت انجام می دهد مسئول می باشد.

سهم شریک به شکل دین ماده سی و چهارم:

هرگاه سهمیه شریک در شرکت به شکل دین باشد، تعهد شریک وقتی انجام شده پنداشته می شود که دین به موعده معین به شرکت پرداخته شده باشد. در صورت عدم پرداخت آن، شریک علاوه بر مسئولیت عواقب که ممکن است از عدم پرداخت دین در موعده معین، نشأت کند، مکلف است خساره ناشی از تفاوت پرداخت دین را به شریک جبران نماید.

توزیع مفاد

ماده سی و پنجم:

قبل از تصفیه، توزیع مفاد به وقت و طریقه صورت می گیرد که در عقد شراکت ذکر گردیده است.

توزیع مفاد معین نشده

ماده سی و ششم:

هرگاه در عقد شراکت، حصه هریک

کې شریک یوازې د هغو خدمتونو له سرته رسولو څخه چې په شرکت کې یې سرته رسوي مسئول دی.

د دین په ډول د شریک ونډه څلورديرشمه ماده:

که چېرې په شرکت کې د شریک ونډه د دین په ډول وي، د شریک ژمنه هغه وخت سرته رسېدلې گڼل کېږي چې دین په وخت شرکت ته ورکول شوی وي. د هغه د نه ورکړې په صورت کې، شریک د هغو عواقبو پر مسئولیت برسېره چې ممکن په ټاکلي وخت د دین له نه ورکړې څخه منځته راشي، مکلف دی شریک ته د دین له ورکړې څخه د راپیدا شوی تفاوت زیان هم جبران کړی.

د گټې وېشل

پنځه دیرشمه ماده:

له تصفیې دمخه د گټو وېشل په هغه وخت او طریقه سره صورت مومي چې د شراکت په عقد کې یاد شوی دی.

د نه ټاکلې شوې گټې وېشل

شپږدیرشمه ماده:

که چېرې د شراکت په عقد کې، په

از شرکاء در مفاد و خساره معین نشده باشد، سهمیه مفاد هریک از شرکاء به تناسب سهمیه آنها در سرمایه، توزیع می‌گردد.

تعیین مفاد و خساره در عقد ماده سی و هفتم:

در قرارداد شراکت سهم شرکاء در مفاد و ضرر بدون نظر داشت تناسب سهم شان در سرمایه شرکت تعیین شده می‌تواند. هرگاه در مواد عقد شراکت تنها به تعیین سهمیه مفاد شرکاء تصریح و سهمیه خساره آنها پیش بینی نگردیده باشد، این تصریح در تعیین سهمیه خساره عایده مدار اعتبار شناخته می‌شود. به همین ترتیب، هرگونه تصریح در عقد شراکت به تعیین سهمیه خساره هریک از شرکاء در تعیین سهمیه مفاد هریک از آنها نیز مدار اعتبار پنداشته می‌شود، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح گردیده باشد.

گفته او زیان کی له شریکانو خخه د هر یوه برخه تاکلی شوې نه وي، د شریکانو د هر یوه د گتې ونډه په پانگه کې د هغوی د ونډی په تناسب، وپشل کېږي.

په عقد کې د گتې او زیان ټاکل اووه دیرشمه ماده:

د شراکت په قرارداد کې په گتیه او ضرر کې د شریکانو ونډه د شرکت په پانگه کې د هغوی د ونډې د تناسب له په پام کې نیولو پرته، ټاکل کېدی شي. که چېرې د شراکت د عقد په موادو کې یوازې د شریکانو د گتې د ونډې په ټاکلو تصریح شوې وي او د هغو د زیان ونډه اټکل شوې نه وي، دغه تصریح د اوبنتي زیان د ونډې په ټاکلو کې د اعتبار وړ گڼل کېږي. په همدی ترتیب سره، د شراکت په عقد کې له شریکانو خخه د هر یوه د زیان د ونډې په ټاکلو کې هر ډول تصریح د هغوی د هر یوه د گتې د ونډې په ټاکلو کې هم د اعتبار وړ گڼل کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

سهمیه شريك منحصر به كار و

عمل

ماده سی و هشتم:

(۱) هرگاه سهمیه شريك به كار و عمل منحصر باشد، سهمیه شريك از مفاد و خساره، تابع استفاده شريك از خدمات وی می باشد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح گردیده باشد.

(۲) در صورتی که شريك علاوه از انجام خدمت یا عمل، پول نقد یا شی دیگری بپردازد، حصه ای را در مقابل عمل و حصه دیگری را در مقابل آنچه که علاوه از انجام خدمت پرداخته است، مستحق می گردد، مگر اینکه در عقد طور دیگری تصریح شده باشد.

خرید مال طور نسیه

ماده سی ونهم:

در شرکت به اعتبار، مفاد و خساره، به تناسب مالی توزیع می گردد که هر يك از شرکا آنرا به حساب شرکت طور نسیه خریده و ضامن آن شده باشد، مگر اینکه در عقد قرارداد شراکت طور دیگری

په كار او عمل پورې منحصره د

شريك ونډه

اته ديرشمه ماده:

(۱) که چېرې د شريك ونډه په كار او عمل پورې منحصره وي، له گټې او زیان څخه د شريك ونډه، د هغه له خدمت څخه د شرکت د گټې اخستنې تابع وي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۲) په هغه صورت کې چې شريك د خدمت یا عمل له سرته رسولو برسېره، نغدی پیسې یا بل شی ورکړی، یوه برخه یې د عمل په وړاندې او بله برخه د هغه څه په وړاندې چې د خدمت له سرته رسولو برسېره یې ورکړی دی، مستحق گرځي، خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د پور(نسیې) په ډول د مال پېرودل

نهه دیرشمه ماده:

د په اعتبار شرکت کې، گټه او زیان د هغه مال د وېش په تناسب وېشل کېږي چې له شریکانو څخه هر یوه هغه د شرکت په حساب د پور په ډول پېرلي او ضامن شوی یې وي، خو دا چې د شراکت په

عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شرکت اداره

څلورېنیمه ماده:

د شراکت عقد د ادارې د جوړېدو متضمن دی، شریکان کولای شي، د شریکانو یا نورو له جملې څخه اشخاص وټاکي خو د شرکت د چارو اداره پر مخ بوزي.

د فعالیت دوام

یوڅلورېنیمه ماده:

په هغو مواردو کې چې د شراکت د قرارداد د صریح حکم پر موجب له شریکانو څخه یو د شرکت ادارې ته مؤظف شي، دغه شریک د شرکت ادارې او د هغو فعالیتونو سرته رسولو ته چې د شرکت موخو ته رسېدل تأمین کړي دوام ورکوي، پدې شرط چې هغه فعالیتونه او بدلونونه چې په شرکت کې یې راولي، له غش څخه تش وي، دغسې شخص ته د واک سپارل د قرارداد او اړوندې اساسنامې د حکمونو تابع دی، له قانوني مجوز یا د شراکت د عقد له تعدیلولو پرته د شرکت د پاتې کېدو تر وخته د داسې شریک لري (عزل) کول جواز نلري. خو دا چې د

تصریح گرده بده باشد.

اداره شرکت

ماده ټولم:

عقد شراکت متضمن ایجاد اداره می باشد، شرکاء می توانند، اشخاصی را از جمله شرکاء یا غیرآن تعیین نمایند تا اداره امور شرکت را پیش ببرند.

ادامه فعالیت

ماده ټولم ویکم:

در مواردی که یکی از شرکاء به موجب حکم صریح قرارداد شراکت به اداره شرکت مؤظف شود، این شریک به اداره شرکت و انجام فعالیت هایی که رسیدن به اهداف شرکت را تأمین نماید، ادامه میدهد، مشروط بر اینکه فعالیت ها و تغییراتی که در شرکت وارد می سازد، عاری از غش باشد. تفویض صلاحیت به چنین شخصی تابع احکام قرارداد و اساسنامه مربوط می باشد، عزل چنین شریک تا زمان بقای شرکت بدون مجوز قانونی و یا تعدیل عقد شراکت جواز ندارد، مگر اینکه در عقد شراکت

شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریکانو تصویبونه
دوه څلور پښتیمه ماده:

که چېرې په عقد کې موافقه شوي وي چې تصویبونه دی د شریکانو د اکثریت رأیو په موافقې سره صورت و مومي، د داسې یوه حکم له موجودیت سره سره یو شرکت کولای شي داسې بیړنی کار سرته و رسوي چې د نه سرته رسېدو په صورت کې به یې شرکت ته ستر زیان ور واوړي چې جبران به یې ممکن نه وي، له هغې څخه مخالفت جواز نلري، خو په هغه صورت کې چې مخالفت د بیړني کار د سرته رسېدو په منظور وي چې په فوت کېدو سره یې شرکت ته ستر زیان ورسېږي چې هغه جبران نکړای شي.

په تصویبونو کې د شریکانو د اکثریت موافقه
دري څلور پښتیمه ماده:

هغه تصویبونه چې د شریکانو د اکثریت موافقې مستلزم وي، منظورېې د شرکت په پانگه کې د هغوی د ونډې د اندازې له په پام

طور دیگری تصریح گردیده باشد.

تصاوېب شرکاء
ماده چهل ودوم:

هرگاه در عقد موافقه به عمل آمده باشد که تصاوېب به موافقه اکثریت ارای شرکاء صورت گیرد، علی الرغم موجودیت چنین حکمی يك شرکت می تواند چنان کار عاجل را انجام دهد که در صورت عدم انجام آن خساره بزرگ به شرکت عاید خواهد شد که جبران آن ممکن نباشد، مخالفت از آن جواز ندارد. مگر در صورتی که مخالفت به منظور انجام کار عاجل باشد که به اثر فوت آن خساره بزرگی به شرکت عاید گردد که آنرا جبران کرده نتواند.

موافقت اکثریت شرکاء
در تصاوېب
ماده چهل وسوم:

تصاوېبی که مستلزم موافقت اکثریت شرکاء باشد، منظور از آن، موافقت اکثریت شرکاء بدون نظر داشت اندازه سهم آنها در

سرمایه شرکت می باشد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

سهمگیری شرکاء در اداره شرکت

ماده چهارم و چهارم:

تعیین حدود حق شرکاء برای سهمگیری در اداره شرکت توسط عقد شراکت صورت می گیرد، مشروط بر اینکه این عقد حق شریک را به حصول معلومات در باره اداره و اجرای فعالیت شرکت محدود نسازد.

عدم رقابت و سوء استفاده از مال شرکت

ماده چهارم و پنجم:

شریک یا رئیس شرکت نمی تواند با شرکت به رقابت بپردازد یا مال شرکت را به غیر از منافع یا مقصد شرکت، طوریکه در عقد شراکت ذکر گردیده مورد استفاده قرار دهد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

شریک یا رئیس شرکت مکلف است در اتخاذ تدابیر

کمی نیولو پرته د شریکانو د اکثریت موافقه وي، خودا چي د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شرکت په اداره کې د شریکانو برخه اخستل

څلور څلوېښتمه ماده:

د شرکت په اداره کې د برخي اخستنې لپاره د شریکانو د حق د حدودو ټاکل، د شراکت د عقد په واسطه صورت مومي، پدی شرط چي دغه عقد د شرکت د ادارې او د فعالیت د اجراء په باره کې د معلوماتو د لاسته راوړلو لپاره د شریک حق محدود نکړی.

نه سیالی او د شرکت له مال څخه ناوړه گټه نه اخستل

پنځه څلوېښتمه ماده:

شریک یا د شرکت رئیس نشي کولای له شرکت سره سیالی وکړی یا د شرکت مال د شرکت له گټو یا مقصد پرته هغسې چي د شراکت په عقد کې یاد شویدی تر گټې اخستنې لاندی و نیسي، خو دا چي د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

شریک یا د شرکت رئیس مکلف دی د شرکت د مصالحو په هکله د

در مورد مصالح شرکت طوری بذل توجه نماید که در مورد تأمین مصالح شخصی خود مبذول میدارد.

اخذ پول یا تصرف مال توسط شریک و مساعدت اضافی

ماده چهل و هشتم:

(۱) هرگاه شریک، مال یا مبلغی را از شرکت اخذ یا آنرا در تصرف درآورد، به پرداخت مفاد آن از تاریخ اخذ یا تصرف مال، بدون مطالبه قضایی یا اخطار مکلف می‌باشد. در صورت ایجاب به تأدیه جبران خساره عایده نیز مکلف شناخته میشود.

(۲) هرگاه شریک مقداری از مال خویش را برای نفع شرکت صرف یا مصارف نافی را به حسن نیت فراتر از اندازه ای که مساعدت آنرا به سرمایه شرکت موافقه کرده است، برای مفاد شرکت بعمل آورد، می‌تواند فایده مبالغ مصرف شده یا پرداخته شده را از تاریخ پرداخت به بعد از شرکت اخذ نماید.

تدبیرونو په نیولو کې پداسې توگه پاملرنه وکړې لکه چې د خپلو شخصي مصالحو د تأمینولو په برخه کې یې کوي.

د شریک په واسطه د شرکت د پیسو اخستل یا د مال تصرف او اضافی مرسته

شپږخلو بنسټمه ماده:

(۱) که چېرې شریک، مال یا مبلغ له شرکت څخه واخلې یا یې په خپل تصرف کې راوړي، له قضایې غوښتنې یا اخطار پرته د مال د اخستلو یا تصرف له نېټې څخه د هغو د گټې په ورکولو مکلف دی. د ایجاب په صورت کې د اووښتي زیان د جبران په ورکولو هم مکلف دی.

(۲) که چېرې شریک د خپل مال یو مقدار د شرکت د گټې لپاره ولگوي یا گټور لگښتونه په ښه نیت سره له هغې اندازې څخه زیات چې د شرکت له پانگې سره یې د هغو په مرستې موافقه کړېده، د شرکت د گټې لپاره وکړي، کولای شي د لگول شوو یا ورکړل شوو مبالغو گټه، د ورکړې له نېټې څخه وروسته له شرکت څخه واخلې.

د پورونو (دیونو) ورکړه**اووه څلوربښتمه ماده:**

(۱) که چېرې د شرکت مالونه، د هغه دیون پوره نکړي، له شریکانو څخه هر یو مکلف دی د شرکت په پانگه کې له خپلې ونډې سره متناسب، د شرکت د دین یا زیان یوه برخه له خپل شخصي مال څخه ورکړي، خو دا چې پدې هکله بل ډول موافقه شوې وي. د ثالث شخص په هکله د شرکت له دیونو څخه د هغو د نه مسئولیت په اړه د شریکانو موافقه اعتبار نلري.

(۲) د شرکت د ائین کولای شي خپل دین له شریکانو څخه ددی قانون د حکمونو مطابق وغواړي.

یو د بل په وړاندې د شریکانو نه متضامنتوب**اته څلوربښتمه ماده:**

(۱) شریکان د هغه څه د ورکړې په هکله چې د شرکت له دیونو څخه د دوی په غاړه لازم شوی دی، یو د بل په وړاندې د ضامن په توګه نه ګڼل کېږي، خو دا چې پر خلاف یې موافقې صورت موندلی وي.

(۲) له شریکانو څخه د یوه د

پرداخت دیون**ماده چهل وهفتم:**

(۱) هرگاه اموال شرکت، دیون آنرا تکافو نکند، هریک از شرکاء مکلف است متناسب به سهم خویش در سرمایه شرکت، قسمت از دین شرکت یا خساره آنرا از مال شخصی خود تأدیه نماید، مگر اینکه در مورد توافق طور دیگر صورت گرفته باشد، موافقه شرکاء مبنی بر عدم مسئولیت آنها از دیون شرکت در مورد شخص ثالث اعتبار ندارد.

(۲) د ائین شرکت می توانند دین خود را از هریک از شرکاء مطابق احکام این قانون مطالبه نمایند.

عدم متضامن بودن شرکاء در برابر همدیگر**ماده چهل وهشتم:**

(۱) شرکاء در مورد پرداخت آنچه که از دیون شرکت به ذمت آنها لازم گردیده، در برابر همدیگر به حیث ضامن تلقی نمی گردند، مگر اینکه بخلاف آن موافقه صورت گرفته باشد.

(۲) در صورت افلاس یکی

د شرکت د انحلال حالات

پنځوسمه ماده:

شرکت له لاندې حالاتو څخه په یوه کې منحل کېږي:

۱- د شراکت په عقد کې د ټاکلې مودې تېرېدل.

۲- د هغې موخې پلي کېدل چې شرکت د هغې په منظور جوړ شوی دی.

۳- د شرکت د ټولې یا زیاتې برخې پانګې تلف کېدل، پداسې توګه چې په پاتې کېدو (بقا) کې یې ګټه متصوره نه وي.

۴- له شریکانو څخه د یوه مړینه یا د محکمې په حکم پر هغه باندې د حجر واقع کېدل یا یې د افلاس ثبتېدل.

۵- له شرکت څخه د یوه شریک وتل، په هغه صورت کې چې د شرکت د فعالیت موده نا محدوده وي، پدې شرط چې شریک د وتلو په اړه خپله اراده درې میاشتې دمخه د نورو شریکانو خبرتیا ته رسولې وي، لدې پرته، د هغه وتل به له غش څخه را پیدا یا په غیر مناسب وخت کې وګڼل شي، خو دا چې موافقې بل ډول صورت

حالات انحلال شرکت

ماده پنجاھم:

شرکت در یکی از حالات ذیل منحل می‌شود:

۱- انقضای میعاد معینه در عقد شراکت.

۲- تحقق هدفی که شرکت بمنظور آن تأسیس یافته است.

۳- اتلاف کُل سرمایه شرکت یا حد اکثر آن طوری که در بقا آن مفاد متصور نباشد.

۴- فوت یکی از شرکاء یا وقوع حجر براو بحکم محکمه یا ثبت افلاس وی.

۵- خارج شدن یکی از شرکاء از شرکت در صورتی که مدت فعالیت شرکت نا محدود باشد، مشروط بر اینکه شریک اراده خود را مبنی بر خروج، سه ماه قبل به اطلاع سایر شرکاء رسانیده باشد، در غیر آن، خروج او ناشی از غش یا بی موقع دانسته می‌شود، مگر اینکه موافقه طوری دیگری صورت

- موندلی وی.
- ۶- د شرکت پر انحلال باندی د شریکانو موافقه.
- ۷- د شرکت پر انحلال باندی د محکمې حکم.
- ۸- د محکمې د حکم له مخې یا پدی اړه چې شرکت دی افلاس ته سوق شي د شریکانو او د شرکت د طلب گارانو د موافقې پر بنسټ، د شرکت افلاس.
- گرفته باشد.
- ۶- موافقه شریکاء به انحلال شرکت.
- ۷- حکم محکمه به انحلال شرکت.
- ۸- افلاس شرکت به اساس حکم محکمه یا بنا بر توافق شریکاء و طلب گاران شرکت مبنی بر اینکه شرکت به افلاس سوق داده شود.

فعالیت شرکت بعد از وفات

ماده پنجاه و یکم:

(۱) شرکاً می‌توانند در عقد شرکت موافقه نمایند که شرکت بعد از وفات یکی از شرکاء، منحل نگردیده با ورثه منجیث شرکاء ادامه یابد:

(۲) در صورت وفات یکی از شرکاء یا اصدار حکم محکمه مبنی بر حجر یا افلاس شریک، شرکت منحل نگردیده، فعالیت شرکت با سایر شرکاء باقیمانده ادامه می‌یابد.

هرگاه شرکاء با وارث متوفی به ادامه فعالیت در شرکت موافقه نمایند، در این صورت شریک یا

له مړینې وروسته د شرکت فعالیت یوپنځوسمه ماده:

(۱) شریکان کولای شي د شرکت په عقد کې موافقه وکړي چې شرکت له شریکانو څخه د یوه له مړینې وروسته منحل نشي، له ورثې سره د شریکانو په توگه دوام و مومي:

(۲) د یوه شریک د مړینې یا د شریک د حجر یا افلاس په اړه د محکمې د حکم د صادرېدو په صورت کې، شرکت نه منحل کېږي، د شرکت فعالیت له نورو پاتې شریکانو سره دوام مومي.

که چېرې شریکان د متوفی له وارث سره په شرکت کې د فعالیت له دوام سره موافقه ونکړي، پدی

وارث او حق دیگری ندارد جز از سهم خود از مال شرکت که به تناسب قیمت روز وقوع حادثه سنجش می‌شود.

حصة فوق الذکر نقداً به آنها پرداخته شده و از سایر حقوقیکه بعداً بوجود می‌آید، برخوردار شده نمی‌توانند، مگر به اندازه آنچه که نتیجه اجراءات شرکت قبل از حادثه، خروج وی از شرکت باشد.

تمدید فعالیت شرکت

ماده پنجاه و دوم:

(۱) هرگاه مدت معینه شرکت به پایان رسد، یا فعالیتی که شرکت بمنظور پیشبرد آن تأسیس یافته، خاتمه یابد، مگر بآنهم شرکاء تصمیم بگیرند تا به فعالیتی اقدام نمایند که شرکت بمنظور آن تأسیس گردیده بود، عقد شراکت به عین شرایط، سال به سال تمدید می‌گردد.

(۲) دائنین یکی از شرکاء میتواند علیه دوام فعالیت شرکت که در فقره (۱) این ماده درج گردیده،

صورت کی شریک یا یی وارث د شرکت له مال خخه له خپلي ونډې پرته چې د پېښې د رامنځته کېدو د ورځې د بیې په تناسب سنجول کېږي، بل حق نلري.

پورته یاده شوې برخه نغداً هغو ته ورکول کېږي او له نورو حقوقو خخه چې وروسته منځته راځي نه برخمن کېږي، خو د هغه څه په اندازه چې د هغه د وتلو له پېښې دمخه د شرکت د اجراءاتو په پایله کې وي.

د شرکت د فعالیت اوږدیدل

دوه پنځوسمه ماده:

(۱) که چېرې د شرکت ټاکلې موده پای ته ورسېږي، یا هغه فعالیت چې شرکت یې د پرمخبیولو په منظور جوړ شوی دی، ختم شي، خو سره لدی شریکان تصمیم و نیسي خو په هغه فعالیت لاس پورې کړی چې شرکت په هغه منظور جوړ شوی وو، د شراکت عقد په عین شرطونو سره کال په کال تمدیدېږي.

(۲) له شریکانو خخه د یوه داینین کولای شي د شرکت د فعالیت د دوام پر ضد چې ددی مادی په (۱) فقره کې

اعتراض نموده و مشارکت شریک مدیون را متوقف سازند.

حکم محکمه مبنی بر انحلال شرکت ماده پنجاه و سوم:

محکمه می‌تواند به اساس تقاضای شریک، نسبت عدم ایفای تعهدات یکی از شرکاء دیگر، با ارایه سایر دلایل مؤجه که انحلال شرکت را ایجاب کند، حکم را صادر نماید. عقد شراکت نمی‌تواند این عقد شرکاء را تعدیل کند.

درخواست اخراج از شرکت ماده پنجاه و چهارم:

(۱) هر شریک می‌تواند از محکمه اخراج شریک دیگری را که اعمال وی منجر به انحلال شرکت یا باعث اعتراض بر تمديد فعالیت آن گردد، تقاضا کند.

(۲) هرگاه مدت فعالیت شرکت محدود باشد، هر شریک می‌تواند اخراج خود را از شرکت با ارایه دلایل مؤجه از محکمه درخواست کند، در این صورت شرکت منحل می‌شود،

درج شوی دی، اعتراض و کپی او د مدیون شریک مشارکت و دروي.

د شرکت د انحلال په اړه د محکمي حکم دري پنځوسمه ماده:

محکمه کولای شي د شریک د غوښتنې پر بنسټ د یوه بل شریک د ژمنو د نه پوره کولو په نسبت، د نورو مؤجهو د لیلونو په وړاندی کولو سره چې د شرکت انحلال ایجاب کړی، حکم صادر کړی. د شراکت عقد نشي کولای د شریکانو دغه عقد تعدیل کړی.

له شرکت څخه د ایستلو غوښتنه څلور پنځوسمه ماده:

(۱) هر شریک کولای شي د هغه بل شریک چې عملونه یې د شرکت د انحلال یا یې د فعالیت پر تمديد باندی د اعتراض باعث شي، ایستل ئې له محکمي څخه و غواړي.

(۲) که چېرې د شرکت د فعالیت موده محدوده وي، هر شریک کولای شي د مؤجهو د لیلونو په وړاندی کولو سره له شرکت څخه خپل وتل له محکمي څخه و غواړي، پدی صورت کې شرکت منحل کېږي،

مگر اینکه سایر شرکاء به دوام آن موافقه نمایند.

تصفیه و تقسیم دارایی شرکت
ماده پنجاه و پنجم:

تصفیه و تقسیم دارایی شرکت طبق شرایط مندرج عقد شراکت صورت می‌گیرد. هرگاه عقد شراکت فاقد چنین شرایط باشد، احکام مندرج مواد پنجاه و ششم، پنجاه و هفتم، پنجاه و هشتم، پنجاه و نهم و شصتم این قانون در زمینه قابل تطبیق می‌باشد.

ادامه فعالیت شرکت الی
تصفیه آن
ماده پنجاه و ششم:

صلاحیت شرکاء منحصر به اجرای اقدامات هماهنگ بخاطر تصفیه شرکت می‌باشد، مگر شرکت الی تصفیه حسابات و تقسیم دارایی آن مطابق حکم ماده پنجاه و هشتم این قانون به فعالیت خود ادامه داده می‌تواند.

خودا چپ نور شریکان یی له دوام سره موافقه و کری.

د شرکت د شتمنی. تصفیه او وپشل
پنخه پنخوسمه ماده:

د شرکت د شتمنی. تصفیه او وپشل د شراکت په عقد کې د درج شوو شرطونو مطابق صورت مومي. که چېرې د شراکت عقد داسې شرطونه ونلري، پدی برخه کې ددی قانون په شپړپنخوسمه، او وه پنخوسمه، اته پنخوسمه، نهه پنخوسمه او شپپتمه ماده کې درج شوی حکمونه د تطبیق وړ دی.

د حسابونو تر تصفیې پورې د
شرکت د فعالیت دوام
شپړپنخوسمه ماده:

د شریکانو واک د شرکت د تصفیې په خاطر د هم غړو اقداماتو په اجراء پورې منحصر دی، خو شرکت د حسابونو تر تصفیې او د شتمنی تر وپشلو پورې، ددی قانون د اته پنخوسمې مادې د حکم مطابق خپل فعالیت ته دوام ورکولای شي.

تعیین اشخاص جهت تصفیة شرکت

مادة پنجاه و هفتم:

(۱) تصفیة شرکت توسط شرکاء یا شخص و یا اشخاصی که به اکثریت آرای شرکاء تعیین میگردند، صورت میگیرد.

(۲) هرگاه شرکاء شخص یا اشخاصی را به اکثریت آراء تعیین نکنند، محکمه یکتن از شرکاء را به اساس تقاضای شرکاء، به حیث تصفیة کننده تعیین می کند.

(۳) در صورت انحلال شرکت به اثر رسیدگی قضایی، محکمه شخص تصفیة کننده، حدود صلاحیت وی و طرز تصفیة را بنابر مطالبه اشخاص ذیعلاقه تعیین می نماید.

فعالیت شرکت و فروش دارائی آن توسط تصفیة کنندگان

مادة پنجاه و هشتم:

(۱) تصفیة کنندگان شرکت نمی توانند به فعالیت جدیدی در شرکت مبادرت ورزند، مگر اینکه فعالیت مذکور متمم

د شرکت د تصفیة لپاره د اشخاصو ټاکل

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) د شرکت تصفیة د شریکانو یا د هغه شخص یا اشخاصو چي د شریکانو په اکثریت رأیو سره ټاکل کېږي، لخوا صورت مومي.

(۲) که چېرې شریکان شخص یا اشخاص د رأیو په اکثریت سره و نه ټاکي، محکمه له شریکانو څخه یو تن، د شریکانو په غوښتنه، د تصفیة کوونکي په توگه ټاکي.

(۳) د قضایي رسیدگی له امله، د شرکت د انحلال په صورت کې محکمه تصفیة کوونکی شخص د هغه د واک حدود او د تصفیې ډول د اړوندو اشخاصو د غوښتنې له مخې ټاکي.

د شرکت فعالیت او د تصفیة کوونکو په واسطه د هغه د شتمنی پلورل

آته پنځوسمه ماده:

(۱) د شرکت تصفیة کوونکي نشي کولای په شرکت کې په نوو فعالیتونو لاس پورې کړي، خو دا چې نوموړی فعالیت د دمخه

فعالیت‌های قبلی و با انحلال شرکت سازگار باشد. (۲) تصفیه‌کنندگان می‌توانند دارایی منقول یا غیر منقول شرکت را، بصورت مزایده یا غیر آن بفروش برسانند، مگر اینکه صلاحیت‌شان حین تعیین مقید شده باشد.

تقسیم دارایی شرکت ماده پنجاه و نهم:

(۱) دارایی شرکت بعد از پرداخت دیون معجل و وضع دیون مؤجل و دیون متنازع فیله و بعد از تأدیه مصارف و دیون که توسط یکی از شرکاء به مصلحت شرکت انجام شده، میان تمام شرکاء تقسیم می‌شود.

(۲) به هر یک از شرکاء مبلغ معادل قیمت سهم او در سرمایه شرکت مطابق عقد شراکت تخصیص داده می‌شود، هرگاه قیمت سهم در عقد توضیح نشده باشد، قیمت آن از وقت تسلیمی سهم به شرکت محاسبه می‌گردد، مگر اینکه سهم شریک

فعالیت‌توان متمم او د شرکت له انحلال سره جوړ (سازگار) وي. (۲) تصفیه‌کونکي کولای شي د شرکت منقوله یا غیر منقوله شتمني، د مزایدی په ډول یا پرته له هغې وپلوري خو دا چې واک یې د ټاکلو په وخت کې مقید شوی وي.

د شرکت د شتمنی وپشل ننه پنخوسمه ماده:

(۱) د شرکت شتمني د معجلو پورونو له ورکړې او د مؤجلو پورونو او متنازع فیله پورونو له وضع کولو وروسته او د هغو لگښتونو او پورونو چې د شرکت په مصلحت له شریکانو څخه د یوه په واسطه سرته رسېدلي، له ورکړې وروسته د ټولو شریکانو تر منځ وپشل کېږي.

(۲) هر یوه شریک ته د شراکت د عقد مطابق، د شرکت په پانگه کې د هغه د ونډې د بېې معادل مبلغ، تخصیص ورکول کېږي، که چېرې د ونډې بیه په عقد کې څرگنده شوي نه وي، بیه یې شرکت ته د ونډې د تسلیمی له وخته محاسبه کېږي، خودا چې د شریک ونډه د

منحصر به انجام عمل ومشوره يا اختصاص بخشى از ملكيت جهت منفعت شركت يا مجرد انتفاع باشد.

(۳) هرگاه در عقد شراكت راجع به تقسيم دارايى بعلت تصفيه شركت شرائطى پيش بينى نگرديده باشد، دارايى باقيمانده شركت بعد از پرداخت ديون، براى شركاء به اندازه سهم مربوط شان پرداخته مى شود.

(۴) در صورتى كه مال باقيمانده شركت، بعد از پرداخت مبالغ مندرج فقره (۱) اين ماده شركاء را تكافو نكند، خساره به تناسب سهم محاسبه و ميان شركاء توزيع مى گردد.

**تطبيق احكام مندرج
قانون مدنى درباره
مال مشاع
ماده شصتم:**

هرگاه در اين قانون در رابطه به تقسيم دارائى شركت احكامى موجود نباشد احكام مربوط به تقسيم مال مشاع مندرج قانون مدنى رعايت مى شود.

عمل او مشورې په سرته رسولو يا د شركت د گټې لپاره له ملكيت څخه د يوې برخې په اختصاص يا مجردى انتفاع پورې منحصره وي. (۳) كه چېرې د شراكت په عقد كې د شتمنى د وېش په هكله، د شركت د تصفيې په علت شرطونه اټكل شوى نه وي، د شركت پاتې شتمني، د ديونو له وركړې وروسته شريكانو ته د هغوى د اړوندى ونډې په اندازه، وركول كېږي.

(۴) په هغه صورت كې چې د شركت پاتې مال، ددى مادى په (۱) فقره كې د درج شوو مبالغو له وركړې وروسته د شريكانو لپاره كفايت و نكړى، زيان د ونډې په اندازه محاسبه او د شريكانو تر منځ وېشل كېږي.

**د مشاع مال په باره كې په مدني
قانون كې د درج شوو حكمنو
تطبيق
شپېتمه ماده:**

كه چېرې پدى قانون كې د شركت د شتمنى د وېشلو په اړه حكمنه موجود نه وي، په مدني قانون كې د مشاع مال په وېش پورې اړوند حكمنه رعايت كېږي.

خلورم فصل عام تضامنی شرکت

فصل چهارم شرکت تضامنی عام

د شرکت جوړېدل یوشپېتمه ماده:

هغه اشخاص چې عام تضامنی شرکت جوړوي، مکلف دی، د شرکت له جوړولو وروسته د یوې میاشتې په ترڅ کې د شراکت د عقد یو نقل (په هغه ځای کې چې د شرکت مرکز پکې واقع دی) ثبت او اعلان کړی.

د نوې څانګې جوړول دوه شپېتمه ماده:

که چېرې عام تضامنی شرکت د خپلې سوداګرۍ د ثبت د دفتر له حوزې څخه بهر څانګه جوړوي، مکلف دی د شراکت د عقد نقل د نوي ثبت په دفتر کې هم ثبت کړی.

په شرکت کې بدلونونه دري شپېتمه ماده:

که چېرې په تضامنی شرکت کې له ثبت او اعلان وروسته په عنوان، استوګنځي، موضوع یا د لاسلیک په واک لرونکو شریکانو کې بدلونونه رامنځته شي یا ځینې

تأسیس شرکت

ماده شصت ویکم:

اشخاصی که شرکت تضامنی عام را تأسیس می نمایند، مکلف اند در خلال یکماه بعد از تأسیس شرکت يك نقل عقد شراکت را (در محلی که مرکز شرکت در آن واقع است) ثبت و اعلان نمایند.

تأسیس شعبه جدید

ماده شصت و دوم:

هرگاه شرکت تضامنی عام خارج از حوزه دفتر ثبت تجارت خود، شعبه را تأسیس می کند، مکلف است نقل عقد شراکت را در دفتر ثبت جدید نیز به ثبت برساند.

تغییرات در شرکت

ماده شصت و سوم:

هرگاه در شرکت تضامنی بعد از ثبت و اعلان، در عنوان، اقامتگاه، موضوع یا شرکای حایز صلاحیت امضاً، تغییراتی رونما گردد یا بعضی از شرکاء از شرکت

خارج یا بعضی شرکای دیگر در آن شامل یا سرمایه شرکت تزئید و یا تنقیص شود یا قبل از انقضای مدت معینه، شرکت منحل و یا بعد از انقضای آن، تمدید گردد و یا با شرکت دیگری ملحق شود، راجع به این خصوصیات از طرف شرکت تعهد نامه یی که به امضای تمام شرکاء رسیده باشد، ترتیب می گردد. این تعهد نامه در دفتر مربوط ثبت گردیده و تغییرات دیگر نیز در آن ثبت شده می تواند.

عدم استعمال خصوصیات ماده شصت و چهارم:

خصوصیاتی که به موجب حکم ماده شصت و یکم ثبت و اعلان یا مطابق احکام مواد شصت و دوم و شصت و سوم این قانون ثبت آن لازم می گردد، قبل از ثبت، نمیتوان این خصوصیات را بر علیه اشخاص ثالث استعمال نمود و به تاسی از حکم ماده شصت و یکم این قانون قبل از اعلان بر علیه اشخاص ثالث استعمال شده نمیتواند، مگر اینکه شخص ثالث از حقایقی که ثبت آن لازم است، قبلاً آگاهی داشته باشد.

شریکان له شرکت خخه ووزي يا حيني نور شريكان پکي شامل شي يا د شرکت پانگه زیاته يا کمه شي يا د تاکلی مودی له تپرېدو دمخه، شرکت منحل یایې له تپرېدو وروسته تمدید شي يا له بل شرکت سره ملحق شي، ددی خصوصیاتو په هکله د شرکت لخوا هغه ژمنلیک چې د ټولو شریکانو لاسلیک پکې شوی وي، ترتیبېږي. دغه ژمنلیک په اړوند دفتر کې ثبتېږي او نور بدلونونه هم پکې ثبتېدی شي.

د خصوصیاتو نه استعمال څلور شپېتمه ماده:

هغه خصوصیات چې د یو شپېتمې مادی د حکم پر موجب ثبت او اعلان یا ددی قانون د دوه شپېتمې او دري شپېتمې مادی د حکمونو مطابق یې ثبت لژمېږي، له ثبت دمخه، نشي کېدای دغه خصوصیات د ثالثو اشخاصو پر ضد استعمال شي او ددی قانون د یو شپېتمې مادی د حکم له مخې له اعلان دمخه د ثالثو اشخاصو پر ضد نشي استعمالېدی، خو دا چې ثالث شخص له هغو حقایقو خخه چې ثبت یې لژم دی، دمخه خبرتیا

در صورتی که قبل از ثبت و اعلان آن، معاملاتی بنام شرکت تضامنی عام انجام پذیرفته باشد، شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئول است. هرگاه مراتب ثبت و اعلان شرکت طبق احکام قانون از طرف شرکاء رعایت نگردیده باشد و شرکاء از وجود شرکت انکار ورزند، اشخاص ثالث میتوانند با هر نوع بینه و قرائن وجود شرکت را به اثبات برسانند.

انجام معاملات به نام شرکت ماده شصت و پنجم:

هرگاه ثبت و اعلان شرکت تضامنی عام، در خلال مدتی که در ماده شصت و یکم این قانون تصریح شده یا بعد از آن، صورت نگرفته باشد و بعداً معاملاتی که الی ثبت انحلال بنام شرکت اجراء می شود، بحقوق اشخاص ثالث خلل وارد نمی سازد، مگر اینکه اشخاص ثالث از موضوع انحلال شرکت آگاهی داشته باشند.

ولری. په هغه صورت کې چې د هغو له ثبت او اعلان دمخه، د عام تضامني شرکت په نوم معاملي سرتنه رسېدلې وي، شرکت د ثالثو اشخاصو په وړاندې مسئول دی. که چېرې د شرکت د ثبت او اعلان مراتب د قانون د حکمونو مطابق د شریکانو لخوا په پام کې نیول شوی نه وي او شریکان د شرکت له وجود څخه انکار وکړي، ثالث اشخاص کولای شي په هر ډول بینې (دلیل) او قرائنو سره د شرکت وجود په اثبات ورسوي.

د شرکت په نوم د معاملو سرتنه رسول پنځه شپېتمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت ثبت او اعلان، د هغې مودی په ترڅ کې چې ددی قانون په یوشپېتمه ماده کې تصریح شوېده یا له هغې وروسته صورت نه وي موندلی او وروسته هغه معاملي چې د انحلال تر ثبت پورې د شرکت په نوم اجراء کېږي، د ثالثو اشخاصو حقوقو ته زیان (خلل) نه رسوي، خودا چې ثالث اشخاص د شرکت د انحلال له موضوع څخه خبروي.

د شريكانو تر منځ مناسبات**شپږشپيتمه ماده:**

د عام تضامني شرکت د شريكانو تر منځ مناسبات، د شراکت د عقد په واسطه تنظيمېږي، د شراکت د عقد شرطونه کېدای شي په ليکلي توگه د قرارداد په سند يا يې د متمم په ډول درج شي.

په هغه صورت کې چې هېڅ ډول شرطونه د شراکت په عقد کې تصريح شوي نه وي، ددی قانون حکمونه د تطبيق وړ دي.

د شرکت د چارو د ادارې سپارل**اووه شپيتمه ماده:**

شريکان کولای شي د عام تضامني شرکت د ورځنيو چارو اداره له شريكانو څخه يوه يا څو يا ټولو يا له شرکت څخه بهر بل شخص ته وسپاري، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصريح شوی وي. هغه شخص چې دغه واک ترلاسه کوي د مدير په نوم يادېږي.

د مدير عزل**اته شپيتمه ماده:**

که چېرې د مدير اداري واک د عام تضامني شرکت د عقد په موجب

مناسبات بين شرکا**ماده شصت و ششم:**

مناسبات میان شرکای شرکت تضامنی عام توسط عقد شراکت تنظیم می گردد. شرایط عقد شراکت می تواند بشکل کتبی در سند قرارداد یا متمم آن درج گردد.

در صورتی که هیچ نوع شرایطی در عقد شراکت تصریح نگردیده باشد، احکام این قانون قابل تطبیق می باشد.

تفویض اداره امور شرکت**ماده شصت و هفتم:**

شرکاء ميتوانند اداره امور يوميۀ شرکت تضامنی عام را به اکثریت آراء به يك يا چند يا تمام شرکاء يا خارج از شرکت به شخص ديگري تفويض نمایند، مگر اینکه در عقد شراکت طور ديگري تصريح شده باشد. شخصی که این صلاحیت را کسب می کند بنام مدير ياد می شود.

سبکدوشي مدير**ماده شصت و هشتم:**

هرگاه صلاحیت اداري مدير به موجب عقد شرکت تضامنی عام

تعیین گردد، شرکاء می‌توانند در مطابقت با شرایط مندرج در عقد یا به اتفاق اکثریت آرای تمام شرکاء، صلاحیت مدیر یا مدیران را محدود یا آنها را از وظیفه سبکدوش نمایند.

هرگاه مدیر در وظایف محوله اهمال و غفلت نماید یا قادر به اداره امور شرکت تضامنی عام نباشد، بالاتر تقاضای يك و یا بیشتر از یکی از شرکاء، با رایۀ دلایل به تصویب اکثریت از وظیفه منفصل شود. هرگاه شکایت شرکاء از طرف سایر شرکاء با وجود رایۀ دلایل مؤجبه مورد قبول واقع نشود، می‌توانند موضوع را به محکمه احاله نمایند.

اتخاذ تصمیم در مورد امور یومیۀ اداره شرکت و مسایل عمده و مهم ماده شصت و نهم:

امور و معاملات عادی که اجرای آن برای مقاصد و اهداف شرکت تضامنی عام مؤثر است، مربوط امور یومیۀ اداری شرکت

و تا کل شی، شریکان کولای شی په عقد کې له درج شوو شرطونو سره په مطابقت کې یا د ټولو شریکانو د رأیو د اکثریت په اتفاق، د مدیر یا مدیرانو واک محدود یا هغوی له دندی څخه لرې کړی.

که چېرې مدیر په سپارل شوو دندو کې اهمال او غفلت وکړی یا د عام تضامنی شرکت د چارو په ادارې قادر نه وي، له شریکانو څخه د یوه یا له یوه څخه د زیاتو د غوښتنې له امله دی، د دلیلونو په وړاندې کولو سره د اکثریت په تصویب له دندی څخه لرې شي. که چېرې د شریکانو شکایت د نورو شریکانو لخوا د مستندو دلیلونو د وړاندې کېدو باوجود و نه منل شي، کولای شي موضوع محکمې ته احاله کړی.

د شرکت د ادارې د ورځنیو چارو او سترو او مهمو مسئلو په هکله د تصمیم نیول نهه شپېتمه ماده:

هغه عادی چارې او معاملې چې سرته رسول یې د عام تضامنی شرکت د مقصدونو او موخو لپاره اغېزمنې دي، د عام تضامنی

تضامنی عام می‌گردد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

مدیر یا مدیران صلاحیت دارند تا با استفاده از عین معیار دقت و توجه، که در تصمیم‌گیری مسایل مربوط به معاملات شخصی خود شان بکار می‌برند، در مسایل مربوط به امور یومیة اداره شرکت عمل نموده و تصمیم اتخاذ نمایند. مسایل عمده و مهم خارج از امور یومیة شرکت از قبیل پرداخت سرمایه، قیمت، انتقال بخش عمده تمام اموال غیرمنقول شرکت و سایر مسایل خارج از فعالیت‌های عادی شرکت، به اساس اکثریت آرای شرکاء تصمیم گرفته می‌شود. مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

پرداخت استقراض شریک ماده هفتادم:

هرگاه شریک از شرکت تضامنی عام استقراض نموده یا مبلغی را بنام شرکت بدست آورده باشد (در صورتی که برخلاف آن در عقد

شرکت به ورخنیو اداری چارو پوری اړه مومي، خود ا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. مدیر یا مدیران واک لري خود د دقت او پاملرنې له عین معیار څخه په گټې اخستنې سره چې د خپلو شخصي معاملو د اړوندو مسئلو په تصمیم نیونه کې یې کاروي، د شرکت د ادارې د ورخنیو چارو په اړوندو مسئلو کې عمل وکړی او تصمیم ونیسي. د شرکت له ورخنیو چارو څخه بهر سترې او مهمې مسئلې لکه د پانگې ورکول، بیه، د شرکت د ټولو غیر منقولو مالونو د سترې برخې لېږدېدل او د شرکت له عادی فعالیتونو څخه بهر نورې مسئلې د شریکانو د رأیو د اکثریت پر بنسټ تصمیم نیول کېږي، خود ا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریک د پور (استقراض) ورکړه اوپایمه ماده:

که چېرې شریک له عام تضامنی شرکت څخه استقراض کړی یا یې د شرکت په نوم مبلغ لاسته راوړي وي (په هغه صورت کې چې پر

تصریح نگردیده باشد) و آنرا در زمان معین به شرکت تضامنی تأدیه و تسلیم ننماید، مکلف است بر علاوه تأدیه اصل پول، تکتانه زمان تأخیر را نیز بپردازد.

انتقال سهم

ماده هفتاد و یکم:

هیچ يك از شرکاء نمی تواند بدون کسب اتفاق آرای شرکای دیگر سهم خود را به شخص خارج از شرکت قسماً یا کلاً منتقل سازد در صورت خلاف اگر خساره از این عمل بالایی شرکاء یا شخصی ثالث وارد شده باشد خسارات وارده ناشی از آنها بدوش انتقال دهنده سهم می باشد. مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

عدم پذیرش شخص دیگر بحیث شریک

ماده هفتاد و دوم:

شخصیکه صلاحیت اداره شرکت تضامنی عام را دارد، نمی تواند بدون کسب اتفاق آرای شرکاء، شخص دیگری را بصفت شریک در شرکت بپذیرد

خلاف یی به عقد کې تصریح شوی نه وي) او هغه په ټاکلي وخت تضامني شرکت ته ورنکړی او تسلیم یې نکړی، مکلف دی د اصل پیسو برسېره د ځنډ د مودی ټکټانه هم ورکړی.

د ونډې لېږدېدل

یو او یایمه ماده:

له شریکانو څخه هېڅ یو نشي کولای د نورو شریکانو د رأیو د اتفاق له لاسته راوړو پرته خپله ونډه له شرکت څخه بهر شخص ته قسماً یا کلاً ولېږدوي، د خلاف په صورت کې که لدی عمل څخه شریکانو یا ثالث شخص ته زیان رسېدلي وي، له هغه څخه راپیدا شوی زیانونه، یوازې د ونډې د لېږدوونکي په غاړه دی، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شریک په توگه د بل شخص نه منل

دوه او یایمه ماده:

هغه شخص چې د عام تضامني شرکت د ادارې واک لري، نشي کولای د شریکانو د رأیو د اتفاق له لاسته راوړو پرته، په شرکت کې بل شخص د شریک په توگه ومني یا

یہ پہ خپل عوض د شرکت پہ ادارہ
کے و تہاکی.

د تکتانی گتہ

دري اویایمہ مادہ:

د شراکت پہ عقد کے شرکت تہ د
ورکول شوی پانگی پہ وړاندی د
تکتانی گتہ، اټکل کېدی شي.

معلوماتو تہ د شرکت د شریک یا

مدیر لاس رسی

څلور اویایمہ مادہ:

شریکان او مدیر د شرکت پہ چارو
او مالي وضعیت پورې اړوندو
معلوماتو تہ د لاس رسی حق لري
او کولای شي هغه د شرکت د ادارې
د چارو د پر مخیولو لپاره تر گتې
اخستنی لاندی و نیسی.

د شرکت اداره کولای شي هغه
شریک یا مدیر تہ د معلوماتو له
ورکولو څخه چې ددی گمان
موجود وي چې دغه معلومات د
شرکت د ویچارولو لپاره کاروي،
ډډه وکړی.

د معلوماتو لاسته راوړل یا د هغو
له وړاندی کولو څخه ډډه کول، د
شراکت پہ عقد کے ذکر کېږي، خو
د شراکت عقد نشي کولای دغه حق
په غیر موجه توگه له منځه یوسی

یا به عوض خود در اداره شرکت
تعیین نماید.

مفاد تکتانه

ماده هفتاد و سوم:

در عقد شراکت، مفاد تکتانه در
مقابل سرمایه تأدیه شده به
شرکت، پیش بینی شده می‌تواند.

دسترسی شریک یا مدیر شرکت به

معلومات

ماده هفتاد و چهارم:

شرکاء و مدیر حق دسترسی به
معلومات مربوط به امور شرکت و
وضعیت مالی آن را دارا می باشد
و می‌تواند آنرا جهت پیشبرد
امور اداره شرکت مورد
استفاده قرار دهد.

اداره شرکت می‌تواند از دادن
معلومات به شریک یا مدیریکه
ظن آن وجود داشته باشد که این
معلومات را به مقصد تخریب
شرکت به کار می برد، امتناع
ورزد.

کسب حصول معلومات یا امتناع
از ارایه آن در عقد شراکت
ذکر می گردد، ولی عقد
شراکت نمی‌تواند این حق را
بطور غیرموجه از بین برده

یا بی محدود کری.

د شرکت د ورځنیو چارو په هکله
تصمیمونه

پنځه او یایمه ماده:

د شراکت د عقد تعدیلول د شریکانو د رایو په اتفاق او د شرکت د ورځنیو چارو د عادی بهیر په هکله تصمیمونه د شریکانو د رایو په اکثریت سره صورت مومي، خودا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د شرکت د گټې او ضرر د بنې
(صورت) ترتیبول

شپږ او یایمه ماده:

شریکان یا مدیر (په هغه صورت کې چې دنده مدیر ته سپارل شوې وي) مکلف دی خود هر مالي کال په پای کې، د بیلانس پر بنسټ د عام تضامني شرکت د گټې او زیان بڼه ترتیب او د هغې مطابق د هر شریک ونډه و ټاکي.

د شرکت له انحلال دمخه د یوې برخې یا ټولې ونډې د وېش په هکله تصمیم، د شریکانو د رایو د اتفاق پر بنسټ نیول کېږي، خودا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

یا محدود سازد.

تصامیم در مورد امور یومیة
شرکت

ماده هفتاد و پنجم:

تعدیل عقد شراکت به اتفاق آرای شرکاء، و تصامیم در مورد جریان عادی امور یومیة شرکت به اکثریت آرای شرکاء صورت می گیرد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

ترتیب صورت نفع و ضرر
شرکت

ماده هفتاد و ششم:

شرکاء یا مدیر (در صورتی که وظیفه به مدیر سپرده شده باشد) مکلف اند تا در ختم هر سال مالی به اساس بیلانس، صورت نفع و ضرر شرکت تضامنی عام را ترتیب و مطابق آن سهم هر شریک را تعیین نمایند.

تصمیم در مورد تقسیم يك بخش یا تمام سهم قبل از انحلال شرکت، به اساس اتفاق آرای شرکاء اتخاذ می گردد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

عدم وادار نمودن شریک در تادیبه
جبران خساره
ماده هفتاد و هفتم:

شریک را نمی توان السی
انحلال شرکت مکلف به اكمال
سهمی نمود که از خسارات
سرمایه به او تعلق می گیرد، ولی
مقدار خسارات سرمایه شرکاء از
مفاد سال بعدی تکمیل شده
می تواند، مگر اینکه در عقد
شراکت طور دیگری تصریح شده
باشد.

اجرای معاملات مشابه
تجارتی شریک و شمولیت آن به
حیث عضو مسئول در شرکت دیگر
ماده هفتاد و هشتم:

(۱) شریک نمی تواند معامله
جداگانه را از نوع معامله تجارتی
شرکت تضامنی عام که عضو آن
است، بدون اتفاق آرای سایر
شرکاء، بنام خود یا شخص
دیگری اجرا کند، مگر اینکه
در عقد شراکت یا این قانون طور
دیگری تصریح شده باشد. در
صورتی که شرکای یک شرکت
تضامنی عام جدید التأسیس
اطلاع یابند که یکی از شرکاء در

د زیان د جبران په ورکړه کې د
شریک نه مجبورول
اووه او یایمه ماده:

شریک د شرکت تر انحلال پورې د
هغې ونډې په بشپړولو نشي
مکلف کېدی چې د پانګې له
زیانونو څخه په هغه پورې اړه
مومي، خو د شریکانو د پانګې د
زیانونو مقدار د راتلونکي کال له گټې
څخه بشپړېدی شي، خو دا چې د
شراکت په عقد کې بل ډول تصریح
شوی وي.

د شریک د ورته سوداګریزو معاملو
اجراء او په بل شرکت کې د مسئول
غړي په توګه د هغه شاملېدل
اته او یایمه ماده:

(۱) شریک نشي کولای د عام
تضامنی شرکت چې دی یې غړی
دی د سوداګریزې معاملې له ډول
څخه جلا معامله د نورو شریکانو
د رایو له اتفاق پرته په خپل یا د بل
شخص په نوم اجراء کړي، خو دا
چې د شراکت په عقد یا دی قانون
کې بل ډول تصریح شوی وي. په
هغه صورت کې چې د یوه نوي
جوړ شوی عام تضامنی شرکت
شریکان خبر شي چې یو له

حین شمولیت به شرکت، منعیست عضو مسئول در شرکت دیگری شمولیت دارد، در این حالت اگر شرکاً صراحتاً راجع به قطع رابطه عضویت او از شرکت دیگری اعتراض نداشته باشد چنین پنداشته می‌شود که اشتراک او در شرکت تضامنی عام مورد قبول واقع شده است.

(۲) هرگاه شرکاء بعد از حصول اطلاع از مشارکت شریک در شرکت دیگر و یا انجام معاملات او بعد از مرور شش ماه اعتراض نمایند، حق اعتراض شان ساقط می‌شود، اما حق دارند از محکمه خواستار انحلال شرکت تضامنی عام مطابق احکام فصل چهارم این قانون گردند.

موجودیت شرکت

ماده هفتاد و نهم:

شرکت تضامنی عام از تاریخ ثبت و اعلان یا هر نوع تغییر بعدی در ثبت حایز شخصیت حکمی می‌گردد.

شریکانو خخه په شرکت کې د شاملېدو په وخت کې، په بل شرکت کې د مسئول غړي په توگه گډون لري، پدې حالت کې که شریکان له بل شرکت خخه د هغه د غړیتوب د رابطې د پرې کولو په هکله صراحتاً اعتراض و نلري، داسې گڼل کېږي چې په عام تضامني شرکت کې د هغه گډون منل شوی دی.

(۲) که چېرې شریکان په بل شرکت کې د شریک د گډون د خبر له ترلاسه کولو یا د هغه د معاملو له سرته رسولو خخه شپږمیاشتې وروسته اعتراض ونکړي، د هغو د اعتراض حق ساقطېږي، خو حق لري ددی قانون د خلورم فصل د حکمونو مطابق، له محکمې خخه د عام تضامني شرکت د انحلال غوښتونکي شي.

د شرکت موجودیت

ننه او بیامه ماده:

عام تضامني شرکت د ثبت او اعلان یا په ثبت کې د هر ډول وروستي بدلون له نېټې خخه، د حقوقي شخصیت لرونکی گرځي.

له ثالثو اشخاصو سره د شریکانو

مناسبات

اتیایمه ماده:

له ثالثو اشخاصو سره د شریکانو مناسبات ددی قانون د حکمونو تابع دی، خوداچې د شراکت په عقد کې یې خلاف تصریح شوی وي.

د استازي په واسطه د معاملو

سرته رسول

یو اتیایمه ماده:

شریک، مدیر یا هغه شخص چې له تضامني شرکت څخه په استازیتوب ټاکل شوی دی د خپل سپارل شوی واک له په پام کې نیولو سره کولای شي ټولې حقوقي معاملې د شرکت په نوم لاسلیک کړي او شرکت د هغو په تطبیق ملزم کړي. د تضامني شرکت استازي کولای شي، سوداگریزې چارې د قانون د حکمونو مطابق اداره کړي. پدی صورت کې استازي مکلف دی په بنه نیت او وفاداری سره عمل وکړي.

شریکان کولای شي له عام تضامني شرکت څخه په استازیتوب هغه معاملې چې په قرارداد کې یې ژمنه کړې، سرته ورسوي او تضامني

مناسبات شرکاء با اشخاص

ثالث

ماده هشتادم:

مناسبات شرکاء با اشخاص ثالث تابع احکام این قانون می باشد، مگر اینکه در عقد شراکت خلاف آن تصریح شده باشد.

انجام معاملات توسط

نماینده

ماده هشتادویکم:

شریک، مدیر و یا شخصی که به نمایندگی از شرکت تضامنی عام تعیین شده اند با نظر داشت صلاحیت مفوضه شان میتوانند تمام معاملات حقوقی را بنام شرکت به امضاء رسانیده و شرکت را ملزم به تطبیق آن نمایند. نمایندگان شرکت های تضامنی می توانند، امور تجارتی را مطابق احکام قانون اداره نمایند. در این صورت نمایندگان مکلف اند با حسن نیت و وفاداری عمل نمایند.

شرکاء می توانند به نمایندگی از شرکت تضامنی عام معاملاتی را که در قرارداد تعهد نموده انجام و شرکت تضامنی را در

شرکت پدی برخه کې ملزم کړی.

د شریکانو مسئولیت

دوه اتیایمه ماده:

عام شریکان د عام تضامني شرکت له دیونو او ژمنو څخه په ټولیزه او انفرادی توګه مسئول دی.

د دعوي د اقامه کېدلو ډول

دري اتیایمه ماده:

که چېرې د دعوي اقامه د شرکت په دین یا ژمنو پورې مرتبطه وي، د دعوي اقامه لومړی پخپله د عام تضامني شرکت پر ضد صورت مومي. په هغه صورت کې چې د دعوي اقامه د شرکت پر ضد ممکنه نه وي یا شرکت منحل شوی وي، د شریکانو پر ضد هم دعوي اقامه کېدلی شي. پدی صورت کې محکمه کولای شي د داینینو د غوښتنې پر بنسټ د وړاندې شوو دلیلونو په استناد حکم وکړی چې د عام تضامني شرکت شتمني او معاملې دی د حساب تر تصفیې پورې د محکمې تر څارنې لاندی راشي.

زمینه ملزم سازند.

مسئولیت شرکاء

ماده هشتاد و دوم:

شرکای عام از دیون و تعهدات شرکت تضامنی عام بطور جمعی و انفرادی مسئول می باشند.

طرز اقامه دعوی

ماده هشتاد و سوم:

هرگاه اقامه دعوی به دین و تعهدات شرکت مرتبط باشد، اقامه دعوی اولاً بر علیه خود شرکت تضامنی عام صورت می گیرد. در صورتی که اقامه دعوی بر علیه شرکت ممکن نبوده و یا شرکت منحل شده باشد، بر علیه شرکاء هم اقامه دعوی صورت گرفته می تواند. در این صورت محکمه می تواند به اساس تقاضای داینین به استناد دلایل آرایه شده حکم نماید که دارایی و معاملات شرکت تضامنی عام الی تصفیة حساب تحت مراقبت محکمه قرار گیرد.

د محکمو د پرېکړې تطبیق**څلور اتیایمه ماده:**

هغه پرېکړه چې د محکمې لخوا د شرکت د فعالیتونو په هکله صادره شوې وي، پر عامو تضامني شریکانو باندې د تطبیق وړ ده.

دائینو ته د حقوقو ورکړه**پنځه اتیا یمه ماده:**

د عام تضامني شرکت د تصفیې په صورت کې، د شرکت د ائینین د شرکت له شتمني څخه دخپلو حقوقو په اخستلو کې د شریکانو د شخصي د ائینینو په نسبت مقدم دی.

د شرکت د د ائینونو طلباتو ته**محکمې حکم****شپرا تیایمه ماده:**

د عام تضامني شرکت افلاس د شریکانو د افلاس موجب نه گڼل کېږي. که چېرې د مفلس شرکت شتمني د شرکت د ائینینو د طلباتو بسنه (کفایت) و نکړي، د ائینین کولای شي د خپلو طلباتو پاتې له شریکانو څخه و غواړي، خو که د شریکانو شتمني هم د ائینینو د طلباتو کفایت و نکړي،

تطبیق فیصله محاکم**ماده هشتاد و چهارم:**

فیصله ای که از طرف محکمه در خصوص فعالیت های شرکت صادر شده باشد، بالای شرکای تضامنی عام قابل تطبیق می باشد.

تأدیه حقوق به دائینین**ماده هشتاد و پنجم:**

در صورت تصفیة شرکت تضامنی عام، دائینین شرکت در اخذ حقوق خود از دارایی شرکت نظر به دائینین شخصی شرکاء مقدم می باشند.

حکم محکمه به طلبات دائینین**شرکت****ماده هشتاد و ششم:**

افلاس شرکت تضامنی عام موجب افلاس شرکاء محسوب نمی شود. هرگاه دارایی شرکت مفلس، طلبات د ائینین شرکت را کفایت نکند، د ائینین می توانند باقی طلبات خود را از شرکاء مطالبه نمایند، ولی در صورتی که دارایی شرکاء نیز طلبات د ائینین را کفایت

نکند محکمه می‌تواند حکم بر افلاس شرکاء را صادر نماید.

عدم استفاده شرکاء از سرمایه مربوط
ماده هشتاد و هفتم:

شرکای شرکت تضامنی عام مواجه به افلاس، نمی‌توانند از بابت سرمایه خود از دارایی شرکت استفاده کنند، ولی می‌توانند طلبات دیگری را مثل دائین شرکت مطالبه نمایند.

عدم مجرائی طلب دین
ماده هشتاد و هشتم:

شخص مدیون شرکت تضامنی عام نمیتواند دین خود را با طلبی که بالای یکی از شرکاء دارد، مجرا کند. همچنان یکی از شرکاء نمی‌تواند دین خود را که در نزد شرکت تضامنی عام دارد، با طلبی که در نزد مدیون شرکت دارا است، مجرا نماید، ولی داین شرکت تضامنی عام اگر به موجب احکام مواد هشتاد و سوم و هشتاد و ششم این قانون از شرکت به استحصالی طلب موفق نگردد و به شرکاء مراجعت کند،

محکمه کولای شی د شریکانو پر افلاس حکم صادر کری.

له ارونندی پانگی خخه د شریکانو گتیه نه اخستل
اووه اتیا یمه ماده:

له افلاس سره مخامخ د عام تضامنی شرکت شریکان، نشی کولای د خیلې پانگی له بابتیه د شرکت له شتمنی خخه گتیه واخلی، خو کولای شی نور طلبات د شرکت د دائینو په شان وغواری.

د دین د طلب نه مجرایی
اته اتیا یمه ماده:

د عام تضامنی شرکت مدیون شخص نشی کولای خپل دین له هغه طلب سره چې له شریکانو خخه پر یوه باندى یې لری مجراء کری. همدارنگه یو شریک نشی کولای خپل دین چې د عام تضامنی شرکت په وړاندی یې لری له هغه طلب سره چې د شرکت پر مدیون باندى یې لری، مجراء کری، خو که د عام تضامنی شرکت داین ددی قانون د دری اتیا یمی او شپراتیا یمی مادی د حکم پر موجب له شرکت خخه د طلب په ترلاسه کولو بریالی نشی او شریکانو ته

شريکي که طرف مطالبه داین واقع می‌شود، اگر از داین مذکور طلبی داشته باشد، دراین صورت دین او در مقابل شرکت به مدیونش در برابر شريك محسوب و مجرا می‌شود.

مدت دوام شرکت ماده هشتادونهم:

مدت دوام شرکت تضامنی عام، الی وفات شرکاء یا انحلال شرکت دارای شخصیت حکمی، معتبر شمرده می‌شود، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد. معهذا شرکت تضامنی عامی که مدت دوام آن غیر محدود بوده و ماهیت فعالیت های تجارتي آن باعث محدود نمودن شرکت گردد، دراین صورت دوام فعالیت شرکت با اکمال آن منقضی می‌گردد.

انحلال شرکت ماده نودم:

شرکت تضامنی عام مطابق حکم مندرج ماده پنجاه و سوم این قانون منحل می‌گردد.

مراجعت وکړې، هغه شريك چې د داین د مطالبې اړخ واقع کېږي، که له نوموړي داین څخه طلب لري، پدی صورت کې یې دین د شرکت په وړاندې د هغه مدیون ته د شريك په مقابل کې حساب او مجرا کېږي.

د شرکت د دوام موده نهمه اتيایمه ماده:

د عام تضامنی شرکت د دوام موده د شریکانو تر مړینې یا د حکمی شخصیت لرونکی شرکت تر انحلاله پورې معتبره ګڼل کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. معهذا هغه عام تضامنی شرکت چې د دوام موده یې غیر محدود وي او د سوداګریزو فعالیتونو ماهیت یې د شرکت د محدودیدو باعث شي، پدی صورت کې د شرکت د فعالیت دوام د هغه په بشپړېدو سره منقضی کېږي.

د شرکت انحلال نوي یمه ماده:

عام تضامنی شرکت ددی قانون په دري پنځوسمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، منحل کېږي.

د اعتبار وړ شراکت عقد**یو نوي یمه ماده:**

که چېرې د عام تضامني شراکت په عقد کې داسې شرط وي چې د انحلال د موجب یو یا خو ټاکلي علتونه بې اغېزې وگڼي، د شراکت عقد د اعتبار وړ دی. که چېرې نوموړی شرط د انحلال ټول علتونه او اسباب بې اغېزې گڼلي وي، پدې صورت کې شرط بې اعتباره دی.

د شرکت له انحلال څخه د دائنینو**خبرول****دوه نوي یمه ماده:**

د عام تضامني شرکت له انحلال وروسته، شرکت باید خپل انحلال په خپل موجودیت کې د یوه بدلون په توگه ثبت کړي او د شرکت د انحلال په اړه د هغو دائنینو او نورو اړخونو د خبرتیا لپاره چې له هغه سره معامله لري مقتضي اقدامات وکړي.

لدى وروسته عام تضامني شرکت ددی قانون د حکمونو مطابق د شرکت تصفیه پیلوي، د انحلال په وخت کې د شراکت ټول موجود عقد یا د انحلال له ثبت دمخه عقد

عقد شراکت مدار اعتبار**ماده نود ویکم:**

هرگاه در عقد شراکت تضامنی عام شرطی باشد که یک یا چند علل معین موجب انحلال را بی اثر بداند، عقد شراکت مدار اعتبار می باشد. هرگاه شرط مذکور تمام علل و اسباب انحلال را بی اثر دانسته باشد، در این صورت شرط فاقد اعتبار می باشد.

مطلع ساختن دائنین از**انحلال شرکت****ماده نودودوم:**

بعد از انحلال شرکت تضامنی عام، شرکت باید انحلال خویش را منجیث یک تغییر در موجودیت اش ثبت نموده و اقدامات مقتضی را برای مطلع ساختن دائنین و سایر جوانب که با آن معامله دارد، مبنی بر انحلال شرکت اتخاذ نماید.

بعد از آن شرکت تضامنی عام تصفیه شرکت را مطابق احکام این قانون آغاز می نماید. کلیه عقدشراکت موجوده در زمان انحلال یا عقود منعقدہ قبل از

ثبت انحلال و اطلاعیه های اشخاص ثالث، معتبر باقی مانده و بالای شرکت تضامنی عام و شرکای آن به تأسی از احکام این قانون الزام آور می باشد.

مطلع ساختن شرکاء از انحلال شرکت

ماده نودوسوم:

هرگاه شرکت تضامنی عام برای مدت غیر محدود (غیر معین) تأسیس شده باشد، شریک یا شرکاء می توانند حداقل شش ماه قبل از ختم سال مالی شرکت، شرکای دیگر را با ارسال اطلاعیه کتبی از تصمیم خویش مبنی بر انحلال شرکت تضامنی عام مطلع سازند.

حالات انحلال شرکت مبنی بر حکم محکمه

ماده نودوچهارم:

در شرکتهای تضامنی ای که مدت دوام آنها محدود یا غیر محدود باشد، بر اساس تقاضای یکی از شرکاء، محکمه می تواند در یکی از حالات ذیل به انحلال شرکت اصدار حکم نماید:

شوی عقدونه او د ثالثو اشخاصو خبرتیاوې معتبر پاتې کېږي او پر عام تضامني شرکت او شریکانو باندې، ددی قانون د حکمونو له مخې الزام آور دی.

د شرکت له انحلال څخه د شریکانو خبرول

دري نوي يمه ماده:

که چېرې عام تضامني شرکت د غیر محدودی (نه ټاکلې) مودی لپاره جوړ شوی وي، شریک یا شریکان کولای شي د شرکت د مالي کال له پایته رسېدو لږترلږه شپږمیاشتي دمخه، نور شریکان د لیکلې خبرتیا په استولو سره، د عام تضامني شرکت د انحلال په اړه له خپل تصمیم څخه خبر کړي.

د محکمې د حکم پر بنا د شرکت د انحلال حالات

څلور نوي يمه ماده:

په هغو تضامني شرکتونو کې چې د دوام موده یې محدوده یا غیر محدوده وي، له شریکانو څخه د یوه د غوښتنې پربنسټ، محکمه کولای شي له لاندې حالاتو څخه په یوه کې د شرکت پر انحلال حکم صادر کړي:

- ۱- د ځینو علتونو د موجودیت له امله د شرکت د موخو نه پلي کېدل.
- ۲- د شرکت په اداري او حسابي چارو کې له شریکانو څخه د یوه نه رېښتینولي (صداقت).
- ۳- د هغو اصلي دندو نه ترسره کېدل چې له شریکانو څخه یوه ته سپارل شوي وي.
- ۴- د شخصي گټو لپاره له شریکانو څخه د یوه لخوا د عام تضامني شرکت له عنوان یا مالونو څخه ناوړه گټه اخستنه.
- ۵- د دایمي ناروغۍ یا نورو علتونو له امله له شریکانو څخه د یوه نه کاري وړتیا او اهلیت چې د شرکت د چارو په اجراء کې د هغه د نه وړتیا باعث شي.
- ۶- له شریکانو څخه د یوه لخوا د ژمنې شوې پانگې نه ورکړه، پدی شرط چې دمخه له شریکانو څخه د یوه لخوا د هغې د ورکړې غوښتنه ورڅخه شوې وي.
- ۱- عدم تحقق اهداف شرکت تضامنی بنا بر موجودیت بعضی علل .
- ۲- عدم صداقت یکی از شرکاء در امور اداری و حسابی شرکت.
- ۳- عدم ایفای وظایف اصلی که به یکی از شرکاء تفویض گردیده باشد.
- ۴- سوء استفاده از عنوان یا اموال شرکت تضامنی عام از طرف یکی از شرکاء برای منافع شخصی.
- ۵- عدم قابلیت و اهلیت کاری یکی از شرکاء بالاتر مریضی دائمی یا علل دیگری که باعث عدم قابلیت وی در اجرای امور شرکت گردد.
- ۶- عدم تادیه سرمایه تعهد شده از طرف یکی از شرکاء مشروط بر اینکه تقاضای پرداخت آن قبلاً از طرف یکی از شرکاء از وی، صورت گرفته باشد.

دوام شرکت

ماده نود و پنجم:

هرگاه مدت دوام شرکت تضامنی عام محدود یا با حیات یکی از

د شرکت دوام

پنځه نوي يمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت د دوام موده محدوده یا له شریکانو

شرکاء مربوط باشد، بعد از فوت شریک یا انقضای مدت محدود، شرکت برای مدتی که معاملات انجام ناسدۀ تجارتی را در مطابقت با احکام انحلال مندرج در این قانون تکمیل نماید، موجود پنداشته می شود.

انحلال شرکت منوط به وفات، افلاس یا محجوریت یکی از شرکاء

مادۀ نودوششم:

هرگاه در صورت وفات، افلاس یا محجوریت یکی از شرکاء، شرکت منحل شمرده شود، وارث متوفی یا نماینده قانونی مالی مفلس یا وکیل وی یا متولی قانونی محجور باید بلا تأخیر موضوع را به اطلاع شرکاء برساند. در صورتی که تأخیر غیرموجه در اطلاع دهی باعث گردد که به شرکت خساره ای عاید شود، شرکت تضامنی عام می تواند این خساره را از دارایی شریکی که موجب انحلال شده، جبران نماید، مگر اینکه شرکت تضامنی عام به سایر طرق از وقوع انحلال آگاهی داشته باشد.

خخه دیوه په ژوند پورې اړونده وي، د شریک له مړینې یا محدودی مودی له تېرېدو وروسته، شرکت تر هغې مودی پورې چې سرته نه رسېدلې سوداگریزې معاملې، پدی قانون کې د انحلال له درج شوو حکمونو سره په مطابقت کې بشپړې کړی، موجود گڼل کېږي.

له شریکانو خخه دیوه په مړینې، افلاس یا محجوریت پورې تړلی د شرکت انحلال

شپږنوي یمه ماده:

که چېرې له شریکانو خخه دیوه د مړینې، افلاس یا محجوریت په صورت کې شرکت منحل و گڼل شي، د متوفی وارث یا د مفلس مالی قانونی استازی یا یې وکیل یا د محجور قانونی متولی باید بې له خنډه موضوع د شریکانو خبرتیا ته ورسوي. په هغه صورت کې چې د خبرتیا په رسولو کې غیر موجه خنډ باعث شي چې شرکت ته زیان واوړي، عام تضامنی شرکت کولای شي زیان د هغه شریک له شتمنی خخه چې د انحلال موجب شوی دی جبران کړی، خودا چې عام تضامنی شرکت په نورو لارو د انحلال له پېښېدو خخه خبرتیا ولري.

د شریک له مړینې یا له داوطلبانه وتلو وروسته، د شریکانو د فعالیت دوام اووه نوي یمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت له شریکانو څخه یو په داوطلبانه ډول ووځي یا مړ شي، عام تضامني شرکت له وتلي شریک یا د متوفي له ورثې سره د حسابونو له تصفیې پرته خپلو سوداگریزو فعالیتونو ته دوام ورکولی شي، خودا چې د شراکت په عقد کې بل ډول موافقه شوې وي که چېرې وتلی شریک یا د متوفي ورثه یا یې قانوني استازي د انحلال په وخت کې له شرکت سره گټې ولري، د عادی دائینو په توگه کولای شي په منحل شوی عام تضامني شرکت کې د خپلو گټو له ارزښت سره برابر مبالغ له مفاد سره یوځای لاسته راوړي یا دا چې کولای شي د ټکتانې په عوض، د منحل شوی عام تضامني شرکت په شتمنی کې د وتلي شریک یا د متوفي د ورثې د حقوقو له استفادې څخه راپیدا شوې گټه لاسته راوړي، پدې شرط چې د عام تضامني شرکت دائینو

ادامه فعالیت شرکت بعد از وفات یا خروج داوطلبانه شریک ماده نودوهفتم:

هرگاه یکی از شرکای شرکت تضامنی عام طور داوطلبانه خارج یا وفات نماید، شرکت تضامنی عام بدون تصفیة حسابات بین شریک خارج شده یا ورثه متوفی به فعالیت های تجارتی خود دوام داده می تواند. مگر این که در عقد شراکت طور دیگری توافق صورت گرفته باشد. هرگاه شریک خارج شده یا ورثه متوفی و یا نمایندگان قانونی آنها حین انحلال نزد شرکت منافع داشته باشند، بحيث دائین عادی می توانند مبالغ مساوی به ارزش منافع خویش را در شرکت تضامنی عام منحل شده، همراه با مفاد بدست آورند یا اینکه می توانند در عوض تکتانه، منفعت ناشی از استفاده از حقوق شریک خارج شده یا ورثه متوفی را در دارایی شرکت تضامنی عام منحل شده، بدست آورند، مشروط بر اینکه به دائین شرکت

تضامنی عام در مقابل دائنین یا نمایندگان شريك خارج شده و یا ورثه متوفی، در طلب مندرج این ماده حق اولیت داده شود.

محجوریت شريك

ماده نودوهشتم:

هرگاه یکی از شرکاء محجور گردد، حکم مندرج ماده نودوهفتم این قانون در مورد قابل تطبیق میباشد.

افلاس شرکاء

ماده نودونهم:

هرگاه یکی از شرکاء به افلاس مواجه گردد، از شرکت تضامنی اخراج میگردد، مگر این که در عقد شراکت طوردیگری تصریح شده باشد.

اخراج شريك به اساس حکم

محکمه

ماده صدم:

هرگاه انحلال شرکت تضامنی عام از طرف یکی از شرکاء تقاضا شده باشد، محکمه میتواند از اثر تقاضای سایر شرکاء به اخراج شريك مذکور و به دوام کار شرکت، اصدار

تسه و وتلي شريك یا د متوفی د ورثي د دائنینو په وړاندی، پدی ماده کې درج شوی طلب ته د لومړیتوب حق ورکړل شي.

د شريك محجوریت

اته نوي یمه ماده:

که چېرې له شريكانو څخه یو محجور شي، ددی قانون په اووه نوي یمه ماده کې درج شوی حکم، پدی هکله د تطبیق وړ دی.

د شريكانو افلاس

نهه نوي یمه ماده:

که چېرې له شريكانو څخه یو له افلاس سره مخامخ شي، له تضامنی شرکت څخه ایستل کېږي، خو دا چې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

د محکمې د حکم پر بنسټ د

شريك ایستل

سلمه ماده:

که چېرې له شريكانو څخه د یوه لخوا د عام تضامنی شرکت انحلال غوښتل شوی وي، محکمه کولای شي د نورو شريكانو د غوښتنې له مخې د نوموړي شريك په ایستلو او د شرکت د کار پر دوام حکم

صادر کری.

حکم نماید.

د شرکت د انحلال غوښتنه یا د هغه رد

یو سلو یوه یمه ماده:

که چېرې له شریکانو څخه یو د هغه عام تضامنی شرکت چې موده یې غیر محدوده ده، انحلال وغواړي، یو یا له یوه څخه زیات شریکان کولای شي د انحلال غوښتنه رد او په شرکت کې خپل فعالیت ته دوام ورکړي، پدې صورت کې د شریک ایستل ددی قانون د حکمونو مطابق محکمې ته راجع کېږي.

د شریکانو د یوه په واسطه د شرکت د انحلال غوښتنه

یو سلو دوه یمه ماده:

که چېرې د هغه عام تضامنی شرکت چې موده یې محدوده وي له شریکانو څخه یو ددی قانون د څلور نوي یمې مادې د حکم پر بنسټ د شرکت د انحلال غوښتنه وکړي، شریک یا نور شریکان کولای شي د هغه برخه ورکړي او خپل فعالیت ته دوام ور کاندی.

درخواست انحلال شرکت یا رد آن

ماده یکصدویکم:

هرگاه یکی از شرکاء، انحلال شرکت تضامنی عام را که مدت آن غیر محدود است، درخواست نماید، یک یا بیش از یک شریک می توانند تقاضای انحلال را رد و به فعالیت شان در شرکت ادامه دهند، در این صورت اخراج شریک طبق احکام این قانون به محکمه راجع می گردد.

درخواست انحلال شرکت توسط یکی از شرکاء

ماده یکصدو دوم:

هرگاه یکی از شرکای شرکت تضامنی عامیکه مدت آن محدود و به اساس حکم ماده نود و چهارم این قانون درخواست انحلال شرکت را نماید، شریک یا شرکای دیگر می توانند حصه وی را پرداخته و به فعالیت خود ادامه دهند.

د شتمنی او دیونو پر پښودل**یو سلو دریمه ماده:**

که چېرې عام تضامنی شرکت له دوو نفرو څخه جوړ وي او یو یې ووځي، محکمه کولای شي د بل شریک په غوښتنه په مؤجهو دلیلونو سره مستند د انحلال یا تصفیې له حکم پرته د نوموړي شرکت ټوله شتمنی او دیون پاتې شریک ته پرېږدي، پدې صورت کې د وتلي شریک په باره کې ددی قانون د یوسلو څلورمې او یو سلو پنځمې مادې حکم د تطبیق وړ دی.

له انحلال وروسته د ادارې او د**معاملو د چارو دوام****یو سلو څلورمه ماده:**

که چېرې عام تضامنی شرکت له دوو نفرو څخه جوړ وي او له شریکانو څخه د یوه شخصي داین ددی قانون د یوسلو اتمې مادې د حکم مطابق د شرکت د انحلال غوښتنه وکړي یا له شریکانو څخه یو له افلاس سره مخامخ شي، بل شریک کولای شي، ددی قانون د یوسلو دوه یمې مادې د حکم له په پام کې نیولو سره د شرکت د چارو ادارې او معاملو ته په خپل حساب

واگذاری دارایی و دیون**ماده یکصد و سوم:**

هرگاه شرکت تضامنی عام متشکل از دو نفر باشد و یکی آن خارج گردد، محکمه می تواند بلا اثر درخواست شریک دیگر مستند با دلایل مؤجه بدون حکم انحلال یا تصفیه، تمام دارایی و دیون شرکت متذکره را به شریک باقی مانده واگذار نماید، در این صورت درباره شریک خارج شده حکم مواد یکصد و چهارم و یکصد و پنجم این قانون قابل تطبیق است.

ادامه اداره و امور معاملات بعد از**انحلال****ماده یکصد و چهارم:**

هرگاه شرکت تضامنی عام متشکل از دو نفر باشد و داین شخصی یکی از شرکا، مطابق حکم ماده یکصد و هشتم این قانون انحلال شرکت را تقاضا نماید یا یکی از شرکا به افلاس مواجه گردد، شریک دیگر می تواند با رعایت حکم ماده یکصد و دوم این قانون اداره امور و معاملات شرکت را به حساب خود

دوام ورکړی.

ادامه دهد.

د هغه شریک د گټې ورکړه چې له شرکت څخه وځي یوسلو پنځمه ماده:

تادیة مفادشریکي که از شرکت خارج می شود ماده یکصد و پنجم:

(۱) د هغه شریک گټه چې له عام تضامني شرکت څخه ایستل کېږي یا په خپله وځي، له هغې نېټې څخه چې د ایستلو غوښتنه کېږي، د شرکت له شتمني څخه ټاکل کېږي او مجموعي مبلغ یې په نغدي توگه ورکول کېږي، خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۱) مفاد شریکي که از شرکت تضامنی عام اخراج یا خود خارج می شود، از تاریخی که تقاضای اخراج به عمل میاید، از دارایی شرکت تعیین و مبلغ مجموعی آن طور نغده تأدیة می گردد، مگر اینکه در عقد طوردیگری تصریح شده باشد.

(۲) ددی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی شریک گټه، د شراکت د عقد د ټاکلي مودی مطابق، که چېرې د شراکت په عقد کې تصریح شوي نه وي، د لومړني بیلانس شیت د ترتیبولو په وخت کې، د شریک له وتلو وروسته ورکول کېږي.

(۲) مفاد شریک مندرج فقره (۱) این ماده مطابق زمان معینه عقد شراکت، هرگاه در عقد شراکت تصریح نشده باشد، حین ترتیب اولین بیلانس شیت بعد از خارج شدن شریک پرداخته می شود.

د ایستل شوی شریک ونډه او د شرکت په تصمیم کې نه لاس وهنه یو سلو شپږمه ماده:

سهم شریک اخراج شده وعدم مداخله در تصمیم شرکت ماده یکصد و ششم:

هغه شریک چې له شرکت څخه ایستل کېږي یا په خپله وځي، له وتلو دمخه د شرکت په حقوقو، امتیازونو او معاملاتې وجیبو کې

شریکي که از شرکت اخراج یا خود خارج می شود، در حقوق، امتیازات و وجایب معاملاتې شرکت قبل از خروج سهم

می‌باشد، ولی نمی‌تواند اجرای معاملات را که قبلاً در مورد آن توسط سایر شرکا اقدام یا به اقدام آن تصمیم اتخاذ گردیده، مانع شود. هرگاه تصفیة امور شرکت طور عاجل ممکن نباشد، شریک اخراج شده می‌تواند در اخیر سال مالی شرکت، حسابات امور شرکت را که در ظرف سال مالی صورت گرفته، مطالبه و در مورد معاملات جاری در ختم سال مالی از شرکا نیز کسب معلومات نماید.

ادای دین شخصی

ماده یکصد و هفتم:

اخراج یا خروج شریک از شرکت تضامنی عام در مقابل اشخاص ثالث از تاریخ ثبت و اعلان معتبر است و قبل از تاریخ ثبت و اعلان مسئولیت آن در مقابل اشخاص ثالث باقی است.

برخوال دی، خوشی کولای د هغو معاملو چي د مخه د هغو په هکله د نورو شریکانو لخوا اقدام شوی یا یې د اقدام تصمیم نیول شوی دی د اجراء خنډ شي، که چیرې د شرکت د چارو تصفیة په بیړنی توگه ممکنه نه وي، ایستل شوی شریک کولای شي، د شرکت د مالی کال په پای کې، د شرکت د چارو حسابونه چي د مالی کال په اوږدو کې یې صورت موندلی و غواړي او د جاری معاملو په هکله د مالی کال په پای کې له شریکانو څخه هم معلومات واخلي.

د شخصي دین ادا کول

یو سلو اوومه ماده:

له عام تضامنی شرکت څخه د شریک ایستل یا وتل د ثالثو اشخاصو په وړاندې د ثبت او اعلان له نېټې څخه معتبر دی او د ثبت او اعلان له نېټې دمخه یې مسئولیت د ثالثو اشخاصو په وړاندې باقی دی.

دین نه ترلاسه کول یو سلو اتمه ماده:

که چېرې د عام تضامني شرکت د شریک شخصي داین خپل دین د مدیون له شخصي مالونو څخه ترلاسه نکړای شي، حق لري د عام تضامني شرکت د تصفیې په وخت کې د مدیون شریک برخه د محکمې د حکم پر بنسټ تر څارنې لاندې و نیسي او د شرکت انحلال د مالي کال په پای کې ددی قانون د سلمې مادې په حکم کې د درج شوو قانع کوونکو دلیلونو پر بناء وغواړي، د مخه تردی چې د انحلال حکم تطبیق شي. عام تضامني شرکت یا نور شریکان کولای شي د محکمې د حکم له تطبیق د مخه دین اداء یا مدیون شریک ددی قانون د یو سلو پنځمې مادې د حکم مطابق و باسي. پدی صورت کې د محکمې حکم ساقطېږي.

د شرکتونو الحاق یو سلو نهمه ماده:

دوه شرکتونه یا زیات عام تضامني شرکتونه کولای شي د یوه نوي عام تضامني شرکت د جوړولو په

عدم حصول دین ماده یکصد و هشتم:

هرگاه دائن شخصی شریک شرکت تضامنی عام دین خویش را از اموال شخصی مدیون تحصیل کرده نتواند، حق دارد حین تصفیة شرکت تضامنی عام، حصه شریک مدیون را به اساس حکم محکمه تحت مراقبت گرفته و انحلال شرکت را در اخیر سال مالی بنا بر دلایل مقنع مندرج حکم ماده صدم این قانون تقاضا نماید، قبل از آنکه حکم انحلال تطبیق گردد. شرکت تضامنی عام یا شرکاء دیگر می توانند قبل از تطبیق حکم محکمه دین را ادا یا شریک مدیون را طبق حکم ماده یکصد و پنجم این قانون اخراج نمایند. در این صورت حکم محکمه ساقط می گردد.

الحاق شرکت ها ماده یکصد و نهم:

دو شرکت یا شرکتهای متعدد تضامنی عام می توانند بمنظور تشکیل یک شرکت تضامنی عام

جدید با یکدیگر ملحق یا طور دیگری با هم مدغم گردد. در این صورت شرکت تضامنی عام جدید حاصله بحیث تداوم شرکت های تضامنی عام قبلی شناخته شده و منحل شده پنداشته نمی شوند.

توافق شرکاء مبنی بر الحاق شرکت ماده یکصد و دهم:

برای الحاق شرکت های تضامنی عام به توافق کلیه شرکاء، تصاویر جداگانه که از طرف شرکت های مربوط به عمل آمده ثبت و اعلان می گردد. مگر اینکه در عقد طور دیگری تصریح شده باشد. الحاق با ثبت یا اعلان، هر کدام که موخر باشد، معتبر است.

ترتیب بیلانس شرکتهای ملحقه ماده یکصد و یازدهم:

هریک از شرکت های ملحقه مکلف اند، بیلانس خود را بصورت متحد الشکل ترتیب و اعلان کنند. در عین حال تصمیمی را که برای تأدیه دیون اتخاذ می نمایند، تصویب و با بیلانس ضمیمه نمایند. هر شریک می تواند قبل از الحاق، بیلانس و شرح مربوط آن را دریافت نمایند.

منظور یو له بل سره ملحق یا په بل ډول سره مدغم شي. پدی صورت کې نوی رامنځته شوی عام تضامنی شرکت د دمخه عامو تضامنی شرکتونو تداوم پېژندل کېږي او منحل شوی نه گڼل کېږي.

د الحاق په اړه د شریکانو موافقه یو سلو لسمه ماده:

د عامو تضامنی شرکتونو د الحاق لپاره د ټولو شریکانو په موافقه هغه جلا تصویبونه چې د اړوندو شرکتونو له خوا صورت مومي، ثبت او اعلانېږي خو دا چې په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي. الحاق په ثبت یا اعلان سره هر یو چې موخر وي، معتبر دی.

د ملحقه شرکتونو د بیلانس ترتیبول یو سلو یوولسمه ماده:

له ملحقه شرکتونو څخه هر یو مکلف دی، خپل بیلانس په متحد الشکل ډول ترتیب او اعلان کړي، په عین حال کې کوم تصمیم چې د دیونو د ورکړې لپاره یې نیسي، تصویب او له بیلانس سره دی ضمیمه کړي. هر شریک کولای شي له الحاق دمخه، بیلانس او په هغه پورې اړونده شرح ترلاسه کړي.

د شرکت له الحاق څخه د دائنینو خبرول

یو سلو دوولسمه ماده:

هغه تصویب چې د عامو تضامني شرکتونو د الحاق په هکله صورت مومي، د ثبت او اعلان له نېټې څخه درې میاشتې وروسته نافذېږي، له ملحق شوو شرکتونو څخه هر یو مکلف دی پېژندل شوی د ائین د الحاق په هکله خبر کړي. په هغه صورت کې چې الحاق شوی عام تضامني شرکتونه خپل دیون ورکړي یا هغومره مبالغ چې د دیونو معادل یې وي له معتبرو بانکونو څخه په یوه کې په امانت (ودیععه) کښېږدي یا د ائین د شرکتونو په الحاق راضي شي، په هغه صورت کې د دریو میاشتو انتظار د مودی تېرېدل حتمي ندی. هغه رسید چې د دیونو معادل مبالغو په وړاندې له بانک څخه اخستل کېږي هم باید ثبت او اعلان شي. د الحاق شوو شرکتونو له دائنینو څخه هریو، د دریو میاشتو په ترڅ کې د الحاق په هکله اړوندې محکمې ته اعتراض کولای شي او تر هغه وخته چې

مطلع ساختن د ائین از الحاق شرکت

ماده یکصد و دوازدهم:

تصویبې که راجع به الحاق شرکت های تضامنی عام بعمل می آید، از تاریخ ثبت و اعلان، سه ماه بعد نافذ می گردد. هریک از شرکت های ملحق شده مکلف اند د ائین شناخته شده را در مورد الحاق مطلع سازند. در صورتی که شرکت های تضامنی عام الحاق یافته دیون خود را تأدیه یا مبالغی را که معادل دیون شان باشد به یکی از بانک های معتبر به ودیعه بگذارند یا د ائین به الحاق شرکتهای راضی شوند، در آن صورت انقضای مدت سه ماه انتظار حتمی نمی باشد. رسیدی که در مقابل مبالغ معادل دیون از بانک اخذ می شود نیز باید ثبت و اعلان گردد. هریکی از د ائین شرکت های الحاق یافته در خلال سه ماه در خصوص الحاق به محکمه مربوطه اعتراض کرده می توانند و تا زمانیکه از حق اعتراض منصرف نگردند و یا قرار

محکمہ در بارہ دائن معترض کسب قطعیت ننماید، الحاق صورت گرفته نمی تواند.

مدت اعتراض مبنی بر الحاق

ماده یکصد و سیزدهم:

هرگاه در خلال مدتی که در ماده یکصد و دوازدهم این قانون پیشبینی شده است، اعتراض صورت نگیرد، معامله الحاق کسب قطعیت مینماید. شرکتی که جدیداً تشکیل می شود، قایم مقام شرکت های تضامنی قبلی بوده کلیه حقوق و دیون به آن انتقال می یابد. در این صورت شرکت تضامنی جدید ثبت و اعلان می گردد.

تصفیه معاملات

ماده یکصد و چهاردهم:

هرگاه در عقد شرکت تضامنی عام راجع به تصفیه معاملات شرکت تضامنی تصریح نگردیده باشد، تصفیه معاملات شرکت مطابق احکام این قانون صورت می گیرد.

داعتراض له حق خخه منصرف نشی یا دمعترض داین په هکله دمحکمې قرار قاطعیت ونه مومی، الحاق صورت نشی موندلی.

دالحاق په اړه داعتراض موده

یوسلو دیارلسمه ماده:

که چېرې دهغې مودی په ترخ کې چې ددی قانون په یوسلو دوولسمه ماده کې اټکل شوې ده، اعتراض صورت ونه مومی، دالحاق معامله قطعیت پیدا کوي، هغه شرکت چې نوی جوړېږي د دمخنیو تضامنی شرکتونو قایم مقام دی، ټول حقوق او دیون ورته لېږدېږي. پدی صورت کې نوی تضامنی شرکت ثبت او اعلانېږي.

دمعاملو تصفیه کېدل

یوسلو خوارلسمه ماده:

که چېرې دعام تضامنی شرکت په عقد کې دتضامنی شرکت دمعاملو دتصفیه په هکله تصریح نه وي شوي، دشرکت دمعاملو تصفیه، ددی قانون د حکمونو مطابق صورت مومی.

د شرکت تصفیه

یوسلو پنخلسمه ماده :

د عام تضامنی شرکت د معاملو تصفیه د تصفیې د مامورینو په غاړه .
۵۵.

د شرکت د تصفیې مامورین

یوسلو شپاړسمه ماده :

د تصفیې مامورین عبارت دی له :
۱- هغه اشخاص چې د عام تضامنی شراکت په عقد کې د تصفیې د مامورینو په توگه ټاکل شوی وي .

۲- هغه اشخاص چې د تضامنی شراکت په عقد کې ټاکل شوی نه وي، هغه اشخاص چې د شریکانو په واسطه د عام تضامنی شرکت له انحلال دمخه یا وروسته د تصفیې د مامورینو په توگه ټاکل شوی وي .

۳- که چېرې د تصفیې مامورین ټاکل شوی نه وي ، له شریکانو څخه هریو یا یې قانوني وکیلان د عام تضامنی شرکت د معاملو د تصفیې مامور گڼل کېږي، له شریکانو څخه د هریوه د مراجعې په صورت کې د تصفیې مامورین داړوندی محکمې لخوا ټاکل کېږي .

تصفیه شرکت

ماده یکصد و پانزدهم:

تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام برعهده مامورین تصفیه می باشد .

مامورین تصفیه شرکت

ماده یکصد و شانزدهم:

مامورین تصفیه عبارت اند از:

۱- اشخاصی که در عقد شراکت تضامنی عام بحیث مامورین تصفیه تعیین شده باشند .

۲- اشخاصی که در عقد شراکت تضامنی تعیین نشده باشند ، اشخاصی که توسط شرکاء قبل یا بعد از انحلال شرکت تضامنی عام، منحیث مامورین تصفیه تعیین شده باشند .

۳- هرگاه مامورین تصفیه تعیین نشده باشند ، هریکی از شرکاء یا وکلای قانونی شان، مامور تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام شمردده می شوند، در صورت مراجعه هریک از شرکاء، مامورین تصفیه از طرف محکمه مربوطه تعیین می گردند .

د تصفیہ د مامورینو ټاکل**یوسلو اولسمه ماده:**

د تصفیہ مامورین چې د شریکانو لخوا غوره یا د محکمې په واسطه ټاکل کېږي، کېدای شي د شریکانو له منځه یا د شرکت له شریکانو څخه بهر وي.

پرتصفیہ لاس پورې کول**یوسلو اتلسمه ماده:**

که چېرې د عام تضامني شرکت د چارو د تصفیہ مسئولیت له یوه څخه د زیاتو د تصفیہ د مامورینو په غاړه وي، د تصفیہ مامورین کولای شي په خپلو کې په اتفاق او گډې هڅې سره د عام تضامني شرکت د معاملو په تصفیہ کولو لاس پورې کړي. په هغه صورت کې چې د تصفیہ له مامورینو څخه یو په خپلواکه توګه د یوې مشخصې موضوع په هکله اقدام وکړي، مکلف دی موضوع د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت اود هغو ثالثو اشخاصو خبرتیا ته یې چې د عام تضامني شرکت د معاملو په تصفیہ کې قرار لري، ورسوي.

تعیین مامورین تصفیہ**ماده یکصد و هجدهم:**

مامورین تصفیہ که از طرف شرکاء انتخاب یا توسط محکمه تعیین می گردند، می تواند از میان شرکاء یا خارج از شرکای شرکت باشند.

اقدام به تصفیہ**ماده یکصد و هجدهم:**

هرگاه مسئولیت تصفیة امور شرکت تضامنی عام به عهده بیش از يك نفر مامور تصفیہ باشد مامورین تصفیہ می توانند به اتفاق هم با تشریک مساعی در تصفیة معاملات شرکت تضامنی عام اقدام نمایند. در صورتی که یکی از مامورین تصفیہ طور مستقل در مورد یکی از موضوعات مشخص اقدام نماید، مکلف است موضوع را در دفتر ثبت مرکزی ثبت و به اطلاع اشخاص ثالثی که در تصفیہ معاملات شرکت تضامنی عام قرار دارند، برساند.

تصفیه‌ی ته د شرکت د غرو و توظیفول**یوسلو نولسمه ماده :**

که چېرې عام تضامنی شرکت د تصفیه‌ی په بهیر کې د معاملو په اجراء کولو لاس پورې کړی، د تصفیه‌ی مامورین کولای شي، د هغو د سرته رسولو لپاره له ثالث شخص سره، له خپلو غرو څخه یوازې یو توظیف کړی. په هغه صورت کې چې دغه ډول معاملې د شرکت د چارو د تصفیه‌ی په منظور سرته رسېدلې وي، پر نوموړي شرکت الزام راوړونکې دی.

د تصفیه‌ی په حال کې تضامنی**شرکت معاملي****یوسلو شلمه ماده:**

که چېرې د عام تضامنی شرکت معاملي د تصفیه‌ی په حال کې وي (د عام تضامنی شرکت د تصفیه‌ی) عبارت په هغو ټولو عقودو او سندونو کې چې د عام تضامنی شرکت په نوم ترتیبېږي، درج اود تضامنی شرکت د تصفیه‌ی د مامور یا مامورینو لخوا لاسلیک کېږي. په هغه صورت کې چې د عام تضامنی شرکت د تصفیه‌ی په ترڅ کې دغه ډول عبارت په عقد یا

توظیف اعضای شرکت به تصفیه**ماده یکصدونزد هم:**

هرگاه شرکت تضامنی عام در جریان تصفیه به اجرای معاملات بپردازد، مامورین تصفیه می‌توانند برای انجام آن با شخص ثالث، صرف یکی از اعضای خود را، توظیف نمایند. در صورتی که چنین معاملات بمنظور تصفیه امور شرکت انجام شده باشد، بر شرکت متذکره الزام آور می‌باشد.

معاملات شرکت تضامنی در حال**تصفیه****ماده یکصد و بیستم:**

هرگاه معاملات شرکت تضامنی عام در حال تصفیه باشد، عبارت (تصفیه شرکت تضامنی عام) در تمام عقود یا سایر اسنادی که بنام شرکت تضامنی عام ترتیب می‌شود، درج و توسط مامور یا مامورین تصفیه شرکت تضامنی امضاء می‌گردد. در صورتی که حین تصفیه شرکت تضامنی چنین عبارتی در عقد یا سایر اسناد مرتبه، بنام شرکت تضامنی درج

نگردد، شرکت تضامنی و مامور یا مامورین تصفیه در خصوص چنین عقد یا سایر اسناد در مقابل اشخاص ثالث مسئول می باشند، مگر اینکه شخص ثالث از انحلال شرکت تضامنی عام یا تصفیه معاملات آن مطلع باشد.

حق رجحان

ماده یکصد و بیست و یکم:

حق رجحان داینین شرکت تضامنی عام نسبت به داینین شخصی شرکاء حتی بعد از انحلال شرکت محفوظ می باشد.

عدم تکافوی دارائی شرکت
حین انحلال آن برای تسویه
دیون

ماده یکصد و بیست و دوم:

هرگاه دارایی شرکت تضامنی عام در هنگام انحلال برای تسویه دیون آن کافی نباشد، محکمه می تواند مطابق احکام قانون به افلاس شرکت تضامنی عام حکم صادر نماید.

نورو مرتبه سندونو کی دتضامنی شرکت په نوم درج نشي، تضامنی شرکت او د تصفیې مامور یا مامورین د دغه ډول عقد یا نورو سندونو په خصوص کې دثالثو اشخاصو په وړاندې مسئول دی، خو داچې ثالث شخص دعام تضامنی شرکت له انحلال یا یې د معاملو له تصفیې څخه خبروي .

د رجحان حق

یوسلو یوویشتمه ماده :

دعام تضامنی شرکت د داینینو درجحان حق، دشریکانو دشخصي داینینو په نسبت حتی دشرکت له انحلال وروسته خوندي وي .

د دیونو د تسویې لپاره د انحلال
په ترڅ کې د شرکت د شتمنی
کفایت نه کول

یوسلو دوه ویشتمه ماده :

که چېرې دعام تضامنی شرکت شتمنی د انحلال په وخت کې دهغه د دیونو د تسویې لپاره بس (کافي) نه وي، محکمه کولای شي دقانون د حکمونو مطابق دعام تضامنی شرکت پر افلاس حکم صادر کړي.

د عقد پرموجب د تصفیې دامور لري کول

یوسلو درویشتمه ماده :

د تصفیې هغه مامورین چې دعام تضامنی شراکت د عقد پرموجب د شرکت له انحلال دمخه او یا وروسته د شریکانو له خپل منځ یا له بهر څخه غوره شوی وي، د شریکانو در آیو په اتفاق لري کېدای شي، دغه اتفاق په صورت کې، له شریکانو څخه د هریوه د غوښتنې په اثر، د تصفیې مامورین د محکمې لخوا لري کېدای شي .

د محکمې لخوا د تصفیې دامور لري کېدل

یوسلو څلېریشتمه ماده :

د تصفیې هغه مامور چې د محکمې لخوا ټاکل شوی وي، لري کېدل یې یوازې د محکمې لخوا صورت مومي .

د تصفیې په چارو کې د همکاری غوښتنه

یوسلو پنځه ویشتمه ماده :

د تصفیې مامورین د تضامنی شرکت د انحلال په وخت کې کولای شي: ۱- د شرکت له مدیرانو څخه،

عزل مامور تصفیه به موجب عقد

ماده یکصدویست وسوم:

مامورین تصفیه که به موجب عقد شراکت تضامنی عام قبل و یا بعد از انحلال شرکت از میان خود شرکاء یا خارج آن انتخاب شده باشند، باتفاق آرای شرکاء عزل شده می‌توانند، در صورت عدم اتفاق، بالاترتقاضای هر یکی از شرکاء، مامورین تصفیه از طرف محکمه عزل شده می‌توانند.

عزل مامور تصفیه از طرف محکمه

ماده یکصدویست و چهارم:

مامور تصفیه ای که از طرف محکمه تعیین شده باشد، عزل آن تنها از طرف محکمه صورت می‌گیرد .

تقاضای همکاری در امور تصفیه

ماده یکصدویست و پنجم:

مامورین تصفیه حین انحلال شرکت تضامنی می‌توانند: ۱- از مدیران شرکت، در صورت

موجودیت آنها، همکاری را در امور تصفیة شرکت تضامنی عام تقاضا نمایند.

۲- در صورت عدم همکاری مدیران شرکت، صورت حساب دارایی و بیلانس شیت جاری شرکت تضامنی عام را ترتیب نمایند.

۳- در صورت لزوم می توانند برآورد ارزش دارایی شرکت تضامنی عام را به منظور تعیین قیمت آن بدست آورند.

بعد از امضای دفتر مربوط و بیلانس شیت مرتبه از طرف مدیران شرکت، به حضور آنها، کنترل و مسئولیت دارایی و حسابات شرکت تضامنی عام را به عهده بگیرند.

محافظت دارایی شرکت

ماده یکصد و بیست و ششم:

مامورین تصفیة حین تصفیة معاملات شرکت تضامنی عام، مسئول محافظت تمام دارایی و دفاتر حسابی شرکت می باشند.

دهغوی د موجودیت په صورت کې دعام تضامنی شرکت د چارو په تصفیة کې د همکاری، غوښتنه وکړی .

۲- د شرکت د مدیرانو د نه همکاری په صورت کې دی دعام تضامنی شرکت د شتمنی صورت حساب او روان (جاری) بیلانس شیت ترتیب کړی.

۳- د لزوم په صورت کې کولای شي دعام تضامنی شرکت د شتمنی د ارزښت برآورد، دهغې د بیې د ټاکلو په منظور لاسته راوړي .

د شرکت د مدیرانو لخوا د دفتر او ترتیب شوی بیلانس شیت له لاسلیک وروسته دی، د دوی په حضور، دعام تضامنی شرکت د شتمنی او حسابونو کنترول او مسئولیت په غاړه واخلي.

د شرکت د شتمنی ساتنه

یوسلو شپږویشتمه ماده :

د تصفیې مامورین، دعام تضامنی شرکت د معاملو د تصفیې په وخت کې، د شرکت د ټولې شتمنی او حسابی د دفترونو د ساتنې مسئول دی .

د تصفیې د مامور مکلفیت

یوسلو اووه ویشتمه ماده:

د تصفیې مامورین د لاندې چارو په اجراء کولو مکلف دی:

۱- د عام تضامني شرکت د ټولو معاملو تصفیه چې له انحلال دمخه پیل شوې وي، بشپړ وي.

۲- د عام تضامني شرکت د دینونو او نورو طلباتو تصفیه نغداً اود د ائینونو د موافقې په صورت کې جنساً ورکوي.

۳- د عام تضامني شرکت طلبات له ثالث شخص څخه تحصیل او جنسي شتمنی یې په نغده تبدیليوي.

۴- دهغو معاملو د سرته رسولو لپاره چې د تضامني شرکت د حسابونو د راټولولو اود شریکانو ترمنځ د نوموړي شرکت د شتمنی د وپشلو لپاره لازمې دي، لازم تدبیرونه نیسي.

د تصفیې مامور د شرکت د حکمي

شخصیت د ممثل په توگه

یوسلو اته ویشتمه ماده:

د تصفیې په حال کې د عام تضامني شرکت د تصفیې مامورین د محکمو

مکلفیت مامور تصفیه

ماده یکصدویست وهفتم:

مامورین تصفیه مکلف به اجرای امور ذیل می باشند:

۱- تصفیه تمام معاملات شرکت تضامنی عام را که قبل از انحلال شرکت آغاز شده باشد، تکمیل می نمایند.

۲- تصفیه دیون و سایر طلبات شرکت تضامنی عام را نقداً و در صورت موافقت د ائین جنساً تأدیه می نمایند.

۳- طلبات شرکت تضامنی عام را از شخص ثالث تحصیل و دارایی های جنسی آن را به نقد تبدیل می نمایند.

۴- تدابیر لازم را جهت انجام معاملات که برای جمع آوری حسابات شرکت تضامنی و تقسیم دارایی شرکت متذکره بین شرکاء لازم است، اتخاذ می نمایند.

مامور تصفیه به حیث ممثل

شخصیت حکمی شرکت

ماده یکصدویست وهشتم:

مامورین تصفیه شرکت تضامنی عام در حال تصفیه، ممثل

شخصیت حکمی شرکت در برابر محاکم یا سایر شخصیت های حکمی می باشد.

عدم انجام معامله که مربوط به تصفیۀ شرکت نباشد
ماده یکصد و بیست و نهم:

مأمورین تصفیه نمی توانند معامله ای را که مربوط به تصفیۀ معاملات شرکت تضامنی عام نباشد، انجام دهند. در صورت انجام، مسئولیت ناشی از آن، بدوش آنها می باشد.

حل و فصل معاملات شرکت
ماده یکصد و سی ام:

مأمورین تصفیه می توانند جهت حل و فصل معاملات شرکت تضامنی عام، مذاکرات را انجام یا در صورت ضرورت حکم راتعیین نمایند.

فروش اموال شرکت
ماده یکصد و سی و یکم:

مأمورین تصفیه می توانند اموال منقول شرکت تضامنی عام را از طریق مزایده و یا طوری دیگری که منفعت اعظمی شرکت را تأمین نماید، به فروش برسانند. اما اموال

یا نورو حکمی شخصیتونو په وړاندی، د شرکت د حکمی شخصیت ممثل دی.

دهغې معاملې سرته نه رسول چې د شرکت په تصفیې پورې اړه نلري
یوسلو نهه ویشتمه ماده:

د تصفیې مامورین نشي کولای هغه معامله چې د عام تضامني شرکت د معاملو په تصفیې پورې اړونده نه وي، سرته ورسوي، د سرته رسولو په صورت کې، له هغې څخه راپیدا شوی مسئولیت دهغوی په غاړه دی.

د شرکت د معاملو حل او فصل
یوسلو دیرشمه ماده:

د تصفیې مامورین کولای شي دعام تضامني شرکت د معاملو د حل او فصل لپاره، مذاکرې سرته ورسوي یا داړتیا په صورت کې حکم وټاکي.

د شرکت د مالونو پلورل
یوسلو یو دیرشمه ماده:

د تصفیې مامورین کولای شي دعام تضامني شرکت منقول مالونه د مزایدی له لارې یا په بل ډول چې د شرکت اعظمي گټه تأمین کړی وپلوري، خو دعام تضامني شرکت

غیرمنقول شرکت تضامنی عام در صورتی که شرکاء طور دیگری موافقه نکرده باشند، صرف از طریق مزایده بفروش رسیده می‌تواند. موجودیت صغیر یا محجور در بین شرکاء نمی‌تواند مانع فروش اموال منقول و غیرمنقول شرکت تضامنی عام گردد.

انجام معامله که مربوط به تصفیه شرکت نباشد

ماده یکصدوسی و دوم:

مامورین تصفیه، در صورتی که به اساس توافق شرکاء از طرف محکمه تعیین گردیده باشند، در صورت ضرورت می‌توانند معاملات را که مربوط امور تصفیه شرکت تضامنی عام نمی‌باشد، انجام دهند.

پرداخت دیون مؤجله

ماده یکصدوسی و سوم:

مامورین تصفیه شرکت تضامنی عام مکلف اند دیون مؤجله شرکت در حال تصفیه را در صورت قبول داین به شکل تنزیل (دسکونت) هرچه زودتر تأدیسه نمایند.

غیر منقول مالونه، په هغه صورت کې چې شریکانو بل ډول موافقه نه وي کړې، یوازې د مزایدی له لارې پلورل کېدی شي، د صغیر یا محجور شتون نشي کولای د عام تضامني شرکت د منقولو یا غیر منقولو مالونو د پلورلو خنډ شي.

دهغې معاملې سرته رسول چې

د شرکت په تصفیه پورې اړونده نه وي

یوسلو دوه دیرشمه ماده:

د تصفیه مامورین، په هغه صورت کې چې د شریکانو د موافقې پر بنسټ د محکمې لخوا ټاکل شوی وي، داړتیا په صورت کې کولای شي هغه معاملې چې د عام تضامني شرکت د تصفیه په چارو پورې اړوندی نه دی، سرته ورسوي.

د مؤجله دیونو ورکړه

یوسلو دري دیرشمه ماده:

د عام تضامني شرکت د تصفیه مامورین مکلف دی، د تصفیه په حال کې د عام تضامني شرکت مؤجله دیون، د داین د منلو په صورت کې د تنزیل (د سکونت) په ډول ژر تر ژره ورکړي.

د ديونو ورکړه**يو سلو څلور ديرشمه ماده:**

که چېرې د عام تضامني شرکت شتمني د شرکت د ټولو ديونو د تسويې لپاره کافي نه وي، شريکان د شرکت د ټولو ديونو د ورکړې مسئول دي.

د شرکت د مالونو نه پلورل**يو سلو پنځه ديرشمه ماده :**

د تصفيې مامورين نشي کولای د عام تضامني شرکت مالونه په ټوليزه توگه او يو دم صورت سره وپلوري، خو دا چې شريکانو دهغو له پلورنې سره موافقه کړې وي.

د واکونو زياتېدل او تحديد**يو سلو شپږ ديرشمه ماده :**

د تصفيې د مامورينو قانوني واکونه، د شريکانو د رايو په اتفاق يا د محکمې په حکم زيات يا تحديد يږي، پدې شرط چې د واکونو زياتېدل يا تحديد د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او اعلان شي. که چېرې د واکونو د زياتېدو او تحديد موضوع ثبت او اعلان نشي، دغه زياتېدل او تحديد، له عام تضامني شرکت سره، د نیک نيت لرونکي ثالث شخص معاملي

پرداخت ديون**ماده يکصدوسی وچهارم:**

هرگاه دارایی شرکت تضامنی عام برای تسویه تمام ديون شرکت کافي نباشد، شرکاء مسئول تأديه کامل ديون شرکت ميباشند.

عدم فروش اموال شرکت**ماده يکصدوسی وپنجم:**

مامورين تصفيه نمی توانند اموال شرکت تضامنی عام را بطور مجموعی و بصورت یکدم بفروش برسانند، مگر اینکه شرکاء به فروش آن موافقه نموده باشند.

افزایش و تحديد صلاحیت ها**ماده يکصدوسی وششم:**

صلاحیت های قانونی مامورين تصفيه باتفاق آرای شرکاء يا حکم محکمه افزایش يا تحديد یافته می تواند، مشروط بر اینکه افزایش يا تحديد صلاحیت ها در دفتر ثبت مرکزی ثبت و اعلان گردد. هرگاه موضوع افزایش و تحديد صلاحیت ها ثبت و اعلان نگردد، این افزایش و تحديد، معاملات شخص ثالث دارای حسن نیت را با شرکت تضامنی

عام متاثر نمی‌سازد، مگر اینکه شخص ثالث با وجود آگاهی از قضیه، صلاحیت‌های قانونی مامورین تصفیه، معامله را انجام داده باشد.

تصفیه معاملات شرکت مقید به تصمیم شرکاء یا محکمه ماده یکصدوسی و هفتم:

مامورین تصفیه حین تصفیه معاملات شرکت تضامنی مقید به تصمیمی شرکاء یا محکمه درمورد تصفیه معاملات شرکت می‌باشند. در صورت افلاس، وفات و یا محجوریت یکی از شرکاء حکم ماده یکصدوسی و هشتم این قانون رعایت می‌گردد.

تعیین و عزل وکیل

ماده یکصدوسی و هشتم:

در صورت افلاس، وفات یا محجوریت یکی از شرکاء حین تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام، وکیل قانونی یا ولی وی حق ابراز نظر را درمورد تعیین، عزل و یا صدور هدایات به مامورین تصفیه دارد. وارثین نیز می‌توانند وکیل را تعیین نمایند

نه اغیزمنوی، خود اچپی ثالث شخص دتصفیه مامورینو دقانونی واکونوله قضیهی خخه دخبرتیا باوجود کومه معامله سرته رسولی وی.

د شریکانو یا محکمی په تصمیم پورې د مقید شرکت د معاملو تصفیه یوسلو اووه دیرشمه ماده :

د تصفیهی مامورین د تضامنی شرکت دمعاملو د تصفیهی په وخت کې، دشرکت دمعاملو دتصفیهی په هکله دشریکانو یا محکمی په تصمیم مقید دی. له شریکانو خخه دیوه دافلاس، مړینې یا محجوریت په صورت کې، ددی قانون د یو سلواته دیرشمې مادی حکم په پام کې نیول کېږي.

د وکیل ټاکل او عزل

یوسلو اته دیرشمه ماده :

دعام تضامنی شرکت دمعاملو دتصفیهی په وخت کې له شریکانو خخه دیوه د افلاس، مړینې یا محجوریت په صورت کې، دهغه قانونی وکیل یا ولی دتصفیهی مامورینو دټاکلو، لړې کولو یا هغوی ته دلارښوونو دصادرولو په هکله دنظر د وړاندې کولو حق لري. وارثان هم کولای شي وکیل وټاکي خوله

تا از آنها نمایندگی کند. در صورتی که ورثه به تعیین وکیل به توافق نرسند، یا شریک فاقد ورثه باشد، محکمه می تواند شخصی را جهت نمایندگی از منافع شریک به حیث وکیل تعیین نماید.

د دیونو د ادا لپاره د شرکت د شتمنی د یوې برخې ساتل

یوسلو نهه دیرشمه ماده:

د تصفیې مامورین کولای شي دعام تضامني شرکت یوه برخه شتمني چې د شرکت د د یونو کفایت وکړای شي، وساتي اوپاتې د شریکانو ترمنځ ووېشي .

د تصفیې د مامور مکلفیتونه

یوسلو څلوېښتمه ماده:

د تصفیې مامورین دعام تضامني شرکت د معاملو په وخت کې د لاندې مکلفیتونو لرونکی هم دی :

۱- د شرکت د معاملو د تصفیې دسموالی د تأمین لپاره د شرکت د دفترونو او وروستنیو (نهایی) سندونو دقیق ترتیبول .

۲- د شریکانو د غوښتنې په صورت کې د شرکت د معاملو د تصفیې

نگهداری برخی دارائی شرکت جهت ادای دیون

ماده یکصدوسی ونهم:

مامورین تصفیه می توانند بخشی از دارایی شرکت تضامنی عام را که تکافوی دیون شرکت را نموده بتواند، نگهداشته و بقیه را بین شرکاء تقسیم نمایند.

مکلفیت های مامور تصفیه

ماده یکصد و چهلیم:

مامورین تصفیه حین تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام، دارای مکلفیت های ذیل نیز می باشند:

۱- ترتیب دقیق دفاتر و اسناد نهایی شرکت، جهت تأمین صحت تصفیه معاملات شرکت.

۲- ارایه گزارش شفاهی یا کتبی راجع به وضعیت تصفیه

معاملات شرکت در صورت تقاضای شرکاء.

۳- به دسترس قرار دادن تمام اوراق و دفاتر مربوط به تصفیه شرکت تضامنی در صورت تقاضای شرکاء. مأمورین تصفیه نمی توانند شرکاء را از اخذ نقل دفاتر و اوراق ممانعت نمایند.

۴- به امانت گذاشتن وجوه نقدی که حین تصفیه معاملات حاصل می شود به یکی از بانک های معتبر، به استثنای مصارف عادی روزمره که تکافوی پیشبرد کار شرکت را نموده بتواند.

ثبت و اعلانات تصامیم اتخاذ شده

ماده یکصد و چهل و یکم:

کلیه شرایط مندرج عقد شرکت تضامنی عام در مورد مامورین تصفیه، تصامیم اتخاذ شده از طرف شرکاء و محکمه در رابطه به تعیین، تبدیل و عزل مامورین تصفیه، در دفتر ثبت مرکزی ثبت و اعلان می شود.

دو وضعیت په هکله، دشفاهي يا ليکلي رپوټ وړاندى کول.

۳- دشریکانو دغوښتنې په صورت کې، دتضامني شرکت په تصفیه پورې د ټولو اړوندو پاڼو او دفترونو په لاس ورکول. دتصفیه مامورین نشي کولای شریکان ددفترونو او پاڼو دنقل له اخستلو څخه منع کړی.

۴- د هغو نغدی وجوهو چي د تصفیه په ترڅ کې ترلاسه کېږي، په یوه معتبر بانک کې په امانت اېښودل، د هغو ورځنیو عادی لگښتونو په استثنای چي د شرکت د کار د پرمخبیولو لپاره کفایت وکړی.

دنیول شوو تصمیمونو ثبت او اعلانونه

یوسلو یو څلوېښتمه ماده :

دتصفیه دمامورینو په هکله دعام تضامني شرکت په عقد کې درج شوی ټول شرطونه، دتصفیه دمامورینو دټاکلو، تبدیلولو او لرې کولو په اړه دشریکانو او محکمې لخوا نیول شوی تصمیمونه، د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت او اعلانېږي.

د تصفیې د مامورینو مکلفیت د

هغې له پایته رسېدو وروسته

یوسلو دوه څلوېښتمه ماده:

د تصفیې مامورین، د عام تضامني شرکت د معاملو د تصفیې په پای کې، د عقد او یا د شریکانو یا محکمې لخوا د نیول شوو تصمیمونو مطابق، مکلف دی په تصفیې پورې د اړوندو حسابونو او له پانګې څخه د شریکانو د ونډې، ګټې، ضرر او نورو اقلامو لرونکي بیلاس شیت تنظیم او شریکانو ته تسلیم کړي. په هغه صورت کې چې شریکان د یوې میاشتي مودې په ترڅ کې اعتراض ونکړي، بیلاس شیت او حسابونه قطعیت مومي. که چېرې شریکان خپله وپشل شوې ونډه تر یوې میاشتي پورې د عام تضامني شرکت له شتمنیو څخه وانخلي یا یې له اخستلو څخه ډډه وکړي، د تصفیې مامورین کولای شي ټاکلې شوې ونډې د هر شریک په نوم له معتبرو بانکونو څخه په یوه کې په امانت کېنېږدي.

مکلفیت مامورین تصفیه

بعد از ختم آن

ماده یکصد و چهل و دوم:

مامورین تصفیه، در ختم تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام، مطابق عقد و یا تصامیم اتخاذ شده از طرف شرکاء یا محکمه، مکلف اند حسابات مربوط به تصفیه و بیلاس شیت حاوی سهم شرکاء از سرمایه، نفع، ضرر و سایر اقلام را تنظیم و به شرکاء تسلیم نمایند. در صورتی که شرکاء در خلال یک ماه در زمینه اعتراض ننمایند، بیلاس شیت و حسابات کسب قطعیت می نماید. هرگاه شرکاء سهم تقسیم شده خویش را الی یک ماه از دارایی های شرکت تضامنی عام اخذ ننمایند و یا از اخذ آن امتناع ورزند، مامورین تصفیه می توانند سهام معینه را بنام هر شریک به یکی از بانکهای معتبر به امانت بگذارند.

دشریکانو ترمنخ د نغه (خالصی)**شتمنی وپشل**

یوسلو دري څلوېښتمه ماده:

د عام تضامني شرکت خالصه شتمني د شراکت د عقد مطابق يا د شریکانو د تصمیم پربنسټ د تصفيي د مامورينو لخوا د شریکانو ترمنخ وپشل کېږي، خو دا چې په عقد کې بل ډول تصريح شوی وي يا د شریکانو لخوا بل تصمیم نیول شوی وي، دغه وپشل په نغدی توگه صورت مومي .

د تصفيي د مامورينو مسئولیت

یوسلو څلور څلوېښتمه ماده :

د تصفيي مامورين د شریکانو او ثالثو اشخاصو په مقابل کې، د هغو تر سره شوو اقداماتو په هکله چې د قایم مقام يا نورو استازو لخوا چې د تصفيي د مامورينو لخوا د عام تضامني شرکت په مقابل کې د ورسپارل شوو دندو د پرمخ بیولو لپاره ټاکل شوی، مسئول دی.

د تصفيي د مامورينو اجرت

یوسلو پنځه څلوېښتمه ماده:

د تصفيي مامورين چې د شریکانو له منخ څخه ټاکل کېږي، د معاش

تقسیم دارایی خالص بین**شرکاء**

ماده یکصدو چهل و سوم:

دارایی خالص شرکت تضامنی عام مطابق عقد شراکت یا براساس تصمیم شرکاء، از طرف مامورين تصفيه بين شرکاء تقسیم می گردد، مگر اینکه در عقد طور دیگری تصريح گردیده یا از طرف شرکاء تصمیم دیگری اتخاذ شده باشد، این تقسیم طور نقده صورت می گیرد.

مسئولیت مامورين تصفيه

ماده یکصدو چهل و چهارم:

مامورين تصفيه در مقابل شرکاء و اشخاص ثالث در مورد اقدامات انجام شده توسط قائم مقام یا سایر نمایندگان که از طرف مامورين تصفيه جهت پیشبرد وظایف محوله در برابر شرکت تضامنی عام تعیین شده اند، مسئول می باشند.

اجرت مامورين تصفيه

ماده یکصدو چهل و پنجم:

مامورين تصفيه که از میان شرکاء تعیین می گردند، مستحق معاش

و اجرت نمی باشند، مگر اینکه در عقد شراکت طوردیگری ذکر شده یا سایر شرکاء تصمیم گرفته باشند. مامورین تصفیه که از جمله شرکاء نمی باشند، در برابر انجام وظیفه منحیث مامورین تصفیه مستحق اخذ معاش و اجرت می باشند، گرچه در عقد شراکت تصریح نشده باشد.

امانت گذاشتن اوراق در محل مطمئن

ماده یکصد و چهل و ششم:

اوراق و دفاتر شرکت تضامنی عام در ختم تصفیه معاملات در محل مطمئنی که از طرف شرکاء تعیین می گردد، بطور امانت گذاشته می شود، این اوراق و دفاتر بعد از ختم تصفیه برای مدت (۱۵) سال نگهداری می شود. هرگاه در مورد محل حفظ و نگهداری اوراق و دفاتر اتفاق نظر شرکاء حاصل نشود، تعیین محل از صلاحیت محکمه می باشد.

و اجرت مستحق ندی، خوداچی د شراکت په عقد کې بل ډول ذکر شوی یا نورو شریکانو تصمیم نیولی وي. د تصفیې هغه مامورین چې د شریکانو له جملې څخه نه وي، د تصفیې د مامورینو په توګه د ندی د ترسره کولو په وړاندې د معاش او اجرت داخستلو مستحق دی، که څه هم چې د شراکت په عقد کې تصریح شوی نه وي.

په ډاډمن ځای کې د پانوی امانت اېښودل

یوسلو شپږ څلوېښتمه ماده:

د عام تضامنی شرکت پانوی او دفترونه د معاملو د تصفیې په پای کې په ډاډمن ځای کې چې د شریکانو لخوا ټاکل کېږي، په امانت توګه اېښودل کېږي، دغه پانوی او دفترونه د تصفیې له پایته رسېدو وروسته د (۱۵) کلونو لپاره ساتل کېږي. که چېرې د پانوی او دفترونو د ساتنې د ځای په هکله د شریکانو د نظر اتفاق ترلاسه نشي، د ځای ټاکل د محکمې واک دی.

پنجم فصل خاص تضامنی شرکت

فصل پنجم شرکت تضامنی خاص

دخولرم فصل د حکمونو تطبیقول
یو سلو اووه څلوپښتمه ماده :

پدی قانون کې درج شوی دعام
تضامنی شرکت په فصل پورې
اړوند حکمونه، دخاص تضامنی
شرکت په هکله درعایت وړ دی، خو
داچې پدی قانون کې بل ډول
تصریح شوی وي. په هغه صورت
کې چې تثبیت نشي چې شرکت،
خاص تضامنی شرکت دی، که عام
تضامنی، پدی صورت کې نوموړی
شرکت عام تضامنی شرکت گڼل
کېږي.

تطبیق احکام فصل چهارم
ماده یکصد و چهل و هفتم:

احکام مربوط به فصل شرکت
تضامنی عام مندرج این قانون
درمورد شرکت تضامنی خاص
قابل رعایت می باشد، مگر اینکه
در این قانون طور دیگری تصریح
شده باشد. در صورتی که تثبیت
شده نتواند که شرکت، شرکت
تضامنی خاص می باشد یا
تضامنی عام، در این صورت
شرکت مذکور، شرکت تضامنی
عام پنداشته می شود.

دشریکانو دنومونو او د هغوی د
ورکړل شوې پانگې د اندازې ثبتول
یوسلو اته څلوپښتمه ماده:

دخاص تضامنی شراکت په عقد
کې ددی قانون په یو سلو دوه
پنځوسمه ماده کې پر درج شوو
شرایطو برسېره، دخاصو شریکانو
نومونه د هغو دهر یوه په واسطه د
ورکړل شوې یا ژمنې شوې پانگې له
اندازې سره یوځای درج اود مرکزي
ثبت په دفتر کې ثبت او اعلانېږي.

ثبت اسمای شرکاء واندازه سرمایه
تأدیه شده آنها

ماده یکصد و چهل و هشتم:

در عقد شراکت تضامنی خاص
علاوه بر شرایط مندرج ماده
یکصد و پنجاه و دوم این قانون،
اسامی شرکای خاص همراه با
اندازه سرمایه تأدیه شده یا تعهد
شده توسط هر یک از آنها، درج و
در دفتر ثبت مرکزی، ثبت و اعلان
میگردد.

د پانگې په توگه د ځينو شيانو استثنائات

يوسلو نهه څلوېښتمه ماده:

د خاص تضامني شرکت شريک نشي کولای خپل کار، عمل، شهرت يا تخصص (د علمي او فني اختراع يا په هغې پورې دنورو اړوندو معنوي حقوقو په استثنائي) د شرکت د پانگې په توگه وړاندې کړي.

د عامو شريکانو حقوقي مناسبات يوسلو پنځوسمه ماده:

د عامو شريکانو حقوقي مناسبات يو ديل په وړاندې او د خاصو شريکانو اوثالو اشخاصو په مقابل کې ددې قانون د څلورم فصل د حکمونو تابع دی.

په اساسنامه کې درج شوي موضوعگانې

يوسلو يوېنځوسمه ماده:

د خاص تضامني شرکت اساسنامه چې د شراکت د عقد پر بنسټ منځته راځي، د لاندې موضوعگانو لرونکې ده:

۱- د شرکت نوم.

۲- د شرکت د ثبت شوي استازي آدرس او نوم.

استثنائات برخي اشيا بحیث سرمایه

ماده یکصد و چهل ونهم:

شريك شرکت تضامنی خاص نمی تواند کار، عمل، شهرت يا تخصص خویش را (به استثنای اختراع علمی و فنی يا ساير حقوق معنوی متعلق به وی) بحیث سرمایه شرکت ارائه نماید.

مناسبات حقوقي شرکای عام ماده یکصد و پنجاهم:

مناسبات حقوقي شرکای عام در برابر یکدیگر و در مقابل شرکای خاص و اشخاص ثالث، تابع احکام فصل چهارم این قانون می باشد.

موضوعات مندرج اساسنامه

ماده یکصد و پنجاه و یکم:

اساسنامه شرکت تضامنی خاص که به اساس عقد شراکت بوجود می آید، حاوی موضوعات ذیل می باشد:

۱- اسم شرکت.

۲- آدرس و اسم نماینده ثبت شده شرکت.

۳- اسم و آدرس شريك عام شرکت.

۴- تعداد و ارزش مجموعی سهام مالکیت مجوزۀ شرکت تضامنی خاص، در صورتی که وجود داشته باشد.

عقد شراکت در ترکیب اساسنامه

ماده یکصد و پنجاه و دوم:

عقد شراکت تضامنی خاص از طرف تمام شرکاء امضاء گردیده و اشخاصیکه در ترتیب اساسنامه اشتراك مینمایند، بحیث مؤسسین شناخته می‌شوند. مؤسسین کمتر از (۵) عضو بوده نمی‌تواند مشروط به اینکه يك تن آن از جمله شرکاء باشد. شرکای خاص که از جمله مؤسسین می‌باشند مکلف اند مبلغی را که به پرداخت آن توافق نموده، در عقد شراکت درج نمایند.

عزل مدیر شرکت تضامنی خاص

ماده یکصد و پنجاه و سوم:

مدیر شرکت تضامنی خاص طبق شرایطی پیشبینی شده ماده

۳- دشرکت دعام شريك نوم او آدرس.

۴- دخاص تضامني شرکت دمجوزه مالکیت د ونه و شمپر او تول ارزنبت په هغه صورت کې چې وجود ولري.

د اساسنامې په ترکیب کې د شراکت عقد

یوسلو دوه پنځوسمه ماده:

دخاص تضامني شراکت عقد دتولو شریکانو لخوا لاسلیک کېږي او هغه اشخاص چې داساسنامې په ترتیبېدو کې گډون کوي، دمؤسسینو په توگه گنل کېږي. مؤسسین له (۵) غړو څخه کمېدی نشي، پدی شرط چې یو تن یې دشریکانو له جملې څخه وي. خاص شریکان چې دمؤسسینو له ډلې څخه وي، مکلف دی هغه مبلغ چې پر ورکړې یې موافقه کړېده، دشراکت په عقد کې درج کړي.

دخاص تضامني شرکت دمدير لري کول

یوسلو دري پنځوسمه ماده:

دخاص تضامني شرکت مدیر، ددی قانون په اته شپېتمه ماده کې

ددرج شوو شرطونو مطابق، لري کېدی شي.

په عین فعالیت کې د عام شریک بوختېدل

یوسلو څلور پنځوسمه ماده:

دخاص تضامني شرکت عام شریک، دعامو تضامني شرکتونو په څېر نشي کولای دشرکت دنورو عامو شریکانو چې د شرکت عین فعالیت جوړوي، له اجازې پرته بوخت، یا د عام شریک په صفت شمولیت ترلاسه کړي. هغه عام شریک چې لدی حکم څخه سروغړوي، ددی قانون داته اویایمي مادی حکم پرې تطبیقېږي. که چېرې دخاص تضامني شرکت نور عام شریکان یا نظار هیئت په بل شرکت کې دعام شریک له شمولیت څخه خبر شي اود خبرتیا دترلاسه کولو له نېټې څخه تریوه کاله پورې اعتراض ونکړي، پدی صورت کې دهغو دموافقې حکم لری.

دنظار هیئت ټاکل

یوسلو پنځه پنځوسمه ماده:

خاص شریکان کولای شي داسې نظار هیئت غوره کړي چې په غړو کې یې عام شریکان شامل نه وي.

شصت وهشتم این قانون عزل شده می تواند.

اشتغال شریک عام در عین فعالیت

ماده یکصد و پنجاه و چهارم:

شریک عام شرکت تضامنی خاص، مانند شرکت های تضامنی عام نمی تواند بدون اجازه سایر شرکای عام شرکت که عین فعالیت شرکت را تشکیل می دهد، اشتغال ورزد و یا به صفت شریک عام شمولیت حاصل کند. شریک عامی که از این حکم تخلف ورزد، حکم ماده هفتاد و هشتم این قانون بالای وی تطبیق می گردد. هرگاه سایر شرکای عام شرکت تضامنی خاص یا هیئت نظار از شمولیت شریک عام در شرکت دیگری آگاهی یابند و از تاریخ دریافت اطلاعیه الی یک سال اعتراض نمایند، در این صورت حکم موافقت آنها را دارد.

تعیین هیئت نظار

ماده یکصد و پنجاه و پنجم:

شرکای خاص می توانند، هیئت نظار را انتخاب کنند که اعضای آن شامل شرکای عام نباشد.

هیئت نظار مسئول اجرای تصمیمی است که بطور جمعی از طرف شرکای خاص اتخاذ شده باشد.

نمایندگی هیئت نظار از شرکای خاص

ماده یکصد و پنجاه و هشتم:

هیئت نظار می تواند در صورت موجودیت دعوی بین شرکای عام و شرکای خاص، از شرکای خاص نمایندگی کند.

مناسبات شرکاء

ماده یکصد و پنجاه و هفتم:

مناسبات بین شرکای شرکت تضامنی خاص مطابق احکام این قانون تنظیم می گردد، مگر اینکه در عقد شراکت طور دیگری تصریح شده باشد.

عدم مداخله شرکای خاص در امور اداری

ماده یکصد و پنجاه و هشتم:

شرکای خاص نمی توانند در امور اداری شرکت مداخله و مانع اجرای وظایف اشخاص ذیصلاح گردند، ولی می توانند در مورد

نظار هیئت دهغو تصمیمونو داجراء مسئول دی چي په ټوليزه توگه دخاصو شريکانو لخوا نيول شوی وي.

له خاصو شريکانو څخه دنظار هیئت استازیتوب

یوسلو شپږ پنځوسمه ماده :

نظار هیئت کولای شي دعامو شريکانو اوخاصو شريکانو ترمنځ ددعوي د موجودیت په صورت کې له خاصو شريکانو څخه استازیتوب وکړي.

د شريکانو مناسبات

یوسلو اووه پنځوسمه ماده :

دخاص تضامني شرکت د شريکانو ترمنځ مناسبات، ددی قانون د حکمونو مطابق تنظیمېږي، خو داچې د شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي.

په اداری چارو کې د خاصو شريکانو نه لاسوهنه

یوسلو اته پنځوسمه ماده :

خاص شريکان نشي کولای د شرکت په اداری چارو کې لاسوهنه وکړي اود واکمنو اشخاصو د دندو داجراء څنډه شي، خو کولای شي د اداره کوونکو

معاملات خارج از صلاحیت اشخاص اداره کننده، رأی بدهند.

تدقیق و بررسی دفتر دارایی،
بیانسی شیت و اسناد شرکت
ماده یکصد و پنجاه ونهم:

هر يك از شرکای خاص می‌توانند در اخیر سال، دفتر دارایی و بیانسی شیت و اسناد شرکت را شخصاً یا از طریق اهل خبره تدقیق و بررسی نمایند. در صورت اعتراض در برابر نظر اهل خبره، بالاتر تقاضای شریک خاص، اهل خبره از طرف محکمه تعیین می‌گردد.

تأسیس شرکت که موضوع آن
معاملات شرکت تضامنی خاص
را احتوا کند
ماده یکصد و شصتم:

حکم ماده هفتاد و هشتم این قانون بالای شرکای شرکت تضامنی خاص قابل تطبیق نمی‌باشد، مگر اینکه يك یا بیش از يك نفر از شرکای خاص شرکتی را تأسیس نمایند که معاملات آن موضوع شرکت تضامنی خاص را احتوا کند، یا با شخص دیگری که چنین شرکت را تأسیس

اشخاصو له واک خخه د بهر معاملو په هکله، رأیه ورکړی.

د شرکت د شتمنی د دفتر، بیانسی شیت او سندونو تدقیق او خپرل یوسلو نهه پنخوسمه ماده:

له خاصو شریکانو خخه هریو کولای شي، دکال په پای کې د شرکت د شتمنی دفتر او بیانسی شیت او سندونه پخپله (شخصاً) یا د اهل خبره وو له لارې تدقیق کړی او وپې خپړي. د اهل خبره وو د نظر په وړاندې د اعتراض په صورت کې د خاص شریک د غوښتنې له مخې، اهل خبره د محکمې لخوا ټاکل کېږي.

د هغه شرکت جوړېدل چې موضوع یې د خاص تضامنی شرکت معاملې احتواء کړی یوسلو شپېتمه ماده:

ددی قانون داته او یایمې مادی حکم د خاص تضامنی شرکت پر شریکانو باندې د تطبیق وړندی، خو دا چې له خاصو شریکانو خخه یو یاله یوه تن خخه زیات داسې شرکت جوړ کړی چې معاملې یې د خاص تضامنی شرکت موضوع احتوا کاندې، یا له بل شخص سره چې دغه ډول شرکت یې جوړ کړی

نموده باشد مشارکت نمایند یا به يك شرکت که عین معامله را انجام می دهند، بپیوندند. این اشخاص حق تدقیق اسناد و دفاتر شرکت تضامنی خاص را ندارند.

مسئولیت به تناسب سرمایه ماده یکصد و شصت و یکم:

مسئولیت شریک خاص باندازه سرمایه ای است که شریک آن را تأدیه یا به تأدیه آن تعهد نموده است.

دریافت مفاد و تکتانیه توسط شریک خاص

ماده یکصد و شصت و دوم:

شریک خاص در اخیر سال مالی می تواند مفاد سهم و در صورتی که در عقد شراکت تضامنی خاص تصریح شده باشد، تکتانیه خود را نیز دریافت نماید. در صورتی که شرکت تضامنی خاص متحمل ضرر شده باشد، الی رفع آن، تکتانیه پرداخت نمی گردد، ولی در سالهای بعدی پس از رفع جبران خساره وارده به سرمایه از مفاد باقیمانده، تکتانیه سال های قبلی قابل پرداخت می باشد.

وي، گپون (مشارکت) و کړې ياله يوه شرکت سره چې عین معامله سرته رسوي يوځای شي. دغه اشخاص دخاص تضامني شرکت دسندونو او دفترونو دتدقیق حق نلري.

دپانگې په تناسب مسئولیت يوسلو يوشپېتمه ماده:

دخاص شریک مسئولیت دهغې پانگې په اندازه دی چې شریک هغه ورکړې يايې پر ورکړې ژمنه کړېده.

دخاص شریک لخوا دگټې او تکتانې ترلاسه کول

يوسلو دوه شپېتمه ماده:

خاص شریک دمالي کال په پای کې کولای شي د ونډې گټه اوپه هغه صورت کې چې دخاص تضامني شراکت په عقد کې تصریح شوي وي، خپله تکتانیه هم ترلاسه کړي. په هغه صورت کې چې خاص تضامني شرکت ضرر کړي وي، دهغه تر رفع کېدو پورې، تکتانیه نه ورکول کېږي، خو په راتلونکو کلونو کې پانگې ته د اووښتې زیان له جبران وروسته له پاتې گټې څخه دتېرو کلونو تکتانیه د ورکړې وړ ده.

د ونډې دگټې بېرته نه ورکول**یوسلو دري شپېتمه ماده:**

(۱) خاص شریکان د ونډې دهغې گټې او ټکټیانې چې دمخه یې ترلاسه کړې ده، دهغه زیان د جبران لپاره چې وروسته منځته راځي، په بېرته ورکولو مکلف ندی.

(۲) خاص شریکان د ونډې دهغې گټې او ټکټیانې چې دناسم یا غیر مرتب بیلانس شپټ له امله یې ترلاسه کړې، په بېرته ورکولو مکلف ندی.

قانوني وکیل**یوسلو څلور شپېتمه ماده:**

د خاص شریک دمړینې په صورت کې د متوفې قانوني وکیل دهغه قایم مقام گرځي.

بل شخص ته د خاص شریک د ونډې**دټولې یا یوې برخې پرېښودل****یوسلو پنځه شپېتمه ماده:**

که چېرې خاص شریک، په خاص تضامني شرکت کې خپله ونډه، د نورو شریکانو له اجازې پرته ټوله یا یوه برخه بل شخص ته پرېږدی، نوی شریک د خاص تضامني شرکت په چارو کې دبررسی اودخالت

عدم اعاده مفاد سهم**ماده یکصدوشصت وسوم:**

(۱) شرکای خاص مکلف به اعاده مفاد سهم و تکتانه ای که قبلاً دریافت نموده، برای جبران خساره که بعداً به میان می آید، نمی باشند.

(۲) شرکای خاص مکلف به اعاده مفاد یا تکتانه که به اساس ترتیب بیلانس شیت نادرست یا غیر مرتب دریافت نموده اند، نمی باشند.

وکیل قانوني**ماده یکصدو شصت و چهارم:**

در صورت وفات شریک خاص، وکیل قانوني ورثه متوفی، قایم مقام وی می گردد.

واگذاری کلی یا قسمی سهم**شریک خاص به شخص دیگر****ماده یکصدوشصت و پنجم:**

هرگاه شریک خاص، سهم خویش را در شرکت تضامنی خاص، بدون اجازه سایر شرکاء کلاً یا قسماً به شخص دیگری واگذار نماید، شریک جدید صلاحیت بررسی و دخالت در امور شرکت تضامنی

واک نلری.

خاص را ندارد.

دخاخص شریک مسئولیت

یوسلو شپرو شپتتمه ماده :

هغه دخاخص شریک چې نوم یې دخاخص تضامنی شرکت په عنوان کې درج وي، دثالثو اشخاصو په وړاندې غیر محدود مسئولیت لري.

دشرکت د معاملو دسرته رسولو

لپاره دخاخص شریک توظیفول

یوسلو اووه شپتتمه ماده:

دخاخصو تضامنی شرکتونو د ادارې او استازیتوب مسئولیت دهغو شریکانو په غاړه دی، چې دغیر محدود مسئولیت لرونکی وي، ددی واک حدود دهغو تقنینی سندونو دحکمونو تابع دی چې دعامو تضامنی شرکتونو په هکله دتطبیق وړ دی.

دټاکلو معاملو دسرته رسولو لپاره دخاخص شریک توظیفول دهغه په خپله موافقه دشرکت دمدير یا مدیرانو لخوا صورت موندلی شي، خو داچې دخاخص تضامنی شرکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي، پدی صورت کې یوه خاص شریک ته له سپارل شوو معاملو

مسئولیت شریک خاص

ماده یکصدوشصت وششم:

شریک خاصی که اسم آن در عنوان شرکت تضامنی خاص درج باشد، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت غیر محدود دارد.

توظیف شریک خاص جهت انجام

معاملات شرکت

ماده یکصدوشصت وهفتم:

مسئولیت اداره و نمایندگی شرکت های تضامنی خاص بر عهده شرکایی می باشد که دارای مسئولیت غیر محدود باشند، حدود این صلاحیت تابع احکام اسناد تقنینی است که در مورد شرکتهای تضامنی عام قابل تطبیق می باشد.

توظیف شریک خاص برای انجام معاملات معین به موافقت خود وی از طرف مدیر یا مدیران شرکت صورت گرفته می تواند، مگر اینکه در عقد شرکت تضامنی خاص طور دیگری تصریح شده باشد، دراین صورت مسئولیت ناشی از معاملات سپرده شده به

شريک خاص، متوجه شرکت می گردد. هرگاه شريك خاص از حدود وظيفه محوله تجاوز نماید، یا بدون تفویض صلاحیت عمل کند، مسئولیتی که از عمل وی ناشی می گردد، متوجه خود وی می باشد.

ارایه مشوره، صلاحیت تدقیق و کنترل امور شرکت
ماده یکصد و شصت و هشتم:

با رعایت حکم ماده یکصد و پنجاه و نهم این قانون، ارایه نظر و مشوره، صلاحیت تدقیق و کنترل امور شرکت تضامنی خاص، سهمگیری در نصب و عزل مامورین طبق احکام قانون و استخدام در داخل شرکت تضامنی خاص برای انجام امور فرعی، موجب ایجاد مسئولیت غیر محدود برای شرکای خاص نمی گردد.

مسئولیت شرکای خاص در مقابل دائین شرکت
ماده یکصد و شصت و نهم:
شرکای خاص از مبالغ تعهد شده

خچه رایبدا شوی مسئولیت، شرکت ته متوجه کپري. که چپري خاص شريك دسپارل شوی دندی له حدود و خچه تجاوز و کپري، یا دواک له سپارلو پرته عمل و کپري، کوم مسئولیت چي دهغه له عمل خچه رایبدا کپري، په خپله هغه ته متوجه دی.

د مشورې وړاندې کول، د شرکت د چارو د تدقیق او کنترل واک
یوسلو اته شپېتمه ماده:

ددی قانون دیوسلو نهه پنځوسمې مادی دحکم له په پام کې نیولو سره د نظر او مشورې وړاندې کول، د خاص تضامنی شرکت د چارو د تدقیق او کنترل واک، د قانون د حکمونو مطابق د مامورینو په نصب او عزل کې ونډه اخستل او د فرعي چارو د سرته رسولو لپاره، د خاص تضامنی شرکت په دننه کې استخدام خاصو شریکانو ته د غیر محدود مسئولیت د منځته راتلو موجب نه گرځي.

د شرکت د دائینو په وړاندې د خاصو شریکانو مسئولیت
یوسلو نهه شپېتمه ماده:
خاص شریکان له ژمنه شوو مبالغو

به اندازه که در ذمت آنها باقی باشد در مقابل دائینین شرکت، تا زمانی انحلال شرکت مسئول می‌باشند یا در مدتی که موضوع تحت اجراءات قرار داشته باشد دائینین حق مراجعه را به شرکای خاص ندارند. در صورت انحلال شرکت، داینین حق مطالبه کلیه دارایی شرکت تضامنی خاص را دارا می‌باشند.

ترجیح طلبات دائینین شرکت ماده یکصد و هفتادم:

در صورت انحلال شرکت تضامنی خاص، طلبات دائینین شرکت بر طلبات دائینین شخصی مقدم می‌باشد.

تساوی حقوق دائینین شرکت بادائینین شخصی

ماده یکصد و هفتاد و یکم:

هرگاه دارایی شرکت طلبات دائینین را تکافو نکند، دائینین می‌توانند متباقی طلبات خود را از دارایی شخصی شرکای عام تقاضا نمایند، در این حالت دائینین شرکت با دائینین شخصی شرکای عام حقوق مساوی دارند.

خچه خومره چې د هغوی په غاړه پاتې وي، د شرکت د دائینینو په وړاندې د شرکت د انحلال تر وخته مسئول دی یا په هغه موده کې چې موضوع تر اجراءاتو لاندې وي د دائینین خاصو شریکانو ته د مرجعې حق نلري. د شرکت د انحلال په صورت کې، د دائینین د خاص تضامنی شرکت د ټولې شتمنۍ د مطالبې د حق لرونکی دی.

د شرکت د دائینینو د طلباتو ترجیح یوسلو او یایمه ماده:

د خاص تضامنی شرکت د انحلال په صورت کې، د شرکت د دائینینو طلبات، د شخصي دائینینو پر طلباتو مقدم دی.

له شخصي دائینینو سره د شرکت د دائینینو د حقوقو برابري

یوسلو یو او یایمه ماده:

که چېرې د شرکت شتمني د دائینینو د طلباتو بسنه (کفایت) ونکړي، د دائینین کولای شي خپل پاتې طلبات د عامو شریکانو له شخصي شتمنۍ څخه وغواړي، پدې حالت کې د شرکت د دائینین د عامو شریکانو له شخصي دائینینو سره برابر حقوق لري.

د ژمنه شوې پانگې غوښتنه**یو سلو دوه اویایمه ماده:**

په هغو حالاتو کې چې د خاص تضامني شرکت شتمني د شرکت د دیونو کفایت ونکړي، شرکت کولای شي له خپل خاص شریک څخه د ژمنه شوې ونډې چې ورکړې یې نده، ورکول وغواړي. پدې صورت کې د خاص تضامني شرکت دیون د خاصو شریکانو له شخصي دیونو سره د برابر موقف لرونکی دی.

د خاصو تضامني شرکتونو**انحلال او تصفیه****یو سلو دري اویایمه ماده:**

د عامو تضامني شرکتونو په انحلال او تصفیه پورې اړوند حکمونه د خاصو تضامني شرکتونو په هکله هم د تطبیق وړ دي.

د شرکت د ائین**یو سلو څلور اویایمه ماده:**

په هغه صورت کې چې د خاص تضامني شرکت له د ائینو څخه یو دنوموړي شرکت له شریکانو څخه دیوه مدیون وي او خاص شریک لاد خاص تضامني شرکت په وړاندې خپلې مالي

مطالبه سرمایه تعهد شده**ماده یکصد و هفتاد و دووم:**

درحالاتی که دارای شرکت تضامنی خاص دیون شرکت را تکافو نکند، شرکت می تواند از شریک خاص خود پرداخت سهم تعهد شده را که تأدیه ننموده است، مطالبه نماید. در این صورت، دیون شرکت تضامنی خاص با دیون شخصی شرکای خاص دارای موقف مساوی می باشد.

انحلال و تصفیه شرکت های**تضامنی خاص****ماده یکصد و هفتاد و سوم:**

احکام مربوط به انحلال و تصفیه شرکت های تضامنی عام در مورد شرکتهای تضامنی خاص نیز قابل تطبیق می باشد.

د ائین شرکت**ماده یکصد و هفتاد و چهارم:**

در صورتی که یکی از ائین شرکت تضامنی خاص مدیون یکی از شرکای شرکت مذکور باشد و شریک خاص هنوز تعهدات مالی خود را در برابر شرکت تضامنی خاص ادا نکرده

باشد، در این صورت دین شریک خاص در برابر داین قابل محاسبه می باشد.

ژمنی پوره کپری نه وی، پدی صورت دخاص شریک دین د داین په وړاندی دمحاسبی وړ دی .

فصل ششم شرکت تضامنی کار

مطالبه انجام کار و پرداخت اجرت از شرکاء

ماده یکصد و هفتاد و پنجم:

هریک از شرکاء در قبول کار به نمایندگی از شرکت تضامنی کار، وکیل یکدیگر پنداشته می شود. صاحب کار، انجام کار را از هریک از شرکاء و بالمقابل هریک از شرکاء می توانند اجرت کار را از صاحب کار مطالبه نمایند. هرگاه صاحب کار اجرت را به یکی از شرکاء بپردازد، این پرداخت، برای تمامی شرکاء پرداخت اجرت تلقی می گردد.

محول نمودن کار به سایر اشخاص
ماده یکصد و هفتاد و هشتم:

شریک می تواند کار ذمت خویش را به شرکای دیگر یا سائر اشخاص محول سازد، مگر اینکه در عقد شراکت تضامنی کار، طور دیگری تصریح گردیده باشد

شپږم فصل دکار تضامنی شرکت

له شریکانو څخه دکار دسرتو رسولو او د اجرت د ورکړې غوښتنه

یو سلو پنځه او یایمه ماده :

له شریکانو څخه هر یو دکار له تضامنی شرکت څخه په استازیتوب دکار په منلو کې یو دبل وکیل گڼل کېږي. دکار خاوند له هر شریک څخه دکار سرتو رسول او بالمقابل له شریکانو څخه هر یو کولای شي دکار له خاوند څخه د کار اجرت وغواړي که چېرې د کار خاوند اجرت له شریکانو څخه یوه ته ورکړی، دغه ورکړه ټولو شریکانو ته داجرت ورکړه گڼل کېږي.

نورو اشخاصو ته دکار محلول
یو سلو شپږ او یایمه ماده:

شریک کولای شي دخپلې غاړې کار نورو شریکانو یا نورو اشخاصو ته محول کړی، خو دا چې دکار دتضامنی شراکت په عقد کې بل ډول تصریح شوی وي، یا دکار

یا صاحب کار به شرکاء اظهار کرده باشد که کار از طرف شریک معین انجام گردد.

توزیع مفاد کار انجام شده ماده یکصد و هفتاد و هفتم:

مفاد میان شرکاء طوری تقسیم می شود که به آن موافقه به عمل آمده باشد. در توزیع مفاد میان شرکاء اندازه کار انجام شده توسط هر شریک و اجرتی که به هر یک پرداخته می شود، شرط گذاشته شده می تواند.

تضمین اجرای کار

ماده یکصد و هفتاد و هشتم:

شریک در صورت تضمین اجرای کار مستحق بخشی از مفاد شناخته می شود، گرچه خود وی کاری را انجام نداده باشد.

پرداخت جبران خساره مرتب به کار

ماده یکصد و هفتاد و نهم:

هرگاه به موضوع کار توسط یک یا بیش از یک شریک صدمه وارد شود، صاحب کار می تواند آنان را به جبران خساره ای که به وی عاید گردیده، مکلف سازد. جبران خساره توسط شرکاء بر طبق

دخاوند شریکانو ته ویلی وی چپی کار دی دپاکلی شریک لخوا سرته ورسپری.

د سرته رسبدلی کار دگتپی وپش یوسلو اووه اواییمه ماده:

گتیه دشریکانو ترمنخ هغسی وپشل کپری چپی پری موافقه شوپی وی. دشریکانو ترمنخ دگتپی په وپش کپی دهر شریک په واسطه دسرته رسبدلی کار اندازه او هغه اجرت چپی هریوه ته ورکول کپری، شرط اېنودل کېدی شی.

دکار داجراء تضمین

یوسلو اته اواییمه ماده:

شریک دکار داجراء دتضمین په صورت کپی دگتپی دیوپی برخی مستحق گنیل کپری، که خه هم چپی هغه پخپله خه کار سرته نه وی رسولی.

په کار پوری د اړوند زیان جبران

یوسلو نهه اواییمه ماده:

که چپری دکار موضوع ته دیوه یا له یوه خخه د زیاتو شریکانو لخوا زیان ورسپری، دکار خاوند کولای شی هغوی دهغه زیان جبران ته چپی ورته اووېستی دی، مکلف کپی. دشریکانو لخوا دزیان جبران دکار

شرایط عقد شراکت تضامنی کار، صورت می‌گیرد. در صورت عدم موجودیت عقد شراکت تضامنی کار، پرداخت خساره بوسیله شرکاء متناسب به سهم آنها از مفاد شرکت تضامنی کار صورت می‌گیرد، هرگاه خسارات به اثر تقصیر آشکار ناشی از عمل یک یا بیش از یک شریک بوجود آمده باشد، در آن صورت خساره عاید به توسط شرکایی که مرتکب چنان تقصیر شده باشند، پرداخته می‌شود.

تهیه محل کار و وسایل

ماده یکصد و هشتادم:

در شرکت تضامنی کار عده ای از شرکاء می‌توانند تهیه محل کار و سایر شرکاء تهیه وسایل معین کار و انجام آنرا بعهده بگیرند.

د تضامنی شراکت دعقد د شرایطو مطابق صورت مومی. دکار د تضامنی شراکت دعقد دنه موجودیت په صورت کې، د شریکانو لخوا د تاوان ورکول، دهغوی له ونډې سره متناسب، دکار د تضامنی شرکت له گټې څخه صورت مومی، که چېرې زیان دیوه یاله یوه څخه دزیاتو شریکانو له عمل څخه د راپیدا شوی څرگند تقصیر له امله منځته راغلي وي، په هغه صورت کې اوونستی زیان دهغو شریکانو په واسطه چې ددغه ډول تقصیر مرتکب شوی وي، ورکول کېږي.

دکار دخای او وسایلو برابرول

یوسلو اتیایمه ماده:

دکار په تضامنی شرکت کې یو شمېر شریکان کولای شي دکار دخای برابرول اونور شریکان دکار دټاکلو وسایلو برابرول اودهغه سرته رسول په غاړه واخلي.

اووم فصل متفرقه حکومه

فصل هفتم احکام متفرقه

د فعالیت دوام

یوسلو یو اتیایمه ماده:

(۱) هغه تضامنی شرکتونه چې ددی قانون له انفاذ دمخه یې له نورو دولتی واکمنو مراجعو څخه د فعالیت جواز اخستی او هغه یې د سوداگریزو سندونو او علامو په دفتر کې ثبت کړی وي، ددی قانون په نافذېدو سره یې، قانونی موجودیت دوام مومي اولدی وروسته ددی قانون د حکمونو تابع دی.

(۲) هغه تضامنی شرکت چې لدی قانون سره په نه مطابقت کې جوړ شوی دی، تضامنی شرکت نه گڼل کېږي.

دمالیاتی وجیبو ادا کول

یوسلو دوه اتیایمه ماده:

پدی قانون کې درج شوی تضامنی شرکتونه او شریکان یې مکلف دی د اړوندو نافذو قوانینو د حکمونو مطابق خپلې مالیاتی او تادیاتی وجیبې اداء کړی.

ادامه فعالیت

ماده یکصد و هشتاد و یکم:

(۱) شرکت های تضامنی که قبل از انفاذ این قانون، از سائر مراجع ذیصلاح دولتی جواز فعالیت اخذ و آنرا ثبت دفتر اسناد و علایم تجارتی نموده باشند، با انفاذ این قانون، موجودیت قانونی شان ادامه یافته و بعد از این تابع احکام این قانون می باشند.

(۲) شرکت تضامنی ای که در عدم مطابقت با این قانون تشکیل گردیده باشد، شرکت تضامنی شمرده نمی شود.

ادای وجایب مالیاتی

ماده یکصد و هشتاد و دوم:

شرکتهای تضامنی مندرج این قانون و شرکای آن مکلف اند طبق احکام قوانین نافذة مربوط و جایب مالیاتی و تادیاتی خویش را ادا نمایند.

دمقررو، کړنلارو او لايحو وضع کول

يوسلو دري اتيایمه ماده:

دسوداگری، وزارت کولای شي ددی قانون د حکمونو د بنه تطبیق په منظور مقررې وړاندیز او اړوندی کړنلارې او لايحې وضع کړي.

دانفاذ نېټه

يوسلو څلور اتيایمه ماده:

دغه قانون دتوشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دی خپور شي، په نافذېدو سره يې د ۱۳۳۶ کال د تلې د مياشتې په (۸۹) گڼه رسمي جريده کې خپاره شوی، دافغانستان دسوداگری په اصولنامه کې درج په تضامني شرکتونو پورې اړوند حکمونه اود ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ نېټې په مدني قانون کې اړوند حکمونه او د نورو قوانينو له حکمونو څخه هر حکم چې ددی قانون د حکمونو له يوۀ حکم سره متناقض وي، لغو گڼل کېږي.

وضع مقررې ها، طرزالعمل ها ولوايح

ماده یکصدو هشتاد وسوم:

وزارت تجارت می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررې ها راپیشنهاد و طرزالعمل ها و لوايح مربوط را وضع نماید.

تاریخ انفاذ

ماده یکصدو هشتاد و چهارم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جريده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام مربوط به شرکت های تضامنی مندرج در اصولنامه تجارت افغانستان منتشره جريده رسمی شماره (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ و احکام مربوط در قانون مدني مؤرخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ و هر حکم از احکام ساير قوانين که متناقض با حکم از احکام این قانون باشد، ملغی شناخته می شود.

قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۱۶۸۳۷)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!

قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران به داخل (۳) فصل و (۲۵) ماده تصویب و از جانب ما به حیث فرمان تقنینی شماره (۹۸) مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است، به شما ارسال شد تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی

افغانستان

د افغانستان اسلامی جمهوریت

گڼه: (۱۶۸۳۷)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

د عدلیې وزیر محترم سرور دانش!

د سوداگریز منځگریټوب (مصالحې) قانون چې د وزیرانو شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ په (۳) فصلونو او (۲۵) مادو کې تصویب او زموږ لخوا د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې د (۹۸) گڼې تقنیني فرمان په توگه توشیح شوې دی، تاسې ته درواستول شو څو یې په رسمی جریده کې به خپرولو اقدام وکړی.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامی

جمهوریت رئیس

د سوداگریز منځګړیتوب
 (مصالحه) د قانون د توشیح په
 هکله، د افغانستان د اسلامي
 جمهوریت د رئیس فرمان
 ګڼه: (۹۸)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

فرمان رئیس جمهوري اسلامي
 افغانستان در مورد توشیح قانون
 میانجیگری (مصالحه)
 تجارتی
 شماره: (۹۸)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسي د (۷۹) مادې د حکم پر بنسټ، د سوداگریز منځګړیتوب (مصالحې) قانون چې د وزیرانو د شـوـرـي د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) ګڼې مصوبې پر بنسټ په (۳) فصلونو او (۲۵) مادو کې تصویب شوي، د تقنیني فرمان په توګه توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

د افغانستان د اسلامي جمهوریت د عدليې وزیر او په پارلماني چارو کې د دولت وزیر مؤظف دي، دغه قانون د ملي شوري د لومړنۍ غونډې د جوړیدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ملي شوري ته وړاندې کړي.

ماده اول:

بتأسی از حکم ماده (۷۹) قانون اساسی افغانستان قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران به داخل (۳) فصل و (۲۵) ماده تصویب گردیده است، به حیث فرمان تقنینی توشیح می دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان و وزیر دولت امور پارلمانی مؤظف است این قانون را در خلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به شورای ملی تقدیم نماید.

درېيمه ماده:

دغه تقنيني فرمان د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دې خپور شي.

ماده سوم:

اين فرمان تقنيني از تاريخ توشېح نافذ و در جريده رسمي نشر گردد.

حامد کرزي**د افغانستان د اسلامي****جمهوريت رئيس****حامد کرزي****رئيس جمهوري اسلامي****افغانستان**

د سودا گریز منځگړیتوب
د (مصالحه) قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

قانون
میانجیگری (مصالحه) تجارتی
فصل اول
احکام عمومی

موخه

لومړۍ ماده :

دغه قانون د منځگړیتوب (مصالحه) له لارې د سوداگریزې شخړې چټک، عادلانه او بې پلوه حل او فصل ته د اړخونو د هڅونې او پدې برخه او نورو اړوندو چارو کې د آسانتیاوو د برابرولو په منظور، وضع شوی دی .

هدف

ماده اول:

این قانون به منظور تشویق طرفین منازعه تجارتی به حل و فصل سریع، عادلانه و بیطرفانه از طریق میانجیگری (مصالحه)، فراهم آوری تسهیلات در زمینه و سایر امور مربوط به آن، وضع گردیده است.

اصطلاحگاني

دوه یمه ماده :

لاندې اصطلاحگاني پدې قانون کې دغه معنا وې لري :

۱- منځگړۍ : له یوه یا زیاتو حقیقي اشخاصو څخه عبارت دي چې د اړخونو د موافقې پر بنسټ ، د اړوندې شخړې د حل او فصل په غرض ټاکل کېږي .

۲- منځگړیتوب (مصالحه) : له هغې لارم الاجراء عملیې څخه عبارت ده چې د هغې پر بنسټ منځگړۍ د اړخونو د غوښتنلیک

اصطلاحات

ماده دوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید :

۱- میانجی: عبارت از یک شخص حقیقی یا بیشتر از آن است که به اساس توافق طرفین، غرض حل و فصل منازعه مربوط تعیین می گردند.

۲- میانجیگری (مصالحه) : عبارت از عملیه لارم الاجرای است که به تاسی از آن میانجی به اساس درخواست و توافق طرفین ،

خدمات بیطرفانه را بمنظور حل و فصل سریع و عادلانه منازعات اقتصادی و تجارتي انجام می دهد.

۳- معامله تجارتي: شامل کلیه مناسبات دارای ماهیت تجارتي و اقتصادی می باشد که به اساس قرارداد یا غیر آن استوار باشد.

۴- محکمه: عبارت از محکمه ذیصلاح تجارتي افغانستان می باشد.

عدم تحمیل راه حل منازعه ماده سوم:

میانجی نمی تواند راه حل پیشنهاد شده منازعه را بالای طرفین تحمیل نماید.

انصراف از تطبیق ماده چهارم:

طرفین می توانند به انصراف از تطبیق احکام این قانون موافقه نمایند.

ساحه تطبیق ماده پنجم:

احکام این قانون بالای تمام طرفین منازعه قابل تطبیق

او توافق په اساس، د اقتصادی او سوداگریزو شخړو د چټک او عادلانه حل او فصل په منظور، بی پلوه خدمتونه سر ته رسوي .

۳- سوداگریزه معامله: د سوداگریز او اقتصادی ماهیت لرونکی ټول هغه مناسبات پکې شامل دی چې د قرار داد پر بنسټ یا پرته له هغه باندی استوار وي .

۴- محکمه: د افغانستان له واکمنې سوداگریزې محکمې څخه عبارت ده.

د شخړې د حل دلاري نه تحمیلول درېیمه ماده:

منځگړې نشي کولای د شخړې وړاندیز شوې حل لاره، پر اړخونو باندی تحمیل کړی .

له تطبیق څخه انصراف څلورمه ماده:

اړخونه کولای شي د دی قانون د حکمونو له تطبیق څخه پر انصراف باندی موافقه وکړی .

د تطبیق ساحه پنځمه ماده:

د دی قانون حکمونه د شخړې پر ټولو اړخونو باندی د تطبیق وړ

بوده، مگر اینکه موافقه طبق حکم مندرج ماده چهارم این قانون صورت گرفته باشد.

حالات عدم تطبیق ماده ششم:

هرگاه میانجی از طرف محکمه یا حکمیت تعیین گردد، احکام این قانون قابل تطبیق نمی‌باشد.

فصل دوم طرز میانجیگری

آغاز میانجیگری ماده هفتم:

عملیه میانجیگری در مورد حل و فصل منازعه از تاریخ آغاز می‌گردد که طرفین منازعه به حضور و شرکت در آن توافق می‌نمایند.

رد دعوت ماده هشتم:

هرگاه یکی از طرفین منازعه در خلال (۳۰) روز از تاریخ ارسال دعوت نامه یا مدتی که در آن معین شده است، قبولی دعوتنامه را مبنی بر مصالحه

دی، خودا چپ موافقه د دی قانون په څلورمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، صورت موندلی وي.

د نه تطبیق حالتونه شپږمه ماده:

که چېرې منځگړې د محکمې یا حکمیت لخوا وټاکل شي، د دی قانون حکمونه د تطبیق وړ ندی.

دوه یم فصل د منځگړیتوب ډول

د منځگړیتوب پیلول اوومه ماده:

دشخړې د حل او فصل په هکله د منځگړیتوب عملیه له هغې نېټې څخه پیل کېږي چې د شخړې اړخونه په هغې کې پر حضور او گډون باندې موافقه کوي.

د بلنې ردیدل اتمه ماده:

که چېرې د شخړې له اړخونو څخه یو د بلن لیک د استولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ یا هغې مودې کې چې پکې ټاکل شوې ده، د مصالحې په اړه د بلن لیک منل

دریافت ننماید ، دعوت به
مصالحه رد شده تلقی می گردد .

اجرای میانجیگری ماده نهم:

(۱) طرفین منازعه میتوانند
در مورد نحوه میانجیگری
طوری دیگر توافقی
نمایند .

(۲) میانجی می تواند در صورت
عدم دستیابی به توافق
طرفین منازعه در مورد
نحوه اجرای میانجیگری ،
عملیه را با نظر داشت اوضاع و
شرایط قضیه ، خواست های
طرفین و حل سریع منازعه به
نحویکه مناسب داند ، انجام
دهد .

ملاقات میانجی ماده دهم:

میانجی می تواند با طرفین
یکجا یا طور جداگانه
ملاقات یا تماس برقرار
نماید .

تر لاسه نکری ، مصالحی ته بلنه
رد شوې گڼل کېږي .

د منځگړیتوب اجراء نهمه ماده :

(۱) د شخړې اړخونه کولای
شي د منځگړیتوب د څرنگوالی
په هکله بل ډول موافقه
وکړی .

(۲) منځگړی کولای شي د
منځگړیتوب د اجراء د څرنگوالی
په هکله د شخړې د اړخونو موافقی
ته د نه لاس رسی په صورت کې ،
عملیه د قضیې د اوضاع او
شرایطو ، د اړخونو د غوښتنو او د
شخړې د چټک حل له پام کې نیولو
سره په هغه ډول چې مناسب یې
گڼي ، سرته ورسوي .

د منځگړي کتنه (ملاقات) لسمه ماده :

منځگړی کولای شي له
اړخونو سره یو ځای یا په
جلا توگه کتنه وکړی یا ورسره
تماس برقرار کړی .

د طرحې وړاندې کول**یوولسمه ماده:**

منځګړی کولای شي دمنځګړیتوب د عملیې په هر یوه پړاو کې خپلې طرحې، اړخونو ته د شخړې د حل او فصل لپاره وړاندې کړي.

ارائه طرح**ماده یازدهم:**

میانجی می تواند در هر يك از مراحل عملیه میانجیگری، طرح های خود را برای حل و فصل منازعه به طرفین ارائه نماید.

منصفانه چلند**دوو لسمه ماده:**

منځګړی مکلف دی په هر حالت یا له اړخونو سره د منځګړیتوب د عملیې د اجراء په وخت کې منصفانه چلند وکړي.

برخورد منصفانه**ماده دوازدهم:**

میانجی مکلف است در هر حالت یا حین اجرای عملیه میانجیگری با طرفین، برخورد منصفانه نماید.

د مدرکونو نه راټولول**دیارلسمه ماده:**

منځګړی، اړخونه او نور هغه اشخاص چې په یو ډول نه یو ډول د منځګړیتوب په عملیه کې دخپل وي، نشي کولای، د حکمیت او قضایې څېړنې په بهیر کې، په لاندی مواردو کې مدرکونه برابر او د شاهد په توګه شهادت اداء کړي:

عدم جمع آوری مدارک**ماده سیزدهم:**

میانجی، طرفین و سایر اشخاصی که به نحوی از انحاء در عملیه میانجیگری دخپل باشند، نمی توانند در روند حکمیت و رسیدگی قضایې در موارد ذیل، مدارک را فراهم آوری و منحیث شاهد ادای شهادت نماید:

۱- دعوت از جانب یکی از طرفین، به منظور دخپل شدن در عملیه میانجیگری ویاتمایل طرف دیگر به سهمگیری در این عملیه.

۲- اظهار نظر یا رایاه پیشنهاد

۱- د منځګړیتوب په عملیه کې د داخلېدو په منظور د یوه اړخ لخوا بلنه یا پدی عملیه کې برخې اخیستنې ته د بل لوري لېوالتیا.

۲- د شخړې د ممکنه حل او فصل

توسط یکی از طرفین میانجیگری در رابطه به حل و فصل ممکنه منازعه.

۳- اظهارات یا اعترافاتى که توسط طرفین در خلال عملیه میانجیگری صورت گرفته باشد.

۴- پیشنهاداتی که توسط میانجی ارائه شده باشد.

۵- تمایل یکی از طرفین مبنی بر پذیرش پیشنهادیکه برای حل و فصل منازعه توسط میانجی ارائه شده باشد.

۶- سندی که صرف به منظور عملیه میانجیگری ترتیب شده باشد.

عدم افشای حکم ماده چهاردهم:

بورد حکمیت، محکمه یا سایر مقامات ذیصلاح دولتی نمی توانند، حکم افشای معلومات مندرج حکم ماده بیست و یکم این قانون را صادر نمایند. هرگاه معلومات متذکره مغایر حکم مندرج ماده بیست و یکم این قانون به حیث مدرک ارائه گردد، این مدارک

په اړه د منځگړیتوب د یوه اړخ لخوا د نظر یا وړاندیز وړاندی کول.

۳- هغه اظهارات یا اعترافونه چې د اړخونو لخوا د منځگړیتوب د عملیې په ترڅ کې صورت موندلی وي.

۴- هغه وړاندیزونه چې د منځگړي لخوا وړاندی شوی وي.

۵- د شخړې د حل او فصل لپاره د هغه وړاندیز د منلو په اړه چې د منځگړي لخوا وړاندی شوی وي، د یوه اړخ لپوالتیا.

۶- هغه سند چې یواځې د منځگړیتوب د عملیې په منظور، ترتیب شوی وي.

د حکم نه ښکاره کول څوارلسمه ماده:

د حکمیت بورډ، محکمه یا نور دولتي واکمن مقامات نشي کولای، د دی قانون د یو ویشتمې مادې په حکم کې د درج شوو معلوماتو د ښکاره کولو حکم صادر کړی. که چېرې نوموړي معلومات د دی قانون په یو ویشتمه ماده کې د درج شوی حکم مغایر د مدرک په توگه

قابل اعتبار نمی باشد ، مگر اینکه افشای معلومات مذکور به منظور تطبیق موافقتنامه حل و فصل منازعه ، لازم باشد .

پذیرش مدارك

ماده پانزدهم:

بانظرداشت حکم مندرج ماده بیست و یکم این قانون ، مدارکی که در روند حکمیت ، رسیدگی قضایی و روند های مشابه دیگری قابل پذیرش باشد ، در عملیه میانجیگری نیز پذیرفته شده می تواند .

ختم عملیه میانجیگری

ماده شانزدهم:

میانجیگری در حالات ذیل از تاریخ عقد یا اعلام خاتمه می یابد:

۱- در صورت عقد یا امضای موافقتنامه حل و فصل منازعه توسط طرفین .

۲- در صورتی که میانجی اعلام نماید که مساعی در عملیه میانجیگری بیشتر از این قابل توجیه نمی باشد .

وړاندی شي ، دغه مدرکونه د اعتبار وړ ندی ، خو دا چې د دغو معلوماتو افشاء کېدل ، د شخړې د حل او فصل د موافقه لیک د تطبیق په منظور ، لازم وي .

د مدرکونو منل

پنځلسمه ماده :

د دی قانون په یو ویشتمه ماده کې د درج شوی حکم له په پام کې نیولو سره ، هغه مدرکونه چې د حکمیت ، قضایی څېړنې او په نورو ورته تگلارو کې د منلو وړ وي ، د منځگړیتوب په عملیه کې هم منل کېدی شي .

د منځگړیتوب د عملیې پای

شپاړسمه ماده :

منځگړیتوب په لاندی حالاتو کې د عقد یا اعلانېدو له نېټې څخه پای ته رسېږي:

۱- د اړخونو لخوا د شخړې د حل او فصل د موافقه لیک د عقد یا لاسلیک په صورت کې .

۲- په هغه صورت کې چې منځگړی اعلام کړی چې د منځگړیتوب په عملیه کې تردی زیات هاند د توجیه وړ ندی .

۳- در صورتی که طرفین، ختم عملیه میانجیگری را به میانجی اعلام نمایند.

۴- در صورتی که یکی از طرفین به طرف یا طرف های دیگر و میانجی ختم عملیه میانجیگری را اعلام نماید.

۳- په هغه صورت کې چې اړخونه، د منځگړیتوب د عملیې پای ته رسېدل منځگړي ته اعلام کړي .

۴- په هغه صورت کې چې یو له اړخونو څخه بل اړخ یا اړخونو او منځگړي ته د منځگړیتوب د عملیې پای ته رسېدل اعلام کړي .

فصل سوم احکام متفرقه

درېیم فصل متفرقه حکمونه

نقش میانجی به حیث حکم ماده هفدهم:

میانجی نمی تواند در منازعه ای که قبلاً یا فعلاً موضوع مورد بحث میانجیگری بوده، یا در منازعه دیگری که از عین قرارداد یا رابطه حقوقی مرتبط به منازعات متذکره ناشی شده باشد، من حیث حکم عمل نماید، مگر اینکه طرفین در زمینه موافقه نموده باشند.

مدت تعلیق ماده هجدهم:

مرور زمان در مورد حل و فصل منازعه، از تاریخ آغاز عملیه

د حکم په توگه د منځگړي نقش اووه لسمه ماده:

منځگړی نشي کولای په هغه شخړه کې چې پخوا یا اوس د منځگړیتوب په هکله د بحث موضوع ده، یا په کومه بله شخړه کې چې له عین قرارداد یا له نوموړو شخړو سره په تړاو کې له حقوقي رابطې څخه را ولاړه شوې وي، د حکم په توگه عمل وکړي، خو دا چې اړخونو پدی برخه کې موافقه کړې وي.

د تعلیق موده اتلسمه ماده:

د شخړې د حل او فصل په هکله د وخت تېرېدل، د منځگړیتوب د

میانجیگری به حالت تعلیق قرار می‌گیرد.

در صورتی که عملیه میانجیگری بدون دستیابی به موافقه حل و فصل خاتمه یابد، مدت مرور زمان از همین تاریخ مجدداً آغاز می‌گردد.

معرفی میانجی

ماده نهم:

شخص معرفی شده به حیث میانجی مکلف است قبل از انتصاب یا بعد از آن یا در جریان عملیه میانجیگری راجع به شخصیت و سایر احوال مربوط به خود که موجب از بین رفتن شك و تردید در مورد استقلالیت و بی طرفی اش می‌گردد، به طرفین منازعه معلومات لازم ارائه نماید، مگر اینکه قبلاً در مورد از جانب وی اطلاع یافته باشند.

افشای معلومات

ماده بیستم:

در صورتی که میانجی توسط یکی از طرفین در مورد منازعه معلومات دریافت نماید، میتواند آنرا به هر يك از طرف دیگر ذیدخل

عملیې د پیل له نېټې څخه د تعلیق په حالت کې قرار نیسي .

په هغه صورت کې چې د منځگړیتوب عملیه، د حل او فصل موافقې ته له رسېدو پرته پای ته ورسېږي، د وخت د تېرېدو موده له همدغې نېټې څخه بیا پیل کېږي .

د منځگړي پېژندگلوې

نولسمه ماده:

د منځگړي په توگه ورپېژندل شوی شخص مکلف دی له انتصاب د مخه یا وروسته یا د منځگړیتوب د عملیې په بهیر کې د خپل شخصیت او په ځان پورې د نورو اړوندو حالاتو په هکله چې د هغه د خپلواکۍ (استقلالیت) او بې پلوی په برخه کې د شک او تردید د له منځه تلو موجب کېږي، د شخړې اړخونو ته لازم معلومات وړاندې کړي، خو دا چې د مخه یې د ده لخوا خبرتیا ترلاسه کړې وي.

د معلوماتو افشاء کول

شلمه ماده:

په هغه صورت کې چې منځگړی د یوه اړخ لخوا د شخړې په هکله معلومات ترلاسه کړي، کولای شي هغه د منځگړیتوب په عملیه کې

در عملیه میانجیگری آشکار نماید، مگر اینکه به حفظ محرمت آن تاکید شده باشد.

محرمت معلومات ماده بیست و یکم:

تمام معلومات مربوط به عملیه ای میانجیگری به استثنای حالتیکه افشای آن مطابق احکام این قانون یا بمنظور تطبیق موافقتنامه حل و فصل منازعه لازم دانسته شود، طور محرم نگهداری می گردد، مگر اینکه طرفین طوردیگری موافقه نموده باشند.

توافق به روند حکمیت یا رسیدگی قضایی ماده بیست و دوم:

هرگاه طرفین روی میانجیگری توافق و صریحاً موافقه خویش را مبنی بر عدم آغاز عملیه میانجیگری در خلال مدت زمان معین یا تا زمانیکه يك رویداد معین روند حکمیت و رسیدگی قضایی را در مورد يك منازعه بمیان می آورد، ابراز نموده باشند، موافقتنامه مذکور از طرف مورد حکمیت یا محکمه الی

هر یوه بل اړوند اړخ ته څرگند کړي، خو دا چې د محرمت په ساتنې بې تاکید شوی وي .

د معلوماتو محرمت یو ویشتمه ماده:

د منځگړیتوب په عملیې پورې اړوند ټول معلومات، د هغو حالاتو په استثنای چې بنسکاره کول د دی قانون د حکمونو مطابق د شخړې د حل او فصل د موافقه لیک د تطبیق په منظور لازم وگنل شي، په محرم ډول ساتل کېږي خو دا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

حکمیت بهیر یا قضایی څېړنې باندی توافق ته لاس اچول دوه ویشتمه ماده:

که چېرې اړخونو پر منځگړیتوب باندی موافقه کړې وي او د ټاکلي وخت مودى په ترڅ کې یایې تر هغه وخته چې یوه ټاکلي پېښه، د یوې شخړې په هکله د حکمیت او قضایی څېړنې بهیر منخته راوړي، د منځگړیتوب د عملیې د نه پیلېدو په اړه خپله موافقه په څرگنده توگه بنودلې وي، نوموړی موافقه لیک د حکمیت د مورد یا

تحقق شرایط آن مدار اعتبار می‌باشد، مگر اینکه حقوق طرفین به اتلاف مواجه باشد. این رویداد به مثابه ختم موافقتنامه میانجیگری تلقی نمی‌شود.

تطبيق موافقتنامه

ماده بیست و سوم :

هرگاه طرفین، موافقتنامه حل و فصل منازعه را عقد و امضاء نمایند، این موافقتنامه عیناً مانند سایر موافقتنامه‌های تجارتي و اقتصادی قابل تطبيق می‌باشد.

وضع مقرر و طرز العمل ها

ماده بیست و چهارم :

وزارت تجارت و صنایع می‌تواند به منظور تطبيق بهتر احکام این قانون، مقرر ها را پیشنهاد و لوایح و طرز العمل ها را وضع و تصویب نماید.

تاریخ انفاذ

ماده بیست و پنجم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد.

محکمې لخوا د هغه د شرایطو تر پلي کېدو پورې د اعتبار وړ دی، خو دا چې د اړخونو حقوق له تلف کېدو سره مخامخ وي. دغه پېښه د منځگړیتوب د موافقه لیک د پای ته رسېدو په توگه نه گڼل کېږي.

د موافقه لیک تطبيق

درويشتمه ماده :

که چېرې اړخونه، د شخړې د حل او فصل موافقه لیک عقد او لاسلیک کړي، دغه موافقه لیک عیناً د نورو سوداگريزو او اقتصادی موافقه لیکونو په څېر د تطبيق وړ دی.

د مقررې او کړنلارو وضع کول

څلېرېشتمه ماده :

د سوداگري او صنایعو وزارت کولای شي، د دې قانون د حکمونو د ښه تطبيق په منظور، مقررې وړاندیز او لایحې او کړنلارې وضع او تصویب کړي.

د انفاذ نېټه

پنځه ویشتمه ماده :

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي.

قانون حکمیت تجارتی

د افغانستان اسلامي جمهوریت

گڼه: (۱۶۸۳۵)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

د عدلیې وزیر محترم سرور دانش!

د سوداگریز حکمیت قانون چی د وزیرانو د شوري ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پرنسټ په (۹) فصلونو او (۶۰) مادو کې تصویب شوی او زموږ له لوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ نېټې د (۹۵) گڼې تقنیني فرمان په توگه توشیح شوی دی، تاسو ته در واستول شو خوږې په رسمي جریده کې په خپرولو اقدام وکړئ.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت

رئیس

جمهوری اسلامی افغانستان

شماره: (۱۶۸۳۵)

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۸

محترم سرور دانش وزیر عدلیه!

قانون حکمیت تجارتي را که به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران بداخل (۹) فصل و (۶۰) ماده تصویب گردیده و از جانب ما به حیث فرمان تقنینی شماره (۹۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ توشیح گردیده است، بشما ارسال شد تا به نشر آن در جریده رسمی اقدام نمائید.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی

افغانستان

دسو دا گريز حکمیت د قانون د
توشېح په هکله، د افغانستان د
اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

فرمان رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان در مورد توشیح قانون
حکمیت تجارتي

گڼه: (۹۵)

شماره: (۹۵)

نېټه: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷

لومړۍ ماده:

ماده اول:

د افغانستان د اساسی قانون د
(۷۹) مادې د حکم له مخې د
سوداگریز حکمیت قانون چې د
وزیرانو د شوري د ۱۳۸۵/۱۰/۲۵
نېټې د (۳۵) گڼې مصوبې پر بنسټ
په (۹) فصلونو او (۶۰) مادو کې
تصویب شوی دی، د تقنیني فرمان
په توگه توشیح کوم.

به تأسی از حکم ماده (۷۹) قانون
اساسی افغانستان قانون حکمیت
تجارتي را که به اساس مصوبه
شماره (۳۵) مورخ
۱۳۸۵/۱۰/۲۵ شورای وزیران
بداخل (۹) فصل و (۶۰) ماده
تصویب گردیده است، به حیث
فرمان تقنینی توشیح می‌دارم.

دوه یمه ماده:

ماده دوم:

دا.ا.ج عدلیې وزیر او په پارلماني
چارو کې د دولت وزیر مؤظف دي،
دغه قانون د ملي شوري د لومړنۍ
غونډې د جوړیدو له نېټې څخه د
(۳۰) ورځو په ترڅ کې ملي شوري
ته وړاندې کړي.

وزیر عدلیه ج.ا.ا و وزیر دولت در
امور پارلماني مؤظف اند این
قانون را در خلال (۳۰) روز از
تاریخ انعقاد نخستین جلسه
شورای ملی به شورای ملی تقدیم
نماید.

دریمه ماده:

ماده سوم:

دغه تقنیني فرمان د توشیح له
نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده

این فرمان تقنینی از تاریخ توشیح
ناگذ ودر جریده رسمی نشر

کې دې خپور شي.

گردد.

حامد کرزی

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان

دسوداگریز حکمیت قانون

لومړی فصل

عمومي حکمونه

قانون حکمیت تجارتي

فصل اول

احکام عمومي

موخه

لومړی ماده :

دغه قانون دسوداگریز او اقتصادي حکمیت په هکله دافغانستان او نورو دولتونو ترمنځ د عقد شوو موافقه لیکونو له په پام کې نیولو سره، د حکمیت له لارې د سوداگریزو او اقتصادي شخړو د چټک، عادلانه او بې پلوه حل او فصل داسانولو او هڅونې او په هغو پورې د اړوند چارو د تنظیم په منظور، وضع شوی دی.

هدف

ماده اول:

این قانون به منظور تسهیل و تشویق حل و فصل سریع، عادلانه و بیطرفانه منازعات تجارتي و اقتصادي از طریق حکمیت بانظر داشت موافقتنامه های منعقدہ میان افغانستان و سایر دول در مورد حکمیت تجارتي و اقتصادي و تنظیم امور مربوط به آن، وضع گردیده است.

اصطلاحگانی

دوه یمه ماده :

پدی قانون کې لاندی اصطلاحگانی دغه مفاهیم افاده کوي:

۱- حکم: هغه شخص دی چي په سوداگریزو شخړو کې د حکمیت دنده په غاړه لري.

۲- حکمیت: هغه لازم الاجراء عملیه ده چي پر بنسټ یې حکم یا حکمان یاد حکمیت اداره د اړخونو د غوښتنې او موافقې یا د محکمې

اصطلاحات

ماده دوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱- حکم: شخص است که وظیفه حکمیت را در منازعات تجارتي به عهده دارد.

۲- حکمیت: عملیه لازم الاجرائی است که به اساس آن حکم یا حکم ها یا اداره حکمیت بالآخر تقاضا و توافق طرفین یا قرار محکمه،

خدمات بیطرفانه را به منظور حل و فصل سریع و عادلانه منازعات ناشی از قرارداد معاملات اقتصادی و تجارتی، انجام می دهند.

۳- موافقتنامه حکمیت: موافقتنامه کتبی طرفین (طور ماده وار یا غیر آن) مبنی بر احاله کلی یا قسمی منازعات ناشی از قرارداد یا غیر آن به حکم، حکم ها یا مورد حکمیت می باشد.

۴- قرار حکمیت: تصمیم نهایی است که از طرف حکم، حکم ها یا مورد حکمیت یا محکمه در مورد حل و فصل منازعه اتخاذ می گردد.

۵- معامله تجارتی: کلیه مسایل شامل مناسبات دارای ماهیت تجارتی و اقتصادی که به اساس قرارداد یا غیر آن استوار باشد.

۶- محکمه: محکمه ذیصلاح تجارتی افغانستان می باشد.

۷- دفتر ثبت مرکزی: اداره ای است که اسناد مربوط حکمیت در آن ثبت و نگهداری می گردد.

دقرار له مخی د اقتصادى او سوداگریزو معاملو له قرارداد خخه د راپیدا شوو شخړو دچتیک او عادلانه حل او فصل په منظور، بې پلوه خد متونه سرته رسوي.

۳- د حکمیت موافقه لیک: حکم، حکمانویا د حکمیت بورډ ته له قرارداد یا پرته له هغه خخه د راپیدا شوو شخړو د بشپړې یا یوې برخې د احالي په اړه، د اړخونو (په ماده واره توگه یا له هغې پرته) لیکلی موافقه لیک دی.

۴- د حکمیت قرار: هغه وروستی تصمیم دی چې د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ یا محکمې لخوا د شخړې د حل او فصل په هکله نیول کېږي.

۵- سوداگریزه معامله: د سوداگریز او اقتصادی ماهیت لرونکو مناسباتو ټولې مسئلې دی چې د قرارداد یا له هغه پرته، پربنسټ ولاړې وي.

۶- محکمه: د افغانستان واکمنه سوداگریزه محکمه ده.

۷- د مرکزي ثبت دفتر: هغه اداره ده چې په حکمیت پورې اړوند سندونه پکې ثبت اوساتل کېږي.

د حکمیت ډول

درېیمه ماده :

(۱) حکمیت په دوو نړیوالې او کورنۍ، طریقو صورت موندلی شي.

(۲) حکمیت په لاندې حالاتو کې نړیوال گڼل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې په قرارداد کې تصریح شوی وي.

۲- په هغه صورت کې چې سوداگریزې او اقتصادي معاملې د خوښوونو ترمنځ وي او په قرارداد کې تصریح شوي نه وي.

(۳) په قرارداد کې د نه درج په صورت کې، د هغه هېواد د حکمیت قانون چې اړخونه پکې سوداگریزې معاملې سرته رسوي، تطبیقېږي.

(۴) هغه احوال چې د دی مادي په (۱) فقره کې اټکل شوی نه وي، کورنی حکمیت گڼل کېږي.

د تطبیق ساحه

څلورمه ماده :

(۱) ددی قانون حکمونه یوازې په هغو حالاتو کې د تطبیق وړ دي چې د حکمیت ځای افغانستان وي. ددی قانون په یوولسمه ماده کې

طرز حکمیت

ماده سوم:

(۱) حکمیت به دو طریقو (بین المللی و داخلی) صورت گرفته می تواند.

(۲) حکمیت در حالات ذیل بین المللی دانسته می شود:

۱- در صورتی که در قرارداد تصریح شده باشد.

۲- در صورتی که معاملات تجارتي و اقتصادي بين چند کشور بوده و در قرارداد تصریح نشده باشد.

(۳) در صورت عدم درج در قرارداد، قانون حکمیت کشوريکه، در آن طرفین، معاملات تجارتي را انجام می دهند، تطبیق می گردد.

(۴) احوالی که در فقره (۱) این ماده پیش بینی نگردیده باشد، حکمیت داخلی دانسته می شود.

ساحه تطبیق

ماده چهارم:

(۱) احکام این قانون صرف در حالاتی قابل تطبیق است که محل حکمیت افغانستان باشد. حکم مندرج ماده یازدهم

این قانون و احکام مواد شامل فصل هفتم از این حکم مستثنی اند.

(۲) احکام این قانون در مورد منازعات مشخصی که تابع حکمیت نبوده یا حل و فصل آن به اساس سایر اسناد تقنینی تنظیم گردیده باشد، قابل تطبیق نیست.

مذاکره مستقیم

ماده پنجم:

احکام این قانون مانع حل و فصل منازعات اقتصادی و تجارتی طرفین حکمیت، از طریق مذاکرات مستقیم، میانجیگری یا شیوه های شبیه حل و فصل منازعات تجارتی و اقتصادی نمی گردد.

دریافت مراسلات کتبی

ماده ششم:

مراسلات کتبی در صورتی دریافت شده تلقی می گردد که شخصاً به مرسل الیه سپرده شود یا توسط پست راجستری یا سایر وسایلی که اهتمام تسلیمی آن را نشان داده و به آدرس راجستر شده محل تجارت مرسل

درج شوی حکم اوپه اووم فصل کی د شاملو مادو حکمونه لدی حکم خخه مستثنی دی.

(۲) ددی قانون حکمونه دهغو مشخصو شخروپه هکله چپی د حکمیت تابع ندی یایی حل و فصل د نورو تقنینی سندونو پر بنسټ تنظیم شوی وی، د تطبیق وړندی.

مستقیمې خبرې اترې

پنځمه ماده :

ددی قانون حکمونه، دمستقیمو خبرو اترو، منځگړیتوب یا د سوداگریزو او اقتصادی شخړو حل و فصل ته د ورته لارو چارو له لارې، د حکمیت د اړخونو د اقتصادی اوسوداگریزوشخړو د حل و فصل خنډنه کېږي.

د لیکلو مراسلو ترلاسه کول

شپږمه ماده :

لیکلې مراسلې په هغه صورت کې ترلاسه شوي گڼل کېږي چې شخصاً مرسل الیه ته وسپارل شي یا د راجستري پست یا هغو وسایلو په واسطه چې دهغو د تسلیمولو اهتمام یې بنودلی وي اوپه افغانستان کې د مرسل الیه د

الیه در افغانستان تسلیم داده شود. در این صورت مراسلات در روز تسلیمی آن دریافت شده پنداشته می شود، مگر اینکه طوردیگری موافقه نموده باشند. این حکم صرف بر مراسلاتی تطبیق می گردد که در مورد رسیدگی حکمیت باشد.

رسیدگی به حکمیت ماده هفتم:

حکمیت از روز رسیدگی قضیه آغاز میگردد. حکم برای طرفین مدت را غرض ارایه جواب تعیین می نماید. هرگاه طرف در خلال مدت معینه اسناد خود را ارائه ننماید، چنین پنداشته می شود که از حق اعتراض خود صرف نظر نموده است.

عدم مداخله در امور حکمیت ماده هشتم:

محکمه یا ادارات دولتی نمی توانند در امور حکمیت مندرج این قانون مداخله نمایند، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

سوداگری دخیای راجستر شوی آدرس ته ورتسلیم شی. پدی صورت کی مراسلی دهغو دتسلیمی. په ورخ، ترلاسه شوې گنل کېږي، خوداچې بل ډول یې موافقه کړې وي. دغه حکم یوازې پر هغو مراسلو تطبیقېږي چې د حکمیت دخپرنې (رسیدگی) په هکله وي.

حکمیت ته رسیدگی اوومه ماده:

حکمیت دقضیې درسیدگی له ورخې څخه پیل کېږي. حکم اړخونوته دځواب د وړاندې کولو لپاره موده ټاکي، که چېرې اړخ د ټاکلې مودې په ترڅ کې خپل سندونه وړاندې نکړي، داسې گنل کېږي چې دخپل اعتراض له حق څخه یې صرف نظر کړی دی.

د حکمیت په چارو کې نه لاسوهنه اتممه ماده:

محکمه یا دولتي ادارې نشي کولای، پدی قانون کې د درج شوی حکمیت په چارو کې لاسوهنه وکړي، خوداچې پدی قانون کې بل ډول تصریح شوی وي.

د حکمیت د قرارونو توحید**نهمه ماده :**

(۱) حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ کولای شي د اغېزمنتیا د زیاتولو او دشخړو له متعارض حل او فصل څخه د ډډې کولو په منظور، د حکمیت څېړنې توحید او دعین شخړې یا شخړو د اړخونو موافقه ترلاسه کړي.

(۲) که چېرې محکمه تشخیص کړی چې د څېړنې توحید او دعین شخړې یا شخړو د اړخونو یووالی، د حکمیت د قرارونو داغېزمنتوب دښه والی یا یې د یوځېلوالی سبب کېږي، پدی صورت کې کولای شي دعین شخړې یا شخړو د اړخونو د غوښتنې له مخې د حکمیت د څېړنې په توحید حکم وکړي.

د حکمیت د قرارونو ساتل**لسمه ماده :**

(۱) د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ اجراءات او صادرشوی قرارونه یې په محرمه توگه ساتل کېږي، خوداچې اړخونو پدی برخه کې بل ډول موافقه کړې وي.

(۲) محکمه دعین شخړې یا شخړو د اړخونو د غوښتنې له مخې،

توحید قرارهای حکمیت**ماده نهم:**

(۱) حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت می تواند بمنظور افزایش موثریت و اجتناب از حل و فصل متعارض منازعات، رسیدگی های حکمیت را توحید و موافقه طرف های عین منازعه یا منازعات را حاصل نماید.

(۲) هرگاه محکمه تشخیص نماید که توحید رسیدگی و اتحاد طرف های عین منازعه یا منازعات سبب بهبود موثریت یا یکسان بودن قرار های حکمیت می گردد، دراین صورت میتواند بالاثر درخواست طرفین عین منازعه یا منازعات به توحید رسیدگی حکمیت، حکم نماید.

حفظ قرار های حکمیت**ماده دهم:**

(۱) اجراءات حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت و قرارهای صادره آنهاطور محرم حفظ میگردد، مگر اینکه طرفین در زمینه طور دیگری موافقه نموده باشند.

(۲) محکمه بالاثر درخواست طرف های عین منازعه یا

منازعات، جهت تأمین محرمیت اجراءات مورد حکمیت و قرارهای صادره، تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

بازرسی

ماده یازدهم:

حکم، حکم ها یا مورد حکمیت از رسیدگی حل و فصل منازعات، عدم اقدام به رسیدگی و یا صدور قرار حکمیت، مورد بازپرس قرار گرفته نمی توانند، مگر اینکه بالاتر ادعای یکی از طرفین مبنی بر اینکه اقدام به رسیدگی، عدم اقدام به رسیدگی یا صدور قرار ناشی از اعمال نفوذ، تضاد منافع یا ارتشاء صورت گرفته باشد.

طرز فعالیت

ماده دوازدهم:

(۱) حکم، حکم ها یا مورد حکمیت می توانند بمنظور اجرای خدمات حل منازعات تجارتي و اقتصادی منحيث شرکت سهامی یا تضامنی، مطابق احکام قوانین مربوط، ایجاد و در دفتر ثبت مرکزی ثبت گردد. حکم باید حد اقل ديپلوم پوهنخی های حقوق یا

د حکمیت د بورډ د اجراءاتو او صادرو شوو قرارونو د محرمیت د تأمینولو لپاره، لازم تدبیرونه نیسي.

پلټنه

یوولسمه ماده:

حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ، دشخړو حل او فصل ته د خپرنې (رسیدگی)، خپرنې ته له نه اقدام یا د حکمیت د قرار صادرولو ته له اقدام نه کولو څخه، ترپوښتنې لاندې نشي نیول کېدی، خودا چې له اړخونو څخه دیوه د ادعا له مخې پدی اړه چې خپرنې ته په اقدام، خپرنې یا د قرار د صادرېدو نه اقدام د نفوذ د کارولو، د گټو د تضاد یا ارتشاء له امله صورت موندلی وي.

د فعالیت ډول

دوولسمه ماده:

(۱) حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ کولای شي د اړوندو قوانینو د حکمونو مطابق، د سوداگریزو او اقتصادی شخړو د حل د خدمتونو د اجراء په منظور، د سهامی یا تضامنی شرکت په توگه رامنځته او د مرکزي ثبت په دفتر کې ثبت شي. حکم باید لږترلږه د حقوقو یا

شرعیاتو د پوهنځیو دیپلوم ولري. د مرکزي ثبت دفتر، د حکم دنوم د ثبت له بشپړېدو وروسته، د حقوقو یا شرعیاتوله پوهنځیو څخه د حکمانودهریوه د فراغت د دیپلوم د ثبوت یا وړاندی کولو یا دا چې نوموړی د حکمانو دیوې ټولني فعال غړی دی، په شمول د اړوندو تجربو او تحصیلاتو سوابق، پداسې ډول چې په عامه توگه د لاس رسی وړ وي، د (حکمانو) تر عنوان لاندی په خپلو دوسیو کې ساتي. هر شخص ازادانه کولای شي دکار دعادی وختونو په بهیر کې دغه دوسیې وڅېړي. د مرکزي ثبت په دفتر کې دنوم د ثبتونې په بشپړېدو سره، حکم کولای شي خپل د حکمیت شغل اعلان او خپور کړي.

(۲) اړخونه د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ (کورنی وي یا بهرنی حکم) په ټاکلو کې آزاد دی.

(۳) حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ اویا د سوداگری خونې او هغوته ورته کولای شي د حکمیت انجمنونه جوړ کړي.

شرعیات را داشته باشد. دفتر ثبت مرکزی بعد از تکمیل ثبت نام حکم، سوابق تجارب و تحصیلات مربوط هر يك از حکم ها را به شمول ثبوت یا ارایه دیپلوم فراغت از پوهنځی های حقوق یا شرعیات یا اینکه موصوف عضو فعال یکی از انجمن های حکم ها می باشد، طوریکه بصورت عام قابل دسترسی باشد در دوسییه های خود تحت عنوان (حکم ها) نگهداری می نمایند. هر شخص آزادانه می تواند در جریان اوقات عادی کار این دوسییه ها را بررسی نماید. با اكمال ثبت نام در دفتر ثبت مرکزی، حکم می تواند شغل حکمیت خود را اعلان و انتشار نماید.

(۲) طرفین در انتخاب حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت (اعم از حکم داخلی یا خارجی) آزاد می باشند.

(۳) حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت ویا اتاق های تجارت و امثال آنها می توانند انجمن های حکمیت را ایجاد نمایند.

(۴) دافغانستان د حکمیت انجمنونه کولای شي د حکمیت له بهرنیو او نړیوالو انجمنونو سره خپلې اړیکې تأمین کړي.

(۴) انجمن‌های حکمیت افغانستان می‌توانند با انجمن‌های حکمیت خارجی و بین‌المللی روابط خویش را تأمین نماید.

دوه یم فصل د حکمیت موافقه لیک

فصل دوم موافقتنامه حکمیت

د حکمانو موافقه

دیارلسمه ماده :

د اړخونو ترمنځ د حکمیت موافقه په لیکلې توگه صورت مومي.

د حکمیت موافقه په لاندې حالاتو کې لیکلې گڼل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې موافقه لیک په سند کې درج او اړخونو هغه لاسلیک کړي وي.

۲- په هغه صورت کې چې توافق په لیکونو او نورو لیکلو مراسلو کې (د الکترونیک پست په شمول) درج او ثبت شوی توافق منعکس کړي.

۳- په هغه صورت کې چې موافقه لیکونه د ادعا یا دفاعيې په مبادله کې اظهار او په هغو کې له اړخونو څخه یو موافقت د موجودیت ادعا وکړي او بل اړخ

موافقه حکم ها

ماده سیزدهم:

موافقه حکمیت بین طرفین طور کتبی صورت می‌گیرد.

موافقه حکمیت در حالات ذیل کتبی پنداشته می‌شود:

۱- در صورتی که موافقه نامه در سند درج و طرفین آنرا امضا نموده باشند.

۲- در صورتی که توافق در نامه ها و سایر مراسلات کتبی (بشمول پست الکترونیک) درج و توافق ثبت شده را منعکس نماید.

۳- در صورتی که موافقه نامه ها در مبادله ادعاء یا دفاعیه اظهار و در آن یکی از طرفین، موجودیت موافقت را ادعا و طرف دیگر آنرا رد

هغه رد نکری.

ننماید.

په قرارداد کې د حکمیت درجول

څوارلسمه ماده :

که چېرې په قرارداد کې د حکمیت په هکله کوم حکم یا شرط درج شي، پر حکمیت باندې موافقه منعکسوي، پدې شرط چې قرارداد په لیکلې توگه عقد شوی وی.

د محکمې لخوا د حکمیت

د موضوع څېړل

پنځلسمه ماده :

(۱) په هغه صورت کې چې په محکمه کې اقامه شوي دعوي د حکمیت د موافقه لیک تابع وي، محکمه کولای شي، ددی قانون له حکمونو سره دهغې د مطابقت د موندلو په صورت کې، د اړخونو د غوښتنې له مخې دعوي د لومړنيو اظهاراتو له اقامې دمخه، حکمیت ته راجع کړی.

(۲) که چېرې ددی مادی په (۱) فقره کې درج شوي دعوي په محکمه کې اقامه خو حل او فصل شوي نه وي، حکم، حکمان یا د حکمیت بورډ کولای شي قضیه وڅېړي او قرار صادر کړی. پدې صورت کې محکمه خپل اجراءات،

درج حکمیت در قرارداد

ماده چهاردهم:

هرگاه در قرارداد، حکمی یا شرطی در مورد حکمیت درج گردد، موافقه به حکمیت را منعکس میسازد، مشروط بر اینکه قرارداد طورکتبی عقد گردیده باشد.

رسیدگی محکمه به موضوع

حکمیت

ماده پانزدهم:

(۱) در صورتی که دعوی اقامه شده در محکمه تابع موافقتنامه حکمیت باشد، محکمه می تواند در صورت دریافت مطابقت آن با احکام این قانون، بالاتر درخواست طرفین، دعوی را قبل از اقامه نخستین اظهارات، به حکمیت راجع سازد.

(۲) هرگاه دعوی مندرج فقره (۱) این ماده در محکمه اقامه ولی حل و فصل نشده باشد، حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت می توانند، قضیه را رسیدگی و قرار صادر نمایند. در این صورت محکمه اجراءات خود را

الی ختم رسیدگی حکمیت معطل قرار می‌دهد.

(۳) در صورتی که قضیه تحت رسیدگی حکم، حکم‌ها یا مورد حکمیت قرار داشته باشد، محکمه می‌تواند بالاتر درخواست یکی از طرفین قرار مبنی بر اتخاذ تدابیر احتیاطی را صادر نماید.

احالهٔ منازعه به حکمیت تجارتی مادهٔ شانزدهم:

طرفین می‌توانند در صورت عدم موجودیت شرط یا موافقتنامهٔ قبلی حکمیت، موافقهٔ کتبی خویش را مبنی بر حل و فصل منازعه از طریق حکمیت که حاوی مطالب ذیل باشد، به دفتر حکمیت تجارتی ارائه نمایند:

۱- نام و آدرس، محل کار یا آدرس پستی طرفین منازعه و یا نمایندهٔ با صلاحیت آنها.

۲- شرح چگونگی موضوع منازعه (طلب و مقدار آن) و تقاضای جبران خسارهٔ مورد نظر.

۳- ذکر قراردادیکه، منازعه از آن ناشی و یا به آن مربوط می

د حکمیت دخبړنې ترپاي ته رسېدو پورې ځنډوي.

(۳) په هغه صورت کې چې قضیه د حکم، حکمانو یا د حکمیت د بورډ تر څېړنې لاندې وي، محکمه کولای شي له اړخونو څخه د یوه د غوښتنې له مخې د احتیاطي تدبیرونو د نیولو په اړه قرار صادر کړي.

سوداگریز حکمیت ته د شخړې احاله شپاړسمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت د مخکني شرط یا موافقه لیک د نه موجودیت په صورت کې، د حکمیت له لارې د شخړې د حل او فصل په اړه خپله لیکلې موافقه چې د لاندې مطالبو لرونکې وي، د سوداگریز حکمیت دفتر ته وړاندې کړي:

۱- د شخړې د اړخونو یایې د واکمنو استازو نوم او آدرس، د کارځای یا پستي آدرس.

۲- د شخړې د موضوع (طلب او دهغه د مقدار) د څرنگوالي شرح او په پام کې د زیان د جبران غوښتنه.

۳- دهغه قرارداد یا دول چې شخړه ورڅخه راپیدا یاورپورې مربوطه

باشد.
۴- ذکر حکم یا تعدادی حکم
های توافق شده با شهرت مکمل
آنها.

وي.
۴- دحکم یا دموافقه شوو حکمانو
دشمبر یا دول، دهغوی لسه
بشپرشهرت سره.

فصل سوم بورده حکمیت

درپیم فصل دحکمیت بورده

ترکیب بورده حکمیت ماده هفدهم:

طرفین می توانند تعداد
حکم ها را تعیین نمایند.
در صورت عدم تعیین، حکم
یک نفر می باشد.
هرگاه یکی از طرفین منازعه
دولت باشد، در این صورت تعداد
حکم ها از سه نفر کمتر بوده
نمی تواند.

مانع تابعیت در روند حکمیت ماده هجدهم:

تابعیت شخص مانع انجام وظیفه
حکمیت نمی گردد، مگر این که
در موافقتنامه طرفین، مورد دیگری
تصریح شده باشد.

طرز تعیین حکم ماده نوزدهم:

(۱) هرگاه طرفین بر طرز تعیین

دحکمیت دبورده ترکیب اووه لسمه ماده:

ارخونه کولای شی دحکمانو
شمبر و تاکی دنه تا کلو
په صورت کی حکم
یوتن وي.
که چیری دشخری یولوری دولت
وي، پدی صورت کی دحکمانو
شمبر له دریوتنو خخه لپ کبدی
نشی.

دحکمیت په بهیرکی دتابعیت خند اتلسمه ماده:

دشخص تابعیت دحکمیت ددندی
د سرته رسولو خند نه کبیری، خودا
چی د ارخونو په موافقه لیک کی بل
دول تصریح شوی وي.

دحکم دتا کلو دول نولسمه ماده:

(۱) که چیری ارخونو دحکم یا

حکم یا حکم‌ها موافقه ننموده باشند، حکم یا حکم‌ها طور ذیل تعیین میگردند:

۱- در صورتی که برای رسیدگی منازعه سه حکم لازم باشد، هر یک از طرفین يك، يك حکم را تعیین می‌نماید، در این صورت دو حکم تعیین شده حکم سوم را تعیین می‌کنند. هرگاه هر یک از طرفین در خلال (۳۰) روز از تاریخ درخواست طرف مقابل نتوانند حکم را تعیین نمایند یا در صورتی که دو حکم، حکم سوم را در خلال (۳۰) روز از تاریخ تعیین حکم دوم، انتخاب ننمایند، محکمه حکم را در خلال (۳۰) روز بعد از تاریخ درخواست یکی از طرفین تعیین می‌کند.

۲- هرگاه منازعه توسط يك حکم حل و فصل شود و طرفین نتوانند در مورد به موافقه برسند، در این صورت محکمه در خلال (۳۰) روز از تاریخ درخواست یکی از طرفین، حکم را تعیین می‌نماید.

(۲) هرگاه طرفین به طرز تعیین حکم‌ها موافقه ننموده

حکمانو د تا کلو پرډول موافقه نه وي کړې، حکم یا حکمان په لاندی توگه ټاکل کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې دشخړې دشخړنې لپاره درې حکمان لازم وي، له اړخونوڅخه یوهریو، یو حکم ټاکي، پدی صورت کې، دوه ټاکل شوی حکمان درېیم حکم ټاکي. که چېرې له اړخونوڅخه هر یو د مقابل لوري د غوښتنلیک له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ونشي کړی چې حکم وټاکي یا په هغه صورت کې چې دوه حکمان، درېیم حکم د دوه یم حکم د ټاکلو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې ونه ټاکي، محکمه له اړخونوڅخه د یوه د غوښتنلیک له نېټې وروسته د (۳۰) ورځو په ترڅ کې حکم ټاکي.

۲- که چېرې شخړه د یوه حکم په واسطه حل او فصل شي او اړخونه ونشي کړی چې پدی هکله موافقې ته ورسېږي، پدی صورت کې محکمه له اړخونوڅخه د یوه د غوښتنلیک له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې حکم ټاکي.

(۲) که چېرې اړخونو د حکمانو د ټاکلو په ډول موافقه کړې وي،

باشند، ولی یکی از طرفین طبق طرز العمل تعیین حکم ها عمل ننماید، یا طرفین، یا حکم ها نتوانند طبق طرز العمل، به موافقه متوقعه نایل شوند یا شخص ثالث بشمول دفاتر حکمیت و جایی را که طبق طرز العمل متذکره به آنان محول شده است، نتوانند انجام دهند، در این صورت هر یک از طرفین می تواند از محکمه اتخاذ تدابیر لازم را درخواست نماید، مگر اینکه در موافقتنامه طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) هرگاه حکم در حالات مندرج فقرات (۱) و (۲) این ماده از طرف محکمه تعیین گردد، در این صورت شرایط انتخاب حکم طبق موافقتنامه طرفین حسب ذیل رعایت می گردد:

۱- آگاهی حکم از قانون مربوط و داشتن تجارب لازم تجارتی و اقتصادی.

۲- استقلالیت و بیطرفی.

۳- داشتن تابعیت متفاوت از تابعیت طرفین.

(۴) قرار محکمه در خصوص

خوله اړخونوڅخه یو د حکمانو د ټاکلو د کړنلارې مطابق عمل ونکړي یا اړخونه یا حکمان ونشي کړي د کړنلارې مطابق، متوقعه موافقې ته ورسېږي یا د حکمیت د دفتر په شمول ثالث شخص هغه وجیبي چې د یادې شوې کړنلارې مطابق هغوی ته سپارل شوی، ونشي کړي سرته ورسوي، پدې صورت کې له اړخونوڅخه هر یو کولای شي له محکمې څخه د لارښوونو نیول و غواړي، خو دا چې په موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۳) که چېرې حکم ددی مادی په (۱) او (۲) فقره کې د محکمې لخوا و ټاکل شي، پدې صورت کې د حکم د غوره کېدو شرایط د اړخونو د موافقه لیک مطابق په لاندې توګه په پام کې نیول کېږي:

۱- له اړوند قانون څخه د حکم خبرتیا او د لارښوونو سوداګریزو او اقتصادي تجربو لرل.

۲- خپلواکتوب او ناپلوي.

۳- د اړخونو له تابعیت څخه د متفاوت تابعیت لرل.

(۴) ددی مادی په (۱) او (۲) فقره کې

موضوعات مندرج فقرات (۱) و (۲) این ماده قابل اعتراض نمی باشد.

معرفی حکم ماده بیستم:

شخص معرفی شده به حیث حکم مکلف است قبل از انتصاب یا بعد از آن یا در جریان روند حکمیت راجع به شخصیت و سایر احوال مربوط به خود که موجب از بین رفتن شك و تردید در مورد استقلالیت و بی طرفی اش می گردد، به طرفین منازعه معلومات لازم ارائه نماید، مگر اینکه قبلاً در مورد از جانب وی اطلاع یافته باشند.

رد حکم

ماده بیست و یکم:

(۱) حکم در صورتی مورد رد یا اعتراض قرار گرفته می تواند که بیطرفی و استقلالیت وی تحت شك و تردید واقع شود، یا فاقد اهلیت توافق طرفین باشد.

(۲) هیچ يك از طرفین نمی توانند حکمی را که تعیین یا به تعیین آن موافقه نموده، مورد اعتراض قرار دهد، مگر اینکه طرف

د درج شوو موضوعگانو په هکله د محکمې قرار د اعتراض وړ ندی.

د حکم ورپېژندل شلمه ماده:

د حکم په توگه معرفی شوی شخص مکلف دی له انتصاب دمخه یا وروسته یا د حکمیت په بهیر کې دخپل شخصیت او په ځان پورې د نورو اړوندو احوالو په هکله چې دخپلواکتوب او ناپلوی په هکله یې د شک او تردید دله منځه تلو موجب کېږي، د شخړې اړخونو ته لارم معلومات وړاندی کړي، خو داچې دمخه یې پدی هکله دهغه لخوا معلومات ترلاسه کړي وي.

د حکم ردیدل

یوویشتمه ماده:

(۱) حکم په هغه صورت کې رد یا داعتراض وړگرځي چې خپلواکتوب او ناپلوی یې ترشک او تردید لاندی راشي یا د اړخونو د توافق د اهلیت نه لرونکی وي.

(۲) هېڅ یو له اړخونوڅخه نشي کولای هغه حکم ئې چې ټاکلی یا یې په ټاکلو موافقه کړې وي، تراعتراض لاندی ونیسي، خوداچې

ملزم لوری دحکم دتاکلو تر وروسته مودی پوری دهغه د اهلیت د نه لرلو په هکله خبرتیا ومومی.

د(۳) اړخونه کولای شي ددی قانون دڅلبریشتمې مادی دحکم له په پام کې نیولو سره، دحکم پرضد د رد یا اعتراض دکرپنلاری په هکله ، موافقه وکړی.

(۳) طرفین می توانند با نظر داشت حکم ماده بیست و چهارم این قانون در مورد طرز العمل رد یا اعتراض بر علیه حکم، موافقه نمایند.

دحکم د رد په هکله دحکیمت دپورې تصمیم دوه ویشتمه ماده:

تصمیم بورد حکمیت در مورد رد حکم ماده بیست و دوم:

که چېرې اړخونو دحکم پرضد داعتراض د کرپنلاری په هکله مخکې موافقه کړې نه وي، پدی صورت کې هغه لوری چې دحکم د رد غوښتونکی وي، کولای شي د(۱۵) ورځو په ترڅ کې ، دحکیمت دپورې دترکیب په هکله دڅبرتیا له ترلاسه کولو یا ددی قانون په درویشتمه ماده کې د درج شوو شرایطو په هکله دڅبرتیا له ترلاسه کولو ، لیکلی لیک دحکم د رد د دلیلونو په یادولو سره دحکیمت بورد ته واستوي او دحکیمت بورد دنوموړي اعتراض په هکله تصمیم ونیسي، خودا چې داعتراض وړ حکم، له خپلې دندی

هرگاه طرفین در مورد طرز العمل اعتراض بر علیه حکم قبلاً موافقه نکرده باشند، در این صورت طرفی که خواهان رد حکم باشد، می تواند در خلال (۱۵) روز از حصول اطلاع در مورد ترکیب بورد حکمیت و یا حصول اطلاع در مورد شرایط مندرج ماده بیست و سوم این قانون، نامه کتبی را با ذکر دلایل رد حکم به بورد حکمیت ارسال و بورد حکمیت در مورد اعتراض متذکره تصمیم اتخاذ نماید، مگر اینک که حکم مورد اعتراض، از سمت خود استعفاء نماید و یا طرف

دیگر به اعتراض رد حکم، موافق ————— نماید.

تصمیم محکمه در مورد رد حکم

ماده بیست و سوم:

هرگاه اعتراض بر علیه حکم طبق طرز العمل، مورد توافق طرفین یا طبق حکم ماده بیست و دوم این قانون وارد نباشد، در این صورت طرف اعتراض کننده می تواند بعد از دریافت اطلاعیه در مورد تصمیم مورد حکمیت مبنی بر رد اعتراض، در خلال (۳۰) روز جهت اتخاذ تصمیم پیرامون اعتراض، به محکمه مراجعه نماید. قرار محکمه قابل اعتراض نبوده ولی الی زمان صدور قرار، مورد حکمیت یا حکم مورد اعتراض می تواند رسیدگی حکمیت را ادامه داده و قرار خود را صادر نماید.

ختم ماموریت حکم

ماده بیست و چهارم:

(۱) طرفین منازعه در حالات ذیل می توانند به ختم

شخه استعفی و کپی یا بل لوری د حکم د رد په اعتراض، موافقه و کپی..

د حکم د رد په هکله د محکمې تصمیم

د رویشتمه ماده:

که چېرې د حکم پر ضد اعتراض د کړنلارې مطابق، داړخونو د توافق وړ یا ددی قانون د دوه ویشتمې مادې د حکم مطابق وارد نه وي، پدی صورت کې اعتراض کونکې لوری کولای شي د اعتراض د رد په اړه د حکمیت د بورې د تصمیم په هکله دخبرتیا له ترلاسه کولو وروسته، د (۳۰) ورځو په ترڅ کې، دا اعتراض په اړه د تصمیم د نیولو لپاره، محکمې ته مراجعه وکړي. د محکمې قرار د اعتراض وړ ندی، خود قرار د صادرېدو تر وخته، دا اعتراض لاندی د حکمیت بورې یا حکم کولای شي د حکمیت خپرنې ته دوام ورکړي او خپل قرار صادر کړي.

د حکم د ماموریت پای

خپلېریشتمه ماده:

(۱) دشخړې اړخونه په لاندی حالاتوکې کولای شي د حکم،

- حکمانو یا د حکمیت د بورډ د دندی په پای ته رسېدو موافقه وکړی:
- ۱- د حکمیت له اجراء کولو څخه د حکم د ډډې کولو په صورت کې.
- ۲- د حکمیت د اجراء د نه توانېدنې په صورت کې.
- ۳- د وفات یا استعفی په صورت کې.
- ۴- د حکمیت په اجراء کې غیرموجه ځنډونه.
- (۲) که چېرې د سپارل شوو دندو په اجراء یا سرته رسولو کې د غیرموجه ځنډ په اړه، د حکم یا حکمانو د نه توانېدنې په هکله د اړخونو ترمنځ اختلاف رامنځته شي، پدې صورت کې هر اړخ کولای شي له محکمې څخه د حکم یا حکمانو د دندی پای ته رسېدل وغواړي، پدې برخه کې د محکمې قرار قطعي دی.
- (۳) که چېرې حکم یا حکمان له خپلې دندی څخه استعفی وکړی یا یو اړخ دهغه د دندی په پای ته رسېدو موافقه وکړی، پدې صورت کې په راوړسته دندو کې د حکم یا حکمانو پر توانېدنې اغېزه نشي کولی.
- وظیفه حکم، حکم ها یا بورډ حکمیت توافقی نمایند:
- ۱- در صورت امتناع حکم از اجرای حکمیت.
- ۲- در صورت عدم توانایی اجرای حکمیت.
- ۳- در صورت وفات یا استعفاء.
- ۴- تاخیر غیر موجه در اجرای حکمیت.
- (۲) هرگاه راجع به عدم توانایی حکم یا حکمین در مورد اجراء یا تاخیر غیر موجه در انجام وظایف محوله، بین طرفین اختلاف بروز نماید، در این صورت هر يك از طرفین می توانند ختم وظیفه حکم یا حکم ها را از محکمه درخواست نمایند. قرار محکمه در زمینه قطعی می باشد.
- (۳) هرگاه حکم یا حکم ها از سمت خود استعفا و یا یکی از طرفین به ختم وظیفه وی موافقه نماید، در این صورت بر توانایی حکم یا حکم ها در وظایف بعدی تاثیر وارد کرده نمی تواند.

(۴) هرگاه وظايف حکم يا حکم ها در بورد حکمیت خاتمه يابد در اين صورت حکم جانشين، طبق قواعد نافذ بر تعيين حکم قبلی، منصوب می گردد.

(۴) که چپري د حکمیت په بورډ کې د حکم يا حکمانو دندی پای ته ورسېږي، پدی صورت کې ځای نیوونکی حکم، ددمخني حکم پرتاکلو باندی د نافذو قواعدو مطابق منصوبېږي.

فصل چهارم صلاحیت بورد حکمیت

څلورم فصل د حکمیت د بورډ واکونه

صلاحیت های بورد حکمیت

ماده بیست و پنجم:

(۱) بورد حکمیت دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- حل و فصل تمام منازعات شامل صلاحیت خویش.

۲- رسیدگی به اعتراضات در مورد موجودیت موافقتنامه حکمیت یا اعتبار آن.

(۲) هرگاه حکمی یا شرطی در قرارداد حکمیت پیش بینی شده باشد، به حیث موافقتنامه جداگانه پنداشته شده و در صورتی که بورد حکمیت به بطلان و الغای قرارداد تصمیم اتخاذ نماید، این تصمیم حکم یا شرط مندرج قرارداد، حکمیت را از اعتبار

د حکمیت د بورډ واکونه

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورډ د لاندی واکونو لرونکی دی:

۱- په خپل واک کې د ټولو شاملو شخړو حل او فصل کول.

۲- د حکمیت د موافقه لیک د موجودیت یایی د اعتبار په هکله د اعتراضونو څېړل.

(۲) که چپري د حکمیت په قرارداد کې کوم حکم یا شرط اټکل شوی وي، د جلاموافقه لیک په توگه گڼل کېږي او په هغه صورت کې چې د حکمیت بورد د قرارداد د باطلېدو او لغوه کېدو تصمیم ونیسي، دغه تصمیم په قرارداد کې درج شوی حکم یا شرط له

اعتبارہ نشی غورخولی.

د حکمیت د بورچ د واک د رد ادعا

شپړویشتمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت د بورچ د رد یا دنه واک ادعا د دفاعی له وړاندی کولو دمخه د حکمیت بورچ ته اقامه کړی. لاندی حالات لدی حکم څخه مستثنی دی:

۱- په هغه صورت کې چې هر یو له اړخونو څخه د حکم یا حکمانو یا د حکمیت د بورچ په غوره کولو یا ټاکلو کې گډون ولري اود هغو د واک د رد غوښتنه وکړی.

۲- په هغه صورت کې چې یو له اړخونو څخه، له خپل واک څخه د حکمیت د بورچ د عدول ادعا دهغې ادعا د څېړني په وخت کې چې په هکله ئې عدول صورت موندلی دی، اقامه کړی.

۳- په هغه صورت کې چې یو له اړخونو څخه په حکمیت کې د څېړني د ځنډ ادعا وکړی اود حکمیت بورچ پدی برخه کې دهغه ادعا موجه وگڼي.

د حکمیت د بورچ تصمیم

اووه ویشتمه ماده:

د حکمیت بورچ کولای شي ددی

ساقط ساخته نمی تواند.

ادعای رد صلاحیت بورچ حکمیت

ماده بیست و ششم:

طرفین می توانند ادعای رد یا عدم صلاحیت بورچ حکمیت را قبل از تقدیم دفاعیه به بورچ حکمیت اقامه نمایند. حالات ذیل از این حکم مستثنی است:

۱- در صورتی که هر یک از طرفین در انتخاب یا تعیین حکم، حکم ها یا بورچ حکمیت اشتراک داشته باشند و رد صلاحیت آنها را درخواست نمایند.

۲- در صورتی که هر یک از طرفین، ادعای عدول بورچ حکمیت را از صلاحیت آن حین رسیدگی موضوع که در مورد آن عدول صورت گرفته، اقامه نماید.

۳- در صورتی که یکی از طرفین ادعای تاخیر در رسیدگی حکمیت را نماید و بورچ حکمیت ادعای وی را در مورد مؤجه بداند.

تصمیم بورچ حکمیت

ماده بیست و هفتم:

بورچ حکمیت می تواند حین

اقامه دعاوی مندرج ماده چهل و دوم این قانون یا حین صدور قرار در مورد قضیه، تصمیم اتخاذ نماید.

صدور قرار محکمه

ماده بیست و هشتم:

هرگاه مورد حکمیت حین بروز منازعه که رسیدگی آن در حیطه صلاحیت اش قرار دارد، تصمیم اتخاذ نماید، در این صورت هریک از طرفین می‌توانند بعد از دریافت اطلاعیه در خلال (۳۰) روز در مورد به محکمه مراجعه و خواهان صدور قرار گردند، قرار محکمه قابل اعتراض نمی‌باشد.

هرگاه محکمه در مورد قرار صادر ننموده باشد، مورد حکمیت می‌تواند به رسیدگی ادامه داده و قرار خود را صادر نماید.

اتخاذ تدابیر احتیاطی

ماده بیست و نهم:

(۱) مورد حکمیت می‌تواند بلااثر درخواست هریک از طرفین، در جریان رسیدگی جهت حفاظت مدعی بها بشمول سپردن آنها به شخص ثالث یا فروش اموال

قانون په دوه څلورېنتمه ماده کې د درج شوو دعاوو د اقامې یا د قضیې په هکله د قرار د صادرېدو په ترڅ کې، تصمیم ونیسي.

د محکمې د قرار صادرېدل

اته ویشتمه ماده:

که چېرې د حکمیت بورې دهغې شخړې د رامنځته کېدو په وخت کې چې څېړل یې دهغه واک دی، تصمیم ونیسي، پدې صورت کې هریو اړخ کولای شي د خبرتیا له ترلاسه کولو وروسته، د (۳۰) ورځو په ترڅ کې پدې هکله محکمې ته مراجعه وکړي او د قرار د صادرېدو غوښتونکی شي، د محکمې قرار د اعتراض وړ ندی.

که چېرې محکمې پدې هکله قرار صادر کړی نه وي، د حکمیت بورې کولای شي څېړنې ته دوام ورکړي او خپل قرار صادر کړي.

د احتیاطي تدبیرونو نیول

نهه ویشتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورې کولای شي د هریو اړخونو څخه د غوښتنلیک له مخې، د څېړنې په بهیر کې د مدعی بها د ساتنې لپاره، ثالث شخص ته دهغو د سپارلو یا د سریع

سریع الفساد، تدابیر احتیاطی لازم را اتخاذ و قرار موقت را صادر نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

(۲) مورد حکمیت می‌تواند جبران مصارف تدابیر احتیاطی مندرج فقره (۱) این ماده را از طرفین درخواست نماید.

(۳) درخواست هر یک از طرفین، جهت صدور قرار اتخاذ تدابیر احتیاطی از محکمه، نقض موافقتنامه حکمیت و انصراف از آن پنداشته نمی‌شود.

الفساد مالونو دپلورنی په شمول، احتیاطی تدبیرونه ونیسی اوموقت قرار صادر کړی، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

(۲) د حکمیت بورډ کولای شي، ددی مادی په (۱) فقره کې د درج شوو احتیاطی تدبیرونو د لگښتونو جبران له اړخونو څخه وغواړي.

(۳) له محکمې څخه د احتیاطی تدبیرونو د نیولو د قرار د صادرولو لپاره له اړخونو څخه د هریوه غوښتنلیک، د حکمیت د موافقه لیک نقض یا له هغه څخه تېرېدل انصراف نه گڼل کېږي.

فصل پنجم اجرای رسیدگی حکمیت

برخورد منصفانه

ماده سی ام:

بورد حکمیت مکلف است حین رسیدگی منازعه با طرفین، برخورد منصفانه و مساویانه نموده و به هر یک از آنها جهت ارائه دلایل و مدارک، فرصت لازم را فراهم نماید.

پنجم فصل د حکمیت د څېړنې اجراء

منصفانه چلند

دیرشمه ماده:

د حکمیت بورډ مکلف دی د څېړنې په وخت کې له اړخونو سره منصفانه او مساویانه چلند وکړي او هر یوه ته د دلیلونو او مدرکونو د وړاندې کولو لپاره، لازم فرصت ورکړي.

دکرنلاری مطابق اجراءات**یو دیرشمه ماده :**

(۱) اړخونه کولای شي ددی قانون د حکمونو له په پام کې نیولو سره، د حکمیت د بورډ د خپرنې د اجراء پرکرنلاری موافقه وکړي.

(۲) که چېرې اړخونو د حکمیت د بورډ د خپرنې د اجراء پرکرنلاری موافقه نه وي کړې یا ونشي کړې پر هغې باندې موافقه وکړي، د حکمیت بورډ کولای شي، ددی قانون د حکمونو مطابق، د منلو وړ والی، مربوط والی او اثباتیه مدرکونو د اهمیت او د مدرکونو وړاندې کولو ته د اړخونو د مکلفولو په هکله د تصمیم د نیولو په شمول د مجازاتو د وضع کولو له لارې حکمیت په مناسبه توګه سرته ورسوي.

د حکمیت د دفتر ټاکل**دوه دیرشمه ماده :**

که چېرې اړخونو د حکمیت دفتر چې حکمیت یې ترقیمومیت لاندې صورت مومي، مشخص کړی نه وي یا ونکړی شي په هغه باندې موافقه وکړي، پدی صورت کې د حکمیت دفتر د محکمې په واسطه

اجراءات طبق طرز العمل**ماده سی و یکم:**

(۱) طرفین می توانند با رعایت احکام این قانون بر طرز العمل اجرای رسیدگی بورد حکمیت موافقه نمایند.

(۲) هرگاه طرفین به طرز العمل اجرای رسیدگی بورد حکمیت موافقه ننموده باشند یا نتوانند بر آن موافقه نمایند، بورد حکمیت می تواند طبق احکام این قانون، حکمیت را طور مناسب به شمول اتخاذ تصمیم در مورد قابل قبول بودن، مرتبط بودن و اهمیت مدارک اثباتیه و مکلف ساختن طرفین منازعه به رایه مدارک، از طریق وضع مجازات انجام دهد.

تعیین دفتر حکمیت**ماده سی و دوم:**

هرگاه طرفین، دفتر حکمیت را که حکمیت تحت قیمومیت آن صورت می گیرد، مشخص ننموده یا نتوانند به آن موافقه نمایند، در این صورت دفتر حکمیت توسط محکمه

تعیین و این فیصله قابل اعتراض و پرنده. هغه حالات چي اړخونو موافقه کړې وي چي حکمیت دی د حکمیت د دفتر ترقیمومیت لاندی صورت ونه مومي، لدی حکم څخه مستثنی دی.

تاکل کېږي اودغه پرېکړه د اعتراض وړنده. هغه حالات چي اړخونو موافقه کړې وي چي حکمیت دی د حکمیت د دفتر ترقیمومیت لاندی صورت ونه مومي، لدی حکم څخه مستثنی دی.

د حکمیت د ځای تاکل

دري دیرشمه ماده:

(۱) اړخونه کولای شي د حکمیت د ځای په هکله موافقه وکړي، د نه موافقې په صورت کې، د حکمیت ځای اړخونو ته د رسېدو د آسانتیا په شمول د قضیې د حالاتوله په پام کې نیولو سره، د حکمیت د بورډ په واسطه تاکل کېږي.

(۲) د حکمیت بورډ کولای شي د بورډ د غړو ترمنځ د مشورې، د شاهدانو د اظهاراتو د اوردو، د اهل خبره وولخوا د نظر د څرگندولو یا د اړخونو د حضور یا د سندونو، مالونو او نورو شتمنیو د پلټنې او کتنې لپاره په هرځای کې چي مناسب یې وگڼي، غونډه جوړه کړي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

(۳) د حکمیت بورډ مکلف دی د سندونو، مالونو او نورو شتمنیو

تعیین محل حکمیت

ماده سی و سوم:

(۱) طرفین می توانند در مورد محل حکمیت موافقه نمایند، در صورت عدم توافق، محل حکمیت توسط بورډ حکمیت با نظر داشت حالات قضیه، بشمول سهولت رسیدگی به طرفین تعیین می گردد.

(۲) بورډ حکمیت می تواند جهت مشوره میان اعضای بورډ، استماع اظهارات شهود، ابراز نظر از طرف اهل خبره یا حضور طرفین یا تفتیش و معاینه اسناد، اموال و سایر ارایي ها، هر محلی را که مناسب تشخیص دهند، تدویر جلسه نمایند، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

(۳) بورډ حکمیت مکلف است جهت استماع و جلسات بورډ

بمنظور تفتیش و معاینه اسناد، اموال و سایر دارایی ها، مدتی را تعیین و طرفین را مطلع سازد.

آغاز رسیدگی به حکمیت ماده سی و چهارم:

رسیدگی حکمیت در خصوص منازعه مربوط، از تاریخ آغاز می گردد که مدعی علیه درخواست مبنی بر حکمیت را دریافت نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

استفاده از زبان ها در روند حکمیت ماده سی و پنجم:

طرفین می توانند بر زبان یا زبان های مورد استفاده در رسیدگی حکمیت موافقه نمایند. در صورت عدم موافقه، مورد حکمیت زبان یا زبان های مورد استفاده در رسیدگی را تعیین می کنند. بیانات کتبی طرفین، استماع اظهارات و صدور قرار، تصمیم یا سایر ابلاغیه های مورد، به زبان تعیین شده صورت می گیرد، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند. مورد حکمیت می تواند در مورد

دپلتهنی اوکننی په منظور بورې اورېدو اوغونډو لپاره یوه موده وټاکي او اړخونه خبر کړي.

د حکمیت دڅېړنې پیل څلورديرشمه ماده:

د اړوندی شخړې په برخه کې د حکمیت څېړنه له هغې نېټې څخه پیل کېږي چې مدعی علیه د حکمیت په اړه غوښتنلیک ترلاسه کړي، خودا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

د حکمیت په بهیر کې له ژبوڅخه گټه اخستل پنځه دیرشمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت په څېړنه کې دگټې اخستنې په وړ ژبې یا ژبو باندی موافقه وکړي. دنه موافقې په صورت کې د حکمیت بورې، په څېړنه کې د گټې اخیستنې وړ ژبه یا ژبې وټاکي. د اړخونو لیکلي بیانونه، د اظهاراتو اورېدل او د قرار صادرېدل، د بورې تصمیم یا نورې ابلاغیې په ټاکل شوې ژبه صورت مومي، خودا چې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي. د حکمیت بورې کولای شي د

ترجمه مدارک مستند به زبان یا زبان های مورد توافق طرفین یا زبان های تعیین شده توسط بورد حکمیت، تصمیم اتخاذ نماید.

ارایه دلایل ادعا و دفاعیه

ماده سی و ششم:

هرگاه طرفین طور دیگری در مورد ترتیب دلایل ادعا یا دفاعیه موافقه نکرده باشند، ارایه دلایل ادعا یا دفاعیه در خلال مدت توافق شده بین طرفین یا در خلال (۱۵) روز بعد از جلسه رسیدگی، با رعایت مراتب ذیل صورت می گیرد:

۱- مدعی مکلف است دلایل ادعای موضوعات مورد اختلاف و جبران خساره درخواست شده را شرح دهد.

۲- مدعی علیه مکلف است دفاعیه خود را در خصوص موضوعات مورد اختلاف و جبران خساره مطالبه شده، ابراز و دلایل دفع ادعا را توضیح دهد.

۳- طرفین می توانند تمام اسناد مربوط به قضیه را توأم با

مستند و مدرکونو دژباړې په هکله د اړخونو په موافقه شوې ژبه یا ژبو یا حکمیت د بورډ لخوا په ټاکل شوو ژبو په هکله، تصمیم ونیسي.

د ادعا او دفاعیې د دلیلونو وړاندی کول

شپږ دیرشمه ماده:

که چېرې اړخونو په بل ډول د ادعا یا د دفاعیې د دلیلونو د ترتیب په هکله موافقه کړې نه وي، د ادعا یا دفاعیې د دلیلونو وړاندی کول، د اړخونو ترمنځ د موافقه شوې مودی په ترڅ کې یا د خپرنې له غونډې څخه وروسته د (۱۵) ورځو په ترڅ کې د لاندی مراتبوله په پام کې نیولوسره صورت مومي:

۱- مدعی مکلف دی، د اختلاف وړ موضوعگانو او دزیان دغوښتل شوی جبران، د ادعا دلیلونه شرح کړی.

۲- مدعی علیه مکلف دی خپله دفاعیه د اختلاف وړ موضوعگانو او دزیان دغوښتل شوی جبران په برخه کې څرگند او دادعا د دفع دلیلونه توضیح کړی.

۳- اړخونه کولای شي په قضیې پورې ټول اړوند سندونه له خپلو

لیکلو اظهاراتوسره یوځای د حکمیت بورې ته وړاندې کړی.

اظهارات کتبی خود به بور د حکمیت ارائه نمایند.

د دفاعیې اصلاح اوبشپړول اووه دیرشمه ماده:

هریوله اړخونوڅخه کولای شي دخپلې دعوي یا دفاعیې صورت د حکمیت دڅېړنې په بهیرکې اصلاح یا بشپړه کړی، خوداچې د حکمیت بورې درونوالی (شفافیت) اوله غیر موجهې نېټې څخه دمخنیوي په منظور، دهغو اصلاح کول مناسب ونه گڼې او یا داچې هغه د حکمیت د موافقه لیک پر خلاف تشخیص کړی.

اصلاح وتکمیل دفاعیه ماده سی و هفتم:

هریکې از طرفین می توانند صورت دفاع یا دفاعیه خود را در جریان رسیدگی حکمیت اصلاح یا تکمیل نمایند، مگر اینکه بور د حکمیت به منظور شفافیت و جلوگیری از تاریخ غیر موجه، اصلاحات آنرا مناسب ندانسته و یا اینکه آنرا برخلاف موافقتنامه حکمیت تشخیص دهد.

د غونډو د جوړېدو خبرتیا اته دیرشمه ماده:

(۱) د حکمیت بورې کولای شي د اړخونو د موافقه لیک مطابق، د شفاهي غونډو د جوړېدو او نورو مواردو په هکله تصمیم ونیسي اودڅېړنې د غونډې له جوړېدو لپرتلرېه (۳۰) ورځې دمخه یې خبرتیا په لیکلې توگه اړخونوته واستوي.

اطلاعیه تدویر جلسات ماده سی و هشتم:

(۱) بور د حکمیت می تواند طبق موافقتنامه طرفین، در مورد تدویر جلسات شفاهی و سایر موارد تصمیم اتخاذ نموده و حد اقل (۳۰) روز قبل از تدویر جلسه رسیدگی، اطلاعیه آنرا طور کتبی به طرفین ارسال نماید.

(۲) د حکمیت بورې کولای شي، له اړخونوڅخه دیوه د غوښتنلیک له مخې شفاهي څېړنه، د حکمیت

(۲) بور د حکمیت می تواند بالاتر درخواست یکی از طرفین، رسیدگی شفاهی را در مراحل

مناسب اجرای حکمیت، انجام دهد، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

جمع آوری معلومات ماده سی ونهم:

بورد حکمیت مکلف است گزارشات، اسناد و سایر معلوماتیکه توسط یکی از طرفین به آن ارائه شده باشد، به طرف مقابل ابلاغ و گزارش اهل خبره یا مدارک اثباتیه را که در اتخاذ تصمیم به آن اتکا می گردد، به طرفین ارسال نماید.

ادامه به حکمیت ماده چهلیم:

(۱) بورد حکمیت می تواند با نظر داشت حالات، رسیدگی به حکمیت را ادامه دهد و به اساس مدارک مورد بررسی، قرار خود را صادر نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

(۲) هرگاه مدعی نتواند صورت دعوی خود را طبق حکم مندرج جزء (۱) ماده پنجاه و چهارم این قانون ارائه نماید، در این صورت بورد حکمیت می تواند قرار

د اجراء په مناسبو پروونوکې سرته ورسوي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

دمعلوماتو راټولول نهه دیرشمه ماده:

د حکمیت بورډ مکلف دی رپوټونه، سندونه او نور معلومات چې له اړخونو څخه دیوه په واسطه هغه ته وړاندې شوي وي، مقابل اړخ ته ابلاغ او د اهل خبره رپوټ یا اثباتیه مدرکونه چې د تصمیم په نیولو کې پرې اتکاء کېږي، اړخونو ته واستوي.

حکمیت ته دوام ورکول څلوېښتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورډ کولای شي حالاتو ته په پام سره، د حکمیت څېړنې ته دوام ورکړي او د بررسی وړ مدرکونو پربنسټ، خپل قرار صادر کړي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي.

(۲) که چېرې مدعی ونکړي شي خپله صورت دعوي ددی قانون د څلورپنځوسمې مادې په (۱) جزء کې د درج شوی حکم مطابق، وړاندې کړي، پدی صورت کې د حکمیت بورډ کولای شي د څېړنې

مبنی بر ختم رسیدگی راصادر نماید.

(۳) هرگاه مدعی علیه نتواند صورت دفاعیه خود را طبق حکم مندرج جزء (۲) ماده پنجاه و چهارم این قانون ارائه نماید، دراین صورت مورد حکمیت میتواند به رسیدگی ادامه داده و مدتی را غرض ارایه دفاعیه به مدعی علیه تعیین نماید.

(۴) هرگاه یکی از طرفین نتواند درجلسه رسیدگی حضور یابد و یا اسناد و مدارك لازم را ارائه نماید، دراین صورت مورد حکمیت می‌تواند رسیدگی به حکمیت را ادامه داده و به اساس مدارك مورد بررسی، قرار خویش را صادرنماید.

تعیین متخصص

ماده چهل و یکم:

(۱) مورد حکمیت می‌تواند يك يا بیش از يك متخصص را جهت ارایه گزارش، درمورد منازعاتیکه تحت رسیدگی مورد قرار می‌گیرد، توظیف نماید، مگراینکه طرفین طور دیگری

د پای ته رسبند و په اړه قرار صادر کړی.

(۳) که چېرې مدعي عليه ونکړی شي خپله صورت دفاع ددی قانون د څلورېنځوسمې مادې په (۲) جزء کې د درج شوی حکم مطابق، وړاندی کړی، پدی صورت کې د حکمیت بورډ کولای شي خپرنې ته دوام ورکړی او مدعي علیه ته د دفاعیې د وړاندی کولو لپاره موده وټاکي.

(۴) که چېرې یوله اړخونوڅخه ونکړی شي د خپرنې په غونډه کې حضور ومومي یا لازم سندونه او مدرکونه وړاندی کړی، پدی صورت کې د حکمیت بورډ کولای شي د حکمیت خپرنې ته دوام ورکړی او د خپرنې وړ مدرکونو پر بنسټ، خپل قرار صادر کړی.

د متخصص ټاکل

یوڅلورېنځوسمې ماده:

(۱) د حکمیت بورډ کولای شي یو یا له یوه څخه زیات متخصصین دهغو شخړو په هکله چې د بورډ تر خپرنې لاندی نیول کېږي د رپوټ د وړاندی کولو لپاره توظیف کړی، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه

کری وی.

(۲) د حکمیت بورچ کولای شي د اړخونوله هریوه څخه وغواړي خو اړوند معلومات متخصص ته وړاندی اوسندونه، مالونه او نوره شتمني د پلټنې او کتنې لپاره متخصص ته برابر کری.

(۳) متخصص مکلف دی د خپرني په غونډه کې د خپل لیکلي یا شفاهي رپورت له وړاندی کولو وروسته، له اړخونو څخه دیوه د غوښتنې یا د بورچ د لزوم دید له مخې، د خپرني په غونډه کې گډون وکړی.

د سندونو غوښتنه

دوه څلور بنسټه ماده:

د حکمیت بورچ یا هریوله اړخونو څخه د اړتیا په صورت کې کولای شي له محکمې یا نورو مراجعو څخه اړوند سندونه او مدارک وغواړي.

موافقه نموده باشند.

(۲) بورچ حکمیت می تواند از هریکی از طرفین درخواست نماید تا معلومات مربوط را به متخصص ارایه و اسناد، اموال یا سایر دارایی ها را جهت تفتیش و معاینه به متخصص فراهم نماید.

(۳) متخصص مکلف است بعد از ارایه گزارش شفاهی یا کتبی خود در جلسه رسیدگی، در صورت درخواست یکی از طرفین یا لزوم دیدد بورچ، در جلسه رسیدگی اشترک نماید.

درخواست اسناد

ماده چهل و دوم:

بورچ حکمیت یا هریک از طرفین در صورت ضرورت می توانند از محکمه یا سایر مراجع اسناد و مدارک مربوط را درخواست نمایند.

فصل ششم
صدور قرار حکمیت و خاتمه
رسیدگی

شپږم فصل
د حکمیت د قرار صادرېدل
او د خپرني پای

قانون قابل تطبیق

ماده چهل و سوم:

(۱) بورد حکمیت در مورد منازعه، طبق احکام قانون مشخص شده توسط طرفین، تصمیم اتخاذ می نماید.

(۲) در صورت عدم تعیین قانون از جانب طرفین و در حالیکه تنازع در قوانین وجود داشته باشد، بورد حکمیت می تواند قانون قابل تطبیق بر منازعه را تعیین نماید.

عدم تعیین حکم منجیث
میانجی

ماده چهل و چهارم:

هرگاه طرفین قضیه، از حکم مطالبه نماید تا در قسمت حل و فصل قضیه متنازع فیہ و وظیفه میانجی را اجرا نماید، حکم نمی تواند این وظیفه را انجام دهد، در این صورت طرفین می توانند شخص دیگری را به حیث میانجی تعیین نمایند.

د تطبیق ور قانون

دري څلورېنتمه ماده:

(۱) د حکمیت بورد د شخړې په هکله، د اړخونو لخوا د مشخص شوی قانون د حکمونو مطابق، تصمیم نیسي.

(۲) د اړخونو لخوا د قانون دنه ټاکلو په صورت کې او پداسې حالت کې چې په قوانینو کې تنازع وجود ولري، د حکمیت بورد کولای شي، پر شخړې باندې د تطبیق ور قانون، وټاکي.

د منځگړي په توگه د حکم نه
ټاکل

څلور څلورېنتمه ماده:

که چېرې د قضیې اړخونه له حکم څخه وغواړي خو د متنازع فیہ قضیې د حل او فصل په برخه کې د منځگړي دنده اجراء کړی، حکم نشي کولای دغه دنده سرته ورسوي، پدی صورت کې اړخونه کولای شي، بل شخص د منځگړي په توگه وټاکي.

د تصمیم د نیولو ډول**پنځه څلورېنتمه ماده:**

هغه شخړه چې له یوه څخه د زیاتو حکمانو په واسطه ترخپرنې لاندې نیول کېږي، دهغې په هکله تصمیم، د غړو د اکثریت رأیو پر بنسټ نیول کېږي، خوداچې اړخونو بل ډول موافقه کړې وي. د حکمیت د خپرنې کړنلاره د بورډ د رئیس لخوا ټاکل کېږي، پدې شرط چې اړخونو یا د حکمیت د بورډ نورو غړو له هغې سره موافقه کړې وي.

د حکمیت قرار**شپږ څلورېنتمه ماده:**

(۱) که چېرې اړخونه د حکمیت د خپرنې په ترڅ کې، شخړه پخپله حل او فصل کړي، د حکمیت بورډ خپړنه پای ته رسوي او د اړخونو د غوښتنې او د بورډ د موافقې په صورت کې، توافقی د حکمیت د قرار په توګه ثبتوي.

(۲) ددی مادې په (۱) فقره کې درج شوی قرار، ددی قانون په اته څلورېنتمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق ترتیب او صادرېږي او د حکمیت د نورو قرارونو د عین

طرز اتخاذ تصمیم**ماده څهله و پنجم:**

منازعه ایکه توسط بیش از يك حکم مورد رسیدگی قرار می گیرد، تصمیم در مورد آن به اساس اکثریت آرای اعضا اتخاذ می گردد، مگر این که طرفین طور دیگر موافقه نموده باشند.

طرز العمل رسیدگی حکمیت از طرف رئیس بورډ تعیین می گردد، مشروط بر اینکه طرفین یا سایر اعضای بورډ حکمیت، به آن موافقه نموده باشند.

قرار حکمیت**ماده څهله و ششم:**

(۱) هرگاه طرفین در خلال رسیدگی حکمیت، منازعه را خود حل و فصل نمایند، بورډ حکمیت رسیدگی را خاتمه و در صورت درخواست طرفین و موافقه بورډ، توافق را به حیث قرار حکمیت ثبت می نمایند.

(۲) قرار مندرج فقره (۱) این ماده طبق حکم مندرج ماده څهله و هشتم این قانون ترتیب و صادر گردیده و دارای عین اعتبار سایر قرارهای

اعتبار لرونکی دی.

حکمیت می باشد.

د حکمیت د قرار مندرجات

اووه څلویښتمه ماده:

(۱) د حکمیت قرار د لاندی مطالبو

لرونکی وي:

۱- د قرار لیکلې بڼه اود حکم یا حکمانو په واسطه یې لاسلیک کېدل، د حکمیت د څېړنې په ترڅ کې چې پکې له یوه څخه زیات حکمان حکمیت کوي، د حکمیت د بورډ د غړو د اکثریت لاسلیک کافي دی، پدی شرط چې د غیر موجودو لاسلیکونو دلیل ذکر شي.

۲- دهغو دلیلونو یا ډول چې قرار یې پرېنا ولاړ دی، خوداچې اړخونو د دلیلونو پرته وړاندی کولو موافقه کړې وي یا داچې قرار ددی قانون د اووه څلویښتمې مادې له مخې، د توافق له امله صورت منډلی وي.

۳- د حکمیت د قرار د صادرېدو نېټه اوځای.

(۲) د حکمیت د بورډ د دندې د څېړنې بهیر، په متنازع فیه قضیه کې د قرار له صادرېدو وروسته پای ته رسېږي.

مندرجات قرار حکمیت

ماده ټولې و هفتم:

(۱) قرار حکمیت حاوی مطالب

ذیل می باشد:

۱- کتبی بودن قرار و امضاء آن توسط حکم یا حکم ها، حین رسیدگی حکمیت که بیش از يك حکم در آن حکمیت می نماید، امضای اکثریت اعضای بورډ حکمیت کافی است، مشروط براینکه دلیل امضا های غیر موجود ذکر شود.

۲- ذکر دلایلی که قرار بر آن مبتنی است، مگر اینکه طرفین بر عدم ارایه دلایل موافقه نموده باشند، یا اینکه قرار به تاسی از حکم ماده ټولې و هفتم این قانون، بالاثرتوافق صورت گرفته باشد.

۳- تاریخ و محل صدور قرار حکمیت.

(۲) روند رسیدگی به وظیفه بورډ حکمیت، بعد از صدور قرار در قضیه متنازع فیه خاتمه می یابد.

(۳) قرارمندرج فقره (۱) این ماده به تعداد طرفین ترتیب و يك، يك نقل آن به آنها سپرده شده و نقل دیگر آن به دفتر بورد حکمیت حفظ می گردد.

ختم روند رسیدگی حکمیت ماده چهل و هشتم:

بورد حکمیت می تواند درحالات ذیل ختم رسیدگی حکمیت را اعلام نماید:

۱- در صورتی که مدعی از ادعای خود انصراف نماید، مگر اینکه مدعی علیه بر علیه مدعی ادعای متقابل داشته باشد، یا مدعی علیه بر علیه انصراف ادعا از طرف مدعی، اعتراض داشته باشد و بورد حکمیت منافع قانونی و موجه مدعی علیه را در حل و فصل نهایی منازعه دریافت نماید.

۲- در صورتی که طرفین بر اختتام رسیدگی توافق نمایند.

۳- در صورتی که بورد حکمیت دریابد که ادامه رسیدگی بنا بر سایر دلایل موجه، غیر ضروری و غیر ممکن

(۳) ددی مادی په (۱) فقره کې درج شوی قرار د اړخونو په شمېر ترتیبېږي او یو یونقل یې هغو ته سپارل کېږي او بل یې د حکمیت د بورد په دفتر کې ساتل کېږي.

د حکمیت د څېړنې د بهیر پای اته څلوېښتمه ماده:

د حکمیت بورد کولای شي په لاندی حالاتو کې د حکمیت د څېړنې پای اعلام کړي:

۱- په هغه صورت کې چې مدعی له خپلې ادعا څخه انصراف وکړي، خوداچې مدعی علیه د مدعی پرضد متقابل ادعاء ولري، یا مدعی علیه د مدعی له لوري د ادعا د انصراف پرضد، اعتراض ولري او د حکمیت بورد د مدعی علیه قانوني او مؤجبهې گټې د څېړنې په وروستی حل او فصل کې ومومي.

۲- په هغه صورت کې چې اړخونه د څېړنې پرپای ته رسېدو موافقه وکړي.

۳- په هغه صورت کې چې د حکمیت بورد ومومي چې د څېړنې دوام د نورو مؤجهو د لیلونو له مخې غیر ضروري او

غیر ممکن وی.

د تېروتنو اصلاح

نهه څلورېنیمه ماده:

له اړخونو څخه هریوکولای شي، د حکمیت د قرار د ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې یا په بله موده کې چې د اړخونو د موافقې وړ وي، مقابل اړخ ته د خبرتیا په استولو سره د حکمیت له بورې څخه وغواړي څو حسابي، انشایي او طباعتي تېروتنې یا ورته تېروتنې په قرار کې اصلاح یا د قرار مشخص ټکي څرگند یانې ځنې برخې وړاندې کړي، په هغه صورت کې چې د حکمیت بورې نوموړې غوښتنه مؤجه وگڼي، مکلف دی د تېروتنې تصحیح یا د قرار د توضیح وړاندې کول، د غوښتنلیک د ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې سرته ورسوي. توضیح، د قرار یوه برخه جوړوي.

د حکمیت بورې کولای شي پورته یادې شوې تېروتنې په خپله اصلاح کړي.

باشد.

اصلاح اشتباهات

ماده ټولې ونهم:

هریک از طرفین میتوانند در خلال (۳۰) روز از تاریخ دریافت قرار حکمیت یا در مدت دیگری که مورد توافق طرفین باشد، با ارسال اطلاعیه به طرف مقابل از بورد حکمیت درخواست نمایند تا اشتباهات حسابی، انشایی و طباعتی یا اشتباهات مشابه در قرار را اصلاح یا توضیح نکات مشخص یا بخش هایی از قرار را ارائه نمایند، در صورتیکه بورد حکمیت درخواست متذکره را موجه پندارد، مکلف است تصحیح اشتباه یا ارایه توضیح قرار را در خلال (۳۰) روز از تاریخ دریافت درخواست، انجام دهد. توضیح، قسمتی از قرار را احتوا می نماید.

بورد حکمیت می تواند اشتباهات فوق الذکر را خود اصلاح نماید.

دبشپرتیایی قرار صادر بدل

پنخوسمه ماده:

له اړخونوڅخه هریوکولای شی مقابل لوري ته دڅپرتیا په استولو سره ، دحکیمت د قرار دترلاسه کولو له نېټې څخه د(۳۰) ورځوپه ترڅ کې، دحکیمت له بورې څخه غوښتنه وکړی خوېل قرار (بشپرتیایی قرار) دهغو ادعاگانو په هکله چې دڅپرتیا په غونډه کې وړاندی شوی خوپه قرار کې حذف شوی دی، صادر کړی. په هغه صورت کې چې دحکیمت بورې نوموړی غوښتنلیک مؤجه وگڼي، مکلف دی، دبشپرتیایی قرار په هکله ، دغوښتنلیک د ترلاسه کولو له نېټې څخه د(۶۰) ورځوپه ترڅ کې ، تصمیم ونیسي.

د مودی تمديد بدل

یو پنخوسمه ماده:

دحکیمت بورې کولای شي هغه موده چې په ترڅ کې یې ددی قانون د (۵۰ او ۵۱) مادی دحکمونو مطابق، اصلاح او توضیح صورت مومي یا دبشپرتیایی قرار صادرېږي، دناسب وخت مودی لپاره تمديد کړی.

صدور قرار تکمیلی

ماده پنجاهم:

هریکې از طرفین می تواند با ارسال اطلاعیه به طرف مقابل، درخلال (۳۰) روز از تاریخ دریافت قرار حکمیت، ازبورد حکمیت درخواست به عمل آورد تا قرار دیگر(قرار تکمیلی) را درمورد ادعا هایی که در جلسه رسیدگی ارائه ولی در قرار حذف شده است، صادر نماید. درصورتی که بورد حکمیت درخواست متذکره را موجه پندارد، بورد مکلف است در مورد قرار تکمیلی در خلال (۶۰) روز از تاریخ دریافت درخواست، تصمیم اتخاذ نماید.

تمديد ميعاد

ماده پنجاه و یکم:

بورد حکمیت می تواند ميعاد را که در خلال آن مطابق احکام مواد (۵۰ و ۵۱) این قانون اصلاح و توضیح صورت می گیرد یا قرار تکمیلی صادر می گردد، برای مدت زمان مناسب تمديد نماید.

د اته څلوېښتمې مادې په پام کې نیول

دوه پنځوسمه ماده:

د حکمیت بورډ مکلف دی د قرار د اصلاح او توضیح یا د بشپړتیا یې قرار د صادرېدو په ترڅ کې، د دې قانون په اته څلوېښتمه ماده کې درج شوی حکم په پام کې ونیسي.

رعایت ماده چهل و هشتم

ماده پنجاه و دوم:

بورډ حکمیت مکلف است حین اصلاح و توضیح قرار و یا اصدار قرار تکمیلی، حکم مندرج ماده چهل و هشتم این قانون را رعایت نماید.

اووم فصل

پرقرار باندی اعتراض

فصل هفتم

اعتراض به قرار

د حکمیت د قرار فسخ

دري پنځوسمه ماده:

محکمه کولای شي د حکمیت د قرار د فسخې په اړه له اړخونو څخه د یوه د اعتراض یا غوښتنې په صورت کې په لاندې حالاتو کې د حکمیت قرار فسخ کړي:

۱- په هغه صورت کې چې د موافقه لیک له عاقدینو څخه یو د دې قانون په څوارلسمه ماده کې د درج شوی حکمیت، د حقوقي اهلیت نه لرونکی وگڼي.

۲- په هغه صورت کې چې د حکمیت موافقه لیک، د حکمیت اړخونه د شخړې د حل په هکله هغه

فسخ قرار حکمیت

ماده پنجاه و سوم:

محکمه می تواند در صورت اعتراض یا درخواست یکی از طرفین مبنی بر فسخ قرار حکمیت، در حالات ذیل قرار حکمیت را فسخ نماید:

۱- در صورتی که یکی از عاقدین موافقتنامه، حکمیت مندرج ماده چهاردهم این قانون را فاقد اهلیت حقوقی بداند.

۲- در صورتی که موافقتنامه حکمیت، طرفین حکمیت را در مورد حل منازعه به قانون

موکول ساخته باشد که قانون مذکور برطبق قوانین افغانستان، فاقد اعتبار باشد.

۳- در صورتی که به طرفین متقاضی در مورد تعیین حکم یا رسیدگی حکمیت اطلاع لازم داده نشده باشد یا طبق احکام این قانون مدعی به ارائه ادعای خود قادر نباشد.

۴- در صورت رشوه یا تحت تاثیر قرار دادن حکم یا تضاد منفعت مادی وی با یکی از طرفین، شهود یا عدم رسیدگی به موقع موضوع حکمیت، طبق احکام این قانون.

۵- در صورتی که قرار در مورد منازعه صادر شده باشد که در موافقتنامه حکمیت در نظر گرفته نشده یا در ساحت تطبیق آن واقع نباشد و یا حاوی تصامیم بر موضوعاتی باشد که خارج از دایره موضوعات قابل ارائه به حکمیت،

قانون ته موکول کری وی چپی د افغانستان د قوانینو مطابق، نوموړی قانون له اعتباره لوېدلی وي.

۳- په هغه صورت کې چې متقاضی اړخونو ته د حکم د ټاکلو یا د حکمیت د خپرني په هکله لازمه خبرتیا ورکړل شوې نه وي یا ددی قانون د حکمونو مطابق، مدعي دخپلې ادعا په وړاندې کولو باندې قادر نه وي.

۴- د دی قانون د حکمونو مطابق د بې (رشوت) یا د حکم د تراغېزې لاندې راوستلو یا یې له اړخونو څخه دیوه له شاهدانو سره د مادی گټې د تضاد یا د حکمیت د موضوع د په وخت نه خپړلو په صورت کې.

۵- په هغه صورت کې چې د شخړې په هکله هغه قرار صادر شوی وي چې د حکمیت په موافقه لیک کې په پام کې نیول شوی نه وي یا یې د تطبیق په ساحه کې واقع نه وي یا پر هغو موضوعگانو باندې د تصمیم لرونکی وي چې حکمیت ته د وړاندې کولو وړ موضوعگانو له دایرې څخه

بهرپاتي وي.

که چېرې د حکمیت له ساحې څخه پر بهر موضوعگانو باندې تصمیم، د حکمیت په ساحه کې پر شاملو موضوعگانو، له تصمیم څخه تفکیک شي، پدې صورت کې یوازې د قرار هغه برخه چې د حکمیت له ساحې څخه پر بهر موضوعگانو باندې وي، د اجراء وړ نده.

۶- په هغه صورت کې چې د حکمیت د بورډ ترکیب یا د حکمیت کړنلاره د اړخونو له موافقه لیک سره مطابقت ونلري یاد اړخونو موافقه لیک ددی قانون د حکمونوله یوه حکم سره چې پر اړخونو د تطبیق وړدی، مغایرت ولري.

۷- که چېرې د حکمیت موضوع د افغانستان د قوانینو مطابق د حکمیت له لارې د حل اوفصل وړ نه وي یا د حکمیت قرار د افغانستان د عامه پالیسی مغایر وي.

دفسخ دغوښتني میعاد

څلور پنځوسمه ماده:

اړخونه کولای شي د حکمیت د قرار له صادرېدو وروسته، د دریو

قرار داشته باشد.

هرگاه تصامیم بر موضوعات خارج از ساحه حکمیت از تصامیم بر موضوعات شامل در ساحه حکمیت تفکیک شده بتواند، در این صورت صرف آن بخشی از قرار که حاوی تصامیم بر موضوعات خارج از ساحه حکمیت باشد، غیر قابل اجرا است.

۶- در صورتی که ترکیب بورډ حکمیت یا طرز العمل حکمیت با موافقتنامه طرفین مطابقت نداشته باشد، یا موافقتنامه طرفین با حکمی از احکام این قانون که بر طرفین قابل تطبیق است، مغایرت داشته باشد.

۷- هرگاه موضوع حکمیت طبق قوانین افغانستان از طریق حکمیت، قابل حل و فصل نبوده یا قرار حکمیت مغایر پالیسی عامه افغانستان باشد.

میعاد درخواست فسخ

ماده پنجاه و چهارم:

طرفین می توانند بعد از صدور قرار حکمیت، در خلال سه ماه

میاشتو په ترڅ کې دهغه دفسخې غوښتنه محکمې ته وړاندې کړی.

درخواست فسخ آنرا به محکمه ارائه نمایند.

دبورې بیا خپرنه

پنځه پنځوسمه ماده:

محکمه کولای شي دحکمیټ د قرار دفسخې په صورت کې، له اړخونوڅخه دیوه دغوښتنې له امله یا دلزوم له مخې، د حکمیټ بورې ته لارم فرصت برابرکړي خو دحکمیټ خپرل بیا پیل یا نور هغه اقدامات چې دحکمیټ د قرار د فسخ د له منځه تلو سبب کېږي، وکړي.

رسیدگی مجدد بورد

ماده پنجاه و پنجم:

محکمه می تواند در صورت فسخ قرار حکمیټ، بالاتر درخواست یکی از طرفین یا حسب لزوم، فرصت مناسب را به بورد حکمیټ فراهم نماید تا رسیدگی حکمیټ را مجدداً آغاز یا سایر اقداماتی را که سبب امحای فسخ قرار حکمیټ می گردد، اتخاذ نماید.

اتم فصل

دحکمیټ دقرار تطبیقول

فصل هشتم

تطبیق قرار حکمیټ

دحکمیټ دقرار تطبیقول اوردول

شپږ پنځوسمه ماده:

(۱) دحکمیټ قرار پرته لدی چې په کوم هېواد کې صادر شوی دی، دتطبیق وړ دی.

(۲) دحکمیټ قرار په لاندی حالاتو کې ردیدی شي:

۱- په هغه صورت کې چې د حکمیټ د موافقه لیک له اړخونو څخه یو، داهلیت نه لرونکی وي.

۲- په هغه صورت کې چې

تطبیق و رد قرار حکمیټ

ماده پنجاه و ششم:

(۱) قرار حکمیټ صرف نظر ازینکه در کدام کشور صادر شده است، قابل تطبیق می باشد.

(۲) قرار حکمیټ در حالات ذیل رد شده می تواند:

۱- در صورتی که یکی از طرفین موافقتنامه حکمیټ، فاقد اهلیت باشد.

۲- در صورتی که قرار حکمیټ

به موجب قانونی که توسط طرفین در موافقتنامه مشخص شده است، صادر نگردیده باشد.

۳- در صورتی که قرار حکمیت به موجب قانونی صادر شده باشد که قانون مذکور فاقد اعتبار باشد.

۴- در صورتی که قرار بر علیه طرفی صادر شده باشد که در مورد تعیین حکم یا رسیدگی حکمیت به وی اطلاع لازم داده نشده یا طبق احکام این قانون به ارایه دفاعیه قادر نباشد.

۵- در صورتی که قرار در مورد منازعه صادر شده باشد که در موافقتنامه حکمیت از آن تصریح نگردیده یا در ساحة تطبیق آن واقع نباشد و یا حاوی اتخاذ تصامیم بر موضوعاتی بوده که خارج از صلاحیت حکمیت قرار داشته باشد.

در صورتی که اتخاذ تصامیم بر موضوعات خارج از ساحة حکمیت از اتخاذ تصامیم

د حکمیت قرار دهغه قانون پرموجب چې د اړخونو لخوا په موافقه ليک کې مشخص شوی دی، صادر شوی نه وي.

۳- په هغه صورت کې چې د حکمیت قرار دهغه قانون پرموجب صادر شوی وي چې نوموړی قانون له اعتباره لوبدلی وي.

۴- په هغه صورت کې چې قرار دهغه اړخ پرضد صادر شوی وي چې د حکم د ټاکلو یا د حکمیت د څېړنې په هکله ورته لازم خبرتیا ورکړل شوې نه وي یا ددی قانون د حکمونو مطابق د دفاعیې په وړاندې کولو قادر نه وي.

۵- په هغه صورت کې چې قرار دهغې شخړې په هکله صادر شوی وي چې د حکمیت په موافقه ليک کې له هغې څخه تصریح شوې نه وي یا یې د تطبیق په ساحة کې واقع نه وي یا پر هغو موضوعگانو د تصمیم د نیولو لرونکی وي چې د حکمیت د واک له ساحې څخه بهر وي.

په هغه صورت کې چې د تصمیم نیول د حکمیت له ساحې څخه پر بهر موضوعگانو، د حکمیت په

بر موضوعات شامل در ساحه حکمیت تفکیک شده بتواند، در این حالت صرف آن بخشی از قرار که حاوی تصامیم بر موضوعات ارائه شده برای حکمیت است، قابل تطبیق می باشد.

۶- هرگاه ترکیب مورد حکمیت یا طرز العمل حکمیت با موافقتنامه حکمیت طرفین، مطابقت نداشته و یا در صورت عدم موجودیت موافقتنامه حکمیت، ترکیب مورد حکمیت یا طرز العمل حکمیت با قانون کشوریکه حکمیت در آن صورت گرفته است، مطابقت نداشته باشد.

۷- در صورتی که قرار حکمیت صادر ولی تطبیق نگردیده و توسط محکمه کشوریکه قرار به موجب قانون آن صادر گردیده، تعلیق یا لغو شده باشد.

۸- در صورتی که موضوع حکمیت، به موجب قوانین افغانستان از طریق حکمیت قابل حل و فصل نبوده و یا تطبیق قرار

ساحه کی پر شاملو موضوعگانو دتصمیم له نیولو څخه تفکیک کړل شي، پدی حالت کې یوازې دقرار هغه برخه چې د حکمیت لپاره پر وړاندې شوو موضوعگانو دتصمیم لرونکې ده، د تطبیق وړ ده.

۶- که چېرې د حکمیت د بورډ ترکیب یا د حکمیت کړنلاره د اړخونو له موافقه لیک سره مطابقت ونلري یا د حکمیت د موافقه لیک د نه موجودیت په صورت کې، د حکمیت د بورډ ترکیب یا د حکمیت کړنلاره دهغه هېواد له قانون سره چې حکمیت پکې صورت موندلی دی، مطابقت ونلري.

۷- په هغه صورت کې چې د حکمیت قرار صادر خو تطبیق شوی نه وي او دهغه هېواد چې قرار یې د قانون پر موجب صادر شوی وي، د محکمې په واسطه تعلیق یا لغوه شوی وي.

۸- په هغه صورت کې چې د حکمیت موضوع، د افغانستان د قوانینو پر موجب د حکمیت له لارې د حل او فصل وړ نه وي او یا

حکمیت، مغایر قوانین و مقررات نافذ افغانستان باشد.

ارایه اصل سند

ماده پنجاه و هفتم:

طرفیکه درخواست تطبیق قرار حکمیت را داشته باشد، مکلف است سند اصلی و تصدیق شده قرار یا نقل مصدقه آن را معاً اصل یا نقل مصدقه موافقتنامه حکمیت و ترجمه تصدیق شده آنرا به یکی از لسان های رسمی افغانستان ارائه نماید.

ارایه تضمین

ماده پنجاه و هشتم:

در صورتی که درخواست مبنی بر الغا یا تعلیق قرار حکمیت به یک محکمه ارائه و در محکمه دیگر درخواست مبنی بر تطبیق قرار متذکره صورت گرفته باشد، در این حالت محکمه اولی می تواند قرار خود را تعویق و به اساس درخواست طرفی که تطبیق قرار را درخواست می کند، طرف مقابل را مکلف به ارایه تضمین نماید.

د حکمیت د قرار تطبیق بدل، د افغانستان د نافذ و قوانینو او مقرراتو مغایر وي.

داصل سند وړاندی کول

اووه پنخوسمه ماده:

هغه اړخ چې د حکمیت د قرار د تطبیق غوښتنه ولري، مکلف دی د قرار اصلي او تصدیق شوی سند یا یې مصدقه نقل د حکمیت له اصل موافقه لیک یا یې له مصدقه نقل او د افغانستان په یوه ژبه له تصدیق شوې ژباړې سره یوځای، وړاندی کړی.

د تضمین وړاندی کول

اته پنخوسمه ماده:

په هغه صورت کې چې د حکمیت د قرار د لغو یا تعلیق په اړه غوښتنه، یوې محکمې ته وړاندی او په بله محکمه کې دنوموړي قرار د تطبیق په اړه غوښتنې صورت موندلی وي، پدی حالت کې لومړی محکمه کولای شي خپل قرار وځنډوي او دهغه اړخ چې د قرار تطبیق بدل غواړي، د غوښتنې پر بنسټ مقابل اړخ د تضمین په وړاندی کولو مکلف کړی.

فصل نهم وروستنی حکومه

فصل نهم احکام نهایی

دمقرو او کړنلارو وضع کېدل نهه پنخوسمه ماده:

د سوداگری او صنایعو وزارت کولای شي، د دی قانون دلابسه تطبیق په منظور مقررې وړاندیز او لایحې او کړنلارې وضع او تصویب کړي.

وضع مقرر و طرز العمل ها ماده پنجاه ونهم:

وزارت تجارت و صنایع می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون، مقرره ها را پیشنهاد و لوایح و طرز العمل ها را وضع و تصویب نماید.

د انفاذ نېټه

شپېتمه ماده:

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ دی او په رسمي جریده کې دی خپور شي. په نافذېدو سره یې د ۱۳۷۴ کال په (۷۷۹) گڼه رسمي جریده کې خپوره شوې د تجارتي حکمیت مقرر و او نور مغایر حکومه لغو گڼل کېږي.

تاریخ انفاذ

ماده شصتم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و درجریده رسمی نشر گردد. با انفاذ آن، مقرر و حکمیت تجارتي منتشر و جریده رسمی شماره (۷۷۹) سال ۱۳۷۴ و سایر احکام مغایر آن ملغی شمرد و می شود.

قانون سرمایه گذاری خصوصی

رئيس جمهورى اسلامى
افغانستان

محترم سرور دانش وزير عدليه!

قانون سرمايه گذارى خصوصى
که از طرف مجلس عالی وزراء به
داخل (۹) فصل و (۳۳) ماده
تصويب و از جانب ما ذريعه
فرمان شماره (۱۰۵) مؤرخ
۱۳۸۴/۹/۱۵ توشیح گردیده
است، به شما ارسال شد، به نشر
آن در جريده رسمى اقدام
نمائيد.

حامد كرزى
رئيس جمهورى اسلامى
افغانستان

د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

د عدليې وزير محترم سرور دانش!

د خصوصي پانگې اچونې قانون
چې په (۹) فصلونو او (۳۳) مادو
کې د وزيرانو د عالي مجلس لخوا
تصويب او د ۱۳۸۴/۹/۱۵ نېټې د
(۱۰۵) گڼې فرمان په ذريعه زموږ
له لوري توشیح شوى دى، تاسوته
در واستول سو چې په رسمي
جريده کې يې په خپرو لړو اقدام
وکړي.

حامد كرزى
د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

فرمان رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان در مورد انفاذ قانون
سرمایه گذاری خصوصی

شماره: (۱۰۵)

تاریخ: ۱۳۸۴/۹/۱۵

ماده اول:

قانون سرمایه گذاری خصوصی را
که به اساس مصوباً شماره (۳۱)
مؤرخ ۱۳۸۴/۸/۳۰ شورای
وزیران به داخل (۹) فصل و (۳۳)
ماده تصویب گردیده، توشیح
می دارم.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح
نافذ و در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د خصوصی پانگې اچونې د قانون
د انفاذ په هکله د افغانستان د
اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

گڼه: (۱۰۵)

نېټه: ۱۳۸۴/۹/۱۵

لومړۍ ماده:

د خصوصی پانگې اچونې قانون
چې په (۹) فصلونو او (۳۳) مادو
کې د وزیرانو شوري د
۱۳۸۴/۸/۳۰ نېټې د (۳۱) کڼې
مصوبې پر بنسټ تصویب شوی
دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه
نافذ او په رسمي جریده کې دې
خپور شي.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
رئیس

دخصوصی پانگې اچونې قانون
لومړی فصل
عمومي حکونه

قانون سرمايه گذاري خصوصي
فصل اول
احکام عمومي

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان داساسي قانون دلسمې مادې دحکم له مخې، د بازار داقتصاد دنظام پر بنسټ د خصوصي پانگو اچونو او تشبثاتو دهڅونې، ملاتړ او مصونیت اود هغه د اړوندو چارو دتنظیم په منظور، وضع شوی دی.

مبني

ماده اول:

این قانون به تأسی از حکم ماده دهم قانون اساسی افغانستان به منظور تشویق، حمایت ومصونیت سرمایه گذاری ها وتشبثات خصوصی مبتنی بر نظام اقتصاد بازار وتنظیم امور مربوط آن وضع گردیده است.

د قانون موخه

دوه یمه ماده:

ددغه قانون موخې دهېوادپه اقتصادي ډگرکې دکورنیواو بهرنیو خصوصي پانگواچونو د برخې (نقش) له جوړولو اودقانوني نظم له لوړولو سره دهغه د ادارې جوړښت څخه عبارت دی چې داقتصادی هڅونې، ودی او پرمختیا، دبوختېدو (اشتغال) دزمیني دبرابرو، دتولید او صادراتي عوایدو دزیاتېدو، د تکنالوژي دلېږدېدو اودخلکو د ژوندانه دسطح د لوړولو او عامه

هدف قانون

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارت از ارتقای نقش سرمایه گذاری های خصوصی داخلی وخارجی در عرصه اقتصادي کشور و ایجاد نظم قانونی با ساختار اداري آن می باشد که موجب ترغیب، حمایت و مصونیت سرمایه گذاران خصوصی داخلی و خارجی غرض رشد وانکشاف اقتصادي، فراهم ساختن زمینه اشتغال، افزایش تولید

وعواید صادراتی، انتقال تکنالوژی، بهبود و ارتقای سطح زندگی مردم و رفاه عامه گردد.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون دارای مفاهیم ذیل می باشند:

۱- دارائی سرمایه و دارائی های منقول و غیر منقول موجود به شمول تجهیزات و ماشین آلات طور غیر مقید آن می باشد.

۲- کمیسیون: کمیسیون عالی سرمایه گذاری مندرج ماده ششم این قانون می باشد.

۳- سرمایه گذاری خارجی: سرمایه گذاری است که به شکل اسعار قابل تبادل آزاد یا به شکل سهمگیری غیر نقدی توسط شخص خارجی از خارج به کشور منتقل می گردد.

۴- سرمایه گذار خارجی: شخص خارجی می باشد که سرمایه گذاری خارجی را در داخل کشور به کار انداخته باشد.

۵- قرضه خارجی: انواع قرضه،

سوکالی، په غرض دکورنیو او بهرنیو خصوصی پانگو اچوونکو د هخونی ملاتړ او مصئونیت موجب شی.

اصطلاحگانی

دریمه ماده:

لاندی اصطلاحگانی پدی قانون کې د لاندنیو مفاهیمو لرونکی دی:

۱- پانگه ایزه شتمنی: د تجهیزاتو او ماشین آلاتو په شمول ټولې موجودی منقولې او غیر منقولې شتمنی. دهغو په غیر مقید ډول سره دی.

۲- کمبسیون: ددی قانون په شپږمه ماده کې درج دپانگې اچونې عالی کمبسیون دی.

۳- بهرنی پانگه اچونه: هغه پانگه اچونه ده چې د آزادی تبادلې وړ اسعارو په ډول یاد غیرنغدی برخې اخیستنې په ډول د بهرنی تبعه لخوا له بهرڅخه هېواد ته رالېږدېږي.

۴- بهرنی پانگه اچوونکی: هغه بهرنی تبعه دی چې بهرنی پانگه اچونه یې د هېواد په دننه کې په کار اچولې وي.

۵- بهرنی پور (قرضه): هر ډول

سهمیه قرضه، اسناد قرضه یا هر نوع قرضه دیگری است که توسط شخص خارجی به اسعار قابل تبادل آزاد به منظور تأمین پیشبرد فعالیت تجارتي تشبث منظور شده به آن داده شده باشد .

۶- شخص : عبارت است از :

- شخص حقیقی داخلی : شخصی است که مطابق احکام قوانین نافذه، هویت آن تشبث گردیده باشد .

- شخص حکمی داخلی : شخصی است به شکل مؤسسه ، شرکت ، مالکیت انحصاری ، شرکت محدودالمسئولیت ، مشارکت مؤقت ، سرمایه گذاری مؤقت ، شرکت سهامی خاص یا عام و اتحادیه یا هر نوع مؤسسه دیگر انتفاعی که مطابق احکام قوانین نافذه تأسیس گردیده باشد .

- شخص حقیقی خارجی : شخصی است که تابعیت غیر از تابعیت افغانی را داشته باشد .

- شخص حکمی خارجی : شخصی است که شخصیت حقوقی وی در چهار چوب قوانینی غیر از

پور، دپور و نده، دپور سندونه یا بل هر ډول هغه پور دی چې د بهرني شخص په واسطه د آزادی تبادلې په وړ اسعار و باندي د منظور شوی تشبث د سوداگریز فعالیت د پرمخ بیولو د تأمین په منظور ، هغه ته ورکړل شوی وي .

۶- شخص : عبارت دی له :

- داخلی حقیقی شخص : هغه شخص دی چې د نافذه قوانینو د حکمونو مطابق یې پېژندگلوې (هویت) تشبث شوي وي .

- داخلی حکمی شخص : د مؤسسې ، شرکت ، انحصاری مالکیت ، محدودالمسئولیت شرکت ، مؤقت مشارکت ، مؤقتي پانگې اچونې ، خاص یا عام سهامی شرکت او اتحادی یا بلې هر ډول انتفاعی مؤسسې په ډول شخص دی چې د نافذه قوانینو د حکمونو مطابق تأسیس شوی وي .

- بهرني حقیقی شخص : هغه شخص دی چې له افغانی تابعیت پرته تابعیت ولري .

- بهرني حکمی شخص : هغه شخص دی چې حقوقی شخصیت یې د هېواد له قوانینو پرته قوانینو

قوانین کشور مشخص شده باشد .
 ۷- تأسیسات زیربنائی : وسایل و تجهیزات یا خدماتی است که غرض رفاه عامه یا بخشی از مردم تهیه و مورد استفاده قرار گرفته و طور غیر مقید شامل موارد ذیل می باشد :

- تجهیزات تولید و انتقال انرژی .

- تجهیزات آبرسانی و تصفیه آب .

- تجهیزات مواد فاضله و تصفیه آن .

- تجهیزات تسهيلات زباله و تسهيلات دفع آن .

- تأسیسات و تجهیزات میدان های هوایی و تسهيلات سکتور صحنی و آموزشی .

- تجهیزات مخابراتی و تسهيلات نشراتی .

- سایر تجهیزات و خدماتی که مطابق احکام این قانون به عنوان تأسیسات زیر بنائی توسط مقامات ذیصلاح مشخص می گردد .

۸- سرمایه گذاری : اسعار

په چوکاٲ کي مشخص شوی وي .
 ۷- بنسٲیز تأسیسات: هغه وسایل او تجهیزات یا خدمتونه دی چي دعامې یا دخلکو دیوې برخې دسوکالی په غرض برابر او ترگٲې اخیستنې لاندی نیول شوی وي او په غیرمقیده ډول لاندی موارد پکې شامل دی:

- د تولید او انرژی د لېږد تجهیزات .

- د اوبورسولواود اوبودتصفیې تجهیزات .

- د فاضله موادو اود هغود تصفیې تجهیزات .

- د خاورو و خلود تصفیې تجهیزات او دهغو د دفع کولو آسانتیاوې .

- دهوایي ډگرونو تأسیسات او تجهیزات او د روغتیايي او زده کړه ایز سکتور آسانتیاوې .

- مخابراتي تجهیزات او خپرنیزې آسانتیاوې .

- نور هغه تجهیزات او خدمتونه چي ددی قانون د حکمونو مطابق د واکمنو مقامونو په واسطه د بنسٲیزو تأسیساتو په توگه مشخصېږي .

۸- پانگه اچونه : هغه غیرنغدی

وامکانات سرمایوی غیر نقدی است که به صورت غیر مقیده جهت کسب سهام مشارکت یا منافع مالکیت دریک تشبث منظور شده پرداخت یا تدارک گردیده و شامل جوازها، اجاره ها، ماشین آلات، تجهیزات و حقوق مالکیت صنعتی یا معنوی مؤسسۀ منظور شده جهت امکان پیشبرد فعالیت های تجارتی می باشد.

۹- ذخایر طبیعی: مطابق احکام قوانین مربوط عبارت از معادن و تجمع طبیعی مواد نفتی، گاز، طلا، نقره، ذغال سنگ و سایر منرال ها، هایدر و کاربن یا سایر منابع که در حالت طبیعی و یا در حالت تصفیه آن می باشد.

۱۰- تشبث منظور شده: تشبثی است که طبق احکام مندرج ماده دوازدهم این قانون ثبت گردیده باشد.

۱۱- ICSID: عبارت از مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری مندرج ماده سی ام این

پانگه ایز اسعار او امکانات دی چي په غیرمقیده صورت سره د مشارکت د ونډو یا په یوه منظور شوی تشبث کې د ملکیت دگتود ترلاسه کولو لپاره ورکړل یا تدارک شوی وي او د سوداگریزو فعالیتونو د پرمخبیولو د امکان لپاره د منظورې شوې مؤسسې جوازونه، اجارې، ماشین آلات، تجهیزات او د صنعتی یا معنوی مالکیت حقوق پکې شامل دی.

۹- طبیعی زېرمې: د اړوندو قوانینو د حکمونو مطابق، له کانونو، نفتی موادو، گاز، سرورزو، سپینو زرو، د ډبرې له سکرو او نورو منرالونو، هایدر و کاربن له طبیعی تولیدو (تجمع) یا نورو هغو سرچینو څخه عبارت دی چې په طبیعی حالت یا یې د تصفیه په حالت کې وي.

۱۰- منظور شوی تشبث: هغه تشبث دی چې ددی قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق ثبت شوی وي.

۱۱- ICSID: ددی قانون په دیرشمه ماده کې درج د نړیوالې پانگې اچونې د اختلافونو د حل له

نړیوال مرکز څخه عبارت دی.

۱۲- انسترتال (UNCITRAL) قواعد: د نړیوالې سوداګرۍ لپاره د ملګرو ملتونو د سازمان د کمېسیون د حکمیت قواعد دی.

۱۳- دفتر: د افغانستان د پانګې اچونې د ملاتړ آيسا (AISA) مؤسسه ده چې ددی قانون د اتمې مادې د (۱) فقرې د (۲) جزء مطابق تاسیسېږي.

مجازه پانګه اچونه

څلورمه ماده:

(۱) ددی قانون په پنځمه ماده کې د درج شوو مواردو په استثنی ، کورني او بهرني اشخاص کولای شي د هېواد په ټولو اقتصادي سکتورونو کې پانګه اچونه وکړي.

(۲) بهرني اشخاص کولای شي یوازې د بهرنيو پانګواچونو یا په هېواد کې په موجود منظور شوی تشبث کې د بیا پانګو اچونوله لارې، پانګه اچونه وکړي.

قانون می باشد .

۱۲- قواعد انسترتال (UNCITRAL) : قواعد حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد برای مقررات تجارت بین المللی می باشد .

۱۳- دفتر: مؤسسه حمایت سرمایه گذاری افغانستان آيسا (AISA) می باشد که مطابق جز (۲) فقره (۱) ماده هشتم این قانون تاسیس می گردد .

سرمایه گذاری مجاز

ماده چهارم :

(۱) اشخاص داخلی و خارجی به استثناء موارد مندرج ماده پنجم این قانون، می توانند در تمام سکتورهای اقتصادی کشور سرمایه گذاری نمایند .

(۲) اشخاص خارجی می توانند صرف از طریق سرمایه گذاری های خارجی یا سرمایه گذاری های مجدد در يك تشبث منظور شده موجود در کشور سرمایه گذاری نمایند .

د پانگې اچونې د ممنوع ،
محدود ویا د خاصو شرایطو تابع
ډگرونو پانگه اچونه
پنځمه ماده :

(۱) په لاندی ساحو کې پانگه اچونه
ممنوع ده :

۱- دهستوي انرژۍ په پراختیا کې .
۲- د قمار خانو او هغوته د ورته
ځایونو تاسیسول .

۳- دمخدره موادو او نشه
راوړونکو موادو تولید .

کمپسیون واک لري د هېواد
لوړو وگتو په پام سره ، په دغو
ډگرونو کې ، ددی فقرې په (۲) جزء
کې د درج شوی حکم په
استثنی ، وخت په وخت بدلونونه
راوړي .

(۲) کمپسیون واک لري وخت په
وخت په ځینو صنایعو او په ټاکلو
اقتصادی برخو او سوداگریزو
شرکتونو کې بهرنی انتفاعي
مالکیت محدود او د بهرنی
مالکیت مجازه فیصدی وټاکي .

په منظور شوی تشبث کې موجودی
پانگې اچونې لدی امر څخه
مستثنی دی .

(۳) کمپسیون مکلف دی د

عرصه های ممنوع ، محدود یا
تابع شرایط خاص سرمایه
گذاری
ماده پنجم :

(۱) سرمایه گذاری در ساحات
ذیل ممنوع می باشد :

۱- انکشاف انرژی هستوی .
۲- تأسیس قمارخانه ها ومحلات
مشابه آن .

۳- تولید مواد مخدر وسایر مواد
نشه آور .

کمپسیون صلاحیت دارد
بانظر داشت منافع علیای
کشور ، دراین عرصه ها به
استثنای حکم مندرج جزء (۲) این
فقره وقتاً فوقتاً تغییرات را
وارد نماید .

(۲) کمپسیون صلاحیت دارد در
بعضی از صنایع و بخش های
معین اقتصادی و شرکت های
تجارتی مالکیت انتفاعی خارجی
را وقتاً فوقتاً محدود و فیصدی
مجاز مالکیت خارجی را تعیین
نماید . سرمایه گذاری های موجود
در تشبث منظور شده از این امر
مستثنی است .

(۳) کمپسیون مکلف است با

وزارت ها و ادارات ذیربط در عرصه سرمایه گذاری بعضی از سکتور های اقتصادی و بعضی از انواع سرمایه گذاری مفاهمه نموده و با موافقه آنها ، سرمایه گذاری مذکور را منظور نماید .
در این نوع سرمایه گذاری ها کمیسیون می تواند شرایطی را وضع نماید که از شرایط عمومی که بالای سایر سرمایه گذاری ها مطابق به احکام این قانون تطبیق می گردد ، فرق داشته باشد ، مشروط بر این که وزارت مالیه امتیازات مالیاتی بیشتر غیر از مندرجات این قانون را منظور نماید .

(۴) سکتور های اقتصادی محدود شده عبارت است از:
۱- تولید و فروش اسلحه ، مهمات و مواد منفلقه .
۲- فعالیت های مالی غیر بانکی .
۳- فعالیت های بیموی .
۴- سرمایه گذاری در منابع طبیعی (بشمول جنگلات) و زیر بنا (بشمول تأسیسات مخابراتی ، ساختمان و نصب پایپلاین) ، مگر اینکه قوانین

اقتصادی سکتور نوپه خینو دگرونو او د پانگواچونو خخه په خینو دولونو کي له اړوندو وزارتونو او ادارو سره مفاهمه وکړي او دهغو په موافقې سره ، نوموړې پانگه اچونه منظوره کړي .
په دغه ډول پانگواچونو کې کمپسیون کولای شي داسې شرایط وضع کړي چې له هغو عمومي شرایطو څخه چې ددی قانون د حکمونو مطابق په نورو پانگواچونو باندې تطبیقېږي ، توپیر ولري ، پدی شرط چې د مالیې وزارت ددی قانون د مندرجاتو په غیر نور ډیر امتیازونه منظور کړي .

(۴) محدود شوی اقتصادی سکتورونه عبارت دی له :
۱- دولسي ، مهماتو او چاودیدونکو موادو تولید او پلورل .
۲- غیر بانکی مالی فعالیتونه .
۳- بیموی فعالیتونه .
۴- (د ځنگلونو په شمول) په طبیعی سرچینو او (دمخا براتی تأسیساتو ، دودانولو او پایپلاین دنصبولو په شمول) په بنسټونو (زېربناوو) کې پانگه اچونه ،

مربوط، سرمایه گذاری در این سکتور ها را مجاز دانسته باشد، در این صورت سرمایه گذاری مطابق قوانین خاص آن تنظیم می گردد.

(۵) کمیسیون صلاحیت دارد در فهرست سرمایه گذاری های مندرج این ماده وقتاً فوقتاً تغییر وارد نماید.

خوداچې اړوند قوانین، په دغوسکتورونو کې پانگه اچونه مجاز گڼلې وي، پدې صورت کې پانگه اچونه دهغو دخاصو قوانینو مطابق تنظیمېږي.

(۵) کمېسيون واک لري ددی مادی په درج شووپانگو اچونو کې وخت په وخت بدلون راولي.

فصل دوم اداره و نظارت

دوه یم فصل اداره او څارنه

تشکیل

ماده ششم:

(۱) کمیسیون، عالی ترین مرجع حکومتی جهت طرح سیاست سرمایه گذاری کشور و مرجع اداری به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون محسوب می گردد.

(۲) کمیسیون می تواند به منظور انجام وظایف مربوطه، دفتر اداری حمایت سرمایه گذاری افغانستان آيسا (AISA) را که منبعت در این قانون بنام دفتر یاد می شود، به حیث شرکت محدود المسئولیت ایجاد نماید.

تشکیل

شپږمه ماده:

(۱) کمیسیون، دهبواد دپانگې اچونې د سیاست د طرح کولو لپاره پوره لوره حکومتی مرجع او ددی قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور اداری مرجع گڼل کېږي.

(۲) کمیسیون کولای شي د اړوندو دندو د اجراء په منظور، د افغانستان د پانگې اچونې د ملاتړ اداری دفتر آيسا (AISA) چې تردی وروسته پدی قانون کې د دفتر په نوم یادېږي، د محدود المسئولیت شرکت په توگه جوړکړی.

رئیس عامل، به پیشنهاد رئیس کمیسیون و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردد .

رئیس عامل به حیث رئیس دفتر نزد کمیسیون مسئولیت دارد .

(۳) کمیسیون می تواند غرض پیشبرد وظایف مربوطه دفتر، هیئت مدیره و هیئت نظار را تعیین نماید .

ترکیب کمیسیون ماده هفتم:

(۱) کمیسیون متشکل است از:

- ۱- وزیر تجارت .
 - ۲- وزیر مالیه .
 - ۳- وزیر امور خارجه .
 - ۴- وزیر اقتصاد
 - ۵- وزیر معادن و صنایع .
 - ۶- وزیر زراعت، مالداري و مواد غذائی .
 - ۷- رئیس عمومی د افغانستان بانك .
 - ۸- رئیس عامل دفتر به حیث عضو بدون حق رأی و منشی .
- کمیسیون می تواند، در صورت ضرورت نمایندگان سکتور خصوصی را غرض مشوره نیز در

عامل رئیس، دکمسیون د رئیس په وړاندیز او د جمهور رئیس په منظوری ټاکل کېږي.

عامل رئیس د دفتر د رئیس په توگه دکمسیون په وړاندی مسئولیت لري.

(۳) کمسیون کولای شي د دفتر د اړوندو چارو د پرمخ بیولو په غرض، مدیره هیئت او نظار هیئت وټاکي.

د کمسیون ترکیب اوومه ماده:

(۱) کمسیون جوړ دی له:

- ۱- د سوداگری وزیر.
 - ۲- د مالیې وزیر.
 - ۳- د بهرنیو چارو وزیر.
 - ۴- د اقتصاد وزیر.
 - ۵- د کانو او صنایعو وزیر.
 - ۶- د کرنې، مالداري او غذایی موادو وزیر.
 - ۷- د افغانستان بانک عمومی رئیس .
 - ۸- د دفتر عامل رئیس د رأی په حق پرته د غړي او منشي په توگه .
- کمیسیون کولای شي، د اړتیا په صورت کې د خصوصی سکتور استازي هم د سلالپاره

غونډو ته ويولي.

(۲) د کمپسيون رياست د سوداگري، وزيرپه غاړه لري او دهغه په غياب کې هغه شخص چې د رايې د حق لرونکو غړو له منځ څخه د رئيس لخوا ټاکل کېږي، د کمپسيون غونډې رهبري کوي.

(۳) په هغه صورت کې چې کمپسيون يې تشخيص کړی چې له وړانديز شوو پروژو څخه يوه يا دپانگې اچونې سياست دهغه وزارت يا ادارې پورې اړوند کېږي چې په کمپسيون کې استازی نه لري، پدې صورت کې کولای شي وزير يا د اړوندې ادارې آمر دگډون او مشورې د اخستلو په غرض د کمپسيون غونډې ته راوبولي.

(۴) جمهور رئيس د لزوم په صورت کې د کمپسيون په ترکيب کې بدلون راوولي.

د کمپسيون دندې او واکونه
اتممه ماده:

کمپسيون د لاندې دندو او واکونو لرونکی دی:

۱- د کمپسيون د غونډو د جوړېدو د کړنلارې تصويبول او

جلسات دعوت نمايد.

(۲) رياست کمپسيون را وزير تجارت به عهده دارد و در غياب وی شخصی که از طرف رئيس از میان اعضای دارای حق رای تعیین می گردد، جلسات کمپسيون را رهبري می نمايد.

(۳) در صورتی که کمپسيون تشخيص نمايد که يکی از پروژه های پيشنهادهی يا سياست سرمايه گذاری مربوط وزارت يا اداره می گردد که در کمپسيون نماينده ندارد، در اين صورت می تواند وزير يا آمر اداره مربوط را غرض اشترک و اخذ مشوره در جلسه کمپسيون دعوت نمايد.

(۴) رئيس جمهور در صورت لزوم در ترکيب کمپسيون تغيير وارد می نمايد.

وظايف و صلاحيت های کمپسيون
ماده هشتم:

کمپسيون دارای وظايف و صلاحيت های ذيل می باشد:

۱- تصويب طرز العمل تدوير جلسات کمپسيون و اتخاذ

- د تصمیمونو نیول او په لومړنۍ غونډه کې د هغو ثبتول .
- ۲- د اړوندو ادارې چارو د پرمخبیلو په منظور د آيسا (AISA) د دفتر جوړول.
- ۳- په هېواد کې د پانګې اچونې پر عمومي وضعیت باندې څارنه او واکمنو مقامونو ته د اړوندو چارو د ښه کېدو په منظور پدې قانون کې د تعدیلونو وړاندیز .
- ۴- ددی قانون د حکمونو دښه تطبیق په منظور د وزیرانو شوري ته د مقرري د وضع کولو وړاندیز او د لایحو او کړنلارو تصویبول .
- ۵- د لومړنۍ پانګې د نصاب منظورول.
- ۶- له دفتر څخه د مشورتي نظر له اخیستلو وروسته یاد تاکل شوی نصاب له حد څخه دلورې یا ورسره د برابرې پانګې اچونې د اندازې په هکله ، د منظور شوو مؤسسو منل.
- ۷- د پانګې اچونې دفتر ته د هغو تشبثاتو د منلو په اړه چې د پانګې اچونې اندازه یې د دی قانون د اټکل شوی نصاب له حد څخه لږوي ، د واک ورکول.
- ۸- د هغو تشبثاتو د شکایتونو د تصامیم و ثبت آن در اولین جلسه .
- ۲- ایجاد دفتر ایسا (AISA) به منظور پیشبرد امور اداری مربوط .
- ۳- نظارت بروضعیت عمومی سرمایه گذاری در کشور و پیشنهاد تعدیلات در این قانون به منظور بهبود امور مربوط به مراجع ذیصلاح .
- ۴- پیشنهاد وضع مقرر به شورای وزیران و تصویب لوایح و طرز العمل ها به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون .
- ۵- منظوری نصاب سرمایه ابتدائی.
- ۶- پذیرش مؤسسات منظور شده در مورد اندازه سرمایه گذاری بالاتر یا برابر با حد نصاب تعیین شده بعد از کسب نظر مشورتی از دفتر .
- ۷- اعطای صلاحیت به دفتر سرمایه گذاری مبنی بر پذیرش تشبثاتی که اندازه سرمایه گذاری آن کمتر از حد نصاب پیشبینی شده این قانون باشد .
- ۸- اتخاذ تصمیم در مورد

شکایات آرایه شده تشبثاتیکه درخواست سرمایه گذاری آنها با ارائه دلایل کتبی از طرف دفتر رد می گردد.

وظایف دفتر

ماده نهم:

دفتر، به منظور انجام امور اداری محوله، دارای وظایف ذیل می باشد:

- ۱- بررسی درخواست های آرایه شده طبق هدایت کمیسیون.
- ۲- ترتیب طرز العمل جهت بررسی وثبت درخواست های سرمایه گذاری داخلی و خارجی و ارائه آن غرض منظوری به کمیسیون.
- ۳- طرح و تسوید لوایح و طرز العمل های مربوط و آرایه آن جهت تصویب به کمیسیون و نشر آن.
- ۴- نگهداری دوسیه های مربوط تشبثات منظور شده و نظارت از آن به منظور مطابقت با احکام این قانون.
- ۵- جلب و جذب سرمایه گذاران جهت سرمایه گذاری در کشور از طریق تبلیغات وسیع

و پراندی کولو په هکله چې د پانگې اچونې غوښتنلیک یې د دفتر لخوا د کتبی دلیلونو په وړاندی کولو سره رد کېږي، د تصمیم نیول.

د دفتر دندی

نهمه ماده:

دفتر، د سپارل شوو چارو د سرته رسولو په منظور، د لاندو دندو لرونکی دی:

- ۱- د کمپسیون د لارښوونې مطابق د وړاندی شوو غوښتنلیکونو خپرل.
- ۲- د کورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې د غوښتنلیکونو د خپرلو او ثبتولو لپاره د کړنلارې ترتیبول او کمپسیون ته د منظوری لپاره دهغو وړاندی کول.
- ۳- د اړوندو لایحو او کړنلارو طرح کول او تسویدول او کمپسیون ته د منظوری لپاره دهغو وړاندی کول او خپرول یې.
- ۴- د منظورو شوو تشبثاتو د اړوندو دوسیو ساتل او ددی قانون له حکمونو سره د مطابقت په منظور دهغو څارل.
- ۵- د پراخو او هراړخیزو تبلیغاتو له لارې په هېواد کې د پانگې اچونې لپاره د پانگې اچوونکو جلب او

- جذب .
 ۶- پانگې اچوونکوته د دی قانون ، مقرر و ، لایحو او اړوندو کړنلارو ، د حکمونو د بنه پوهېدو او درک لپاره ، مرسته او همکاري .
 ۷- کورنیو او بهرنیو پانگې اچوونکوته د جواز د برابرولو او ترتیب په منظور د لارمو آسانتیاوو برابرول .
 ۸- ددی قانون او نورو تقنینی سندونو ، لایحو او اړوندو کړنلارو د حکمونوله تطبیق څخه څارنه او کنترول .
 و همه جانبه .
 ۶- مساعدت و همکاري با سرمایه گذاران جهت درک و فهم بهتر احکام این قانون ، مقرر ه ها ، لوایح و طرز العمل های مربوط .
 ۷- فراهم نمودن تسهیلات لازم به منظور تهیه و ترتیب جواز برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی .
 ۸- مراقبت و کنترول از تطبیق احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی ، لوایح و طرز العمل های مربوط .

درېیم فصل منظورشوی تشبثات

فصل سوم تشبثات منظور شده

- ثبت
 لسمه ماده :
 (۱) تشبث هغه وخت منظور شوی گنل کېږي چې ددی قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق د کمپسیون یادفترلخوا منل شوی وي .
 دفتر مکلف دی د منظور و شوو تشبثاتو سندونه (دوسییه) خوندي او وساتي .
 (۲) منظور شوی تشبثات په یوه له ثبت
 ماده دهم :
 (۱) تشبث وقتی منظور شده محسوب می گردد که مطابق حکم مندرج ماده دوازدهم این قانون از طرف کمیسیون یا دفتر پذیرفته شده باشد .
 دفتر مکلف است اسناد (دوسییه) تشبثات منظور شده را حفظ و نگهداری نماید .
 (۲) تشبثات منظور شده به یکی از

لائدی ډولونوسره فعالیت کولای شي:

۱- هغه تشبث چي د افغانستان د قوانینو مطابق جوړ شوی دی.
 ۲- هغه تشبث چي د بهرني هېواد د قوانینو مطابق جوړ شوی ، خو ثبت او منظوري يې په هېواد کې د پانگې اچونې د فعالیتونو د سرته رسولو په غرض د افغانستان د قوانینو مطابق پراوونه تېرکړی وي.

(۳) د منظور شوو تشبثاتو مالکیت په یوه له لاندی ډولونو څخه کېدی شي:

۱- دپانگې اچونکو مالکیت په سلوکې سل .
 ۲- له خصوصي پانگې اچونکو سره دافغانستان د حکومت گډ(مختلط) مالکیت.

د ثبت په غرض غوښتنلیک یوولسمه ماده :

(۱) د تشبث د منظوری لپاره غوښتنلیک اړوند دفتر ته وړاندی کېږي . په دغه غوښتنلیک کې هغه څرگندونې (توضیحات) شامل وي چې ددی قانون، مقرري، لایحو او اړوندو کړنلارو د حکمونو مطابق د

اشکال ذیل فعالیت نموده می تواند:

۱- تشبثی که مطابق قوانین افغانستان ایجاد گردیده است.
 ۲- تشبثی که مطابق قوانین کشور خارجی ایجاد گردیده ، مگر ثبت و منظوری آن غرض انجام فعالیت های سرمایه گذاری در کشور مطابق قوانین افغانستان طی مراحل گردیده باشد .

(۳) مالکیت تشبثات منظور شده به یکی از اشکال ذیل بوده می تواند :

۱- صد در صد مالکیت سرمایه گذاران .
 ۲- مالکیت مختلط حکومت افغانستان با سرمایه گذاران خصوصی .

درخواست غرض ثبت ماده یازدهم :

(۱) درخواست غرض منظوری تشبث به دفتر ارائه می گردد . این درخواست شامل توضیحاتی می باشد که مطابق احکام این قانون، مقرر، لویح و طرز العمل مربوط از طرف

کمیسیون لخوا ټاکل شوی دی.

(۲) شخص کولای شي یو موجود تشبث یا هغه تشبث چي تشکیله پری، ثبت کړی.

د تشبث د ثبت او ردولو ډول

دوولسمه ماده :

(۱) کمیسیون او دفتر مکلف دی په ټاکل شوې موده کې، ددی قانون د شرایطو لرونکی تشبث د غوښتنلیک د ثبت په هکله تصمیم ونیسي او غوښتنلیک ورکونکي ته یې ابلاغ کړی.

(۲) د تشبث د ثبت غوښتنلیک یوازې په هغه صورت کې رد کیدی شي چې ددی قانون د حکمونو مطابق وړاندی شوی نه وي. کمیسیون یا دفتر مکلف دی د غوښتنلیک د رد دلیلونه په لیکلې توگه غوښتنلیک ورکونکي ته ابلاغ کړی.

(۳) په هغه صورت کې چې غوښتنلیک ورکونکی خپل غوښتنلیک ددی مادی په (۲) فقره کې د درج شوو څرگندونو مطابق اصلاح کړی، کولای شي خپل غوښتنلیک بیا وړاندی کړی.

(۴) په هغه صورت کې چې

کمیسیون معین می گردد .

(۲) شخص میتواند يك تشبث موجود و یا تشبثی که تشکیل می گردد، ثبت نماید .

طرز ثبت تشبث و رد آن

ماده دوازدهم :

(۱) کمیسیون و دفتر مکلف است طی مدت تعیین شده در مورد ثبت درخواست تشبث واجد شرایط این قانون تصمیم اتخاذ و به درخواست دهنده ابلاغ نماید .

(۲) درخواست ثبت تشبث تنها در صورتی رد شده می تواند که مطابق احکام این قانون ارائه نگردیده باشد . کمیسیون یا دفتر مکلف است دلایل رد درخواست را به طور کتبی به درخواست دهنده ابلاغ نماید .

(۳) در صورتی که درخواست دهنده درخواست خویش را مطابق توضیحات مندرج فقره (۲) این ماده اصلاح نماید، می تواند درخواست خویش را مجدداً ارائه نماید .

(۴) در صورتی که کمیسیون

یا دفتر در مدت معینہ جواب رد درخواست را ارائے نماید، تشبث منظور شدہ پنداشتہ می شود .

(۵) در صورتی کہ کمیسیون یا دفتر درخواست ثبت تشبث ایجاد شدہ قبلی را بپذیرد، مکلف است بلافاصلہ بہ ثبت آن اقدام نمودہ و سند ثبت را بہ متشبث اعطا نماید، این سند بیانگر امتیاز فعالیت تشبث منظور شدہ محسوب می گردد .

(۶) در صورتی کہ کمیسیون یا دفتر درخواست ثبت تشبث ایجاد ناشدہ قبلی را بپذیرد، مکلف است بلافاصلہ بہ ثبت آن اقدام نمودہ و سند ثبت را بہ متشبث اعطا نماید. در این صورت متشبث مکلف است در مدت تعیین شدہ از طرف کمیسیون، شخصیت حقوقی تشبث را تثبیت نماید .

(۷) امتیاز تشبث منظور شدہ مندرج این مادہ تا زمانی مدار اعتبار پنداشتہ می شود کہ مطابق حکم مندرج مادہ چهاردم این قانون لغوہ

کمیسیون یا دفتر بہ تا کلی مودہ کی د غوبنتنلیک د رد خواب ورنکری، تشبث منظور شوی گھل کھری.

(۵) پہ هغه صورت کی چي کمیسیون یا دفتر، ددمخه جوړ شوی تشبث د ثبت غوبنتنلیک ومني، مکلف دی بي له ځنډه يي په ثبتولو اقدام وکړي او د ثبت سند متشبث ته ورکړي، دغه سند د منظور شوی تشبث د فعالیت د امتیاز بنکارندوی دی.

(۶) په هغه صورت کی چي کمیسیون یا دفتر ددمخه نه جوړ شوی تشبث د ثبت غوبنتنلیک ومني، مکلف دی بي له ځنډه يي په ثبتولو اقدام وکړي او د ثبت سند متشبث ته ورکړي. پدی صورت کی متشبث مکلف دی دکمیسیون لخوا په تا کلی شوی مودہ کی دخپل تشبث حقوقی شخصیت تثبیت کړي.

(۷) پدی مادہ کی د درج منظور شوی تشبث امتیاز، ترهغه وخت پوري د اعتبار وړ گھل کھري چي ددی قانون په څوارلسمه مادہ کی د درج شوی حکم مطابق لغوه

شوی نه وی.

نگر دیده باشد .

د رپوت وړاندی کول

دیارلسمه ماده :

(۱) منظور شوی تشبث مکلف دی هرډول بدلونونه چې په مالکیت ، ترکیب یا یې د پانگې په زیاتېدو کې منځ ته راځي، بې له ځنډه دفتر ته رپوت ورکړی .

(۲) منظور شوی تشبث مکلف دی خپل کلني تازه معلومات د مالي کال له پایته رسېدو وروسته د (۹۰) ورځو په موده کې دفتر ته وړاندی کړی ، دغه معلومات ددی قانون په یوولسمه ماده کې د درج شوو مواردو یا نورو هرډول هغو معلوماتو چې کمپسیون یا دفتر یې وغواړي، لرونکی وي.

د منظور شوی تشبث د امتیاز لغوه کول

څوارلسمه ماده :

(۱) کمپسیون واک لري د منظور شوی تشبث د فعالیت امتیاز له نوي سره وڅېړي او د لغوې په هکله یې تصمیم ونیسي. کمپسیون کولای شي عندالضرورت دغه واک دفتر ته

ارایه گزارش

ماده سیزدهم :

(۱) تشبث منظور شده مکلف است هر نوع تغییراتی که در مالکیت ، ترکیب یا ازدیاد سرمایه آن به عمل می آید ، بلافاصله به دفتر ، گزارش ارائه نماید .

(۲) تشبث منظور شده مکلف است معلومات تازه سلاسه خویش را در مدت (۹۰) روز بعد از پایان سال مالی به دفتر ارائه نماید ، این معلومات حاوی موارد مندرج ماده یازدهم این قانون یا هر گونه معلومات دیگری که کمپسیون یا دفتر مطالبه نماید ، می باشد .

لغو امتیاز تشبث منظور شده

ماده چهاردهم :

(۱) کمپسیون صلاحیت دارد امتیاز فعالیت تشبث منظور شده را مجدداً بررسی نموده و در مورد لغو آن تصمیم اتخاذ نماید. کمپسیون می تواند عندالضرورت این صلاحیت را به دفتر تفویض

- وسپاری.
- (۲) د منظور شوی تشبث د فعالیت امتیاز په لاندی حالاتو کې لغوه کېږي:
- ۱- په هغه صورت کې چې منظور شوی تشبث منحل شي.
- ۲- په هغه صورت کې چې منظور شوی تشبث خپل فعالیت ته دوام ورنکړای شي.
- ۳- په هغه صورت کې چې منظور شوی تشبث ددی قانون له حکمونو څخه سرغړونه وکړی.
- (۳) منظور شوی تشبث حق لري له لغوي څخه دمخه ، له اړوندی سرغړونې څخه خبر شي. ددی قانون د دوولسمې مادې (۶) فقره له دی امر څخه مستثنی دی.
- (۴) کمپسیون یا دفتر مکلف دی ، دسرغړونې د رفع کولو لپاره ، منظور شوی تشبث ته درې میاشتې وخت ورکړی.
- نماید .
- (۲) امتیاز فعالیت تشبث منظور شده درحالات ذیل لغو می گردد :
- ۱- در صورتی که تشبث منظور شده منحل گردد .
- ۲- در صورتی که تشبث منظور شده به فعالیت خویش ادامه داده نتواند .
- ۳- در صورتی که تشبث منظور شده از احکام این قانون تخلف نماید .
- (۳) تشبث منظور شده حق دارد قبل از لغو ، از تخلف مربوط مطلع گردد . فقره (۶) ماده دوازدهم این قانون از این امر مستثنی است .
- (۴) کمیسیون یا دفتر مکلف است جهت رفع تخلف ، مدت سه ماه برای تشبث منظور شده مهلت دهد .

خلورم فصل

دمنظورو شوووتشبتونو

حقوق او وجایب

دنافذو قوانینو په پام کې نیول

پنخلسمه ماده :

منظور شوی تشبثونه او کورني او بهرني پانگه اچوونکي مکلف دی د هېواد نافذقوانین په پام کې ونیسي، خودا چې په دی قانون یا نورو تقنیني سندونوکې بل ډول اټکل شوی وي .

دحکومت له تبعیضي عملونو څخه

دمصنویت حق

شپاړسمه ماده :

ددی قانون او نورو نافذو تقنیني سندونو حکمونه د ورته موخو لرونکو کورنیو او بهرنیو په گډون پرتولو منظورو شووو تشبثونو باندی په یوه ډول سره تطبیقېږي، خودا چې په دی قانون یا نورو نافذو تقنیني سندونو کې بل ډول اټکل شوی وي.

فصل چهارم

حقوق و وجایب تشبثات منظور

شده

رعایت قوانین نافذه

ماده پانزدهم :

تشبثات منظور شده و سرمایه گذاران داخلی و خارجی مکلف اند قوانین نافذه کشور را رعایت نمایند، مگر اینکه در این قانون یا سایر اسناد تقنینی طوری دیگر پیشبینی گردیده باشد .

حق مصنویت از اعمال تبعیضي

حکومت

ماده شانزدهم :

احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی نافذه بالی کلیه تشبثات منظور شده اعم از داخلی یا خارجی دارای اهداف مشابه ، به صورت یکسان تطبیق می گردد، مگر اینکه در این قانون یا سایر اسناد تقنینی نافذه طور دیگر پیشبینی گردیده باشد .

د منظور شوو تشبثونو مالیاتی امتیازونه

اووه لسمه ماده :

(۱) هغه منظور شوی تشبث چې په خپلو فعالیتونو کې له خالص ضرر سره مخامخ شي، کولای شي، عاید شوی ضرر راوړوسته مالي کلونو ته ولېږدوي او هغه له خپلو د مالیاتو وړ عوایدو څخه ترهغو حدودو پورې چې پر عایداتو باندې د مالیاتو قانون یې مجاز بولي، وضع کړي.

(۲) منظور شوی تشبث پر عایداتو باندې د مالیاتو د نافذ قانون مطابق پر خپلو پانگه ایزو شتمنیو باندې د چټک استهلاک له کسراتو څخه دگټې اخستنې د حق لرونکی دی.

امتیازات مالیاتی تشبثات منظور شده

ماده هفدهم :

(۱) تشبث منظور شده ایکه در فعالیت خویش به ضرر خالص مواجه گردد، می تواند ضرر عایده را به سال های مالی بعدی انتقال داده و آنرا از عواید قابل مالیات خود تا حدودیکه قانون مالیات بر عایدات مجاز می داند، وضع نماید.

(۲) تشبث منظور شده حق استفاده را از کسرات استهلاکات سریع بردارایی های سرمایوی خود طبق قانون نافذ مالیات بر عایدات دارا می باشد.

د منظور شوو تشبثونو گمرکي معافیت

اتلسمه ماده :

منظور شوی تشبث، دگمرکونو د قانون د حکمونو له په پام کې نیولو سره، دهغو صادراتي مالونو چې په افغانستان کې تولید او مونتاژېږي، دگمرکي عوارضو له ورکړې څخه معاف دی، په دی

معافیت گمرکی تشبثات منظور شده

ماده هجدهم :

تشبث منظور شده با نظر داشت احکام قانون گمرکات از پرداخت عوارض گمرکی اموال صادراتی که در افغانستان تولید و مونتاژ می گردد، معاف می باشد،

شرط چې صادراتي جواز يې اخیستی وي.

مشروط بر اینکه جواز صادراتی اخذ نموده باشد .

بانکي آسانتیاووته لاس رسي نولسمه ماده :

دسترسى به تسهیلات بانكى ماده نهم :

منظور شوی تشبث حق لري په افغانستان کې له بانكي آسانتیاوو خخه په لاندی توگه برخمن شي:

تشبث منظور شده حق دارد از تسهیلات بانكى در افغانستان قرار ذیل مستفید گردد:

۱- په بهرنیو اسعارو باندى دبانكي حساب پرانستل او دپانگي اچوني دپرمخپیلو په منظور ددغوبانكونو له لاري له افغانستان خخه له بهرنه په اسعارو باندى داعتبار اوپور دحق ترلاسه كول.

۱- افتتاح حساب بانكى به اسعار خارجى وحق دریافت اعتبار وقرضه به اسعاراز خارج افغانستان از طریق این بانک ها به منظور پیشبرد سرمایه گذارى .

۲- د تجهیزاتو، ماشین آلاتو، اومو موادو، پرزه جاتو او د منظور شوی تشبث د اړتیاوړ خدمتونو او دبهرنیو کارکوونكو د معاشونو او امتیازونو او ټولو وركړو لپاره په بهركې په اسعارو باندى د بانكي حساب پرانستل، پدى شرط چې له نافذه تقنيني سندونو سره مغايرت ونه لري.

۲- افتتاح حساب بانكى به اسعار در خارج از افغانستان جهت خریدارى تجهیزات ، ماشین آلات، موادخام، پرزه جات و خدمات مورد نیاز و پرداخت معاشات و امتیازات کارکنان خارجى و کلیه پرداخت های تشبث منظور شده مشروط براینکه با اسناد تقنینی نافذه مغايرت نداشته باشد .

کار او استخدام

شلمه ماده :

(۱) منظور شوی تشبث حق لري په مستقیم یا غیرمستقیم صورت سره د نافذو تقنیني سندونو مطابق، اداری کارکوونکي او بهرني متخصصین استخدام کړی.

(۲) منظور شوی تشبث حق لري د خپلو سوداگریزو فعالیتونو د سرته رسولو په منظور، له بهرنیو اشخاصو سره خدماتي قراردادونه عقد کړی، پدی صورت کې د منظور شوی تشبث بهرنیو کارکوونکو ته د اړوند تقنیني سند مطابق د کارجواز ورکول کېږی، پدی شرط چې بهرني کارکوونکي په افغانستان کې د اوسېدو په وخت کې نافذقوانین په پام کې ونیسي.

(۳) بهرني او کورني منظور شوی تشبثات چې بهرني پانگه اچوونکي هم پکې ونډه لري، هڅول کېږي خو افغاني کارکوونکي استخدام کړی.

کار واستخدام

ماده بیستم :

(۱) تشبث منظور شده حق دارد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطابق اسناد تقنینی نافذ، کارکنان اداری و متخصصین خارجی را استخدام نماید.

(۲) تشبث منظور شده حق دارد به منظور انجام فعالیت های تجاری خویش، قرار داد های خدماتی را با اشخاص خارجی عقد نماید، در این صورت برای کارکنان خارجی تشبث منظور شده طبق سند تقنینی مربوط جواز کار اعطاء می گردد، مشروط بر اینکه کارکنان خارجی حین اقامت شان در افغانستان قوانین نافذ را رعایت نمایند.

(۳) تشبثات منظور شده خارجی و داخلی که سرمایه گذاران خارجی نیز در آن سهیم اند، تشویق می گردند تا کارکنان افغانی را استخدام نمایند.

د حکمې اجاره

يوويشتمه ماده :

بهرنی منظور شوی تشبث د خپلو فعالیتونو د پرمخبيولو لپاره حق لري په افغانستان کې عقار، د قانون د حکمونو مطابق تر (۵۰) کلونو مودی پورې په اجاره واخلي*.

اجاره زمین

ماده بیست و یکم :

تشبث منظور شده خارجی به منظور پیشبرد فعالیت های خویش حق دارد در افغانستان عقار را مطابق احکام قانون برای مدت الی (۵۰) سال به اجاره بگیرد*.

پنځم فصل

په بهرنۍ پانگې اچونې پورې
داروندي پانگې او گټې لېږدېدل

د بهرنی پانگه اچونکی

د پانگې لېږدېدل

دوه ويشتمه ماده:

(۱) بهرنی پانگه اچونکي حق لري په اسعارو باندې او د ورځې دنرخ پراساس د مالياتي وجيپوله اداکولو وروسته د پانگې اچول شوو کلي وجو هومعادل په آزادي سره له هېواد څخه بهرته ولېږدوي.
(۲) بهرنی منظور شوی تشبث حق لري، ددی مادی په (۱) فقره کې درج شوی وجوه په یوه پړاو یا څو پړاوونو کې ولېږدوي.

فصل پنجم

انتقال سرمایه و مفاد مربوط به
سرمایه گذاری های خارجی

انتقال سرمایه سرمایه گذار

خارجی

ماده بیست و دوم :

(۱) سرمایه گذار خارجی حق دارد معادل وجوه کلی سرمایه گذاری شده را به اسعار و به اساس نرخ روز بعد از ادای وجایب مالیاتی، آزادانه به خارج از کشور انتقال دهد.
(۲) تشبث منظور شده خارجی حق دارد، وجوه مندرج فقره (۱) این ماده را در یک مرحله و یا مراحل متعدد انتقال دهد.

* ماده ۲۱ تعدیل گردیده، در بخش تعدیلان این قانون مراجعه شود.

(۳) تشیث منظور شدۀ خارجی مکلف است از انتقال وجوه مندرج فقره (۱) این ماده به بانک مرکزی یا سایر مراجعی که توسط قانون مشخص گردیده است، اطلاع دهد.

بانک مرکزی یا مرجع دیگر تعیین شده، مکلف است اندازه وجوه انتقال شده را از اصل سرمایه سرمایه گذاری شده وضع و درج دفاتر مربوط نماید.

انتقال مفاد سرمایه مرتبط با سرمایه گذاری خارجی ماده بیست و سوم:

سرمایه گذار خارجی حق دارد مفاد حاصله سرمایه گذاری یا توزیع ایکه مطابق قانون مالیات بر عایدات مفاد تلقی می گردد، به اسعار، به اساس نرخ روز بعد از ادای وجایب مالیاتی آزادانه به خارج از کشور انتقال دهد.

(۳) بهرنی منظور شوی تشیث مکلف دی ددی مادی په (۱) فقره کی د درج شوو وجوهو له لېږدیدو څخه مرکزي بانک یا نورو هغو مراجعو ته چې د قانون په واسطه مشخصې شوې دی، خبرورکړی.

مرکزي بانک یا بله ټاکلې شوې مرجع مکلف ده د لېږدول شوو وجوهو اندازه له پانگې اچول شوې اصل پانگې څخه وضع او په اړوندو دفترونو کې یې درج کړی.

له بهرني پانگه اچوونې سره د مرتبطې پانگې دگټې لېږدېدل درويشتمه ماده:

بهرنی پانگه اچوونکی حق لري له اچول شوې پانگې څخه ترلاسه شوې گټه یا هغه وېش چې پر عایداتو باندی د مالیاتو د قانون مطابق گټه گڼل کېږي په اسعارو باندی د ورځې د نرخ پراساس د مالیاتي وجیبو له اداء کولو وروسته په آزادی سره له هېواد څخه بهرته ولېږدوي.

د بهرني اصل پور لېږدېدل او دهغه نوري ورکړي څلېرېشتمه ماده:

بهرنی منظور شوی تشبث حق لري په اصل پور، د پور په ټکټانې او په بهرني پور پورې د اړوندو فيسونو د بېرته ورکړې اړوند وجوه په اسعارو باندې او دورځې په نرخ د مالياتي وجيښو له اداء کولو وروسته له هېواد څخه بهرته ولېږدوي، په دې شرط چې دغه پور د افغانستان د نافذو قوانينو مطابق ورکړل شوی وي.

انتقال اصل قرضه خارجي و ساير پرداخت های آن ماده بیست و چهارم:

تشبث منظور شده خارجي حق دارد وجوه مربوط به باز پرداخت اصل قرضه، ټکټانه قرضه و فيس های مربوط به قرضه خارجي را به اسعار و به اساس نرخ روز بعد از ادای وجايب مالياتي به خارج از کشور انتقال دهد، مشروط بر اینکه این قرضه مطابق قوانين نافذ افغانستان اعطاء شده باشد.

شپږم فصل

د منظور شوی تشبث پلورل او دهغه د ماحصل لېږدېدل

فصل ششم

فروش تشبث منظور شده و انتقال ماحصل آن

د منظور شوی تشبثاتو پلورل پنځه ویشتمه ماده:

(۱) بهرني پانگه اچوونکي ددی قانون د حکمونودپه پام کې نیولو سره حق لري د خپلو ديونو له اداء کولو او دخپلو نورو حقوقي او مالي ژمنوله سرته رسولو وروسته دخپل د مالکیت دگټې ټوله ياد هغه يوه برخه په کورنيو، بهرنيو اشخاصو

فروش تشبثات منظور شده ماده بیست و پنجم:

(۱) سرمایه گذاران خارجي با نظر داشت احکام این قانون حق دارند بعد از ادای ديون و ایفای سایر تعهدات حقوقي و مالي خود، منافع تمام مالکیت یا بخشی از آن را بالاي اشخاص داخلی، خارجي یا حکومت

افغانستان بدون تائید دفتر یا ادارات ذیربط به فروش برساند، مشروط بر این که فروشنده قوانین نافذہ کشور تخطی ننماید.

(۲) کمیسیون صلاحیت دارد فروش تشبثات منظور شده را که مغایر احکام این قانون صورت گرفته باشد، لغو نماید.

(۳) سرمایه گذار مکلف است دفتر را در مورد فروش یا انتقال منافع مالکیت اطلاع دهد، در این صورت دفتر مکلف است مشتری را به عنوان سرمایه گذار خارجی یا داخلی جدید ثبت نام نماید.

انتقال عواید حاصله از فروش تشبثات منظور شده ماده بیست و ششم :

سرمایه گذار خارجی تشبث منظور شده حق دارد، عواید حاصله از فروش تشبث منظور شده را به اسعار سرمایه گذاری شده به اساس نرخ روز، بعد از ادای وجایب مالیاتی، آزادانه

یا افغانستان په حکومت باندی د دفتر یا اړوندو ادارو له تائید پرته وپلوري، په دی شرط چې د اړوندی پانگې اچونې پلورونکی د هېواد له نافذو قوانینو څخه سرغړونه ونکړی.

(۲) کمپسیون واک لري د منظورو شوو تشبثونو پلورل چې ددی قانون د حکمونو مغایر یې صورت موندلی وي، لغوه کړی.

(۳) پانگه اچوونکی مکلف دی دفتر د مالکیت د گټود پلورنې یا لېږدیدو په هکله خبر کړی، پدی صورت کې دفتر مکلف دی مشتری د نوي بهرني یا کورني پانگه اچوونکي په عنوان ثبت کړی.

د منظورو شوو تشبثونو له پلورنې څخه د ترلاسه شوو عوایدو لېږدیدل سپرویشتمه ماده :

د منظور شوی تشبث بهرنی پانگه اچوونکی حق لري، د منظور شوی تشبث له پلورنې څخه ترلاسه شوی عواید په پانگه اچول شوو اسعارو باندی د ورځې په نرخ، د مالیاتي وجیبو له اداء کولو وروسته په

آزادی سره له افغانستان څخه
بهرته ولېږدوي.

به خارج از افغانستان
انتقال دهد.

اووم فصل د مالکیت سلبیدل

فصل هفتم سلب مالکیت

د مالکیت سلب

اووه ویستمه ماده :

دولت کولای شي یوازې د عامه
گټو د تأمینولو لپاره د منظور شوی
تشبث د پانگې اچونې یا شتمنیو
مالکیت په غیر تبعیضي صورت
سره د هېواد د نافذو قوانینو د
حکمونو مطابق سلب کړي.

سلب مالکیت

ماده بیست و هفتم :

دولت می تواند صرف به منظور
تأمین منافع عامه، مالکیت
سرمایه گذاری یا دارایی های
تشبث منظور شده را به صورت
غیر تبعیضي طبق احکام
قوانین نافذة کشور سلب نماید .

د زیان جبران

اته ویستمه ماده :

دولت مکلف دی ددی قانون په
اووه ویستمه ماده کې درج شوی
مالکیت له سلبولو دمخه متناسب
زیانونه، دنړیوالو منل شوو اصولو
او قوانینو مطابق دورځې د نرخ
پراساس بې له ځنډه ورکړي.
د مالکیت د سلب له نېټې څخه د
زیانونو د بشپړې ورکړې تر نېټې
پورې د لیبور (LIBOR) په یوه کلن
نرخ ټکټانه په دغو زیانونو کې
شامله ده.

جبران خساره

ماده بیست و هشتم :

دولت مکلف است قبل از سلب
مالکیت مندرج ماده بیست
وهفتم این قانون ، خسارات
متناسب را مطابق با اصول و
قوانین پذیرفته شده بین المللی
به اساس نرخ روز بدون تأخیر
بپردازد . این خسارات شامل
تکتانه از تاریخ سلب مالکیت تا
تاریخ پرداخت کامل خسارات به
نرخ يك ساله لیبور (LIBOR)
می باشد .

در صورتی که سرمایه گذاری به اسعار صورت گرفته باشد ، جبران خساره نیز به همان واحد اسعاری سرمایه گذاری شده صورت می گیرد .

انتقال وجه جبران خساره و حق مراجعه به محکمه ماده بیست و نهم:

(۱) هر گاه سهم سرمایه گذار خارجی در مالکیت یک تشبث منظور شده بیشتر از (۲۵) فیصد باشد ، سرمایه گذار خارجی حق دارد وجوه جبران خساره سلب مالکیت را طور آزاد و بدون پرداخت مالیات به خارج از کشور انتقال دهد ، مگر این که قانون طوردیگری حکم نموده باشد .

(۲) هر گاه سهم سرمایه گذار خارجی در تشبث سلب مالکیت شده بیشتر از (۲۵) فیصد باشد ، سرمایه گذار خارجی حق دارد در صورت عدم قناعت ، طبق حکم ماده بیست و هشتم این قانون علیه غیر عادلانه بودن سلب مالکیت به محکمه

په هغه صورت کې چې پانگې اچونې په اسعارو باندې صورت موندلې وي ، د زیان جبران هم په هماغه پانگه اچول شوی اسعاری واحد صورت مومي .

د زیان د جبران د وجهی لېږدیدل او محکمې ته د مراجعې حق نهه ویشتمه ماده :

(۱) که چېرې دیوه منظور شوی تشبث په مالکیت کې د بهرني پانگه اچوونکي سهم په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیات وي ، بهرني پانگه اچوونکي حق لري د مالکیت د سلبیدو زیان په آزاده توگه او د مالیاتو له ورکړې پرته له هېواد څخه بهرته ولېږدوي ، خو دا چې قانون بل ډول حکم کړی وي .

(۲) که چېرې په تشبث کې د بهرني پانگه اچوونکي سهم په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیات وي ، بهرني پانگه اچوونکي حق لري دنه قناعت په صورت کې ددی قانون د اته ویشتمې مادې د حکم مطابق د مالکیت د سلبیدو د غیر عادلانه والی پر خلاف محکمې ته مراجعه

و کړی.

مراجعة نماید.

اتم فصل د اختلافونو خپرل

فصل هشتم رسیدگی به اختلافات

د اختلافونو حل

د پیرشمه ماده :

(۱) رامنځته شوی اختلافونه د دې قانون د حکمونو مطابق حل او فصل کېږي.

(۲) منظور شوی پانگه اچوونکی یا تشبث کولای شي له ثالث شخص سره د قرارداد یا موافقه لیک د عقدولو په وخت کې لاندې ټکي هم مشخص کړي:

۱- هغه حکمیت یا بله تگلاره چې د اختلافونو د حل لپاره د توافق وړ وي.

۲- له هېواد څخه په بهر کې د اختلافونو د حل د ځای ټاکل .

۳- په حکمیت کې د گټې اخستنې لپاره د بهرني هېواد د قانون ټاکل.

(۳) هغه فیصله چې د حکمیت یا هرې بلې تگلارې په پایله کې د اختلاف د حل لپاره وشي، وروستنۍ ده، پدې شرط چې په قرارداد یا موافقه لیک کې بل ډول تصریح شوی وي. له اړخونو څخه د

حل اختلافات

ماده سی ام :

(۱) اختلافات عایده مطابق احکام این قانون حل و فصل می گردد.

(۲) سرمایه گذار یا تشبث منظور شده می تواند حین عقد قرارداد یا موافقت نامه با شخص ثالث نکات آتی را نیز مشخص نماید :

۱- حکمیت یا روش دیگری جهت حل اختلافات که مورد توافق باشد.

۲- تعیین محل حل اختلافات خارج از کشور.

۳- تعیین قانون کشور خارجی جهت استفاده در حکمیت .

(۳) فیصله که در نتیجه حکمیت یا هر روش دیگری که جهت حل اختلاف اتخاذ گردد، نهایی می باشد، مشروط بر اینکه در قرارداد یا توافق نامه طور دیگری تصریح گردیده باشد. در صورت

درخواست یکی از طرفین، فیصله حکمیت یا روش دیگر توسط حکومت قابل تطبیق می باشد .

(۴) هر گاه اختلاف ناشی از قرارداد یا توافق دیگری بین يك سر مایه گذار یا تشبث منظور شده از یکطرف و ادارات و مؤسسات دولتی از طرف دیگر در مورد يك سرمایه گذاری یا سر مایه گذار یا تشبث مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده بیست ونهم این قانون بروز نماید ، اختلاف مطابق قوانین نافذ افغانستان رسیده گی می گردد .

حکم مندرج فقره (۵) این ماده از این امر مستثنی است .

(۵) هر گاه اختلافات ناشی از قرار داد یا توافق دیگری بین يك سر مایه گذار خارجی یا يك تشبث منظور شده با مالکیت خارجی از یکطرف و ادارات و مؤسسات دولتی از طرف دیگر در مورد يك سرمایه گذاری یا دعاوی مندرج فصل هفتم این قانون بروز نماید ، طرفین سعی

یوه د غوښتنې په صورت کې، د حکمیت یا بلې تگلارې فیصله د حکومت په واسطه د تطبیق وړ ده .

(۴) که چېرې د یوه پانگه اچونکي یا منظور شوی تشبث ترمنځ له یوې خوا او د دولتي ادارو او مؤسسوترمنځ له بلې خوا دیوه پانگې اچونې، پانگه اچونکي یا تشبث په هکله له قرارداد یا بل هر ډول توافق څخه راپیداشوی اختلاف ددی قانون د نهه ویشتمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوی حکم مطابق منځ ته راشي، اختلاف د افغانستان د نافذو قوانینو مطابق خپرل کېږي.

ددی مادې په (۵) فقره کې درج شوی حکم لدی امر څخه مستثنی دی.

(۵) که چېرې له قرارداد یا بل توافق څخه راپیدا شوی اختلافونه د یوه بهرني پانگه اچونکي یا په بهرني مالکیت سره د منظور شوی تشبث ترمنځ له یوې خوا او د دولتي ادارو او مؤسسوترمنځ له بلې خوا د یوې بهرني پانگه اچونې یا ددی قانون په اووم فصل کې د درج شوو دعواوو په هکله منځته

می نمایند که اختلاف را از طریق اصلاح و مذاکره دوستانه حل و فصل نماید .

در صورتی که اختلاف از طریق اصلاح و مذاکره دوستانه حل نگردد و طرفین به حل آن طور دیگری به توافق نرسند ، می توانند قضیه متنازع فیه را به یکی از مراجع ذیل آرایه نماید :

۱- مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) طبق کنوانسیون حل اختلافات سرمایه گذاری بین الدول و اتباع سایر کشورها مورخ ۱۸ مارچ سال ۱۹۶۵ میلادی .

۲- هرگاه مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) حکمیت مندرج جزء (۱) این فقره را منع نماید ، سرمایه گذار خارجی حکمیت را مطابق به قواعد حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد برای قانون تجارت بین المللی (UNCITRAL) حل و فصل می نماید . در این صورت

راشی، اړخونه هڅه کوي چې اختلاف د اصلاح اودوستانه مذاکرې له لارې حل اوفصل کړي . په هغه صورت کې چې اختلاف د اصلاح اودوستانه مذاکرې له لارې حل نشي او اړخونه په بل ډول سره د هغه حل ته په توافق ونه رسېږي، کولای شي متنازع فیه قضیه له لاندی مراجعو څخه یوې ته وړاندی کړي:

۱- د ۱۹۶۵ میلادی کال د مارچ د ۱۸ نېټې د بین الدول او نورو هېوادونو د پانگې اچوونکو د اختلافونو د حل د کنوانسیون مطابق ، د پانگې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) .

۲- که چېرې د پانگې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) ددی فقرې په (۱) جزء کې درج شوی حکمیت منع کړی ، بهرنی پانگه اچوونکی حکمیت د نړیوال تجارت د قانون لپاره دملگرو ملتونو د سازمان د کمیسیون د حکمیت د قواعدو (UNCITRAL) مطابق حل اوفصل کوي. پدی صورت کې حکومت

حکومت در مورد ارایهٔ اختلاف به ICSID) و حل آن مطابق حکم فقرهٔ (۱) مادهٔ بیست و پنجم کنوانسیون متذکره موافقه می نماید .

(۶) در صورتی که منافع مالکیت تشبث منظور شده بیشتر از (۲۵) فیصد متعلق به سرمایه گذار خارجی باشد، متشبث آن به حیث تبعهٔ خارجی تلقی گردیده و اختلاف مندرج فقرهٔ (۴) این ماده مطابق جز (۱) مادهٔ (۲۵) کنوانسیون مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) حل و فصل می گردد.

در صورتی که منافع مالکیت تشبث منظور شده بیشتر از (۲۵) فیصد متعلق به دولت باشد، اختلاف مندرج فقرهٔ (۴) این ماده مطابق جز (۳) مادهٔ (۲۵) کنوانسیون مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) بعد از توافق دولت به (ICSID) احاله شده می تواند.

ICSID) ته د اختلاف د وړاندی کولو او حل په هکله دنوموړي کنوانسیون د پنځه ویشتمې مادې د (۱) فقرې د حکم مطابق موافقه کوي.

(۶) په هغه صورت کې چې د منظور شوی تشبث د مالکیت گټې په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیاتې په بهرني پانگې اچوونکي پورې اړه ولري، متشبث یې د بهرني تبعه په توگه گڼل کېږي او ددی مادې په (۴) فقره کې درج شوی اختلاف دپانگې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) دکنوانسیون د (۲۵) مادې د (۱) جزء مطابق حل او فصل کېږي.

په هغه صورت کې چې د منظور شوی تشبث د مالکیت گټې په سلو کې له پنځه ویشتمو څخه زیات په دولت پورې اړه ولري، د دی مادې په (۴) فقره کې درج شوی اختلاف دپانگې اچونې د اختلافونو د حل نړیوال مرکز (ICSID) دکنوانسیون د پنځه ویشتمې مادې د (۳) جزء مطابق د دولت له توافق وروسته (ICSID) ته احاله کېدی شي.

نهم فصل متفرقه حکمونه

ارجحیت

یودیرشمه ماده :

که چېرې ددی قانون له حکمونو څخه کوم حکم د پانگې اچونې په اړه د نورو قوانینو له حکمونو سره په مغایرت کې واقع شي، ددی قانون حکمونه مرجح گڼل کېږي.

انتقالي حکمونه

دوه دیرشمه ماده :

(۱) هغه تشبثات چې ددی قانون له نافذېدو دمخه منظور شوی دی، د ۱۳۸۱ کال په (۸۰۳) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی، په افغانستان کې د کورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې د قانون، پر عایداتو باندې د مالیاتو د قانون په یوسلو پنځلسمه ماده کې د درج شوو حکمونو له په پام کې نیولو سره له مالیاتي معافیتونو څخه برخمن کېدی شي.

(۲) هغه تشبثات چې د ۱۳۸۱ کال په (۸۰۳) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی، په افغانستان کې د کورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې د

فصل نهم احکام متفرقه

ارجحیت

ماده سی و یکم:

هر گاه حکمی از احکام این قانون با حکمی از احکام سایر قوانین در ارتباط به سرمایه گذاری در مغایرت واقع گردد، احکام این قانون مرجح دانسته می شود.

احکام انتقالی

ماده سی و دوم :

(۱) تشبثاتیکه قبل از انفاذ این قانون منظور گردیده اند، از معافیت های مالیاتی مندرج قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی در افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (۸۰۳) سال ۱۳۸۱ با نظر داشت احکام مندرج ماده یکصد و پانزدهم قانون مالیات بر عایدات مستفید می گردند.

(۲) تشبثاتیکه مطابق احکام قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی در افغانستان منتشره جریده رسمی شماره

(۸۰۳) سال ۱۳۸۱ ثبت گردیده اند ، مکلف میباشند در خلال مدت شش ماه از تاریخ انفاذ این قانون یا مدت بیشتر که از طرف کمیسیون تعیین می گردد ، غرض ثبت به دفتر مراجعه نمایند .

(۳) تشبثاتیکه طبق حکم مندرج فقره (۲) این ماده مجدداً ثبت می گردند ، تشبثات منظور شده محسوب گردیده ، تابع احکام این قانون می باشند .

(۴) تشبثاتیکه مطابق حکم مندرج فقره (۲) این ماده مجدداً ثبت نگردند ، از امتیازات مندرج این قانون مستفید نمی شوند .

تاریخ انفاذ

ماده سی و سوم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و درجریده رسمی نشرگردد و با انفاذ آن ، قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی در افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (۸۰۳) سال ۱۳۸۱ ه . ش مبلغی شمرده می شود .

قانون د حکمونو مطابق ثبت شوی دی ، مکلف دی ، د شپرو میاشته پوه ترخ کې ددی قانون د نافذېدو له نېټې یا هغې زیاتې مودی څخه چې د کمېسیون لخوا ټاکل کېږي ، د ثبت په غرض دفتر ته مراجعه وکړي .

(۳) هغه تشبثات چې ددی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی حکم مطابق بیا ثبتېږي ، منظور شوی تشبثات گڼل کېږي او ددی مادی د حکمونو تابع دی .

(۴) هغه تشبثات چې ددی مادی په (۲) فقره کې د درج شوی حکم مطابق بیا ثبت نشي ، پدی قانون کې له درج شوو امتیازونو څخه نشي برخمن کېدی .

د انفاذ نېټه

دري دیرشمه ماده :

دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي او په نافذیدو سره یې د ۱۳۸۱ کال په (۸۰۳) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی ، په افغانستان کې دکورنۍ او بهرنۍ پانگې اچونې قانون لغوه گڼل کېږي .

تعدیلات قانون سرمایه گذاری خصوصی

د خصوصی پانگې اچونې
د یو ویشتمې مادې د تعدیل
په هکله، د افغانستان د اسلامي
جمهوریت د رئیس
فرمان

فرمان
رئیس جمهوري اسلامي افغانستان
در مورد تعدیل ماده بیست و یکم
قانون سرمایه گذاری
خصوصی

گڼه: (۵۸)

نېټه: ۱۳۸۸/۳/۱۸

شماره: (۵۸)

تاریخ: ۱۳۸۸/۳/۱۸

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسی قانون د
خلور شپېتمې مادې د (۱۶) فقرې
او سلمې مادې د حکم له مخې، د
خصوصي پانگې اچونې د
یو ویشتمې مادې تعدیل چې د
ملي شوري د مجلسونو د گډ
هیئت د ۱۳۸۸/۲/۱ نېټې (۱۲۵)
گڼې فیصلې پر بنسټ په دوو مادو
کې تصویب شوی دی، توشیح
کوم.

ماده اول:

به تأسی از حکم فقره (۱۶) ماده
شصت و چهار و ماده صد قانون
اساسی افغانستان، تعدیل ماده
بیست و یکم قانون سرمایه گذاری
خصوصی را که بر اساس فیصله
شماره (۱۲۵) مؤرخ ۱۳۸۸/۲/۱
هیئت مختلط مجلسین شورای
ملی بداخل دو ماده
تصویب، گردیده است، توشیح
می دارم.

دوه یمه ماده:

دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه
نافذ او له تعدیل او د گډ هیئت له
فیصلې سره یو ځای دې په رسمي
جریده کې خپور شي.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و
همراه با تعدیل و فیصله هیئت
مختلط در جریده رسمی نشر
گردد.

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي
جمهوریت رئیس

حامد کرزی

رئیس جمهوري اسلامي
افغانستان

شورای ملی افغانستان
مصوبه
تعدیل ماده (بیست و یکم)
قانون سرمایه گذاری خصوصی

شماره مسلسل: (۱۲۵)

تاریخ: ۱۳۸۸/۲/۱

مطابق حکم ماده صدم قانون اساسی، فیصله هیئت مختلط مجلسین شورای ملی مرکب از (سه سه عضو از هر جرگه) تعدیل ماده (بیست و یکم) قانون سرمایه گذاری خصوصی به تاریخ اول ماه ثور سال ۱۳۸۸ تصویب گردید.

رئیس هیئت مختلط
عزیز احمد نادم

معاون هیئت مختلط
محمد اکبر وحدت

د افغانستان ملي شوري
مصوبه
د خصوصي پانگې اچونې قانون د
(يوويشتمې) مادې تعدیل

پرله پسې گڼه: (۱۲۵)

د تصویب نېټه: ۱۳۸۸/۲/۱

د اساسی قانون د سملې مادې د حکم پر بنسټ، د ملي شوري گډه هیئت (هرې جرگې له درې درې غړو جوړ) د خصوصي پانگې اچونې قانون د (يوويشتمې) مادې تعدیل فیصله د ۱۳۸۸ کال د غويي میاشتي په لمړۍ نېټه تصویب شو.

د گډه هیئت رئیس
عزیز احمد نادم

د گډه هیئت مرستیال
محمد اکبر وحدت

جمهوری اسلامی افغانستان
شورای ملی

د افغانستان د اسلامي جمهوریت
ملي شوری

ماده بیست و یکم:

تشبث منظور شدة داخلی و خارجی
به منظور پیشبرد فعالیت های
خویش حق دارد در افغانستان،
عقار را مطابق احکام قانون
تنظیم امور زمینداری برای
مدت (۹۰) سال به اجاره
بگیرد.

یویشتمه ماده:

کورنی او بهرنی منظور شوی
تشبث د خپلو فعالیتونو د
پرمخبیولو لپاره حق لری په
افغانستان کې عقار، د ځمکوالی-
چارو د تنظیم قانون د حکمونو
مطابق تر (۹۰) کلونو مودې پورې
په اجاره واخلي.

رئیس هیئت مختلط
عزیز احمد نادم

د گډو رئیس
عزیز احمد نادم

معاون هیئت مختلط
محمد اکبر وحدت

د گډو هیئت مرستیال
محمد اکبر وحدت

قانون حمايت حقوق مخترع و مكتشف

فرمان رئيس جمهوري اسلامي
افغانستان درباره توشيح
قانون حمايت حقوق مخترع و
مكتشف

د مخترع او مکتشف د حقوقو د
ملاټر د قانون د توشیح په هکله، د
افغانستان د اسلامي جمهوریت د
رئيس فرمان

شماره: (۶۴)

تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۳۱

گڼه: (۶۴)

نېټه: ۱۳۸۷/۴/۳۱

ماده اول:

به تاسی از حکم ماده هفتادونهم قانون اساسی افغانستان، قانون حمايت حقوق مخترع و مکتشف را که به اساس مصوبه شماره (۱۹) مؤرخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ شورای وزیران بداخل (۶) فصل و (۵۰) ماده تأیید گردیده است، توشیح می دارم.

ماده دوم:

وزیر عدلیه و وزیر دولت در امور پارلمانی مؤظف اند، این فرمان را در خلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی، به آن شورای تقدیم نمایند.

ماده سوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسي قانون د نهه اویایمې مادې د حکم له مخې د مخترع او مکتشف د حقوقو د ملاټر قانون چې په (۶) فصلونو او (۵۰) مادو کې د وزیرانو شوري د ۱۳۸۷/۴/۲۴ نېټې د (۱۹) گڼې مصوبې پر بنسټ تأیید شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده:

د عدلیې وزیر او په پارلماني چارو کې د دولت وزیر مؤظف دي، دغه فرمان د ملي شوري د لومړنۍ غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې، هغې شوري ته وړاندې کړي.

درېیمه ماده:

دغه فرمان د توشیح له نېټې څخه

همراه با قانون در جريده رسمی
نشر گردد.

نافذ او له قانون سره يوځای دې په
رسمي جريده کې خپور شي.

حامد کرزی
رئيس جمهوری اسلامی
افغانستان

حامد کرزی
د افغانستان د اسلامي جمهوريت
رئيس

قانون حمایت حقوق مخترع
ومکتشف
فصل اول
احکام عمومی

مبني

ماده اول :

این قانون در روشنی حکم مادهٔ چهل و هفتم قانون اساسی افغانستان به منظور تأمین حمایت حقوق مادی و معنوی مخترع و مکتشف و تنظیم سایر امور مربوط به آن وضع گردیده است .

اهداف

ماده دوم :

اهداف این قانون عبارت اند از :
۱- حمایت و تضمین حقوق مالکیت های فکری مخترع و مکتشف.
۲- حمایت و تشویق تحقیقات علمی در عرصه های علم و تخنیک (اختراع و اکتشاف).
۳- ثبت حقوق انحصاری مخترع و مکتشف داخلی و خارجی.

د مخترع او مکتشف د حقوقو د
ملا تر قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسی قانون د اووه څلوېښتمې مادی د حکم په رڼا کې د مخترع او مکتشف د مادي او معنوي حقوقو د ملا تر د تأمینېدو او په هغو پورې د نورو اړوندو چارو د تنظیم په منظور، وضع شوی دی.

موخې

دوه یمه ماده:

د دی قانون موخې عبارت دی له :
۱- د مخترع او مکتشف د فکري مالکیتونو د حقوقو ملا تر او تضمین.
۲- د علم او تخنیک (اختراع او اکتشاف) په ډگرونو کې د علمی څېړنو ملا تر او هڅول.
۳- د کورني او بهرنی مخترع او مکتشف د انحصاري حقوقو ثبتېدل.

اصطلاح گانی

در بیمه ماده:

پدی قانون کی لاندی اصطلاح-
گانی، دغه مفاهیم
افاده کوی:

۱- اختراع: دیوی صنعتی،
کرنیزی یا خدماتی پایلی یا
محصول د ترلاسه کولو لپاره د نوي
پیدی رامنخته کول یا په نوي
طریقې سره له موجودو وسایلو
خخه گته اخیستل دی چې تر هغو
دمخه مثل ونلری.

۲- اکتشاف: دهغې موجودی
پیدی خرگندول دی چې تر هغې
دمخه پته او په لاس رسی
کی نه وی.

۳- دمخترع او مکتشف حق:
هغه امتیاز دی چې د
دی قانون د حکمونو مطابق،
په مخترع او مکتشف پورې
اړه مومی.

۴- د اختراع یا اکتشاف فورمه:
هغه سند دی چې دا اختراع
یا اکتشاف د معرف په توگه
د فکری ملکیتونو د دفتر لخوا،
مخترع یا مکتشف ته ورکول
کېږی.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی دراین
قانون مفاهیم ذیل را افاده
می نماید:

۱- اختراع: ایجاد پدیده جدید
یا استفاده از وسایل موجود به
طریق جدید، جهت حصول
یک نتیجه یا محصول صنعتی،
زراعتی و یا خدماتی می باشد
که قبل از آن مثل
نداشته باشد.

۲- اکتشاف: آشکار ساختن پدیده
موجودی است که قبل از آن
پنهان بوده و به دسترس قرار
نداشته باشد.

۳- حق مخترع و مکتشف:
امتیازی است که مطابق
احکام این قانون به
مخترع و مکتشف
تعلق می گیرد.

۴- فورمه اختراع یا اکتشاف:
سندی است که بحیث معرف
اختراع یا اکتشاف،
از طرف دفتر ملکیت های
فکری به مخترع یا مکتشف
داده می شود.

۵- صنعت: فعالیت اقتصادی بشری است که بالاثر آن مواد طبیعی به تولید اجناس و خدمات تبدیل می گردد.

۶- جواز اجباری (لایسنس): سندی کتبی است که از طرف دفتر ثبت صادر و به اساس آن شخص دیگر، اختراع یا اکتشاف را بدون موافقه مالک حق انحصاری آن، مورد استفاده قرار می دهد.

حق انحصاری

ماده چهارم:

اختراع یا اکتشاف، حق انحصاری مخترع یا مکتشف آن بوده و مورد حمایت قرار می گیرد، مشروط بر اینکه مطابق احکام این قانون به ثبت رسیده باشد.

تطبیق کننده قانون

ماده پنجم:

وزارت تجارت و صنایع مرجع اصلی تطبیق کننده این قانون می باشد.

۵- صنعت: بشری اقتصادی فعالیت دی چې له امله یې طبیعي مواد د اجناسو او خدمتونو په تولید بدلېږي.

۶- اجباري جواز (لایسنس): هغه لیکلی سند دی چې د ثبت د دفتر لخوا صادر او پربنسټ یې بل شخص، اختراع یا اکتشاف د هغه د انحصاري حق د مالک له موافقې پرته، تر گټې اخیستنې لاندی نیسي.

انحصاري حق

څلورمه ماده:

اختراع یا اکتشاف د هغه د مخترع یا مکتشف انحصاري حق دی او تر ملاتړ لاندی نیول کېږي، پدی شرط چې د دی قانون د حکمونو مطابق، ثبت شوی وي.

د قانون تطبیقونکی

پنځمه ماده:

د سوداگری او صنایعو وزارت، د دی قانون اصلي تطبیقونکی مرجع ده.

دوه یم فصل داختراعاتو او اکتشافاتو ثبت

د ثبت شرایط

شپږمه ماده:

(۱) مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني وکیل کولی شي دخپلې اختراع او اکتشاف د ثبت غوښتنلیک د سوداگری او صنایعو وزارت د فکري ملکیتونو دفتر ته وړاندی کړی.

(۲) مخترع، مکتشف یا دهغوی قانوني وکیل مکلف دی، د ثبت د غوښتنلیک له تأیید وروسته، یو څه پیسې د حق الثبت په نوم، د دولت د وارداتو په حساب بانک ته تحویل کړی. دغه مبلغ د استرداد وړ ندی.

نه ثبتدل

اوومه ماده:

لاندی اختراعاتو یا اکتشافات د ثبت وړ ندی:

۱- مالي نقشه.

۲- داخترع یا اکتشاف تکمیلی اختراع یا اکتشاف چې د عفت، عامه نظم منافي یا د روغتیا یا د ژوند د چاپیریال ساتنې مخالف

فصل دوم ثبت اختراعات و اکتشافات

شرایط ثبت

ماده ششم:

(۱) مخترع، مکتشف یا وکیل قانوني آنها می تواند، درخواست ثبت اختراع و اکتشاف خویش را به دفتر ملکیت های فکري وزارت تجارت و صنایع ارایه نماید.

(۲) مخترع، مکتشف یا وکیل قانوني آنها مکلف است، بعد از تأیید درخواست ثبت، مبلغی را به عنوان حق الثبت به حساب واردات دولت تحویل بانک نماید. این مبلغ قابل استرداد نمی باشد.

عدم ثبت

ماده هفتم:

اختراعات و اکتشافات ذیل قابل ثبت نمی باشد:

۱- نقشه مالی.

۲- اختراع یا اکتشاف تکمیلی اختراع یا اکتشاف، که منافی عفت، نظم عامه یا مخالف حفظ الصحة یا محیط زیست

وي.

۳- د درملو فورمولونه.

باشد.

۳- فورمول های ادويه جات.

د ثبت غوښتنلیک

اتمه ماده:

(۱) د اختراع یا اکتشاف د ثبت

غوښتنلیک لاندی ټکي لري:

۱- د مخترع، مکتشف یا دهغوی د قانوني وکیل بشپړ شهرت، تابعیت، شغل او آدرس.

۲- د اختراع یا اکتشاف د موضوع لنډیز.

۳- د اختراع یا اکتشاف د فورمې د اعتبار مودی ته په پام سره د غوښتنلیک د اعتبار د مودی یادول.

۴- په بهر کې دا اختراع یا اکتشاف د ثبت د نېټې، د صادرېدو د ځای او گڼې یادول، په هغه صورت کې چې دهغې اختراع یا اکتشاف لپاره له افغانستان څخه په بهر کې، د ثبت فورمه صادره شوي وي.

۵- دهغه شخص بشپړ شهرت او آدرس چې په افغانستان کې مېشت دی او په هغې اختراع او اکتشاف پورې چې د ثبتېدو غوښتنلیک یې وړاندی شوی دی،

درخواست ثبت

ماده هشتم:

(۱) درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف حاوی نکات ذیل میباشد:

۱- شهرت مکمله، تابعیت، شغل و آدرس مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها.

۲- خلاصه موضوع اختراع یا اکتشاف.

۳- ذکر مدت اعتبار درخواست بانظر داشت میعاد اعتبار فورمه اختراع یا اکتشاف.

۴- ذکر تاریخ، محل صدور و شماره ثبت اختراع یا اکتشاف در خارج در صورتی که برای آن اختراع یا اکتشاف در خارج از افغانستان فورمه ثبت، صادر شده باشد.

۵- شهرت مکمله و آدرس شخص که مقیم افغانستان بوده و جهت دریافت کلیه اطلاعات مربوط به اختراع یا اکتشاف که درخواست ثبت آن

ارائه گردیده، صلاحیت داشته باشد.

(۲) درخواست ثبت به یکی از زبانهای رسمی کشور آریه و دارای امضاء و تاریخ می باشد.

ضمایم درخواست ثبت

ماده نهم:

درخواست ثبت حاوی ضمایم ذیل می باشد:

۱- تشریح اختراع یا اکتشاف در سه نقل.

۲- اسناد یا نقشه ها جهت فهم تشریح اختراع یا اکتشاف در سه نقل.

۳- سند ثبت دفتر ملکیت های فکری، مبنی بر پرداخت حق الثبت.

۴- وکالت نامه، در صورتی که درخواست ثبت توسط نماینده قانونی آنها ارائه شده باشد.

بررسی درخواست

ماده دهم:

(۱) دفتر مربوط، بعد از دریافت درخواست، صحت اسناد آنرا بانظر داشت حکم مندرج ماده بیست

د تولو اړوندو اطلاعاتو د ترلاسه کېدو لپاره، واک ولري.

(۲) د ثبت غوښتنلیک، د هېواد په یوه رسمي ژبه وړاندې کېږي او د لاسلیک او نېټې لرونکی وي.

د ثبت د غوښتنلیک ضمیمې

نهمه ماده:

د ثبت غوښتنلیک لاندې ضمیمې لري:

۱- د اختراع یا اکتشاف تشریح په دريو نقلونو کې.

۲- د اختراع یا اکتشاف پر تشریح باندې د پوهېدو لپاره سندونه یا نقشي په دريو نقلونو کې.

۳- د حق الثبت د ورکړې په اړه، د فکري ملکیتونو د دفتر د ثبت سند.

۴- وکالت لیک، په هغه صورت کې چې د ثبت غوښتنلیک، د هغوی د قانوني استازي په واسطه وړاندې شوی وي.

د غوښتنلیک خپرل

لسمه ماده:

(۱) اړوند دفتر، د غوښتنلیک له ترلاسه کولو وروسته، دهغه د سندونو سموالی (صحت)، د دی قانون په څلېریشتمه ماده کې درج

و چهارم این قانون بررسی نموده، کاپی آنرا بعد از امضاء و مهر دفتر با قید تاریخ، ساعت، روز، ماه و سال وصول آن با شرح حروف به درخواست دهنده، مسترد می نماید.

(۲) دفتر ثبت مکلف است، از تاریخ وصول درخواست و ضمائم آن در خلال مدت پانزده روز، مطابقت آنرا با قانون و مقرره مربوط بررسی نموده، تصمیم اتخاذ نماید، هرگاه نواقص در آن بملاحظه رسد، موضوع را کتباً به درخواست دهنده اطلاع دهد.

(۳) هرگاه درخواست دهنده، تبعه افغانی باشد، مکلف است، در خلال مدت دو ماه و اگر تبعه خارجی باشد، در خلال مدت شش ماه جهت رفع نواقص آن تصمیم اتخاذ نماید، در صورت ارایه دلایل، این مدت برای يك دوره دیگر تمدید شده می تواند.

شوی حکم ته په پام سره، خپري، کاپي يې د دفتر له لاسليک او مهر وروسته، دهغه د رسېدو د نېټې، ساعت، ورځې، میاشتي او کال په قیدولو سره په تورو باندی په شرحې سره، غوښتنلیک ورکوونکي ته مستردوي.

(۲) د ثبت دفتر مکلف دی، د غوښتنلیک اود هغه د ضمیمو د رسېدو له نېټې څخه، د پنځلسو ورځو مودی په ترڅ کې، له اړوند قانون او مقرري سره د هغو مطابقت وڅېړي، تصمیم ونیسي، که چېرې نیمگړتیاوې پکې ولیدل شي، موضوع دی په لیکلې توگه غوښتنلیک ورکوونکي ته خبر ورکړي.

(۳) که چېرې غوښتنلیک ورکوونکي، افغانی تبعه وي، مکلف دی، د دوو میاشتو مودی په دننه کې او که بهرنی تبعه وي، د شپږو میاشتو مودی په ترڅ کې دی دهغه د نیمگړتیاوو د لري کولو لپاره تصمیم ونیسي، د دلایلو د وړاندی کولو په صورت کې، دغه موده د یوې بلې دورې لپاره اوږدیدی شي.

(۴) هرگاه درخواست دهندگان درمیعاد مندرج فقره (۲) این ماده به رفع نواقص اقدام نه نمایند، دفتر مربوط با ارایه دلایل آنرا مسترد و موضوع را کتباً به درخواست دهندگان اطلاع می دهد. در این صورت درخواست دهندگان می توانند، بانظرداشت حکم مندرج فقره (۲) این ماده به محکمه ذیصلاح مراجعه نمایند.

ثبت اختراع یا اکتشاف

ماده یازدهم:

- (۱) اختراع یا اکتشاف بانظرداشت نکات ذیل به ثبت می رسد:
 - ۱- شماره ثبت درخواست .
 - ۲- شماره دوسیۀ درخواست .
 - ۳- تاریخ وصول درخواست با ذکر ساعت، روز، ماه و سال .
 - ۴- شهرت مکمل و آدرس مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها .
 - ۵- موضوع اختراع یا اکتشاف .

(۴) که چپری غوبنتنلیک ورکونکی، د دی مادی په (۲) فقره کې په درج شوي موده کې د نیمگړتیاوو لري کولو ته اقدام ونکړي، اړوند دفتر د دلايلو په وړاندې کولو سره هغه مستردوي او موضوع په ليکلې توگه غوبنتنلیک ورکونکو ته خبر ورکوي. پدې صورت کې غوبنتنلیک ورکونکي کولی شي، د دی مادی په (۲) فقره کې درج شوی حکم ته په پام سره واکمنې محکمې ته مراجعه وکړي.

داختراع یا اکتشاف ثبتدل

یوولسمه ماده:

- (۱) اختراع یا اکتشاف لاندې ټکو ته په پام سره ثبتېږي:
 - ۱- د غوبنتنلیک د ثبت شمېره .
 - ۲- د غوبنتنلیک د دوسیې شمېره .
 - ۳- د غوبنتنلیک د رسېدو نېټه د ساعت، ورځې، میاشتي او کال په یادولو سره .
 - ۴- د مخترع یا مکتشف یاد هغوی د قانوني استازي بشپړ شهرت او آدرس .
 - ۵- د اختراع یا اکتشاف موضوع .

۶- مدت اعتبار فورمۂ اختراع یا اکتشاف.

۷- شماره ثبت و مدت اعتبار فورمۂ اختراع یا اکتشاف در خارج.

۸- تاریخ ثبت اختراع یا اکتشاف.

۹- امضای مسؤل دفتر.

۱۰- امضای مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها.

(۲) هر نوع تغییر و تکمیل در اختراع یا اکتشاف، واگذاری یا انتقال کلی یا قسمی آن با رعایت حکم مندرج فقره (۱) این ماده نیز در دفتر مربوط به ثبت می رسد.

فورمۂ اختراع یا اکتشاف ثبت شده

ماده دوازدهم:

(۱) فورمۂ اختراع یا اکتشاف، بعد از ثبت آن به مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها که دارای نکات ذیل می باشد، ارائه می گردد:

۱- تاریخ اختراع یا اکتشاف.

۲- شماره و تاریخ ثبت اختراع

۶- د اختراع یا اکتشاف د فورمی د اعتبار موده.

۷- په بهر کې دا اختراع یا اکتشاف د فورمی د ثبت شمېره او د اعتبار موده.

۸- د اختراع یا اکتشاف د ثبت نېټه.

۹- د دفتر د مسؤل لاسلیک.

۱۰- د مخترع یا مکتشف یا دهغوی د قانونی استازي لاسلیک.

(۲) په اختراع یا اکتشاف کې هر ډول بدلون او بشپړتیا، دهغه کلي یا قسمي پرېښودل یا لېږدېدل، د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی حکم له په پام کې نیولو سره هم، په اړوند دفتر کې ثبتېږي.

د ثبت شوي اختراع یا اکتشاف فورمه

د وولسمه ماده:

(۱) د اختراع یا اکتشاف فورمه چې لاندی ټکي لري، دهغې له ثبت وروسته مخترع، مکتشف یا دهغوی قانونی استازي ته وړاندی کېږي:

۱- دا اختراع یا اکتشاف نېټه.

۲- د اختراع یا اکتشاف د ثبت

- شمېره او نېټه. يا اکتشاف .
- ۳- د مخترع يا مکتشف د دويسي شمېره.
- ۳- شماره دوسيۀ مخترع يا مکتشف.
- ۴- د اختراع يا اکتشاف موضوع.
- ۴- موضوع اختراع يا اکتشاف.
- ۵- د غوښتنليک د تسليمولو نېټه.
- ۵- تاريخ تسليمی درخواست.
- ۶- د مخترع، مکتشف يا دهغوی د قانوني استازي بشپړ شهرت او آدرس.
- ۶- شهرت مکمله و آدرس مخترع، مکتشف يا نمايندۀ قانونی آنها .
- ۷- د اختراع يا اکتشاف د فورمې د اعتبار موده.
- ۷- مدت اعتبار فورمۀ اختراع يا اکتشاف .
- ۸- له افغانستان څخه په بهر کې د اختراع يا اکتشاف د ثبت شمېره او د اعتبار موده.
- ۸- شماره ثبت ومدت اعتبار اختراع يا اکتشاف در خارج از افغانستان.
- ۹- د دفتر د مسؤل لاسليک.
- ۹- امضای مسؤل دفتر.
- ۱۰- د اختراع يا اکتشاف د فورمې د صادرېدو شمېره او نېټه.
- ۱۰- شماره و تاريخ صدور فورمۀ اختراع يا اکتشاف.
- (۲) د اختراع يا اکتشاف د تشریح د لنډيز او اړوندو نقشو نقل مهر او د اختراع يا اکتشاف له فورمې سره ضميمه کېږي.
- (۲) نقل خلاصۀ تشریح اختراع يا اکتشاف و نقشه های مربوط مهر و به فورمۀ اختراع يا اکتشاف ضم می گردد.

د فورمې د اعتبار موده

ديارلسمه ماده:

- (۱) د اختراع يا اکتشاف د فورمې د اعتبار موده، د مخترع يا مکتشف د غوښتنې له مخې تر (۲۰) کلونو پورې وي.
- (۱) ميعاد اعتبار فورمۀ اختراع يا اکتشاف، حسب تقاضای مخترع يا مکتشف الی (۲۰) سال می باشد.
- (۲) مخترع، مکتشف يا دهغوی
- (۲) ميعاد اعتبار فورمۀ اختراع يا اکتشاف، مکتشف يا وکیل

قانونی استازی، د دی مادی په
(۱) فقره کې په درج شوي موده
کې، له خپلې اختراع یا اکتشاف
څخه د گټې اخیستنې،
تولید یا پلورلو انحصاري
حق لري.

داختراع یا اکتشاف خپرېدل څوارلسمه ماده:

اړوند دفتر مکلف دی،
د اختراع یا اکتشاف له ثبت
وروسته، زیات نه زیات د
د یوې میاشتې په ترڅ کې
هغه خبرتیا چې لاندې
ټکي پکې شامل وي،
د مخترع یا مکتشف په لگښت،
په رسمي جریده کې خپره کړي:
۱- د اختراع یا اکتشاف
موضوع.

۲- د مخترع یا مکتشف بشپړ
شهرت او آدرس.
۳- د اختراع یا اکتشاف د ثبت
شمېره.
۴- د اختراع یا اکتشاف د فورمې
داعتبار موده.

قانونی آنها درمیعاد مندرج
فقرة (۱) ایمن ماده ،
حق انحصاری استفاده ،
تولید و یا فروش
اختراع یا اکتشاف
خویشرا دارا می باشد.

نشر اختراع یا اکتشاف ماده چهاردهم:

دفتر مربوط مکلف است،
بعد از ثبت اختراع یا اکتشاف،
حد اکثر در خلال مدت
یک ماه اطلاعیه راکه
شامل نکات ذیل می باشد،
به مصرف مخترع یا
مکتشف، درجیده رسمی
به نشر برساند:

۱- موضوع اختراع یا
اکتشاف.
۲- شهرت مکمله و آدرس مخترع
یا مکتشف.
۳- شماره ثبت اختراع یا
اکتشاف.
۴- مدت اعتبار فورمه اختراع یا
اکتشاف.

داختراع یا اکتشاف د ثبت پر علیه د ادعا حق

پنځلسمه ماده:

د دی قانون په شپږمه ماده کې درج شوی د اختراع یا اکتشاف ثبت، د اختراع یا اکتشاف او د هغو د مثالونو د نوي والی، حقیقي والی، د گټې اخستنې د وړتیا والی په اړه، د واکمنې محکمې په وړاندې، د ډینفعو اشخاصو د ادعا خنډ کېدی نشي.

نوي اختراع یا اکتشاف

شپاړسمه ماده:

هر ډول اختراع یا اکتشاف یا د موجودی اختراع یا اکتشاف بشپړېدل چې د ثبت د غوښتنلیک له نېټې د مخه، په افغانستان یا له هغه څخه په بهر کې په ټولیزو رسنیو کې خپاره یا تر گټې اخیستنې لاندې نیول شوی وي، نوي اختراع یا اکتشاف گڼل کېږي.

د اختراع یا اکتشاف د حق لېږدېدل

اووه لسمه ماده:

(۱) مخترع یا مکتشف کولی شي،

حق ادعا علیه ثبت اختراع یا اکتشاف

ماده پانزدهم:

ثبت اختراع یا اکتشاف مندرج ماده ششم این قانون مانع ادعای اشخاص ډینفع مبنی بر جدید بودن، حقیقی بودن، قابل استفاده بودن اختراع یا اکتشاف وامثال آن، به پیشگاه محکمه با صلاحیت شده نمی تواند.

اختراع یا اکتشاف جدید

ماده شانزدهم:

هر نوع اختراع یا اکتشاف یا تکمیل اختراع یا اکتشاف موجودی که قبل از تاریخ درخواست ثبت، در افغانستان یا خارج از آن در رسانه های همگانی نشر و یا مورد استفاده قرار گرفته باشد، اختراع یا اکتشاف جدید محسوب می گردد.

انتقال حق اختراع یا اکتشاف

ماده هفدهم:

(۱) مخترع یا مکتشف می

تواند، حق انحصاری اختراع یا اکتشاف خویشرا که در افغانستان به ثبت رسیده باشد، طبق احکام این قانون طورکلی یا قسمی به شخص دیگری انتقال دهد.

(۲) هرگاه فورمه اختراع یا اکتشاف از طریق وراثت منتقل گردد، مالک جدید، در صورتی می تواند از حقوق آن طبق احکام این قانون مستفید گردد که مجدداً آنرا به ثبت برساند، دفتر، ثبت متذکره را در صفحه مربوط اختراع یا اکتشاف درج و درجریده رسمی نشر می نماید.

(۳) هرگاه اختراع یا اکتشاف مطابق احکام این قانون انتقال گردیده باشد، درخواست ثبت مجدد، حاوی نکات ذیل می باشد:

۱- شماره ثبت قبلی در افغانستان .

۲- شهرت مکمله و آدرس و تابعیت منتقل الیه .

۳- شهرت مکمله و آدرس نماینده قانونی آنها در

د خپلې اختراع یا اکتشاف انحصاري حق، چې په افغانستان کې ثبت شوی وي د دی قانون له حکمونو سره سم په کليي یا قسمي توگه بل شخص ته ولېږدوي.

(۲) که چېرې د اختراع یا اکتشاف فورمه د وراثت له لارې ولېږدول شي، نوی مالک، په هغه صورت کې کولی شي دهغې له حقوقو څخه ددی قانون د حکمونو مطابق برخمن شي چې هغه مجدداً ثبت کړي، دفتر، یاد شوی ثبت په اختراع یا اکتشاف پورې په اړونده صفحه کې درج او په رسمي جریده کې خپروي.

(۳) که چېرې اختراع یا اکتشاف، د دی قانون د حکمونو مطابق، لېږدول شوی وي، د بیا ثبت غوښتنلیک، د لاندې ټکو لرونکی وي:

۱- په افغانستان کې د د مخه ثبت شمېره.

۲- د منتقل الیه بشپړ شهرت او آدرس او تابعیت.

۳- په افغانستان کې د هغوی د قانوني استازي بشپړ شهرت او

آدرس.

(۴) که چېرې د اختراع یا اکتشاف لېږد، له بهر څخه صورت موندلی وي، سیمه ییز دفتر، یاد شوی لېږد ثبتوي، دغه سند د لېږدینې د سند په توګه منل کېږي.

افغانستان.

(۴) هرګاه انتقال اختراع یا اکتشاف ازخارج صورت گرفته باشد، دفتر محل، انتقال متذکره را ثبت نموده، این سند به حیث سند انتقال پذیرفته می شود.

له اختراع یا اکتشاف څخه د ګټې اخیستنې د اجازه لیک تسلیمي اتلسمه ماده:

اړوند دفتر، د ثبت د غوښتنلیک له غورونې او څېړنې او د دی قانون او اړوندی مقررې له حکمونو سره د هغه له مطابقت څخه د ډاډ له تر لاسه کولو وروسته، د هغه په ثبتولو اقدام کوي، د مخترع یا مکتشف، د هغه د ګټه اخیستونکي د نوم، د اختراع یا اکتشاف د ثبت د شمېرې او د اجازه لیک د مندرجاتو د لنډیز لرونکی معلومات خپروي او سند یې منتقل الیه ته ورتسلیموي.

تسلیمي اجازه نامه
استفاده از اختراع یا اکتشاف
ماده هجدهم:

دفتر مربوط، بعد از غور و رسیدگی درخواست ثبت و کسب اطمینان از مطابقت آن با احکام این قانون و مقرره مربوط، به ثبت آن اقدام نموده، معلومات حاوی نام مخترع یا مکتشف، استفاده کننده آن، شماره ثبت اختراع یا اکتشاف و خلاصه مندرجات اجازه نامه را به نشر رسانیده و سند آن را به منتقل الیه تسلیم می نماید.

د اصلي اختراع یا اکتشاف په عوض د تکميلي اختراع یا اکتشاف ګټه اخیستنه
نولسمه ماده:

که چېرې د تکميلي اختراع یا اکتشاف غوښتنلیک ورکونکی،

استفاده اختراع یا اکتشاف
تکميلي به عوض اختراع یا اکتشاف اصلي
ماده نهم:

هرګاه درخواست دهنده اختراع یا اکتشاف تکميلي، غیر از مخترع

یا مکتشف، شخص دیگری باشد، نمی تواند فورمه اختراع یا اکتشاف تکمیلی را جهت استفاده از اختراع یا اکتشاف اصلی به ثبت برساند.

انتقال به اشخاص ثالث

ماده بیستم:

حق انحصاری مخترع یا مکتشف که به اساس سند رسمی انتقال گردیده، در دفتر مربوط به ثبت می رسد، در غیر آن به شخص ثالث قابل اعتبار نمی باشد.

مراجعه به اسناد ثبت

ماده بیست و یکم:

هر شخص می تواند، نقل مصدقه اسناد مربوط به اختراع یا اکتشاف یا انتقال و یا واگذاری آنرا بعد از ثبت، در بدل پرداخت مبلغ معینه بدست آورد.

ثبت تغییر در اختراع یا

اکتشاف

ماده بیست و دوم:

(۱) مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها می تواند، تغییر را در میعاد اعتبار فورمه اختراع یا

له مخترع یا مکتشف پرته، بل شخص وی، نشی کولی د تکمیلی اختراع یا اکتشاف فورمه له اصلی اختراع یا اکتشاف خسه د گتیی اخیستنی لپاره، ثبت کری.

ثالثو اشخاصو ته لپرد بدل

شلمه ماده:

د مخترع یا مکتشف انحصاری حق چپی د رسمی سند پربنسټ لپردیدلی دی، په اړوند دفتر کپی ثبتپری، پرته لدی ثالث شخص ته د اعتبار وړ ندی.

د ثبت سندونو ته مراجعه

یوویشتمه ماده:

هر شخص کولای شي په اختراع یا اکتشاف یا دهغو په لپردیدو او یا پربنسودو پورې د اړوندو مصدقه سندونو نقل، له ثبت وروسته، د ټاکلو پیسو د ورکړې په بدل کې لاسته راوړي.

په اختراع یا اکتشاف کې د بدلون

ثبتول

دوه ویشتمه ماده:

(۱) مخترع، مکتشف یا دهغوی قانونی استازی کولی شي، د خپلی اختراع یا اکتشاف د فورمی

اکتشاف خویش وارد نماید و مکلف است آنرا مطابق احکام این قانون با پرداخت حق الثبت معینه به ثبت برساند. (۲) تغییر شهرت مکمله، آدرس و تابعیت نماینده مخترع یا مکتشف در افغانستان جواز ندارد، مگر اینکه به ثبت رسیده باشد.

ثبت تغییرات وارده به اساس درخواست کتبی مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها در سه نقل ترتیب و مطابق احکام این قانون صورت می گیرد.

موضوع اصلی اختراع یا اکتشاف
ماده بیست و سوم:

هرگاه اختراع یا اکتشاف قبلاً در خارج افغانستان به ثبت رسیده باشد، مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی آنها می تواند بر اساس فورمه اختراع یا اکتشاف اصلی و اختراع یا اکتشاف تکمیلی آن، درخواست ثبت واحد را به دفتر مربوط آرایه نماید.

د اعتبار په موده کې بدلون راوړي او مکلف دی هغه ددی قانون د حکمونو مطابق، د تاکلي حق الثبت په ورکړې سره ثبت کړی. (۲) په افغانستان کې د مخترع یا مکتشف د استازي د بشپړ شهرت، آدرس او تابعیت بدلون جواز نلري، خو دا چې ثبت شوی وي.

د منخته راغلو بدلونونو ثبتول د مخترع، مکتشف یا د هغوی د قانوني استازي د ليکلي غوښتنليک پر بنسټ په دريو نقلونو کې ترتیب او د دی قانون د حکمونو مطابق صورت مومي.

د اختراع یا اکتشاف اصلي موضوع
درويشتمه ماده:

که چېرې اختراع یا اکتشاف دمخه، له افغانستان څخه په بهر کې ثبت شوی وي، مخترع، مکتشف یا د هغوی قانوني استازی کولی شي د اصلي اختراع یا اکتشاف اود هغو د تکميلي اختراع یا اکتشاف د فورمې پر بنسټ، د واحد ثبت غوښتنليک، اړوند دفتر ته وړاندی کړی.

د اختراع یا اکتشاف تشریح خلپریشتمه ماده:

(۱) د اختراع یا اکتشاف تشریح، د دی قانون پښه درویشتمه ماده کې د درج شوی حکم پښه رعایتېدو سره له غوښتنلیک سره ضمیمه وي او د هېواد پښه یوه رسمي ژبه برابره او پښه پای کې یې د اختراع یا اکتشاف لنډیز او د هغو د گټې اخستنې ډول اضافه کېږي. که چېرې د اختراع یا اکتشاف تشریح، د هېواد پښه رسمي ژبو شونې نه وي، بشپړه تشریح یې پښه انگلیسي ژبه ترتیب او لنډیز یې پښه یوه رسمي ژبه، ضمیمه کېږي.

(۲) د اختراع یا اکتشاف تشریح دی لوستې او داسې تنظیم شي چې مسلکي یا فني شخص د هغې پښه کتنې سره، د هغې نویوالی درک کړي، د اختراع یا اکتشاف تشریح له گل او تراش څخه خلاصه وي او د هغې د کرښو ترمنځ د کلیمو لیکل ممنوع دی.

(۳) د اختراع یا اکتشاف د تشریح صفحې، د مخترع، مکتشف یا د هغوی د قانوني استازي لخوا

تشریح اختراع یا اکتشاف ماده بیست و چهارم:

(۱) تشریح اختراع یا اکتشاف با رعایت حکم مندرج ماده بیست و سوم این قانون ضمیمه درخواست بوده و به یکی از زبانهای رسمی کشور تهیه و در آخر آن خلاصه اختراع یا اکتشاف ونحوه استفاده آن اضافه می گردد.

هرگاه تشریح اختراع یا اکتشاف به زبانهای رسمی کشور میسر نباشد، تشریح کامل آن به زبان انگلیسی ترتیب و خلاصه آن به یکی از زبانهای رسمی، ضمیمه می گردد.

(۲) تشریح اختراع یا اکتشاف خوانا و طوری تنظیم گردد که شخص مسلکی یا فنی با مطالعه آن بتواند، تازه گی آنرا درک نماید. تشریح اختراع یا اکتشاف عاری از گل و تراش بوده و نوشته کلمات دربین سطور آن ممنوع است.

(۳) صفحات تشریح اختراع یا اکتشاف از طرف مخترع، مکتشف یا نماینده قانونی

آنها امضاء و نشانی گردیده
و زیر هر جمله خط کشیده
و تعداد جملات در آخر آن
معین گردد.

(۴) تشریح اختراع یا اکتشاف
و ضمایم آن، نقشه ها و سایر
اسناد، در يك صفحه کاغذ
ستندرد (A-۴) به نحوی تهیه
گردد، که عقب آن سفید و دارای
امضاء یا مهر مخترع،
مکتشف یا نماینده قانونی
آنها باشد.

(۵) صفحات تشریح اختراع یا
اکتشاف، دوخته شده و دارای
شماره مسلسل بوده و نقشه ها نیز
روی کاغذ مخصوص نقشه تهیه،
دوخته شده و دارای شماره مسلسل
باشد.

فصل سوم تغییر یا تکمیل در اختراع یا اکتشاف

تغییر یا تکمیل

ماده بیست و پنجم:

(۱) هر تغییر یا تکمیلی که
در اختراع یا اکتشاف در میعاد
اعتبار فورمه اختراع یا
اکتشاف صورت می گیرد،

لاسلک او په ننبه کېږي، تر هرې
جملې لاندې کرنه ایستل کېږي او
په پای کې یې د جملو شمېر
ټاکل کېږي.

(۴) د اختراع یا اکتشاف یا
د هغو دضمیمو تشریح، نقشی
اونور سندونه دی، د یوه
(A-۴) ستندرد کاغذ د پانې پرمخ
پداسې ډول برابر شي چې شا یې
سپینه اودمخترع یا مکتشف یا د
هغوی دقانوني استازي لاسلیک یا
مهر ولري.

(۵) د اختراع یا اکتشاف د تشریح
صفحي گنډل شوې او پرله پسې
گڼه لري او نقشی هم د نقشی د
برابرو لودمخصوص کاغذ پرمخ
برابري گنډل شوې او پرله پسې گڼه
لري.

درېم فصل په اختراع یا اکتشاف کې بدلون یا بشپړتیا

بدلون یا بشپړتیا

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) هر هغه بدلون یا بشپړتیا
چې په اختراع یا اکتشاف کې د
اختراع یا اکتشاف د فورمې د
اعتبار په موده کې صورت

تابع احکام مواد دهم و بیست و چهارم این قانون می باشد.

(۲) برای تغییر یا تکمیل اختراع یا اکتشاف، فورمۀ اختراع یا اکتشاف در تکمیل فورمۀ اصلی صادر می گردد، فورمۀ اختراع تکمیلی تابع احکام مواد پیشبینی شده فورمه اصلی بوده، ولی مدت اعتبار فورمۀ تکمیلی از مدت اعتبار فورمۀ اصلی بیشتر بوده نمی تواند.

تقاضای فورمۀ اصلی به عوض فورمۀ تکمیلی

ماده بیست و ششم:

هرگاه مالک فورمۀ اختراع یا اکتشاف جهت تغییر یا تکمیل، به عوض فورمۀ تکمیلی، فورمۀ اصلی جداگانه را ارائه نماید، مطابق احکام این قانون مکلف به پرداخت حق الثبت و سایر مصارف معینه، می باشد.

مومی، د دی قانون د لسمی اوخلبریشتمی مادی د حکمونو تابع دی.

(۲) د اختراع یا اکتشاف د بدلون یا بشپړتیا لپاره، د اختراع یا اکتشاف فورمه د اصلي فورمې په بشپړتیا کې صادرېږي، د تکميلي اختراع فورمه د اصلي فورمې د اټکل شوو موادو د حکمونو تابع ده، خو د تکميلي فورمې د اعتبار موده د اصلي فورمې د اعتبار له مودې څخه زیاتېدی نشي.

د تکميلي فورمې په عوض د اصلي فورمې غوښتنه

شپږويشتمه ماده:

که چېرې د اختراع یا اکتشاف د فورمې مالک د بدلون یا بشپړتیا لپاره، د تکميلي فورمې په عوض، جلا اصلي فورمه وړاندې کړي، د دی قانون د حکمونو مطابق، د حق الثبت او نورو ټاکلو لگښتونو په ورکړه، مکلف دی.

د لېږدېدنې سندونه او د هغو ضمیمې

اووه ویستمه ماده:

د لېږدېدنې سندونه، وکالت لیک او د اختراع او اکتشاف د ثبت فورمه، له غوښتنلیک سره ضمیمه کېږي. د اختراع یا اکتشاف فورمه د لېږد له ثبت وروسته، د هغې مالک ته مستردیږي.

د غوښتنلیک او د هغه د ضمیمو رد

اته ویستمه ماده:

که چېرې د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک رد شي، لاندې سندونه هم له هغه سره ضمیمه کېږي:

۱- د هغه تصمیم اصل یا نقل چې د ثبت غوښتنلیک یې پرموځېد شوی دی.

۲- هغه اعتراضونه چې د ثبت غوښتنلیک ورکوونکي، د هغه د رد په اړه وړاندې کړيدي.

۳- وکالت لیک، په هغه صورت کې چې غوښتنلیک د مخترع یا مکتشف د قانوني استازي په واسطه، وړاندې شوی وي.

اسناد انتقال و ضمایم آن

ماده بیست وهتم:

اسناد انتقال، وکالت نامه و فورمه ثبت اختراع یا اکتشاف، به درخواست ضمیمه می شود. فورمه اختراع یا اکتشاف بعد از ثبت انتقال به مالک آن مسترد می گردد.

رد درخواست و ضمایم آن

ماده بیست وهشتم:

هرگاه درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف رد گردد، اسناد ذیل نیز به آن ضمیمه می گردد:

۱- اصل یا نقل تصمیمی که درخواست ثبت به موجب آن رد گردیده .

۲- اعتراضات که درخواست دهنده ثبت، مبنی به رد آن ارائه نموده .

۳- وکالت نامه، در صورتی که درخواست توسط نماینده قانونی مخترع یا مکتشف، ارائه شده باشد.

فصل چهارم ثبت اختراع یا اکتشاف اشخاص خارجی

شرایط ثبت

ماده بیست و نهم:

مخترع یا مکتشف خارجی می تواند، برای مدت باقیمانده اختراع یا اکتشاف خویش طبق احکام این قانون، درخواست ثبت را در افغانستان ارائه نماید، مشروط بر اینکه میعاد فورمه اختراع یا اکتشاف آن در کشور متبوع اش منقضی نگردیده باشد. هرگاه اختراع یا اکتشاف از طرف شخص یا مؤسسه دیگر قبل از درخواست ثبت در افغانستان طور کلی یا جزئی مورد استفاده قرار گرفته و یا زمینه استفاده آن آماده شده باشد، مخترع یا مکتشف نمی تواند، از اقدام شخص یا مؤسسه جلوگیری نماید.

خلورم فصل د بهرنیو اشخاصو د اختراع یا اکتشاف ثبتدل

د ثبت شرایط

نهه ویشتمه ماده:

بهرنی مخترع یا مکتشف کولای شې، د خپلې اختراع یا اکتشاف د پاتې مودی لپاره، د دی قانون د حکمونو مطابق، د ثبت غوښتنلیک په افغانستان کې وړاندې کړی، پدی شرط چې د هغه د اختراع یا اکتشاف د فورمې موده، د هغه په متبوع هېواد کې تېره شوې نه وي. که چېرې اختراع یا اکتشاف د بل شخص یا مؤسسې لخوا په افغانستان کې د ثبت له غوښتنلیک دمخه په کلي یا جزئی توگه تر گټې اخیستنې لاندې نیول شوی وي او یا ئې د گټې اخیستنې زمینه برابره شوې وي، مخترع یا مکتشف نشي کولی، د شخص یا مؤسسې له اقدام څخه مخنیوی وکړي.

آدرس

د پيرشمه ماده:

(۱) که چېرې د اختراع يا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک ورکونکي شخص په افغانستان کې مېشت نه وي، مکلف دی په افغانستان کې خپل مشخص آدرس وټاکي يا بل واکمن شخص چې د افغانستان تبعه وي، په اختراع يا اکتشاف پورې د اړوندو اطلاعاتو او سندونو د وړاندې کولو لپاره، معرفي کړي.

(۲) د دی مادې په (۱) فقره کې درج شوی حکم، د اختراع يا اکتشاف د فورمې پر اعتراض کونکي شخص باندې هم د تطبیق وړ دی.

د لېږدېدنې يا پرېښودنې د حق ثبتدل

یو د پيرشمه ماده:

(۱) که چېرې د اختراع يا اکتشاف د انحصاري حق لېږد اخیستونکی، بهرنی شخص وي يا هغه حقيقي يا حکمي اشخاص چې د پرېښودنې له لارې يا د قانون په حکم، حق له لېږد اخیستونکي

آدرس

ماده سي ام:

(۱) هرگاه شخص درخواست دهنده ثبت اختراع يا اکتشاف در افغانستان مقیم نباشد، مکلف است آدرس مشخص خود را در افغانستان تعیین و یا شخص با صلاحیت دیگری را که تبعه افغانستان باشد، جهت ارایه اطلاعات و اسناد مربوط به اختراع يا اکتشاف، معرفی نماید.

(۲) حکم مندرج فقره (۱) این ماده بالای شخص اعتراض کننده فورمه اختراع يا اکتشاف نیز قابل تطبیق می باشد.

ثبت حق انتقال يا واگذاری

ماده سي و یکم:

(۱) هرگاه انتقال گیرنده حق انحصاری اختراع يا اکتشاف شخص خارجی باشد يا اشخاص حقيقي يا حکمی که از طریق واگذاری، يا به حکم قانون، حق را از انتقال گیرنده حاصل می

نماید، منحیث مالک یا دارنده جواز انحصاری، می تواند ثبت حق انحصاری اختراع یا اکتشاف خارجی را در افغانستان درخواست نماید. درخواست ثبت در خلال مدت دوسال بعد از اعطای حق انحصاری اختراع یا اکتشاف به کشور اصلی، ارائه می گردد.

(۲) درخواست ثبت مندرج فقره (۱) این ماده حاوی نکات ذیل می باشد:

۱- شهرت مکمل و آدرس درخواست دهنده.

۲- موضوع اختراع یا اکتشاف.

۳- شماره و تاریخ ثبت قبلی.

۴- نام کشوری که اختراع یا اکتشاف قبلاً در آنجا به ثبت رسیده باشد.

بررسی حق انحصاری اختراع یا اکتشاف

ماده سی و دوم:

حق انحصاری اختراع یا اکتشاف که ثبت آن درخواست می گردد، بدون بازرسی به

خحه ترلاسه کوی، د مالک یا د انحصاری جواز لرونکی په توگه، کولی شي د بهرنی اختراع یا اکتشاف د انحصاری حق ثبتدل په افغانستان کې وغواړي. د ثبت غوښتنلیک، د اختراع یا اکتشاف د انحصاری حق له ورکولو وروسته، د دوو کلونو مودی په ترڅ کې، اصلي هېواد ته وړاندی کېږي.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې درج شوی د ثبت غوښتنلیک لاندی ټکي لري:

۱- د غوښتنلیک ورکونکي بشپړ شهرت او ادرس.

۲- د اختراع یا اکتشاف موضوع.

۳- د دمخه ثبت شمېره او نېټه.

۴- د هغه هېواد نوم چې اختراع یا اکتشاف د مخه په هغه ځای کې ثبت شوی وي.

د اختراع یا اکتشاف د انحصاری حق څېړل

دوه دیرشمه ماده:

د اختراع یا اکتشاف انحصاری حق چې ثبت یې غوښتل کېږي، له څېړنې پرته د غوښتنلیک

مسئولیت درخواست دهنده و عدم تضمین با تصریح اینکه بدون بازرسی ثبت گردیده است، ثبت می گردد مشروط بر اینکه موجب تحدید حقوق اشخاص ثالث نگردد.

تصدیق حق انحصاری اختراع یا اکتشاف

ماده سی و سوم:

(۱) درخواست دهنده ثبت، مالک حق انحصاری اختراع یا اکتشاف ثبت شده محسوب می گردد، مگر اینکه مالکیت حق انحصاری، طبق احکام این قانون به شخص دیگری واگذار یا انتقال یافته و یا به اساس حکم محکمه تشخیص گردد که مالک، بغیر از درخواست دهنده شخص دیگری می باشد.

(۲) مالک حق انحصاری مندرج فقره (۱) این ماده بعد از ثبت، دارای حقوق انحصاری ذیل نیز می باشد:

۱- هرگاه موضوع حق انحصاری اختراع یا اکتشاف، تولید باشد، استعمال، عرضه، فروش و توزیع آن ممنوع

ورکونکی په مسئولیت او نه تضمین، د دی په تصریح سره چې له خپرنې پرته ثبت شوی دی، ثبتېږي، پدی شرط چې د ثالثو اشخاصو د حقوقو د تحدید موجب نشي.

داختراع یا اکتشاف د انحصاری حق تصدیق

دري دیرشمه ماده:

(۱) د ثبت غوښتنلیک ورکونکی، د ثبت شوي اختراع یا اکتشاف د انحصاري حق مالک گڼل کېږي، خو دا چې د انحصاري حق مالکیت، د دی قانون د حکمونو مطابق بل شخص ته پرېښودل شوی یا لېږدول شوی وي یا د محکمې د حکم پر بنسټ تشخیص شي چې مالک له غوښتنلیک ورکونکي پرته، بل شخص دی.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی انحصاري حق مالک، له ثبت وروسته، لاندی انحصاري حقوق هم لري:

۱- که چېرې دااختراع یا اکتشاف د انحصاري حق موضوع، تولید وي، د هغو استعمال، وړاندی کول، پلورل او واردول ممنوع دی،

می باشد، مگر اینکه موافقه قبلی مالک آن کتباً کسب گردیده باشد.

۲- هرگاه موضوع حق انحصاری اختراع یا اکتشاف، روش یا طرز العمل باشد، استعمال، عرضه، فروش یا توريد آن ممنوع می باشد، مگر اینکه موافقه قبلی مالک آن کتباً کسب گردیده باشد.

(۳) استفاده از پرزه جات طيارات، وسایط زمینی یا کشتی های سایر کشورهای که مؤقتاً یا حسب تصادف داخل قلمرو فضائی یا دریائی افغانستان می شوند، از حکم مندرج فقره (۲) این ماده مستثنی اند.

آغاز و استمرار حقوق

ماده سی و چهارم:

حقوق مندرج فقره (۲) ماده سی و سوم این قانون از تاریخ ارایه درخواست ثبت حق انحصاری اختراع یا اکتشاف در افغانستان آغاز و الی مدت بیست سال از تاریخ ثبت حق انحصاری

خودا چې د هغه د مالک دمخه موافقه په لیکلې توگه، اخیستل شوې وي.

۲- که چېرې د اختراع یا اکتشاف د انحصاری حق موضوع، تگلاره یا کرنلاره وي، د هغو استعمال، وړاندې کول، پلورل او واردول ممنوع دی، خودا چې د هغه د مالک دمخه موافقه په لیکلې توگه اخیستل شوې وي.

(۳) د الوتکو، ځمکنیو وسایطو یا د هغو نورو هېوادونو د کبنتیو له پرزو څخه گټه اخیستنه، چې په لنډ مهاله یا تصادفي توگه د افغانستان فضایی یا د اوبو (دریایی) قلمرو ته داخلېږي د دی مادی په (۲) فقره کې له درج شوی حکم څخه مستثنی ده.

د حقوقو پیل او استمرار

څلور دیرشمه ماده:

د دی قانون د دري دیرشمې مادی په (۲) فقره کې درج شوی حقوق، په افغانستان کې د اختراع یا اکتشاف د انحصاری حق د ثبت د غوښتنلیک د وړاندې کولو له نېټې څخه پیل او د اختراع یا اکتشاف د اصلي انحصاری حق د ثبت له

نېټې څخه تر شلو کلونو مودی پورې، د اعتبار وړ دی.

کاري شرایط

پنځه دیرشمه ماده:

(۱) که چېرې ثبت شوي اختراع یا اکتشاف په خپل ځای (محل) کې د هغه د کار له ډول سره یا افغانستان ته د هغه په واردیدو سره په کلي یا قسمي توګه تر ګټې اخیستنې لاندې ونه نیول شي، اړوند دفتر کولی شي د ثبت د غوښتنلیک د وړاندې کولو له نېټې څخه د څلورو کلونو مودی په تېرېدو یا د ثبت له نېټې څخه د دريو کلونو مودی په تېرېدو سره، اجباري جواز صادر کړي.

(۲) اجباري جواز د لاندې شرایطو له په پام کې نیولو سره، صادرېږي:

۱- د جواز د استعمال د حدودو و ټاکل.

۲- د هغې مودی ټاکل چې د جواز لرونکی دهغې په ترڅ کې د ثبت شوي اختراع یا اکتشاف په ګټې اخیستنې پیل کوي.

۳- د انحصاري حق مالک ته د ورکړې وړ مبلغ ټاکل او د هغه د ورکړې شرایط.

اصلي اختراع یا اکتشاف، قابل اعتبار می باشد.

شرایط کاری

ماده سی و پنجم:

(۱) هرگاه اختراع یا اکتشاف ثبت شده با طرز کار آن در محل یا با توریید آن در افغانستان بطور کلی یا قسمی مورد بهره برداری قرار نگیرد، دفتر مربوط می تواند بعد از انقضای مدت چهار سال از تاریخ ارایه درخواست ثبت یا انقضای مدت سه سال از تاریخ ثبت، جواز اجباری را صادر نماید.

(۲) جواز اجباری با رعایت شرایط ذیل صادر می گردد:

۱- تعیین حدود استعمال جواز.

۲- تعیین مدت که دارنده جواز در خلال آن به بهره برداری اختراع یا اکتشاف ثبت شده آغاز نماید.

۳- تعیین مبلغ قابل پرداخت به مالک حق انحصاری و شرایط پرداخت آن.

(۳) هرگاه مالك حق انحصاری اختراع یا اکتشاف، دفتر مربوط را با ارایه دلایل مبنی بر عدم بهره برداری یا بهره برداری غیر مکفی اختراع یا اکتشاف ثبت شده در افغانستان متقاعد سازد، در این صورت جواز اجباری صادر نمی گردد.

(۴) استفاده کننده جواز اجباری، حق بهره برداری از اختراع یا اکتشاف ثبت شده را در افغانستان طبق شرایط جواز دارا می باشد.

(۵) جواز اجباری مندرج فقره (۲) این ماده در بدل فیس معین صادر می گردد.

ضمیمه درخواست

ماده سی و ششم:

نقل مصدقه حق انحصاری اختراع یا اکتشاف و مشخصات مربوط به آن با رعایت حکم مندرج ماده نهم این قانون به درخواست ثبت ضمیمه می گردد، هرگاه نقل مصدقه به لسان خارجی باشد ترجمه دقیق آن به یکی از زبان

(۳) که چهری د اختراع یا اکتشاف د انحصاری حق مالک، اړوند دفتر، په افغانستان کې له ثبت شوي اختراع یا اکتشاف څخه د نه گټې اخیستنې یا غیر کافي گټې اخیستنې په اړه د دلایلو په وړاندی کولو سره، متقاعد کړی، پدی صورت کې اجباري جواز نه صادرېږي.

(۴) د اجباري جواز گټه اخیستونکی په افغانستان کې له ثبت شوي اختراع یا اکتشاف څخه د جواز د شرایطو مطابق، د گټې اخیستنې حق لري.

(۵) د دی مادی په (۲) فقره کې درج شوی اجباري جواز د ټاکلي فیس په بدل کې ورکول کېږي.

د غوښتنلیک ضمیمه

شپږ دیرشمه ماده:

د اختراع یا اکتشاف د انحصاري حق او په هغه پورې د اړوندو مشخصاتو مصدقه نقل، د دی قانون په نهمه ماده کې د درج شوی حکم له په پام کې نیولو سره د ثبت له غوښتنلیک سره ضمیمه کېږي، که چیرې مصدقه نقل په بهرنۍ ژبه وي، د هېواد په یوه

رسمی ژبه د هغه دقیقه ژباړه له تصدیق وروسته هم ضمیمه کېږي.

های رسمی کشور بعد از تصدیق نیز ضمیمه می گردد.

د غوښتنلیک خپرېدل

اووه دیرشمه ماده:

اړوند دفتر مکلف دی، د بهرنۍ اختراع د انحصاري حق د ثبت د غوښتنلیک له تأیید وروسته، په انحصاري حق پورې اړوند معلومات، د هغه له ثبت دمخه په رسنیو کې خپاره کړي.

نشر درخواست
ماده سی و هفتم:

دفتر مربوط مکلف است، بعد از تأیید درخواست ثبت حق انحصاری اختراع خارجی، معلومات مربوط به حق انحصاری را قبل از ثبت آن در رسانه ها به نشر برساند.

پنځم فصل

قضایي تصمیمونه

فصل پنجم
تصامیم قضائی

اعتراض

اته دیرشمه ماده:

د اختراع یا اکتشاف د ثبت د غوښتنلیک په هکله د مالکیت د حق په اړه اعتراض هغه وخت منل کېږي چې معترض په خپل نوم د اختراع یا اکتشاف ثبت، د دی قانون د حکمونو مطابق، هم وغواړي.

اعتراض

ماده سی و هشتم:

اعتراض مبنی برحق مالکیت درمورد درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف زمانی پذیرفته می شود که معترض، ثبت اختراع یا اکتشاف را بنام خود مطابق احکام این قانون نیزدرخواست نماید.

د اعتراض خپېل

نهه دیرشمه ماده:

که چېرې د اختراع یا

رسیدگی به اعتراض

ماده سی ونهم:

هرگاه اعتراض درمورد

فورمہ اختراع یا اکتشاف قبل از ثبت یا بعد از آن صورت گیرد، اعتراض کننده مکلف است، مبلغ معین را به عنوان تضمین به حساب مخصوص کہ اندازه آن از طرف محکمہ ذیصلاح مشخص می گردد، تحویل بانک نموده و سند آنرا ضم درخواست اعتراض نماید.

هرگاه معترض، حق خود را ثابت کرده نتواند، خسارۀ وارده از مبلغ تضمین جبران و در غیر آن به اساس حکم محکمہ مکلف به پرداخت کل جبران خسارۀ جانب مقابل می باشد. هرگاه اعتراض ثابت گردد، معترض مستحق جبران خسارۀ وارده می باشد.

اعتراض قبل از ثبت مادۀ چہلم:

(۱) اعتراض مربوط به اختراع یا اکتشاف کہ ثبت نگردیده، بانظرداشت نکات ذیل طور کتبی به دفتر مربوط، ارائه می گردد:

اکتشاف د فورمی پہ هکله اعتراض له ثبت دمخه یا له هغه وروسته صورت ومومي، اعتراض کونکی مکلف دی، تکلی مبلغ چي اندازه يي د واکمني محکمې لخوا مشخصېږي، د تضمین په عنوان په مخصوص حساب کې، بانک ته تحویل او سند يي د اعتراض له غوښتنلیک سره ضمیمه کړي.

که چېرې معترض خپل حق ثابت نکړي شي، اووښتي زیان د تضمین له مبلغ څخه جبران او پرته لدی د محکمې د حکم پربنسټ د مقابل اړخ د ټول زیان د جبران په ورکولو مکلف دی. که چېرې اعتراض ثابت شي، معترض د اووښتي زیان د جبران مستحق دی.

له ثبت دمخه اعتراض څلورېننمه ماده:

(۱) په هغې اختراع یا اکتشاف پورې اړوند اعتراض چې ثبت شوی ندی، د لاندې ټکولو په پام کې نیولو سره په لیکلې توگه، اړوند دفتر ته وړاندی کېږي:

- ۱- شهرت مکمله و آدرس معترض درکشور.
- ۲- ذکر دلایل ومدارک که معترض به استناد آن، خود را مستحق می داند .
- ۳- نقل اسناد که ادعای معترض را به اثبات می رساند .
- (۲) دفتر مربوط مکلف است، در مقابل اعتراض ، رسیدی که حاوی تاریخ وصول اعتراض می باشد، به معترض آرایه نماید .

اعتراض بعد از ثبت ماده چهل و یکم :

- در خواست مبنی بر ابطال فورمه اختراع یا اکتشاف ثبت شده که حاوی ضمایم ذیل می باشد، به دفتر مربوط آرایه می گردد:
- ۱- سند مصدقه دفتر، مبنی بر فورمه اختراع یا اکتشاف که ابطال آن تقاضا می گردد.
 - ۲- اصل یا نقل اسناد مثبتة ادعای معترض .
 - ۳- وکالت نامه ، در صورتی که صورت دعوی از طرف نماینده قانونی مخترع یا مکتشف

- ۱- په هېواد کې دمعترض بشپړ شهرت او آدرس.
- ۲- د هغو دلایلو او مدارکو یادول چې معترض د هغو پربنسټ، ځان مستحق گڼي.
- ۳- د هغو سندونو نقل چې د معترض ادعا په اثبات رسوي.
- (۲) اړوند دفتر مکلف دی، د اعتراض په وړاندې هغه رسید چې د اعتراض د رسېدو د نېټې لرونکی وي، معترض ته وړاندې کړي.

له ثبت وروسته اعتراض یوڅلورېنځمه ماده:

- د هغې ثبت شوي اختراع یا اکتشاف د فورمې د ابطال په اړه غوښتنلیک چې لاندې ضمیمې لري، اړوند دفتر ته وړاندې کېږي:
- ۱- د هغې اختراع یا اکتشاف د فورمې په اړه چې ابطال یې غوښتل کېږي، د دفتر مصدقه سند.
 - ۲- د معترض د ادعا د مثبتة سندونو اصل یا نقل .
 - ۳- وکالت لیک، په هغه صورت کې چې صورت دعوي د مخترع یا مکتشف د قانوني استازي

لخوا، وړاندی شوې وي.

ارأیه شده باشد.

د اعتراض ابلاغ

دوه څلوربښتمه ماده:

(۱) اړوند دفتر مکلف دی، د اعتراض د رسېدو له نېټې څخه، زیات نه زیات د (۱۰) ورځو مودی په ترڅ کې هغه د ثبت د غوښتنلیک ورکوونکي یا دهغه د قانوني استازي په آدرس ابلاغ کړي، که چېرې اعتراض ثابت شي، د اختراع یا اکتشاف د ثبت غوښتنلیک ردېږي.

ابلاغ اعتراض

ماده ټولم ټولم:

(۱) دفتر مربوط مکلف است، از تاریخ وصول اعتراض، حداکثر در خلال مدت (۱۰) روز آنرا به آدرس درخواست دهنده ثبت یا نماینده قانونی آن ابلاغ نماید، هرگاه اعتراض ثابت نگردد، درخواست ثبت اختراع یا اکتشاف رد می گردد.

(۲) د دی مادی په (۱) فقره کې په درج شوی حالت کې، که چېرې اختراع یا اکتشاف دمخه ثبت شوی وي، پدی صورت کې، د دمخه ثبت باطل او اختراع یا اکتشاف د معترض په نوم ثبتېږي.

(۲) در حالت مندرج فقره (۱) این ماده، هرگاه اختراع یا اکتشاف قبلاً ثبت گردیده باشد، در این صورت، ثبت قبلی باطل و اختراع یا اکتشاف بنام معترض ثبت می گردد.

د رد ځواب

دري څلوربښتمه ماده:

(۱) که چېرې د ثبت غوښتنلیک ورکوونکی، دمعترض اعتراض موجه وگڼي، موضوع په لیکلې توگه معترض ته ابلاغ او د هغه غوښتنلیک ردېږي.

جواب رد

ماده ټولم ټولم:

(۱) هرگاه درخواست دهنده ثبت، اعتراض معترض را مؤججه داند، موضوع را کتباً به معترض ابلاغ و درخواست وی رد می گردد.

(۲) که چېرې د ادعا وړ اختراع یا اکتشاف دمخه ثبت شوی نه وي، د

(۲) هرگاه اختراع یا اکتشاف مورد ادعا قبلاً به ثبت

نرسیده باشد، بانظرداشت درخواست، مطابق حکم مندرج مادهٔ چهارم این قانون که حین اعتراض رأیه نموده، به ثبت آن اقدام می‌گردد.

(۳) هرگاه اختراع یا اکتشاف مورد ادعا قبلاً به ثبت رسیده باشد، درین صورت طبق حکم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده اجراءات صورت می‌گیرد.

انقضای مدت

مادهٔ چهل و چهارم :

(۱) معترض می‌تواند، در خلال مدت شصت روز از تاریخ ابلاغ اعتراض علیه درخواست دهندهٔ ثبت، به محکمه مراجعه نماید، مگر اینکه قبل از انقضای این مدت، در خواست دهندهٔ ثبت طبق حکم مندرج مادهٔ چهل و سوم این قانون به اعتراض وی جواب رد ارائه نموده باشد.

(۲) هرگاه معترض درمیعاد مندرج فقرهٔ (۱) این ماده

غوبتتلیک له په پام کې نیولو سره، د دی قانون په څلورپښتمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق چې د اعتراض په وخت کې یې وړاندی کړی، د هغه په ثبت لاس پورې کېږي. (۳) که چېرې د ادعا وړ اختراع یا اکتشاف دمخه ثبت شوی وي، پدی صورت کې، د دی مادی په (۱) فقره کې د درج شوی حکم مطابق، اجراءات صورت مومي.

د مودی تېرېدل

څلور څلورپښتمه ماده:

(۱) معترض کولای شي، د ثبت د غوبتتلیک ورکونکي پر خلاف د اعتراض د ابلاغ له نېټې څخه د شپېتو ورځو مودی په ترڅ کې، محکمې ته مراجعه وکړي، خو دا چې د دغې مودی له تېرېدو دمخه، د ثبت غوبتتلیک ورکونکی، د دی قانون په دري څلورپښتمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، دهغه اعتراض ته د رد ځواب وړاندی کړی وي.

(۲) که چېرې معترض د دی مادی په (۱) فقره کې په

به محكمه مراجعه نه نمايد، دفتر مربوط به درخواست ثبت شخص كه در خواست ثبت اختراع يا اكتشاف را نموده، بانظر داشت تصميم محكمه، اختراع يا اكتشاف را به نام معترض اليه، ثبت مي نمايد.

درين صورت مبلغی را كه جهت ثبت اختراع يا اكتشاف تأديه نموده، بحساب واردات دولت تحويلل بانك می گردد.

مهلت

ماده چهل و پنجم :

(۱) هرگاه معترض نتواند، اسناد ومدارك خود را به صورت دعوی ضميمه نمايد، محكمه می تواند، به اساس تقاضای وی بعد از رسيدگی و در صورت لزوم مهلت را كه به بیش از سه ماه نباشد به وی اعطا نمايد.

(۲) مهلت مندرج فقره (۱) اين ماده جهت ارايه اسناد لازم دفاعيه، به درخواست دهنده ثبت نیز اعطاء

درج شوې موده کې محکمې ته مراجعه ونکړې، اړوند دفتر د هغه شخص په غوښتنه چې د اختراع يا اکتشاف د ثبت غوښتنه يې کړې ده، د محکمې تصميم ته په پام سره، اختراع يا اکتشاف د معترض اليه په نوم ثبتوي.

پدې صورت کې هغه مبلغ چې د اختراع يا اکتشاف د ثبت لپاره يې ورکړې دی، د دولت د وارداتو په حساب کې، بانک ته تحويللېږي.

مهلت

پنځه څلوېښتمه ماده:

(۱) كه چېرې معترض ونكړې شي، خپل سندونه او مدارك له صورت دعوي سره ضميمه كړي، محكمه كولى شي، د هغه د غوښتنې پر بنسټ له خپرني وروسته او د لزوم په صورت کې مهلت چې له دريو مياشتو څخه زيات نه وي، هغه ته ورکړي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی مهلت، د دفاعیه لارمو سندونو د وړاندې کولو لپاره، د ثبت غوښتنلیک ورکوونکي ته هم

ورکول کېدی شي.

شده می تواند.

محکمې ته رجوع

شپږ څلویښتمه ماده:

هرذینفع شخص کولی شي، د اختراع یا اکتشاف د فورمې د بطلان د حکم د صادرېدو غوښتنلیک، په لاندی مواردو کې واکمنې محکمې ته وړاندی کړی:

۱- په هغه صورت کې چې اختراع یا اکتشاف نوی نه وي.

۲- په هغه صورت کې چې دا اختراع یا اکتشاف فورمه، د دی قانون په اوومه ماده کې د درج شوی حکم مطابق، صادره شوي نه وي.

۳- په هغه صورت کې چې د اختراع یا اکتشاف موخه، یوازې علمي څېړنې وي او عملاً د صنعتي، کرنیزو یا خدماتي مقصدونو د گټې اخیستنې وړ نه وي.

۴- په هغه صورت کې چې د اختراع یا اکتشاف د فورمې د صادرېدو له نېټې څخه، پنځه کاله تېر او تر عملي گټې اخیستنې لاندی نیول شوی نه وي.

رجوع به محکمه

ماده ټولم وشم:

هرشخص ذینفع می تواند، درخواست صدور حکم بطلان فورمه اختراع یا اکتشاف را در موارد آتی به محکمه ذیصلاح ارائه نماید:

۱- در صورتی که اختراع یا اکتشاف جدید نباشد.

۲- در صورتی که فورمه اختراع یا اکتشاف مطابق حکم مندرج ماده هفتم این قانون صادر نشده باشد.

۳- در صورتی که هدف اختراع یا اکتشاف صرف تحقیقات علمی بوده و عملاً مورد استفاده مقاصد صنعتی، زراعتی و یا خدماتی نباشد.

۴- در صورتی که از تاریخ صدور فورمه اختراع یا اکتشاف، پنج سال سپری ومورد استفاده عملی قرار نگرفته باشد.

احتیاطی تدبیرونه

اوره څلوربښتمه ماده:

(۱) معترض کولی شي، د خپلې اختراع یا اکتشاف د انحصاري حق په هکله، په هره موقع کې له واکمنې محکمې څخه د تقلبي یا تقلیدی محصولاتو د ضبط د حکم د صادرېدو یا د تقلبي یا تقلیدی اجناسو د نه تولید، پلورلو یا واردېدو په اړه د مؤقت حکم د صادرېدو غوښتنه وکړي.

(۲) محکمه د مقابل لوري د زیان د جبران په منظور، د محصولاتو د ضبط په هکله یا د اجناسو د نه تولید، پلورلو یا واردېدو په اړه د مؤقت حکم له صادرېدو څخه د مخه، معترض د مناسب تضمین په وړاندې کولو مکلفوي.

(۳) که چېرې معترض د محکمې د حکم د صادرېدو له نېټې څخه د لسو ورځو مودې په ترڅ کې، دعوي اقامه نکړي، پدې صورت کې معترض مقابل لوري ته د زیان د جبران په ورکولو مکلف دی.

تدابیر احتیاطی

ماده چهل و هفتم :

(۱) معترض می تواند، در مورد حق انحصاری اختراع یا اکتشاف خویش در هر موقع از محکمه ذیصلاح صدور حکم ضبط محصولات تقلبی یا تقلیدی یا تقاضای صدور حکم مؤقت مبنی بر عدم تولید، فروش یا ورود اجناس تقلبی یا تقلیدی را نماید.

(۲) محکمه به منظور جبران خساره جانب مقابل، قبل از صدور حکم مؤقت در مورد ضبط محصولات یا مبنی بر عدم تولید، فروش یا ورود اجناس، معترض را مکلف به ارایه تضمین مناسب نماید.

(۳) هرگاه معترض در خلال مدت ده روز از تاریخ صدور حکم محکمه، اقامه دعوی نه نماید، در این صورت معترض مکلف به پرداخت جبران خساره به جانب مقابل می باشد.

شپږم فصل نهائي حکومنه

د حق الثبت اندازه

اته څلورېنښتمه ماده:

د ثبت، لېږدېدو يا پرېښودو د حق او د اختراع يا اکتشاف د اجباري جواز د فیس اندازه، په جلا مقررہ کې ټاکل کېږي.

د مقررہ او کړنلارو وضع کېدل

نهه څلورېنښتمه ماده:

د سوداګرۍ او صنايعو وزارت کولی شي، د دی قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور، مقررې له پړاوونو څخه تېرې او لايحې او کړنلارې وضع کړي.

د انفاذ نېټه

پنځوسمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دی خپور شي.

فصل ششم احکام نهائي

اندازه حق الثبت

ماده چهل وهشتم :

اندازه حق الثبت، انتقال يا واگذاري و فیس جواز اجباري اختراع يا اکتشاف در مقررہ جداګانه تعیین می گردد.

وضع مقررہ ها و طرز العمل ها

ماده چهل ونهم:

وزارت تجارت و صنايع می تواند، به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون، مقررہ ها را طی مراحل و لوايح و طرز العمل ها را وضع نماید.

تاریخ انفاذ

ماده پنجاهم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد